



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عزیزان
علیهم الصلوات
والتسلیمات

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

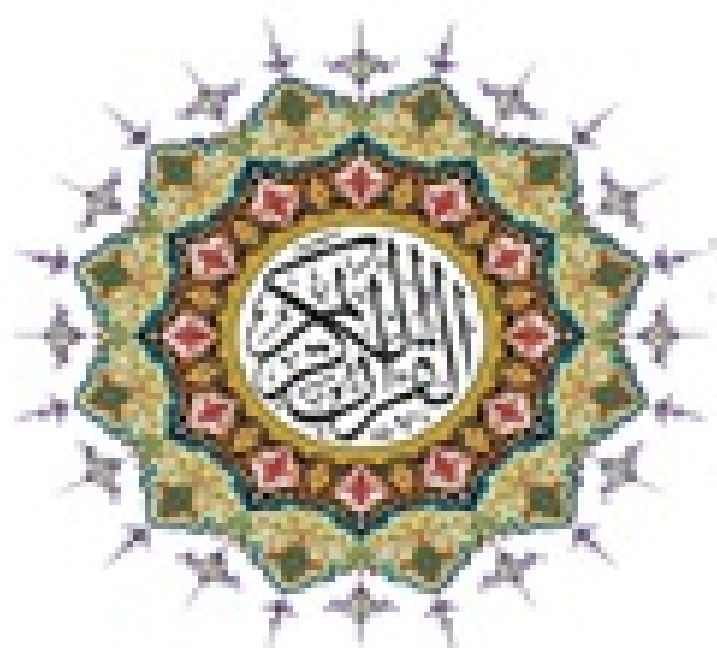
.com

.org

.net

.ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۱۰۰

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 100

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۵۷	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۱۰۰
۵۷	مشخصات کتاب
۵۷	۱- مکر
۵۷	۱- مکر
۵۹	۲- آثار اجتناب از مکر
۵۹	۳- آثار مکر
۶۱	۴- آثار مکر با خدا
۶۱	۵- آثار مکر با خود
۶۱	۶- آثار مکر خدا
۶۲	۷- آثار مکر دشمنان دین
۶۳	۸- آثار مکر زنان اشراف مصر
۶۳	۹- آثار مکر علیه دین
۶۳	۱۰- آثار مکر علیه محمد(صلی الله علیه و آله)
۶۵	۱۱- آثار مکر قدرتمندان
۶۵	۱۲- آثار مکر کافران
۶۵	۱۳- آثار مکر مستکبران
۶۶	۱۴- آثار مکر مشرکان
۶۷	۱۵- اخفای مکر زلیخا
۶۷	۱۶- استحکام مکر خدا
۶۷	۱۷- بزرگترین مکر
۶۹	۱۸- بی تأثیری مکر امت های پیشین
۶۹	۱۹- بی تأثیری مکر دشمنان دین
۶۹	۲۰- بی تأثیری مکر ظالمان

- ۲۱- بی تأثیری مکر علیه انبیا ۷۱
- ۲۲- بی تأثیری مکر علیه دین ۷۱
- ۲۳- بی تأثیری مکر فرعون ۷۳
- ۲۴- بی تأثیری مکر فرعونیان ۷۳
- ۲۵- بی تأثیری مکر کافران ۷۳
- ۲۶- بی تأثیری مکر مستکبران ۷۵
- ۲۷- بیمار دلان مدینه و مکر خدا ۷۵
- ۲۸- پاسخ مکر کافران ۷۵
- ۲۹- تشویق به مکر ۷۵
- ۳۰- تنوع مکر ظالمان ۷۷
- ۳۱- تهدید به مکر خدا ۷۷
- ۳۲- خدا و مکر خائنان ۷۷
- ۳۳- دفع مکر دشمنان انبیا ۷۷
- ۳۴- دفع مکر دشمنان دین ۷۹
- ۳۵- دفع مکر زنان اشراف مصر ۷۹
- ۳۶- دفع مکر کافران ۷۹
- ۳۷- زمینه مکر ۸۱
- ۳۸- زمینه مکر مشرکان صدر اسلام ۸۱
- ۳۹- زیان مکر ۸۱
- ۴۰- سرزنش مکر ۸۱
- ۴۱- سرزنش مکر با خود ۸۳
- ۴۲- سستی مکر کافران ۸۳
- ۴۳- شکست مکر خائنان ۸۳
- ۴۴- شکست مکر کافران ۸۳
- ۴۵- شکست ناپذیری مکر خدا ۸۵
- ۴۶- عزیز مصر و مکر زنان ۸۵

- ۴۷- عوامل مکر ۸۵
- ۴۸- قدرت مکر ظالمان ۸۷
- ۴۹- کیفر با مکر ۸۷
- ۵۰- گناه مکر ۸۸
- ۵۱- مبارزه با مکر دیگران ۸۹
- ۵۲- مبارزه با مکر مخالفان صالح(ع) ۸۹
- ۵۳- مبعوضت مکر ۸۹
- ۵۴- محدوده مکر ۸۹
- ۵۵- مکر ابلیس ۹۱
- ۵۶- مکر اشراف قریش ۹۱
- ۵۷- مکر اشراف مکه ۹۱
- ۵۸- مکر اصحاب فیل ۹۱
- ۵۹- مکر امت های پیشین ۹۳
- ۶۰- مکر انسان ها ۹۳
- ۶۱- مکر اهل کتاب ۹۳
- ۶۲- مکر با خدا ۹۵
- ۶۳- مکر با خود ۹۸
- ۶۴- مکر با سوگند ۹۹
- ۶۵- مکر با کافران ۱۰۰
- ۶۶- مکر با منافقان ۱۰۱
- ۶۷- مکر با موسی(ع) ۱۰۱
- ۶۸- مکر با مؤمنان ۱۰۱
- ۶۹- مکر برادران یوسف ۱۰۳
- ۷۰- مکر به خود ۱۰۷
- ۷۱- مکر به خویشاوندان ۱۰۷
- ۷۲- مکر به دشمنان دین ۱۰۷

- ۱۰۸- مکر به یوسف(ع) -----
- ۱۰۹- مکر ثروتمندان قوم نوح -----
- ۱۱۱- مکر جادوگران -----
- ۱۱۱- مکر جایز -----
- ۱۱۱- مکر حاکمان مصر باستان -----
- ۱۱۱- مکر خدا -----
- ۱۱۷- مکر خدا با کافران -----
- ۱۱۸- مکر در سخن -----
- ۱۱۹- مکر در صلح -----
- ۱۱۹- مکر در قیامت -----
- ۱۲۱- مکر دشمنان -----
- ۱۲۱- مکر دشمنان ادیان آسمانی -----
- ۱۲۱- مکر دشمنان اسلام -----
- ۱۲۲- مکر دشمنان دین -----
- ۱۲۳- مکر دشمنان قرآن -----
- ۱۲۳- مکر دشمنان محمد(صلی الله علیه و آله) -----
- ۱۲۳- مکر رهبران ظالم -----
- ۱۲۵- مکر زلیخا -----
- ۱۲۷- مکر زنان -----
- ۱۲۷- مکر زنان اشراف مصر -----
- ۱۲۹- مکر شیاطین -----
- ۱۲۹- مکر شیاطین انسی -----
- ۱۳۱- مکر شیاطین جنی -----
- ۱۳۱- مکر شیطان -----
- ۱۳۳- مکر ظالمان -----
- ۱۳۳- مکر علیه انبیا -----

- ۹۹- مکر علیه خانواده صالح(ع) ----- ۱۳۳
- ۱۰۰- مکر علیه دین ----- ۱۳۳
- ۱۰۱- مکر علیه صالح(ع) ----- ۱۳۵
- ۱۰۲- مکر علیه محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۱۳۵
- ۱۰۳- مکر علیه مخالفان صالح(ع) ----- ۱۳۵
- ۱۰۴- مکر علیه نوح(ع) ----- ۱۳۵
- ۱۰۵- مکر فرعون ----- ۱۳۷
- ۱۰۶- مکر فرعونیان ----- ۱۳۹
- ۱۰۷- مکر قدرتمندان قوم نوح ----- ۱۳۹
- ۱۰۸- مکر قوم ابراهیم ----- ۱۴۱
- ۱۰۹- مکر قوم عاد ----- ۱۴۱
- ۱۱۰- مکر کافران ----- ۱۴۱
- ۱۱۱- مکر کافران مکه ----- ۱۴۵
- ۱۱۲- مکر کفران کنندگان ----- ۱۴۵
- ۱۱۳- مکر مخالفان صالح(ع) ----- ۱۴۵
- ۱۱۴- مکر مشرکان ----- ۱۴۷
- ۱۱۵- مکر مشرکان صدر اسلام ----- ۱۴۹
- ۱۱۶- مکر معبودان باطل ----- ۱۴۹
- ۱۱۷- مکر مکذبان آیات خدا ----- ۱۴۹
- ۱۱۸- مکر مکذبان قیامت ----- ۱۴۹
- ۱۱۹- مکر منافقان ----- ۱۵۱
- ۱۲۰- مکر یهود ----- ۱۵۶
- ۱۲۱- ممانعت از مکر کافران ----- ۱۵۷
- ۱۲۲- منافقان مدینه و مکر خدا ----- ۱۵۷
- ۱۲۳- منشأ مکر برادران یوسف ----- ۱۵۷
- ۱۲۴- موارد مکر ----- ۱۵۷

- ۱۲۵- نجات از مکر ابلیس ۱۵۹
- ۱۲۶- نجات از مکر زلیخا ۱۵۹
- ۱۲۷- نجات از مکر زنان ۱۵۹
- ۱۲۸- نجات از مکر زنان اشراف مصر ۱۶۰
- ۱۲۹- نجات از مکر کافران ۱۶۱
- ۱۳۰- نشانه های بی تأثیری مکر کافران ۱۶۱
- ۱۳۱- نشانه های مکر خدا ۱۶۱
- ۱۳۲- نگرانی از مکر دشمنان ۱۶۳
- ۱۳۳- ویژگیهای مکر خدا ۱۶۳
- ۱۳۴- هوشیاری بر مکر زنان ۱۶۵
- ۱۳۵- یوسف(ع) و مکر زلیخا ۱۶۵
- ۱۳۶- یوسف(ع) و مکر زنان اشراف مصر ۱۶۵
- ۲- مکه ۱۶۸
- ۱- مکه ۱۶۸
- ۲- آبادانی مکه ۱۶۸
- ۳- آثار اجابت خواسته های کافران مکه ۱۷۰
- ۴- آثار امنیت مکه ۱۷۰
- ۵- آثار باستانی مکه ۱۷۰
- ۶- آثار بی عقلی اهل مکه ۱۷۲
- ۷- آثار تعصب مشرکان مکه ۱۷۲
- ۸- آثار تفکر طبقاتی اهل مکه ۱۷۲
- ۹- آثار تکبر مشرکان مکه ۱۷۲
- ۱۰- آثار توحید مسلمانان مکه ۱۷۴
- ۱۱- آثار جنگ با مشرکان مکه ۱۷۴
- ۱۲- آثار جهل اکثریت مشرکان مکه ۱۷۴
- ۱۳- آثار ختم قلب مشرکان مکه ۱۷۴

- ۱۴- آثار سلطه مشرکان مکه ۱۷۶
- ۱۵- آثار سنگینی گوش مشرکان مکه ۱۷۶
- ۱۶- آثار شبیه افکنی کافران مکه ۱۷۶
- ۱۷- آثار فتح مکه ۱۷۶
- ۱۸- آثار کفران اهل مکه ۱۷۸
- ۱۹- آثار گمراهی مشرکان مکه ۱۸۰
- ۲۰- آثار مادیگرایی اهل مکه ۱۸۰
- ۲۱- آثار هواپرستی مشرکان مکه ۱۸۰
- ۲۲- آثار باستانی مکه ۱۸۰
- ۲۳- آدم ربایی در اطراف مکه ۱۸۲
- ۲۴- آدم ربایی در مکه ۱۸۲
- ۲۵- آرزوی فتح مکه ۱۸۲
- ۲۶- آوارگی مسلمانان مکه ۱۸۲
- ۲۷- ابتلای کافران مکه ۱۸۴
- ۲۸- ابراهیم(ع) و کافران مکه ۱۸۴
- ۲۹- اتحاد مشرکان مکه ۱۸۴
- ۳۰- اتمام حجت بر کافران مکه ۱۸۴
- ۳۱- اتمام حجت بر مشرکان مکه ۱۸۶
- ۳۲- اجابت خواسته های کافران مکه ۱۸۶
- ۳۳- احترام اهل مکه ۱۸۶
- ۳۴- احترام مکه ۱۸۸
- ۳۵- احکام حرم مکه ۱۸۸
- ۳۶- احکام مکه ۱۸۸
- ۳۷- اختلاف کافران مکه با محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۹۰
- ۳۸- اختلاف مشرکان مکه با محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۹۰
- ۳۹- اختناق در مکه ۱۹۲

- ۴۰- اخراج محمد(صلی الله علیه و آله) از مکه ۱۹۲
- ۴۱- اخراج مسلمانان از مکه ۱۹۲
- ۴۲- اخراج مسلمانان مکه ۱۹۲
- ۴۳- اخراج مشرکان از مکه ۱۹۴
- ۴۴- اخلاق کافران مکه ۱۹۴
- ۴۵- ادعاهای کافران مکه ۱۹۴
- ۴۶- ادعاهای مشرکان مکه ۱۹۴
- ۴۷- ادعای مشرکان مکه ۱۹۶
- ۴۸- اذیت مسلمانان مکه ۱۹۶
- ۴۹- اذیتهای اهل مکه ۱۹۸
- ۵۰- اذیتهای کافران مکه ۱۹۸
- ۵۱- اذیتهای مشرکان مکه ۱۹۸
- ۵۲- ارزش انفاق پس از فتح مکه ۲۰۰
- ۵۳- ارزش انفاق قبل از فتح مکه ۲۰۰
- ۵۴- ارزش جهاد پس از فتح مکه ۲۰۰
- ۵۵- ارزش جهاد قبل از فتح مکه ۲۰۲
- ۵۶- ارزش مکه ۲۰۲
- ۵۷- استبعاد مشرکان مکه ۲۰۲
- ۵۸- استقلال فکری کافران مکه ۲۰۲
- ۵۹- استکبار مشرکان مکه ۲۰۴
- ۶۰- استهزاهای کافران مکه ۲۰۴
- ۶۱- استهزاهای مشرکان مکه ۲۰۶
- ۶۲- اسکان اسماعیل(ع) در مکه ۲۰۸
- ۶۳- اسکان نسل ابراهیم(ع) در مکه ۲۰۸
- ۶۴- اسکان هاجر در مکه ۲۰۹
- ۶۵- اطمینان کافران مکه ۲۱۰

- ۶۶- اعتراض اخروی مشرکان مکه - ۲۱۰
- ۶۷- اعراض مشرکان مکه - ۲۱۰
- ۶۸- اغواگری کافران مکه - ۲۱۲
- ۶۹- افتراهای مشرکان مکه - ۲۱۲
- ۷۰- افساد کافران مکه - ۲۱۲
- ۷۱- افساد مشرکان مکه - ۲۱۲
- ۷۲- اقرار مشرکان مکه - ۲۱۳
- ۷۳- اکثریت کافران مکه - ۲۱۴
- ۷۴- اکثریت مشرکان مکه - ۲۱۴
- ۷۵- امکانات مادی مشرکان مکه - ۲۱۴
- ۷۶- امکانات مشرکان مکه - ۲۱۶
- ۷۷- امنیت اهل مکه - ۲۱۶
- ۷۸- امنیت حرم مکه - ۲۱۶
- ۷۹- امنیت مکه - ۲۱۸
- ۸۰- امنیت مکه در صدر اسلام - ۲۲۰
- ۸۱- امیدواری کافران مکه - ۲۲۰
- ۸۲- انبیا در مکه - ۲۲۲
- ۸۳- انتقاد مشرکان مکه - ۲۲۲
- ۸۴- انتقام از مشرکان مکه - ۲۲۲
- ۸۵- انذار اهل مکه - ۲۲۲
- ۸۶- انذار کافران مکه - ۲۲۴
- ۸۷- انذار مردم اطراف مکه - ۲۲۴
- ۸۸- انذار مردم مکه - ۲۲۶
- ۸۹- انذار مشرکان مکه - ۲۲۶
- ۹۰- اتفاق پس از فتح مکه - ۲۲۶
- ۹۱- اتفاق قبل از فتح مکه - ۲۲۸

- ۹۲- انگیزه کافران مکه ۲۲۸
- ۹۳- انگیزه مشرکان مکه ۲۲۸
- ۹۴- اولین نبی در مکه ۲۲۸
- ۹۵- اولین نبی سرزمین مکه ۲۳۰
- ۹۶- اهتمام ابراهیم(ع) به امنیت مکه ۲۳۰
- ۹۷- اهل مکه در صدر اسلام ۲۳۰
- ۹۸- اهل مکه و آثار باستانی اصحاب ایکه ۲۳۲
- ۹۹- اهل مکه و آثار باستانی قوم لوط ۲۳۲
- ۱۰۰- اهل مکه و تاریخ ۲۳۳
- ۱۰۱- اهل مکه و دعوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۳۴
- ۱۰۲- اهل مکه و سرزمین قوم لوط ۲۳۴
- ۱۰۳- اهل مکه و فرجام فرعون ۲۳۴
- ۱۰۴- اهل مکه و فرجام قوم ثمود ۲۳۴
- ۱۰۵- اهل مکه و محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۳۶
- ۱۰۶- اهمیت امنیت مکه ۲۳۶
- ۱۰۷- اهمیت فتح مکه ۲۳۶
- ۱۰۸- اهمیت مکه ۲۳۸
- ۱۰۹- ایمان مشرکان مکه ۲۴۰
- ۱۱۰- ایمان نسل کافران مکه ۲۴۰
- ۱۱۱- بازگشت محمد(صلی الله علیه و آله) به مکه ۲۴۱
- ۱۱۲- بانیان مکه ۲۴۲
- ۱۱۳- بت پرستی اهل مکه ۲۴۲
- ۱۱۴- بت پرستی در مکه ۲۴۳
- ۱۱۵- بت پرستی مشرکان مکه ۲۴۴
- ۱۱۶- بشارت فتح مکه ۲۴۴
- ۱۱۷- بلندی مکه ۲۴۶

- ۱۱۸- بنی اسرائیل و مشرکان مکه ۲۴۶
- ۱۱۹- بهانه جویی اشراف مکه ۲۴۷
- ۱۲۰- بهانه جویی کافران مکه ۲۴۸
- ۱۲۱- بهانه جویی مشرکان مکه ۲۴۸
- ۱۲۲- بی احترامی اهل مکه ۲۵۱
- ۱۲۳- بی ادبی کافران مکه ۲۵۲
- ۱۲۴- بی اعتنایی به مشرکان مکه ۲۵۲
- ۱۲۵- بی ایمانی مشرکان مکه ۲۵۳
- ۱۲۶- بی تأثیری جوسازی کافران مکه ۲۵۴
- ۱۲۷- بی عقلی مشرکان مکه ۲۵۴
- ۱۲۸- بی منطقی کافران مکه ۲۵۶
- ۱۲۹- بی منطقی مشرکان مکه ۲۵۶
- ۱۳۰- بینش اشراف مکه ۲۵۸
- ۱۳۱- بینش اهل مکه ۲۵۸
- ۱۳۲- بینش کافران مکه ۲۵۸
- ۱۳۳- بینش مشرکان مکه ۲۶۱
- ۱۳۴- پرسشهای اهل مکه ۲۶۸
- ۱۳۵- پرسردوستی مشرکان مکه ۲۶۸
- ۱۳۶- پیشگویی ارتداد مشرکان مکه ۲۷۰
- ۱۳۷- پیشگویی فتح مکه ۲۷۰
- ۱۳۸- تأمین معاش مسلمانان مکه ۲۷۰
- ۱۳۹- تاریخ مکه ۲۷۲
- ۱۴۰- تبعید از مکه ۲۷۸
- ۱۴۱- تبعید اهل مکه ۲۸۰
- ۱۴۲- تبلیغ علیه مسلمانان مکه ۲۸۰
- ۱۴۳- تبلیغ مسلمانان مکه ۲۸۰

- ۱۴۴- تبلیغ مشرکان مکه ۲۸۰
- ۱۴۵- تجارت در مکه ۲۸۲
- ۱۴۶- تجاهل مشرکان مکه ۲۸۲
- ۱۴۷- ترس کافران مکه ۲۸۲
- ۱۴۸- ترک احتجاج با کافران مکه ۲۸۲
- ۱۴۹- ترک مجادله با مشرکان مکه ۲۸۴
- ۱۵۰- ترویج قصه های خرافی در مکه ۲۸۴
- ۱۵۱- تشبیه موقعیت فرهنگی اهل مکه ۲۸۴
- ۱۵۲- تشریح انفاق در مکه ۲۸۶
- ۱۵۳- تشریح نماز در مکه ۲۸۶
- ۱۵۴- تعدد معبودان مشرکان مکه ۲۸۶
- ۱۵۵- تعصب کافران مکه ۲۸۶
- ۱۵۶- تعصب مشرکان مکه ۲۸۶
- ۱۵۷- تقویت عقیده مشرکان مکه ۲۸۸
- ۱۵۸- تقیه مسلمانان مکه ۲۸۹
- ۱۵۹- تکبر کافران مکه ۲۹۰
- ۱۶۰- تکذیبگری کافران مکه ۲۹۰
- ۱۶۱- تکذیبگری مشرکان مکه ۲۹۲
- ۱۶۲- تلاش کافران مکه ۲۹۳
- ۱۶۳- تلاش مشرکان مکه ۲۹۴
- ۱۶۴- تناقض گویی کافران مکه ۲۹۵
- ۱۶۵- تنفر کافران مکه ۲۹۶
- ۱۶۶- توحید در مکه ۲۹۶
- ۱۶۷- توصیه به مشرکان مکه ۲۹۶
- ۱۶۸- توطئه اشراف مکه ۲۹۶
- ۱۶۹- توطئه کافران مکه ۲۹۸

- ۱۷۰- توطئه مشرکان مکه ۳۰۰
- ۱۷۱- توطئه های پنهانی مشرکان مکه ۳۰۱
- ۱۷۲- توقع نبوت اشرف مکه ۳۰۲
- ۱۷۳- توقعات بیجای مشرکان مکه ۳۰۲
- ۱۷۴- تهدید کافران مکه ۳۰۲
- ۱۷۵- تهدید مشرکان مکه ۳۰۴
- ۱۷۶- تهمت‌های کافران مکه ۳۰۶
- ۱۷۷- تهمت‌های مشرکان مکه ۳۰۸
- ۱۷۸- جبرگرایی مشرکان مکه ۳۰۸
- ۱۷۹- جلسات مخفی مشرکان مکه ۳۱۰
- ۱۸۰- جنگ با مشرکان مکه ۳۱۰
- ۱۸۱- جوسازی کافران مکه ۳۱۰
- ۱۸۲- جوسازی مشرکان مکه ۳۱۲
- ۱۸۳- جهاد با اهل مکه ۳۱۲
- ۱۸۴- جهاد با مشرکان مکه ۳۱۲
- ۱۸۵- جهاد پس از فتح مکه ۳۱۴
- ۱۸۶- جهاد قبل از فتح مکه ۳۱۴
- ۱۸۷- جهل اکثریت اهل مکه ۳۱۴
- ۱۸۸- جهل اکثریت مشرکان مکه ۳۱۶
- ۱۸۹- جهل کافران مکه ۳۱۶
- ۱۹۰- حاطب ابن ابی بلتعه و مشرکان مکه ۳۱۶
- ۱۹۱- حاکمان مکه ۳۱۶
- ۱۹۲- حس گرایی کافران مکه ۳۱۸
- ۱۹۳- حس گرایی مشرکان مکه ۳۱۸
- ۱۹۴- حسادت اهل مکه ۳۲۰
- ۱۹۵- حق ستیزی کافران مکه ۳۲۰

- ۱۹۶- حق ستیزی مشرکان مکه ۳۲۰
- ۱۹۷- حق ناپذیری کافران مکه ۳۲۲
- ۱۹۸- حق ناپذیری مشرکان مکه ۳۲۴
- ۱۹۹- حق ناشنوایی مشرکان مکه ۳۲۴
- ۲۰۰- حقوق مسلمانان مکه ۳۲۵
- ۲۰۱- حمایت از مسلمانان ناشناخته مکه ۳۲۶
- ۲۰۲- خانواده مهاجران به مکه ۳۲۶
- ۲۰۳- خدشناسی مشرکان مکه ۳۲۶
- ۲۰۴- خطای مشرکان مکه ۳۳۰
- ۲۰۵- خواسته کافران کافران مکه ۳۳۰
- ۲۰۶- خواسته های کافران مکه ۳۳۰
- ۲۰۷- خواسته های مشرکان مکه ۳۳۲
- ۲۰۸- خویشاوندی اهل مکه و ابراهیم(ع) ۳۳۷
- ۲۰۹- درب خانه های مکه ۳۳۸
- ۲۱۰- درخواست امنیت مکه ۳۳۸
- ۲۱۱- درخواست رونق اقتصادی مکه ۳۳۹
- ۲۱۲- درخواست علاقه مردم به مکه ۳۴۰
- ۲۱۳- درخواست نعمت برای اهل مکه ۳۴۰
- ۲۱۴- دروغگویی کافران مکه ۳۴۰
- ۲۱۵- دروغگویی مشرکان مکه ۳۴۲
- ۲۱۶- دشمنی اهل مکه ۳۴۲
- ۲۱۷- دشمنی با مسلمانان مکه ۳۴۲
- ۲۱۸- دشمنی کافران مکه ۳۴۲
- ۲۱۹- دشمنی مشرکان مکه ۳۴۴
- ۲۲۰- دعای کافران مکه ۳۴۶
- ۲۲۱- دعای مستضعفان مکه ۳۴۶

- ۳۴۸ ----- ۲۲۲- دعوت از اهل مکه
- ۳۴۸ ----- ۲۲۳- دعوت از مشرکان مکه
- ۳۴۹ ----- ۲۲۴- دعوت به مسافرت مکه
- ۳۵۰ ----- ۲۲۵- دلایل کفر مشرکان مکه
- ۳۵۰ ----- ۲۲۶- دنیاطلبی مشرکان مکه
- ۳۵۰ ----- ۲۲۷- دوستی اهل مدینه و اهل مکه
- ۳۵۰ ----- ۲۲۸- دوستی با مشرکان مکه
- ۳۵۲ ----- ۲۲۹- دین اهل مکه
- ۳۵۲ ----- ۲۳۰- ذلت دنیوی مشرکان مکه
- ۳۵۲ ----- ۲۳۱- رحمت بر مسلمانان مکه
- ۳۵۳ ----- ۲۳۲- رد ادعای مشرکان مکه
- ۳۵۴ ----- ۲۳۳- رفاه اهل مکه
- ۳۵۴ ----- ۲۳۴- رفتار ناپسند کافران مکه
- ۳۵۴ ----- ۲۳۵- رفع عذاب دنیوی مشرکان مکه
- ۳۵۶ ----- ۲۳۶- روش برخورد اشراف مکه
- ۳۵۶ ----- ۲۳۷- روش برخورد کافران مکه
- ۳۶۰ ----- ۲۳۸- روش برخورد مشرکان مکه
- ۳۶۲ ----- ۲۳۹- روش مبارزه مشرکان مکه
- ۳۶۲ ----- ۲۴۰- رونق اقتصادی مکه
- ۳۶۲ ----- ۲۴۱- زمینه آمرزش اهل مکه
- ۳۶۴ ----- ۲۴۲- زمینه اسلام مشرکان مکه
- ۳۶۴ ----- ۲۴۳- زمینه شرک اهل مکه
- ۳۶۴ ----- ۲۴۴- زمینه عجله کافران مکه
- ۳۶۴ ----- ۲۴۵- زمینه عذاب کافران مکه
- ۳۶۶ ----- ۲۴۶- زمینه کفر اهل مکه
- ۳۶۶ ----- ۲۴۷- زمینه محبت اهل مکه

- ۲۴۸- زمينه مسافرت محمد(صلى الله عليه و آله) به مکه - ۳۶۶
- ۲۴۹- زمينه هلاکت کافران مکه - ۳۶۸
- ۲۵۰- زنان مؤمن مکه - ۳۶۸
- ۲۵۱- زيان به مسلمانان ناشناخته مکه - ۳۶۸
- ۲۵۲- سخيهاي اهل مکه - ۳۶۹
- ۲۵۳- سرزنش کافران مکه - ۳۷۰
- ۲۵۴- سرزنش مشرکان مکه - ۳۷۰
- ۲۵۵- سرکوبي مشرکان مکه - ۳۷۲
- ۲۵۶- سرگرداني کافران مکه - ۳۷۳
- ۲۵۷- سطح زندگي کافران مکه - ۳۷۴
- ۲۵۸- سکونت قریش در مکه - ۳۷۴
- ۲۵۹- سکونت محمد(صلى الله عليه و آله) در مکه - ۳۷۴
- ۲۶۰- سلطه کافران بر مکه - ۳۷۶
- ۲۶۱- سوگند به مکه - ۳۷۶
- ۲۶۲- سوگند مشرکان مکه - ۳۷۸
- ۲۶۳- شرايط ايمان مشرکان مکه - ۳۷۸
- ۲۶۴- شرک اکثريت اهل مکه - ۳۸۱
- ۲۶۵- شرک اهل مکه - ۳۸۲
- ۲۶۶- شرک در مکه - ۳۸۲
- ۲۶۷- شرک مشرکان مکه - ۳۸۲
- ۲۶۸- شک اهل مکه - ۳۸۴
- ۲۶۹- شک کافران مکه - ۳۸۴
- ۲۷۰- شک مشرکان مکه - ۳۸۴
- ۲۷۱- شکايت از کافران مکه - ۳۸۶
- ۲۷۲- شکست اهل مکه - ۳۸۶
- ۲۷۳- شکست کافران اطراف مکه - ۳۸۶

- ۲۷۴- شکست کافران مکه ۳۸۶
- ۲۷۵- شکست مشرکان مکه ۳۸۸
- ۲۷۶- شگفتی بی احترامی به مکه ۳۸۸
- ۲۷۷- شگفتی تکذیبگری کافران مکه ۳۸۸
- ۲۷۸- شگفتی مشرکان مکه ۳۹۰
- ۲۷۹- شهر مکه ۳۹۰
- ۲۸۰- شیطان و کافران مکه ۳۹۱
- ۲۸۱- صاحب مکه ۳۹۲
- ۲۸۲- صبر بر ظلم مشرکان مکه ۳۹۲
- ۲۸۳- صبر مسلمانان مکه ۳۹۲
- ۲۸۴- صفات کافران مکه ۳۹۲
- ۲۸۵- صید در حرم مکه ۳۹۴
- ۲۸۶- ضیق صدر کافران مکه ۳۹۴
- ۲۸۷- ضیق صدر مشرکان مکه ۳۹۴
- ۲۸۸- طغیان کافران مکه ۳۹۶
- ۲۸۹- ظلم کافران مکه ۳۹۶
- ۲۹۰- ظلم مشرکان مکه ۳۹۶
- ۲۹۱- عبادت کافران مکه ۳۹۸
- ۲۹۲- عجز کافران مکه ۴۰۰
- ۲۹۳- عجز مشرکان مکه ۴۰۰
- ۲۹۴- عذاب استیصال مشرکان مکه ۴۰۰
- ۲۹۵- عذاب اهل مکه ۴۰۰
- ۲۹۶- عذاب دنیوی اهل مکه ۴۰۲
- ۲۹۷- عذاب دنیوی کافران مکه ۴۰۲
- ۲۹۸- عذاب دنیوی مشرکان مکه ۴۰۲
- ۲۹۹- عذاب کافران مکه ۴۰۴

- ۳۰۰- عذاب مشرکان مکه ۴۰۴
- ۳۰۱- عصیان اهل مکه ۴۰۴
- ۳۰۲- عظمت مکه ۴۰۶
- ۳۰۳- عفو از مشرکان مکه ۴۰۶
- ۳۰۴- عقیده کافران مکه ۴۰۸
- ۳۰۵- عقیده مسلمانان مکه ۴۰۸
- ۳۰۶- عقیده مشرکان مکه ۴۰۸
- ۳۰۷- عقیده باطل مشرکان مکه ۴۱۴
- ۳۰۸- علاقه به فتح مکه ۴۱۴
- ۳۰۹- علاقه به مکه ۴۱۴
- ۳۱۰- علاقه به هدایت کافران مکه ۴۱۴
- ۳۱۱- علاقه مندان به اسلام در مکه ۴۱۶
- ۳۱۲- علایق مشرکان مکه ۴۱۶
- ۳۱۳- علم اهل مکه ۴۱۶
- ۳۱۴- عمر طولانی اهل مکه ۴۱۸
- ۳۱۵- عواطف خویشاوندی مشرکان مکه ۴۱۸
- ۳۱۶- عوامل امنیت مکه ۴۱۸
- ۳۱۷- عوامل تکبر اهل مکه ۴۲۰
- ۳۱۸- عوامل سرور مشرکان مکه ۴۲۰
- ۳۱۹- عوامل عظمت مکه ۴۲۰
- ۳۲۰- عوامل عقب ماندگی اهل مکه ۴۲۰
- ۳۲۱- عوامل غفلت اهل مکه ۴۲۲
- ۳۲۲- عوامل فقر در مکه ۴۲۲
- ۳۲۳- عوامل گرسنگی در مکه ۴۲۲
- ۳۲۴- عوامل مصونیت کافران مکه ۴۲۴
- ۳۲۵- عوامل مؤثر در اسلام اهل مکه ۴۲۴

- ۳۲۶- عوامل مؤثر در اسلام مردم اطراف مکه ۴۲۴
- ۳۲۷- عوامل ناامنی در مکه ۴۲۴
- ۳۲۸- عوامل هدایت ناپذیری مشرکان مکه ۴۲۶
- ۳۲۹- عهد مشرکان مکه ۴۲۶
- ۳۳۰- غفلت مشرکان مکه ۴۲۶
- ۳۳۱- فرجام شوم مشرکان مکه ۴۲۶
- ۳۳۲- فرجام مشرکان مکه ۴۲۸
- ۳۳۳- فضایل مسلمانان مکه ۴۲۸
- ۳۳۴- فضایل مکه ۴۲۸
- ۳۳۵- فضایل مؤمنان مکه ۴۳۰
- ۳۳۶- فضیلت مکه ۴۳۰
- ۳۳۷- فلسفه اسکان نسل ابراهیم(ع) در مکه ۴۳۲
- ۳۳۸- فلسفه امنیت اهل مکه ۴۳۴
- ۳۳۹- فلسفه خواسته های مشرکان مکه ۴۳۴
- ۳۴۰- فلسفه ردّ خواسته های کافران مکه ۴۳۴
- ۳۴۱- فلسفه رفع گرسنگی اهل مکه ۴۳۴
- ۳۴۲- فلسفه سوگند به مکه ۴۳۶
- ۳۴۳- فلسفه فتح مکه ۴۳۶
- ۳۴۴- فلسفه مهلت به کافران مکه ۴۳۶
- ۳۴۵- فواید اقتصادی مشرکان در مکه ۴۳۶
- ۳۴۶- قبله اهل مکه ۴۳۸
- ۳۴۷- قبله مردم دور از مکه ۴۳۸
- ۳۴۸- قحطی در مکه ۴۳۸
- ۳۴۹- قداست مکه ۴۳۸
- ۳۵۰- قدرت مشرکان مکه ۴۴۰
- ۳۵۱- قصه فتح مکه ۴۴۱

- ۴۴۲ ۳۵۲- قلت مسلمانان در مکه
- ۴۴۲ ۳۵۳- قیاس مشرکان مکه
- ۴۴۲ ۳۵۴- کافران در مکه
- ۴۴۳ ۳۵۵- کافران مکه
- ۴۴۴ ۳۵۶- کافران مکه در غزوه بدر
- ۴۴۴ ۳۵۷- کافران مکه در قیامت
- ۴۴۴ ۳۵۸- کافران مکه و آیات خدا
- ۴۴۶ ۳۵۹- کافران مکه و اسلام
- ۴۴۶ ۳۶۰- کافران مکه و حق
- ۴۴۶ ۳۶۱- کافران مکه و خدا
- ۴۴۷ ۳۶۲- کافران مکه و دعا
- ۴۴۸ ۳۶۳- کافران مکه و قرآن
- ۴۵۲ ۳۶۴- کافران مکه و کعبه
- ۴۵۳ ۳۶۵- کافران مکه و گناه ارتداد
- ۴۵۴ ۳۶۶- کافران مکه و محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۴۵۶ ۳۶۷- کافران مکه و معجزه
- ۴۵۸ ۳۶۸- کافران مکه و ملائکه
- ۴۵۸ ۳۶۹- کافران مکه و نبوت بشر
- ۴۵۸ ۳۷۰- کافران مکه و وحی
- ۴۶۰ ۳۷۱- کفر اشراف مکه
- ۴۶۰ ۳۷۲- کفر اهل مکه
- ۴۶۰ ۳۷۳- کفر کافران مکه
- ۴۶۲ ۳۷۴- کفر مشرکان مکه
- ۴۶۴ ۳۷۵- کفران مشرکان مکه
- ۴۶۴ ۳۷۶- کفران نعمت مشرکان مکه
- ۴۶۴ ۳۷۷- کم آبی در مکه

- ۳۷۸- کنیزان مغنی در مکه ۴۶۶
- ۳۷۹- کیفیر دنیوی مشرکان مکه ۴۶۶
- ۳۸۰- کیفیر مشرکان مکه ۴۶۶
- ۳۸۱- گمراهان مکه و قرآن ۴۶۸
- ۳۸۲- گناه ظلم در مکه ۴۶۸
- ۳۸۳- گناه کافران مکه ۴۶۸
- ۳۸۴- گناه مشرکان مکه ۴۶۸
- ۳۸۵- لجاجت کافران مکه ۴۷۰
- ۳۸۶- لجاجت مشرکان مکه ۴۷۲
- ۳۸۷- ماده گرای مشرکان مکه ۴۷۶
- ۳۸۸- مادیگرایی مشرکان مکه ۴۷۶
- ۳۸۹- ماههای مهلت به مشرکان مکه ۴۷۷
- ۳۹۰- مبارزه با مشرکان مکه ۴۷۸
- ۳۹۱- مبارزه کافران مکه ۴۷۸
- ۳۹۲- مبارزه مشرکان مکه ۴۷۸
- ۳۹۳- مبانی عقیدتی مشرکان مکه ۴۸۰
- ۳۹۴- مجادله بامشرکان مکه ۴۸۰
- ۳۹۵- مجادله مشرکان مکه ۴۸۰
- ۳۹۶- محافظت از مسلمانان ناشناخته مکه ۴۸۲
- ۳۹۷- محبت اهل مکه به مؤمنان ۴۸۲
- ۳۹۸- محدوده تلاش مسلمانان مکه ۴۸۲
- ۳۹۹- محرومیت اهل مکه ۴۸۳
- ۴۰۰- محرومیت اهل مکه از کتاب آسمانی ۴۸۴
- ۴۰۱- محرومیت کافران مکه ۴۸۴
- ۴۰۲- محرومیت مشرکان مکه ۴۸۶
- ۴۰۳- محمد(صلی الله علیه و آله) از اهل مکه ۴۸۶

- ۴۰۴- محمد(صلی الله علیه و آله) در مکه ----- ۴۸۶
- ۴۰۵- محمد(صلی الله علیه و آله) و مشرکان مکه ----- ۴۸۸
- ۴۰۶- مخالفت اشراف مکه ----- ۴۸۸
- ۴۰۷- مخالفت قدرتمندان مکه ----- ۴۸۹
- ۴۰۸- مدت مهلت به مشرکان مکه ----- ۴۹۰
- ۴۰۹- مردان مؤمن مکه ----- ۴۹۰
- ۴۱۰- مرکزیت مکه ----- ۴۹۰
- ۴۱۱- مسافرت محمد(صلی الله علیه و آله) به مکه ----- ۴۹۲
- ۴۱۲- مسافرت مؤمنان به مکه ----- ۴۹۲
- ۴۱۳- مسلمانان پس از فتح مکه ----- ۴۹۲
- ۴۱۴- مسلمانان قبل از فتح مکه ----- ۴۹۳
- ۴۱۵- مسلمانان مکه ----- ۴۹۴
- ۴۱۶- مسلمانان ناشناخته مکه ----- ۴۹۴
- ۴۱۷- مسیحیان در مکه ----- ۴۹۵
- ۴۱۸- مشرکان مکه ----- ۴۹۶
- ۴۱۹- مشرکان مکه در غزوه احزاب ----- ۴۹۷
- ۴۲۰- مشرکان مکه در غزوه بدر ----- ۴۹۸
- ۴۲۱- مشرکان مکه و آیات خدا ----- ۵۰۰
- ۴۲۲- مشرکان مکه و احکام ذبح ----- ۵۰۰
- ۴۲۳- مشرکان مکه و پیروان انجیل ----- ۵۰۰
- ۴۲۴- مشرکان مکه و پیروان تورات ----- ۵۰۲
- ۴۲۵- مشرکان مکه و قرآن ----- ۵۰۲
- ۴۲۶- مشرکان مکه و قصه نوح(ع) ----- ۵۰۴
- ۴۲۷- مشرکان مکه و محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۵۰۴
- ۴۲۸- مشرکان مکه و مسلمانان ----- ۵۰۸
- ۴۲۹- مشرکان مکه و مشیت خدا ----- ۵۰۸

- ۴۳۰- مشرکان مکه و معجزه ۵۰۸
- ۴۳۱- مشرکان مکه و مؤمنان ۵۰۹
- ۴۳۲- مشرکان مکه و نبوت ۵۱۰
- ۴۳۳- مشرکان مکه و نبوت بشر ۵۱۰
- ۴۳۴- مشرکان مکه و نزول وحی ۵۱۰
- ۴۳۵- مشرکان مکه و هشدارهای انبیا ۵۱۲
- ۴۳۶- مشکلات کافران مکه ۵۱۲
- ۴۳۷- مشکلات محمد(صلی الله علیه و آله) در مکه ۵۱۲
- ۴۳۸- مشکلات مسلمانان مکه ۵۱۲
- ۴۳۹- مصایب کافران اطراف مکه ۵۱۴
- ۴۴۰- مصایب کافران مکه ۵۱۴
- ۴۴۱- مصونیت از مشرکان مکه ۵۱۶
- ۴۴۲- مصونیت مسلمانان مکه ۵۱۶
- ۴۴۳- معاهده مشرکان مکه ۵۱۶
- ۴۴۴- مکر اشراف مکه ۵۱۶
- ۴۴۵- مکر کافران مکه ۵۱۸
- ۴۴۶- مکه در دوران ابراهیم(ع) ۵۱۸
- ۴۴۷- مکه مسلمانان ۵۱۸
- ۴۴۸- ممانعت از جنگ با مشرکان مکه ۵۱۸
- ۴۴۹- ممانعت حاجیان از مکه ۵۲۰
- ۴۵۰- منشأ امنیت مکه ۵۲۰
- ۴۵۱- منشأ بت پرستی مشرکان مکه ۵۲۰
- ۴۵۲- منشأ بهانه جویی مشرکان مکه ۵۲۲
- ۴۵۳- منشأ رشد اقتصادی مکه ۵۲۲
- ۴۵۴- منشأ روزی اهل مکه ۵۲۲
- ۴۵۵- منشأ صلح اهل مکه ۵۲۲

- ۴۵۶- منشأ فتح مکه - ۵۲۴
- ۴۵۷- منفعت طلبی مشرکان مکه - ۵۲۴
- ۴۵۸- موانع تجاوز به مکه - ۵۲۴
- ۴۵۹- موانع دوستی با مشرکان مکه - ۵۲۴
- ۴۶۰- موانع عذاب کافران مکه - ۵۲۶
- ۴۶۱- موضعگیری مشرکان مکه - ۵۲۶
- ۴۶۲- موقعیت اجتماعی کافران مکه - ۵۲۸
- ۴۶۳- موقعیت اجتماعی مکه - ۵۲۸
- ۴۶۴- موقعیت اجتماعی مکه در صدراسلام - ۵۲۸
- ۴۶۵- موقعیت اقتصادی کافران مکه - ۵۲۸
- ۴۶۶- موقعیت اقتصادی مکه - ۵۳۰
- ۴۶۷- موقعیت جغرافیایی مکه - ۵۳۰
- ۴۶۸- موقعیت جوی مکه - ۵۳۰
- ۴۶۹- موقعیت مکه - ۵۳۲
- ۴۷۰- مؤمنان پس از فتح مکه - ۵۳۲
- ۴۷۱- مؤمنان قبل از فتح مکه - ۵۳۳
- ۴۷۲- مهلت به کافران مکه - ۵۳۴
- ۴۷۳- مهلت به مشرکان مکه - ۵۳۴
- ۴۷۴- میوه در مکه - ۵۳۴
- ۴۷۵- نامنی در اطراف مکه - ۵۳۴
- ۴۷۶- نامگذاری مکه - ۵۳۶
- ۴۷۷- نامهای مکه - ۵۳۶
- ۴۷۸- نجات از توطئه کافران مکه - ۵۳۶
- ۴۷۹- نزدیکی سرزمین قوم ثمود به مکه - ۵۳۸
- ۴۸۰- نزدیکی سرزمین قوم عاد به مکه - ۵۳۸
- ۴۸۱- نعمت امنیت مکه - ۵۳۸

- ۴۸۲- نعمت صلح با اهل مکه ۵۳۸
- ۴۸۳- نعمتهای اهل مکه ۵۴۰
- ۴۸۴- نعمتهای دنیوی اهل مکه ۵۴۰
- ۴۸۵- نعمتهای مشرکان مکه ۵۴۰
- ۴۸۶- نقش رهبران مشرکان مکه ۵۴۰
- ۴۸۷- نقش مسلمانان مکه ۵۴۲
- ۴۸۸- نقش مکه ۵۴۲
- ۴۸۹- نگرانی مسلمانان مکه ۵۴۲
- ۴۹۰- نهبی از اجاره خانه های مکه ۵۴۲
- ۴۹۱- نیازهای اهل مکه ۵۴۴
- ۴۹۲- واردات مکه ۵۴۴
- ۴۹۳- ورود مسلمانان به مکه ۵۴۴
- ۴۹۴- ورود مؤمنان به مکه ۵۴۶
- ۴۹۵- وعده شکست کافران مکه ۵۴۶
- ۴۹۶- وعده فتح مکه ۵۴۶
- ۴۹۷- وعده هلاکت کافران مکه ۵۴۷
- ۴۹۸- ویژگیهای مکه ۵۴۸
- ۴۹۹- هتک قداست مکه ۵۴۸
- ۵۰۰- هجرت از مکه ۵۵۰
- ۵۰۱- هجرت مسلمانان از مکه ۵۵۲
- ۵۰۲- هجرت مسلمانان مکه ۵۵۲
- ۵۰۳- هجوم ابرهه به مکه ۵۵۴
- ۵۰۴- هجوم اصحاب فیل به مکه ۵۵۴
- ۵۰۵- هدایت کافران مکه ۵۵۴
- ۵۰۶- هدایت ناپذیری کافران مکه ۵۵۴
- ۵۰۷- هدایت ناپذیری مشرکان مکه ۵۵۶

- ۵۰۸- هشدار به اشراف مکه ۵۵۶
- ۵۰۹- هشدار به حق ناپذیران مکه ۵۵۶
- ۵۱۰- هشدار به کافران مکه ۵۵۶
- ۵۱۱- هشدار به مستکبران مکه ۵۵۸
- ۵۱۲- هشدار به مشرکان مکه ۵۵۸
- ۵۱۳- هلاکت کافران اطراف مکه ۵۶۰
- ۵۱۴- هلاکت کافران مکه ۵۶۰
- ۵۱۵- هلاکت مشرکان مکه ۵۶۲
- ۵۱۶- هماهنگی مشرکان مکه و فرعونیان ۵۶۲
- ۵۱۷- هواپرستی کافران مکه ۵۶۳
- ۵۱۸- هواپرستی مشرکان مکه ۵۶۴
- ۵۱۹- یأس از ایمان مشرکان مکه ۵۶۵
- ۵۲۰- یهود در مکه ۵۶۶
- ۳- ملاکها ۵۶۷
- ۱- تزاحم ملاکها ۵۶۷
- ۲- ملاکها در نظام جزایی ۵۶۷
- ۳- {ملاکهای عرفی} ۵۶۸
- ۴- ملاکهای عرفی ۵۷۲
- ۵- {ملاک عرفی} ۵۷۲
- ۶- ملاک عرفی ۵۷۲
- ۴- ملانکه ۵۷۵
- ۱- ملانکه ۵۷۵
- ۲- آثار استغفار ملانکه ۵۷۷
- ۳- آثار ترس ملانکه ۵۷۷
- ۴- آثار جهل ملانکه ۵۷۹
- ۵- آثار درک صحیح ملانکه ۵۷۹

- ۵۷۹ ۶- آثار دعای ملائکه
- ۵۷۹ ۷- آثار ذکر ملائکه ثبت عمل
- ۵۸۱ ۸- آثار سجده ملائکه بر آدم(ع)
- ۵۸۱ ۹- آثار عبودیت ملائکه
- ۵۸۱ ۱۰- آثار علم ملائکه
- ۵۸۱ ۱۱- آثار نزول ملائکه
- ۵۸۳ ۱۲- آثار نزول ملائکه در شب قدر
- ۵۸۳ ۱۳- آدم(ع) و ملائکه
- ۵۸۳ ۱۴- آمادگی ملائکه
- ۵۸۵ ۱۵- ابراهیم(ع) و سلام ملائکه
- ۵۸۵ ۱۶- ابراهیم(ع) و ملائکه
- ۵۸۹ ۱۷- ابراهیم(ع) هنگام بشارت ملائکه
- ۵۸۹ ۱۸- ابلیس از ملائکه
- ۵۹۱ ۱۹- ابلیس و ملائکه
- ۵۹۱ ۲۰- اتمام حجت ملائکه
- ۵۹۱ ۲۱- احترام به ملائکه
- ۵۹۱ ۲۲- احترام ملائکه
- ۵۹۳ ۲۳- احترام ملائکه ثبت عمل
- ۵۹۳ ۲۴- اخلاص ملائکه
- ۵۹۴ ۲۵- ادب ملائکه
- ۵۹۵ ۲۶- ادراک ملائکه
- ۵۹۵ ۲۷- ادعاهای ملائکه
- ۵۹۵ ۲۸- استحاله نبوت ملائکه
- ۵۹۷ ۲۹- استعاذه ملائکه
- ۵۹۷ ۳۰- استعدادهای ملائکه
- ۵۹۹ ۳۱- استغفار ملائکه

- ۵۹۹ ۳۲- استقبال ملانکه
- ۶۰۱ ۳۳- استهزاهای ملانکه
- ۶۰۱ ۳۴- اضرار به ملانکه
- ۶۰۱ ۳۵- اطاعت ملانکه
- ۶۰۱ ۳۶- اطعام به ملانکه
- ۶۰۳ ۳۷- اطمینان بخشی ملانکه
- ۶۰۳ ۳۸- اقرار ملانکه
- ۶۰۳ ۳۹- اقسام ملانکه
- ۶۰۳ ۴۰- التجا به ملانکه
- ۶۰۵ ۴۱- امانتداری ملانکه
- ۶۰۵ ۴۲- امداد به ملانکه
- ۶۰۵ ۴۳- امیدواری به شفاعت ملانکه
- ۶۰۷ ۴۴- انبیا و ملانکه
- ۶۰۷ ۴۵- انذارهای ملانکه
- ۶۰۷ ۴۶- انسان و ملانکه
- ۶۰۹ ۴۷- انقیاد ملانکه
- ۶۱۳ ۴۸- انقیاد ملانکه محافظ
- ۶۱۳ ۴۹- انگیزه ملانکه پرستی مشرکان
- ۶۱۵ ۵۰- انوئت ملانکه
- ۶۱۵ ۵۱- اهمیت نقش ملانکه
- ۶۱۷ ۵۲- ایمان به ملانکه
- ۶۱۸ ۵۳- ایمان ملانکه
- ۶۱۹ ۵۴- برتری آدم(ع) بر ملانکه
- ۶۲۱ ۵۵- برتری آدم(ع) به ملانکه
- ۶۲۲ ۵۶- برتری انسان بر ملانکه
- ۶۲۵ ۵۷- برتری ملانکه

- ۵۸- برتری ملانکه بر عیسی(ع) ۶۲۵
- ۵۹- برگزیدگان خدا و رسالت ملانکه ۶۲۵
- ۶۰- بشارت‌های ملانکه ۶۲۷
- ۶۱- بی منطقی عقیده به الوهیت ملانکه ۶۲۹
- ۶۲- بی منطقی عقیده به انوئت ملانکه ۶۲۹
- ۶۳- بی نیازی مادی ملانکه ۶۲۹
- ۶۴- بینش ملانکه ۶۳۱
- ۶۵- پاسخ اخروی ملانکه ۶۳۱
- ۶۶- پاکی ملانکه ۶۳۱
- ۶۷- پرسش از رسالت ملانکه ۶۳۳
- ۶۸- پرسش از ملانکه ۶۳۳
- ۶۹- پرسش ملانکه قبر ۶۳۵
- ۷۰- پیشگویی ملانکه ۶۳۵
- ۷۱- تأثیرپذیری ملانکه ۶۳۵
- ۷۲- تاریخ خلقت ملانکه ۶۳۷
- ۷۳- تاریخ ملانکه پرستی ۶۳۷
- ۷۴- تبدیل انسان به ملانکه ۶۳۷
- ۷۵- تبری ملانکه ۶۳۹
- ۷۶- تبریک به ملانکه ۶۳۹
- ۷۷- تبریک ملانکه ۶۳۹
- ۷۸- تجسم ملانکه ۶۳۹
- ۷۹- تجسم ملانکه عذاب ۶۴۴
- ۸۰- تحمید ملانکه ۶۴۵
- ۸۱- تحیت ملانکه ۶۴۵
- ۸۲- تداوم تسیح ملانکه ۶۴۶
- ۸۳- تداوم حمد ملانکه ۶۴۷

- ۶۴۸ ۸۴- تداوم نزول ملائکه در شب قدر
- ۶۴۹ ۸۵- تداوم نزول ملائکه وحی
- ۶۴۹ ۸۶- تدبیر ملائکه
- ۶۵۱ ۸۷- ترس ابراهیم(ع) از ملائکه
- ۶۵۱ ۸۸- ترس از ملائکه
- ۶۵۱ ۸۹- ترس ملائکه
- ۶۵۳ ۹۰- تسبیح گویی ملائکه
- ۶۵۳ ۹۱- تسبیح ملائکه
- ۶۵۵ ۹۲- تشبیه ملائکه
- ۶۵۵ ۹۳- تشبیه ملائکه قبض روح
- ۶۵۵ ۹۴- تشبیه ملائکه وحی
- ۶۵۷ ۹۵- تشکل ملائکه
- ۶۵۷ ۹۶- تعداد بال ملائکه
- ۶۵۷ ۹۷- تعداد ملائکه جهنم
- ۶۵۹ ۹۸- تعدد ملائکه قبض روح
- ۶۵۹ ۹۹- تعدد ملائکه محافظ
- ۶۶۰ ۱۰۰- تعدد ملائکه مرگ
- ۶۶۱ ۱۰۱- تعلم از ملائکه
- ۶۶۱ ۱۰۲- تعلیم اسما به ملائکه
- ۶۶۳ ۱۰۳- تعلیم ملائکه
- ۶۶۳ ۱۰۴- تفاوت ملائکه
- ۶۶۳ ۱۰۵- تقرب ملائکه
- ۶۶۵ ۱۰۶- تقرب ملائکه قبض روح
- ۶۶۵ ۱۰۷- تکبر ملائکه
- ۶۶۵ ۱۰۸- تکلم با ملائکه
- ۶۶۵ ۱۰۹- تکلم خدا با ملائکه

- ۱۱۰- تکلم ملانکه ۶۶۷
- ۱۱۱- تکلم ملانکه با بهشتیان ۶۶۷
- ۱۱۲- تکلیف ملانکه ۶۶۹
- ۱۱۳- تنبه به ملانکه ۶۷۱
- ۱۱۴- تواضع ملانکه ۶۷۱
- ۱۱۵- توحید عبادی ملانکه ۶۷۲
- ۱۱۶- توصیه های ملانکه ۶۷۳
- ۱۱۷- تهمت به ملانکه ۶۷۴
- ۱۱۸- جایگاه ملانکه ۶۷۵
- ۱۱۹- جایگزینی ملانکه ۶۷۶
- ۱۲۰- جنس ملانکه ۶۷۷
- ۱۲۱- جنسیت ملانکه ۶۷۷
- ۱۲۲- جواب سلام ملانکه ۶۷۷
- ۱۲۳- جهل ملانکه ۶۷۹
- ۱۲۴- حاکم ملانکه ۶۷۹
- ۱۲۵- حسابرسی از ملانکه ۶۸۱
- ۱۲۶- حقیقت ملانکه ۶۸۱
- ۱۲۷- حمایتهای اخروی ملانکه ۶۸۱
- ۱۲۸- حمایتهای ملانکه ۶۸۱
- ۱۲۹- حمد ملانکه ۶۸۳
- ۱۳۰- حیا از ملانکه ۶۸۳
- ۱۳۱- خدا و ملانکه ۶۸۳
- ۱۳۲- خستگی ناپذیری ملانکه ۶۸۵
- ۱۳۳- خشیت ملانکه ۶۸۵
- ۱۳۴- خضوع ملانکه ۶۸۵
- ۱۳۵- خلقت ملانکه ۶۸۷

- ۶۸۷ ۱۳۶- خواسته های ملائکه
- ۶۸۹ ۱۳۷- درجات ملائکه
- ۶۸۹ ۱۳۸- درخواست حضور ملائکه
- ۶۹۱ ۱۳۹- درخواست رؤیت ملائکه
- ۶۹۳ ۱۴۰- درخواست گواهی ملائکه
- ۶۹۳ ۱۴۱- درخواست معجزه نزول ملائکه
- ۶۹۳ ۱۴۲- درخواست نبوت ملائکه
- ۶۹۵ ۱۴۳- درخواست نزول ملائکه
- ۶۹۹ ۱۴۴- دشمنان ملائکه
- ۶۹۹ ۱۴۵- دشمنی با ملائکه
- ۷۰۰ ۱۴۶- دعای ملائکه
- ۷۰۱ ۱۴۷- دعوتهای ملائکه
- ۷۰۱ ۱۴۸- دلناری ملائکه به لوط(ع)
- ۷۰۲ ۱۴۹- ذکر حمایتهای ملائکه
- ۷۰۳ ۱۵۰- راز ملائکه
- ۷۰۳ ۱۵۱- رحمت ملائکه
- ۷۰۳ ۱۵۲- رد انوثت ملائکه
- ۷۰۵ ۱۵۳- رد نزول ملائکه عذاب
- ۷۰۵ ۱۵۴- رسالت ملائکه
- ۷۰۵ ۱۵۵- رقیب
- ۷۰۷ ۱۵۶- روش برخورد ملائکه ثبت عمل
- ۷۰۷ ۱۵۷- روش گفتگوی ملائکه با انبیا
- ۷۰۷ ۱۵۸- رؤیت ملائکه
- ۷۱۰ ۱۵۹- رؤیت ملائکه در قیامت
- ۷۱۱ ۱۶۰- رؤیت ملائکه مرگ
- ۷۱۱ ۱۶۱- زبان ملائکه

- ۱۶۲- زکریا و ملائکه ----- ۷۱۳
- ۱۶۳- زمان سجده ملائکه بر آدم(ع) ----- ۷۱۳
- ۱۶۴- زمان نزول ملائکه ----- ۷۱۳
- ۱۶۵- زمینه تحمید ملائکه ----- ۷۱۴
- ۱۶۶- زمینه تسبیح ملائکه ----- ۷۱۵
- ۱۶۷- زمینه سبقت ملائکه ----- ۷۱۵
- ۱۶۸- زیبایی ملائکه ----- ۷۱۵
- ۱۶۹- ساره در مجلس ملائکه ----- ۷۱۶
- ۱۷۰- ساره و ملائکه ----- ۷۱۷
- ۱۷۱- ساره هنگام بشارت ملائکه ----- ۷۱۷
- ۱۷۲- سبقت ملائکه ----- ۷۱۹
- ۱۷۳- سجده ملائکه ----- ۷۱۹
- ۱۷۴- سجده ملائکه بر آدم(ع) ----- ۷۲۲
- ۱۷۵- سجده ملائکه بر انسان ----- ۷۲۷
- ۱۷۶- سخن ملائکه ----- ۷۲۸
- ۱۷۷- سرعت تدبیر ملائکه ----- ۷۲۹
- ۱۷۸- سرعت عمل ملائکه ----- ۷۲۹
- ۱۷۹- سلام ملائکه ----- ۷۳۱
- ۱۸۰- سلام ملائکه بر محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۷۳۵
- ۱۸۱- سلطه اخروی ملائکه ----- ۷۳۵
- ۱۸۲- سلطه ملائکه مرگ ----- ۷۳۵
- ۱۸۳- سوگند به پیشگامان ملائکه ----- ۷۳۵
- ۱۸۴- سوگند به ملائکه ----- ۷۳۷
- ۱۸۵- سوگند به ملائکه وحی ----- ۷۳۹
- ۱۸۶- سهولت نبوت ملائکه ----- ۷۴۱
- ۱۸۷- شرایط شفاعت ملائکه ----- ۷۴۳

- ۱۸۸- شرایط نزول ملائکه ۷۴۳
- ۱۸۹- شفاعت ملائکه ۷۴۳
- ۱۹۰- شگفتی عقیده به انوئث ملائکه ۷۴۵
- ۱۹۱- شگفتی نزول ملائکه ۷۴۵
- ۱۹۲- شیطان و ملائکه امداد ۷۴۵
- ۱۹۳- صدای ملائکه ۷۴۵
- ۱۹۴- صعود ملائکه ۷۴۷
- ۱۹۵- صفات ملائکه ۷۴۷
- ۱۹۶- صفوف ملائکه ۷۴۹
- ۱۹۷- صفوف ملائکه در قیامت ۷۴۹
- ۱۹۸- صلوات ملائکه ۷۵۱
- ۱۹۹- طبع ملائکه ۷۵۱
- ۲۰۰- عالم ملائکه ۷۵۱
- ۲۰۱- عبادات ملائکه ۷۵۲
- ۲۰۲- عبادت ملائکه ۷۵۳
- ۲۰۳- عبودیت ملائکه ۷۵۳
- ۲۰۴- عتید ۷۵۵
- ۲۰۵- عجز ملائکه ۷۵۵
- ۲۰۶- عرضه موجودات بر ملائکه ۷۵۷
- ۲۰۷- عصمت ملائکه ۷۵۷
- ۲۰۸- عظمت خلقت ملائکه ۷۵۹
- ۲۰۹- عقیده به انوئث ملائکه ۷۵۹
- ۲۱۰- عقیده به خویشاوندی خدا با ملائکه ۷۶۱
- ۲۱۱- عقیده به مخلوقیت ملائکه ۷۶۱
- ۲۱۲- عقیده به مقامات ملائکه ۷۶۱
- ۲۱۳- عقیده به ملائکه ۷۶۳

- ۲۱۴- عقیده ملائکه ۷۶۴
- ۲۱۵- علم به عالم ملائکه ۷۶۵
- ۲۱۶- علم خدا به صعود ملائکه ۷۶۵
- ۲۱۷- علم خدا به نزول ملائکه ۷۶۷
- ۲۱۸- علم غیب ملائکه ۷۶۷
- ۲۱۹- علم ملائکه ۷۶۷
- ۲۲۰- علم ملائکه ثبت عمل ۷۷۱
- ۲۲۱- علم ملائکه عذاب ۷۷۱
- ۲۲۲- عمل به تکلیف ملائکه ۷۷۲
- ۲۲۳- عمل ملائکه ۷۷۵
- ۲۲۴- عوامل استغفار ملائکه ۷۷۵
- ۲۲۵- عوامل انقیاد ملائکه ۷۷۵
- ۲۲۶- عوامل تسبیح ملائکه ۷۷۵
- ۲۲۷- عوامل تقرب ملائکه ۷۷۷
- ۲۲۸- عوامل تکریم ملائکه ۷۷۷
- ۲۲۹- عوامل حمد ملائکه ۷۷۷
- ۲۳۰- عوامل عبودیت ملائکه ۷۷۹
- ۲۳۱- غفلت از نقش ملائکه ۷۷۹
- ۲۳۲- فضایل ملائکه ۷۷۹
- ۲۳۳- فضایل ملائکه قبض روح ۷۸۵
- ۲۳۴- فضایل ملائکه وحی ۷۸۵
- ۲۳۵- فلسفه صعود ملائکه ۷۸۵
- ۲۳۶- فلسفه ملائکه پرستی مشرکان ۷۸۵
- ۲۳۷- فلسفه نزول ملائکه ۷۸۷
- ۲۳۸- قبول استغفار ملائکه ۷۸۷
- ۲۳۹- قدرت ملائکه ۷۸۷

- ۲۴۰- قوم لوط و ملانکه ۷۸۹
- ۲۴۱- کاردانی ملانکه ۷۸۹
- ۲۴۲- کافران مکه و ملانکه ۷۸۹
- ۲۴۳- کافران و رؤیت ملانکه ۷۹۱
- ۲۴۴- کافران و نبوت ملانکه ۷۹۱
- ۲۴۵- کثرت ملانکه ۷۹۱
- ۲۴۶- کرامت ملانکه ۷۹۱
- ۲۴۷- کفر به ملانکه ۷۹۳
- ۲۴۸- کفر دشمنان ملانکه ۷۹۳
- ۲۴۹- کمینگاه ملانکه عذاب ۷۹۳
- ۲۵۰- کیفیت سجده ملانکه ۷۹۳
- ۲۵۱- کیفیت ورود ملانکه بر لوط(ع) ۷۹۵
- ۲۵۲- گروههای ملانکه ۷۹۵
- ۲۵۳- گروههای ملانکه در قیامت ۷۹۵
- ۲۵۴- گسترش قدرت ملانکه ۷۹۵
- ۲۵۵- گفتگو با ملانکه ۷۹۷
- ۲۵۶- گفتگوی ابراهیم(ع) با ملانکه ۷۹۷
- ۲۵۷- گفتگوی خدا با ملانکه ۷۹۸
- ۲۵۸- گفتگوی ساره با ملانکه ۷۹۹
- ۲۵۹- گفتگوی لوط(ع) با ملانکه ۷۹۹
- ۲۶۰- گفتگوی ملانکه ۸۰۱
- ۲۶۱- گفتگوی ملانکه با ابراهیم(ع) ۸۰۱
- ۲۶۲- گفتگوی ملانکه با خدا ۸۰۲
- ۲۶۳- گفتگوی ملانکه با لوط(ع) ۸۰۳
- ۲۶۴- گواهی اخروی ملانکه ۸۰۳
- ۲۶۵- گواهی ملانکه ۸۰۳

- ۸۰۵ ----- ۲۶۶- لعن شدگان ملائکه
- ۸۰۵ ----- ۲۶۷- لعن ملائکه
- ۸۰۷ ----- ۲۶۸- لوط(ع) و ملائکه
- ۸۰۹ ----- ۲۶۹- مالک ملائکه
- ۸۰۹ ----- ۲۷۰- مجادله با ملائکه
- ۸۱۱ ----- ۲۷۱- مجادله ملائکه
- ۸۱۱ ----- ۲۷۲- محتضر در محضر ملائکه
- ۸۱۲ ----- ۲۷۳- محدوده اختیارات ملائکه
- ۸۱۳ ----- ۲۷۴- محدوده علم ملائکه
- ۸۱۳ ----- ۲۷۵- محدوده عمل ملائکه
- ۸۱۳ ----- ۲۷۶- محدوده قدرت ملائکه محافظ
- ۸۱۵ ----- ۲۷۷- محدوده مسؤولیت ملائکه محافظ
- ۸۱۵ ----- ۲۷۸- محمد(صلی الله علیه و آله) و رؤیت ملائکه
- ۸۱۵ ----- ۲۷۹- محمد(صلی الله علیه و آله) و ملائکه وحی
- ۸۱۵ ----- ۲۸۰- مخلوقیت ملائکه
- ۸۱۷ ----- ۲۸۱- منارای ملائکه قبض روح
- ۸۱۷ ----- ۲۸۲- مدبر ملائکه
- ۸۱۷ ----- ۲۸۳- مدت سجده ملائکه بر آدم(ع)
- ۸۱۹ ----- ۲۸۴- مدت سفر ملائکه حامل تدبیر
- ۸۱۹ ----- ۲۸۵- مدیریت ملائکه
- ۸۱۹ ----- ۲۸۶- مراتب ملائکه
- ۸۲۱ ----- ۲۸۷- مربی ملائکه
- ۸۲۱ ----- ۲۸۸- مربی ملائکه مرگ
- ۸۲۳ ----- ۲۸۹- مرگ ملائکه
- ۸۲۳ ----- ۲۹۰- مستضعفان و ملائکه
- ۸۲۳ ----- ۲۹۱- مسؤولیت اخروی ملائکه

۸۲۵	۲۹۲- مسؤولیت ملانکه
۸۲۸	۲۹۳- مسؤولیت ملانکه عذاب
۸۲۹	۲۹۴- مسؤولیت ملانکه محافظ
۸۲۹	۲۹۵- مشرکان و ملانکه
۸۲۹	۲۹۶- مشرکان و نزول ملانکه
۸۳۱	۲۹۷- مشمولان حمايتهای ملانکه
۸۳۱	۲۹۸- مصریان باستان و ملانکه
۸۳۱	۲۹۹- معجزه نزول ملانکه
۸۳۱	۳۰۰- معلم ملانکه
۸۳۳	۳۰۱- مقام ملانکه
۸۳۳	۳۰۲- مقامات ملانکه
۸۳۷	۳۰۳- مقامات ملانکه ثبت عمل
۸۳۷	۳۰۴- مقامات ملانکه وحی
۸۳۷	۳۰۵- مکان ظهور ملانکه وحی
۸۳۷	۳۰۶- مکذبان معاد و رویت ملانکه
۸۳۹	۳۰۷- مکذبان معاد و نزول ملانکه
۸۳۹	۳۰۸- مکذبان نزول ملانکه بر محمد(صلی الله علیه و آله)
۸۳۹	۳۰۹- ملاقات ملانکه با بهشتیان
۸۴۱	۳۱۰- ملانکه اطراف عرش
۸۴۱	۳۱۱- ملانکه امداد
۸۴۷	۳۱۲- ملانکه امداد در غزوه بدر
۸۴۹	۳۱۳- ملانکه بابل
۸۴۹	۳۱۴- ملانکه پرستی مشرکان
۸۵۱	۳۱۵- ملانکه پرستی مشرکان جاهلیت
۸۵۱	۳۱۶- ملانکه ثبت عمل
۸۵۵	۳۱۷- ملانکه ثبت عمل در قیامت

- ۳۱۸- ملائکه جهنم ۸۵۵
- ۳۱۹- ملائکه حاملان جهنم ۸۵۷
- ۳۲۰- ملائکه حسابگر ۸۵۷
- ۳۲۱- ملائکه حسابگر در دنیا ۸۵۷
- ۳۲۲- ملائکه حسابگر در عالم برزخ ۸۵۹
- ۳۲۳- ملائکه در آخرت ۸۵۹
- ۳۲۴- ملائکه در آسمان ۸۵۹
- ۳۲۵- ملائکه در آسمان اول ۸۵۹
- ۳۲۶- ملائکه در بدر ۸۶۱
- ۳۲۷- ملائکه در سرزمین قوم لوط ۸۶۱
- ۳۲۸- ملائکه در غزوه احزاب ۸۶۱
- ۳۲۹- ملائکه در غزوه بدر ۸۶۲
- ۳۳۰- ملائکه در قیامت ۸۶۵
- ۳۳۱- ملائکه روزی ۸۶۷
- ۳۳۲- ملائکه عذاب ۸۶۷
- ۳۳۳- ملائکه عذاب در سرزمین قوم لوط ۸۷۷
- ۳۳۴- ملائکه عذاب و گناهکاران ۸۷۷
- ۳۳۵- ملائکه عذاب و لوط(ع) ۸۷۷
- ۳۳۶- ملائکه قبض روح ۸۷۹
- ۳۳۷- ملائکه مبشر ۸۸۰
- ۳۳۸- ملائکه محافظ ۸۸۵
- ۳۳۹- ملائکه مرگ ۸۸۶
- ۳۴۰- ملائکه مقرب ۸۹۱
- ۳۴۱- ملائکه موکل ۸۹۱
- ۳۴۲- ملائکه و آفرینش ۸۹۱
- ۳۴۳- ملائکه و ابراهیم(ع) ۸۹۳

- ۳۴۴- ملائکه و ابلیس ۸۹۵
- ۳۴۵- ملائکه و الوهیت ۸۹۵
- ۳۴۶- ملائکه و انبیا ۸۹۵
- ۳۴۷- ملائکه و انسان ۸۹۷
- ۳۴۸- ملائکه و اهل کتاب ۸۹۷
- ۳۴۹- ملائکه و پاسداری از قرآن ۸۹۷
- ۳۵۰- ملائکه و تکبر ۸۹۷
- ۳۵۱- ملائکه و توحید ۸۹۹
- ۳۵۲- ملائکه و حالات انسان ۸۹۹
- ۳۵۳- ملائکه و خانواده لوط ۸۹۹
- ۳۵۴- ملائکه و خطا ۸۹۹
- ۳۵۵- ملائکه و خلافت انسان ۹۰۱
- ۳۵۶- ملائکه و خلقت انسان ۹۰۲
- ۳۵۷- ملائکه و ساره ۹۰۳
- ۳۵۸- ملائکه و طعام ابراهیم(ع) ۹۰۳
- ۳۵۹- ملائکه و عذاب ۹۰۵
- ۳۶۰- ملائکه و عذاب قوم لوط ۹۰۵
- ۳۶۱- ملائکه و عصیان ۹۰۵
- ۳۶۲- ملائکه و عمل انسان ۹۰۷
- ۳۶۳- ملائکه و غذا ۹۰۷
- ۳۶۴- ملائکه و غذای ابراهیم(ع) ۹۰۷
- ۳۶۵- ملائکه و قوم لوط ۹۰۹
- ۳۶۶- ملائکه و کتمان حقایق ۹۰۹
- ۳۶۷- ملائکه و گناه ۹۰۹
- ۳۶۸- ملائکه و گناهکار ۹۰۹
- ۳۶۹- ملائکه و لوط(ع) ۹۱۱

- ۳۷۰- ملائکه و متقین ----- ۹۱۳
- ۳۷۱- ملائکه و محمد(صلى الله عليه و آله) ----- ۹۱۳
- ۳۷۲- ملائکه و مرتد ----- ۹۱۵
- ۳۷۳- ملائکه و مرگ کافران ----- ۹۱۵
- ۳۷۴- ملائکه و مرگ و مؤمنان ----- ۹۱۵
- ۳۷۵- ملائکه و مستضعفان ----- ۹۱۵
- ۳۷۶- ملائکه و نبوت ----- ۹۱۷
- ۳۷۷- ملائکه و وحی ----- ۹۱۷
- ۳۷۸- مملوکیت ملائکه ----- ۹۱۸
- ۳۷۹- منشأ افعال ملائکه ----- ۹۱۹
- ۳۸۰- منشأ بشارت ملائکه ----- ۹۱۹
- ۳۸۱- منشأ تسبیح ملائکه ----- ۹۱۹
- ۳۸۲- منشأ تفاوت ملائکه ----- ۹۱۹
- ۳۸۳- منشأ حمد ملائکه ----- ۹۲۱
- ۳۸۴- منشأ خلقت ملائکه ----- ۹۲۱
- ۳۸۵- منشأ سخن ملائکه ----- ۹۲۱
- ۳۸۶- منشأ شفاعت ملائکه ----- ۹۲۳
- ۳۸۷- منشأ علم ملائکه ----- ۹۲۳
- ۳۸۸- منشأ عمل ملائکه ----- ۹۲۳
- ۳۸۹- منشأ نزول ملائکه ----- ۹۲۳
- ۳۹۰- موانع عصیان ملائکه ----- ۹۲۵
- ۳۹۱- مولای ملائکه ----- ۹۲۵
- ۳۹۲- ناخشنودی ملائکه ----- ۹۲۶
- ۳۹۳- ناظر اخروی ملائکه ----- ۹۲۷
- ۳۹۴- نامگذاری ملائکه ----- ۹۲۷
- ۳۹۵- نبوت ملائکه ----- ۹۲۷

- ۳۹۶- نزدیکی ملائکه مرگ به محتضر ۹۲۹
- ۳۹۷- نزول ملائکه ۹۳۰
- ۳۹۸- نزول ملائکه بر انبیا ۹۳۲
- ۳۹۹- نزول ملائکه بر برگزیدگان خدا ۹۳۳
- ۴۰۰- نزول ملائکه بر صابران ۹۳۳
- ۴۰۱- نزول ملائکه بر محمد(صلی الله علیه و آله) ۹۳۴
- ۴۰۲- نزول ملائکه بر موحدان ۹۳۵
- ۴۰۳- نزول ملائکه بر مؤمنان ۹۳۵
- ۴۰۴- نزول ملائکه در شب قدر ۹۳۵
- ۴۰۵- نزول ملائکه در قیامت ۹۳۷
- ۴۰۶- نشاط ملائکه ۹۳۹
- ۴۰۷- نظم ملائکه ۹۳۹
- ۴۰۸- نظم ملائکه در قیامت ۹۳۹
- ۴۰۹- نقش اخروی ملائکه ۹۴۱
- ۴۱۰- نقش ملائکه ۹۴۳
- ۴۱۱- نقش ملائکه امداد ۹۶۱
- ۴۱۲- نقش ملائکه ثبت عمل ۹۶۲
- ۴۱۳- نقش ملائکه سائق ۹۶۳
- ۴۱۴- نقش ملائکه عذاب ۹۶۵
- ۴۱۵- نقش ملائکه کاتب عمل ۹۶۵
- ۴۱۶- نقش ملائکه گواه ۹۶۵
- ۴۱۷- نقش ملائکه محافظ ۹۶۷
- ۴۱۸- نقش ملائکه وحی ۹۶۷
- ۴۱۹- نقش همراهی ملائکه ۹۶۹
- ۴۲۰- نگرانی ملائکه ۹۶۹
- ۴۲۱- نواهی ملائکه ۹۷۱

- ۴۲۲- نیاز ملانکه ۹۷۱
- ۴۲۳- وابستگی ملانکه ۹۷۱
- ۴۲۴- واسطه فیض بر ملانکه ۹۷۱
- ۴۲۵- وحی به ملانکه ۹۷۳
- ۴۲۶- ورود ملانکه بر ابراهیم(ع) ۹۷۳
- ۴۲۷- ورود ملانکه بر خانواده لوط(ع) ۹۷۳
- ۴۲۸- ورود ملانکه بر لوط(ع) ۹۷۵
- ۴۲۹- ورود ملانکه عذاب بر لوط(ع) ۹۷۵
- ۴۳۰- ویژگیهای خشیت ملانکه ۹۷۷
- ۴۳۱- ویژگیهای ملانکه ۹۷۷
- ۴۳۲- همراهی ملانکه ثبت عمل ۹۷۷
- ۴۳۳- یوسف(ع) و ملانکه ۹۷۹
- ۴۳۴- انگیزه ملانکه پرستی مشرکان ۹۷۹
- ۴۳۵- تاریخ ملانکه پرستی ۹۷۹
- ۴۳۶- فلسفه ملانکه پرستی مشرکان ۹۷۹
- ۴۳۷- ملانکه پرستی مشرکان ۹۸۱
- ۴۳۸- ملانکه پرستی مشرکان جاهلیت ۹۸۲
- ۵- ملت ها ۹۸۴
- ۱- دین ملت ها ۹۸۴
- ۲- زمینه انقراض ملت ها ۹۸۴
- ۳- فرجام ملت ها ۹۸۴
- ۶- ملکوت ۹۸۶
- ۱- آثار رؤیت ملکوت ۹۸۶
- ۲- ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) ۹۸۶
- ۳- ارائه ملکوت به محمد(صلی الله علیه و آله) ۹۸۸
- ۴- تفکر در ملکوت آسمان ۹۸۹

- ۹۹۰ - تفکر در ملکوت زمین - ۵
- ۹۹۰ - تفکر در ملکوت موجودات - ۶
- ۹۹۲ - رؤیت ملکوت - ۷
- ۹۹۲ - رؤیت ملکوت آفرینش - ۸
- ۹۹۲ - فلسفه رؤیت ملکوت - ۹
- ۹۹۲ - ملکوت آسمان - ۱۰
- ۹۹۴ - ملکوت زمین - ۱۱
- ۹۹۴ - ملکوت موجودات - ۱۲
- ۹۹۶ - ملکه سبأ - ۷
- ۹۹۶ - ۱- آثار هوشیاری ملکه سبأ
- ۹۹۶ - ۲- آصف بن برخیا و تخت ملکه سبأ
- ۹۹۶ - ۳- آورنده تخت ملکه سبأ
- ۹۹۷ - ۴- احساس خطر ملکه سبأ
- ۹۹۷ - ۵- احضار تخت ملکه سبأ
- ۹۹۹ - ۶- اطاعت از ملکه سبأ
- ۹۹۹ - ۷- اطمینان به ملکه سبأ
- ۹۹۹ - ۸- اقرار ملکه سبأ
- ۱۰۰۱ - ۹- التجای ملکه سبأ
- ۱۰۰۱ - ۱۰- امتحان ملکه سبأ
- ۱۰۰۳ - ۱۱- امکانات مادی ملکه سبأ
- ۱۰۰۳ - ۱۲- اوامر ملکه سبأ
- ۱۰۰۳ - ۱۳- ایمان ملکه سبأ
- ۱۰۰۳ - ۱۴- بی اعتنایی به هدیه ملکه سبأ
- ۱۰۰۵ - ۱۵- بینش ملکه سبأ
- ۱۰۰۵ - ۱۶- پشیمانی ملکه سبأ
- ۱۰۰۶ - ۱۷- تخت ملکه سبأ

- ۱۸- تدبیر ملکه سبأ ۱۰۰۷
- ۱۹- تسلیم ملکه سبأ ۱۰۰۸
- ۲۰- تغییر تخت ملکه سبأ ۱۰۰۹
- ۲۱- تلاش برای تسلیم ملکه سبأ ۱۰۰۹
- ۲۲- توصیه به ملکه سبأ ۱۰۰۹
- ۲۳- تهدید ملکه سبأ ۱۰۱۱
- ۲۴- حاکمیت ملکه سبأ ۱۰۱۱
- ۲۵- حکومت ملکه سبأ ۱۰۱۱
- ۲۶- خطای بینایی ملکه سبأ ۱۰۱۳
- ۲۷- خورشیدپرستی ملکه سبأ ۱۰۱۳
- ۲۸- درخواست احضار تخت ملکه سبأ ۱۰۱۳
- ۲۹- دعوت از ملکه سبأ ۱۰۱۴
- ۳۰- دلداری به ملکه سبأ ۱۰۱۵
- ۳۱- رد هدیه ملکه سبأ ۱۰۱۵
- ۳۲- رفع خطای بینایی ملکه سبأ ۱۰۱۵
- ۳۳- روش برخورد ملکه سبأ ۱۰۱۷
- ۳۴- روش هدایت ملکه سبأ ۱۰۱۷
- ۳۵- سلطه ملکه سبأ ۱۰۱۹
- ۳۶- سلیمان(ع) و ملکه سبأ ۱۰۱۹
- ۳۷- شرک ملکه سبأ ۱۰۱۹
- ۳۸- صلح طلبی ملکه سبأ ۱۰۲۱
- ۳۹- عزت طلبی ملکه سبأ ۱۰۲۱
- ۴۰- عظمت هدیه ملکه سبأ ۱۰۲۱
- ۴۱- علایق ملکه سبأ ۱۰۲۱
- ۴۲- علم سلیمان(ع) به تسلیم ملکه سبأ ۱۰۲۳
- ۴۳- علم ملکه سبأ ۱۰۲۳

- ۴۴- عوامل تعجب ملکه سبأ ۱۰۲۳
- ۴۵- عوامل مؤثر در ایمان ملکه سبأ ۱۰۲۳
- ۴۶- فرستادگان ملکه سبأ ۱۰۲۵
- ۴۷- فلسفه احضار تخت ملکه سبأ ۱۰۲۵
- ۴۸- فلسفه تغییر تخت ملکه سبأ ۱۰۲۷
- ۴۹- فلسفه هدیه ملکه سبأ ۱۰۲۷
- ۵۰- فهم ملکه سبأ ۱۰۲۷
- ۵۱- گزارش فرستادگان ملکه سبأ ۱۰۲۷
- ۵۲- محدوده علم ملکه سبأ ۱۰۲۹
- ۵۳- مسؤولیت فرستادگان ملکه سبأ ۱۰۲۹
- ۵۴- مشاوران ملکه سبأ ۱۰۲۹
- ۵۵- مشاوره در حکومت ملکه سبأ ۱۰۲۹
- ۵۶- مشاوره ملکه سبأ ۱۰۳۱
- ۵۷- ملکه سبأ در کاخ سلیمان(ع) ۱۰۳۱
- ۵۸- ملکه سبأ و پادشاهان ۱۰۳۳
- ۵۹- ملکه سبأ و سلیمان(ع) ۱۰۳۳
- ۶۰- ملکه سبأ و نامه سلیمان(ع) ۱۰۳۳
- ۶۱- موانع ایمان ملکه سبأ ۱۰۳۵
- ۶۲- موانع هدایت ملکه سبأ ۱۰۳۵
- ۶۳- نامه به ملکه سبأ ۱۰۳۵
- ۶۴- نظام حکومتی ملکه سبأ ۱۰۳۷
- ۶۵- نقش فرستادگان ملکه سبأ ۱۰۳۷
- ۶۶- نقش ملکه سبأ ۱۰۳۷
- ۶۷- نگرانی ملکه سبأ ۱۰۳۹
- ۶۸- ویژگیهای تخت ملکه سبأ ۱۰۳۹
- ۶۹- ویژگیهای ملکه سبأ ۱۰۴۰

- ۷۰- هدایت ملکه سبأ ۱۰۴۱
- ۷۱- هدیه ملکه سبأ ۱۰۴۱
- ۷۲- هوشیاری ملکه سبأ ۱۰۴۲
- ۸- من ۱۰۴۴
- ۱- استفاده از نعمت من ۱۰۴۴
- ۲- بنی اسرائیل و خوردنی من ۱۰۴۴
- ۳- زمینہ نعمت من ۱۰۴۵
- ۴- نزول من بر بنی اسرائیل ۱۰۴۵
- ۵- نعمت من ۱۰۴۷
- ۹- منابزه ۱۰۴۹
- ۱- آثار اجتناب از منابزه ۱۰۴۹
- ۲- آثار منابزه ۱۰۴۹
- ۳- اهمیت اجتناب از منابزه ۱۰۴۹
- ۴- توبه از منابزه ۱۰۵۰
- ۵- سرزنش منابزه ۱۰۵۰
- ۶- گناه منابزه ۱۰۵۰
- ۱۰- مناجات ۱۰۵۳
- ۱- مناجات ۱۰۵۳
- ۲- آثار مناجات ۱۰۵۳
- ۳- آثار مناجات زکریا(ع) ۱۰۵۴
- ۴- آثار مناجات شبانه ۱۰۵۴
- ۵- آداب مناجات ۱۰۵۴
- ۶- ارزش مناجات ۱۰۵۶
- ۷- امیدواری در مناجات ۱۰۵۶
- ۸- اهمیت مناجات ۱۰۵۶
- ۹- اهمیت مناجات در شب ۱۰۵۸

- ۱۰- اهمیت مناجات رهبران ۱۰۵۸
- ۱۱- اهمیت مناجات مبلغان دین ۱۰۵۸
- ۱۲- ترس در مناجات ۱۰۵۸
- ۱۳- خضوع در مناجات ۱۰۶۰
- ۱۴- ذکر خدا در مناجات ۱۰۶۰
- ۱۵- زمان مناجات ۱۰۶۰
- ۱۶- زمینه مناجات موسی(ع) ۱۰۶۰
- ۱۷- شرایط مناجات ۱۰۶۱
- ۱۸- مدت مناجات موسی(ع) ۱۰۶۲
- ۱۹- مقامات مناجات کنندگان ۱۰۶۲
- ۲۰- مناجات انبیا ۱۰۶۲
- ۲۱- مناجات با خدا ۱۰۶۲
- ۲۲- مناجات خالصانه ۱۰۶۴
- ۲۳- مناجات در شب ۱۰۶۴
- ۲۴- مناجات در صبح ۱۰۶۶
- ۲۵- مناجات در کوه طور ۱۰۶۶
- ۲۶- مناجات زکریا(ع) ۱۰۶۶
- ۲۷- مناجات شبانه ۱۰۶۶
- ۲۸- مناجات شبانه موسی(ع) ۱۰۶۸
- ۲۹- مناجات صحابه ۱۰۶۸
- ۳۰- مناجات کامل ۱۰۶۸
- ۳۱- مناجات موسی(ع) ۱۰۶۸
- ۳۲- مناجات موسی(ع) در میقات ۱۰۷۰
- ۳۳- مناجات هارون(ع) ۱۰۷۲
- ۳۴- مقامات مناجات کنندگان ۱۰۷۴
- ۱۱- مناظره ۱۰۷۵

- ۱- آداب مناظره ۱۰۷۵
- ۲- ترک مناظره با کافران ۱۰۷۵
- ۳- جواز مناظره ۱۰۷۷
- ۴- روش مناظره ۱۰۷۷
- ۵- روش مناظره با مشرکان ۱۰۷۷
- ۶- شرح صدر در مناظره ۱۰۷۷
- ۷- مناظره با جادوگران فرعون ۱۰۷۹
- ۸- مناظره داود(ع) با سلیمان(ع) ۱۰۷۹
- ۹- مناظره در عقیده دینی ۱۰۷۹
- ۱۰- مناظره فرعون با موسی(ع) ۱۰۷۹
- ۱۱- مناظره موسی(ع) با فرعون ۱۰۸۱
- ۱۲- {مناظره نکوهیده} ۱۰۸۱
- ۱۲- منافع ۱۰۸۲
- ۱- استفاده از منافع دریا ۱۰۸۲
- ۲- اعراض از منافع مادی ۱۰۸۲
- ۳- اعلان منافع دینداری ۱۰۸۲
- ۴- اهمیت حفظ منافع اجتماعی ۱۰۸۳
- ۵- اهمیت منافع معنوی ۱۰۸۳
- ۶- اهمیت منافع مؤمنان ۱۰۸۳
- ۷- بی ارزشی منافع بدعت ۱۰۸۴
- ۸- بی ارزشی منافع دنیوی ۱۰۸۵
- ۹- بی ارزشی منافع مادی ۱۰۸۵
- ۱۰- تأمین منافع انسان ۱۰۸۵
- ۱۱- تأمین منافع انسان ها ۱۰۸۷
- ۱۲- تأمین منافع ثروتمندان ۱۰۸۷
- ۱۳- تأمین منافع جامعه ۱۰۸۷

- ۱۴- تأمین منافع فقرا ۱۰۸۹
- ۱۵- تأمین منافع قدرتمندان ۱۰۸۹
- ۱۶- تأمین منافع متکدیان ۱۰۸۹
- ۱۷- تأمین منافع مؤمنان ۱۰۸۹
- ۱۸- تناول از منافع دین فروشی ۱۰۹۱
- ۱۹- تهدید منافع فرعونیان ۱۰۹۱
- ۲۰- حفظ منافع اصحاب ایکه ۱۰۹۱
- ۲۱- حفظ منافع خائنان ۱۰۹۱
- ۲۲- حفظ منافع خویشاوندان ۱۰۹۳
- ۲۳- حفظ منافع قوم ثمود ۱۰۹۳
- ۲۴- حفظ منافع قوم عاد ۱۰۹۳
- ۲۵- حفظ منافع قوم لوط ۱۰۹۴
- ۲۶- حفظ منافع قوم نوح ۱۰۹۵
- ۲۷- حلیت منافع تجارت ۱۰۹۵
- ۲۸- خیریت منافع حلال ۱۰۹۵
- ۲۹- رد منافع ثروتمندان ۱۰۹۷
- ۳۰- رد منافع قدرتمندان ۱۰۹۷
- ۳۱- رعایت منافع مردم ۱۰۹۷
- ۳۲- زمینه تأمین منافع مؤمنان ۱۰۹۷
- ۳۳- شعیب(ع) و منافع مردم ۱۰۹۹
- ۳۴- عبادت برای منافع دنیوی ۱۰۹۹
- ۳۵- عظمت منافع ولادت عیسی(ع) ۱۰۹۹
- ۳۶- عوامل محافظت از منافع صالحان ۱۰۹۹
- ۳۷- عوامل محافظت از منافع فرزندان صالحان ۱۱۰۱
- ۳۸- محمد(صلی الله علیه و آله) و منافع انسانها ۱۱۰۱
- ۳۹- محمد(صلی الله علیه و آله) و منافع جامعه ۱۱۰۱

- ۴۰- محمد(صلی الله علیه و آله) و منافع مؤمنان ۱۱۰۲
- ۴۱- منافع اخروی حج ۱۱۰۳
- ۴۲- منافع استقرار کوه ها ۱۱۰۳
- ۴۳- منافع انسان ۱۱۰۳
- ۴۴- منافع انسان ها ۱۱۱۳
- ۴۵- منافع انفاق ۱۱۱۵
- ۴۶- منافع تجارت ۱۱۱۵
- ۴۷- منافع ترفیع آسمان ۱۱۱۵
- ۴۸- منافع تسطیح زمین ۱۱۱۷
- ۴۹- منافع تلاوت قرآن ۱۱۱۷
- ۵۰- منافع حج ۱۱۱۷
- ۵۱- منافع حلال ۱۱۱۷
- ۵۲- منافع حیوانات ۱۱۱۹
- ۵۳- منافع خلقت شتر ۱۱۱۹
- ۵۴- منافع دریا ۱۱۲۰
- ۵۵- منافع دنیاطلبان ۱۱۲۱
- ۵۶- منافع دنیوی حج ۱۱۲۱
- ۵۷- منافع شخصی منافقان ۱۱۲۱
- ۵۸- منافع شکر ۱۱۲۱
- ۵۹- منافع فرعونیان ۱۱۲۳
- ۶۰- منافع قوم ثمود ۱۱۲۳
- ۶۱- منافع مادی ۱۱۲۳
- ۶۲- منافع موجودات ۱۱۲۵
- ۶۳- منافع یوسف(ع) ۱۱۲۵
- ۶۴- موانع تشخیص منافع ۱۱۲۷
- ۶۵- نادرستی منافع حرام ۱۱۲۷

- ۱۱۲۷ ----- ۶۶- یهود و حفظ منافع قومی
- ۱۱۲۸ ----- ۶۷- {منافع شخصی}
- ۱۱۲۹ ----- ۶۸- منافع شخصی منافقان
- ۱۱۲۹ ----- ۶۹- اعراض از منافع مادی
- ۱۱۲۹ ----- ۷۰- بی ارزشی منافع مادی
- ۱۱۳۰ ----- ۷۱- منافع مادی
- ۱۱۳۱ ----- ۷۲- اهمیت منافع معنوی
- ۱۱۳۲ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 100

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- مکر

1- مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 54 - 3,4,6,7,9

3 - مکر و مقابله خداوند با مکر و حيله کافران توطئه گر عليه عيسى (ع)

و مکروا و مکر الله

4 - توانایی و چیرگی خداوند در مکر با کافران

و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین

6 - ناتوانی و شکست قطعی انسان ، در مکر با خداوند

و مکر الله و الله خیر الماکرین

7 - مکر انسان با خداوند ، مستلزم مکر الهی با اوست .

و مکروا و مکر الله

9 - مکر خداوند به انسان ، بازتاب عمل مکرآمیز خود انسان است .

و مکروا و مکر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ توفی (نجات)، عروج، تطهیر حضرت عیسی (ع) و غلبه پیروان آن حضرت بر دشمنان، مکر خداوند در برابر مکر کافران

و مکروا و مکر الله... اذ قال الله يا عيسى ائني متوفيك... فوق الذين كفروا

بنابراینکه «اذ»، متعلق به «مکر الله» باشد، یعنی مکر خداوند هنگام بوده که عیسی را بسوی خویش عروج داد و... .

15_ دلجویی خداوند از حضرت عیسی (ع)، در برابر نگرانی آن حضرت از مکر کافران

فلما احس عیسی... قال... انی متوفیک و رافعک... و جاعل الذین اتبعوک فوق ال

ص: 1

2- آثار اجتناب از مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 32 - 14

14 - استفاده از آیه های خدا ، برای رهیافت به خداشناسی ، منوط به حفظ بی طرفی و دست کشیدن از دغلکاری و حق ناپذیری است .

و ما یجحد بأی_تنا إلا کلّ ختار کفور

3- آثار مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 54 - 9

9_ مکر خداوند به انسان ، بازتاب عملِ مکرآمیز خود انسان است .

و مکروا و مکر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 3

3_ خیانت و نیرنگ به دیگران ، در حقیقت خدعه و خیانت به خویشتن است .

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

در آیه شریفه خیانت به دیگران، خیانت به نفس شمرده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 33 - 11

11_ شریک برای خدا پنداشتن و پرستش معبود های دروغین ، مرامی نشأت گرفته از مکر ها و حيله ها

بل زین للذین کفروا مکرهم

نامیدن و توصیف کردن شرکورزی به مکر و حيله اشاره به این نکته دارد که: ریشه شرک و پرستش غیر خدا ، مکر و حيله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- خسارت و بی آمد سوء مکرها و حیلها، تنها دامنگیر صاحبان آن خواهد شد.

ولا یحییق المکر السیّی إلاّ بأهلها

ص: 2

4- آثار مکر با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 143 - 10

10_ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار، خیانت در جنگ، خدعه با خدا، سستی در عبادت، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن، موجب گمراهی و محرومیت دایمی از هدایت الهی است.

و من یضلل الله فلن تجد له سیلا

از مصادیق مورد نظر برای (من یضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از 138 تا 143) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

5- آثار مکر با خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 33 - 19، 15

15_ خودفریبی مشرکان و آراسته دیدن پندار شرک، آنان را از گرایش به توحید باز داشت.

و صدّوا عن السبیل

«صدّ» (مصدر صدّوا) به معنای بازگرداندن است. به نظر می رسد فاعل محذوف از «صدّوا» مکر و حيله که مایه شرکورزی مشرکان شده است، باشد.

19_ مکرها و خودفریبی های مشرکان در اتخاذ خدایان دروغین، زمینه ساز تعلق اراده الهی به گمراهی آنان

بل زین للذین کفروا مکرهم... و من یضلل الله فما له من هاد

قرآن از یک سو حيله و مکرها را مایه گمراهی مشرکان می داند و از سویی دیگر خداوند را گمراه کننده ایشان می شمرد. این دو حقیقت اشاره به نکاتی دارد، از جمله اینکه هر چند که خداوند گمراه کننده است؛ ولی آدمی خود زمینه آن را فراهم می سازد و در حقیقت گمراه سازی آنان، کیفر مرام خود آنهاست.

6- آثار مکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 11

11_ مكر خدا ، سريع ترين و كار آمدترين مكرهاست .

إذا لهم مكر فى آياتنا قل الله أسرع مكرأ

7- آثار مكر دشمنان دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

ص: 3

4- خداوند، تمامی مکرها و توطئه‌های توطئه‌گران علیه دین را به خود آنان بازگرداند.

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنی-نهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

احتمال دارد فراز «فأتی الله بنیانهم من القواعد..» بیان تمثیلی باشد نه حقیقی. بنابراین مراد آیه چنین می‌شود: آنان تلاشهای زیاد و بنیان‌های فکری قوی علیه دین تدارک دیده بودند، ولی خداوند آن بنیان‌ها را علیه خود آنان به کار گرفت.

9- توطئه‌گران علیه دین، هیچ‌گاه گمان نمی‌کردند که مکرشان علیه دین، دامنگیر خود آنان خواهد شد.

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنی-نهم من القواعد .. و أت-هم العذاب من حیث لا

8- آثار مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 14

14- یوسف (ع) با ابلاغ بی‌گناهی خویش به پادشاه، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است.

إن ربی بکیدهنّ علیم

9- آثار مکر علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 42 - 4

4 - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شکست‌پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذین کفروا هم المکیدون

10- آثار مکر علیه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 42 - 4

4 - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شکست‌پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذين كفروا هم المكيدون

ص: 4

11- آثار مکر قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 24 - 1

1 - صاحبان زر و زور با نیرنگ های بزرگ خود ، تعداد بسیاری از مردم را گمراه کردند .

و قد أضلّوا كثيراً

12- آثار مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 10 - 14

14 - مکر ها و توطئه های سوء کافران ، موجب عذاب شدید آنان است .

و الذین یمکرون السیئات لهم عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 42 - 1,4

1 - اتهام های کافران ، علیه دین و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ناشی از مکر و حلیه آنان

أم تریدون کیداً

4 - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذین کفروا هم المکیدون

13- آثار مکر مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 3

3 - مستضعفان در قیامت ، تلاش مگاران و شبانه روزی مستکبران را ، مانع ایمانشان معرفی خواهند کرد .

لولا أأنتم لکنّا مؤمنین . قال الذین استکبروا ... بل کنتم مجرمین . و قال الذین است

14- آثار مکر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 33 - 19

19_ مکرها و خودفریبی های مشرکان در اتخاذ خدایان دروغین ، زمینه ساز تعلق اراده الهی به گمراهی آنان

ص: 5

بل زین للذین کفروا مکرمهم . . . و من یضلل الله فما له من هاد

قرآن از یک سو حيله و مکرها را مایه گمراهی مشرکان می داند و از سویی دیگر خداوند را گمراه کننده ایشان می شمرد. این دو حقیقت اشاره به نکاتی دارد، از جمله اینکه هر چند که خداوند گمراه کننده است؛ ولی آدمی خود زمینه آن را فراهم می سازد و در حقیقت گمراه سازی آنان، کیفر مرام خود آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 1

1 - استکبار و حيله گری مشرکان، دو عامل تنفر و دوری آنان از گرایش به اسلام و دین الهی

فلما جاءهم نذیر ما زادهم إلا نفورًا . استکبارًا فی الأرض و مکر السیّی

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که «استکباراً» مفعول لأجله بوده و «مکر السیّی» نیز بر آن عطف شده باشد.

15- اخفای مکر زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 29 - 1

1_ عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا_ که مفاد عبارت «أعرض عن هذا» است_ در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است، نه لب به شکایت نگشودن؛ زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف(ع) - که برده ای زرخرید بوده_ ناسازگار است.

16- استحکام مکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 3

3 - کید و تدبیر خداوند، متین و استوار است .

إنّ کیدی متین

17- بزرگترین مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 10

10_ مکر و حيله زنان ، مکر و حيله ای بزرگ است .

ص: 6

هر چند جمله «إن كيدكّن عظیم» سخن عزیز مصر است ، ولی مفسران برآند که هرگاه خداوند سخنی را در قرآن نقل کرده و آن را رد نکند ، معلوم می گردد که آن سخن حق است.

18- بی تأثیری مکر امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 42 - 2

2_ خداوند ، مکر های پیشینان علیه پیامبران و برنامه های الهی را بی اثر ساخت و توطئه گران را به هلاکت رسانید .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض . . . وقد مکر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً

نمی توان جمله «لله المکر جمیعاً» را متفرع بر «قدمکرالذین . . .» دانست ؛ زیرا بر مکر کردن کافران این نتیجه مترتب نمی شود که مکرها از آن خداست. بنابراین «فاء» در «فله . . .» فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر دارد. کلام با تقدیر آن چنین است: «قد مکر الذین من قبلهم فأبطله الله فله المکر جمیعاً». جمله «أولم یروا . . .» قرینه بر این نکته است که خداوند با هلاک سازی آنان مکرشان را باطل ساخت.

19- بی تأثیری مکر دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 10 - 15

15 - همه مکر ها و توطئه های سوء کافران و دین ستیزان ، رو به کسادی و نابودی است .

و الذین یمکرون السیئات . . . و مکر أولئک هو بیور

«ال» در «السیئات» برای جنس و مفید استغراق و به معنای انواع مکرهای بد است. «بوار» (مصدر «بیور») هم در معنای هلاکت به کار رفته و هم به معنای کسادی مفرط آمده است (لسان العرب). در هر صورت در این آیه، کنایه از عدم تأثیر و بی نتیجه بودن مکرهای کافران می باشد.

20- بی تأثیری مکر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 46 - 5,6

5- ستمگران پیشین برای نجات خویش از عذاب استیصال به انواع گوناگون مکر و چاره اندیشی متوسل شدند؛ ولی از آنها هیچ نتیجه ای نگرفتند.

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم و تبین لکم کیف فعلنا بهم . . . و قد مکروا مک

ص: 7

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «وقد مکروا مکرهم . . .» حال برای ضمیر «بهم» باشد؛ یعنی، با اینکه آنان به انواع حيله ها و چاره اندیشیها برای نجات از عذاب متوسل می شدند گرفتار آن شدند.

6- مکر ها و چاره اندیشی های ستمگران ، هر چند گسترده و کوه شکن باشد ، در برابر نیروی حق بی ثمر و ناموفق خواهد بود .

وقد مکروا مکرهم و عند الله مکرهم و إن کان مکرهم لتزول منه الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 47 - 6

6- خنثی و بی نتیجه کردن مکر و ترفند های ستمگران ، وعده خداوند به رسولان خویش

وقد مکروا مکرهم و عند الله مکرهم و إن کان مکرهم لتزول منه الجبال . فلاتحسبنّ ال

21- بی تأثیری مکر علیه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 42 - 2

2_ خداوند ، مکر های پیشینیان علیه پیامبران و برنامه های الهی را بی اثر ساخت و توطئه گران را به هلاکت رسانید .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض . . . وقد مکر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً

نمی توان جمله «لله المکر جمیعاً» را متفرع بر «قدمکرالذین . . .» دانست ؛ زیرا بر مکر کردن کافران این نتیجه مترتب نمی شود که مکرها از آن خداست. بنابراین «فاء» در «فله . . .» فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدرّ دارد. کلام با تقدیر آن چنین است: «قد مکر الذین من قبلهم فأبطله الله فله المکر جمیعاً». جمله «أولم یروا . . .» قرینه بر این نکته است که خداوند با هلاک سازی آنان مکرشان را باطل ساخت.

22- بی تأثیری مکر علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 42 - 5,2

2_ خداوند ، مکر های پیشینیان علیه پیامبران و برنامه های الهی را بی اثر ساخت و توطئه گران را به هلاکت رسانید .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض . . . وقد مکر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً

نمی توان جمله «لله المکر جمیعاً» را متفرع بر «قدمکرالذین . . .» دانست؛ زیرا بر مکر کردن کافران این نتیجه مترتب نمی شود که مکرها از آن خداست. بنابراین «فاء» در «فله . . .» فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر دارد. کلام با تقدیر آن چنین است: «قد مکر الذین من قبلهم فأبطله الله فله المکر جمیعاً». جمله «أولم یروا . . .» قرینه بر این نکته است که خداوند با هلاک سازی آنان مکرشان را باطل ساخت.

5_ نابودی کفرپیشگان توطئه گر در طول تاریخ، نشانه بی اثر بودن مکر آنان در برابر برنامه های الهی است.

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها . . . وقد مکر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً

ص: 8

23- بی تأثیری مکر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 15

15 - کار ساز نبودن مکر و حيله فرعون در ساختن بنای بلند ، به بهانه اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) و اثبات دروغ گو بودن او

ی-ه-م-ن ابن لی صرحًا.. فأطلع إلى إله موسى... و ما کید فرعون إلا فی تباب

برداشت یاد شده به این خاطر است که از مصادیق اصلی «کید فرعون» ساختن بنای بلند می باشد.

24- بی تأثیری مکر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 45 - 1

1 - خداوند مؤمن آل فرعون را از آثار ناپسند مکر فرعونیان محفوظ داشت .

فوقی-ه الله سیئات ما مکروا

25- بی تأثیری مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 42 - 4

4- خداوند ، مکر های کفرپیشگان را بی نتیجه می سازد .

وقد مکر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 10 - 15

15 - همه مکر ها و توطئه های سوء کافران و دین ستیزان ، رو به کساد و نابودی است .

و الذین یمکرون السیئات .. و مکر أولئک هو بیور

«ال» در «السیئات» برای جنس و مفید استغراق و به معنای انواع مکرهای بد است. «بوار» (مصدر «بیور») هم در معنای هلاکت به کار

رفته و هم به معنای کسادى مفرط آمده است (لسان العرب). در هر صورت در این آیه، کنایه از عدم تأثیر و بی نتیجه بودن مکرهای کافران می باشد.

ص: 9

26- بی تأثیری مکر مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 17

17 - توطئه و نیرنگ های مستکبران و قدرت های فرعونى ، شکست پذیر و خنثى شدنى است .

و ما کید فرعون إلا فى تباب

برداشت بالا با توجه به این نکته مهم تفسیری است که نقل داستان ها و ماجراهای تاریخی در قرآن، صرفاً برای بیان واقعیت تاریخی گذشته نیست. بلکه جریانی است مستمر برای تمامی اعصار و روزگاران.

27- بیمار دلان مدینه و مکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 12 - 9، 5

5 - منافقان و بیمار دلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله إلا غرورًا

9 - ظن و گمان منافقان و بیمار دلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنون بالله الظنوننا . .. و إذ يقول المنفقون ... ما وعدنا الله ورسوله إلا

«و إذ يقول» می تواند تفسیر «الظنوننا» باشد.

28- پاسخ مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 16 - 7

7 - خداوند در مکر و کيفر ، آغازگر نبوده و خدعه های او ، پاسخ کردار ناروای کافران است .

إنهم یکیدون کیدًا . و أكید کیدًا

29- تشویق به مکر

10_ نفوذ شیطان در انسان ها و ترغیب آنان به نفاق ، دروغ پردازی ، فریب کاری و طرح توطئه های شوم ، نمودی از دشمنی آشکار او با ایشان است .

إن الشیطن للإنس عدو مبین . . . اقتلوا یوسف . . . أرسله معنا غداً یرتع و یلعب و إ

30- تنوع مکر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 46 - 5

5- ستمگران پیشین برای نجات خویش از عذاب استیصال به انواع گوناگون مکر و چاره اندیشی متوسل شدند؛ ولی از آنها هیچ نتیجه ای نگرفتند.

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم و تبین لکم کیف فعلنا بهم . . . و قد مکروا مک

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «و قد مکروا مکرم . . .» حال برای ضمیر «بهم» باشد؛ یعنی، با اینکه آنان به انواع حيله ها و چاره اندیشیها برای نجات از عذاب متوسل می شدند گرفتار آن شدند.

31- تهدید به مکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 18

18_ خداوند کفرپیشگانی که علی رغم مشاهده آیات خدا، ربوبیت او را منکر شوند، به عذاب شدید و مکرری سخت تهدید کرده است.

و هم یجـدلون فی الله و هو شدید المحال

32- خدا و مکر خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 9

9_ خداوند نخواهد گذاشت مکر و حيله خیانتکاران به فرجام رسد و به ثمر نشیند.

و أن الله لایهدی کید الخائنین

33- دفع مکر دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 42 - 8

8_ آگاهی خداوند به عملکرد و دستاورد انسانها، زمینه ساز اقتدار او بر خنثی کردن مکرها و توطئه های ایشان علیه پیامبران و برنامه های

فَللّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ

جمله «يعلم . . .» به منزله تعلیلی است برای «فَللّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا» و اشاره به ریشه و خاستگاه این حقیقت دارد که مکرها و توطئه های کافران علیه برنامه های الهی بی اثر است و همه برنامه ها در اختیار خداوند است؛ یعنی، چون خداوند از اعمال و رفتار انسانها آگاه است، مکر و نقشه های ایشان بر او مخفی نمی ماند و لذا به خوبی می تواند آنها را خنثی سازد.

34- دفع مکر دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 8 - 42 - 13 - رعد

8_ آگاهی خداوند به عملکرد و دستاورد انسانها، زمینه ساز اقتدار او بر خنثی کردن مکرها و توطئه های ایشان علیه پیامبران و برنامه های الهی

فَللّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ

جمله «يعلم . . .» به منزله تعلیلی است برای «فَللّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا» و اشاره به ریشه و خاستگاه این حقیقت دارد که مکرها و توطئه های کافران علیه برنامه های الهی بی اثر است و همه برنامه ها در اختیار خداوند است؛ یعنی، چون خداوند از اعمال و رفتار انسانها آگاه است، مکر و نقشه های ایشان بر او مخفی نمی ماند و لذا به خوبی می تواند آنها را خنثی سازد.

35- دفع مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 11

11_ خداوند، خنثی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش یوسف (ع) از زندان

أَنْ لِّلّهِ لَآيَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ

36- دفع مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 62 - 3

3_ خداوند با حمایت خویش از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و جامعه ایمانی، نیرنگ کافران را بی اثر خواهد کرد.

وَإِنْ يَرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُواكَ فَإِنْ حَسِبَكَ اللَّهُ

جواب شرط «إن يريدوا . . . » محذوف است و جمله «فان حسبك الله» جانشین آن شده است ; یعنی: إن يريدوا أن يخذعوك فالله يكفيك شرهم.

ص: 12

37- زمینه مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 10 - 11 - 12

10- حسد، آدمی را به گناہانی همانند دروغ گفتن و نیرنگ زدن حتی به محبوب ترین نزدیکانش، وادار می سازد.

قالوا یأبانا ما لک لاتأمتنا علی یوسف وینا له لنـصحون

38- زمینه مکر مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 2 - 35 - 43

2 - بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای مشرکان - به رغم سوگند مؤکد آنان بر ایمان و پذیرش - موجب گردنکشی بیشتر و حیلہ گری علیه اسلام گردید.

فلما جاءهم نذیر ما زادهم إلا نفوراً.. و مکر السّیّی

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که «استکباراً» بدل برای «نفوراً» باشد؛ یعنی، «ما زادهم إلا استکباراً».

39- زیان مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 4 - 35 - 43

4 - خسارت و پی آمد سوء مکرها و حیلہها، تنها دامنگیر صاحبان آن خواهد شد.

و لایحیق المکر السّیّی إلا بأهله

40- سرزنش مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 4 - 92 - 16

4- فریبکاری و خدعه با مردم، عملی نکوهیده در بینش الهی

تتخذون أيمـنكم دخلاً بينكم

ص: 13

41- سرزنش مکر با خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 101 - 16

16 - خودفریبی و تجاهل در برخورد با حقایق ، امری نکوهیده و ناروا

نبد فريق من الذين أوتوا الكتب . . . كأنهم لا يعلمون

42- سستی مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 18 - 4

4_ سنت الهی بر سست کردن حيله کافران است .

ذلكم و أن الله موهن كيد الكافرين

«أن الله . . . » خبر برای مبتدایی محذوف است ؛ یعنی «و الأمر أن الله ...» .

43- شکست مکر خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 9، 12

9_ خداوند نخواهد گذاشت مکر و حيله خیانتکاران به فرجام رسد و به ثمر نشیند .

و أن الله لايهدى كيد الخائنين

12_ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلك ليعلم . . . أن الله لايهدى كيد الخائنين

چنان چه گذشت عبارت «أن الله لايهدى . . .» عطف بر «أنى ...» است ؛ یعنی: «ذلك ليعلم أن الله ...» . این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بدانند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

44- شکست مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 30 - 1

1_ خداوند با برنامه های خویش ، مکر کافران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نافرجام ساخت .

إذ يمكر . . . ويمكر الله و الله خير المكرين

ص: 14

45- شکست ناپذیری مکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 4

4 - کید و تدبیر خداوند ، شکست ناپذیر است .

إنّ کیدی متین

46- عزیز مصر و مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 9

9_ شناخت عزیز مصر از روحیه زنان و آگاهی او به ترفندهایشان

إنّ کیدکّنّ عظیم

47- عوامل مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 10 - 3

3 - نفاق ، خدعه گری و دروغ پردازی ، رذایلی هستند برخاسته از بیماری دل

و من الناس من یقول ءامنا .. یخدعون اللّٰه ... فی قلوبهم مرض

«فی قلوبهم مرض» بیانگر ریشه رذایلی است که در آیات قبل و فرازهای بعد، برای منافقان بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 24 - 9، 4، 3

3_ احساس مصونیت از خلود در آتش دوزخ ، عامل فریب و گمراهی اهل کتاب

ثمّ یتولّی فریق .. ذلک بانّهم قالوا لن تمسّنا النار ... و غرّهم

4_ باور های دروغین و خرافی ، مایه فریب و گمراهی

قالوا لن تمسنا النار .. غرهم فی دینهم

9_ اعتقاد به مصونیت از خلود در عذاب، دروغی که اهل کتاب، آن را ساخته و خود را فریب دادند.

و غرهم فی دینهم ما كانوا یفترون

ص: 15

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 5 - 19

19_ شیطان ، در ایجاد دشمنی میان انسان ها و واداشتن آنان به مکر و حيله عليه يکديگر ، نقشی بسزا دارد .

فيكيدوا .. إن الشيطان للإنس عدو مبين

48- قدرت مکر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهيم - 14 - 46 - 1,4,6

1- هلاکت و عذاب دنیوی ستم پیشگان تاریخ از سوی خداوند ، علی رغم مکر و چاره اندیشی های فراوان و قدرتمندانه آنان

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا .. و قد مکروا مکرمهم ... و إن کان مکرمهم لتزول منه

4- تسلی و دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر ترفند ها و مکر های گوناگون و کوه شکن ستم پیشگان جامعه

و قد مکروا مکرمهم و عند الله مکرمهم و إن کان مکرمهم لتزول منه الجبال

6- مکر ها و چاره اندیشی های ستمگران ، هر چند گسترده و کوه شکن باشد ، در برابر نیروی حق بی ثمر و ناموفق خواهد بود .

و قد مکروا مکرمهم و عند الله مکرمهم و إن کان مکرمهم لتزول منه الجبال

49- کیفر با مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 142 - 17

17_ خدعه خداوند با منافقان نیرنگ باز ، به مجازات کردن آنان است .

إنّ المنافقين یخدعون الله و هو خدعهم

امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از معنای خدعه خداوند در آیه فوق فرمود: ان الله تعالی .. لا یخادع و لکنه تعالی یجازیهم ... جزاء ... الخدیعه ...

توحيد صدوق، ص 163، ح 1، ب 21؛ نورالثقلين، ج 1، ص 565، ح 632.

50- گناه مکر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 107 - 8

8 - خيانت و نيرنگ ، گناه است .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا

ص: 16

در برداشت فوق، «اثیماً»، صفت توضیحی برای «خواناً» گرفته شده است.

51- مبارزه با مکر دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 5 - 12

12_ لزوم تلاش برای در امان ماندن از مکر و حيله ديگران

لا تقصص... فيكيدوا لك كيداً

52- مبارزه با مکر مخالفان صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 50 - 2

2 - مقابله خداوند با حيله و نيرنگ مخالفان صالح

و مکرنا مکرراً

53- مبعوضيت مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 108 - 7

7_ ناخشنودی خداوند از خيانت و نيرنگ ، حتی در مرحله پندار و گفتار

اذ يبيتون ما لا يرضى من القول

«اذ يبيتون»، حاکی از اندیشه خيانت و گناه است. و جمله «ما لا يرضى»، تصريح به ناخشنودی خداوند و نکوهش از چنین پندار و اندیشه ای دارد.

54- محدوده مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 204 - 6

6_ ظاهرسازی و فریفتن دیگران ، فقط در تنگنای حیات دنیا ممکن است .

و من الناس من يعجبك قوله في الحيوه الدنيا

بنابراینکه «فی الحیوه الدنیا»، متعلّق به «یعجبک» باشد ; یعنی شگفتی گفتارشان در دنیا است ; در آخرت که روز حقیقت است.

ص: 17

55- مکر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 20 - 1

1_ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه «وسوسه» حرف «لام» آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

56- مکر اشراف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 123 - 7

7_ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و كذلك جعلنا فی کل قریه

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر «مکه» است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

57- مکر اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 123 - 7

7_ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و كذلك جعلنا فی کل قریه

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر «مکه» است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

58- مکر اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اصحاب فیل ، درصدد مکر با خداوند و پی گیر طرحی در مقابله با اهداف الهی بودند .

ص: 18

«کید»، نوعی چاره جویی کردن است که گاهی مذموم و گاه پسندیده است؛ گرچه موارد استعمال آن در مذموم بیشتر است. (مفردات) مراد از «کید» اصحاب فیل، هجوم آنان به مکه برای ویران ساختن کعبه و بازداشتن مردم از عبادت نزد آن بود. ابرهه پیش از آن نیز، برای منصرف ساختن مردم از زیارت کعبه، کنیسه ای در یمن ساخته بود؛ ولی به قرینه عنوان «اصحاب الفیل»، می توان گفت: مراد از «کیدهم» همان هجوم به کعبه است.

59- مکر امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 42 - 1

1_ امت های پیشین علیه پیامبران و برنامه های الهی، توطئه می کردند و برای مقابله با آنها به مکر و حيله می پرداختند.

وقد مکر الذین من قبلهم

60- مکر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 14

14_ خداوند، به ترفند ها و مکر های آدمیان و راه خنثی کردن و از میان بردن آن، آگاه است.

فصرف عنه کیدهنّ إنه هو السميع العليم

از مصداقهای مورد نظر برای متعلق «سمیع» و «علیم»، به قرینه «کیدهنّ» ترفند زنان اشراف، و به قرینه «صرف عنه» از میان بردن مکرهای ایشان است.

61- مکر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 78 - 4,6

4_ فریبکاری گروهی از اهل کتاب با سعی در تحریف کتب آسمانی

وانّ منهم لفریقاً .. لتحسبوه من الکتاب

6_ برخی از اهل کتاب (عالم‌ان آنان) ، برای فریب مردم ، دست نوشته خود را همانند کتاب خدا تلاوت می کردند .

وانّ منهم لفريقاً يلوّن السنتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 19

13 _ تلاش موزیانه و فریبکارانه اهل کتاب (یهود) ، برای بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل الله إلیک

چون «یفتنوک» به «عن» متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است؛ یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 _ تظاهر به اسلام ، شیوه گروهی از اهل کتاب برای فریب مسلمانان و ضربه زدن به اسلام

و إذا جاءوكم قالوا ءامنا .. و الله اعلم بما كانوا یکتُمون

جمله «الله اعلم بما كانوا یکتُمون» با توجه به دشمنی اهل کتاب با مسلمانان، می رساند که آنان در تظاهر به اسلام اهداف پلیدی را تعقیب می کردند و آن از بین بردن اسلام بوده است.

62- مکر با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - منافقان با اظهار ایمان ، در پی نیرنگ زدن به خدا و فریب دادن اهل ایمان هستند .

و من الناس من یقول ءامنا .. یخدعون الله و الذین ءامنوا

جمله «و ما یخدعون إلا أنفسهم» می رساند که: منافقان به خدا و اهل ایمان نیرنگ نزدند و نخواهند زد. بنابراین «یخدعون الله ...»؛ یعنی آنان در صدد نیرنگ زدن هستند.

5 - خدعه و نیرنگ با خدا و مؤمنان ، خودفریبی و نیرنگ زدن به خویشان است .

و ما یخدعون إلا أنفسهم

7 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: «... من یخدع الله یخدعه... قیل له و کیف یخدع الله؟ قال یعمل بما أمره الله عز و جل ثم یرید به غیره...»؛

... کسی که [به خیال خود] خدا را فریب دهد، خدا او را فریب می دهد... به آن حضرت گفته شد: چگونه او خدا را فریب می دهد؟ فرمود: به آنچه خدا دستور داده عمل می کند ولی نیت او غیر خداست...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 54 - 6,7

6_ ناتوانی و شکست قطعی انسان ، در مکر با خداوند

و مکر الله و الله خير الماكرين

7_ مکر انسان با خداوند ، مستلزم مکر الهی با اوست .

و مکروا و مکر الله

ص: 20

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 142 - 13، 5، 1

1_ خدعه و نیرنگ با خداوند ، برنامه همیشگی منافقان است .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهَ

فعل مضارع «يخدعون»، استمرار و اصرار منافقان بر حيله گری را می فهماند.

5_ نیرنگ با مؤمنان ، نیرنگ با خداست .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَدَعَهُمْ

با توجه به آیه قبل که نوعی از مکر منافقان با مؤمنان را بیان کرده، گویا همان مکر و حيله را در این آیه - برای عنایتی خاص - مکر با خداوند شمرده است.

13_ ریا در نماز و عبادت ، خدعه با خداست .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهَ . . . قَامُوا كَسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ

بنابر اینکه «اذا قاموا الى الصلوه . . .» بیانی برای (يخدعون الله) باشد.

19_ عمل به دستورات خداوند از روی ریا ، خدعه با او و نشانه نفاق است .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَدَعَهُمْ

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در پاسخ سؤال از چگونگی خدعه نمودن با خداوند فرمود: يعمل بما امر الله ثم يريد به غيره . . .

عقاب الاعمال، ص 303، ح 1، عقاب الرياء؛ تفسير عياشي، ج 1، ص 283، ح 295.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فيل - 105 - 2 - 1

1 - اصحاب فيل ، درصدد مکر با خداوند و پی گیر طرحی در مقابله با اهداف الهی بودند .

کيدهم

«کید»، نوعی چاره جویی کردن است که گاهی مذموم و گاه پسندیده است؛ گرچه موارد استعمال آن در مذموم بیشتر است. (مفردات) مراد از «کید» اصحاب فیل، هجوم آنان به مکه برای ویران ساختن کعبه و بازداشتن مردم از عبادت نزد آن بود. ابرهه پیش از آن نیز، برای منصرف ساختن مردم از زیارت کعبه، کنیسه ای در یمن ساخته بود؛ ولی به قرینه عنوان «اصحاب الفیل»، می توان گفت: مراد از «کیدهم» همان هجوم به کعبه است.

63- مکر با خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 9 - 5,6

5 - خدعه و نیرنگ با خدا و مؤمنان ، خودفریبی و نیرنگ زدن به خویشان است .

و ما یخدعون إلا أنفسهم

ص: 21

6 - منافقان ، به خودفریبی خویش و نیرنگبازی با خود ، ناآگاه هستند .

و ما یخدعون إلا أنفسهم و ما یشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 33 - 12

12_ مشرکان در پرستش خدایان دروغین ، خویشان را فریب داده بودند .

بل زین للذین کفروا مکرهم

در اینکه فاعل محذوف از «زین» چیست؟ چند احتمال وجود دارد 1_ شیطان 2_ سران کفر و شرک 3_ خود کافران. برداشت فوق بر اساس سومین احتمال است. بر این مبنا معنای جمله چنین می شود: «زین الکافرون لأنفسهم مکرهم» و مفاد آن این است که کفرپیشگان با دلیلهایی واهی شرک را توجیه کردند و کم کم آنها را زیبا دیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 6

6 - برگشت مکر مکاران مخالف با ادیان الهی به خود آنان ، سنت الهی است .

فهل یظرون إلا سنت الأولین

جمله «فهل یظرون...» هم می تواند ناظر به بازگشت مکر مکاران علیه خود آنان باشد و هم می تواند اشاره به کیفر الهی درباره مکاران گذشته داشته باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 42 - 4

4 - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذین کفروا هم المکیدون

64- مکر با سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 92 - 3

3- ممنوعیت استفاده از سوگند به عنوان وسیله ای برای فریب دیگران

و لا تکنوا... تتخذون ایم نکم دخلاً بینکم

65- مکر با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 22

5- مهلت دادن به کافران ، نمونه ای از مکر خداوند با آنان است .

وَأَكِيدُ كَيْدًا . فَمَهَّلَ الْكَافِرِينَ

66- مکر با منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 142 - 3,7

3_ منافقان حيله گر ، خود گرفتار کمند نيرنگ های خدايند .

و هو خدعهم

7_ خداوند ، خود کيفر دهنده خدعه و نيرنگ منافقان خيانت پيشه است .

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهُ وَ هُوَ خَدَعَهُمْ

بدان احتمال که خدعه خداوند، همان کيفر و مجازاتهای وی باشد.

67- مکر با موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 64 - 3

3- فرعونيان ، به حيله و مکر بودن سحر و برنامه های خود برای مقابله با موسی (ع) و عاری بودن آن از حقيقت معترف بودند .

فَأَجْمَعُوا كَيْدَ كَمْ

به کاربردن «کيد» در باره کار و سحر خود از سوی فرعونيان، حکايت از آن دارد که آنان، خود به سحر و بی حقيقت بودن آن معترف بودند و آن را صرفاً حيله ای در برابر موسی (ع) می دانستند.

68- مکر با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 9 - 3,5

3 - منافقان با اظهار ایمان ، در پی نیرنگ زدن به خدا و فریب دادن اهل ایمان هستند .

و من الناس من يقول ءامنا .. يخدعون الله و الذين ءامنوا

جمله «و ما يخدعون إلا أنفسهم» می رساند که: منافقان به خدا و اهل ایمان نیرنگ نزدند و نخواهند زد. بنابراین «يخدعون الله...»; یعنی آنان در صدد نیرنگ زدن هستند.

5 - خدعه و نیرنگ با خدا و مؤمنان ، خودفریبی و نیرنگ زدن به خویشان است .

ص: 23

و ما یخدعون إلا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 142 - 5

5 - نیرنگ با مؤمنان ، نیرنگ با خداست .

إنّ المنفقین یخدعون الله و هو خدعهم

با توجه به آیه قبل که نوعی از مکر منافقان با مؤمنان را بیان کرده، گویا همان مکر و حيله را در این آیه - برای عنایتی خاص - مکر با خداوند شمرده است.

69- مکر برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 5 - 4

4_ یعقوب (ع) مطمئن به مکر و کید فرزندان علیّه یوسف (ع) در صورت آگاه شدنشان از رؤیای او

لا تقصص رءیاک علیٰ إخوتک فیکیدوا لک کیداً

چنان چه یعقوب(ع) اطمینان و یقین به کید و مکر فرزندان علیّه یوسف(ع) نداشت ، پس از نقل رؤیا می فرمود: «فإنی أخاف أن یکیدوا . ..» (می ترسم نقشه ای برای تو بکشند) و جمله خویش را با مفعول مطلق (کیداً) تأکید نمی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 11 - 9

9_ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به او ، و تحریک احساسات وی درصدد فریب دادن او بودند .

قالوا ی_أبانا ما لک لاتأمنّا علیٰ یوسف

برداشت فوق ، از خطاب «ی_أبانا» (ای پدر جانمان) و نیز لحن کلام «ما لک لاتأمنّا . . .» (چه شده است که به ما درباره یوسف بی اعتماد هستی) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 15 - 1

1_ فرزندان یعقوب با دروغ ها و نیرنگ های خویش ، موافقت او را برای فرستادن یوسف (ع) به همراه خود جلب کردند .

إنالہ لح_فظون .. فلما ذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 6

6_ آگاهی یعقوب به اینکه بازداشت بنیامین بر اساس کید و نقشه ای از طرف فرزندانش (یوسف ، بنیامین یا برادران دیگر) بوده است . *

ص: 24

در اینکه چرا یعقوب(ع) گزارش فرزندانش را باور نکرد و آنان را علی رغم داشتن شهود عینی _ که جای شک باقی نمی گذاشت _ به تسویل کردن متهم ساخت، پاسخهایی ذکر کرده اند. آنچه به نظر روشن تر می رسد این است که: 1_ یعقوب(ع) به فراست خاص خویش و اطمینانش به درست کاری بنیامین دریافته بود که گزارش یاد شده واقعیت ندارد. 2_ کید و نقشه ای برای گرفتار شدن بنیامین در کار بوده و به اصطلاح کاسه ای زیر نیم کاسه بوده است. 3_ این کید و نقشه از ناحیه فرزندانش اجرا شده است. اینها واقعتهایی بود که یعقوب(ع) به فراست دریافت؛ ولی نکته ای که برای او _ پس از آنکه فهمیده بود نقشه گرفتاری بنیامین از ناحیه فرزندانش است _ مجهول و مبهم مانده بود، این بود که متوجه نشد خود بنیامین و یوسف طراح و مجری آن نقشه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 102 - 7,8,9

7_ تصمیم و عزم برادران یوسف بر توطئه و مکر علیه وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

«اجماع» (مصدر أجمعوا) به معنای تصمیم گرفتن و مهیای انجام کاری شدن است. مراد از ضمیرهای جمع در جمله «أجمعوا...» برادران یوسف است. گرچه این احتمال نیز بعید به نظر نمی رسد که مقصود از آن ضمیرها علاوه بر برادران، زلیخا و هیأت حاکمه مصر نیز باشد.

8_ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمتهای آن می باشد.

9_ بیان قرآن درباره مکرها و توطئه های برادران یوسف، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

جمله «و ما کنت لدیهم...» به منزله تعلیل برای «ذلک من أنباء الغیب...» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 103 - 4

4_ خداوند با بیان مکر برادران یوسف علیه وی ، تسلّی دهنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مخالفت مردمان با وی

إذ أجمعوا أمرهم وهم يمكرون. و ما أكثر الناس ولو حرصت بمؤمنين

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان «ما أكثر الناس . . .» با خصوص مکر برادران یوسف علیه وی (و هم يمكرون) است و به این نکته اشاره دارد که: ای پیامبر! آنان که فرزندان یعقوب پیامبر بودند با پدر و برادرشان آن گونه رفتار کردند، پس مبادا از ایمان نیاوردن مردم اندوهگین باشی و خود را مقصر پنداری چرا که عموم مردم حق ناپذیرند.

ص: 25

70- مکر به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 26 - 4,9

4- خداوند ، تمامی مکر ها و توطئه های توطئه گران علیه دین را به خود آنان باز گرداند .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنی_نهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

احتمال دارد فراز «فأتی الله بنیانهم من القواعد. ..» بیان تمثیلی باشد نه حقیقی. بنابراین مراد آیه چنین می شود: آنان تلاشهای زیاد و بنیان های فکری قوی علیه دین تدارک دیده بودند، ولی خداوند آن بنیان ها را علیه خود آنان به کار گرفت.

9- توطئه گران علیه دین ، هیچ گاه گمان نمی کردند که مکرشان علیه دین ، دامنگیر خود آنان خواهد شد .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنی_نهم من القواعد . . . وأت_هم العذاب من حیث لا

71- مکر به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 11 - 10

10_ حسد ، آدمی را به گناهای همانند دروغ گفتن و نیرنگ زدن حتی به محبوب ترین نزدیکانش ، وادار می سازد .

قالوا ی_أبانا ما لک لاتأمتا علی یوسف و إنا له لن_صحون

72- مکر به دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 26 - 4,9

4- خداوند ، تمامی مکر ها و توطئه های توطئه گران علیه دین را به خود آنان باز گرداند .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنی_نهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

احتمال دارد فراز «فأتی الله بنیانهم من القواعد. ..» بیان تمثیلی باشد نه حقیقی. بنابراین مراد آیه چنین می شود: آنان تلاشهای زیاد و بنیان های فکری قوی علیه دین تدارک دیده بودند، ولی خداوند آن بنیان ها را علیه خود آنان به کار گرفت.

9- توطئه گران علیه دین ، هیچ گاه گمان نمی کردند که مکرشان علیه دین ، دامنگیر خود آنان خواهد شد .

قد مكر الذين من قبلهم فأتى الله بنى-نهم من القواعد . . . وأت-هم العذاب من حيث لا

73- مكر به يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 102 - 7.8.9

ص: 26

7_ تصمیم و عزم برادران یوسف بر توطئه و مکر علیه وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون

«اجماع» (مصدر أجمعوا) به معنای تصمیم گرفتن و مهیای انجام کاری شدن است. مراد از ضمیرهای جمع در جمله «أجمعوا...» برادران یوسف است. گرچه این احتمال نیز بعید به نظر نمی رسد که مقصود از آن ضمیرها علاوه بر برادران، زلیخا و هیأت حاکمه مصر نیز باشد.

8_ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمت‌های آن می باشد.

9_ بیان قرآن درباره مکر ها و توطئه های برادران یوسف، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون

جمله «و ما كنت لديهم..» به منزله تعلیل برای «ذلک من أنباء الغیب...» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 103 - 4

4_ خداوند با بیان مکر برادران یوسف علیه وی، تسلی دهنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مخالفت مردمان با وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون. و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان «ما أكثر الناس...» با خصوص مکر برادران یوسف علیه وی (و هم يمكرون) است و به این نکته اشاره دارد که: ای پیامبر! آنان که فرزندان یعقوب پیامبر بودند با پدر و برادرشان آن گونه رفتار کردند، پس مبادا از ایمان نیاوردن مردم اندوهگین باشی و خود را مقصر پنداری چرا که عموم مردم حق ناپذیرند.

74- مکر ثروتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 22 - 1

1 - استفاده صاحبان زر و زور از مکر و نیرنگی بس بزرگ ، علیه دعوت نوح (ع) و در جهت گمراه کردن مردم

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا . و مکروا مکراً کتّاباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 23 - 4

4 - دفاع از عقاید مذهبی و شرک آمیز مردم ، از حيله ها و نیرنگ های صاحبان زر و زور ، برای مبارزه با دعوت توحیدی نوح (ع)

و قالوا لاتذرنا الهتکم و لاتذرنا وداً . . و نسرّاً

ص: 27

75- مکر جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 69 - 5

5- سحر، مکر و حيله ساحر است و واقعيات را تغيير نمي دهد.

إِثْمًا صَنَعُوا كَيْدَ سِحْرٍ

76- مکر جايز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 142 - 8

8_ جواز خدعه و نيرنگ، در مقابل مکر و حيله دشمنان (مقابل به مثل) *

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَدَعَهُمْ

77- مکر حاکمان مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 102 - 9

9_ بيان قرآن درباره مکر ها و توطئه های برادران يوسف، زليخا و هیأت حاکمه مصر عليه او، دليلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون

جمله «و ما كنت لديهم..» به منزله تعليل برای «ذلک من أنباء الغيب...» است.

78- مکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 9 - 7

7 - از رسول خدا (صلی الله عليه و آله) روايت شده که فرمود: «... من يخادع الله يخدعه... قيل له و كيف يخادع الله؟ قال يعمل بما أمره الله عز و جل ثم يريده به غيره...»

... کسی که [به خیال خود] خدا را فریب دهد، خدا او را فریب می دهد ... به آن حضرت گفته شد: چگونه او خدا را فریب می دهد؟
فرمود: به آنچه خدا دستور داده عمل می کند ولی نیت او غیر خداست ...».

ص: 28

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 54 - 3,4,7,9,10

3 - مکر و مقابله خداوند با مکر و حيله کافران توطئه گر عليه عيسى (ع)

و مکروا و مکر الله

4 - توانایی و چیرگی خداوند در مکر با کافران

و مکروا و مکر الله و الله خير الماکرين

7 - مکر انسان با خداوند ، مستلزم مکر الهی با اوست .

و مکروا و مکر الله

9 - مکر خداوند به انسان ، بازتاب عمل مکرآمیز خود انسان است .

و مکروا و مکر الله

10 - مکر خداوند با کافران ، مجازات نمودن آنان به سبب مکرشان است .

و مکروا و مکر الله

امام رضا(ع) درباره آیه فوق فرمود: انّ الله تبارک و تعالی ... لا یمکر ... و لکنّه عزّ و جلّ یجازیهم ... جزاء المکر.

عیون اخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 126، ح 19، ب 11؛ معانی الاخبار، ص 13، ح 3.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 55 - 1

1 - توفی (نجات) ، عروج ، تطهیر حضرت عیسی (ع) و غلبه پیروان آن حضرت بر دشمنان ، مکر خداوند در برابر مکر کافران

و مکروا و مکر الله ... اذ قال الله یا عیسی ائی متوفیک ... فوق الذین کفروا

بنابراینکه «اذ»، متعلق به «مکر الله» باشد، یعنی مکر خداوند هنگام بوده که عیسی را بسوی خویش عروج داد و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3_ منافقان حيله گر، خود گرفتار کمند نیرنگ های خدایند .

و هو خدعهم

4_ امهال و واگذاری منافقان برای خدعه و نیرنگ، مکر و نیرنگ خدا با آنهاست .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَدَعَهُمْ

جمله «و هو خدعهم» حالیه است، یعنی همان خدعه و نیرنگ آنان، خدعه خداوند علیه ایشان است. به این معنا که خداوند آنان را مهلت داده و به خود وا گذاشته تا در گناهان بسیار، غرق شوند.

17_ خدعه خداوند با منافقان نیرنگ باز، به مجازات کردن آنان است .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَدَعَهُمْ

امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از معنای خدعه خداوند در آیه فوق فرمود: ان الله تعالى . . . لا يخادع و لكنه تعالى يجازيهم . . . جزاء . . . الخديعه . . .

توحید صدوق، ص 163، ح 1، ب 21؛ نورالثقلین، ج 1، ص 565، ح 632.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 143 - 11

11 - محروم ساختن منافقان از پیمودن راه هدایت، خدعه و کیفر خداوند نسبت به آنان *

و من یضلل الله فلن تجد له سبیلا

جمله «و من یضلل الله»، می تواند بیان خدعه الهی نسبت به منافقان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 99 - 1,2

1 - تکذیب کنندگان انبیا، در معرض مکر خداوند و برنامه های پنهانی و ناشناخته وی برای مجازات آنان

أفأمنوا مکر الله

2 - فراگیری عذاب بر کفرپیشگان بی تقوا به هنگام غفلت های شبانه و سرگرمی های روزانه، از مکر ها و برنامه های پنهانی خداوند با آنان

أن یأتیهم بأسنا بیثنا .. ضحی و هم یلعبون. أفأمنوا مکر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 183 - 3,4,6

3 - تکذیب کنندگان آیات خداوند گرفتار مکر و کید او خواهند شد .

إن کیدی متین

4 - تأخیر در عذاب تکذیب کنندگان و کشاندن تدریجی آنان به ورطه های سقوط با عواملی خوشایند و خام کننده، مکر خدا با ایشان است .

سنستدرجههم .. و أملی لهم إن کیدی متین

مراد از «کید» همان استدراج و امهالی است که در آیه قبل مطرح شد.

6 - مکر و کید خداوند نیرومند و شکست ناپذیر است .

إن کیدی متین

«متین» به معنای نیرومند و استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 30 - 6

6_ خداوند ، برترین برنامه ریز در مقابله با مکر کافران

والله خیر المکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 14

ص: 30

14_ توطئه و نیرنگ علیه قرآن ، تلاشی مذبحانه بوده و نیرنگ بازان پیش از به ثمر رساندن توطئه های خود ، در دام مکر (عذاب) خدا گرفتار خواهند شد .

إذا لهم مكر في آياتنا قل الله أسرع مكرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 24

24_ « عن علی (ع) : . . . قوله : « و هو شديد المحال » قال : يريد المکر ;

از علی (ع) درباره سخن خدا: «و هو شديد المحال» روایت شده است که فرمود: خداوند از «مِحَال» مکر را اراده کرده است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 42 - 3,6

3- همه نقشه ها و طرح های پنهانی از آن خداوند است .

فله المکر جميعًا

6_ نابودی کفرپیشگان توطئه گر ، دلیل اقتدار خدا بر طرح نقشه ها و برنامه های پنهانی

أولم يروا . . . وقد مكر الذين من قبلهم فله المکر جميعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 50 - 2

2 - مقابله خداوند با حيله و نیرنگ مخالفان صالح

و مکرنا مکرًا

79- مکر خدا با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 16 - 1

1 - خداوند ، در برابر نیرنگ ها و توطئه های کافران ، ترفند ها و نقشه هایی پیچیده به کار می گیرد .

وَأَكِيدُ كَيْدًا

«کید»؛ یعنی، احتیال (چاره جستن) که دو نوع مذموم و ممدوح دارد؛ هر چند که استعمال آن در مورد مذموم بیشتر است (مفردات راغب). «کیداً» مفعول مطلق است و بر پیچیدگی نقشه های خداوند دلالت دارد.

80- مکر در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 31

7_ ناخشنودی خداوند از خیانت و نیرنگ ، حتی در مرحله پندار و گفتار

اذ ییتون ما لایرضی من القول

«اذ ییتون»، حاکی از اندیشه خیانت و گناه است. و جمله «ما لایرضی»، تصریح به ناخشنودی خداوند و نکوهش از چنین پندار و اندیشه ای دارد.

81- مکر در صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 61 - 2

2_ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف «الی» متعدی می شود. بنابراین آوردن «لام» پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای «قصده» تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمة فاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 62 - 8

8_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی نباید صلح طلبیهایی را که قرین نیرنگ است بپذیرند و به سبب آن از نبرد با کافران بازایستند .

وإن یریدوا أن یخدعوک فإن حسبک الله

برداشت فوق بر این اساس است که جمله «و ان یریدوا ..» فرض دیگری در مقابل «إن جنحوا» باشد، نه توضیح و تکمیل آن. یعنی صلح به دو منظور پیشنهاد می شود: گاهی به سبب صلح واقعی و زندگانی مسالمت آمیز با مسلمانان و گاهی به منظور حيله گری و تجدید قوا. آیه قبل (إن جنحوا ...) بیانگر احکام و دستورات فرض اول و آیه دوم (و ان یریدوا) بیانگر احکام و دستورات فرض دوم است.

82- مکر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- در قیامت راهی برای تزویر و استفاده نادرست از شفاعت وجود ندارد .

لاتتفع الشفـعه إلاّ من أذن له . . . يعلم . . . ولا يحيطون به علمًا

ص: 32

83- مکر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 204 - 1

1 - برخی با وجود دشمنی با مسلمانان، برای اصلاح امور دنیوی آنان طرح های فریبنده ارائه می دهند .

و من الناس مع يعجبك قوله في الحيوه الدنيا .. و هو الد الخصام

بنابراینکه «فی الحیوه» متعلق به «قوله» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 142 - 8

8 - جواز خدعه و نیرنگ، در مقابل مکر و حيله دشمنان (مقابله به مثل) *

إنّ المنفقين يخدعون الله و هو خدعهم

84- مکر دشمنان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 6

6 - برگشت مکر مکاران مخالف با ادیان الهی به خود آنان، سنت الهی است .

فهل ينظرون إلاّ سنّت الأولین

جمله «فهل ينظرون...» هم می تواند ناظر به بازگشت مکر مکاران علیه خود آنان باشد و هم می تواند اشاره به کیفر الهی درباره مکاران گذشته داشته باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

85- مکر دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 5

5 - خسارت و پی آمد سوء مکر و حيله مخالفان دین اسلام، دامنگیر خود آنان خواهد گشت .

فلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نَفُورًا. .. وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرَ السَّيِّئِ

86- مكر دشمنان دين

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

9- نحل - 16 - 26 - 7

ص: 33

7- دخالت خداوند در تحولات تاریخ ، آن گاه که دشمنان علیه دین توطئه و مکر کنند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسـ طر الأولين . . . قد مكر الذين من قبلهم فأت

87- مکر دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 26 - 2

2- اسطوره خواندن و ساختگی دانستن قرآن ، مکر و توطئه دشمنان این کتاب آسمانی است .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسـ طر الأولين . . . قد مكر الذين من قبلهم

88- مکر دشمنان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 8

8- قدرت خداوند ، فوق مکر و توطئه طراحان و توطئه گران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 70 - 5

5 - دلتنگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از توطئه های دشمنان علیه رسالت آن حضرت

و لا تكن في ضيق مما يمكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 3

3- دعوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، با حيله ها و مکر های مخالفان روبه رو بود .

فلما جاءهم نذير ما زادهم إلا نفورًا. . . و مكر السيي

89- مکر رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 123 - 2,6,8,9

2_ مکر و فریب، شیوه سردمداران مجرمان در میان جوامع

ص: 34

جعلنا فی کل قریه أكبر مجرمیها لیمکروا فیها

6_ تمامی جوامع بشری در معرض تهدید حیل و مکر سردمداران مجرم خویش

و كذلك جعلنا فی کل قریه أكبر مجرمیها لیمکروا فیها

8_ مکر و توطئه سردمداران مجرم، تنها دامنگیر خودشان می گردد.

و ما یمکرون الا بأنفسهم

9_ سردمداران مجرم با مکر خویش علیه دین اسلام تنها خود را می فریبند.

و كذلك جعلنا فی کل قریه .. و ما یمکرون إلا بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 12

12_ القای شبهات و بهانه جویی در برابر آیات الهی و رسالت رسولان او، از مکرهای سردمداران مجرم بوده است.

أكبر مجرمیها لیمکروا .. لن تؤمن حتی تؤتی ... بما كانوا یمکرون

یادآور شدن اشکال تراشیهی سردمداران کفر، پس از ذکر مکر و فریبکاری آنان، می تواند بیان مصداقی بارز برای مکر و فریب آنان باشد.

90- مکر زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 7,8

7_ عزیز مصر، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی، از مکرهای زنانه زلیخا شمرد.

إنه من کیدکنّ

محتمل است ضمیر در «إنه» به حقیقتی که از جمله «غلّقت الأبواب ..» استفاده می شود، ارجاع داده شود. برداشت فوق، بر اساس این احتمال است.

8_ عزیز مصر، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف (ع) و تعیین کیفر برای او را، از مکرهای زلیخا شمرد.

قالت ما جزاء من أراد بأهلک سوءاً .. إنه من کیدکنّ

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در «إنه . . .» به معنایی که از «قالت ما جزاء...» در آیه 25 استفاده می شود، برگردد و آن معنا، پیشدستی کردن زلیخا برای محقق جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 102 - 9

9_ بیان قرآن درباره مکرها و توطئه های برادران یوسف، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

جمله «و ما کنت لدیهم...» به منزله تعلیل برای «ذلک من أنباء الغیب...» است.

ص: 35

91- مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 5,7,8,10,11

5- عزیز مصر پس از پی بردن به حقانیت یوسف (ع)، زنان را انسانهایی پر مکر و حيله خواند .

إنه من كيدكنّ

7- عزیز مصر، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی، از مکر های زنانه زلیخا شمرد .

إنه من كيدكنّ

محتمل است ضمیر در «إنه» به حقیقتی که از جمله «غَلَقَتِ الأبواب . . .» استفاده می شود، ارجاع داده شود. برداشت فوق، بر اساس این احتمال است.

8- عزیز مصر، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف (ع) و تعیین کیفر برای او را، از مکر های زلیخا شمرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا . . . إنه من كيدكنّ

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در «إنه . . .» به معنایی که از «قالت ما جزاء...» در آیه 25 استفاده می شود، برگردد و آن معنا، پیشدستی کردن زلیخا برای محقق جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

10- مکر و حيله زنان، مکر و حيله ای بزرگ است .

إن كيدكنّ عظیم

هر چند جمله «إن كيدكنّ عظیم» سخن عزیز مصر است، ولی مفسران برآنند که هرگاه خداوند سخنی را در قرآن نقل کرده و آن را رد نکنند، معلوم می گردد که آن سخن حق است.

11- حيله و مکر، از ابزار های زنان برای ایجاد فساد و انحراف

إنه من كيدكنّ

92- مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 2

2_ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر ، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه .. فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از «مکر» نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق «مکر» به نقل آن ماجرا ، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه ، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 23

ص: 36

23_ « عن علي بن الحسين (ع) : . . . و خرج النسوة من عندها (إمرأة العزيز) فأرسلت كل واحدة منهنّ إلى يوسف سرّاً من صاحبته تسأله الزيارة فأبى عليهنّ وقال : « إلاّ تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ و أكن من الجاهلين ;

از امام سجّاد(ع) روایت شده است: . . . و بانوان از نزد همسر عزیز بیرون رفته و هر کدام پنهان از رفیق خویش (=زلیخا) به نزد یوسف [پیام] فرستاد و از او درخواست دیدار کرد و یوسف نپذیرفت و گفت: [پروردگار] اگر نیرنگ زنان را از من نگردانی به آنان تمایل پیدا می کنم و از جاهلان خواهم بود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 15

15_ تأکید یوسف (ع) بر آگاهی کامل خداوند به کید زنان اشراف درباره او

إن ربی بکیدهنّ علیم

93- مکر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 76 - 13

13_ شیاطین ، همواره در صدد مکر و توطئه علیه مؤمنان

إنّ کید الشّیطان کان ضعیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 112 - 10

10_ وسوسه و ظاهر سازی فریبکارانه، روش شیاطین است.

یوحی بعضهم إلى بعض زخرف القول غرورا

94- مکر شیاطین انسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 112 - 16

16_ لزوم هشجاری در برابر ترفندهای هنری و تبلیغی شیاطین انس و جن

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا... يوحى بعضهم إلى بعض زخرف القول غرورا

ص: 37

95- مکر شیاطین جنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 112 - 16

16 _ لزوم هشیاری در برابر ترفندهای هنری و تبلیغی شیاطین انس و جن

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا... يوحي بعضهم إلى بعض زخرف القول غرورا

96- مکر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 120 - 2

2 _ وعده های شیطان، جز دروغ و فریب نیست.

يعدهم و يمنهم و ما يعدهم الشيطان الا غروراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 1

1 _ شیطان با فریبکاریها و سوگند دروغ، آدم و حو را به پای درخت ممنوع کشاند تا از ثمره آن تناول کنند.

و قاسمهما... فدلیمها بغرور

«تدلیه»، مصدر «دلی»، به معنای فرستادن است، و مراد از آن نزدیک کردن آدم و حوا به شجره نهی شده برای خوردن از آن است. کلمه «غرور» می تواند مصدر و به معنای فریب دادن باشد و می تواند جمع غار (فریبنده) باشد، و مراد از آن سخنان دروغین و باطلی باشد که شیطان با سوگند به آدم و حوا القا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 3

3 _ فریبکاریهای شیطان، عامل خروج آدم و حوا از بهشت شد.

كما أخرج أبوكم من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 48 - 1

1_ شيطان ، عنصرى فريبكار

وإذ زين لهم الشيطان أعمالهم

ص: 38

97- مکر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 46 - 2

2- خداوند به تمامی ترفند ها و مکر های ستمگران آگاهی کامل دارد .

وقد مکروا مکرمهم و عند الله مکرمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 47 - 7

7- تسلی و دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر مکر ها و ترفند های دشمنان ستمگر

وقد مکروا مکرمهم و عند الله مکرمهم .. فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله

98- مکر علیه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 42 - 1

1_ امت های پیشین علیه پیامبران و برنامه های الهی ، توطئه می کردند و برای مقابله با آنها به مکر و حيله می پرداختند .

وقد مکر الذین من قبلهم

99- مکر علیه خانواده صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 50 - 1

1 - مکر و حيله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا بالله لنبیتته و أهله .. و مکروا مکراً

متعلق «مکروا» حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: «و مکروا به و بأهله مکراً؛ آنان علیه او و خانواده اش خدعه کردند».

100- مکر علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 42 - 1

1_ امت های پیشین علیه پیامبران و برنامه های الهی ، توطئه می کردند و برای مقابله با آنها به مکر و حيله می پرداختند .

ص: 39

وقد مكر الذين من قبلهم

101- مكر عليه صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 50 - 1

1 - مكر و حيله مخالفان صالح پيامبر عليه وى و خانواده اش

قالوا تقاسموا بالله لبيئته و أهله . . . و مكروا مكرًا

متعلق «مكروا» حذف شده و تقدير آن با توجه به آيه قبل چنین است: «و مكروا به و بأهله مكرًا؛ آنان عليه او و خانواده اش خدعه كردند».

102- مكر عليه محمد (صلى الله عليه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 70 - 4,5

4 - مكر و توطئه گسترده و مستمر كافران عليه پيامبر (صلى الله عليه و آله)

و لاتكن فى ضيق ممّا يمكرون

به كارگيرى فعل مضارع (يمكرون)، بيانگر استمرار مكر و حيله كافران عليه پيامبر (صلى الله عليه و آله) مى باشد.

5 - دلتنگى پيامبر (صلى الله عليه و آله) از توطئه هاى دشمنان عليه رسالت آن حضرت

و لاتكن فى ضيق ممّا يمكرون

103- مكر عليه مخالفان صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 50 - 2

2 - مقابله خداوند با حيله و نيرنگ مخالفان صالح

و مكرنا مكرًا

104- مكر عليه نوح (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

19 - نوح - 71 - 22 - 1

ص: 40

1 - استفاده صاحبان زر و زور از مکر و نیرنگی بس بزرگ ، علیه دعوت نوح (ع) و در جهت گمراه کردن مردم

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا . و مکروا مکرًا کتّابًا

105- مکر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 122 - 3,2

2_ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر «رب العلمین» به «رب موسی و هرون» این باشد که مبدا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را «رب العلمین» خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

3_ پیشگیری از فریبکاری و خدعه گری فرعون ، از اهداف ساحران در تفسیر « رب العلمین » به « رب موسی و هرون »

رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 60 - 3,4,5,6

3 - تهیه و تدارک برای ارائه سحری بزرگ در برابر موسی (ع) ، از حيله های فرعون

فلنأتینک بسحر . . . فجمع کیده

4 - فرعون برای مقابله با موسی (ع) ، تمامی حيله ها و برنامه های خود را جمع آوری کرد و به کار گرفت .

فتولّی فرعون فجمع کیده

«کید»؛ یعنی، مکر ورزیدن و چاره اندیشیدن (قاموس) و مراد از «جمع کید»، گردآوری اهل مکر و ابزار آن است.

5 - فرعون ، از فرصت کافی برای تدارک سحر و امکانات دیگر جهت مقابله با موسی (ع) برخوردار بود .

فجمع کیده ثمّ أتى

«ثُمَّ» برای بیان تراخی است. ممکن است این تراخی، زمانی باشد؛ یعنی، پس از جمع آوری مکرها، مدتی تا رسیدن روز موعود فاصله شد و سپس آن روز فرا رسید. براین اساس باید گفت: فرعون فرصتی کامل برای کسب آمادگی داشت.

6- فرعون پس از گردآوری امکانات و حيله های خویش، در میعادگاه خود با موسی (ع) حاضر گردید.

موعدکم یوم الزینه . . . فجمع کیده ثم اُتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 35 - 4

4- دروغ و تزویر، دو حربه فرعون علیه موسی (ع)

قال . . . إنّه ذاللس - حر علیم . یزید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

تعبیر «یزید أن یخرجکم . . .» دروغی آشکار است؛ چه این که موسی (ع) خواهان خارج ساختن بنی اسرائیل از مصر بود و نه

ص: 41

قبطیان. و از سوی دیگر در مجموع کلام وی تزویر و فریبکاری نهفته است چه در گفتن «أرضکم» (سرزمین شما) و چه در تعبیر «بسحره» (با جادویش)

106- مکر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 64 - 3

3- فرعونیان، به حيله و مکر بودن سحر و برنامه های خود برای مقابله با موسی (ع) و عاری بودن آن از حقیقت معترف بودند.

فأجمعوا کیدکم

به کاربردن «کید» در باره کار و سحر خود از سوی فرعونیان، حکایت از آن دارد که آنان، خود به سحر و بی حقیقت بودن آن معترف بودند و آن را صرفاً حيله ای در برابر موسی (ع) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 45 - 2

2- مؤمن آل فرعون، پس از اعلان مواضع اعتقادی خویش و مبارزه با عقیده شرک آلود، با انواع مکرها و نقشه های شوم فرعونیان روبه روشد.

فوقی_ه الله سیئات ما مکروا

جمع آمدن «سیئات» نشانگر تعدد و گوناگونی مکرهای فرعونیان است.

107- مکر قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 22 - 1

1- استفاده صاحبان زر و زور از مکر و نیرنگی بس بزرگ، علیه دعوت نوح (ع) و در جهت گمراه کردن مردم

من لم یزده ماله و ولده إلا خسارًا. و مکروا مکرًا کبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 23 - 4

4- دفاع از عقاید مذهبی و شرک آمیز مردم، از حيله ها و نيرنگ هاى صاحبان زر و زور، براى مبارزه با دعوت توحيدى نوح (ع)

وقالوا لاتدرنّ الهتكم ولا تدرنّ ودا... ونسراً

ص: 42

108- مکر قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 98 - 2، 1

1 - نیرنگ و توطئه گسترده مشرکان برای نابودی ابراهیم (ع)

فأرادوا به كيدًا

2- سوزاندن ابراهیم (ع) با انبوهی از آتش پرشعله، مکر و توطئه مشرکان در راستای نابودی آن حضرت

فألقوه في الجحيم . فأرادوا به كيدًا فجعلنهم الأسفلين

109- مکر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 55 - 3

3_ هود (ع)، به مشرکان قومش اعلام کرد که در پی توطئه ها و مکرهایشان، به او مهلت نداده و او را از میان بردارند.

فكيدونى جميعًا ثم لاتنظرون

«انظار» به معنای مهلت دادن است و «لاتنظرون» (مرا مهلت ندهید) کنایه از «نابودم سازید»، می باشد.

110- مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 54 - 10

10_ مکر خداوند با کافران، مجازات نمودن آنان به سبب مکرشان است.

و مکروا و مکر الله

امام رضا(ع) درباره آیه فوق فرمود: انّ الله تبارک و تعالی ... لا یمکر ... و لکنّه عزّ و جل یجازیهم ... جزاء المکر.

1_ توفی (نجات)، عروج، تطهیر حضرت عیسی (ع) و غلبه پیروان آن حضرت بر دشمنان، مکر خداوند در برابر مکر کافران

و مکروا و مکر الله... اذ قال الله يا عيسى اني متوفيك... فوق الذين كفروا

بنابراینکه «اذ»، متعلق به «مکر الله» باشد، یعنی مکر خداوند هنگام بوده که عیسی را بسوی خویش عروج داد و... .

15_ دلجویی خداوند از حضرت عیسی (ع)، در برابر نگرانی آن حضرت از مکر کافران

فلما احس عیسی... قال... انی متوفیک و رافعک... و جعل الذین اتبعوک فوق ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 30 - 6

6_ خداوند ، برترین برنامه ریز در مقابله با مکر کافران

والله خير المکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 31 - 3،5

3_ اظهار آگاهی کافران از محتوای قرآن و غیر مهم جلوه دادن آن ، از حيله های آنان علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ویمکرون .. قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا أسطیر

جمله «ان هذا ..» دلالت می کند بر اینکه مقصود از «مثل هذا» همانندی در محتوای قرآن بوده است.

5_ معرفی قرآن به عنوان افسانه های کهن و دروغین از ترفند های کافران برای مقابله با قرآن

قالوا .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 61 - 6

6_ احتمال نیرنگ زدن کافران در سایه پیشنهاد صلح بدون شواهد و قرائن نباید مانع پذیرش صلح شود .

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله

حرف لام در «للسلم» گویای این است که باید احراز شود که کافران در پیشنهاد صلح در صدد حيله گری نیستند. و هدف از لزوم توکل بر خدا پس از فرمان به پذیرش صلح این است که مسلمانان را از ترتیب اثر دادن به احتمال حيله گری باز دارد. مجموع این دو فرمان، یعنی از یک سو باید احراز شود که کافران در صدد فریبکاری نیستند و از سوی دیگر نباید به احتمال نیرنگ زدن آنان ترتیب اثر داد، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 62 - 1،2،7

1_ احتمال تصمیم کافران بر خدعه و نیرنگ در سایه صلح طلبی ، نباید مانعی جهت پذیرش صلح با آنان شود .

وإن يريدوا أن يخدوعوك فإن حسبك الله

برداشت فوق بر این اساس که «إن يريدوا . . .» توضیحی باشد برای «فاجنح لها». یعنی ای پیامبر (صلی الله علیه و آله) وظیفه تو این است که صلح پیشنهادی را بپذیری و اگر کافران قصد نیرنگ داشتند، خداوند تو را از شر آنان حفظ می کند. بنابراین مبادا بر اثر این احتمال که شاید آنان در صدد اغفال مسلمین هستند پیشنهاد صلح را نپذیری. گفتنی است با توجه به آیه 58 معلوم می شود اگر قرآن و شواهدی برای این احتمال (خدعه و نیرنگ) وجود دارد، باید از پذیرش صلح امتناع کرد.

2_ خداوند، پشتیبانی کافی برای یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله) از نیرنگ کافران

فإن حسبك الله

7_ خداوند با بیان پیشینه امدادهایش از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، وی را به حمایت خویش در برابر کافران نیرنگباز مطمئن ساخت.

فإن حسبك الله هو الذي أيدك بنصره

ص: 44

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 70 - 1

1 - حزن و اندوه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر حال کافران ، علی رغم مکر و توطئه آنان علیه آن حضرت

و لاتحزن علیهم و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 46 - 1

1 - کافران لجوج ، بی بهره از تزویر های خویش و بی نصیب از یاری هر پشتیبان ، هنگام سر رسیدن وقت مجازاتشان

یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئاً و لا هم ینصرون

111- مکر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 31 - 1

1 _ تمسک کافران مکه به حيله برای مقابله با آنان

و یمکرون . . . و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله «إذا تتلی . . .» می تواند بیان مصداقی از «یمکرون» در آیه قبل باشد.

112- مکر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 32 - 16

16 - منکران آیات الهی ، جز دغلكاران ناسپاس نیستند .

و ما یجحد بأیّتنا إلا کلّ ختار کفور

113- مکر مخالفان صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - تلاش در جهت کشتن انبیا و محو پیام آنان ، بارزترین نمود فسادگری در زمین

يفسدون في الأرض .. قالوا تقاسموا بالله لنبيته

ص: 45

از این که خداوند از میان همه فسادگری های گروه های مورد بحث، تصمیم ایشان به قتل پیامبر را مطرح ساخته است، معلوم می شود که این تصمیم، خطرناک ترین و خائنانه ترین برنامه ای است که می تواند از سوی مفسدان عملی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 50 - 1

1 - مکر و حيله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا بالله لنبیتته و أهله . . . و مکروا مکراً

متعلق «مکروا» حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: «و مکروا به و بأهله مکراً؛ آنان علیه او و خانواده اش خدعه کردند».

114- مکر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 33 - 15، 12

12_ مشرکان در پرستش خدایان دروغین ، خویشان را فریب داده بودند .

بل زین للذین کفروا مکرمهم

در اینکه فاعل محذوف از «زین» چیست؟ چند احتمال وجود دارد 1_ شیطان 2_ سران کفر و شرک 3_ خود کافران. برداشت فوق بر اساس سومین احتمال است. بر این مبنا معنای جمله چنین می شود: «زین الکافرون لأنفسهم مکرمهم» و مفاد آن این است که کفرپیشگان با دلیلهایی واهی شرک را توجیه کردند و کم کم آنها را زیبا دیدند.

15_ خودفریبی مشرکان و آراسته دیدن پندار شرک ، آنان را از گرایش به توحید باز داشت .

و صدّوا عن السبیل

«صدّ» (مصدر صدّوا) به معنای بازگرداندن است. به نظر می رسد فاعل محذوف از «صدّوا» مکر و حيله که مایه شرکورزی مشرکان شده است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 40 - 9، 10

9 - وعده های مشرکان به یک دیگر ، براساس فریب و مکر است .

بل إن يعد الظ_لمون بعضهم بعضاً إلا غروراً

10 - شرک ، متکی بر تبلیغات فریبکارانه است .

بل إن يعد الظ_لمون بعضهم بعضاً إلا غروراً

ص: 46

115- مکر مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 11

11 - شرک پیشگان صدر اسلام تلاش می کردند تا با ظاهر سازی و خوش زبانی (رفتار منافقانه) افکار عمومی مسلمانان را فریب داده و رضایت و خوشبینی آنان را نسبت به خود جلب کنند .

یرضونکم بأفوههم و تأبی قلوبهم

116- مکر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 162 - 1

1 - مشرکان و معبودهایشان ، از فریب دادن و گمراه کردن مردم و جلوگیری از پیشرفت دین خدا (توحید و یگانه پرستی) ناتوان اند .

ما أنتم علیه بف_تین

«فاتن» (اسم فاعل و مفرد «فاتن»)) به معنای کسی است که می فریبد و به گمراهی فرا می خواند. گفتنی است طبق نظر بیشتر مفسران ضمیر «علیه» به «اللّه» برمی گردد و مقصود از آن راه خدا و دین او (اسلام) می باشد.

117- مکر مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 32 - 16

16 - منکران آیات الهی ، جز دغلكاران ناسپاس نیستند .

و ما یجحد بأی_تنا إلاّ کلّ ختار کفور

118- مکر مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 16 - 1

1 - خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان

برحذر داشت .

فاعبدنی . . . فلا یصدّک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای «عنها» و «بها» به «الساعه» (در آیه قبل) برمی گردد.

ص: 47

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 9 - 6, 3, 1

1 - منافقان مردمی نیرنگباز و فریبکارند .

يخدعون الله و الذين ءامنوا

3 - منافقان با اظهار ایمان ، در پی نیرنگ زدن به خدا و فریب دادن اهل ایمان هستند .

و من الناس من يقول ءامنا .. يخدعون الله و الذين ءامنوا

جمله «و ما يخدعون إلا أنفسهم» می رساند که: منافقان به خدا و اهل ایمان نیرنگ نزدند و نخواهند زد. بنابراین «يخدعون الله...»; یعنی آنان در صدد نیرنگ زدن هستند.

6 - منافقان ، به خودفریبی خویش و نیرنگبازی با خود ، ناآگاه هستند .

و ما يخدعون إلا أنفسهم و ما يشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 204 - 10, 9, 3, 4

3_ امکان تأثیرپذیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ریاکاری و فریبکاری منافقان

و من الناس من يعجبك

4_ منافقان برای فریب مردم ، هم سخن خوب می گویند و هم خوب سخن می گویند .

و من الناس من يعجبك قوله في الحيوه الدنيا

خوب سخن گفتن از جمله «يعجبك قوله»، و سخن خوب از «في الحيوه الدنيا» برداشت شده است. البته اگر «في الحيوه الدنيا»، متعلق به «قوله» باشد ; یعنی آنان درباره دنیا، طرحهای زیبا و شگفت آوری داشتند.

9_ قَسَم و شاهد گرفتن خداوند ، دستاویز منافقان برای اثبات اظهاراتِ خود

و يُشهد الله على ما فى قلبه

10_ بهره‌گیری منافقان از باور‌ها و مقدّسات مؤمنان، برای رسیدن به اغراض خویش

و يُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ

قسم به خداوند که از مقدّسات مسلمین است، دستاویز برخی از مردم برای قبولاندن عقاید بی پایه خویش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 62 - 11، 6

6_ دروغ، سوگند به خدا، توجیه اعمال ناروا و عذرتراشی، از شگرد‌های منافقان

يَصْدُونَ عَنكَ صَدُودًا .. ثُمَّ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ اَنْ اَرْدُنَا اِلَّا اِحْسَانًا وَ تَوْفِيقًا

به دلیل «یصدون عنک» معلوم می‌شود که ادعای اراده احسان دروغ بوده است. بنابراین ادعای آنان تنها توجیه و عذرتراشی برای اعمال ناروایشان بوده است؛ نه پی بردن به اشتباه و عذرخواهی واقعی.

ص: 48

11 _ ادعای نیکوکاری و صلح جوایی از شگرد های منافقان

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 63 - 12

12 _ لزوم هشیاری پیامبر و رهبران الهی ، در برخورد با شگرد های منافقان

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً. اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم فاعرض عنهم

خداوند قبل از دستور به گذشت و موعظه، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می آموزد که عذر منافقان دروغ و بی پایه است تا به این وسیله وی را متوجه شگردهای آنان سازد و موعظه را بر این اساس، پایه ریزی نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 5

5 _ لزوم هشیاری مسلمان در قبال ترفند ها و شگرد های منافقان

الذين يترَبَّصون بكم فإن كان لكم فتح من الله . . . و نمنعكم من المؤمنين

از اهداف افشای منافقان و بر شمردن ویژگیهای آنان، آگاه کردن مؤمنان به حيله ها و مکرهای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 142 - 1,2,3,4,6,7,17

1 _ خدعه و نیرنگ با خداوند ، برنامه همیشگی منافقان است .

إنّ المنافقين يخدعون الله

فعل مضارع «يخدعون»، استمرار و اصرار منافقان بر حيله گری را می فهماند.

2 _ منافقان ، گروهی حيله گر و نیرنگ باز هستند .

إنّ المنافقين يخدعون الله

3 _ منافقان حيله گر ، خود گرفتار کمند نیرنگ های خدايند .

4_ امهال و واگذاری منافقان برای خدعه و نیرنگ، مکر و نیرنگ خدا با آنهاست .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَدَعَهُمْ

جمله «و هو خدعهم» حالیه است، یعنی همان خدعه و نیرنگ آنان، خدعه خداوند علیه ایشان است. به این معنا که خداوند آنان را مهلت داده و به خود واگذاشته تا در گناهان بسیار، غرق شوند.

6_ خداوند، پشتیبان و حامی مؤمنان، در برابر مکر و نیرنگ منافقان

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَدَعَهُمْ

بنابر اینکه مراد از مکر با خداوند، مکر با مؤمنان باشد.

7_ خداوند، خود کیفر دهنده خدعه و نیرنگ منافقان خیانت پیشه است .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَدَعَهُمْ

بدان احتمال که خدعه خداوند، همان کیفر و مجازاتهای وی باشد.

17_ خدعه خداوند با منافقان نیرنگ باز ، به مجازات کردن آنان است .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدَعَهُمْ

امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از معنای خدعه خداوند در آیه فوق فرمود: ان الله تعالى . . . لا يخادع و لكنه تعالى يجازيهم ... جزاء ... الخديعه ...

توحيد صدوق، ص 163، ح 1، ب 21؛ نورالثقلین، ج 1، ص 565، ح 632.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 143 - 7

7_ تحير منافقان ، كيفر شوم عملکرد (خدعه ها و . . .) آنان است .

مذبذبين بين ذلك .. فلن تجد له سيلا

چون اضلال خداوند همواره جنبه كيفرى دارد و كيفر نيز به اقتضای رفتار نارواست، معلوم می شود گمراهی منافقان و از آن جمله _ تحير آنان _ كيفرى الهی است و اين كيفر برخاسته از اعمال نارواى آنان (خدعه، كسالت در نماز و . . .) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 56 - 6

6_ لزوم توجه به ماهيت منافقان و شناخت ترفند ها و شگرد های آنان

و يحلفون بالله إنهم لمنكم و ما هم منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 65 - 8

8_ بی شرمی منافقان و اصرار آنان بر دروغ پردازی و تزوير ، حتى پس از افشای اسرار درونی و توطئه های آنان

و لئن سألتهم ليقولن إنما كنا نخوض و نلعب قل أبالله و ءآيته و رسوله كنتم تستهزءو

جمله «قل أبالله . . .» می تواند رد ادعای منافقان در مورد «نخوض و نلعب» باشد ؛ يعنى، آنان هنوز هم با اين سخنان در مقام تزويرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 49 - 13

13 _ تلاش مودیانه و فریبکارانه اهل کتاب (یهود) ، برای بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّٰه إلیک

چون «یفتنوک» به «عن» متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است ; یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

ص: 50

121- ممانعت از مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 16 - 2

2 - باید کافران را از طمع در ایمان مردم مأیوس کرد و زمینه های موفقیت کافران در فریب مؤمنان را از بین برد .

فلایصدنک عنها من لایؤمن بها

چنان که مفسران گفته اند: نهی «لایصدنک» گرچه ظاهراً متوجه کافران است، ولی در حقیقت نهی از ایجاد سبب است؛ یعنی تو ای موسی - و دیگر مؤمنان - نباید به گونه ای عمل کنید که کافران بتوانند شما را از ایمان بازدارند.

122- منافقان مدینه و مکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 12 - 9، 5

5 - منافقان و بیمار دلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله إلا غروراً

9 - ظن و گمان منافقان و بیمار دلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنون بالله الظنوننا . . . و إذ یقول المنفقون . . . ما وعدنا الله ورسوله إلا

«و إذ یقول» می تواند تفسیر «الظنوننا» باشد.

123- منشأ مکر برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 12 - 9

9 - رفتار های ناروای برادران یوسف (توطئه ، دروغ و فریب کاری) برخاسته از نفوذ شیطان در آنان بود .

إن الشیطن للإنس عدو مبین . . . اقتلوا یوسف . . . أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

124- موارد مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 32 - 15

15 - رویکرد به خدا در بلاها و اعراض از او پس از نجات ، دغلكارى و ناسپاسى است .

ص: 51

فَلَمَّا نَجَّيْهِمْ إِلَى الْبَرِّ... و ما يجحد بأى_تنا إلا كلّ ختار كفور

125- نجات از مکر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 9

9_ تنها گروهی از انسانها سپاسگزار خداوند بوده و از تزویر و فریب ابلیس رهایی می یابند.

و لاتجد أكثرهم شکرین

126- نجات از مکر زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 6، 2، 1

1_ خداوند، دعای یوسف (ع) (درخواست رهایی از کید زلیخا و همپالگی های وی) را اجابت کرد و او را از مکر آنان مصون داشت.

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

«استجاب» (مصدر استجاب) به معنای پذیرفتن درخواست است.

2_ امداد خداوند، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشرف شد.

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

6_ نجات یوسف (ع) از کید زلیخا و دیگر زنان، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

127- نجات از مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 13

13_ رهایی از دام تمایلات جنسی و مکر زنان، بدون امداد الهی حتی برای پیامبران و بندگان خالص خدا نیز میسر نیست.

وإلا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

128- نجات از مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 52

8 - یوسف - 12 - 34 - 2,6

2_ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

6_ نجات یوسف (ع) از کید زلیخا و دیگر زنان ، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

129- نجات از مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 16 - 4

4- رهایی پیامبران از فریب ها و وسوسه های کافران ، در پرتو تذکرات و رهنمود های خداوند است .

فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

130- نشانه های بی تأثیری مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 42 - 5

5_ نابودی کفرپیشگان توطئه گر در طول تاریخ ، نشانه بی اثر بودن مکر آنان در برابر برنامه های الهی است .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها .. و قد مکر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً

131- نشانه های مکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 5

5 - مهلت دادن به تکذیب گران ، جلوه کید و تدبیر خداوند علیه آنان است .

إنّ کیدی متین

جمله «إنّ کیدی متین» در مقام تعلیل برای «أملی لهم» است؛ یعنی، مهلت دادن ما به کافران، چنین است که ما کید و تدبیری متین و

استوار درباره آنان اندیشیده ایم و این مهلت، جلوه همین تدبیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 17 - 5

5 - مهلت دادن به کافران، نمونه ای از مکر خداوند با آنان است.

ص: 53

وأكید کیداً . فمهل الك فرین

132- نگرانی از مکر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 70 - 6

6 - بیم پیامبر (صلی الله علیه و آله) از کارساز بودن توطئه های دشمنان و عقیم ماندن برنامه های تبلیغی خود

و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون

ظاهراً پیامبر (صلی الله علیه و آله) نگران از این بود که طرح ها و نقشه های دشمنان علیه او و رسالت الهی اش مؤثر واقع شود و این نگرانی، اسباب دلتنگی و آزردهی خاطر آن حضرت را فراهم کرده بود.

133- ویژگیهای مکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 11

11 - مکر خدا، سریع ترین و کارآمدترین مکرهاست .

إذا لهم مکر فی آياتنا قل الله أسرع مکرأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 17

17 - مکر ها و برنامه های پنهانی خدا بسی پیچیده و دست نیافتنی است .

و هو شدید المحال

بر این مبنا که «محال» به معنای مکر و کید باشد، تناسب اقتضا می کند که مراد از شدت، شدت در پنهان بودن آن مکر و کید باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 50 - 6

6 - ذهن و اندیشه کافران، ناتوان از درک مکر خدا و تدبیر الهی علیه آنان

و مكرنا مكرًا و هم لا يشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - قلم - 68 - 45 - 3,4

3 - كيد و تدبير خداوند ، متين و استوار است .

ص: 54

این کیدی متین

4- کید و تدبیر خداوند ، شکست ناپذیر است .

این کیدی متین

134- هوشیاری بر مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 12

12_ ضرورت هوشیاری در برابر مکر ها و حيله های زنان

إنه من كيدكنّ إن كيدكنّ عظيم

135- يوسف (ع) و مکر زليخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 11، 7

7_ يوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زليخا و زنان اشرف در خود و واداشتتش بر گناه و معصیت

وإلاّ تصرف عني كيدهنّ أصب إلیهنّ

11_ يوسف (ع) ، برای رهایی از مکر زليخا و زنان اشرف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . . . وإلاّ تصرف عني كيدهنّ أصب إلیهنّ

«صبو» (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله «وإلاّ تصرف...» (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

136- يوسف (ع) و مکر زنان اشرف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 11، 7

7_ يوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زليخا و زنان اشرف در خود و واداشتتش بر گناه و معصیت

وإلاّ تصرف عني كیدهنّ أصب إليهنّ

11_ یوسف (ع)، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت.

رب... و إلاّ تصرف عني كیدهنّ أصب إليهنّ

«صبو» (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله «و إلاّ تصرف...» (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی، به آنان گرایش پیدا می‌کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

ص: 55

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 195 - 25، 27

25_ شرایط دشوار محیط مکه برای مسلمانان صدر اسلام

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ اَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ اَوْذَوْا فِي سَبِيلِي

چون معمولاً هجرت در صدر اسلام از مکه و اطراف آن صورت می گرفت، مراد از «دیارهم»، مکه و اطراف آن است.

27_ حاکمیت و تسلط کافران بر سرزمین مکه و مسلمانان آن دیار، در صدر اسلام

فَالَّذِينَ... اَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ اَوْذَوْا فِي سَبِيلِي... وَ قَتَلُوا

2- آبادانی مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 3، 22

3 - رونق اقتصادی شهر مکه و بهره مند شدن شهروندان مؤمن آن از انواع ثمرات و میوه ها، دعای ابراهیم (ع) به درگاه خداوند

وَ اَرْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مِنْ اَمْنٍ مِنْهُمْ

22 - از امام باقر (ع) درباره درخواست ابراهیم (ع) که فرمود: « وَ اَرْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ » روایت شده که: « ان المراد بذلك ان

الثمرات تحمل إليهم من الآفاق؛

این میوه ها، از سرزمینهای دور به آن جا (مکه) برده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 92 - 9

9_ قدمت عمران و آبادی شهر مکه

و لتنذر أم القرى و من حولها

ظاهراً مقصود از «أم القرى» شهر مکه است. کاربرد این نام از جانب خداوند گواهی بر قدمت عمران و آبادانی و تشکیل جامعه و شهرنشینی در مکه است.

3- آثار اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 5

5- در صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت.

ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ و ما کانوا إذا منظرین

انظار مصدر «منظر» به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

4- آثار امنیت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 15

15 - وجود امنیت در مکه، عامل تبدیل شدن آن شهر به مرکز عمده اقتصاد و تجارت در جزیره العرب

حرماً ءامناً یجیبی الیه ثمرت کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 3 - 4

4 - امنیت مکه، مایه عظمت و شایستگی آن برای سوگند خداوند است.

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ

5- آثار باستانی مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 42 - 7

7 - آثاری از گذشتگان، در دست رس مردم مکه بود.

سـيروا فى الأرض فانظروا كيف كان عـقبه الذين من قبل

ص: 58

6- آثار بی عقلی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 46 - 8

8 - نسبت جنون به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی مردم مکه، ناشی از بی اندیشگی بوده است.

ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ

7- آثار تعصب مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 1

1 - تعصّب جاهلی و غرور مشرکان مکه، مایه بستن راه مسجدالحرام بر مؤمنان در حدیبیه

هم الذين كفروا و صدّوكم عن المسجد الحرام.. إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحميّة

«إذ» ظرف برای «صدّوا» است.

8- آثار تفکر طبقاتی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 6

6 - درونمایه های فرهنگ طبقاتی و مادی مردم مکه، زمینه ساز گرایش آنان به کفر و شرک

وإنا به كـفرون . وقالوا لولا نزل هـذا القرآن

با توجه به این که آیه شریفه پس از بیان کفر مشرکان (إنا به کافرون) روحیه مادی گرایانه آنان را بازگو می کند، تأثیر این بینش در انحراف و کفر استفاده می شود.

9- آثار تکبر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 1

1 - تعصّب جاهلی و غرور مشرکان مکّه ، مایه بستن راه مسجدالحرام بر مؤمنان در حدیبیه

هم الذين كفروا و صدّوكم عن المسجدالحرام. .. إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحميّه

«إذ» ظرف برای «صدّوا» است.

ص: 59

10- آثار توحید مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 1

1 - اخراج ظالمانه مسلمانان صدراسلام از زادگاهشان (مکه) ، تنها به جرم اعتقاد آنان به یگانگی خدا

بأنهم ظلموا .. الذين أخرجوا من ديارهم بغير حق

«الذين أخرجوا» بدل از «الذين يقاتلون» و به تقدیر اذن القتال للذين أخرجوا. «.. می باشد. «دیار» جمع «دار» است و «دار»؛ یعنی، خانه و جایی که انسان در آن جا سکونت دارد. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین می شود: به کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود بیرون رانده شدند، رخصت پیکار داده شد.

11- آثار جنگ با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 17، 14

14- آسیب دیدن مؤمنان ناشناخته شهر مکه ، در صورت وقوع جنگ میان مسلمانان و مکیان در حدیبیه

ولولا رجال مؤمنون ... أن تطوهم

17- پایمال شدن حرمت مردان و زنان مؤمن در صورت جنگ در حدیبیه ، مایه ننگ برای مسلمانان

ولولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات ... فتصيبكم منهم معرّه

12- آثار جهل اکثریت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 21

21- جهل بیشتر مشرکان مکه به خاستگاه الهی امنیت و رفاه اقتصادی آن شهر ، عامل روی گردانی آنان از پذیرش هدایت الهی (اسلام) بود .

وقالوا إن تتبع الهدى ... ولکن أكثرهم لا يعلمون

13- آثار ختم قلب مشرکان مکه

2- مشرکان مکه ، در اثر مستوری قلب و سنگینی گوشه‌هایشان ، از ادراک صحیح آیات خدا ، محروم بودند .

و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجاباً مستوراً و جعلنا علی قلوبهم أکنّ

14- آثار سلطه مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 2 - 1

1 - اقدام مشرکان مکه به کینه توزی و آزار مسلمانان ، در صورت دست یافتن بر ایشان

إن یتفقوکم یكونوا لکم اعداء و یسطوا إلیکم ایدیهم و ألسنتهم بالسوء

«ثقف» (مصدر «یتقفون») به معنای رسیدن به چیزی و دست یافتن به آن است.

15- آثار سنگینی گوش مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 46 - 2

2- مشرکان مکه ، در اثر مستوری قلب و سنگینی گوشهایشان ، از ادراک صحیح آیات خدا ، محروم بودند .

و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالآخره حجاباً مستوراً و جعلنا علی قلوبهم أکنّ

16- آثار شبهه افکنی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 9 - 3

3- تأثیر پذیری مردمان کم عقل و ضعیف الرأی ، از سخنان انکارآمیز کافران مکه علیه موضوع رستاخیز و روز جزا

إنکم لفی قول مختلف . یؤفک عنه من أفک

ضمیر در «عنه» می تواند به «قول مختلف» بازگردد. در این صورت «عن» تعلیلیه بوده و جمله «یؤفک...» صفت برای «قول» می باشد؛ یعنی ، «یؤفک بسببه...».

17- آثار فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 12، 4

4- بروز روحیه ثروت اندوزی و کوتاهی در امر انفاق، در میان مسلمانان صدر اسلام پس از فتح مکه

و ما لکم الا تنفقوا فی سبیل اللّٰه

آیه شریفه _ چنان که از عبارت های آن استفاده می شود _ پس از فتح مکه نازل شده است. توییح مسلمانان از سوی خداوند، به

ص: 61

خاطر کوتاهی آنان در امر انفاق، نشان می دهد که آنان، پس از استقرار اسلام در جزیره العرب و آسوده خاطر شدن، گرفتار نوعی مال دوستی و ثروت اندوزی شدند.

12 - شرایط مسلمانان صدر اسلام تا پیش از فتح مکه ، بسی سخت تر از شرایط آنان پس از آن بوده است .

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح وقـتل . . من الذين أنفقوا من بعد وقـتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 2 - 4,7

4 - پیروزی مسلمانان عصر بعثت بر مکه و فتح آن ، زمینه ساز مسلمان شدن جمعیت های فراوانی از مردم آن زمان

إذا جاء نصر الله و الفتح . و رأيت الناس يدخلون في دين الله أفواجا

7 - فتح مکه ، نشانه حقانیت اسلام و حمایت خداوند از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در دیدگاه مردم عصر بعثت

إذا جاء نصر الله . . يدخلون في دين الله أفواجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 8

8 - امداد های الهی در فتح مکه ، جلوه ربوبیت خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مایه پیشرفت اهداف رسالت آن حضرت بود .

إذا جاء نصر الله و الفتح . . فسبح بحمد ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 28 - 11

11 - تحقق وعده خداوند ، به ورود پیروزمندانه مسلمانان به مکه ، گواه تحقق پذیری وعده او در غلبه اسلام بر تمامی ادیان *

لتدخلن المسجد الحرام . . هو الذي أرسل رسوله . . ليظهره على الدين كله

خداوند در آیه قبل، به مؤمنان وعده داد که با ایمنی وارد مکه خواهند شد و این وعده تحقق یافت. حال در این آیه، نوید داده است که اسلام نه بر مشرکان مکه؛ بلکه بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد و این وعده، همانند وعده پیشین تحقق پذیر خواهد بود.

18 - آثار کفران اهل مکه

14- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق _ چنان چه عده ای از مفسران گفته اند _ بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

19- آثار گمراهی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 48 - 4

4- گمراهی مشرکان مخالف پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه، به حدی بود که آنان زمینه هدایت را از دست داده بودند.

فضّلوا فلا یستطیعون سیبلاً

«فلا یستطیعون» تفریع بر «ضّلوا» است و مراد از آن، بسته شدن تمامی راههای هدایت برای آنان است.

20- آثار مادیگرایی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 6

6 - درونمایه های فرهنگ طبقاتی و مادی مردم مکه، زمینه ساز گرایش آنان به کفر و شرک

وإنا به کفرون . وقالوا لولا نزلنا القرآن

با توجه به این که آیه شریفه پس از بیان کفر مشرکان (إنا به کافرون) روحیه مادی گرایانه آنان را بازگو می کند، تأثیر این بینش در انحراف و کفر استفاده می شود.

21- آثار هواپرستی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 14 - 11

11- مبارزه مشرکان مکه با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ناشی از هواپرستی آنان و نه دلایل منطقی

قرینتک الّتی أخرجتک . . . و اتّبعوا أهواءهم

22- آثار باستانی مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 27 - 1

1- وجود برخی آبادی ها و ملت های هلاک شده به وسیله عذاب الهی ، در اطراف مکه

و لقد أهلکنا ما حولکم من القرى

ص: 63

23- آدم ربایی در اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 67 - 3

3 - نامنی و آدم ربایی در پیرامون مکه ، در دوران آغاز اسلام ، رواج داشته است .

أولم يروا أننا جعلنا حرمًا آمنًا و يتخطف الناس من حولهم

24- آدم ربایی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 2

2 - ترس ربوده شدن از سرزمین مکه به وسیله مشرکان عرب (کوچ اجباری و از دست دادن ملک و خانه و اموال) ، بهانه شرک پیشگان مکه در نپذیرفتن دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و قالوا إن نتبع الهدى معك نتخطف من أرضنا

25- آرزوی فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 1 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مشتاق آزادسازی و فتح مکه و در انتظار نصرت و امداد های الهی

إذا جاء نصر الله و الفتح

مفسران، این سوره را ناظر به فتح مکه می دانند. مژده پیشاپیش آن به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، نشانگر اشتیاق آن حضرت به تحقق آن است.

26- آوارگی مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 5

5 - تشریح حکم جهاد ، پس از آوارگی مسلمانان از مکه و هجرت به مدینه

أذن للذين يقـتلون .. الذين أخرجوا من دىـرهم بغير حقّ

ص: 64

27- ابتلای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 4

4 - ابتلای کافران مکه به گرفتاری و سختی ، از رخداد های دوران پیش از هجرت

و لو رحمن_هم و کشفنا ما بهم من ضرّ

28- ابراهیم(ع) و کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 20، 4

4 - ابراهیم (ع) ، کفرپیشگان مکه را شایسته بهره مند شدن از روزی های الهی نمی دانست .

و ارزق .. من ءامن منهم باللّه و الیوم الآخر

20 - دلجویی خداوند از ابراهیم (ع) به خاطر اجابت نکردن دعای او علیه کافران مکه

و ارزق .. من ءامن منهم ... قال و من کفر فأمّته قليلا ثم أضطره إلى عذاب النار

از هدفهای بیان اندک بودن متاع دنیا و زمان بهره گیری از آن و نیز بیان فرجام شوم کفرپیشگان پس از رد کردن تقاضای ابراهیم علیه آنان، دلجویی از ابراهیم است.

29- اتحاد مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 13 - 3

3- همدلی مشرکان مکه ، در خالی ساختن سرزمین مکه ، از وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله) *

قریتک الّتی أخرجتک

نسبت دادن «إخراج» به قریه، می تواند از آن جهت باشد که همه مردم شهر و یا بیشتر آنان، بر اخراج پیامبر(صلی الله علیه و آله) مصمم و همدل بوده اند.

30- اتمام حجت بر کافران مکه

1- کافران مکہ با انکار آیات الہی - پس از اتمام حجت بر ایشان - مستحق نابودی و عذاب بودند .

ولو انا اهلکنہم... فستعلمون من اصح ب الصرط السوی و من اہتدی

31- اتمام حجت بر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 156 - 1

1_ نزول قرآن اتمام حجتی است برای مشرکان مکه و سایر انسانها

هذا كتب أنزل نه .. أن تقولوا إنما أنزل الكتب على طائفتين

«أن تقولوا» به تقدیر «لام» و «لا» نافیه متعلق به «أنزلناه» در آیه قبل است؛ یعنی: «أنزلنا القرآن لئلا تقولوا ..» مخاطبان آیه همه انسانها، بجز یهود و نصارا، هستند و مشرکان مکه نیز به دلیل آیات گذشته و نیز مکی بودن سوره، مصداق مورد نظر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 157 - 2

2_ نزول قرآن موجب اتمام حجت خدا بر مشرکان مکه و سایر انسانها

أنزل نه .. أو تقولوا لو أنا أنزل علينا الكتب لكانا أهدى منهم

32- اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 8 - 15 - 8

8- در صورت تحقق خواسته کافران مکه، مبنی بر نزول ملائکه، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند.

ما ننزل الملائكة إلا بالحقِّ و ما كانوا إذاً منظرين

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند، برایشان عذاب به ارمغان خواهند آورد؛ عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد گذاشت.

33- احترام اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 2 - 6

6 - احترام کعبه و ساکنان مکه، نزد مردم در مسیر کاروان های قریش، مرهون ظهور حمایت خداوند از کعبه در «عام الفیل»

تأمين امنيت براي كاروان هاي قریش به وسيله نابود ساختن اصحاب فيل، می تواند از آن جهت باشد که قبیله های بین راه، پس از

حادثه فیل برای کعبه و قریش - که اهل حرم بودند - احترام ویژه ای قائل شدند.

34- احترام مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 11

11 - مکه ، مکانی مقدس و محترم برای مردم جزیره العرب

أولم نمکن لهم حرماً آمناً

مکه از آن جهت «حرم» نام گرفته که مورد حرمت و احترام مردم آن دیار بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 67 - 4

4 - مردم جزیره العرب ، به حفظ حرمت و امنیت مکه ، پابند بوده اند .

أولم یروا أننا جعلنا حرماً آمناً ویتخطف الناس من حولهم

35- احکام حرم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 1 - 10، 11

10 - حرمت صید در حرم مکه

غیر محلی الصید و انتم حرم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «حُرْم» «داخلون فی الحرم» باشد گفتنی است مراد از حَرَم بر اساس این احتمال حرم مکه است.

11 - حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها ، از حیوانی که در حرم مکه صید شود .

غیر محلی الصید و انتم حرم

36- احکام مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 8

8 - شهر مکه ، حتی برای کافران نیز باید جایگاهی امن باشد .

رب اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق .. من آمن منهم باللّٰه و اليوم الآخر

ص: 67

از اینکه ابراهیم(ع) دومین دعای خویش؛ یعنی، اعطای ثمرات را به مؤمنان اختصاص داد، ولی امنیت شهر مکه را به طور مطلق آورد، می توان به این نتیجه رسید که: آن حضرت امنیت مکه را برای همگان حتی برای کافران خواسته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 2 - 1,2

1 - شهر مکه ، دارای محرّماتی ویژه و احکامی خاص است .

لا أقسم . . . و أنت حلّ به_ذا البلد

جمله «و أنت حلّ . . .»، یکی از خصایص پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) را بیان کرده است و آن اباحه برخی از اموری است که بر دیگران مباح نبود. بنابراین شهر مکه برای غیر پیامبر(صلی الله علیه و آله)، احکامی ویژه و محرّماتی خاص دارد.

2 - تکلیف پیامبر(صلی الله علیه و آله) درباره محرّمات شهر مکه ، با دیگر مردم یکسان نبود .

و أنت حلّ به_ذا البلد

«حِلٌّ» و «حَلَالٌ»، به یک معنا است و به مردی که از احرام بیرون آمده و یا از حرم خارج شده باشد، «حَلَالٌ» و «مُحِلٌّ» گفته می شود(مفردات راغب). بر این مبنا «حِلٌّ» بودن پیامبر(صلی الله علیه و آله)؛ یعنی، آنچه درباره مکه بر دیگران تحریم شده، برای آن حضرت مباح است. در این معنا جمله «و أنت حلّ»، مستأنفه خواهد بود. مشهور گفته اند: محرّمات مکه برای حضرت رسول(صلی الله علیه و آله)، تنها در «لحظه ای از روز فتح مکه» مباح شد و در غیر آن زمان با دیگران یکسان بوده است.

37- اختلاف کافران مکه با محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 28 - 9

9 - کافران مکه ، در انتظار وقوع روزی برای حل و فصل شدن اختلاف شان با پیامبر(صلی الله علیه و آله) بودند . *

و يقولون متى ه_ذا الفتح

احتمال دارد مراد از «الفتح» فصل و قضا میان کافران و پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد. در این صورت، «یوم الفتح»، روزی خواهد بود که چنین ایده ای، جامه عمل بپوشد.

38- اختلاف مشرکان مکه با محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- مسأله معاد ، از محور های اختلاف مشرکان مکه با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّ مَوْلَاءَ لِيَقُولُونَ . إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتَنَا الْأُولَى

ص: 68

39- اختناق در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 9

9 - حاکمیت اختناق شدید بر سرزمین مکه

الذین أُخرجوا من دىٰـرهم . . . إلا أن يقولوا ربّنا الله

از آن جایی که مشرکان مکه در برابر عقاید توحیدی مسلمانان، آنان را تبعید و اخراج کردند، برداشت یاد شده به دست می آید.

40- اخراج محمد (صلی الله علیه و آله) از مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 13 - 6

6 - مشرکان، در راستای خاموش کردن آوای توحید، تصمیم گرفته بودند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را از مکه اخراج کنند.

و همّوا باخراج الرسول

41- اخراج مسلمانان از مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 191 - 4

4 - مشرکان مکه، مسلمانان صدر اسلام را از مکه اخراج و آنان را به هجرت وادار کردند.

و أخرجوهم من حیث أخرجوكم

42- اخراج مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 1

1 - اخراج ظالمانه مسلمانان صدر اسلام از زادگاهشان (مکه)، تنها به جرم اعتقاد آنان به یگانگی خدا

بأنّهم ظلّموا . . . الذین أُخرجوا من دىٰـرهم بغير حقّ

«الذین أُخرجوا» بدل از «الذین یقاتلون» و به تقدیر اذن القتال للذین أُخرجوا..» می باشد. «دیار» جمع «دار» است و «دار»؛ یعنی، خانه و جایی که انسان در آن جا سکونت دارد. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین می شود: به کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود بیرون رانده شدند، رخصت پیکار داده شد.

ص: 69

43- اخراج مشرکان از مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 191 - 3

3 - مسلمانان صدر اسلام به نبرد با مشرکان مکه و بیرون راندن آنان از آن سرزمین موظف شدند .

و آخر جوهم من حیث آخر جوکم

مراد از «من حیث آخر جوکم» بنا به گفته مفسران، مکه است و به مجبور شدن مسلمانان به ترک مکه و هجرت به مدینه و حبشه اشاره دارد.

44- اخلاق کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 47 - 2

2_ کفرپیشگان مکه با سرمستی و خودنمایی ، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند .

و لا تکنونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا

45- ادعاهای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 31 - 2

2_ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

46- ادعاهای مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 1

1 - مجادله مشرکان مکه با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در مقایسه معبود های خویش با عیسی (ع)

و قالوا ألهتنا خیر أم هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 14 - 4

4- مشرکان مکہ ، مدعی تأثیرپذیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) از عوامل مرموز

ص: 70

وقالوا معلم مجنون

واژه مجنون ممکن است به معنای جن زده و متأثر از عوامل مرموز و ناپیدا باشد.

47- ادعای مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 13 - 23

23 - ادعای تازگی و پیشینه نداشتن معارف اسلام، از بهانه های مشرکان مکه

شرع لکم... کبر علی المشرکین ما تدعوهم الیه

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مشرکان بوده است، ذکر سابقه معارف توحیدی در شرایعت های پیشین؛ می تواند ناظر به این نکته باشد که مشرکان مکه به بهانه تازگی معارف اسلامی تلاش در انکار آن داشتند.

48- اذیت مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 96 - 3

3- مسلمانان صدراسلام (در مکه) از سوی کافران و مشرکان گرفتار فشار های روحی و تنگنا های روانی بودند .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ سَيَجْعَلُ

با توجه به نزول این آیات در مکه، جمله «سَيَجْعَلُ...» باید وعده ای نزدیک به مسلمانان صدراسلام باشد. این نوید حکایت از آن دارد که مسلمانان در زمان نزول آیات، در شرایط سختی از نظر روحی و روانی و مقبولیت اجتماعی قرار داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 12 - 5

5 - مسلمانان در مکه، هم مورد آزار و اذیت جسمی بودند و هم در معرض تبلیغات منفی کافران قرار داشتند .

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللّٰهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللّٰهِ... وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا... اَتَّبِعْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 56 - 3

3 - مسلمانان مکه، مورد اذیت و آزار مشرکان بودند و از عبادت خدا منع می شدند.

ی_عبادی الذین ءامنوا إنّ أرضی وسعه

مراد از «عبادی» مؤمنان مکه اند. و «إِنَّ أَرْضی واسعَه» کنایه از فرمان به هجرت است. چنین فرمانی، حاکی است که آنان در مکه، مورد آزار قرار می گرفتند و نمی توانستند خداوند را، به درستی، بندگی کنند.

ص: 71

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 14 - 4

4 - مسلمانان در مکه ، مواجه با حرکت های ایدایی و خصمانه مشرکان و در اندیشه مقابله با آنان

قل للذین ءامنوا یغفروا للذین لا یرجون آیام اللّٰه

فرمان الهی به غفران و چشم پوشی، از دو واقعیت تاریخی خبر می دهد: 1_ حرکت های ایدایی مشرکان مکه؛ 2_ راه یافتن اندیشه انتقام و مقابله به مثل در ذهن مؤمنان.

49- اذیت‌های اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 2 - 6

6 - تجویز آزار رسانی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی ساکنان مکه ، هتک حرمت آن سرزمین و اقدامی شگفت انگیز است .

لا أقسم بهـذا البلد . و أنت حلّ بهـذا البلد

جمله «و أنت حلّ» _ در سومین معنای «حلّ» (حلال شمردن نقض حریم پیامبر(صلی الله علیه و آله) _ بیانگر نمونه ای برای آیات بعد است که انسان را با رنج و زحمت، همراه خوانده است. خداوند با بیان آزار رسانی مردم مکه، به پیامبر(صلی الله علیه و آله) و ابراز تعجب از رفتار آنان، رسول اکرم را برای شکیبایی و مقاومت در برابر آزارهای آنان، آماده می سازد.

50- اذیت‌های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 96 - 3

3- مسلمانان صدراسلام (در مکه) از سوی کافران و مشرکان گرفتار فشار های روحی و تنگنا های روانی بودند .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصّٰلِحٰت سیجعل

با توجه به نزول این آیات در مکه، جمله «سیجعل . . .» باید وعده ای نزدیک به مسلمانان صدراسلام باشد. این نوید حکایت از آن دارد که مسلمانان در زمان نزول آیات، در شرایط سختی از نظر روحی و روانی و مقبولیت اجتماعی قرار داشتند.

51- اذیت‌های مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 96 - 3

3- مسلمانان صدر اسلام (در مکه) از سوی کافران و مشرکان گرفتار فشار های روحی و تنگنا های روانی بودند .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ

ص: 72

با توجه به نزول این آیات در مکه، جمله «سبجعل . . .» باید وعده ای نزدیک به مسلمانان صدر اسلام باشد. این نوید حکایت از آن دارد که مسلمانان در زمان نزول آیات، در شرایط سختی از نظر روحی و روانی و مقبولیت اجتماعی قرار داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 2 - 1

1 - اقدام مشرکان مکه به کینه توزی و آزار مسلمانان ، در صورت دست یافتن بر ایشان

إن یتفقوکم یکونوا لکم أعداء و یبسطوا إلیکم أیدیهم و ألسنتهم بالسوء

«ثقف» (مصدر «یتقفون») به معنای رسیدن به چیزی و دست یافتن به آن است.

52- ارزش انفاق پس از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 14

14 - جهاد و انفاق مسلمانان در مقطع پیش از فتح مکه ، بسی ارزشمندتر از جهاد و انفاق آنان در مقطع پس از آن بود .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح وق_تل . . . من الذین أنفقوا من بعد وق_تلوا

53- ارزش انفاق قبل از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 14

14 - جهاد و انفاق مسلمانان در مقطع پیش از فتح مکه ، بسی ارزشمندتر از جهاد و انفاق آنان در مقطع پس از آن بود .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح وق_تل . . . من الذین أنفقوا من بعد وق_تلوا

54- ارزش جهاد پس از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 14

14 - جهاد و انفاق مسلمانان در مقطع پیش از فتح مکه ، بسی ارزشمندتر از جهاد و انفاق آنان در مقطع پس از آن بود .

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح وق_تل . . . من الذين أنفقوا من بعد وق_تلوا

ص: 73

55- ارزش جهاد قبل از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 14

14 - جهاد و انفاق مسلمانان در مقطع پیش از فتح مکه ، بسی ارزشمندتر از جهاد و انفاق آنان در مقطع پس از آن بود .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح وقـتل . . . من الذین أنفقوا من بعد وقـتلوا

56- ارزش مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 3 - 2

2 - « مکه » ، شهری با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

وهـذا البلد الأمین

عظمت مکه، از سوگند خداوند به آن و از اشاره با کلمه «هـذا» دانسته می شود؛ زیرا آوردن اشاره _ به جای ذکر نام _ یا برای تحقیر است و یا تعظیم. سیاق آیه شریفه، حاکی از تعظیم است.

57- استبعاد مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 61 - 4

4 - تردید و استبعاد مشرکان مکه ، در امکان وقوع قیامت

وإنه لعلم للساعة فلا تمترن بها

58- استقلال فکری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 12 - 4

4 - کافران مکه ، برای عقیده خود ، هویتی مستقل ، قائل بودند .

اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا

ص: 74

59- استکبار مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 10 - 10

10- موضع تکبر آمیز و مستکبرانه مشرکان مکه در برابر قرآن

و استکبرتم

60- استهزاهای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 6 - 1

1- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

وقالوا یاأیها الذی نزل علیه الذکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 11 - 3

3- خداوند ، تسلی بخش پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر برخورد های تمسخر آمیز کافران مکه

وقالوا یاأیها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون . . . و ما یأتیهم من رسول إلا کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 13 - 8

8- خداوند ، تسلی بخش پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر برخورد های تمسخر آمیز کافران مکه

و ما یأتیهم من رسول إلا کانوا به یستهزءون. کذلک نسلک فی قلوب المجرمین . لایؤمن

آیات قبل، درباره برخورد عناد آلود کفار مکه با نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بود. اینکه در این آیه ها، برخورد مردمان پیشین با انبیای الهی را توضیح می دهد، احتمالاً به جهت یاد شده باشد.

1- کافران و مشرکان مکه ، به هنگام رو به رو شدن با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، آن حضرت را مورد تمسخر و استهزا قرار می دادند .

وإذا رءاك الذين كفروا إن يتخذونك إلهزواً

2- تمسخر و استهزا ، تنها شیوه برخورد مشرکان و کافران مکه با شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

وإذا رءاك الذين كفروا إن يتخذونك إلهزواً

حرف نفی «إن» و حرف استثنا «إلا» پس از آن _ که بر قصر دلالت می کند _ و نیز آمدن «هزواً» به صورت مصدر، همگی بیانگر

استمرار و شدت در کار استهزا و تمسخر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 38 - 4

4- کافران دین ستیز مکه ، وعده ها و تهدید های الهی (عذاب ، کیفر اخروی و . . .) را مورد استهزا و تمسخر قرار می دادند .

و یقولون متی ه_ذا الوعد

جمله استفهامیه «و یقولون متی ه_ذا الوعد» برای تهکّم و استهزا است.

61- استهزاهای مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 1,2

1- کافران و مشرکان مکه ، به هنگام رو به رو شدن با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، آن حضرت را مورد تمسخر و استهزا قرار می دادند .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلهزواً

2- تمسخر و استهزا ، تنها شیوه برخورد مشرکان و کافران مکه با شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلهزواً

حرف نفی «إن» و حرف استثنا «إلا» پس از آن _ که بر قصر دلالت می کند _ و نیز آمدن «هزواً» به صورت مصدر ، همگی بیانگر استمرار و شدت در کار استهزا و تمسخر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 50 - 4

4 - مشرکان مکه ، با درخواست تحقق معجزه از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صدد تمسخر او بودند .

و قالوا لولا أنزل علیه

تعبیر «و قالوا لولا أنزل علیه آیات من ربّه» به جای «لولا یأتینا» و یا «لولا أنزل علینا» ، می تواند برای استهزا و مسخره کردن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - موضع گیری استهزاآمیز مشرکان مکه ، نسبت به بیان قرآن درباره تولد و زندگی عیسی بن مریم (ع)

و لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ

«صدید» (مصدر «یصدون») به معنای خندیدن و فریاد کشیدن و سر و صدا راه انداختن است. این امور معمولاً به هنگام استهزا، تحقق پیدا می کند.

ص: 76

62- اسکان اسماعیل (ع) در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 37 - 20

20- « عن أبي الحسن موسى بن جعفر (ع) قال: إن إبراهيم (ع) لما أسكن اسماعيل (ع) وهاجر مکه... قال: «اللهم إني أسكنت من ذريتي بواد غير ذي زرع عند بيتك المحرم... فاجعل أفئدة من الناس تهوي إليهم...» فأوحى الله إلى إبراهيم عن أصدق أباقبيس فناد في الناس: يا معشر الخلائق إن الله يأمركم بحج هـ ذا البيت الذي بمكة... فهناك... وجب الحج على جميع الخلائق...»

از امام کاظم (ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که ابراهیم (ع)، اسماعیل و هاجر را در مکه اسکان داد... گفت: پروردگارا! «إني أسكنت من ذريتي بواد غير ذي زرع...». پس خداوند به او وحی کرد: بر بالای کوه ابوقبیس برو، پس در میان مردم ندا ده: ای مردمان! همانا خداوند شما را به حج این خانه ای که در مکه است امر کرده... پس آن جا بود که حج بر تمام خلائق واجب شد».

63- اسکان نسل ابراهیم (ع) در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 37 - 18، 2، 1

1- حضرت ابراهیم (ع) برخی از ذریه (نسل و فرزندان) خود را در نزدیکی خانه خدا اسکان داد.

ربنا إني أسكنت من ذريتي بواد غير ذي زرع عند بيتك المحرم

2- محل سکونت ذریه حضرت ابراهیم (ع) در مکه در نزدیکی خانه خدا، غیر قابل کشت و زرع بود.

ربنا إني أسكنت من ذريتي بواد غير ذي زرع عند بيتك المحرم

18- « عن أبي عبد الله (ع) قال: إن إبراهيم (ع) كان نازلاً في بادية الشام فلما ولد له من هاجر اسماعيل... فأوحى الله إليه... ثم أمره أن يخرج اسماعيل وأمه عنها فقال: يا رب إلى أيّ مكان؟ قال: إلى حرمي وأمني... وهي مکه فأنزل الله عليه جبرائيل بالبراق فحمل هاجر و اسماعيل... فوضعه في موضع البيت... فلما سرههم ابراهيم ووضعهم... ثم انصرف عنهم فلما بلغ كداء وهو جبل بذي طوى إلتفت إليهم ابراهيم فقال: «ربنا إني أسكنت من ذريتي بواد غير ذي زرع عند بيتك المحرم...»

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که ابراهیم (ع) در صحرای شام مسکن گزید و فرزندش اسماعیل از هاجر متولد شد... پس خداوند به او وحی کرد... سپس به او امر کرد که اسماعیل و مادرش را از آن صحرا خارج کند. پس ابراهیم (ع) گفت: پروردگارا! به کدامین مکان ببرم؟ خداوند فرمود: به سوی حرم امن من... و آن مکه است. پس خداوند، جبرئیل را با براق (مركب آسمانی) بر او نازل کرد. پس هاجر و اسماعیل را سوار کرد... پس او را در جایگاه بیت (کعبه) قرار داد... پس آن گاه که ابراهیم (ع) آنان را جایگزین کرد... سپس از آنان جدا گشته و برگشت... پس آن گاه که به «کداء» _ که کوهی در منطقه ذی طوی است _ رسید، به سوی آنان توجه کرد و

گفت: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ ...» «...».

64- اسكان هاجر در مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 77

20- « عن أبي الحسن موسى بن جعفر (ع) قال: إن إبراهيم (ع) لما أسكن إسماعيل (ع) وهاجر مكة... قال: «اللهم إني أسكنت من ذريتي بواد غير ذي زرع عند بيتك المحرم... فاجعل أفئدة من الناس تهوي إليهم...» فأوحى الله إلى إبراهيم عن أصدق أباقبيس فناد في الناس: يا معشر الخلائق إن الله يأمركم بحج هـ_ذا البيت الذي بمكة... فهناك... وجب الحج على جميع الخلائق...»

از امام كاظم(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که ابراهیم(ع)، اسماعیل و هاجر را در مکه اسکان داد... گفت: پروردگارا! «إني أسكنت من ذريتي بواد غير ذي زرع...». پس خداوند به او وحی کرد: بر بالای کوه ابوقبیس برو، پس در میان مردم ندا ده: ای مردمان! همانا خداوند شما را به حج این خانه ای که در مکه است امر کرده... پس آن جا بود که حج بر تمام خلائق واجب شد».

65- اطمینان کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 47 - 3

3_ اطمینان کفار مکه به پیروزی خویش هنگام خروج برای جنگ بدر

و لا تكونوا كالذين خرجوا

66- اعتراض اخروی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 157 - 4

4_ نازل نشدن قرآن موجب اعتراض گمراهان و مشرکان در قیامت به سبب نداشتن کتاب آسمانی و دور ماندن از هدایت‌های الهی

أو تقولوا لو أنزل علينا الكتب لكانا أهدي منهم

67- اعراض مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 14 - 1

1- توییح مشرکان مکه از سوی خداوند، به خاطر روی گردانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، به رغم دلایل آشکار آن حضرت

وقد جاءهم رسول مبين . ثم تولوا عنه وقالوا معلم مجنون

68- اغواگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 14 - 11

11 - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، درباره تلاش شان برای اغوای مسلمانان

وقال الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا.. ولقد أرسلنا نوحًا إلى قومه...

بیان قصه طوفان نوح(ع) پس از ذکر برخوردهای کافران مکه با مسلمانان، احتمال دارد برای هشدار به آنان باشد.

69- افتراهای مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 61 - 6

6- مشرکان مکه ، علی رغم اسناد سخنان ناروا به خداوند ، مورد عقوبت دنیوی قرار نگرفتند و مهلت حیات پیدا کردند .

كنتم تقفرون . و يجعلون لله البنات ... و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك عليها

70- افساد کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 12 - 5

5- کافران مکه ، مردمانی مجرم و تبهکار بودند .

ربما يؤدّ الذين كفروا... كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین

71- افساد مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 191 - 8

8 - فتنه انگیزی مشرکان مکه علیه مسلمانان صدر اسلام

أخرجوكم و الفتنه أشد من القتل

72- اقرار مشركان مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 79

4 - اعتراف ناخودآگاه مشرکان مکه ، به تأثیر خارق العاده قرآن در مخاطبان خود

قالوا هـ_ذا سحر

اگر مشرکان مکه شاهد چنین تأثیری نبودند، دلیلی نداشت که آن را سحر معرفی کنند.

73- اکثریت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 10

10 _ اکثر کافران مکه ناآگاه به مستحق بودن عذاب الهی به سبب بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام

و ما لهم ألا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام . . . و لكن أكثرهم لا يعلمون

74- اکثریت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 44 - 4

4 _ بیشتر مشرکان مکه ، مردمانی حق نشنو و نابخرد

إذا رأوك إن يتخذونك . . . أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است؛ چرا که بیشتر مشرکان آن شهر در نیمه نخست بعثت دارای چنین خصلتی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 47 - 10

10 - اکثر مشرکان مکه ، کافر بوده و به آیات خدا ، ایمان نیاوردند .

و من هـ_ؤلاء من يؤمن به و ما يجحد بأى_تنا إلا الك_فرون

به قرینه «و من هـ_ؤلاء من يؤمن به»، «الكافرون»، اکثر مشرکان مکه را تشکیل می دهند.

75- امکانات مادی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 45 - 5

5 - مشرکان مکہ (قریش) ، اندازه یک دهم برخورداری ملت های پیشین را نداشته اند .

ص: 80

و ما بلغوا معشار مائةٍ أُتِينَهُمْ

«معشار» یک دهم چیزی را می گویند (مفردات راغب).

76- امکانات مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 26 - 1

1- قوم عاد ، برخوردار از قدرت و امکانات بس فزون تر از مشرکان مکه

و لقد مکّنْهم فیما إن مکّنْکم فیہ

حرف «إن» نافیہ است.

77- امنیت اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 3 - 3

3 - مکه در عصر بعثت ، شهری امن بوده و ساکنان آن ، باید همواره در امنیت باشند .

و هـذا البلد الامین

توصیف مکه به «أمین»، یا به معنای «ذو الأمن» و یا به معنای مفعولی (مأمون فیہ) است. این توصیف، علاوه بر بیان وجود امنیت در آن، نشانگر آن است که خداوند، خواهان تداوم یافتن امنیت آن در همه زمان ها است.

78- امنیت حرم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 67 - 4، 2، 1

1 - مکه ، به خواست خداوند ، حرمی امن است .

أولم یروا أنّا جعلنا حرمًا آمنًا

2- امنیت مکه حتی پیش از ظهور اسلام ، برخاسته از خواست خدا بوده است .

أولم يروا أننا جعلنا حرماً آمناً

4- مردم جزیره العرب ، به حفظ حرمت و امنیت مکه ، پابند بوده اند .

أولم يروا أننا جعلنا حرماً آمناً و يتخطف الناس من حولهم

ص: 81

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 1,7,8,12,13

1 - تبدیل زمین های اطراف کعبه به شهری دارای امنیت ، درخواست ابراهیم (ع) از درگاه خداوند

و إذ قال إبراهيم رب اجعل هذا بلداً آمناً

ظاهر آن است که مشارالیه «هذا» زمینهای اطراف کعبه باشد. بر این مبنا جمله «اجعل...» حاکی از دو درخواست است: 1_ شهر شدن زمینهای اطراف کعبه; 2_ برقرار بودن امنیت در آن شهر. قابل ذکر است که کلمه «بلد» به معنای سرزمین دارای حدود و مشخصات و نیز به معنای شهر است. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال می باشد.

7 - امنیت و فراوانی نعمت در شهر مکه ، اموری کارساز در تحقق اهداف ابراهیم (ع)

إني جاعلك للناس إماماً .. إذ قال إبراهيم رب اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق أهله

مطرح شدن امامت ابراهیم(ع) و مسؤولیت او برای تطهیر کعبه و آماده سازی آن برای پرستش خدا، و سپس نقل دعای آن حضرت (درخواست امنیت شهر مکه و رونق اقتصادی آن)، بیانگر برداشت فوق است.

8 - شهر مکه ، حتی برای کافران نیز باید جایگاهی امن باشد .

رب اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق .. من آمن منهم باللّه و الیوم الآخر

از اینکه ابراهیم(ع) دومین دعای خویش; یعنی، اعطای ثمرات را به مؤمنان اختصاص داد، ولی امنیت شهر مکه را به طور مطلق آورد، می توان به این نتیجه رسید که: آن حضرت امنیت مکه را برای همگان حتی برای کافران خواسته بود.

12 - خداوند ، دعای حضرت ابراهیم (ع) (شهر شدن سرزمین مکه و امنیت و رفاه مؤمنان آن) را مستجاب کرد .

رب اجعل .. قال و من كفر فأمته قليلاً

ابراهیم، در دعای خویش اشاره به این داشت که: خداوند، کافران مکه را از روزیهای خویش محروم سازد. جمله «و من كفر فأمته» (ولی آن کس که کافر شود او را بهره ای اندک خواهم داد) پاسخ منفی خداوند به این تقاضای ابراهیم است. رد بخشی از یک درخواست، حکایت از اجابت دیگر درخواستها دارد.

13 - دعای ابراهیم (ع) برای امنیت مکه و برخوردار شدن مؤمنان آن سرزمین از مواهب الهی ، خاطره ای شایسته و بایسته به یادداشتن

و إذ قال إبراهيم رب اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق أهله

برداشت فوق بر این اساس است که «إذ» مفعول برای فعل مقدر «اذکر» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 35 - 4

4- مکه ، حرم امن الهی است .

ربّ اجعل هـ_ذا البلد اماناً

تقل دعای حضرت ابراهیم(ع) با لسان تمجید، گویای استجاب آن دعا از جانب خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 7

7- سرزمین مکه از دیرباز ، از نعمت های دنیوی برخوردار و از حوادث هلاکت بار و عذاب های الهی محفوظ بود .

ص: 82

بل متّعناهُ وءاباءهم حتّى طال عليهم العمر

این که خداوند مردم مکه و اجدادشان را از بهره های دنیوی به مدت طولانی، برخوردار کرد، حکایت از امنیت و مصونیت دیر پای سرزمین مکه از حوادث هلاکت بار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 13

13 - مکه (مسجد الحرام و محدوده آن) باید محیطی امن برای همگان باشد .

سواء الع كف فيه و الباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 10

10 - سرزمین مکه ، حرم امن الهی

أولم نمکن لهم حرماً امنًا

80- امنیت مکه در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 3 - 3

3 - مکه در عصر بعثت ، شهری امن بوده و ساکنان آن ، باید همواره در امنیت باشند .

وهذا البلد الامین

توصیف مکه به «امین»، یا به معنای «ذو الأمن» و یا به معنای مفعولی (مأمون فیه) است. این توصیف، علاوه بر بیان وجود امنیت در آن، نشانگر آن است که خداوند، خواهان تداوم یافتن امنیت آن در همه زمان ها است.

81- امیدواری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 26 - 7

7 - امیدواری کافران مکه ، به پیروزی خود بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از طریق ایجاد هیاهو و فضای ناآرام

وقال الذين كفروا لاتسمعوا .. والغوا فيه لعلكم تغلبون

ص: 83

82- انبیا در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 134 - 8

8 - اهل مکه پیش از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از تعالیم رسولان الهی محروم بودند .

من قبله لقالوا ربنا لولا أرسلت إلینا رسولاً فنتبع آئی_تک

83- انتقاد مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 2

2 - انتقاد جاهلانه مشرکان مکه به نزول وحی بر محمد (صلی الله علیه و آله) و نه فردی از اشراف

وقالوا لولا نزلَ م_ذا القرآن علی رجل من القریتین عظیم

84- انتقام از مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 16 - 5

5- جنگ بدر ، میدان انتقام الهی از مشرکان و ضربه ای سخت و شکننده بر جبهه شرک *

یوم نبطش البطشه الکبری انا منتقمون

طبق نظر مفسران، ممکن است این آیه نظر به جنگ بدر داشته باشد. این در صورتی است که عذاب ذکر شده در آیات پیشین را عذاب دنیوی بدانیم.

85- انذار اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 15، 4

4 - هدف آغازین بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، انذار مردم مکه و نواحی آن بوده است .

لتنذر أمّ القری و من حولها

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از «حولها» فقط حاشیه مکه باشد و با توجه به این که دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) همگانی بوده _ و نه مخصوص مردم مکه و اطراف آن _ در این برداشت قید آغازین افزوده شده است.

15 - انذار مردم مکه (أمّ القری) و اطراف آن ، از اهداف نزول قرآن است .

أوحینا إلیک . . . لتنذر أمّ القری

ص: 84

86- انذار کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 4 - 3

3- هشدار خداوند به کافران هدایت ناپذیر مکه ، مبنی بر اینکه مهلت دادن به آنان به معنای تداوم بخشیدن به زندگیشان نیست ؛ بلکه همواره در معرض هلاکتند .

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم ... فسوف یعلمون. و ما أهلكنا من قریه

ذکر این آیه، پس از تهدید «فسوف یعلمون» احتمالاً برای دفع اشکال مقدر می باشد و آن اشکال این است که: کفار پس از مهلت یافتن با امر «ذرهم یا کفروا...» چنین نیندارند که زندگیشان ادامه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 34 - 13

13- هشدار خداوند به کافران استهزاگر مکه

هل ینظرون إلا أن تأتيهم الملائكة .. کذلک فعل الذین من قبلهم ... فأصابهم سیئات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 53 - 1

1 - هشدار خداوند به کفار مکه ، مبنی بر پیروزی نزدیک مسلمانان بر آنان

سنریهم ءای_ تنافی الآفاق و فی أنفسهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از ضمیر «هم» _ به قرینه آیه قبل (ثم کفرتم) _ کفار مکه بوده و مقصود از «آفاق» نواحی زمین و از «أنفس» مردم سرزمین جزیره العرب باشد. بنابر این جمله «سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی أنفسهم» می تواند اشاره به پیروزی مسلمانان بر کافران داشته باشد.

87- انذار مردم اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 15، 4

4 - هدف آغازین بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، انذار مردم مکه و نواحی آن بوده است .

لتنذر أمّ القری و من حولها

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از «حولها» فقط حاشیه مکه باشد و با توجه به این که دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) همگانی بوده _ و نه مخصوص مردم مکه و اطراف آن _ در این برداشت قید آغازین افزوده شده است.

15 - انذار مردم مکه (أمّ القری) و اطراف آن ، از اهداف نزول قرآن است .

ص: 85

أوحينا إليك .. لتنذر أمّ القری

88- انذار مردم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 92 - 8

8_ انذار مردم مکه (ام القری) و اطراف آن، از اهداف نزول قرآن است.

و هذا کتب .. و لتنذر أم القری و من حولها

89- انذار مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 63 - 15

15- هشدار خداوند به مشرکان مکه برای اجتناب از اغواها و ظاهرسازی های شیطان

تالله لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك فزین لهم الشیطن اعم لهم .. و لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 3

3- تهدید پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مشرکان مکه ، در امکان نزول عذاب با سقوط قطعاتی از آسمان بر سر آنان

أو تسقط السماء كما زعمت علينا كسفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 49 - 7

7- تهدید سران مشرک و ستیزه جوی مکه از سوی خداوند

ذق إناک أنت العزیز الکریم

چنان که از لحن آیات و برخی از تفاسیر استفاده می شود، این آیات تعریضی به سردمداران شرک مکه دارد.

90- انفاق پس از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 21

21 - برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق گر قبل از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در

ص: 86

پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح وقـتل

91- انفاق قبل از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 21

21- برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق گر قبل از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح وقـتل

92- انگیزه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 46 - 10

10- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ؛ بلکه انگیزه نفسانی _ روانی داشت .

وإذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولّوا على آدبهم نفورًا

«نفرت» از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

93- انگیزه مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 46 - 10

10- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ؛ بلکه انگیزه نفسانی _ روانی داشت .

وإذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولّوا على آدبهم نفورًا

«نفرت» از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

94- اولین نبی در مکه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 87

6 - خداوند ، برای مشرکان مکه قبل از رسول گرامی اسلام ، پیامبری مبعوث نکرده بود .

و ما أرسلنا إليهم قبلک من نذیر

95- اولین نبی سرزمین مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 46 - 8

8 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، نخستین پیامبر مبعوث شده در سرزمین مکه

لتنذر قومًا ما أتیهم من نذیر من قبلک

مراد از «قومًا» مردم سرزمین مکه است و «ما» در «ما أتاهم» نافیه می باشد؛ یعنی، مردمی که پیش از تو برای آنان هشدار دهنده ای مبعوث نشده است.

96- اهتمام ابراهیم (ع) به امنیت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 8

8- عنایت و توجه خاص حضرت ابراهیم (ع) به حرمت و امنیت مکه

و إذ قال إبرهیم ربّ اجعلْهـ ذا البلدِ آمنًا

از اینکه حضرت ابراهیم (ع) در دعای خویش ابتدا امنیت شهر مکه را مطرح ساخت و آن را از هدایت فرزندانش مقدم شمرد، اهمیت امنیت مکه نزد ایشان و عنایت ویژه او نسبت به این مسأله به دست می آید.

97- اهل مکه در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 133 - 13

13 - مردم مکه در صدر اسلام از نسلی غیر از ساکنان قبلی آن سرزمین بودند. *

كما أنشأکم من ذریه قومٍ آخرین

ظاهراً مخاطب «أنشأكم» مردم مکه بوده اند. زیرا مکه محل نزول این آیات بوده است. بنابراین مردم مکه و سرزمینهای مجاور آن از نسل مردمی غیر از ساکنان اصلی آن بوده اند.

ص: 88

98- اهل مکه و آثار باستانی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 79 - 5

5- آثار تاریخی قوم لوط و مردم «ایکه» (قوم شعیب) در دسترس مردم جزیره العرب عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بر سر راه آنان به طور آشکارا قرار داشت.

فانتقمنا منهم و اینهما لیامام مبین

ضمیر تثنیه «اینهما» به «قوم لوط» و «ایکه» باز می گردد و یکی از معانی امام طریق است (لسان العرب) و «مبین» فاعل به معنای مفعول و به معنای واضح و روشن است. بنابراین معنای جمله «اینهما لیامام مبین» چنین می شود: آثار شهر قوم لوط و ایکه بر سر راهی آشکارا برجاست.

99- اهل مکه و آثار باستانی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 40 - 1

1_ مردم مکه، آثار به جا مانده از شهر هلاکت زده قوم لوط را می دیدند و از آن شهر گذر می کردند.

و لقد أتوا على القرية التي أمطرت مطر السوء

فعل «أتوا» به خاطر متعدی شدنش به «علی» متضمن معنای «مروا» است. مقصود از آن مردم مکه می باشد. گفتنی است، طبق نظر مفسران، مقصود از «قریه» در آیه شریفه، دیار قوم لوط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 79 - 5

5- آثار تاریخی قوم لوط و مردم «ایکه» (قوم شعیب) در دسترس مردم جزیره العرب عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بر سر راه آنان به طور آشکارا قرار داشت.

فانتقمنا منهم و اینهما لیامام مبین

ضمیر تثنیه «اینهما» به «قوم لوط» و «ایکه» باز می گردد و یکی از معانی امام طریق است (لسان العرب) و «مبین» فاعل به معنای مفعول و به معنای واضح و روشن است. بنابراین معنای جمله «اینهما لیامام مبین» چنین می شود: آثار شهر قوم لوط و ایکه بر سر راهی آشکارا

برجاست.

100- اهل مکه و تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 26 - 12

12 - خبر هلاکت ملت های کفرپیشه پیشین ، کراراً به گوش مردم مکه رسیده بود .

ص: 89

أولم يهد لهم كم أهلكننا من قبلهم من القرون . . . أفلا يسمعون

فعل مضارع «يسمعون» در آیه می تواند اشعار به تکرار شنیدن این گونه خبرها داشته باشد.

101- اهل مکه و دعوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 2 - 15

15 _ مردم مکه در واکنش به دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) دو دسته بودند : مؤمن و کافر .

أن أُنذِر الناس و بَشِّر الذين ءامنوا . . . قال الكفرون

102- اهل مکه و سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 40 - 2

2 _ شهر قوم لوط نه چندان دور از شهر مکه و قابل دسترسی برای مردم آن جا

و لقد أتوا على القرية التي أمطرت مطر السوء

103- اهل مکه و فرجام فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 18 - 5

5 - فرجام فرعون و قوم ثمود ، داستانی آشنا برای اهل مکه و مایه عبرت برای همه مردمان

هل أتیک . . . فرعون و ثمود

سوره «بروج» از سوره های مکی است و نام بردن امت هایی مخصوص برای عبرت گرفتن مگیان از فرجام آنها، بیانگر آگاهی آنان از تاریخ اجمالی آن امت ها است.

104- اهل مکه و فرجام قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- فرجام فرعون و قوم ثمود، داستانی آشنا برای اهل مکه و مایه عبرت برای همه مردمان

هل أتيك .. فرعون و ثمود

ص: 90

سوره «بروج» از سوره های مکی است و نام بردن امت هایی مخصوص برای عبرت گرفتن مکیان از فرجام آنها، بیانگر آگاهی آنان از تاریخ اجمالی آن امت ها است.

105- اهل مکه و محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 2 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شخصیتی آشنا و شناخته شده برای مردم مکه

ما ضلّ صاحبکم

خطاب در «ما ضلّ صاحبکم» متوجه مردم مکه است و «صاحب» از ریشه «صحبت» (ملازم و همدم بودن) مشتق است. بنابراین «صاحبکم»؛ یعنی، کسی که با شما همدم است و در میان شما زندگی می کند و شما از تمام حالات و رفتار او آگاهی دارید.

106- اهمیت امنیت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 24 - 7

7 - اهمیت آرامش و امنیت شهر مکه و مخدوش نشدن آن ، با درگیری مؤمنان و مکیان *

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بطن مکه

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه شریفه در عین امتنان بر مؤمنان، اشاره ای داشته باشد به حرمت سرزمین مکه و این که خداوند نخواست است با درگیری مؤمنان و مشرکان، این حرمت شکسته شود.

107- اهمیت فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 1 - 5

5 - آزادسازی مکه برای مسلمانان ، به منزله فتح کامل سنگر های دشمن بود .

و الفتح

مطلق آوردن فتح در مورد «فتح مکه» نشانگر صدق فتح کامل بر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 2 - 5

5 - مردم پس از فتح مکه ، با رضایت و بدون تحمیل ، اسلام را پذیرفتند .

ص: 91

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 3 - 3

3 - فتح مکه ، پیروزی بزرگ و بدون شکست پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پرتو امداد های الهی *

و ینصرک الله نصرًا عزیزًا

آرمان فتح مکه و مقهور ساختن مشرکان لجوج آن، از بالاترین آرزوها و اهداف مسلمانان به شمار می رفت. با توجه به این نکته احتمال می رود که نوید الهی به نصرت بدون شکست، نوید به تحقق همین آرمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 12

12 - صلح حدیبیه و فتح مکه ، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) *

و من أوفی . . . فسیؤتیه أجرًا عظیمًا

با توجه به این که پیمان یاد شده، قبل از انعقاد صلح حدیبیه صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نوید «فسیؤتیه. . .» بر صلح حدیبیه و فتح مکه منطبق شود که پس از این پیمان رخ داده است؛ زیرا اگر آن بیعت و پایداری نبود، نوبت به چنان پیروزی هایی نمی رسید.

108- اهمیت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 37 - 9

9- عبادت و نماز در کنار خانه خدا ، برخوردار از فضیلت و ارزش بیشتری در مقایسه با سایر سرزمینها

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي . . . عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که اقامه نماز در غیر مکه برای فرزندان حضرت ابراهیم(ع) ممکن بود؛ ولی حضرت ابراهیم(ع) برای فضیلت عبادت در جوار خانه خدا آن مکان را برای فرزنداناش برگزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 91 - 5

5- شهر مکه ، دارای اهمیت ، کرامت و حرمت در پیشگاه خداوند

رَبِّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا

«ه_ذِه» اشاره به مکه دارد که به دلیل اهمیتش نزد خداوند، اختصاص به ذکر یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 27

ص: 92

27 - « عن محمد بن علي الرضا (ع) ، (جواد) قال : . . . و مكة من أمهات القرى و ذلك قول الله عزوجل : « لتندر أم القرى و من حولها » ؛

از امام جواد(ع) روایت شده که فرمود: . . . مکه یکی از «أمّ القرا»ها است و این است سخن خدای عزوجل: لتندر أمّ القرى و من حولها».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 8

8 - مکه و طائف ، دو شهر مهم جامعه عصر بعثت ، نزد عرب جاهلی

و قالوا . . . علی رجل من القریتین

109- ایمان مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 47 - 8

8 - تعداد کمی از مشرکان مکه ، به قرآن ، ایمان آوردند .

و من هؤلاء من یؤمن به

«من» در «من هؤلاء» تبعیض است و «هؤلاء» اشاره به مشرکان مکه دارد. گفتنی است که تعبیر «من هؤلاء» _ همان گونه که برخی گفته اند _ دلالت بر قلت می کند.

110- ایمان نسل کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 30

30- وجود مؤمنانی در نسل و صلب کافران مکه ، مانع نزول عذاب الهی بر آنان *

لولا رجال مؤمنون . . . لم تعلموهم ... لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم عذاباً

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از مردان و زنان مؤمن در آیه شریفه، فرزندان باشند که از کافران مکه تولد خواهند یافت و به ایمان خواهند گروید. آنچه مؤید این احتمال است، تعبیر «لم تعلموهم» و نیز «لو تزیلوا» می باشد؛ زیرا «لو»ی امتناعیه، تفکیک ناپذیری نسل مؤمن از کافران عصر بعثت را می رساند.

111- بازگشت محمد (صلی الله علیه و آله) به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 93

4 - اقدام خداوند به دلداری دادن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، اعلام حمایت از وی و تضمین بازگشت مجدد آن حضرت به مکه

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ

کلمه «معاد» اسم مکان و به معنای بازگشت گاه است و بر محل سکونت افراد (خانه، ده و شهر) اطلاق می شود؛ زیرا انسان هر کجا که برود سرانجام به آن محل بازمی گردد. در آیه مراد از «معاد» شهر پیامبر (مکه) است. درباره شأن نزول این آیه گفته اند: هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به قصد هجرت از مکه خارج شد و به محلی به نام جحفه رسید دلش هوای مکه کرد و از این که زادگاه خود و پدرانش و حرم جدش حضرت ابراهیم (ع) را به ناچار ترک می کند، سخت ناراحت شد. در این حال آیه بالا نازل گردید و خداوند او را دلداری داد و حمایت قطعی خود را از آن حضرت اعلام کرد و وعده فرمود که او را بار دیگر به مکه باز خواهد گرداند.

5 - نوید خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر دگرگون ساختن وضع مکه و غلبه دادن توحید و ایمان بر شرک و کفر (به هنگام بازگرداندن مجدد وی به آن شهر)

لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ

«معاد» در آیه، نکره موصوفه است که صفت آن حذف شده و تقدیر آن چنین است: «لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ غَيْرِ مَا هُوَ الْآنَ؛ ترا به شهری بازمی گرداند که وضع آن غیر از وضعی باشد که الآن دارد». بنابراین تعبیر یاد شده به بازگشت فاتحانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مکه و دگرگون شدن اوضاع آن شهر با ورود آن حضرت اشاره دارد.

112- بانیان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 3 - 3

3 - ابراهیم و اسماعیل (ع)، در تأسیس مکه نقش به سزایی داشتند.

لَا أُقْسِمُ بِذَا الْبَلَدِ . . . وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ

113- بت پرستی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 29 - 6

6 - مردم مکه پیش از بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نزول قرآن، برهه ای طولانی در شرک و بت پرستی بسر می بردند.

بل متّعت هـ_ؤلاء وءاباءهم حتّى جاءهم الحقّ ورسول مبين

114- بت پرستی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 94

1 - شرک و بت پرستی در کنار کعبه (خانه توحید) ، نمونه ای بارز از اقدام انسان ها برای تغییر آیین پیامبران و انحراف از طریقه آنان

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ . . . فَذَرَهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ

«وَذَرُ» (مصدر «ذره») به معنای ترک کردن و وا نهادن است. ضمیر «هم» _ به قرینه مقام _ کنایه از مردم مگه و پیرامون آن است؛ که سیره یکتاپرستی حضرت ابراهیم(ع) را تغییر دادند و به شرک ورزی روی آوردند و بر آن پافشاری کردند «غمره» به معنای غرقاب است و در این جا استعاره از ورطه جهل و گمراهی می باشد.

115- بت پرستی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 19 - 1

1 - سرزنش مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر پرستش خدایان (لات ، عزی ، و منات) بدون هیچ برهان و پشتوانه علمی

أَفْرَيْتُمْ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ . وَ مَنوهُ الثَّالِثَةُ الْآخِرَى

آیات پیشین _ به ضمیمه استفهام انکاری در «أرأیتم» _ اشاره به آن دارد که رهنمودهای پیامبر(صلی الله علیه و آله) متکی به شهود بود؛ اما مشرکان در دعای خویش از هرگونه دلیل و برهان بی بهره بودند.

116- بشارت فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 2 - 7

7 - نوید الهی ، به تحقق نعمت کامل فتح مکه ، در پی صلح حدیبیه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ . . . وَ يَتَمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ

«یتم نعمته» بیانگر نتیجه ای است که خداوند نوید تحقق آن را به پیامبر(صلی الله علیه و آله) داد؛ یعنی، صلح حدیبیه راه را با مسالمت بر روی مسلمانان باز کرد و این نعمت بزرگی بود؛ اما اتمام این نعمت در آن روز صورت می گرفت که مسلمانان فاتح مکه و صاحب اختیار آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 13 - 10

10 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور ابلاغ بشارت خداوند (قریب الوقوع بودن فتح مکه) ، به مسلمانان مشتاق و منتظر

وَأُخْرَى تَحِبُّونَهَا .. وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 95

4 - خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را از پیش به فتح مکه و امداد های خود بشارت داد .

إذا جاء نصر الله و الفتح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - خداوند ، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بشارت داد که فتح مکه را درک خواهد کرد و استقبال قبایل عرب را از اسلام ، به چشم خود خواهد دید .

و رأیت الناس یدخلون فی دین الله أفواجًا

117- بلندی مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - ارتفاع سطح زمین مکه ، بیشتر از مناطق پیرامون آن است .

يأتوك. .. من كل فج عميق

«عمق» (مصدر «عمیق») به مسافت طولانی ای گفته می شود که امتداد آن به طرف پایین کشیده شده است. بنابراین به کارگیری کلمه «عمیق» به جای «بعید» یا بدان اعتبار است که سرزمین مکه چون از دیگر مناطق پیرامونش مرتفع تر است، مردمی که به سوی آن می آیند، از پایین به بالا در حرکت اند. و یا این که چون زمین، سطحی دایره ای دارد حرکت مردم از دور به صورت حرکت به بالا دیده می شود. برداشت یاد شده بر پایه فرض اول است.

118- بنی اسرائیل و مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بسیاری از بنی اسرائیل عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای روابط دوستانه با مشرکان مکه و پذیرای ولایت آنان بودند .

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

بنا به گفته برخی از مفسران مراد از «الذین کفروا» مشرکان مکه می باشد.

119- بهانه جویی اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 96

1_ مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أكبر مجرمیها .. قالوا لن نؤمن

120- بهانه جویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 8 - 4

4- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی کافران مکه ، بهانه ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه .. ما ننزل الملئکه إلا بالحق

قید «إلا بالحق» می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه «إذا منظرین» نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نمی پذیرفتند.

121- بهانه جویی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 3

3- مشرکان مکه ، با درخواست معجزه ، درصدد بهانه جویی و دستیابی به منافع خویش بودند نه کشف حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد صرفنا للناس فی هـ ذا القرآن من کلّ مثل فأبى أكثر الناس إلا كفوراً . و قا

از اینکه مشرکان برای شناخت حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) راههای گوناگون موجود را رها کرده و ایمان خود را منحصر به برآوردن پیشنهاد های محدودی، کردند که بیشتر منافع مادی اشان را تأمین می کرد، مطلب فوق قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 94 - 3

3- تنها دستاویز مشرکان مکه برای ایمان نیاوردن به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، بشر بودن آن حضرت بود .

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 6 - 8

8- درخواست معجزه از سوی مشرکان ستم پیشه مکه ، در جهت بهانه جویی بود ؛ نه حقیقت طلبی .

فلیأتنا. .. أفهم یؤمنون

خداوند، درخواست معجزه از طرف مشرکان را به این دلیل ردّ فرمود که آنان مانند مشرکان اقوام گذشته، قصد ایمان آوردن

ص: 97

نداشتند. بنابراین چنین درخواستی بهانه و دست آویزی بیش نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 8,22

8 - رد شدن ادعای مشرکان مکه (ربنوده شدن آنان در صورت گرویدن به آیین پیامبر (صلی الله علیه و آله)) از سوی خداوند

و قالوا .. تتخطف من أرضنا أولم نمکن لهم حرماً آمناً

22 - « عن زين العابدين (ع) إنه اجتمعت قريش إلى أبي طالب ورسول الله عنده . . . وقالت و الله لو سمعت به ذافارس و الروم لأختطفتنا من أرضنا و لقلعت الكعبه حجراً حجراً، فنزل « وقالوا إن تتبع الهدى معك » . . . »

از امام سجاده (ع) روایت شده: همانا قریش نزد ابی طالب جمع شدند، در حالی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد وی بود. . . و گفتند به خدا سوگند اگر این پیروی از محمد (صلی الله علیه و آله) را اهل فارس و روم بشنوند، ما را از سرزمینمان می ربایند و کعبه را سنگ به سنگ از جا خواهند کند پس این آیه نازل شد: « وقالوا إن تتبع الهدى معك تتخطف من أرضنا »

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 44 - 2

2 - مشرکان مکه ، مردمی عناد پیشه و بهانه جو بودند .

و لو جعلنَه قرءاناً أعجمياً لقالوا لولا فصلت آى ته أعجمی و عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 13 - 23

23 - ادعای تازگی و پیشینه نداشتن معارف اسلام ، از بهانه های مشرکان مکه

شرع لكم . . . کبر علی المشرکین ما تدعوهم إليه

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مشرکان بوده است، ذکر سابقه معارف توحیدی در شرایعت های پیشین؛ می تواند ناظر به این نکته باشد که مشرکان مکه به بهانه تازگی معارف اسلامی تلاش در انکار آن داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 5

5 - بهانه جویی های پیاپی و گوناگون مشرکان مکه ، در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن

قالوا هـ_ذا سحر . . . وقالوا لولا نزل هـ_ذا القرآن

از این که مشرکان مکه گاهی قرآن را به سحر متهم می کردند و گاهی فقر و تنگدستی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بهانه قرار می دادند، مطلب بالا استفاده می شود.

122- بی احترامی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 98

3 - مردم مکه ، حرمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را پاس نداشته ، به ساحت آن حضرت اسائه ادب می کردند .

و أنت حلّ بهِ ذَا البلد

«حَلّ» نقطه مقابل «حرمت» است؛ اطلاق آن بر امور حلال، از باب توصیف به مصدر است (مصباح). حلال شمرده شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به این معنا است که آن حضرت را از حقوق اجتماعی خود در مکه محروم کرده و او را همسان دیگر ساکنان مکه، گرامی نمی داشتند.

6 - تجویز آزار رسانی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی ساکنان مکه ، هتک حرمت آن سرزمین و اقدامی شگفت انگیز است .

لَا أَقْسَمُ بِهِ ذَا البلد . و أنت حلّ بهِ ذَا البلد

جمله «و أنت حلّ» _ در سومین معنای «حَلّ» (حلال شمردن نقض حریم پیامبر (صلی الله علیه و آله) _ بیانگر نمونه ای برای آیات بعد است که انسان را با رنج و زحمت، همراه خوانده است. خداوند با بیان آزار رسانی مردم مکه، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ابراز تعجب از رفتار آنان، رسول اکرم را برای شکیبایی و مقاومت در برابر آزارهای آنان، آماده می سازد.

123- بی ادبی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 6 - 1

1- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

وقالوا یا بیها الذی نزل علیه الذکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

124- بی اعتنایی به مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 112 - 21

21 _ پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به مبارزه منفی با مشرکان مکه از راه بی اعتنایی به شبهات و دروغپردازیهای آنان است.

و لو شاء ربک ما فعلوه فذرهم و ما یفترون

رها کردن مشرکان و اعتنا نکردن به گفته های آنان نوعی مبارزه منفی است که خداوند پیامبر(صلی الله علیه و آله) را به آن فرمان می دهد.

125- بی ایمانی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 99

4- ناباوری مشرکان مکه در نزول عذاب ، با فرو ریختن اجرام و قطعه هایی از آسمان بر آنان

أو تسقط السماء كما زعمت علينا كسفاً

«الزعم» به معنای حکایت سخنی است که در مظنه دروغ باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- مشرکان مکه ، نسبت به آسمانی بودن قرآن و رسالت الهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بی اعتقاد بودند .

أو ترقى في السماء و لن نؤمن لرقيبك حتى تنزل علينا كتبا نقرؤه

از اینکه آنان، نامه و کتابی را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستند که خود از آسمان آورده باشد، حکایت از آن دارد که: قرآن را_ که به صورت وحی بر آن حضرت نازل می شده است _ قبول نداشتند.

126- بی تأثیری جوسازی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارایی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیرگذاری

قال الذين كفروا... لعلكم تغلبون

واژه «لعل» در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

127- بی عقلی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4_ بیشتر مشرکان مکه ، مردمانی حق نشنو و نابخرد

إذا رأوك إن يتخذونك... أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است؛ چرا که بیشتر مشرکان آن شهر در نیمه نخست بعثت دارای چنین خصلتی بودند.

ص: 100

128- بی منطقی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 41 - 9

9- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی _ روانی آنان بود .

و لقد صرفنا فی هـ ذالقرءان لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی _ نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 46 - 10

10- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ؛ بلکه انگیزه نفسانی _ روانی داشت .

و إذا ذکرت ربک فی القرءان وحده ولّوا علی أدبهم نفورًا

«نفرت» از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

129- بی منطقی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 41 - 9

9- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی _ روانی آنان بود .

و لقد صرفنا فی هـ ذالقرءان لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی _ نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 42 - 10

10 _ مشرکان مکه ، پذیرای هیچ سخن حق و منطقی در جهت مخالفت با عقیده شان نبودند .

إن كاد ليضلننا عن الهتتا . . . و سوف يعلمون حين يرون العذاب من أضلّ سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - زخرف - 43 - 30 - 5

5 - اقدام مشركان مكه به جنگ تبليغاتي عليه پيامبر (صلى الله عليه و آله) ، به دليل ناتواني از مقابله منطقي با آن حضرت

ولمّا جاءهم الحقّ قالوا هـ_ذا سحر

ص: 101

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 8

8 - مشرکان مکه ، مردمانی ستیزه جو و بی منطق

بل هم قوم خصمون

130- بیش اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 4

4_ سردمداران مشرکان مکه خود را همشأن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در استحقاق نزول وحی و کتاب آسمانی می دانستند.

أكبر مجرمیها... لن تؤمن حتی تؤتی مثل ما أوتی رسل الله

131- بیش اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 46 - 16

16 - هشدار دادن به مردم از عذابی که در پیش رو دارند ، در نگاه مردم مکه سخن جنون آمیز تلقی می شد .

ثم تفكروا ما بصاحبكم من جنة إن هو إلا نذير لكم بين يدي عذاب شديد

132- بیش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 6 - 4,5

4- کافران مکه ، نزول وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را ، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یاایها الذی نزل علیه الذکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل «نُزِّلَ» و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

5- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بیش کافران مکه

قالوا يا أيها الذي نزل عليه الذكر إنك لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 7 - 2,4,6

2- کافران مکه ، دلیل صداقت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در ادعای نزول وحی ، آمدن ملائکه برای تصدیق او می دانستند .

ص: 102

لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصديقين

4- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصديقين

درخواست کافران از پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش ، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر ، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

6- کافران و مشرکان مکه ، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة

از تعبیر «لو ما تأتينا بالملئكة» (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 7,8,9

7- کافران و مشرکان مکه ، نسبت به نام «رحمان» برای خداوند ، بسیار حساس و منکر رحمانیت او بودند .

و هم بذکر الرحمن هم ک_فرون

اختصاص به ذکر یافتن نام «رحمان» از میان دیگر نام های مقدس پروردگار و نیز تکرار «هم»، بیانگر برداشت یاد شده است.

8- کافران مکه ، منکر خدای رحمان بودند .

و هم بذکر الرحمن هم ک_فرون

گفتنی است که کافران منکر نام رحمان بودند؛ به اولویت استفاده می شود که منکر ذات خدای رحمان نیز بوده اند.

9- آسمانی بودن قرآن ، مورد انکار کافران و مشرکان مکه بود .

و هم بذکر الرحمن هم ک_فرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «ذکر» قرآن کریم باشد، چنان که در موارد متعدد در قرآن _ از جمله آیه دوم همین سوره _ از قرآن به «ذکر» یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 12 - 4

4 - کافران مکه ، برای عقیده خود ، هویتی مستقل ، قائل بودند .

اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا

133- بیش مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 156 - 5

5_ مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشان را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی

ص: 103

عدالتی می شمردند.

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكُتُبَ عَلَيَّ طَائِفَتَيْنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 157 - 3

3_ مشرکان مکه خویشان را شایسته تر از دیگران برای دریافت حقایق می پنداشتند.

لَوْ أَنَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكُتُبَ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 35 - 2

2_ مشرکان مکه، سرگذشت نوح و قوم او را، داستانی ساختگی و بافته پیامبر (صلی الله علیه و آله) می پنداشتند.

و لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا .. أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰهِ

برداشت فوق، براین اساس است که ضمیر مفعولی در «إفتراه» به داستان نوح(ع) و قوم او که در آیات پیشین آمده، باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 35 - 1,2

1- مشرکان مکه، بت پرستی خود و پدرانیشان را برخاسته از مشیت خداوند می دانستند.

و قَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا

با توجه به مکی بودن سوره نحل و نیز قرینه «كذلك فعل الذين من قبلهم» مراد از «الذين أشركوا» مشرکان مکه است.

2- مشرکان مکه، جبری مسلک بوده و عمل خود را بر اساس مشیت خداوند می دانستند.

و قَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 7

7- مشرکان مکه، مبعوث شدن انسان زوال پذیر را برای نبوت، قبول نداشتند.*

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت

به قرینه آیات قبل _ که درباره بعثت انبیا و مورد انکار قرار گرفتن آن از سوی مشرکان بود _ احتمال دارد مراد آیه نکته یاد شده باشد؛ یعنی، منظور از «یبعث» برانگیختن برای نبوت باشد نه حشر اخروی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 43 - 5

5- مشرکان مکه ، نزول وحی به انسان را قبول نداشتند .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحى إليهم

آیه درصدد تعریض به مشرکان و جواب گویی به آنان است که طبق قرینه ها و آیات دیگر قرآن کریم (سوره یونس ، آیه 2) آنها مبعوث شدن انسان را از جانب خداوند برای پیامبری قبول نداشتند. فعل «نوحی» در آیه قرینه و نشانه ای است بر نکته فوق.

ص: 104

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 7

7- مشرکان مکه ، جنس مذکر را بسی ارزشمندتر و با اهمیت تر از زن می دانستند .

أَفَأَصْفَ كَمْ رَبِّكُمْ بِالْبَنِينَ وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنْتًا

از اینکه از واژه «اناث» (زنان) به جای هر واژه دیگری مثل «بنات» (دختران) برای بیان مقصود استفاده شده است، می تواند به منظور اشاره به این واقعیت داشته باشد که مشرکان با ادعای مؤنث بودن ملائکه در صدد عیب جویی از خدا بودند و چنین امری، حکایت می کند که آنان، ذهنیت منفی در باره زن داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 5

5- مشرکان مکه ، قرآن را علی رغم بی ماندی اش ، معجزه نمی دانستند .

قُلْ لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . . . و قالوا لن نؤمن لك

از اینکه خداوند، پس از توصیف قرآن به معجزه و بی ماند بودن، درخواست معجزه حسی آنان را نقل می کند، می تواند به نکته فوق اشعار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 91 - 2

2- توانایی مادی و امکانات سرشار دنیوی ، ملاک پیامبری و پیشوایی در دید مشرکان مکه

لن نؤمن لك حتى . . . تكون لك جنة من نخيل و عنب

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که خواسته مشرکان مکه، داشتن مال، مکنث و باغ بوده است نه معجزه اقتراحی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 9

9- مشرکان مکه ، دارای تصویری مادی و جسمانی از خدا و ملائکه

تأتى بالله و الملئكة قبلاً

«قبیلاً» به معنای رو در رو شدن و مشاهده آمده است و از آن نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 94 - 1

1- مشرکان مکه ، برگزیده شدن نوع بشر برای پیامبری را منکر بودند و آن را امری امکان ناپذیر و ناشدنی تلقی می کردند .

و ما منع الناس .. إلا أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

«ال» در «الناس» عهد است و با توجه به آیات سابق مراد از آن، مشرکان مکه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 105

5- زیبایی و گیرایی قرآن ، پذیرفته شده و مسلّم در نظر مشرکان مکه

بل هو شاعر

از آن جایی که شعر از زیبایی و گیرایی خاصی برخوردار است؛ بدین سبب مشرکان، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را شاعر می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13- عالمان دینی و آگاهان به کتاب های آسمانی ، دارای منزلت و جایگاه اجتماعی نزد مشرکان مکه

فس_لواَهل الذکر

ارجاع مشرکان به عالمان دینی و آگاهان به تاریخ انبیا، بیانگر این نکته است که این عالمان، از جایگاهی خاص در میان مشرکان برخوردار بودند و سخنان این قشر نزد آنان مورد پذیرش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- کافران و مشرکان مکه ، نسبت به نام «رحمان» برای خداوند ، بسیار حساس و منکر رحمانیت او بودند .

و هم بذکر الرحمن هم ک_فرون

اختصاص به ذکر یافتن نام «رحمان» از میان دیگر نام های مقدس پروردگار و نیز تکرار «هم»، بیانگر برداشت یاد شده است.

9- آسمانی بودن قرآن ، مورد انکار کافران و مشرکان مکه بود .

و هم بذکر الرحمن هم ک_فرون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از «ذکر» قرآن کریم باشد، چنان که در موارد متعدد در قرآن_ از جمله آیه دوم همین سوره _ از قرآن به «ذکر» یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- در دیدگاه مشرکان مکه فرشتگان ، دختران خدا و همانند او در صفات

و إذا بشر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به این که «مثل» در آیه به معنای شبیه است، می توان گفت که مشرکان مکه معتقد به همسانی فرشتگان با خدا بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 3

3- ثروت و اشرافیت ، ملاک تمامی ارزش ها _ حتی ارزش های دینی _ در نگاه مشرکان مکه

لولا نزل هـ ذا القرآن . . . عظیم

مشرکان در مقام اعتراض به پیامبر(صلی الله علیه و آله) اظهار می داشتند: اگر وحی اصالت داشت، می بایست بر اشراف نازل می شد. از این نکته استفاده می شود که ملاک ارزش برای آنان، مال و مقام بوده است.

ص: 106

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 35 - 1

1- مرگ ، پایانی ابدی بر حیات انسان ، در بینش مشرکان مکه
إِنَّ هَؤُلَاءَ لَيَقُولُونَ . إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتْنَا الْأُولَىٰ وَ مَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 2 - 12

12 - « قال الرضا (ع) : لم يكن أحد عند مشركي أهل مكّة أعظم ذنباً من رسول الله (صلى الله عليه وآله) لأنّهم كانوا يعبدون من دون الله ثلاثمائة وستين صنماً ، فلمّا جاءهم (صلى الله عليه وآله) بالدعوة إلى كلمة الإخلاص ، كبر ذلك عليهم وعظم . . . فلمّا فتح الله عزّ وجلّ على نبيّه (صلى الله عليه وآله) مکه قال له يا محمّد : « إنا فتحنا لك [مکه] فتحاً مبيناً ليغفر لك الله ما تقدّم من ذنبك و ما تأخّر » عند مشركي أهل مکه ;

امام رضا(ع) فرمود: هیچ کس در نزد مشرکان عرب، گناهِش از گناه رسول خدا(صلى الله عليه وآله) بزرگ تر نبود؛ زیرا مشرکان 360 بت را می پرستیدند و چون پیامبر(صلى الله عليه وآله) آنان را به کلمه توحید و اخلاص دعوت کرد، در نظر آنان [گناه] بزرگ و عظیم بود . . . پس چون خدای عزّوجلّ، مکه را برای پیامبرش فتح کرد؛ به آن حضرت فرمود: ای محمد! ما مکه را با فتح آشکاری برای تو فتح کردیم، تا خدا گناهان گذشته و آینده تو در نزد مشرکان اهل مکه را بپوشاند».

134- پرسشهای اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 6

6 - یگانگی خداوند در تدبیر جهان ، محور پرسش های تردیدآمیز اهل مکّه در عصر بعثت *

عمّ يتساءلون

گرچه بخش عظیمی از آیات این سوره درباره حوادث قیامت است؛ ولی آیات آغازین آن _ که درباره قدرت خدا و حاکمیت خواست او بر جهان است _ می تواند قرینه باشد که مورد سؤال در «یتسائلون» وابستگی همه کارها به خداوند و بی نقش بودن بت ها در کار تدبیر جهان است.

135- پرسدوستی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- مشركان مكه ، جنس مذكر را بسى ارزشمندتر و با اهميت تر از زن مى دانستند .

أفأصفكم ربكم بالبنين واتخذ من المملئكه إنئاً

ص: 107

از اینکه از واژه «إناث» (زنان) به جای هر واژه دیگری مثل «بنات» (دختران) برای بیان مقصود استفاده شده است، می تواند به منظور اشاره به این واقعیت داشته باشد که مشرکان با ادعای مؤنث بودن ملائکه در صدد عیب جویی از خدا بودند و چنین امری، حکایت می کند که آنان، ذهنیت منفی در باره زن داشته اند.

136- پیشگویی ارتداد مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 15 - 2

2- اخبار خداوند از رفع محدود عذاب دنیوی مشرکان مکه و بازگشت دوباره آنان به کفر و شرک

إِنَّا كَاشَفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ

برداشت یادشده بر این اساس است که عذابی که در آیات پیشین از آن یاد شده، عذاب دنیوی باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: ما عذاب دنیوی را برای زمانی اندک برخواهیم داشت؛ یعنی، در دنیا که اصولاً مجالی اندک است عذاب را از شما برمی داریم؛ اما انتقام به قیامت موکول خواهد شد.

137- پیشگویی فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 7 - 4

4- اخبار ضمنی خداوند، از فتح مکه به دست مسلمانان *

عسى الله... موده

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این مودت، عملاً با فتح مکه تحقق یافت.

138- تأمین معاش مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 60 - 5

5- مسلمانان مکه، در صورت هجرت از مکه، نگران معاش خود بودند.

إِنَّ أَرْضِي وَسِعَهُ... وَكَأَيُّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَاتَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ

این که خداوند پس از توصیه به هجرت برای حفظ ارزش دینی، رازقیت خود را مطرح می کند و یادآوری می کند که خیلی از جنبنندگان، قادر به تأمین روزی خود نیستند، احتمال دارد درصدد دفع توهم و پرسشی باشد که مسلمانان، آن را در ذهن خود داشته اند. برداشت بالا براساس احتمال یاد شده است.

ص: 108

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 12، 1

1 - تبدیل زمین های اطراف کعبه به شهری دارای امنیت، درخواست ابراهیم (ع) از درگاه خداوند

و إذ قال إبرهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً

ظاهر آن است که مشارالیه «هَذَا» زمینهای اطراف کعبه باشد. بر این مبنا جمله «اجعل...» حاکی از دو درخواست است: 1_ شهر شدن زمینهای اطراف کعبه؛ 2_ برقرار بودن امنیت در آن شهر. قابل ذکر است که کلمه «بلد» به معنای سرزمین دارای حدود و مشخصات و نیز به معنای شهر است. برداشت فوق بر اساس دو مین احتمال می باشد.

12 - خداوند، دعای حضرت ابراهیم (ع) (شهر شدن سرزمین مکه و امنیت و رفاه مؤمنان آن) را مستجاب کرد.

رب اجعل... قال و من کفر فأمتهه قلیلا

ابراهیم، در دعای خویش اشاره به این داشت که: خداوند، کافران مکه را از روزیهای خویش محروم سازد. جمله «و من کفر فأمتهه» (ولی آن کس که کافر شود او را بهره ای اندک خواهم داد) پاسخ منفی خداوند به این تقاضای ابراهیم است. رد بخشی از یک درخواست، حکایت از اجابت دیگر درخواستها دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 92 - 11، 9

9_ قدمت عمران و آبادی شهر مکه

و لتندر أم القرى و من حولها

ظاهراً مقصود از «أم القرى» شهر مکه است. کاربرد این نام از جانب خداوند گواهی بر قدمت عمران و آبادانی و تشکیل جامعه و شهرنشینی در مکه است.

11_ شهر مکه، مرکز سرزمین حجاز در اوان ظهور اسلام

و لتندر أم القرى و من حولها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 133 - 13

13_ مردم مکه در صدر اسلام از نسلی غیر از ساکنان قبلی آن سرزمین بودند. *

كما أنشأكم من ذرية قوم ءاخريين

ظاهراً مخاطب «أنشأكم» مردم مکه بوده اند. زیرا مکه محل نزول این آیات بوده است. بنابراین مردم مکه و سرزمینهای مجاور آن از نسل مردمی غیر از ساکنان اصلی آن بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 7

7- مکه در عصر حضرت ابراهیم (ع) دارای بافت شهری بود .

ص: 109

و إذ قال إبراهيم رب اجعل هذا البلد آمناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 37 - 6

6- سرزمین مکه و محدوده اطراف خانه خدا ، محلی مناسب برای ابراز عقیده توحیدی و عبادت خدای یگانه

ربنا انی أسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرّم ربنا لیقیموا الصلوه

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) فرزندانش را از محل سابق، که سرزمین بت پرستان بود، به سرزمین مکه برد و هدف از هجرت را عبادت و نماز اعلام کرد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 41 - 5

5- شهر مکه ، قبل از هجرت برای مسلمانان ، شایسته و مناسب زندگی نبود

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئتهم فی الدنيا حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 112 - 14

14- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق _ چنان چه عده ای از مفسران گفته اند _ بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 6

6- مکه در آغاز بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، سرزمینی کم آب بود و مکیان نیازمند به منابع دائمی آب بودند .

تفجر لنا من الأرض ینوعاً

درخواست مشرکان مکه از پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای ایجاد چشمه ای جوشان، احتمال دارد به خاطر، نیاز شدید آنان به منابع آب

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 7، 4

4- اندیشه کفر و شرک، دارای سابقه طولانی در سرزمین مکه

عن ذکر ربّهم معرضون . أم لهم ءالهه ... بل متّعنا هـ_ؤلاء وءاباءهم حتّی طال علیهم

از این که خداوند، پدران و اجداد مردم مکه را جزء اعراض کنندگان از خدا و بهره مندان از متاع های دنیوی و عمری طولانی برشمرد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

7- سرزمین مکه از دیرباز، از نعمت های دنیوی برخوردار و از حوادث هلاکت بار و عذاب های الهی محفوظ بود .

بل متّعنا هـ_ؤلاء وءاباءهم حتّی طال علیهم العمر

این که خداوند مردم مکه و اجدادشان را از بهره های دنیوی به مدت طولانی، برخوردار کرد، حکایت از امنیت و مصونیت دیر پای

ص: 110

سرزمین مکه از حوادث هلاکت بار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 9

9 - حاکمیت اختناق شدید بر سرزمین مکه

الذین أُخرجوا من دى_رهم ... إلا أن يقولوا ربنا الله

از آن جایی که مشرکان مکه در برابر عقاید توحیدی مسلمانان، آنان را تبعید و اخراج کردند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 91 - 7

7 - حرمت سرزمین مکه، دارای دیرینه و وضع شده از سوی خداوند

ربّ هذه البلده الذی حرّمها

ماضی آمدن «حرّم» بیانگر دیر پا بودن حرمت مکه و انتساب آن (حرّم) به خداوند، بیانگر جعل آن از سوی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 46 - 9

9 - بی بهره بودن مردم سرزمین مکه از تعلیمات آسمانی، عامل عقب ماندگی آنان و فراگیر شدن غفلت و بی خبری در میان آنها

لتندر قومًا ما أتتهم من نذير من قبلك لعلهم يتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 59 - 11

11 - مکه، محور و مرکز عمده شهرها و قرای جزیره العرب در صدر اسلام

حتى يبعث في أمّهم رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 67 - 2

2 - امنیت مکه حتی پیش از ظهور اسلام ، برخاسته از خواست خدا بوده است .

أولم يروا أننا جعلنا حرماً آمناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 44 - 4,6

4 - مشرکان مکه ، پیش از قرآن ، از هیچ کتاب آسمانی برخوردار نبودند .

و ما آتینهم من كتب يدرسونها

6 - خداوند ، برای مشرکان مکه قبل از رسول گرامی اسلام ، پیامبری مبعوث نکرده بود .

و ما أرسلنا إليهم قبلك من نذير

ص: 111

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 8

8 - مکه و طائف ، دو شهر مهم جامعه عصر بعثت ، نزد عرب جاهلی

وقالوا... علی رجل من القریتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 3 - 3

3 - مکه در عصر بعثت ، شهری امن بوده و ساکنان آن ، باید همواره در امنیت باشند .

و_ذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ

توصیف مکه به «آمین»، یا به معنای «ذو الأمن» و یا به معنای مفعولی (مأمون فیه) است. این توصیف، علاوه بر بیان وجود امنیت در آن، نشانگر آن است که خداوند، خواهان تداوم یافتن امنیت آن در همه زمان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 1 - 4,7

4 - تسلط قریش بر مکه پیش از اسلام *

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

دفع مهاجمان به مکه، در صورتی امتنان بر قریش شمرده می شود که مکه در تصرف آنان باشد.

7 - نابودی اصحاب فیل ، مایه استحکام پیوند قریش با شهر مکه و باقی ماندنشان در آن *

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

آیه بعد یا تفسیر این آیه است که در نتیجه «ایلافهم» در آن بدل خواهد بود و یا ذکر خاص بعد از عام است که در نتیجه، این آیه به الفتی دیگر نیز علاوه بر الفت با کوچ های تابستانی و زمستانی، نظر خواهد داشت. ارتباط آیه شریفه با سوره قبل می تواند بیانگر آن باشد که استمرار پیوند قریش با مکه، مصداق برجسته ای برای عموم «ایلاف قریش» است.

140- تبعید از مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- تبعیدکنندگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) از شهر مکه ، مورد تهدید خداوند به هلاکت و نابودی

و کأین من قریه هی أشدّ قوّه من قریتک . . . أهلکنهم

با این که خروج پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از مکه و هجرت ایشان به سوی مدینه ظاهراً به انتخاب خود حضرت صورت گرفته بود؛ ولی شرایط سختی که مشرکان برای آن حضرت پدید آورده بودند، منتهی به تصمیم هجرت شد. از این رو خداوند خروج آن حضرت را به منزله تبعید شمرده و فعل را به صورت متعدی به همه مشرکان مکه نسبت داده است.

ص: 112

141- تبعید اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 11, 37

11_ در نظر خداوند ، بیرون راندن و آواره ساختن ساکنان مکه ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه اکبر . . . و اخراج اهله منه اکبر

37_ تبعید و بیرون راندن اهل مسجدالحرام (پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان) ، از سوی مشرکان مکه

و المسجد الحرام و اخراج اهله

142- تبلیغ علیه مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 12 - 5, 8

5- مسلمانان در مکه ، هم مورد آزار و اذیت جسمی بودند و هم در معرض تبلیغات منفی کافران قرار داشتند .

و من الناس من يقول ءامنا بالله فإذا أؤذى فی الله . . . وقال الذین کفروا... اتب

8- کافران مکه ، برای باز داشتن مسلمانان ، از ایمان شان به دروغ متوسل شدند .

وقال الذین کفروا للذین ءامنوا اتبعوا سبیلنا و لنحمل خطی_کم . . . إنهم لک ذبون

143- تبلیغ مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 7

7- فعالیت مسلمانان صدراسلام پیش از هجرت ، محدود به مسائل فرهنگی و تبلیغی

إلا أن يقولوا ربنا الله

144- تبلیغ مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

21_ اتهام بدعتگذاری و تجاوز به احکام دین الهی به اسلام و مسلمانان در تبلیغات مشرکان مکه

إن ربك هو أعلم بالمعتدين

کاربرد فعل تفضیل «أعلم» و تأکید و حصر آن با «إن» و ضمیر فصل «هو» در مواردی است که مدعیان و منکرانی در برابر

ص: 113

وجود داشته باشند. بدین معنی که چه بسا مشرکان، مسلمانان را به سبب پایبندی به احکام اسلام به بدعتگذاری متهم می ساختند.

145- تجارت در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 16

16 - بازار تجارت در مکه ، در تمام فصول سال رونق داشت .

یجبی إلیه ثمرت کلّ شیء

با توجه به آمدن فعل مضارع (یجبی) _ که بیانگر استمرار است _ برداشت یاد شده به دست می آید.

146- تجاهل مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 7 - 12

12- تجاهل مشرکان مکه ، نسبت به بشر بودن پیامبران گذشته

فس_لواهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

قید «إن کنتم لاتعلمون» اشاره به علم و آگاهی مشرکان دارد؛ زیرا اگر آنان واقعاً نمی دانستند، قید یاد شده (اگر نمی دانید) لغو و زاید می شد.

147- ترس کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 26 - 3

3 - وحشت کافران مکه ، از تأثیر شگفت قرآن و پیام وحی در شنوندگان

لاتسمعوا له_ذا القرآن و الغوا فیه

148- ترک احتجاج با کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به هنگام مواجهه با حق ناپذیری کافران مکه، مأمور به رها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد.

ص: 114

ذره‌م یا کَلُوا و یتَمَتُّوا

149- ترک مجادله با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 89 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور ترک مناظره و منازعه با مشرکان لجوج مکه و دعوت ایشان به مسالمت اجتماعی با مسلمانان

فاصفح عنهم و قل سلّم

با توجه به مفهوم «سلام» که به معنای مسالمت است، برداشت یاد شده استفاده می شود.

150- ترویج قصه های خرافی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 6 - 2

2- برخی از کافران عصر پیامبر ، به منظور دور ساختن مردم از هدایت قرآنی ، داستان های بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّٰه

درباره این که «مراد از «من الناس» در این آیه و نیز «خرید حدیث لهو» چیست؟»، مفسران گفته اند، بعضی از کافران مکه، به کشورهایمانند ایران مسافرت می کردند و کتاب های افسانه می خریدند و یا می آموختند و آنها را به مکه منتقل می کردند و به منظور مبارزه با قرآن، رواج می دادند. لازم به ذکر است که مراد از «سبیل اللّٰه» در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

151- تشبیه موقعیت فرهنگی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 13 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور تشبیه کردن وضعیت فرهنگی و دینی مردم مکه ، به وضعیت مردمی همانند آنان در طول تاریخ

و اضرب لهم مثلاً أصحاب القریه

«مَثَل» گاهی در معنای شبیه و مانند به کار می رود که در این صورت معنای آیه چنین خواهد بود: ای پیامبر! برای وضعیت مردم مکه، شبیه و مانندی از تاریخ (اصحاب قریه) بیاور. و گاهی به معنای خبر است؛ یعنی، ای پیامبر! برای مردم مکه خبر و داستان اصحاب قریه را

نقل کن تا مردم از این داستان عبرت گیرند. گفتنی است برداشت یاد شده براساس معنای نخست است.

ص: 115

152- تشریح انفاق در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 31 - 3

3- تشریح نماز و انفاق در مکه و پیش از هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا

برداشت فوق با توجه به مکی بودن سوره ابراهیم است.

153- تشریح نماز در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 31 - 3

3- تشریح نماز و انفاق در مکه و پیش از هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا

برداشت فوق با توجه به مکی بودن سوره ابراهیم است.

154- تعدد معبودان مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 2

2 - مشرکان مکه ، دارای معبودهایی متعدد

ءألھتنا خیر

155- تعصب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 11

156- تعصب مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 116

11 - انبیاء - 21 - 36 - 11

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 11

11- کافران و مشرکان مکه مردمی تنگ نظر، متعصب و ناتوان در تحمل افکار مخالفان بودند.

أهـ ذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَ هَمُّ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هَمٌّ كَفْرُونَ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که کافران مکه، حتی تحمل شنیدن نام خدای رحمان را نداشتند، و با پیامبر اسلام، همواره با تمسخر و استهزا برخورد می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 10، 9، 7

7 - نزول آرامش بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان از سوی خدا، در قبال تعصب و ورزی جاهلانه مشرکان در حدیبیه

فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

9 - تحمل تعصب های جاهلانه مشرکان در حدیبیه، امری دشوار برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

از نزول «آرامش» استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

10 - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه، بر نیامدن «بسمله» و عنوان «رسول الله» در متن صلحنامه حدیبیه*

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یاد شده بود.

157- تقویت عقیده مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 35 - 3

3- مشرکان مکه، درصدد تقویت پایگاه عقیدتی خویش با استناد به ریشه تاریخی داشتن آن

وقال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء نحن ولا آباؤنا

ذکر «و لا آباؤنا» در کلام مشرکان در حالی که بحثی از آنها در میان نبوده است، می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

158- تقیه مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 10

10- مؤمنان مکه قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی دشوار و ناگزیر از تقیه شدید

ص: 117

رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهن

آگاهی نداشتن مؤمنان مدینه از مؤمنان مکه، از آن جهت بوده است که مؤمنان مکه در آن محیط، قادر به ابراز ایمان نبوده و شدیداً تقیه می کردند.

159- تکبر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 47 - 2

2_ کفرپیشگان مکه با سرمستی و خودنمایی، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند.

و لا تکنونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا

160- تکذیبگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 18 - 5، 1

1 - کافران مکه، رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را تکذیب می کردند.

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتبعوا سبیلنا .. و ان تکذبوا فقد کذب

بنابراین که مخاطب آیه _ طبق سیاق _ کافران مکه باشند، نکته یاد شده، به دست می آید.

5 - هشدار خداوند، به کافران مکه، به جهت تکذیب کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ان تکذبوا فقد کذب أمم من قبلکم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که جواب شرط «ان تکذبوا» محذوف بوده و چیزی از قبیل «فاستعدوا للعذاب» باشد؛ یعنی، اگر

تکذیب می کنید، آماده عذاب باشید!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 19 - 3

3 - کافران مکه، منکر تحقق معاد بودند.

أولم یروا کیف یبدئ الله الخلق ثم یعیده

آیه بعد، قرینه است بر این که این آیه، در صدد اثبات تحقق معاد است. دعوت از کافران برای ژرف نگری در قدرت خدا، نشان از انکار معاد از سوی آنان دارد.

ص: 118

161- تکذیبگری مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 49 - 9

9- مشرکان مکه ، مردمی ستم پیشه و منکر آیات الهی بودند .

ما یجحد بأی_تنا إلا الک_فرون . . . و ما یجحد بأی_تنا إلا الظ_لمون

«ال» در «الظالمون» عهد بوده و اشاره به «الکافرون» در آیه چهل و هفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 45 - 1

1 - ملت های قبل از مشرکان مکه نیز ، پیامبران خود را تکذیب کردند .

و کذب الذین من قبلهم . . . فکذبوا رسلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 34 - 2، 1

1- موضع گیری انکار آمیز مشرکان صدر اسلام در برابر مسأله معاد

إنَّ هـِـؤَلاءِ لَیقولون

«إنَّ هـِـؤَلاءِ . . .» جمله مستأنفه و «هـِـؤَلاءِ» اشاره به مشرکان مکه است. گفته انکار آمیز آنان (مفعول «یقولون») در آیه بعد آمده است.

2- مشرکان مکه بر موضع انکار آمیز خود در باره معاد پافشاری کرده و بر آن اصرار میورزیدند .

إنَّ هـِـؤَلاءِ لَیقولون

به کارگیری فعل مضارع (یقولون) _ که مفید استمرار است _ بیانگر مطلب فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 8 - 2

2- مشرکان مکه ، معتقد به وجود خداوند و در تلاش برای انکار رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

أم يقولون افتري_ه

اتهام افترا و کذب به پیامبر(صلی الله علیه و آله) در زمینه آیات از سوی کافران، نمایانگر این حقیقت است که آنان، در بخشی از ادعاها و جوسازی های خویش، بر وجود خداوند صحه گذاشته بودند؛ لیکن رسالت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و آیات وحی را انکار می نمودند.

162- تلاش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 47 - 5,6

5_ کفرپیشگان مکه در عصر بعثت ، همواره در تلاش برای بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا

ص: 119

و یصدون عن سبیل اللّٰه

6 - خروج کافران مکه به سوی بدر ، در راستای تلاششان برای بازسازی مردم از راه خدا

و لا تكونوا کالذین خرجوا من دیرهم . . . و یصدون عن سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 12 - 3

3 - کافران مکه ، به هنگام دعوت از مسلمانان به بازگشت از اسلام ، به آنان اعلام کردند که در صورت مرتد شدن ، گناهان شان را برعهده خواهند گرفت .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا و لنحمل خطی_کم

امر «لنحمل» دلالت بر تعهد کافران در قبول گناه ارتداد مسلمانان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 13 - 2

2 - تلاش کافران مکه برای مرتد ساختن مسلمانان ، گناه سنگینی است .

و قال الذین کفروا . . . اتّبعوا سبیلنا . . . و لیحملنّ اّثقالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 26 - 6

6 - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . . . لعلکم تغلبون

163- تلاش مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 35 - 3

3- مشرکان مکه ، درصدد تقویت پایگاه عقیدتی خویش با استناد به ریشه تاریخی داشتن آن

وقال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء نحن ولا آباؤنا

ذکر «و لا آباؤنا» در کلام مشرکان در حالی که بحثی از آنها در میان نبوده است، می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

164- تناقض گویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 8 - 3

ص: 120

3 - تناقض گویی کافران مکه ، در انکار معاد و کیفر کردار

إنکم لفی قول مختلف

با توجه به این که آیات پیشین در مورد معاد و جزای کردار و آیات بعد در زمینه روز جزا است، ممکن است «قول مختلف» نظر به همین موضوع (معاد) داشته باشد.

165- تنفر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 41 - 5

5- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هـ ذالقرءان لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

166- توحید در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 37 - 6

6- سرزمین مکه و محدوده اطراف خانه خدا ، محلی مناسب برای ابراز عقیده توحیدی و عبادت خدای یگانه

ربّنا انی أسکنت من ذرّیتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرّم ربّنا لیقیموا الصلوه

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) فرزندان را از محل سابق، که سرزمین بت پرستان بود، به سرزمین مکه برد و هدف از هجرت را عبادت و نماز اعلام کرد، برداشت فوق به دست می آید.

167- توصیه به مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 58 - 8

8 - توصیه خداوند به مشرکان مکه بر عبرت گرفتن از سرنوشت جوامع هلاک شده پیشین

وقالوا ان تبع الهدی . . . و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

168- نوطنه اشراف مکه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

5 - انعام - 6 - 123 - 7

ص: 121

7_ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و کذلک جعلنا فی کل قریه

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر «مکه» است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

169- توطئه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 30 - 2,3

2_ توطئه گری های کافران مکه علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نجات وی از آن توطئه ها با برنامه های الهی ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یمکر بک الذین کفروا... و اللّٰه خیر المکرین

«إذ یمکر...» عطف بر «إذ أنتم قلیل...» در آیه 26 است.

3_ محبوس ساختن یا کشتن و یا تبعید پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از جمله توطئه های کافران مکه علیه آن حضرت

لیشتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون

جمله «و یمکرون» بیانگر این است که کافران علاوه بر تصمیم داشتن به قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله) و... برنامه های دیگری نیز علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به «از جمله» تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 2

2_ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و یمکرون... و إذ قالوا اللّٰهم... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا...) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا افتناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 19

19 - رهایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از توطئه کافران مکه و اعتلای کلمه الله، جلوه عزت (شکست ناپذیری) و حکمت خدا

فقد نصره الله إذ أخرجه . . . کلمه الله هی العليا و الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 2 - 16

16 - اتهام سحر و افسونگری، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ص: 122

170- توطئه مشركان مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 5 - 3,4

3_ مشركان مكه در عصر بعثت ، داراي جلسات مخفي براي توطئه چيني عليه اسلام و پيامبر (صلي الله عليه و آله)

ألا حين يستغشون ثيابهم يعلم مايسرون ومايعلنون

«استغشى ثيابه» يعني با جامه هایش خود را مخفی ساخت تا دیده نشود (لسان العرب) «حين» متعلق به «يعلم» است و لذا جمله «ألا حين يستغشون ثيابهم يعلم...» می رساند که مشركان در همان هنگامی که خود را مخفی و مستور می کردند مسایلی را مطرح می کردند برخی از آنها را پنهان می داشتند (ما یسرّون) و برخی را آشکار می نمودند (و ما یعلنون) این معنا گویای آن است که مراد از «یستغشون ثيابهم...» این است که مشركان براي توطئه عليه پيامبر جلسات مخفي تشكيل می دادند نه مجرد پنهان ساختن خویش.

4_ مشركان مكه ، داراي مواضع علني و آشكار عليه پيامبر (صلي الله عليه و آله) و توطئه های سرّی و محرمانه عليه آن حضرت

ألا حين يستغشون ثيابهم يعلم ما يسرون و ما يعلنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - زخرف - 43 - 79 - 6

6 - تهديد مشركان مكه از سوی خداوند ، در برابر توطئه چيني آنان عليه پيامبر (صلي الله عليه و آله)

أم أبرموا أمراً فإنا مبرمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - محمد - 47 - 13 - 3

3- همدلی مشركان مكه ، در خالی ساختن سرزمین مكه ، از وجود پيامبر (صلي الله عليه و آله) *

قریتك الّتی أخرجتك

نسبت دادن «إخراج» به قریه، می تواند از آن جهت باشد که همه مردم شهر و یا بیشتر آنان، بر اخراج پيامبر (صلي الله عليه و آله) مصمم و همدل بوده اند.

171- توطئه های پنهانی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 80 - 5

5 - توطئه های مخفیانه مشرکان مکه ، علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

ص: 123

أَمْ يَحْسِبُونَ أَنَّا لَنَسْمَعُ سُرْمَهُمْ وَنَجْوِيهِمْ

172- توقع نبوت اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 1

1 - توقع بی جای مشرکان مکه در لزوم انتخاب پیامبر ، از میان اشراف « مکه » و « طائف »

وقالوا لولا نزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم

عموم مفسران مراد از «قريتين» را مکه و طائف دانسته اند.

173- توقعات بیجای مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 1

1 - توقع بی جای مشرکان مکه در لزوم انتخاب پیامبر ، از میان اشراف « مکه » و « طائف »

وقالوا لولا نزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم

عموم مفسران مراد از «قريتين» را مکه و طائف دانسته اند.

174- تهدید کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 27

27- کافران مکه ، مورد تهدید خداوند به عذابی دردناک

لو تزيّلوا لعذبنا الذين كفروا منهم عذابًا أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 31 - 2

2 - تهدید کافران مکه از سوی خداوند ، به وقوع حوادثی ناگوار و مرگ آفرین برای ایشان در آینده

قل ترَبَّصُوا فَإِنِّي معكم من المترَبِّصين

ص: 124

175- تهدید مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 36 - 17

17- مشرکان مکه ، مورد تهدید خداوند به فرجامی شوم

وقال الذين أشركوا .. فسيروا في الأرض فانظروا كيف كان عِقبه المكذِّبين

بنابراین احتمال که مخاطبان امر «سیروا» مشرکان مکه اند استفاده می شود که دعوت از آنان برای سیر و سفر در زمین جهت مطالعه سرانجام تکذیب کنندگان انبیا پس از بازگویی دیدگاه آن مشرکان در باره خداوند، هشدار است به آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 58 - 11

11 - خداوند ، مشرکان بهانه جوی مکه را به عذاب استیصال تهدید کرد .

وقالوا إن تبع الهدى .. و كم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 59 - 12

12 - خداوند ، مشرکان مکه را به عذاب استیصال تهدید کرد .

و ما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث في أمها رسولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 45 - 7

7 - تهدید شدید مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر تن در ندادن به تعالیم پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و إذا تتلى عليهم آءِتنا بینت قالوا ما هذا إلا رجل .. و كذب الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 79 - 6

6- تهدید مشرکان مکه از سوی خداوند ، در برابر توطئه چینی آنان علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أم ابرموا أمرًا فإنا مبرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 10 - 3

3- تهدید مشرکان حق ستیز مکه ، از سوی خداوند به عذابی دنیوی و تیره کننده زندگی

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که «دخان مبین»، کنایه از تیره روزی و عذاب دنیوی باشد، چه این که برخی از مفسران این آیه را پاسخی به دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) دانسته اند که از خداوند خواست تا برای بیدار شدن مشرکان، آنان را به قحطی ای همچون دوران یوسف مبتلا کند.

ص: 125

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 13 - 1

1- تبعیدکنندگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) از شهر مکه، مورد تهدید خداوند به هلاکت و نابودی

و کائین من قریه هی أشدّ قوّه من قریتک . . . أهلکنهم

با این که خروج پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از مکه و هجرت ایشان به سوی مدینه ظاهراً به انتخاب خود حضرت صورت گرفته بود؛ ولی شرایط سختی که مشرکان برای آن حضرت پدید آورده بودند، منتهی به تصمیم هجرت شد. از این رو خداوند خروج آن حضرت را به منزله تبعید شمرده و فعل را به صورت متعدی به همه مشرکان مکه نسبت داده است.

176- نهمتهای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 2 - 16

16_ اتهام سحر و افسونگری، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قال الکفرون إن هذا لسحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 6 - 3

3- کافران مکه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود، فردی مجنون و دیوانه می دانستند.

وقالوا یاایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 15 - 5

5- کافران مکه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را متهم به سحر می کردند.

بل نحن قوم مسحورون

در آیه فوق، هر چند به «سحر کننده» تصریح نشده، ولی تناسب حکم و موضوع و نیز آیه های دیگری که به این موضوع تصریح کرده است، مقصود پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 38 - 5

5- کافران دین ستیز مکه ، پیامبراسلام و مؤمنان را در باره وعده های الهی دروغگو می پنداشتند .

و يقولون متی هـ ذا الوعد ان کنتم صـ دقین

ص: 126

177- نهمتهای مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 21

21_ اتهام بدعتگذاری و تجاوز به احکام دین الهی به اسلام و مسلمانان در تبلیغات مشرکان مکه

إن ربك هو أعلم بالمعتدين

کاربرد فعل تفضیل «أعلم» و تأکید و حصر آن با «إن» و ضمیر فصل «هو» در مواردی است که مدعیان و منکرانی در برابر وجود داشته باشند. بدین معنی که چه بسا مشرکان، مسلمانان را به سبب پابندی به احکام اسلام به بدعتگذاری متهم می ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 35 - 2

2_ مشرکان مکه، سرگذشت نوح و قوم او را، داستانی ساختگی و بافته پیامبر (صلی الله علیه و آله) می پنداشتند.

ولقد أرسلنا نوحًا . . . أم يقولون افتري_ه

برداشت فوق، براین اساس است که ضمیر مفعولی در «إفترأه» به داستان نوح(ع) و قوم او که در آیات پیشین آمده، باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 14 - 3, 2

2- اتهام مشرکان مکه به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، درباره الهی نبودن سخنان آن حضرت و دریافت و آموزش مطالب از دیگران

وقالوا معلّم

3- اتهام جنون به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی مشرکان مکه

ثم تولّوا عنه وقالوا معلّم مجنون

178- جبرگرایی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 35 - 17, 2, 1

1- مشرکان مکہ ، بت پرستی خود و پدرانشان را برخاسته از مشیت خداوند می دانستند .

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء نحن و لا ءاباؤنا

با توجه به مکی بودن سورهء نحل و نیز قرینه «کذلک فعل الذین من قبلهم» مراد از «الذین أشركوا» مشرکان مکة است.

2- مشرکان مکة ، جبری مسلک بوده و عمل خود را بر اساس مشیت خداوند می دانستند .

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء

ص: 127

17- مشرکان مکه، با اشاعه فکر جبرگرایی، در صدد اثبات عبث بودن بعثت انبیا بودند.

وقال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء... فهل على الرسل إلا

عبارت «فهل على الرسل إلا البلاغ المبين» پس از بیان اعتقادات مشرکان، می تواند جوابی برای آنان باشد؛ با این توضیح که مشرکان می خواستند با استناد ایمان و کفر به خداوند، بیان کنند که با چنین امری، جایی برای آمدن انبیا نیست و خداوند با «فهل على الرسل...» جواب آنان را می دهد که آمدن پیامبران، بیهوده نیست و برای ابلاغ پیام الهی است.

179- جلسات مخفی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 5 - 3

3_ مشرکان مکه در عصر بعثت، دارای جلسات مخفی برای توطئه چینی علیه اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ألا حين يستغشون ثيابهم يعلم مايسرون وما يعلنون

«استغشی ثیابه» یعنی با جامه هایش خود را مخفی ساخت تا دیده نشود (لسان العرب) «حين» متعلق به «يعلم» است و لذا جمله «ألا حين يستغشون ثيابهم يعلم...» می رساند که مشرکان در همان هنگامی که خود را مخفی و مستور می کردند مسایلی را مطرح می کردند برخی از آنها را پنهان می داشتند (ما یسرّون) و برخی را آشکار می نمودند (و ما یعلنون) این معنا گویای آن است که مراد از «يستغشون ثيابهم...» این است که مشرکان برای توطئه علیه پیامبر جلسات مخفی تشکیل می دادند نه مجرد پنهان ساختن خویش.

180- جنگ با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 7 - 6

6_ خداوند خواهان رویارویی مسلمانان با سپاه مسلح قریش و مشرکان مکه

تودون أن... و یرید الله أن یحق الحق بکلمته

از مقابله دو جمله «تودون...» و «یرید الله...» به دست می آید که اراده خداوند بر خلاف خواسته مسلمانان در انتخاب یکی از دو گروه (کاروان تجاری و سپاه مسلح مشرکان) بوده است.

181- جوسازی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - امیدواری کافران مکه ، به پیروزی خود بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از طریق ایجاد هیاهو و فضای ناآرام

ص: 128

وقال الذين كفروا لا تسمعوا... و الغوا فيه لعلكم تغلبون

182- جوسازی مشرکان مکة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 57 - 5

5- هوچی گری و تبلیغات منفی ، از ابزار های مقابله مشرکان مکة با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

و لَمَّا ضَرَبَ... إِذَا قَوْمٌ مِّنْهُ يَصِدُّونَ

183- جهاد با اهل مکة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 24 - 6

6- رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از «بطن مگه» سرزمین حدیبیه باشد؛ احتمال می رود که تعبیر «من بعد أن أظفر» بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

184- جهاد با مشرکان مکة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 191 - 3

3- مسلمانان صدر اسلام به نبرد با مشرکان مکة و بیرون راندن آنان از آن سرزمین موظف شدند .

و أخرجوهم من حیث أخرجوكم

مراد از «من حیث أخرجوكم» بنا به گفته مفسران، مکة است و به مجبور شدن مسلمانان به ترک مکة و هجرت به مدینه و حبشه اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 5 - 1

1_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای نبرد با مشرکان مکه از مدینه به سوی بدر حرکت کرد .

أخرجك ربك من بيتك بالحق

با توجه به آیات بعد معلوم می شود مراد از جمله «أخرجك . . .»، خروج پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای جنگ بدر بوده است.

ص: 129

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 7 - 8

8_ پیاده شدن حق و ریشه کن شدن بنیان کافران ، هدف از فرمان خداوند به نبرد با مشرکان مکه در بدر

و یرید الله أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

185- جهاد پس از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 21

21 - برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق گر قبل از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح وق_تل

186- جهاد قبل از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 21

21 - برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق گر قبل از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح وق_تل

187- جهل اکثریت اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 20

20 - بیشتر مردم مکه در عصر بعثت ، گرفتار جهل و ناآگاهی نسبت به تعلق اراده الهی بر تضمین امنیت آن مکان مقدس و تأمین روزی ساکنان آن بودند .

أولم نمکن لهم حرماً امنأ . . . ولکن اکثرهم لایعلمون

188- جهل اکثریت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 10

10- اکثر مشرکان مکه ، از قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها بی خبر بودند .

بلی وعدًا علیه حقًا ولکن اکثر الناس لایعلمون

برداشت فوق، بر اساس این نکته است که «ال» در «الناس» عهد ذکری بوده و مراد از آن مشرکانی باشند که در آیات قبل از آنها سخن به میان آمده است.

189- جهل کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 6 - 6

6 - جهل ، عامل رویکرد کافران مکه به خرید داستان های بی اساس بود .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث . . . بغیر علم

«بغیر علم» متعلق به فعل «یشتری» است.

190- حاطب ابن ابی بلتعہ و مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 1 - 13

13 - اقدام حاطب ابن ابی بلتعہ به ارتباط مخفیانه با مشرکان ، در آستانه آمادگی مسلمانان برای فتح مکه

لاتتخذوا . . . إن کنتم خرجتم جهـدا فی سبیلی

با توجه به شأن نزول آیه، عبارت «إن کنتم خرجتم جهـدا فی سبیلی» نظر به آمادگی مسلمانان برای فتح مکه دارد.

191- حاکمان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - تسلط قریش بر مکه پیش از اسلام *

لایل ف قریش

دفع مهاجمان به مکه، در صورتی امتنان بر قریش شمرده می شود که مکه در تصرف آنان باشد.

ص: 131

192- حس گرای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 7 - 4

4- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصدقين

درخواست کافران از پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش ، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر ، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

193- حس گرای مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 4

4- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

ولقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبی ... وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 10

10- اتکای مشرکان مکه در عقاید و جهان بینی خود ، تنها بر محسوسات و دریافت های حسی بود .

تأتی بالله و الملئكة قبلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 4,8

4- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

ولقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبی ... وقالوا لن نؤمن لك حتى ... یكون لك بیت من

8- اتکای مشرکان مکه به ملاک های مادی و حسی ، در شناخت معجزات و آیات الهی

حتى تفجر لنا .. حتى تنزل علينا كتبا نقرؤه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 50 - 2

2 - مشركان مكه ، نزول وحى را ، به عنوان آیه ای از جانب خدا قبول نکرده و خواستار معجزه حسنی شدند .

و كذلك أنزلنا إليك الكتاب ب... و ما يجحد بأى... وقالوا لولا أنزل عليه آى...

ص: 132

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 36 - 3

3- مشرکان مکه ، خواهان شهود حسی برای ایمان به حقایق غیبی

فأتوا بـِ ابائنا إن كنتم صـِدقین

با این که معاد اخروی از امور غیبی به حساب می آید، مشرکان با پیشنهاد زنده شدن پدرانشان، خواهان محسوس شدن آن بودند.

194- حسادت اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 103 - 6

6_ حسادت مردم مکه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ریشه های ایمان نیاوردن ایشان به آن حضرت *

و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق با توجه به توضیحی که در شماره قبل آورده شد معلوم می شود.

195- حق ستیزی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 26 - 6

6 - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

وقال الذین كفروا لاتسمعوا .. لعلکم تغلبون

196- حق ستیزی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 17 - 3

3- وجود نوعی مشابهت در عملکرد ، میان مشرکان مکه و فرعونیان در حق ستیزی و مقابله با رسول الهی

ولقد فتننا قبلهم قوم فرعون و جاءهم رسول کریم

تعبیر «قبلهم»، نوعی ارتباط و همگونی میان مشرکان مکه و فرعونیان را می‌رساند.

ص: 133

197- حق ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 7 - 2

2_ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. این هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 3 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به هنگام مواجهه با حق ناپذیری کافران مکه، مأمور به رها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد.

ذرهم یا کلوا و یتمتّعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 14 - 1

1- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند، ایمان نخواهند آورد.

کذلک نسلک فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم باباً من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 15 - 4، 2، 1

1- کافران هدایت ناپذیر مکه، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد.

و لو فتحنا علیهم باباً من السماء فظلّوا فیہ یعرجون . لقالوا إنما سکرّت أبصرنا

«سکر» در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

2- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظلموا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

4- کافران مکه برای گریز از پذیرفتن حقایق الهی ، آنها را اموری موهوم جلوه می دادند .

لقالوا إنما سكرت أبصرنا بل نحن قوم مسحورون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 41 - 5

5- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرفنا فی هـذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

ص: 134

198- حق ناپذیری مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 42 - 10

10 - مشرکان مکه ، پذیرای هیچ سخن حق و منطقی در جهت مخالفت با عقیده شان نبودند .

إن كاد ليضلننا عن ءالهننا . . . و سوف يعلمون حين يرون العذاب من أضلّ سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 49 - 10

10 - انکار قرآن از سوی مشرکان مکه ، از سر لجاجت و حق ناپذیری بود .

ما يجحد بأىِتنا إلا الكفرون . . . و ما يجحد بأىِتنا إلا الظلمون

«جحد» در لغت نفی چیزی است که دل آن را اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل نفی می کند. (مفردات راغب). «جحد» طبق معنای لغوی منطبق بر لجاجت است. گفتمی است: «ال» در «الظالمون» عهد بوده و اشاره به «الکافرون» در آیه چهل و هفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 45 - 7

7 - تهدید شدید مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر تن در ندادن به تعالیم پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و إذا تتلى عليهم ءایِتنا بینت قالوا ما هـذا إلا رجل . . . و كذب الذين من قبلهم

199- حق ناشنوبی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 44 - 4

4 - بیشتر مشرکان مکه ، مردمانی حق نشنو و نابخرد

إذا رأوك إن يتخذونك . . . أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است؛ چرا که بیشتر مشرکان آن شهر در نیمه نخست بعثت دارای چنین خصلتی بودند.

200- حقوق مسلمانان مکہ مکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 7

7- تمامی مسلمانان (مکی و آفاقی) ، نسبت به مسجدالحرام از حق مساوی برخوردارند .

ص: 135

الذی جعلنہ للناس سواء العـکف فیہ و الباد

«سواء» به معنای «مستوی» و حال برای «الناس» است. «عاکف» به معنای مقیم (منظور اهل مکه) است. «بادی» یعنی اهل بادیه و مقصود از آن مردمی است که بیرون مکه و در سرزمین های دیگر زندگی می کنند؛ یعنی، ما مسجدالحرام را برای همه انسان ها قرار دادیم و در بهره مندی از آن، مکی و آفاقی برابrand و کسی را بر دیگری امتیازی نیست.

201- حمایت از مسلمانان ناشناخته مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 21

21- تعلق مشیت الهی، به حمایت از مؤمنان ناشناخته مکه

لیدخل اللہ فی رحمته من یشاء

تعبیر «من یشاء»، ممکن است نظر به مردان و زنان مؤمنی داشته باشد که در جمله های پیشین آیه، از آنها یاد شد.

202- خانواده مهاجران به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 7 - 3

3 - رفع نگرانی از مؤمنان مدینه از سوی خداوند، نسبت به آینده بازماندگان ایشان در مکه

عسی اللہ . . . موّده

با توجه به این که شأن نزول آیات پیشین، حرکتی بود که از حاطب بن ابی بلتعہ - به انگیزه مصونیت دادن خانواده اش در مکه - صورت گرفته بود؛ خداوند پس از نفی شیوه وی، با این نوید به او و امثالش، نوعی اطمینان بخشیده است.

203- خدائشناسی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 35 - 7

7- مشرکان مکه، علی رغم عقیده به خدایان متعدد، اظهار عقیده به خداوند کرده و قضای او را در عالم نافذ می دانستند.

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 2

2- مشرکان مکہ ، معتقد به وجود خداوند بودند .

ص: 136

و أقسموا بالله جهد أيمانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 52 - 10

10 - اعتقاد مشرکان مکه به وجود خداوند

إن كان من عند الله

از ظاهر جمله شرطیه بر می آید که اصل وجود خداوند برای مشرکان، مسلم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 2

2 - مشرکان مکه ، با نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پیام توحیدی آن حضرت در ستیز بودند ، نه منکر وجود آفریدگار عزیز و دانای جهان .

ولئن سألتهم .. ليقولنّ خلقهنّ العزيز العليم

با توجه به آیات پیشین _ که نوعی خطاب و عتاب نسبت به منکران پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد _ برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 17 - 7

7 - مشرکان مکه ، خداوند را با نام «رحمان» می شناختند و یاد می کردند .

بما ضرب للرحمـن مثلاً

بنابراین که واژه «رحمان» در آیه شریفه، به خاطر بار معنایی آن نیامده باشد؛ بلکه صرفاً نقل قول ساده ای از کلام عرب جاهلی باشد که به جای «الله» _ یا هر صفت دیگر برای خداوند _ کلمه «رحمان» را به کار می بردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 87 - 1

1 - اعتقاد مشرکان مکه ، به خالقیت خداوند و توحید در آفرینش

و لئن سألتهم ليقولنَّ الله فأنى يؤفكون

از آیه شریفه استفاده می شود که شرک مشرکان، در ناحیه خالقیت خداوند نبوده است؛ بلکه آنان در ربوبیت، تدبیر، کارگشایی امور و وساطت برای تقرب به خدا، گرفتار شرک بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 8 - 2

2- مشرکان مکه ، معتقد به وجود خداوند و در تلاش برای انکار رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

أم یقولون افتری_ه

اتهام افترا و کذب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در زمینه آیات از سوی کافران، نمایانگر این حقیقت است که آنان، در بخشی از ادعاها و جوسازی های خویش، بر وجود خداوند صحه گذاشته بودند؛ لیکن رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات وحی را انکار می نمودند.

ص: 137

204- خطای مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 14 - 1

1 - خداوند مؤمنان مکه را به صبر در برابر حرکات ناشایست مشرکان و عفو از خطاکاری آنان فرمان داد .

قل للذین ءامنوا یغفروا للذین لایرجون اّیام اللّٰه

با توجه به این که این آیات در مکه نازل شده، به دست می آید که این فرمان در مقطع قبل از هجرت بوده است و منظور از «الذین لایرجون...» مشرکان اند.

205- خواسته کافران کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 5، 2، 1

1 _ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فرورستد .

و اذ قالوا .. فأمطر علینا حجاره

2 _ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و یمکرون .. و اذ قالوا اللّٰهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

5 _ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللّٰهم ان کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره

206- خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- کافران مکه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند .

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

«لو ما» مانند «هلا» و «لولا» برای تحضیض است.

3- کافران مکه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند .

ص: 138

لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصدقين

آوردن ملائکه توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) _ که مورد درخواست کفار بود _ احتمال دارد برای تصدیق نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 3,4

3- درخواست کافران مکه ، برای آوردن ملائکه توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، درخواستی نابه جا و باطل بود .

لو ما تأتينا بالملئكة . . . ما ننزل الملائكة إلا بالحق

جمله «ما ننزل الملائكة إلا بالحق» حصری و احترازی است و کنایه از این است که درخواست کفار نابه جاست.

4- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی کافران مکه ، بهانه ای بیش نبود .

لو ما تأتينا بالملئكة . . . ما ننزل الملائكة إلا بالحق

قید «إلا بالحق» می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه «إذا منظرین» نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نمی پذیرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 33 - 2

2- کافران حق ناپذیر مکه ، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسـ طر الأولین . . . هل ينظرون إلا أن تأتيهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت «تأتيهم الملائكة أو يأتي أمر ربك» (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) _ به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود _ بر آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

207- خواسته های مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 58 - 3

3_ مشرکان مکہ خواهان تحقق سریع عذاب موعود پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر خویش بودند.

قل لو أن عندی ما تستعجلون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 6

6_ مشرکان مکہ با وجود ایمان نیاوردن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) با معجزات ارائه شده، مجدداً خواهان معجزات دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند.

و أقسموا .. لئن جاءتهم آیه ... إذا جاءت لایؤمنون ... كما لم یؤمنوا به أول مره

ص: 139

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 1,2,4

1- ایجاد چشمه ای پر آب و جوشان در مکه توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای مشرکان ، پیش شرط آنان در ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعاً

2- ایجاد چشمه ای جوشان برای مشرکان مکه ، معجزه درخواستی (اقتراحی) آنان از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعاً

4- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

ولقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبى ... وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 91 - 3,4

3- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

ولقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبى ... وقالوا لن نؤمن لك حتى ... تكون لك جثّه من

نکته یاد شده با این احتمال در آیه قابل استفاده است که: آنان ایجاد باغی با صفات یاد شده را به وسیله معجزه درخواست کرده باشند.

4- ایجاد باغ بزرگ خرما و انگور با نهر های آب جاری ، معجزه درخواستی (اقتراحی) مشرکان مکه از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لن نؤمن لك حتى .. تكون لك جثّه من نخيل و عنب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 1,6,8

1- فرود آوردن قطعاتی از آسمان ، از معجزات اقتراحی و مورد درخواست مشرکان مکه از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو تسقط السماء .. علينا كسفاً

«كِسْفٌ» جمع «كَسَفٌ» به معنای قطعه است (لسان العرب).

6- مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو تأتي بالله و الملئكة قبلاً

«قبیلاً» به معنای «مقابله» (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

8- آوردن خداوند و ملائکه به صورت دسته دسته در نزد مشرکان مکه ، معجزه درخواستی (اقتراحی) آنان از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لن تؤمن لك حتى . . . أو تأتي بالله و الملئكة قبلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «قبیلاً» جمع «قبیله» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 1,4,5,10,15

1- ایجاد خانه ای از طلا برای خود ، معجزه مورد درخواست (معجزه اقتراحی) مشرکان مکه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو يكون لك بيت من زخرف

ص: 140

به قرینه سیاق آیات که در آنها معجزه های درخواستی مشرکان مطرح شده است مراد از «أویکون لک بیت من زخرف» ایجاد خانه ای طلایی از طریق معجزه است.

4- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من کلّ مثل فأبی ... وقالوا لن نؤمن لک حتی ... یکون لک بیت من

5- صعود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آسمان و آوردن دستخطی قابل خواندن و گواه بر صعود واقعی خویش ، معجزه درخواستی مشرکان مکه از آن حضرت

أو ترقی فی السّماء و لن نؤمن لرقیبک حتی تنزل علینا کتباً نقرؤه

10- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پاسخ گویی به معجزه های درخواستی بیجای مشرکان مکه و تنزیه خداوند از برآوردن چنین خواسته هایی

وقالوا لن نؤمن لک حتی تفجر لنا .. قل سبحان ربّی

15- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به اعلام محدوده مسؤولیت خویش و بیان ناتوانی خود از ارائه معجزات درخواستی مشرکان

قالوا .. قل ... هل کنت إلاّ بشراً رسولاً

پاسخ «هل کنت ..» در قبال درخواستهای مشرکان، می تواند گویای این معنا باشد که: درخواستهای آنان، ربطی به رسالت و مسؤولیتهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) نداشته و یا در توان او نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 50 - 1, 2

1 - مشرکان مکه ، خواستار تحقق معجزاتی چند به دست پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بودند .

وقالوا لولا أنزل علیه آیت من ربّه

2 - مشرکان مکه ، نزول وحی را ، به عنوان آیه ای از جانب خدا قبول نکرده و خواستار معجزه حسی شدند .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب .. و ما یجحد بأیّتنا ... وقالوا لولا أنزل علیه آیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 36 - 1, 3

1- مشرکان برای پذیرش درستی معاد ، زنده شدن نیاکانشان را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار شدند .

فَاتُوا بـِ اِبَائِنَا اِنْ كُنْتُمْ صـِدْقِيْنَ

3- مشرکان مکه ، خواهان شهود حسی برای ایمان به حقایق غیبی

فَاتُوا بـِ اِبَائِنَا اِنْ كُنْتُمْ صـِدْقِيْنَ

با این که معاد اخروی از امور غیبی به حساب می آید، مشرکان با پیشنهاد زنده شدن پدرانشان، خواهان محسوس شدن آن بودند.

208- خویشاوندی اهل مکه و ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 10

ص: 141

ملهً اَبِیْکُمْ اِبْرَهِیْم

مخاطب ضمیر «کم» در «اَبِیْکُمْ»، می تواند عموم مسلمانان و یا خصوص مردم مکه باشد. برداشت فوق بر پایه احتمال دوم است.

209- درب خانه های مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 16

16 - «عن علی (ع) ان رسول الله صلی الله علیه و آله نهی اهل مکه ان یؤاجروا دورهم ، و ان یعلقوا علیها ابواباً ، و قال : «سواء العاکف فیه و الباد» ؛

از حضرت علی(ع) روایت شده است که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) اهل مکه را از اجاره دادن خانه ها و گذاشتن درب برای آنها نهی کرد و فرمود: «سواء العاکف فیه و الباد».

210- درخواست امنیت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 5، 3، 2

2- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند درخواست امنیت برای سرزمین مکه کرد .

و اذ قال ابرهیم ربّ اجعل هـذا البلد آمناً

3- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند ، وضع قوانین برای تأمین امنیت و حفظ حرمت مکه را خواستار گردید .

و اذ قال ابرهیم ربّ اجعل هـذا البلد آمناً

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از «اجعل»، جعل تشریحی باشد، چنان که دستورهای متعددی در همین باره در اسلام تشریح شد.

5- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند درخواست امنیت و مصونیت سرزمین مکه از نفوذ و رخنه آیین شرک و بت پرستی کرد . *

و اذ قال ابرهیم ربّ اجعل هـذا البلد آمناً

درخواست حضرت ابراهیم(ع) برای مصونیت خود و خاندانش از گرایش به شرک، می تواند قرینه ای باشد بر اینکه مقصود از امنیت مکه،

مصونیت آن از شرّ نفوذ آیین شرک و بت پرستی است.

211- درخواست رونق اقتصادی مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 37 - 15

ص: 142

15- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار رونق اقتصادی شهر مکه با جلب توجه مردم دنیا به آن شهر شد .

فاجعل أفئدة من الناس تهوى إليهم وارزقهم من الثمرت

212- درخواست علاقه مردم به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 37 - 15

15- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار رونق اقتصادی شهر مکه با جلب توجه مردم دنیا به آن شهر شد .

فاجعل أفئدة من الناس تهوى إليهم وارزقهم من الثمرت

213- درخواست نعمت برای اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 37 - 14

14- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار بهبود وضعیت معیشتی و برخورداری از انواع نعمت ها و محصولات برای فرزندانش و ساکنان مکه شد .

وارزقهم من الثمرت

با توجه به اینکه حضرت ابراهیم(ع) فرزندانش را در سرزمین بی کشت و زرع اسکان داد، مقصود از «ثمرات» می تواند انواع نعمتها و محصولات مادی و خوراکی باشد.

214- دروغگویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 12 - 11، 9، 8

8- کافران مکه ، برای باز داشتن مسلمانان ، از ایمان شان به دروغ متوسل شدند .

وقال الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا و لنحمل خطيكم .. إنهم لك ذبون

9- کافران مکه ، مردمی دروغگو بودند .

وقال الذين كفروا .. إنهم لك ذبون

11 - برعهده گرفتن خطا و گناه ارتداد مسلمانان ، از سوی کافران مکه ، ادعایی دروغ و خالی از واقعیت بود .

وقال الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا و لنحمل خطيكم .. إنهم لك ذبون

ص: 143

215- دروغجویی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 112 - 21

21_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به مبارزه منفی با مشرکان مکه از راه بی اعتنایی به شبهات و دروغپردازیهای آنان است.

و لو شاء ربك ما فعلوه فذرهم و ما یفترون

رها کردن مشرکان و اعتنا نکردن به گفته های آنان نوعی مبارزه منفی است که خداوند پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به آن فرمان می دهد.

216- دشمنی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 2

2- تن دادن مکیان به صلح ، با همه کفر و عناد خویش نسبت به مؤمنان ، نمودی از اراده و تدبیر نافذ خداوند

و هو الذی کفّ . . . هم الذین کفروا

علی رغم کفر و ستیز مشرکان با اسلام، به تدبیر الهی زمینه ای پدید آمد که آنان به صلح تن دادند و شرشان از سر مسلمانان دفع گردید.

217- دشمنی با مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 14 - 4

4 - مسلمانان در مکه ، مواجه با حرکت های ایدایی و خصمانه مشرکان و در اندیشه مقابله با آنان

قل للذین ءامنوا یغفروا للذین لا یرجون اّیام اللّٰه

فرمان الهی به غفران و چشم پوشی، از دو واقعیت تاریخی خبر می دهد: 1_ حرکت های ایدایی مشرکان مکه؛ 2_ راه یافتن اندیشه انتقام و مقابله به مثل در ذهن مؤمنان.

218- دشمنی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتاباً .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 4

4_ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حقانیت قرآن

فَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 28 - 9

9 - انکار و برخورد عنادآمیز با قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شیوه مستمر کافران مکه

كانوا بأى-تنا يجحدون

فعل «كان» هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می کند.

219- دشمنی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 13 - 2

2_ مخالفت و دشمنی مشرکان مکه با خدا و رسول او مایه فرمان الهی به سرکوبی و نابودی آنان

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 35 - 17

17- مشرکان مکه ، با اشاعه فکر جبرگرایی ، درصدد اثبات عبث بودن بعثت انبیا بودند .

وقال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء... فهل على الرسل إلا

عبارت «فهل على الرسل إلا البلاغ المبين» پس از بیان اعتقادات مشرکان، می تواند جوابی برای آنان باشد؛ با این توضیح که مشرکان می خواستند با استناد ایمان و کفر به خداوند، بیان کنند که با چنین امری، جایی برای آمدن انبیا نیست و خداوند با «فهل على الرسل...» جواب آنان را می دهد که آمدن پیامبران، بیهوده نیست و برای ابلاغ پیام الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 44 - 2

2 - مشرکان مکہ ، مردمی عناد پیشه و بهانه جو بودند .

و لو جعلنہ قرءاناً أعجمیاً لقالوا لولا فصلت آءِیَـتہ ءأعجمیّ و عربیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 2

ص: 145

2 - مشرکان مکه ، با نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پیام توحیدی آن حضرت در ستیز بودند ، نه منکر وجود آفریدگار عزیز و دانای جهان .

و لئن سألتهم .. ليقولنّ خلقهنّ العزيز العليم

با توجه به آیات پیشین _ که نوعی خطاب و عتاب نسبت به منکران پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد _ برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 8

8 - مشرکان مکه ، مردمانی ستیزه جو و بی منطق

بل هم قوم خصمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 2 - 1

1 - اقدام مشرکان مکه به کینه توزی و آزار مسلمانان ، در صورت دست یافتن بر ایشان

إن یتفقوکم یكونوا لکم اعداء و یبسطوا الیکم ایدیهم و ألسنتهم بالسوء

«تقف» (مصدر «یتفقون») به معنای رسیدن به چیزی و دست یافتن به آن است.

220- دعای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 3

3 _ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا لیعذبهم الله .. و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «ما کان صلاته...» عطف بر «و هم یصدون ...» باشد.

221- دعای مستضعفان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18_ استجابت دعای مستضعفان مگه ، با صدور فرمان جهاد از سوی خدا برای رهایی آنان

و ما لکم لا تقاتلون .. الذین یقولون ربنا اخرجنا

ص: 146

222- دعوت از اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 46 - 6

6- دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مردم مکه برای اندیشیدن درباره جنون نسبت داده شده به آن حضرت

ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ حِجَّةٍ

مراد از «صاحب»، به قرینه «هو» در عبارت بعدی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

223- دعوت از مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 43 - 10

10- دعوت خداوند از مشرکان مکه برای تفحص و تحقیق از عالمان، جهت به دست آوردن حقانیت وحی به انسان

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً .. فسئلوا أهل الذكر إن كنتم لاتعلمون

مخاطب فعل «فَسئلُوا» به قرینه آیات قبل _ که درباره مشرکان بود _ می تواند مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 7 - 8

8- دعوت خداوند از مشرکان مکه، مبنی بر پرسش از آگاهان در زمینه بشر بودن پیامبران پیشین

فسئلوا أهل الذكر إن كنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 89 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور ترک مناظره و منازعه با مشرکان لجوج مکه و دعوت ایشان به مسالمت اجتماعی با مسلمانان

فاصفح عنهم و قل سلّم

با توجه به مفهوم «سلام» که به معنای مسالمت است، برداشت یاد شده استفاده می شود.

224- دعوت به مسافرت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 4

4- دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مؤمنان، برای شرکت در سفر مکه (قبل از صلح حدیبیه)

سیقول لك المخلفون من الأعراب

از واژه «مخلفون» و عذر تراشی های آنان، استفاده می شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای این سفر، دعوت همگانی کرده است.

ص: 147

225- دلایل کفر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 94 - 3

3- تنها دستاویز مشرکان مکه برای ایمان نیاوردن به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، بشر بودن آن حضرت بود.

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

226- دنیا طلبی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 29 - 1

1_ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

وقالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 3

3- مشرکان مکه، از مفاهیم عالی قرآن غافل بوده و به زخارف دنیا چشم دوخته بودند.

و لقد صرّفنا فی هـذا القرآن من کلّ مثل فأبی . . . وقالوا لن نؤمن لک حتی . . . أو

227- دوستی اهل مدینه و اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 7 - 1

1 - امیدبخشی خداوند به مؤمنان مدینه، درباره اصلاح روابط آنان و اهل مکه

عسی الله أن يجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودّه

228- دوستی با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - اقدام برخی از مهاجران ، به برقراری رابطه سری و دوستانه با مشرکان مکه

ص: 148

تَسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَّةِ

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، مطلب بالا استفاده می شود.

229- دین اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 96 - 2

2- آیین شرک و عقیده به وجود خدایی جز الله، دین غالب و آیین مردم مکه بود.

و أَعْرَضَ عَنِ الْمُشْرِكِينَ... الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

بود.

230- ذلت دنیوی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 10 - 2

2- پیشگویی خداوند، از حقارت و ذلت سران مشرک مکه در دنیا *

لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ . مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ

برداشت بالا بدان احتمال است که تعبیر «لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» ناظر به دنیا و «مِنْ وَرَائِهِمْ...» ناظر به آخرت باشد.

231- رحمت بر مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 20

20- مصونیت مؤمنان مکه و بهره مندی آنان از رحمت الهی، از اهداف برقراری صلح حدیبیه

لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ

از ارتباط جمله «لِيَدْخُلَ...» با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا «لِيَدْخُلَ...» غایت برای جواب محذوف است؛ یعنی، ما بدین

سبب اجازه جنگ ندادیم تا مؤمنان مکه آسیب نبینند و از رحمت الهی بهره مند گردند.

232- رد ادعای مشرکان مکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 8

ص: 149

8- رد شدن ادعای مشرکان مکه (ربنده شدن آنان در صورت گرویدن به آیین پیامبر (صلی الله علیه و آله)) از سوی خداوند

وقالوا .. نتخطف من أرضنا أولم نمکن لهم حرماً آمناً

233- رفاه اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 3، 12

3- رونق اقتصادی شهر مکه و بهره مند شدن شهروندان مؤمن آن از انواع ثمرات و میوه ها ، دعای ابراهیم (ع) به درگاه خداوند

و ارزق أهله من الثمرت من آمن منهم

12 - خداوند ، دعای حضرت ابراهیم (ع) (شهر شدن سرزمین مکه و امنیت و رفاه مؤمنان آن) را مستجاب کرد .

رب اجعل .. قال و من كفر فأمته قليلاً

ابراهیم، در دعای خویش اشاره به این داشت که: خداوند، کافران مکه را از روزیهای خویش محروم سازد. جمله «و من كفر فأمته» (ولی آن کس که کافر شود او را بهره ای اندک خواهم داد) پاسخ منفی خداوند به این تقاضای ابراهیم است. رد بخشی از یک درخواست، حکایت از اجابت دیگر درخواستها دارد.

234- رفتار ناپسند کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 48 - 2

2_ شیطان رفتارهای ناشایست کافران مکه را در نظرشان زیبا جلوه داد .

و إذ زين لهم الشيطان أعمالهم

235- رفع عذاب دنیوی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 15 - 2

2- اخبار خداوند از رفع محدود عذاب دنیوی مشرکان مکه و بازگشت دوباره آنان به کفر و شرک

إنا كاشفوا العذاب قليلاً إنكم عائدون

برداشت یادشده بر این اساس است که عذابی که در آیات پیشین از آن یاد شده، عذاب دنیوی باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: ما عذاب دنیوی را برای زمانی اندک برخواهیم داشت؛ یعنی، در دنیا که اصولاً مجالی اندک است عذاب را از شما برمی داریم؛ اما انتقام به قیامت موکول خواهد شد.

ص: 150

236- روش برخورد اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 53 - 5

5_ اشراف مکه در صدر اسلام مؤمنان تهیدست را تحقیر می کردند.

أهؤلاء من الله عليهم من بيننا

237- روش برخورد کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 5 - 8

8_ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مفاد جمله «کانوا به یستهزءون» ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 54 - 1

1_ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی همسان با روش فرعونیان و کافران پیش از آنها

كذاب ءال فرعون و الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 6 - 3 - 1

1- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

وقالوا یاایها الذی نزل علیه الذکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

3- کافران مکه ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

وقالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 41 - 9

ص: 151

9- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن، اساس علمی و عقلانی نداشت؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی _ روانی آنان بود.

و لقد صرّفنا فی هـ ذالقرءان لیذکروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی _ نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 5، 2، 1

1- کافران و مشرکان مکه، به هنگام رو به رو شدن با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آن حضرت را مورد تمسخر و استهزا قرار می دادند.

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتّخذونک إلهزواً

2- تمسخر و استهزا، تنها شیوه برخورد مشرکان و کافران مکه با شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتّخذونک إلهزواً

حرف نفی «إن» و حرف استثنا «إلا» پس از آن _ که بر قصر دلالت می کند _ و نیز آمدن «هزواً» به صورت مصدر، همگی بیانگر استمرار و شدت در کار استهزا و تمسخر است.

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مورد تحقیر مداوم کافران مکه قرار می گرفت.

و إذا رءاک .. أه ذالذی یذکرءالهتکم

همزه استفهامیه در «أه ذا..» برای تعجب است و اسم اشاره «ه ذا» _ به قرینه استهزا _ در تحقیر استعمال گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 60 - 11، 10

10 - کافران مکه، درصدد تحقیر و خوار ساختن پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند.

و لایستخفّنک الذین لایوقنون

دعوت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صبر در برابر کافران و نیز توصیه به مراقبت از خود که مبدا کافران آن حضرت را خفیف و خوار کنند، می تواند بازگو کننده وضعیّت رفتاری کافران درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

11 - کافران مکه، درصدد بودند تا با تبلیغات خود، در مواضع عقیدتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) سستی ایجاد کنند.

إن أنتم إلا مبطلون. .. ولا يستخفّنك الذين لا يوقنون

برخی بر این عقیده اند که معنای «لا يستخفّنك»، «لاینفز عن دینک» (بیرون نبرند تو را از دین ات) است (لسان العرب). «و لا يستخفّنك الذين لا يوقنون» می تواند بیان نوع اثری باشد که مشرکان، با «إن أنتم إلا مبطلون» در صدد ایجاد آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 28 - 9

9 - انکار و برخورد عنادآمیز با قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شیوه مستمر کافران مکه

کانوا بأی_تنا یجحدون

فعل «کان» هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 152

1- تلاش کافران مکه ، برای تحقیر مؤمنان و بی اهمیت جلوه دادن ایمان آنان

وقال الذین کفروا للذین ءامنوا لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

238- روش برخورد مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 119 - 21

21_ اتهام بدعتگذاری و تجاوز به احکام دین الهی به اسلام و مسلمانان در تبلیغات مشرکان مکه

إن ربک هو أعلم بالمعتدین

کاربرد فعل تفضیل «أعلم» و تأکید و حصر آن با «إن» و ضمیر فصل «هو» در مواردی است که مدعیان و منکرانی در برابر وجود داشته باشند. بدین معنی که چه بسا مشرکان، مسلمانان را به سبب پابندی به احکام اسلام به بدعتگذاری متهم می ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 41 - 9

9- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی _ روانی آنان بود .

و لقد صرفنا فی هـ ذالقرءان لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی _ نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 101 - 6

6- موضع گیری مشرکان مکه در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، استمرار موضع گیری فرعون در برابر موسی (ع) بود .

وقالوا لن نؤمن لک .. و لقد ءاتینا موسی ... فقال له فرعون إنی لأظنک ی-موسی مس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- کافران و مشرکان مکه ، به هنگام رو به رو شدن با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، آن حضرت را مورد تمسخر و استهزا قرار می دادند .

وإذا رءاك الذين كفروا إن يتخذونك إلهزواً

2- تمسخر و استهزا ، تنها شیوه برخورد مشرکان و کافران مکه با شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

وإذا رءاك الذين كفروا إن يتخذونك إلهزواً

حرف نفی «إن» و حرف استثنا «إلا» پس از آن _ که بر قصر دلالت می کند _ و نیز آمدن «هزواً» به صورت مصدر، همگی بیانگر استمرار و شدت در کار استهزا و تمسخر است.

ص: 153

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 30 - 5

5- اقدام مشرکان مکه به جنگ تبلیغاتی علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به دلیل ناتوانی از مقابله منطقی با آن حضرت

و لَمَّا جَاءَهُم الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ

239- روش مبارزه مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 57 - 5

5- هوجی گری و تبلیغات منفی، از ابزارهای مقابله مشرکان مکه با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

و لَمَّا ضُرِبَ .. إِذَا قَوْمٌ مِنْهُ يَصِدُّونَ

240- رونق اقتصادی مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 3،7

3- رونق اقتصادی شهر مکه و بهره مند شدن شهروندان مؤمن آن از انواع ثمرات و میوه ها، دعای ابراهیم (ع) به درگاه خداوند

و اَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مِنْ أَمْنٍ مِنْهُمْ

7- امنیت و فراوانی نعمت در شهر مکه، اموری کارساز در تحقق اهداف ابراهیم (ع)

إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا .. إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا و اَرْزُقْ أَهْلَهُ

مطرح شدن امامت ابراهیم (ع) و مسؤولیت او برای تطهیر کعبه و آماده سازی آن برای پرستش خدا، و سپس نقل دعای آن حضرت

(درخواست امنیت شهر مکه و رونق اقتصادی آن)، بیانگر برداشت فوق است.

241- زمینه آمزش اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 7 - 10

10 - رحمت و غفران گسترده الهی ، پشتوانه بخشایش گناه اهل مکه و پیدایش مودت میان آنان و مؤمنان

عسى الله أن يجعل بينكم . . . والله غفور رحيم

از ارتباط میان «والله غفور رحيم» با صدر آیه _ که نوید به اصلاح روابط مؤمنان مدینه و مکیان ستیزه جو را دربردارد _ استفاده می شود که آن عداوت ها، پایان خواهد یافت و معاندان به سوی توبه روی خواهند آورد و رحمت و غفران گسترده الهی آنان را

ص: 154

دربرخواهد گرفت و در پرتو این رحمت و آمرزش، مودّت حاصل خواهد شد.

242- زمینه اسلام مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 13

13 - بهره گیری از عواطف خویشاوندی برای ترغیب مشرکان مکه به گرویدن به اسلام

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج ملّه أبیکم إبرهیم

243- زمینه شرک اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 6

6 - درونمایه های فرهنگ طبقاتی و مادی مردم مکه، زمینه ساز گرایش آنان به کفر و شرک

وإنا به ک_فرون . و قالوا لولا نزلَ ه_ذا القرآن

با توجه به این که آیه شریفه پس از بیان کفر مشرکان (إنا به کافرون) روحیه مادی گرایانه آنان را بازگو می کند، تأثیر این بینش در انحراف و کفر استفاده می شود.

244- زمینه عجله کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 38 - 6

6- خوی شتاب زدگی آدمی، زمینه ساز درخواست کافران مکه برای تحقق وعده های الهی (عذاب، برپایی قیامت و . . .)

خلق الإنس_ن من عجل . . . یقولون متی ه_ذا الوعد إن کنتم ص_دقین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «و یقولون متی . . .» عطف بر جمله «سأوریکم . . .» باشد و این دو جمله، با جمله «خلق الإنسان من عجل» _ که بیان گر خصلت عمومی انسان ها است _ مرتبط باشند.

245- زمینه عذاب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- در صورت تحقق خواسته کافران مکه، مبنی بر نزول ملائکه، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند.

ص: 155

ما ننزل الملائكة إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرين

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند، برایشان عذاب به ارمغان خواهند آورد؛ عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد گذاشت.

246- زمینه کفر اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 6

6 - درونمایه های فرهنگ طبقاتی و مادی مردم مکه ، زمینه ساز گرایش آنان به کفر و شرک

وإنا به ک_فرون . و قالوا لولا نزل ه_ذا القرآن

با توجه به این که آیه شریفه پس از بیان کفر مشرکان (اِثًا به کافرون) روحیه مادی گرایانه آنان را بازگو می کند، تأثیر این بینش در انحراف و کفر استفاده می شود.

247- زمینه محبت اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 7 - 10

10 - رحمت و غفران گسترده الهی ، پشتوانه بخشایش گناه اهل مکه و پیدایش مودّت میان آنان و مؤمنان

عسی الله أن يجعل بینکم . . . و الله غفور رحیم

از ارتباط میان «والله غفور رحیم» با صدر آیه _ که نوید به اصلاح روابط مؤمنان مدینه و مکیان ستیزه جو را دربردارد _ استفاده می شود که آن عداوت ها، پایان خواهد یافت و معاندان به سوی توبه روی خواهند آورد و رحمت و غفران گسترده الهی آنان را دربر خواهد گرفت و در پرتو این رحمت و آمرزش، مودّت حاصل خواهد شد.

248- زمینه مسافرت محمد(صلی الله علیه و آله) به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 27 - 3

3- نقش مهم رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود؛ از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

249- زمینه هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 5

5- در صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه ، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت .

ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ و ما کانوا إذا منظرین

انظار مصدر «منظر» به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 8

250- زنان مؤمن مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 8,9

8- وجود زنان و مردانی مؤمن _ اما ناشناخته _ در میان کافران مکه ، قبل از حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهم

9- بی اطلاعی مهاجران و انصار ، از وجود مردان و زنانی مؤمن در میان مکیان ؛ قبل از صلح حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهم

251- زیان به مسلمانان ناشناخته مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 14

14- آسیب دیدن مؤمنان ناشناخته شهر مکه ، در صورت وقوع جنگ میان مسلمانان و مکیان در حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون . . . آن تطوهم

252- سختیهای اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 11 - 1

ص: 157

1- تهدید شدن کافران سست اندیش و بیهوده گرا، به فرجامی سخت و جانکاه

فارتقب یوم تأتي السماء بدخان مبين

تعبیر «بدخان مبين»، می تواند حکایت از عذاب دنیوی و نیز سختی های صحنه قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 11 - 1

1- پیشگویی خداوند، از درد و رنج فراگیر مردم مکه هنگام گرفتاری آنان به عذاب الهی در دنیا

یغشی الناس هـ ذا عذاب أليم

چنانچه این آیات در مورد عذاب دنیوی باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

253- سرزنش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 19 - 1

1 - کافران مکه، از سوی خداوند، به خاطر ژرف نگری نکردن درباره توانایی خدا بر خلق موجودات، سرزنش شده اند.

أولم یروا کیف یبدئ الله الخلق

همزه «أولم یروا» استفهام توییحی است.

254- سرزنش مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 60 - 13

13 - توییح مشرکان مکه از سوی خداوند، به خاطر انحراف آنان از حق و نادیده گرفتن دلایل روشن توحید

أمن خلق السموت .. أله مع الله بل هم قوم یعدلون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان نخستین آیه، مشرکان مکه بوده اند. گفتنی است که واژه «عدول» (مصدر

«یعدلون») به معنای میل و انحراف است؛ یعنی، «بل هم قوم عادتهم العدول عن طریق الحق و الإنحراف عنها».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 67 - 10، 5

5 - مشرکان مکہ ، به خاطر ایمان به باطل ، از سوی خداوند سرزنش شدند .

أولم يروا أننا جعلنا حرمًا آمنًا .. أقبال_طل يؤمنون

10 - مشرکان مکہ ، به خاطر ناسپاسی نعمت های الهی ، از سوی خداوند سرزنش شدند .

أولم يروا أننا جعلنا حرمًا آمنًا .. أقبال_طل يؤمنون و بنعمه الله يكفرون

ص: 158

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 14 - 1

1- توبیخ مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر روی گردانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، به رغم دلایل آشکار آن حضرت

و قد جاءهم رسول مبين . ثم تولوا عنه وقالوا معلم مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 10 - 11

11- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان فردی از بنی اسرائیل؛ از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند؛ در حالی که مشرکان عرب _ که قرآن به لغت آنان نازل شده _ از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 19 - 1

1 - سرزنش مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر پرستش خدایان (لات ، عزی ، و منات) بدون هیچ برهان و پشتوانه علمی

أفرءیتم اللّٰت و العزّٰی . و منوه الثالثه الأخری

آیات پیشین _ به ضمیمه استفهام انکاری در «أرأیتم» _ اشاره به آن دارد که رهنمودهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) متکی به شهود بود؛ اما مشرکان در دعای خویش از هرگونه دلیل و برهان بی بهره بودند.

255- سرکوبی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 14 - 1

1 _ سرکوبی و شکست مشرکان در بدر ، عقوبت دنیوی آنان

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

«کم» در «ذلکم» خطاب به مشرکان و «ذا» اشاره به شکست و سرکوبی آنان دارد. و «ذلکم» مبتدا و خبر آن به قرینه فراز بعد _ «وأن للكافرين ...» _ «عقابکم فی الدنيا» است.

256- سرگردانی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 159

7 - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لورحمٰن هم... للجو فی طغیٰ نهم یعمهون

257- سطح زندگی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 131 - 3

3 - سطح زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان ، با کافران مکه ، تفاوت قابل ملاحظه ای داشت .

و لاتمدنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

258- سکونت قریش در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 1 - 7

7 - نابودی اصحاب فیل ، مایه استحکام پیوند قریش با شهر مکه و باقی ماندنشان در آن *

لایل ف قریش

آیه بعد یا تفسیر این آیه است که در نتیجه «ایلافهم» در آن بدل خواهد بود و یا ذکر خاص بعد از عام است که در نتیجه، این آیه به الفتی دیگر نیز علاوه بر الفت با کوچ های تابستانی و زمستانی، نظر خواهد داشت. ارتباط آیه شریفه با سوره قبل می تواند بیانگر آن باشد که استمرار پیوند قریش با مکه، مصداق برجسته ای برای عموم «ایلاف قریش» است.

259- سکونت محمد (صلی الله علیه و آله) در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 2 - 5

5 - سکونت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه ، مایه عظمت و ارجمندی آن شهر بود .

لا أقسم... وأنت حلّ

جمله «وَأَنْتَ حَيٌّ»، حاليه و بيانگر علت سوگند ياد کردن خداوند است.

ص: 160

260- سلطه کافران بر مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 8

8_ سلطه کافران بر سرزمین مکه و ضعف و قَلت مسلمانان ، به هنگام هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إذ أخرجهم الذين كفروا ثاني اثنين

261- سوگند به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 1 - 90 - 1

1 - سوگند مؤگد خداوند به شهر مکه

لا أقسم به_ذا البلد

حرف «لا» در «لا أقسم»، زاید و تأکیدی بر سوگند است. برخی گفته اند: «لا أقسم» با همین ترکیب، کلمه قسم است و در سوگند مؤگد، به کار می رود، و برخی دیگر آن را برای نفی قسم دانسته و گفته اند: مراد این است که مدعا بقدری واضح است که سوگند نمی خواهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 4 - 90 - 3

3 - خداوند ، با سوگند به شهر مکه و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برآمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ، تأکید کرده است .

لا أقسم . . . لقد خلقنا الإنسان في كبد

این آیه، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 1 - 95 - 5

5 - «عن أبي الحسن الأوّل قال : قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) : إنّ الله تبارک و تعالی . . . اختار من البلدان أربعة فقال عزّوجلّ : «والتين والزيتون . و طور سينين . و هـذا البلد الأمين» فالتين المدينة ، و الزيتون بيت المقدّس ، و طور سينين الكوفه و هـذا البلد الأمين مکه ;

از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند تبارک و تعالی . . . از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او _ که عزیز و جلیل است _ فرمود: « والتین و الزيتون . و طور سینین . و هـ_ذا البلد الأمین». پس «تین» مدینه و «زیتون» بیت المقدس و «طور سینین» کوفه و «هـ_ذا البلد الأمین» مکه است.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 3 - 2،4،1

ص: 161

1 - سوگند خداوند ، به شهر مکه

و_ه_ذا البلد الأمين

2- « مکه » ، شهری با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و_ه_ذا البلد الأمين

عظمت مکه، از سوگند خداوند به آن و از اشاره با کلمه «ه_ذا» دانسته می شود؛ زیرا آوردن اشاره _ به جای ذکر نام _ یا برای تحقیر است و یا تعظیم. سیاق آیه شریفه، حاکی از تعظیم است.

4- امنیت مکه ، مایه عظمت و شایستگی آن برای سوگند خداوند است .

و_ه_ذا البلد الأمين

262- سوگند مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 1

1 _ مشرکان مکه سوگند اکید یاد کردند که در صورت مشاهده معجزه مورد نظر خود ایمان می آورند.

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن جاءتهم آية

263- شرایط ایمان مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 1

1- ایجاد چشمه ای پر آب و جوشان در مکه توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای مشرکان ، پیش شرط آنان در ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 91 - 1

1- برخورداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از باغستانی بزرگ با درخت های خرما و انگور و جاری ساختن نهر های آب فراوان در لابه

لای آنها، پیش شرط مشرکان مکه برای ایمان آوردن به آن حضرت

وقالوا لن نؤمن لك حتى . . . أو تكون لك جنة من نخيل و عنب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 2,7

2- فرود آوردن قطعاتی از آسمان بر مشرکان مکه، پیش شرط آنان در ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا لن نؤمن لك . . . أو تسقط السماء كما زعمت علينا كسفاً

ص: 162

7- مشرکان مکه، ایمان خود را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) منوط به آوردن خدا و فرشتگان، به صورتی قابل مشاهده کردند.

قالوا لن نؤمن لك حتى .. أو تأتي بالله و الملئكه قبيلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «قبیلاً» به معنای مشاهده رو در رو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 6، 2

2- مشرکان مکه، ایمان خود را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) منوط به ایجاد خانه ای از طلا به صورت معجزه آسا کردند.

قالوا لن نؤمن لك حتى .. أو يكون لك بيت من زخرف

6- صعود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آسمان و آوردن نامه ای برای حقانیت خویش، پیش شرط مشرکان مکه برای ایمان آوردن به آن حضرت

وقالوا لن نؤمن لك حتى .. أو ترقى في السماء و لن نؤمن لرقبك حتى تنزل علينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 36 - 3، 1

1- مشرکان برای پذیرش درستی معاد، زنده شدن نیاکانشان را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار شدند.

فأتوا بـِابائنا إن كنتم صـِدقین

3- مشرکان مکه، خواهان شهود حسی برای ایمان به حقایق غیبی

فأتوا بـِابائنا إن كنتم صـِدقین

با این که معاد اخروی از امور غیبی به حساب می آید، مشرکان با پیشنهاد زنده شدن پدرانشان، خواهان محسوس شدن آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 2 - 6

6 - اهل کتاب و مشرکان مکه و مدینه، خود را منتظر فرستاده ویژه خداوند می دانستند و ترک مرام خویش را به آن مشروط ساخته بودند.

لم يكن .. منفكین حتى تأتيهم البینه . رسول من الله

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال اراده «منفکین عن الکفر» است که در برداشت های آیه پیشین توضیح داده شد.

264- شرک اکثریت اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 96 - 2

2- آیین شرک و عقیده به وجود خدایی جز الله ، دین غالب و آیین مردم مکه بود .

و أعرض عن المشركين .. الذين يجعلون مع الله إلهاً آخر

بود.

ص: 163

265- شرک اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 29 - 4,6

4 - شرک ، دارای پیشینه تاریخی در میان مردم مکه

بل متّعت هـِ ؤلاء وءاباءهم

6 - مردم مکه پیش از بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نزول قرآن ، برهه ای طولانی در شرک و بت پرستی بسر می بردند .

بل متّعت هـِ ؤلاء وءاباءهم حتّی جاءهم الحقّ ورسول مبین

266- شرک در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 54 - 1

1 - شرک و بت پرستی در کنار کعبه (خانه توحید) ، نمونه ای بارز از اقدام انسان ها برای تغییر آیین پیامبران و انحراف از طریقه آنان

فتتّطّعوا أمرهم بینهم . . . فذرهم فی غمرتهم

«وَذُرُّ» (مصدر «ذرهم») به معنای ترک کردن و وا نهادن است. ضمیر «هم» _ به قرینه مقام _ کنایه از مردم مکه و پیرامون آن است؛ که سیره یکتاپرستی حضرت ابراهیم(ع) را تغییر دادند و به شرک ورزی روی آوردند و بر آن پافشاری کردند «غمره» به معنای غرقاب است و در این جا استعاره از ورطه جهل و گمراهی می باشد.

267- شرک مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 3

3- مشرکان مکه ، به وجود خدایانی متعدد در کنار پروردگار جهان معتقد بودند .

قل لو کان معه ءالهه کما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 4

4 - مشركان مكه ، گرفتار شرك در زمينه هايي غير از زمينه خالقيت خداوند

ولئن سألتهم من خلق

ص: 164

268- شک اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 6

6 - یگانگی خداوند در تدبیر جهان ، محور پرسش های تردیدآمیز اهل مکه در عصر بعثت *

عمّ یتساءلون

گرچه بخش عظیمی از آیات این سوره درباره حوادث قیامت است؛ ولی آیات آغازین آن _ که درباره قدرت خدا و حاکمیت خواست او بر جهان است _ می تواند قرینه باشد که مورد سؤال در «یتساءلون» وابستگی همه کارها به خداوند و بی نقش بودن بت ها در کار تدبیر جهان است.

269- شک کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 26 - 8

8 - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیرگذاری

قال الذین کفروا... لعلکم تغلبون

واژه «لعل» در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 54 - 1

1 - تردید و شک کافران مکه ، نسبت به برپایی قیامت

ألا إنهم فی مریه من لقاء ربهم

270- شک مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 61 - 4

4 - تردید و استبعاد مشرکان مکه ، در امکان وقوع قیامت

وإنّهُ لعلم للساعة فلا تمترنّ بها

ص: 165

271- شکایت از کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 30 - 1

1_ شکوه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به پیشگاه خداوند از مردم عصر خویش (کافران شهر مکه)، به خاطر متروک و مهجور ساختن قرآن کریم

وقال الرسول یـربِّ إنَّ قومی اتَّخذوا هـذا القرآن مهجورًا

در این که شکوائیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این دنیا است و یا در آخرت؟ دو نظریه میان مفسران وجود دارد. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است که مطابق نظر بیشتر مفسران می باشد. گفتنی است واژه «مهجور» به معنای متروک ورها شده است.

272- شکست اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 24 - 6

6- رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از «بطن مکه» سرزمین حدیبیه باشد؛ احتمال می رود که تعبیر «من بعد أن أظفر» بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

273- شکست کافران اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 16

16_ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن، از پیشگویی های قرآن

لا يزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه . . . حتی یأتی وعد الله

274- شکست کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16_ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لايزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه . . . حتى يأتي وعد الله

ص: 166

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 37 - 4

4- کافران مکه ، در آستانه شکست و عذاب دنیوی قرار گرفته بودند .

سأوریکم ءای-تی

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از «آیات» شکست کفار مکه و عذاب دنیوی آنان باشد. گفتنی است مکی بودن این آیات، مؤید برداشت یاد شده است.

275- شکست مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 15 - 2

2- فرجام بهود بنی نضیر در موضع گیری علیه اسلام ، منتهی به شکست آنان ، همچون فرجام مشرکان مکه در بدر *

کمثل الذین من قبلهم قریبًا

برخی برآند که مراد از «الذین من قبلهم قریبًا»، مشرکان مکه در بدر است.

276- شگفتی بی احترامی به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 2 - 6

6- تجویز آزار رسانی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی ساکنان مکه ، هتک حرمت آن سرزمین و اقدامی شگفت انگیز است .

لا أقسم به_ذا البلد . و أنت حلّ به_ذا البلد

جمله «و أنت حلّ» _ در سومین معنای «حلّ» (حلال شمردن نقض حریم پیامبر(صلی الله علیه و آله) _ بیانگر نمونه ای برای آیات بعد است که انسان را با رنج و زحمت، همراه خوانده است. خداوند با بیان آزار رسانی مردم مکه، به پیامبر(صلی الله علیه و آله) و ابراز تعجب از رفتار آنان، رسول اکرم را برای شکیبایی و مقاومت در برابر آزارهای آنان، آماده می سازد.

277- شگفتی تکذیبگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اصرار کافران مکّه بر تکذیب تهدید های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونیان و ثمودیان ، شگفت آورتر از کفرورزی پیشینیان است .

ص: 167

بل الذین کفروا فی تکذیب

اضراب که از حرف «بل» استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مکه در قیاس با کفر پیشینیان اعجاب آورتر است؛ زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را دروغ شمردند.

278- شگفتی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 4

4 - اظهار شگفتی و ناباوری مشرکان مکه ، نسبت به نزول وحی بر فردی عادی و غیراشرافی

لولا نزل هـ ذا القرآن علی رجل من القریتین عظیم

با توجه به اعتراض مشرکان مکه که چرا پیامبر، از میان اشراف و ثروتمندان برگزیده نشد، فقر و تنگدستی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دست می آید.

279- شهر مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 12

12 - خداوند ، دعای حضرت ابراهیم (ع) (شهر شدن سرزمین مکه و امنیت و رفاه مؤمنان آن) را مستجاب کرد .

رب اجعل . . . قال و من کفر فأمّته قلیلا

ابراهیم، در دعای خویش اشاره به این داشت که: خداوند، کافران مکه را از روزیهای خویش محروم سازد. جمله «و من کفر فأمّته» (ولی آن کس که کافر شود او را بهره ای اندک خواهم داد) پاسخ منفی خداوند به این تقاضای ابراهیم است. رد بخشی از یک درخواست، حکایت از اجابت دیگر درخواستها دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 7

7- مکه در عصر حضرت ابراهیم (ع) دارای بافت شهری بود .

و إذ قال إبرهیم ربّ اجعل هـ ذا البلد آمنًا

280- شيطان و كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - انفال - 8 - 48 - 8

ص: 168

8_ تجسم شیطان برای کافران مکه ، قبل از جنگ بدر

وإذ زين لهم الشيطان أعمالهم

281- صاحب مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 91 - 6

6- مکه مکرمه ، شهر خدا و خدا صاحب آن است .

أن أعبد ربّ هـ ذه البلده

282- صبر بر ظلم مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 42 - 1

1- مسلمانان مهاجر از ستم مشرکان مکه ، مردمانی صبور بودند که در برابر ستم ظالمان شکیبایی پیشه کردند .

والذین هاجروا فی الله . . الذین صبروا

«الذین» عطف بیان برای «الذین» در آیه سابق است.

283- صبر مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 14 - 1

1 - خداوند مؤمنان مکه را به صبر در برابر حرکات ناشایست مشرکان و عفو از خطاکاری آنان فرمان داد .

قل للذین ءامنوا یغفروا للذین لایرجون آیام الله

با توجه به این که این آیات در مکه نازل شده، به دست می آید که این فرمان در مقطع قبل از هجرت بوده است و منظور از «الذین لایرجون...» مشرکان اند.

284- صفات کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 15 - 2

2- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

ص: 169

و لو فتحنا عليهم بابًا من السماء فظلموا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

285- صید در حرم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 10،11

10 - حرمت صید در حرم مکه

غیر محلی الصید و انتم حرم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «حُرْم» «داخلون فی الحرم» باشد گفتنی است مراد از حَرَم بر اساس این احتمال حرم مکه است.

11 - حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها ، از حیوانی که در حرم مکه صید شود .

غیر محلی الصید و انتم حرم

286- ضیق صدر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 11

287- ضیق صدر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 11

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 11

11- کافران و مشرکان مکه مردمی تنگ نظر ، متعصب و ناتوان در تحمل افکار مخالفان بودند .

أهـذا الذی یذکر ءالہتکم و ہم بذکر الرحمن ہم کـفرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که کافران مکه، حتی تحمّل شنیدن نام خدای رحمان را نداشتند، و با پیامبر اسلام، همواره با تمسخر و استهزا برخورد می کردند.

288- طغیان کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 7

7 - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمٰنهم... للّجوا فی طغیٰ نهم یعمهون

289- ظلم کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 15، 9

9_ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، تحت سیطره ستم کافران مکه

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه و المستضعفین .. یقولون ربّنا اخرجنا من هذه ا

بسیاری از مفسران برآنند که آیه مورد بحث درباره مسلمانانی است که تا قبل از فتح مکه در آنجا بودند و از مهاجرت آنان جلوگیری می شد.

15_ مسلمانان مستضعف صدر اسلام ، خواستار فرمانده و نیروی انسانی از جانب خداوند برای رهایی از ستم کفرپیشگان مکه

و اجعل لنا من لدنک ولیّاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 54 - 10

10_ فرعونیان ، امت های پیش از آنان و کفرپیشگان مکه ، از زمره ظالمان

و کل کانوا ظلمین

290- ظلم مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 41 - 2، 3

2- عده ای از مسلمانان صدراسلام برای رهایی از ظلم و ستم مشرکان مکه ، از آن شهر هجرت کردند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا

به دلیل اینکه سوره نحل در مکه نازل شده است، احتمال دارد مراد از «الذین هاجروا» مسلمانانی باشد که از مکه هجرت کرده و به حبشه یا مدینه رفتند.

3- مسلمانان در مکه ، مورد ظلم و ستم مشرکان بودند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا

ص: 171

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 59 - 15

15 - مشرکان مکه ، مردمانی ستم پیشه

و ما کنا مهلکی القرى إلا و أهلها ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 49 - 9

9 - مشرکان مکه ، مردمی ستم پیشه و منکر آیات الهی بودند .

ما یجحد بأیتنا إلا الکفرون . . . و ما یجحد بأیتنا إلا الظلمون

«ال» در «الظالمون» عهد بوده و اشاره به «الکافرون» در آیه چهل و هفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 13 - 2

2- دلجویی خداوند از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در قبال ستم مشرکان و ناگزیری آن حضرت به ترک سرزمین خویش

و کأین من قریه هی أشدّ قوه من قریتک الّتی أخرجتک أهلکنهم

یادآوری خداوند به فرجام هلاکت بار مشرکان، در حقیقت مرهمی بر آلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ستم مشرکان است.

291- عبادت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 2,3

2_ سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه ، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أولیاءه إلا المتقون . . . مکاء و تصدیه

جمله «ما کان صلاتهم . . .» می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم

شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

3_ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا ليعذبهم الله . . . و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «ما كان صلاته...م . . .» عطف بر «و هم يصدون ...» باشد.

ص: 172

292- عجز کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 3

3- ناتوانی و درماندگی کافران و مشرکان مکه ، در مبارزه با اسلام و منطق پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلهًا هزواً

از این که کافران و مشرکان، به گونه ای مستمر به استهزای پیامبر (صلی الله علیه و آله) می پرداختند، بر می آید که آنان در توسل به منطق و دلیل و برهان ناتوان بودند و هیچ راهی جز این نداشتند.

293- عجز مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 3

3- ناتوانی و درماندگی کافران و مشرکان مکه ، در مبارزه با اسلام و منطق پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلهًا هزواً

از این که کافران و مشرکان، به گونه ای مستمر به استهزای پیامبر (صلی الله علیه و آله) می پرداختند، بر می آید که آنان در توسل به منطق و دلیل و برهان ناتوان بودند و هیچ راهی جز این نداشتند.

294- عذاب استیصال مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 102 - 2

2_ مشرکان مکه ، به دلیل از دست دادن زمینه ایمان به آیات الهی و هشدار های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، مستحق عذاب استیصال بودند .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون. فهل ینتظرون إلا مثل آیام الذین خلوا من

با توجه به اینکه یکی از مصادیق «قوم لایؤمنون» در آیه قبل، مشرکان مکه می باشد، برداشت فوق استفاده می شود.

295- عذاب اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 113 - 10

10- مبتلا شدن مکیان به عذاب ، پس از تکذیب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

قریه کانت ءامنه . . . ولقد جاءهم رسول منهم فكذبوه فأخذهم العذاب

ص: 173

برداشت فوق، بنابراین نکته است که مراد از قریه یاد شده در آیه قبل، «مکه» باشد و ضمائر «جائهم» و «فأخذهم» به مکیان برگردد.

296- عذاب دنیوی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 11 - 1

1- تهدید شدن کافران سست اندیش و بیهوده گرا، به فرجامی سخت و جانکاه

فارتقب یوم تأتي السماء بدخان مبین

تعبیر «بدخان مبین»، می تواند حکایت از عذاب دنیوی و نیز سختی های صحنه قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 11 - 1

1- پیشگویی خداوند، از درد و رنج فراگیر مردم مکه هنگام گرفتاری آنان به عذاب الهی در دنیا

یغشی الناس هـذا عذاب الیم

چنانچه این آیات در مورد عذاب دنیوی باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

297- عذاب دنیوی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 37 - 4

4- کافران مکه، در آستانه شکست و عذاب دنیوی قرار گرفته بودند.

سأوریکم ءای-تی

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از «آیات» شکست کفار مکه و عذاب دنیوی آنان باشد. گفتنی است مکی بودن این آیات، مؤید برداشت یاد شده است.

298- عذاب دنیوی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- تهدید مشرکان حق ستیز مکه ، از سوی خداوند به عذابی دنیوی و تیره کننده زندگی

فارتقب یوم تأتي السماء بدخان مبین

ص: 174

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که «دخان مبین»، کنایه از تیره روزی و عذاب دنیوی باشد، چه این که برخی از مفسران این آیه را پاسخی به دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) دانسته اند که از خداوند خواست تا برای بیدار شدن مشرکان، آنان را به قحطی ای همچون دوران یوسف مبتلا کند.

299- عذاب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 135 - 1

1- کافران مکه با انکار آیات الهی - پس از اتمام حجت بر ایشان - مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو انا اهلکنهم... فستعلمون من اصح ب الصرط السوی و من اهتدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 37 - 5

5- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند .

سأوریکم ءای تی فلا تستعجلون

مقصود از «آیاتی» به قرینه آیات بعد (.. بیل تأتیهم بغته...) عذاب و هلاکت است.

300- عذاب مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 66 - 3

3 - پیشگویی قرآن در مورد عملی شدن وعده های عذاب بر مشرکان مکه و قبیله پیامبر*

و کذب به قومک و هو الحق

از معانی حق، «ثابت» و «واجب» است و در مورد آیه به دلیل اینکه خبر از وقوع حادثه ای در آینده است، یعنی چیزی که تثبیت شده و واقع خواهد شد. لذا اگر مرجع ضمیر «به»، «عذاب» در آیه قبل باشد، جمله «و هو الحق» تأکید بر وقوع حتمی آن در آینده خواهد بود. همان گونه که تاریخ نیز این نکته را به وضوح تأیید کرد.

301- عصیان اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 2 - 3

3 - مردم مکه ، حرمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را پاس نداشته ، به ساحت آن حضرت اسائه ادب می کردند .

ص: 175

و أنت حلّ به_ذا البلد

«حِلّ» نقطه مقابل «حرمت» است؛ اطلاق آن بر امور حلال، از باب توصیف به مصدر است (مصباح). حلال شمرده شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به این معنا است که آن حضرت را از حقوق اجتماعی خود در مکه محروم کرده و او را همسان دیگر ساکنان مکه، گرامی نمی داشتند.

302- عظمت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 1 - 2

2- شهر مکه ، سرزمینی با عظمت در پیشگاه خداوند

لا أقسم به_ذا البلد

تعبیر «لا أقسم» - چه سوگند باشد و یا نفی سوگند - بیانگر عظمت شهر مکه است؛ زیرا در هر دو صورت، حاکی از شایستگی مکه برای سوگند است. جز این که در صورت نفی قسم، علاوه بر آن می رساند که محتوای «لقد خلقنا الإنسان فی کبد» واضح و بی نیاز از سوگند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 3 - 2,4

2- « مکه » ، شهری با عظمت و دارای ارزشی در خور سوگند خداوند

و_ذا البلد الأمین

عظمت مکه، از سوگند خداوند به آن و از اشاره با کلمه «ه_ذا» دانسته می شود؛ زیرا آوردن اشاره - به جای ذکر نام - یا برای تحقیر است و یا تعظیم. سیاق آیه شریفه، حاکی از تعظیم است.

4- امنیت مکه ، مایه عظمت و شایستگی آن برای سوگند خداوند است .

و_ذا البلد الأمین

303- عفو از مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 14 - 1

1 - خداوند مؤمنان مکه را به صبر در برابر حرکات ناشایست مشرکان و عفو از خطاکاری آنان فرمان داد .

قل للذین ءامنوا یغفروا للذین لایرجون ایتام اللّٰه

با توجه به این که این آیات در مکه نازل شده، به دست می آید که این فرمان در مقطع قبل از هجرت بوده است و منظور از «الذین لایرجون..» مشرکان اند.

ص: 176

304- عقیده کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 5,6

5_ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره

6_ کافران مکه معتقد به خدا و معتقد به تأثیر او در جهان هستی

و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء

305- عقیده مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 1

1 - اخراج ظالمانه مسلمانان صدراسلام از زادگاهشان (مکه) ، تنها به جرم اعتقاد آنان به یگانگی خدا

بأنهم ظلموا .. الذين أخرجوا من ديارهم بغير حق

«الذين أخرجوا» بدل از «الذين يقاتلون» و به تقدیر اذن القتال للذين أخرجوا. .. می باشد. «دیار» جمع «دار» است و «دار»؛ یعنی، خانه و جایی که انسان در آن جا سکونت دارد. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین می شود: به کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود بیرون رانده شدند، رخصت پیکار داده شد.

306- عقیده مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 6

6_ مشرکان مکه بر این باور بودند که معبودانشان بر یاری آنها علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) توانا هستند .

قل ادعوا شركاءكم ثم كيدون فلاتنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 35 - 4,7

4- مشرکان مکہ ، باورمند به مشیت خداوند بودند و تفسیر نادرستی از آن داشتند .

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء

7- مشرکان مکہ ، علی رغم عقیده به خدایان متعدد ، اظهار عقیده به خداوند کرده و قضای او را در عالم نافذ می دانستند .

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء

ص: 177

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 2

2- مشرکان مکه ، معتقد به وجود خداوند بودند .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 3

3- مشرکان مکه ، معتقد بودند که ملائکه از جنس زن هستند .

و اتخذ من الملائكة إناثاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 10

10- انکای مشرکان مکه در عقاید و جهان بینی خود ، تنها بر محسوسات و دریافت های حسی بود .

تأتى بالله و الملائكة قبلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 50 - 3

3- مشرکان مکه ، ربوبیت خداوند را بر همه قبول نداشتند .

لولا أنزل عليه آيات من ربّه

تعبیر «ربّه» و اضافه «ربّ» به ضمیر مفرد مذکر غایب _ که مرجع اش پیامبر است _ حکایت از نکته فوق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 32 - 3

3- مشرکان مکه ، دارای گرایش ها و آیین های مذهبی مختلف بودند .

و لا تكونوا من المشركين . من الذين فرقوا دينهم

«المشركين» به قرينه آيات قبل و سياق، ممكن است مشركان مكه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - فصلت - 41 - 52 - 10

10 - اعتقاد مشركان مكه به وجود خداوند

إن كان من عند الله

از ظاهر جمله شرطيه بر می آيد كه اصل وجود خداوند برای مشركان، مسلم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 178

17 - زخرف - 43 - 9 - 4

4 - مشرکان مکه ، گرفتار شرک در زمینه هایی غیر از زمینه خالقیت خداوند

و لئن سألتهم من خلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 17 - 7

7 - مشرکان مکه ، خداوند را با نام «رحمان» می شناختند و یاد می کردند .

بما ضرب للرحمَن مثلاً

بنابراین که واژه «رحمان» در آیه شریفه، به خاطر بار معنایی آن نیامده باشد؛ بلکه صرفاً نقل قول ساده ای از کلام عرب جاهلی باشد که به جای «الله» یا هر صفت دیگر برای خداوند _ کلمه «رحمان» را به کار می بردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 4

4 - مشرکان مکه ، معتقد به برتری فرشتگان بر عیسی (ع) *

و جعلوا الملئكة ... وقالوا لو شاء الرحمن ما عبدنهم ... ءأللهتنا خير أم هو

از آیه نوزده و بیست همین سوره استفاده می شود که مصداق مورد نظر مشرکان از «الله» ملائکه بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 87 - 1

1 - اعتقاد مشرکان مکه ، به خالقیت خداوند و توحید در آفرینش

و لئن سألتهم من خلقهم ليقولنَّ الله فأنى يؤفكون

از آیه شریفه استفاده می شود که شرک مشرکان، در ناحیه خالقیت خداوند نبوده است؛ بلکه آنان در ربوبیت، تدبیر، کارگشایی امور و وساطت برای تقرب به خدا، گرفتار شرک بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- وجود اعتقاد به تناسخ ، در میان مشرکان مکه *

نموت و نحیا

تقدم «نموت» بر «نحیا» _ با این که انسان نخست باید زنده باشد تا بمیرد _ این احتمال را به ذهن می آورد که برخی از مشرکان، معتقد به تناسخ و حیات پس از مرگ در دنیا بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- مشرکان مکه ، معتقد به وجود خداوند و در تلاش برای انکار رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

أم یقولون افتری_ه

ص: 179

اتهام افترا و کذب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در زمینه آیات از سوی کافران، نمایانگر این حقیقت است که آنان، در بخشی از ادعاها و جوسازی های خویش، بر وجود خداوند صحه گذاشته بودند؛ لیکن رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات وحی را انکار می نمودند.

307- عقیده باطل مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 3

3- مشرکان مکه، به وجود خدایانی متعدد در کنار پروردگار جهان معتقد بودند.

قل لو كان معه ءالهه كما يقولون

308- علاقه به فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 13 - 8

8 - مسلمانان صدر اسلام، مشتاق فتح مکه و در انتظار نصرت و امداد های الهی

و أُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحَ قَرِيبٍ

مفسران، بر آنند که آیه شریفه ناظر به فتح مکه و قریب الوقوع بودن آن است.

309- علاقه به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 13 - 4

4- دل بستگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به شهر مکه

من قریتك

از انتساب قریه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دلجویی خداوند از آن حضرت به خاطر ناچار شدن ایشان به ترک مکه، مطلب بالا به دست می آید.

310- علاقه به هدایت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - علاقه شدید برخی از مسلمانان عصر بعثت ، به ارشاد کافران سرشناس مکه و مسلمان ساختن آنان

فأنت له تصدّی

ص: 180

براساس شأن نزول این آیات، افراد معروفی از قریش (نظیر ابوجهل) در مجلسی که ابن ام مکتوم وارد شد، حضور داشتند و تعبیر «من استغنی» در مورد آنان نازل شده است.

311- علاقه مندان به اسلام در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 10 - 14

14 - وجود عناصر علاقمند به اسلام در مکه که با احساس رفع خطر، اعلام اسلام می کردند و با احساس سختی و دشواری، بی تابی می نمودند .

و من الناس من يقول ءامناً بالله فإذا أؤذی فی الله جعل فتنه الناس كعذاب الله و

با توجه به مکی بودن سوره عنکبوت و قدرت فائق نداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، رفتاری که از برخی مردم مکه بیان شده، می تواند نشانه علاقه مندی آنان به اسلام باشد.

312- علایق مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 46 - 7

7- مشرکان مکه، به عقاید شرک آلود خویش شدیداً علاقه مند و دلبسته بودند .

و إذا ذکرت ربک . . . ولّوا علی أدب_رهم

313- علم اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 26 - 2

2 - مردم مکه، از نسل های پیشین که به سبب کفرپیشگی، به قدرت الهی هلاک و منقرض شدند، آگاه بودند .

أولم یهد لهم کم أهلکنا

«یهد» متعدی به «لام» شده و معنای «بیین» می دهد. لازم به ذکر است که به دلیل مکی بودن سوره سجده، مرجع ضمیر در «لهم» مشرکان مکه اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 37 - 4

4- آگاهی اهل مکه ، از سرگذشت هلاکت بار قوم تبع

ص: 181

أهم خير أم قوم تبع

از این که قرآن، قبلاً سخنی از قوم «تبع» به میان نیاورده و در این جا به ذکر نام آن برای عبرت آموزی مشرکان مکه اکتفا کرده است، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 18 - 5

5- فرجام فرعون و قوم ثمود، داستانی آشنا برای اهل مکه و مایه عبرت برای همه مردمان

هل أتيك . . فرعون و ثمود

سوره «بروج» از سوره های مکی است و نام بردن امت هایی مخصوص برای عبرت گرفتن مکیان از فرجام آنها، بیانگر آگاهی آنان از تاریخ اجمالی آن امت ها است.

314- عمر طولانی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 44 - 2

2- برخورداري از نعمت های دنیایی همراه با عمر طولانی، موجب غرور و غفلت مردم مکه و پدران آنان گردیده بود.

بل هم عن ذکر ربهم معرضون . . . بل متعنا هؤلاء وءاباءهم حتی طال علیهم العمر

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «هؤلاء» اشاره به حاضرین در اذهان مخاطبان (مردم مکه) باشد؛ همان طور که مشارالیه در بسیاری از آیات نازل شده در مکه، مردم آن سرزمین هستند.

315- عواطف خویشاوندی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 13

13 - بهره گیری از عواطف خویشاوندی برای ترغیب مشرکان مکه به گرویدن به اسلام

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج مله أبیکم ابرهیم

316- عوامل امنیت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 13

13 - حرمت و قداست کعبه در نزد مردم جزیره العرب مانع از تجاوز دیگران به مکه و برهم زدن امنیت و آرامش ساکنان آن

ص: 182

أولم نمكّن لهم حرماً آمنًا

317- عوامل تكبر اهل مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - انبياء - 21 - 44 - 2

2- برخورداری از نعمت های دنیایی همراه با عمر طولانی ، موجب غرور و غفلت مردم مکه و پدران آنان گردیده بود .

بل هم عن ذکر ربهم معرضون . . . بل متّعنا هـ_ؤلاء و ءاباءهم حتّى طال عليهم العمر

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «هـ_ؤلاء» اشاره به حاضرین در اذهان مخاطبان (مردم مکه) باشد؛ همان طور که مشارالیه در بسیاری از آیات نازل شده در مکه، مردم آن سرزمین هستند.

318- عوامل سرور مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - محمد - 47 - 14 - 10

10- مشرکان مکه ، سرخوش از بیرون راندن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سرزمین خویش

قریتک الّتی أخرجتک . . . زین له سوء عمله

مورد «سوء عمله» در آیه شریفه، همان اخراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سرزمین مکه است.

319- عوامل عظمت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - بلد - 90 - 2 - 5

5 - سکونت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه ، مایه عظمت و ارجمندی آن شهر بود .

لا أقسم . . . و أنت حلّ

جمله «و أنت حلّ»، حالیه و بیانگر علت سوگند یادکردن خداوند است.

320- عوامل عقب ماندگی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 46 - 9

9- بی بهره بودن مردم سرزمین مکه از تعلیمات آسمانی ، عامل عقب ماندگی آنان و فراگیر شدن غفلت و بی خبری در میان آنها

ص: 183

لتنذر قومًا ما أتيتهم من نذير من قبلك لعلهم يتذكرون

321- عوامل غفلت اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 2

2- برخورداری از نعمت های دنیایی همراه با عمر طولانی ، موجب غرور و غفلت مردم مکه و پدران آنان گردیده بود .

بل هم عن ذکر ربهم معرضون .. بل متّعنا هـ_ؤلاء و ءاباءهم حتّی طال علیهم العمر

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «هـ_ؤلاء» اشاره به حاضرین در اذهان مخاطبان (مردم مکه) باشد؛ همان طور که مشارالیه در بسیاری از آیات نازل شده در مکه، مردم آن سرزمین هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 46 - 9

9- بی بهره بودن مردم سرزمین مکه از تعلیمات آسمانی ، عامل عقب ماندگی آنان و فراگیر شدن غفلت و بی خبری در میان آنها

لتنذر قومًا ما أتيتهم من نذير من قبلك لعلهم يتذكرون

322- عوامل فقر در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 112 - 14

14- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق _ چنان چه عده ای از مفسران گفته اند _ بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

323- عوامل گرسنگی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 112 - 14

14- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه . . فاذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق _ چنان چه عده ای از مفسران گفته اند _ بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

ص: 184

324- عوامل مصونیت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 24

24- حضور مؤمنان در محیط زندگی کافران مکه ، باعث نجات موقت کفار از عذاب الهی

لو تزیّلوا لعذبنا الذین کفروا منهم

325- عوامل مؤثر در اسلام اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 14

14 - فصاحت قرآن ، عاملی مؤثر در اسلام مردم مکه و نواحی آن

أوحینا إلیک قرءاناً عربیّاً لتنذر أمّ القرى

برداشت یاد شده بر این پایه است که «عربیّاً» به معنای فصاحت و روشنی قرآن بوده و «لتنذر» تعلیل برای نزول قرآن با وصف فصاحت باشد.

326- عوامل مؤثر در اسلام مردم اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 14

14 - فصاحت قرآن ، عاملی مؤثر در اسلام مردم مکه و نواحی آن

أوحینا إلیک قرءاناً عربیّاً لتنذر أمّ القرى

برداشت یاد شده بر این پایه است که «عربیّاً» به معنای فصاحت و روشنی قرآن بوده و «لتنذر» تعلیل برای نزول قرآن با وصف فصاحت باشد.

327- عوامل ناامنی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 112 - 14

14- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه . . فاذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق _ چنان چه عده ای از مفسران گفته اند _ بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

ص: 185

328- عوامل هدایت ناپذیری مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 21

21 - جهل بیشتر مشرکان مکه به خاستگاه الهی امنیت و رفاه اقتصادی آن شهر، عامل روی گردانی آنان از پذیرش هدایت الهی (اسلام) بود.

وقالوا إن نتبع الهدى... ولکن اکثرهم لایعلمون

329- عهد مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 1

1_ مشرکان مکه سوگند اکید یاد کردند که در صورت مشاهده معجزه مورد نظر خود ایمان می آورند.

وَأَسْمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لِنَبَأِ مَا هُم بِأَعْيُنِنَا

330- غفلت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 3,7

3- مشرکان مکه، از مفاهیم عالی قرآن غافل بوده و به زخارف دنیا چشم دوخته بودند.

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كَلِّ مَثَلٍ فَاذْبَحُوا بِمَا كَانُوا مَكْرُهُمْ

7- غفلت مشرکان مکه از نقش اصلی اراده خدا در تحقق معجزات

تفجر لنا... تسقط السماء... تأتي بالله... تنزل علينا كتبا نقرؤها

از اینکه آنان، تمامی معجزات درخواستی خود، حتی آمدن خدا را از شخص پیامبر(صلی الله علیه و آله) می خواستند، نشان دهنده نکته یاد شده است.

331- فرجام شوم مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17- مشركان مكه ، مورد تهديد خداوند به فرجامي شوم

ص: 186

وقال الذين أشركوا .. فسيروا في الأرض فانظروا كيف كان عبه المكذبين

بنابراین احتمال که مخاطبان امر «سیروا» مشرکان مکه اند استفاده می شود که دعوت از آنان برای سیر و سفر در زمین جهت مطالعه سرانجام تکذیب کنندگان انبیا پس از بازگویی دیدگاه آن مشرکان در باره خداوند، هشدار می است به آنان.

332- فرجام مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 15 - 2

2- فرجام یهود بنی نضیر در موضع گیری علیه اسلام ، منتهی به شکست آنان ، همچون فرجام مشرکان مکه در بدر *

كمثل الذين من قبلهم قريبًا

برخی برآند که مراد از «الذين من قبلهم قريبًا»، مشرکان مکه در بدر است.

333- فضایل مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 56 - 1

1 - مسلمانان مکه ، مورد توجه ویژه خداوند بودند .

ی_عبادی الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 24

24- حضور مؤمنان در محیط زندگی کافران مکه ، باعث نجات موقت کفار از عذاب الهی

لو تزيّلوا لعذبنا الذين كفروا منهم

334- فضایل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 28

28_ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: « دحیت الأرض من مکة . . . وهی الأرض التي قال الله « إني جاعل في الأرض خليفه .
«...» ;

گسترش زمین از مکة آغاز شده و مکة همان زمینی است که خداوند فرموده: من می خواهم در زمین خلیفه قرار دهم . . .».

ص: 187

335- فضایل مؤمنان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 21

21 - از امام صادق (ع) درباره سخن ابراهیم: « و ارزق أهله من الثمرات . . . » روایت شده که فرمود: « من الثمرات القلوب ای حبیبهم إلی الناس لینتابوا إلیهم و یعودوا إلیهم »؛

مراد ثمرات دلهاست بدین گونه که محبت مؤمنان از اهل مکه را در دل مردم بیندازد تا مشتاق مؤمنان مکه گشته، به سوی آنان بازگردند.

336- فضیلت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 125 - 26

26 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: . . . « ان الله فضل مكة و جعل بعضها أفضل من بعض . فقال تعالى « واتخذوا من مقام إبراهيم مصلى » . . . »؛

خداوند، مکه را فضیلت و برتری داده و بعضی از قسمتهای آن را بر قسمتهای دیگر برتری داده و فرموده است: از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز خود قرار دهید . . . ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 4

4- مکه، حرم امن الهی است .

رب اجعل هذا البلد آمناً

نقل دعای حضرت ابراهیم(ع) با لسان تمجید، گویای استجاب آن دعا از جانب خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 7

7- سرزمین مکه از دیرباز، از نعمت های دنیوی برخوردار و از حوادث هلاکت بار و عذاب های الهی محفوظ بود .

بل متّعنا هـ ولاء وءاباءهم حتّی طال علیهم العمر

این که خداوند مردم مکه و اجدادشان را از بهره های دنیوی به مدت طولانی، برخوردار کرد، حکایت از امنیت و مصونیت دیر پای سرزمین مکه از حوادث هلاکت بار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 91 - 5,6

5 - شهر مکه ، دارای اهمیت ، کرامت و حرمت در پیشگاه خداوند

ربّ مَـذَهِ البَلَدِ الذی حَرَّمَها

ص: 188

«ه_ذَه» اشاره به مکه دارد که به دلیل اهمیتش نزد خداوند، اختصاص به ذکر یافته است.

6 - مکه مکرّمه ، شهر خدا و خدا صاحب آن است .

أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 59 - 11

11 - مکه ، محور و مرکز عمده شهر ها و قرای جزیره العرب در صدر اسلام

حَتَّىٰ يَبِيعَ فِي أُمَّهَاتِنَا رَسُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 11

11 - مکه ، دارای قداست و مرتبه ای والا در میان شهر ها و آبادی ها

لَتَنْذِرُ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا

از این که مکه به عنوان اُمّ القری یاد شده است، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 1 - 2

2 - شهر مکه ، سرزمینی با عظمت در پیشگاه خداوند

لَا أُقْسِمُ بِهِذَا الْبَلَدِ

تعبیر «لَا أُقْسِمُ» _ چه سوگند باشد و یا نفی سوگند _ بیانگر عظمت شهر مکه است؛ زیرا در هر دو صورت، حاکی از شایستگی مکه برای سوگند است. جز این که در صورت نفی قسم، علاوه بر آن می رساند که محتوای «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» واضح و بی نیاز از سوگند است.

337- فلسفه اسکان نسل ابراهیم (ع) در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- هدف حضرت ابراهیم (ع) از اسکان دادن برخی از فرزندان در جوار خانه خدا، توفیق یافتن آنان برای عبادت و اقامه نماز بود.

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي .. . عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

ص: 189

338- فلسفه امنیت اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 4 - 15

15 - رفع گرسنگی و ناامنی از ساکنان مکه ، در راستای اعتلا و شکوفایی کعبه و از جلوه های ربوبیت خداوند است .

ربّ هذا البيت . الذی أطعمهم من جوع و ءامنهم من خوف

«الذی»، وصف «ربّ» و بیانگر جلوه های آن است.

339- فلسفه خواسته های مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 6 - 8

8- درخواست معجزه از سوی مشرکان ستم پیشه مکه ، در جهت بهانه جویی بود ؛ نه حقیقت طلبی .

فلیأتنا .. أفهم یؤمنون

خداوند، درخواست معجزه از طرف مشرکان را به این دلیل ردّ فرمود که آنان مانند مشرکان اقوام گذشته، قصد ایمان آوردن نداشتند. بنابراین چنین درخواستی بهانه و دست آویزی بیش نبود.

340- فلسفه ردّ خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 6

6- فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلسان است .

ما تسبق من أمه أجلها .. ما ننزل الملائکه إلاّ بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

341- فلسفه رفع گرسنگی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 4 - 15

15 - رفع گرسنگی و ناامنی از ساکنان مکه ، در راستای اعتلا و شکوفایی کعبه و از جلوه های ربوبیت خداوند است .

رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ . الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَءَامَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

«الذی»، وصف «رَبِّ» و بیانگر جلوه های آن است.

ص: 190

342- فلسفه سوگند به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 4

4 - برخورداری انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

والتین .. لقد خلقنا الإنسان في أحسن تقويم

343- فلسفه فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 1 - 14

14 - حرکت مسلمانان برای فتح مکه ، حرکتی جهادی و در راستای خشنودی خداوند

إن كنتم خرجتم جهـاً فـى سبيلـى و ابتغاء مرضاتـى

از این که پس از برشمردن ستم مشرکان نسبت به مسلمانان، تعبیر «جهاداً فى سبیلی..» آمده، می توان نتیجه گرفت که آیه شریفه، انگیزه فتح مکه را مشخص ساخته است.

344- فلسفه مهلت به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 4 - 3

3- هشدار خداوند به کافران هدایت ناپذیر مکه ، مبنی بر اینکه مهلت دادن به آنان به معنای تداوم بخشیدن به زندگیشان نیست ؛ بلکه همواره در معرض هلاکتند .

ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين. ذرهم ... فسوف يعلمون. و ما أهلكنا من قرية

ذکر این آیه، پس از تهدید «فسوف يعلمون» احتمالاً برای دفع اشکال مقدر می باشد و آن اشکال این است که: کفار پس از مهلت یافتن با امر «ذرهم یا کلو..» چنین نپندارند که زندگیشان ادامه دارد.

345- فواید اقتصادی مشرکان در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 9

9_ آمدن مشرکان به مکه در مراسم سالانه حج ، دارای ثمرات اقتصادی برای مکیان (از جمله مسلمانان) بود .

وإن خفتم عیله فسوف یغنیکم الله من فضله

ص: 191

346- قبله اهل مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 150 - 19

19 - از ابن عباس روايت شده كه رسول خدا (صلى الله عليه و آله) فرمود: « البيت قبله لأهل المسجد و المسجد قبله لأهل الحرم و الحرم قبله لأهل الأرض فى مشارقها و مغاربها من أمتى »؛

كعبه، قبله اهل مسجد الحرام و مسجد الحرام قبله اهل حرم (مكه و حوالى آن) و حرم قبله تمامى اهل زمين از امت من در مشرقها و مغربهاى آن است».

347- قبله مردم دور از مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 150 - 19

19 - از ابن عباس روايت شده كه رسول خدا (صلى الله عليه و آله) فرمود: « البيت قبله لأهل المسجد و المسجد قبله لأهل الحرم و الحرم قبله لأهل الأرض فى مشارقها و مغاربها من أمتى »؛

كعبه، قبله اهل مسجد الحرام و مسجد الحرام قبله اهل حرم (مكه و حوالى آن) و حرم قبله تمامى اهل زمين از امت من در مشرقها و مغربهاى آن است».

348- قحطى در مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 76 - 6

6 - عدم تنبه كافران مكه ، از بلاهاى هشدار دهنده الهى (مثل قحطى و خشكسالى)

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استكانوا لربهم و ما يتضرعون

349- قداست مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 91 - 7,8,5

5 - شهر مکه ، دارای اهمیت ، کرامت و حرمت در پیشگاه خداوند

رَبِّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا

ص: 192

«ه_ذَه» اشاره به مکه دارد که به دلیل اهمیتش نزد خداوند، اختصاص به ذکر یافته است.

7 - حرمت سرزمین مکه، دارای دیرینه و وضع شده از سوی خداوند

رَبِّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا

ماضی آمدن «حَرَّم» بیانگر دیر پا بودن حرمت مکه و انتساب آن (حَرَّم) به خداوند، بیانگر جعل آن از سوی او است.

8 - اعتقاد مشرکان به حرمت و شرافت مکه و تقدّس آن

رَبِّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا

از این که آیه نسبت به شهر مکه تعبیر «ه_ذَه الْبَلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا» آورده است، احتمالاً از آن جهت باشد که مشرکان آن را قبول داشته و تذکر آنان به امر مورد قبولشان، زمینه جذب و هدایت آنان را فراهم می ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 11

11 - مکه، مکانی مقدس و محترم برای مردم جزیره العرب

أَوَّلِم نَمَكْنَ لَهُم حَرَمًا آمِنًا

مکه از آن جهت «حرم» نام گرفته که مورد حرمت و احترام مردم آن دیار بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 11

11 - مکه، دارای قداست و مرتبه ای والا در میان شهرها و آبادی ها

لَتَنْذِرُ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا

از این که مکه به عنوان اُمُّ الْقُرَى یاد شده است، برداشت بالا به دست می آید.

350- قدرت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 26 - 1

1- قوم عاد ، برخوردار از قدرت و امکانات بس فزون تر از مشرکان مکه

و لقد مکّنهم فیما إن مکّنکم فیہ

حرف «إن» نافیہ است.

351- قصه فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 1 - 13

ص: 193

13 - اقدام حاطب ابن ابی بلتعہ بہ ارتباط مخفیانه با مشرکان ، در آستانہ آمادگی مسلمانان برای فتح مکہ

لا تتخذوا... إن كنتم خرجتم جهـدًا فی سبیلی

با توجه بہ شأن نزول آیہ، عبارت «إن كنتم خرجتم...» نظر بہ آمادگی مسلمانان برای فتح مکہ دارد.

352- قلت مسلمانان در مکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

7 - توبہ - 9 - 40 - 8

8_ سلطہ کافران بر سرزمین مکہ و ضعف و قلت مسلمانان ، بہ هنگام ہجرت پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ)

إذ أخرجہ الذین کفروا ثانی اثین

353- قیاس مشرکان مکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 6

6 - مقایسہ میان بت ہا و عیسی بن مریم (ع) ، حرکتی جدلی از سوی مشرکان مکہ

ما ضربوہ لک إلا جدلاً

در مکتب پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ) سخن از الوہیت عیسی (ع) بہ میان نیامدہ بود تا مشرکان او را با آلہہ خود مقایسہ کنند.

354- کافران در مکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

1 - بقرہ - 2 - 126 - 8

8 - شہر مکہ ، حتی برای کافران نیز باید جایگاهی امن باشد .

رب اجعل هذا بلدًا آمنًا و ارزق... من آمن منهم باللہ و الیوم الآخر

از اینکہ ابراہیم (ع) دومین دعای خویش؛ یعنی، اعطای ثمرات را بہ مؤمنان اختصاص داد، ولی امنیت شہر مکہ را بہ طور مطلق آورد، می

توان بہ این نتیجہ رسید کہ: آن حضرت امنیت مکہ را برای ہمگان حتی برای کافران خواستہ بود.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

2 - بقرہ - 2 - 217 - 16

ص: 194

16_ اقدام برخی از مسلمین (عبدالله بن جحش و همراهان او) به جنگ با کفارِ مکه در ماه حرام

یستلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

در شأن نزول آیه آمده که عبدالله بن جحش و همراهان او در ماه رجب به گروهی از کفار که دارای مال التجاره بودند، حمله بردند و آنان را کشته و یا اسیر کردند. (مجمع البیان و دیگر تفاسیر.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 195 - 27

27_ حاکمیت و تسلط کافران بر سرزمین مکه و مسلمانان آن دیار، در صدر اسلام

فأذین... اخرجوا من دیارهم و اودوا فی سیلی... و قتلوا

356- کافران مکه در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 47 - 6

6_ خروج کافران مکه به سوی بدر، در راستای تلاششان برای بازداري مردم از راه خدا

و لا تکنوا کالذین خرجوا من دیرهم... و یصدون عن سبیل اللّٰه

357- کافران مکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 36 - 12

12_ کفرپیشگان مکه در قیامت گردآوری و به سوی جهنم رانده خواهند شد.

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

358- کافران مکه و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 5 - 8

8_ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزون

مفاد جمله «کانوا به یستهزون» ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

ص: 195

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 52 - 1

1 _ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی ، همانند روش فرعونیان و کافران پیش از آنان

كدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

«دأب» به معنای عادت و روش است. و چون آیه به دنبال قضایای جنگ بدر آمده، معلوم می شود مشبه کافران مکه هستند و تقدیر جمله چنین است: داب هؤلاء الكفرة كدأب ءال فرعون. قابل ذکر است مراد از ضمیر در «قبلهم» آل فرعون هستند.

359- کافران مکه و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 33 - 7

7 _ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

360- کافران مکه و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 5 - 8

8 _ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مفاد جمله «كانوا به يستهزءون» ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

361- کافران مکه و خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 6

6 _ کافران مکه معتقد به خدا و معتقد به تأثیر او در جهان هستی

وإذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء

362- كافرين مكة و دعا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 196

5_ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجارة

363- کافران مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 5 - 8, 1

1_ کافران مکه در پی نزول قرآن به عنوان معجزه، بدون درنگ به تکذیب آن پرداختند.

فقد كذبوا بالحق لما جاءهم

جمله ظرفیه «لما جاءهم» به این نکته اشاره دارد که تکذیب کافران به مجرد آمدن حق صورت گرفته است.

8_ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مفاد جمله «كانوا به يستهزءون» ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 31 - 4, 2, 1

1_ تمسک کافران مکه به حيله برای مقابله با آنان

ویمکرون . . . و إذا تتلى عليهم ءآيتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله «إذا تتلى . . .» می تواند بیان مصداقی از «یمکرون» در آیه قبل باشد.

2_ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

4_ کافران مکه معارف قرآن را نوشتارها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطير الأولين

«اساطیر» به معنای نوشتارهای بی اساس است و «الأولین» به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که «اساطیر الأولین» می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 4، 2، 1

1 _ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فرورستند .

و إذ قالوا .. فأمطر علينا حجاره

2 _ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ص: 197

و یمکرون . . . و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علينا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علينا . . .) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

4_ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حقانیت قرآن

فأمطر علينا حجاره من السماء أو اتتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 33 - 6،7

6_ گرایش کافران مکه به قرآن در آینده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما كان الله معذبهم وهم يستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «و هم يستغفرون» حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

7_ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما كان الله معذبهم وهم يستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 6 - 2

2- « ذکر بودن قرآن » ، وصفی که کافران مکه با آن آشنا بودند .

وقالوا یا بئها الذی نزل علیه الذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 13 - 2

2- خداوند آیات قرآن را ، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن ، در قلب آنان رسوخ داد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله «لایؤمنون به» جمله حالیه برای «المجرمین» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 41 - 5,9

5- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرفنا فی هـ ذالقرءان لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

9- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی _ روانی آنان بود .

و لقد صرفنا فی هـ ذالقرءان لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به

ص: 198

جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی _ نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 26 - 8

8 - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیرگذاری

قال الذین کفروا... لعنکم تغلبون

واژه «لعلّ» در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 28 - 6

6 - آشکار بودن حقانیت قرآن ، برای کافران مکه

کانوا بأی_تنا یجحدون

واژه «جحد» در مواردی به کار می رود که حقانیت چیزی معلوم باشد و در عین حال مورد انکار قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 41 - 7

7 - مخالفت مستمر کافران مکه ، نسبت به آیات قرآن

إِنَّ الذین کفروا بالذکر لَمَّا جاءهم

برداشت یاد شده با توجه به معنای «لَمَّا» است که در مورد استمرار زمان به کار می رود.

364- کافران مکه و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 3

3 _ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا ليعذبهم الله... و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «ما کان صلاته...» عطف بر «و هم یصدون...» باشد.

365- کافران مکه و گناه ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 12 - 6

ص: 199

6 - کافران مکه ، به رغم اعلام صریح ، هرگز اندکی از گناه ارتداد مسلمانان را ، برعهده نمی گرفتند .

وقال الذين كفروا .. ولنحمل خطيكم وما هم بحملين من خطيهم من شيء

در «و ما هم بحاملين ..» دو احتمال وجود دارد: یکی، به قرینه اعلام دروغ بودن ادعای برعهده گیری گناه ارتداد، این است که آنان، حاضر به قبول گناه نیستند. دیگر این که چنین امری، شدنی نیست. برداشت بالا، بنابراین احتمال نخست است.

366- کافران مکه و محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 30 - 3,5

3_ محبوس ساختن یا کشتن و یا تبعید پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از جمله توطئه های کافران مکه علیه آن حضرت

لیشتوک او یقتلوك او یخرجونک و یمکرون

جمله «و یمکرون» بیانگر این است که کافران علاوه بر تصمیم داشتن به قتل پیامبر(صلی الله علیه و آله) و .. برنامه های دیگری نیز علیه پیامبر(صلی الله علیه و آله) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به «از جمله» تعبیر شده است.

5_ شکست کافران مکه در توطئه علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، عبرتی برای همه خائنان به خدا و رسول

لاتخونوا الله و الرسول .. و یمکرون و یمکر الله

یادآوری شکست توطئه های کافران مکه پس از اشاره به خیانت برخی از مسلمانان برای تفهیم این حقیقت است که خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام کنند، همان گونه که کافران موفق نشدند، آنان نیز موفق نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 4

4_ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حقانیت قرآن

فأمطر علينا حجاره من السماء أو اتتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 3,5

3_ خروج پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مکه و اقدام آن حضرت به هجرت ، امری ناخواسته و تحت فشار کافران بود .

إذ أخرجهم الذين كفروا

بدیهی است که خروج پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مکه، به اراده خود آن حضرت صورت گرفت ولی از آن جهت که تحت فشار و جوّ ارباب بود، خداوند اخراج را به کافران نسبت داده است.

5_ موفقیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خروج از مکه و خلاصی از توطئه کافران، مرهون نصرت خاص خداوند بود.

نصره الله إذ أخرجهم الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 6 - 3، 1

ص: 200

1- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

وقالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

3- کافران مکه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود، فردی مجنون و دیوانه می دانستند.

وقالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 7 - 3

3- کافران مکه، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند.

لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

آوردن ملائکه توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) _ که مورد درخواست کفار بود _ احتمال دارد برای تصدیق نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 4

4- درخواست نزول ملائکه، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی کافران مکه، بهانه ای بیش نبود.

لو ما تأتینا بالملئکه ... ما ننزل الملئکه إلا بالحق

قید «إلا بالحق» می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه «إذا منظرین» نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نمی پذیرفتند.

367- کافران مکه و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. . إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

ص: 201

368- کافران مکه و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 7 - 6 - 5

5- ملائکه ، به عنوان موجودات آسمانی شناخته شده برای کافران مکه

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئکه ان كنت من الصدقين

6- کافران و مشرکان مکه ، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئکه

از تعبیر «لو ما تأتينا بالملئکه» (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

369- کافران مکه و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 6 - 5

5- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکه

قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون

370- کافران مکه و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 7 - 2

2_ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. ان هذا الا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- کافران مکہ ، نزول وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را ، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یاٰیها الذی نزل علیه الذکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل «نُزِّلَ» و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

ص: 202

371- کفر اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 1

1 - مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

اکبر مجرمیها .. قالوا لن نؤمن

372- کفر اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 2

2- تن دادن مکیان به صلح ، با همه کفر و عناد خویش نسبت به مؤمنان ، نمودی از اراده و تدبیر نافذ خداوند

و هو الذی کفّ .. هم الذین کفروا

علی رغم کفر و ستیز مشرکان با اسلام، به تدبیر الهی زمینه ای پدید آمد که آنان به صلح تن دادند و شرشان از سر مسلمانان دفع گردید.

373- کفر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 13 - 1

1- کافران مجرم مکه ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله «لایؤمنون به» جمله تفسیری برای «المجرمین» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 14 - 1

1- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم باباً من السماء

1- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم باباً من السماء فظلوا فیہ یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

«سکر» در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

374- کفر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 11، 9

9_ مشرکان مکه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و انبیای پیشین کفر میورزیدند.

أولئك الذين ءاتينهم .. . فإن يكفر بها هؤلاء

«هؤلاء» اشاره به مشرکان مکه است.

11_ خداوند تسلی دهنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) با بشارت به پدیدار شدن مؤمنانی پایدار، علی رغم کفر مشرکان مکه

فإن يكفر بها هؤلاء فقد و كلنا بها قوما ليسوا بها بكفرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 53 - 12

12_ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود.

ذلك بأن الله لم يك مغيرا نعمه أنعمها على قوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

«ذلک» علاوه بر اینکه اشاره به فرجام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می تواند اشاره به قضایای جنگ بدر و نابودی مشرکان مکه نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 1

1- مشرکان مکه، ناباوری و بی اعتقادی خود را به امکان حیات مجدد پس از تبدیل شدن به استخوان خرد و ریز ریز شده، اعلام داشتند.

وقالوا أءذا كنا عظاما ورفا تَأْتِنَا لمبعوثون خلقا جديدا

«رفات» از ریشه «رَفَت» به معنای شکستن و خرد و ریز ریز شدن است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 101 - 7

7- دلدارى خداوند به پيامبر (صلى الله عليه و آله) در قبال كفر مشركان مكه به معجزه آن حضرت (قرآن)

وقالوا لن نؤمن لك... ولقد آتينا موسى تسع آيات بينات... فقال له فرعون إني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 10 - 11

ص: 204

11- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهدش_هد من بنی اسرائیل علی مثلہ ف_امن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان فردی از بنی اسرائیل؛ از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند؛ در حالی که مشرکان عرب _ که قرآن به لغت آنان نازل شده _ از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

375- کفران مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 29 - 1

1 - بهره مندی مشرکان مکه از موهبت های الهی ، به رغم بی اعتنائی آنان به آیین توحیدی ابراهیم (ع)

و إذ قال إبرهیم . . . لعلهم یرجعون . بل متّعت هـ_ؤلاء و ءاباءهم

از آن جا که در آیات پیشین سخن از ابراهیم(ع) و نسل آن حضرت بود و با توجه به این که مشرکان مکه از نسل او به شمار می آمدند، می توان گفت که «ه_ؤلاء» اشاره به مشرکان مکه دارد.

376- کفران نعمت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 67 - 8

8 - مشرکان مکه ، به نعمت های خداوند ، کفر ورزیدند .

هم یشرکون . . . و بنعمه اللّٰه یکفرون

377- کم آبی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 6

6- مکه در آغاز بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، سرزمینی کم آب بود و مکیان نیازمند به منابع دائمی آب بودند .

تفجر لنا من الأرض ینبوعاً

درخواست مشرکان مکه از پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای ایجاد چشمه ای جوشان، احتمال دارد به خاطر، نیاز شدید آنان به منابع آب باشد.

ص: 205

378- کنیزان مغنی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 6 - 5

5 - کافران مکه برای بازداشتن مردم از گوش فرا دادن به آیات قرآن و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) کنیزان آوازه خوان را می خریدند و مردم را به آواز مشغول می کردند .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله

منظور از «لهو الحديث» طبق برخی از شأن نزول ها، غنا است که به وسیله کنیزانی خوانده می شد. لازم به گفتن است که طبق این معنا «اشترء» حقیقی است.

379- کیفر دنیوی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 14 - 1

1_ سرکوبی و شکست مشرکان در بدر ، عقوبت دنیوی آنان

ذلکم فذوقوه و أن للكافرين عذاب النار

«کم» در «ذلکم» خطاب به مشرکان و «ذا» اشاره به شکست و سرکوبی آنان دارد. و «ذلکم» مبتدا و خبر آن به قرینه فراز بعد _ «و أن للكافرين ...» _ «عقابکم فی الدنيا» است.

380- کیفر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 13 - 5

5_ سرکوبی و شکست مشرکان در جنگ بدر ، عقاب شدید الهی برای آنان

فاضربوا فوق الأعناق . . . فإن الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 14 - 3

3_ مشرکان حاضر در کارزار بدر ، مردمی کفرپیشه و مستحق عذاب با آتش دوزخ

وَأَن لِّلْكَافِرِينَ عَذَابُ النَّارِ

از مصادیق مورد نظر برای «للكفرین» مشرکان حاضر در کارزار بدر می باشد.

ص: 206

381- گمراهان مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 156 - 5

5_ مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشان را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الكتب على طائفتين

382- گناه ظلم در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 17

17 - « عن 75 أبي الصباح الكناني قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل : « و من یرد فیہ بالحداد بظلم نذقه من عذاب أليم » فقال : كل ظلم یظلمه الرجل نفسه بمكّه من سرقة أو ظلم أحد أو شیء من الظلم فیأتی أراه ألهاداً ؛

ابی الصباح کنانی گفت: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل «و من یرد فیہ بالحداد بظلم نذقه من عذاب أليم» سؤال کردم فرمود: هر ظلمی که شخص در مکه بر خویش کند؛ خواه دزدی باشد، یا ستم به دیگری و یا هرگونه ستمی، من آن را الحداد و انحراف می بینم».

383- گناه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 13 - 2

2- تلاش کافران مکه برای مرتد ساختن مسلمانان ، گناه سنگینی است .

وقال الذین کفروا .. اتبعوا سبیلنا ... ولیحملنّ أثقالهم

384- گناه مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 53 - 12

12_ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر ، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود .

ذلک بأن الله لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

«ذلک» علاوه بر اینکه اشاره به فرجام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می تواند اشاره به قضایای جنگ بدر و نابودی مشرکان مکه نیز داشته باشد.

ص: 207

385- لجاجت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 7 - 2

2_ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا عليك كتابا .. إن هذا إلا سحر مبين

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 4

4_ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حقانیت قرآن

فأمطر علينا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 13 - 15 - 1

1- کافران مجرم مکه، علی رغم دریافت آیات قرآن، به آن ایمان نیاوردند.

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله «لایؤمنون به» جمله تفسیری برای «المجرمین» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 14 - 15 - 1

1- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند، ایمان نخواهند آورد.

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم باباً من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 15 - 2, 1

1- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظلّوا فیہ یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

«سکر» در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

2- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظلّوا فیہ یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

ص: 208

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 7

7 - لجاجت و تعصب کورکورانه اشرف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمنهم... للجوا فی طغی_نهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 1

1 - کافران مکه اعلام کردند که به هیچ رو به قرآن و کتاب های پیشین آسمانی ایمان نمی آورند .

وقال الذین کفروا لن نؤمن به_ذا القراءان و لا بالذی بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 19 - 6

6 - اصرار کافران مکه بر تکذیب تهدید های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونیان و ثمودیان ، شگفت آورتر از کفرورزی پیشینیان است .

بل الذین کفروا فی تکذیب

اضراب که از حرف «بل» استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مکه در قیاس با کفر پیشینیان اعجاب آورتر است؛ زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را دروغ شمردند.

386- لجاجت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 29 - 1

1_ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

وقالوا ان هی إلا حیاتنا الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مشركان مكه ، على رغم مشاهده آيات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من كلّ مثل فإبی ... وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- مشرکان مکہ ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا . . . من کلّ مثل فأبی . . . وقالوا لن نُؤمن لک حتی . . . تكون لک جتّه من

نکته یاد شده با این احتمال در آیه قابل استفاده است که: آنان ایجاد باغی با صفات یاد شده را به وسیله معجزه درخواست کرده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 5

5- سرسختی و لجاجت مشرکان مکہ در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تعالیم بر حق او

لن نُؤمن لک حتی . . . تسقط السّماء کما زعمت علينا کسفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 4

4- مشرکان مکہ ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا . . . من کلّ مثل فأبی . . . وقالوا لن نُؤمن لک حتی . . . یكون لک بیت من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 47 - 12

12 - مشرکان مکہ ، از سر لجاجت ، قرآن را نپذیرفتند و به آن ایمان نیاوردند .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب . . . و ما یجحد بأیّتنا إلاّ الکتفرون

«جحد» نفی کردن چیزی است که دل، اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل، نفی کرده است (مفردات راغب) بنابر معنای لغوی،

«جحد»، منطبق بر لجاجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 49 - 10

10 - انکار قرآن از سوی مشرکان مکہ ، از سر لجاجت و حق ناپذیری بود .

ما یجحد بأیّتنا إلاّ الکتفرون . . . و ما یجحد بأیّتنا إلاّ الظلمون

«جحد» در لغت نفی چیزی است که دل آن را اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل نفی می کند. (مفردات راغب). «جحد» طبق معنای لغوی منطبق بر لجاجت است. گفتمی است: «ال» در «الظالمون» عهد بوده و اشاره به «الكافرون» در آیه چهل و هفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 30 - 2

2 - انکار لجاجت آمیز وحی و قرآن ، از سوی مشرکان مکه

و رسول مبین . و لَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ

ص: 210

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 34 - 2

2- مشرکان مکه بر موضع انکار آمیز خود در باره معاد پافشاری کرده و بر آن اصرار میورزیدند .

إِنَّ هَؤُلَاءَ لَيَقُولُونَ

به کارگیری فعل مضارع (یقولون) _ که مفید استمرار است _ بیانگر مطلب فوق می باشد.

387- ماده گرایی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 9

9- مشرکان مکه ، دارای تصویری مادی و جسمانی از خدا و ملائکه

تأتی بالله و الملئکه قبلاً

«قبیلاً» به معنای رو در رو شدن و مشاهده آمده است و از آن نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 8

8- اتکای مشرکان مکه به ملاک های مادی و حسی ، در شناخت معجزات و آیات الهی

حتى تفجر لنا . . . حتى تنزل علينا كتبا نقرؤه

388- مادیگرایی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 3

3- ثروت و اشرافیت ، ملاک تمامی ارزش ها _ حتی ارزش های دینی _ در نگاه مشرکان مکه

لولا نزل هذالقرءان . . . عظیم

مشرکان در مقام اعتراض به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اظهار می داشتند: اگر وحی اصالت داشت، می بایست بر اشراف نازل می شد. از

این نکته استفاده می شود که ملاک ارزش برای آنان، مال و مقام بوده است.

389- ماههای مهلت به مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 14

ص: 211

14_ از امیرالمؤمنین (ع) درباره قول خدای عز و جل « فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر » روایت شده است: « هی عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من ربیع الآخر . . . » ;

آن چهار ماه، بیست روز از آخر ذیحجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز اول ربیع الآخر است . . . ».

390- مبارزه با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 112 - 21

21_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به مبارزه منفی با مشرکان مکه از راه بی اعتنایی به شبهات و دروغپردازیهای آنان است.

و لو شاء ربک ما فعلوه فذرهم و ما یفترون

رها کردن مشرکان و اعتنا نکردن به گفته های آنان نوعی مبارزه منفی است که خداوند پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به آن فرمان می دهد.

391- مبارزه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 3

3- ناتوانی و درماندگی کافران و مشرکان مکه ، در مبارزه با اسلام و منطق پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلهزواً

از این که کافران و مشرکان، به گونه ای مستمر به استهزای پیامبر (صلی الله علیه و آله) می پرداختند، بر می آید که آنان در توسل به منطق و دلیل و برهان ناتوان بودند و هیچ راهی جز این نداشتند.

392- مبارزه مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 3

3- ناتوانی و درماندگی کافران و مشرکان مکه ، در مبارزه با اسلام و منطق پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلهزواً

از این که کافران و مشرکان، به گونه ای مستمر به استهزای پیامبر (صلی الله علیه و آله) می پرداختند، بر می آید که آنان در توسل به منطق و

دلیل و برهان ناتوان بودند و هیچ راهی جز این نداشتند.

ص: 212

393- مبانی عقیدتی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 35 - 3

3- مشرکان مکه ، در صدد تقویت پایگاه عقیدتی خویش با استناد به ریشه تاریخی داشتن آن

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء نحن و لا ءاباؤنا

ذکر «ولا ءاباؤنا» در کلام مشرکان در حالی که بحثی از آنها در میان نبوده است، می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

394- مجادله بامشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 8

8- مجادله قرآن با مشرکان ، با بهره گیری از باور های ایشان در رد عقاید شرک آلودشان

أفأصْفَ کم ربکم بالبنین و اتَّخذ من المملئکه إنئاً

395- مجادله مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 57 - 1

1 - مجادله مشرکان مکه درباره عیسی (ع) ، اقدامی در جهت تخطئه آیات قرآن

و لَمَّا ضْرِب ابن مریم مثلاً

تأمل در آیات بعد، نشان می دهد که مَثَل مذکور در این آیه، از ناحیه مشرکان و برای توجیه روی آوری آنان به پرستش بت ها و انکار مورد عذاب واقع شدن معبودهای شرک بوده است؛ چنان که در آیه بعد می فرماید: «ما ضربوه إلاّ جدلاً...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 6، 1

1 - مجادله مشرکان مکه با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در مقایسه معبود های خویش با عیسی (ع)

وقالوا ألهتنا خير أم هو

6- مقایسه میان بت ها و عیسی بن مریم (ع) ، حرکتی جدلی از سوی مشرکان مکه

ما ضربه لك إلاّ جدلاً

در مکتب پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن از الوهیت عیسی (ع) به میان نیامده بود تا مشرکان او را با آلهه خود مقایسه کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 36 - 2

ص: 213

2- مجادله مشرکان مکه با مؤمنان ، در مسأله معاد

فأتوا بـِ ابائنا إن كنتم صـِ دقین

تعبیر «فأتوا» (با صیغه جمع) می رساند که مخاطب مشرکان، تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبوده؛ بلکه مؤمنان نیز مورد خطاب آنان بودند.

396- محافظت از مسلمانان ناشناخته مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 15

15- تدبیر صلح حدیبیه از جانب خداوند ، به منظور حفظ جان مؤمنان ناشناخته مکه

و لولا رجال مؤمنون . . . أن تطـِ وهم

397- محبت اهل مکه به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 7 - 10

10 - رحمت و غفران گسترده الهی ، پشتوانه بخشایش گناه اهل مکه و پیدایش مودت میان آنان و مؤمنان

عسی الله أن يجعل بینکم . . . و الله غفور رحیم

از ارتباط میان «والله غفور رحیم» با صدر آیه _ که نوید به اصلاح روابط مؤمنان مدینه و مکیان ستیزه جو را دربردارد _ استفاده می شود که آن عداوت ها، پایان خواهد یافت و معاندان به سوی توبه روی خواهند آورد و رحمت و غفران گسترده الهی آنان را دربر خواهد گرفت و در پرتو این رحمت و آمرزش، مودت حاصل خواهد شد.

398- محدوده تلاش مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 7

7- فعالیت مسلمانان صدر اسلام پیش از هجرت ، محدود به مسائل فرهنگی و تبلیغی

إلا أن یقولوا ربنا الله

399- محرومیت اهل مکہ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

11 - طہ - 20 - 134 - 8

ص: 214

8 - اهل مکه پیش از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از تعالیم رسولان الهی محروم بودند .

من قبله لقالوا ربنا لولا أرسلت إلینا رسولاً فنتبع ءای تک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 46 - 9

9 - بی بهره بودن مردم سرزمین مکه از تعلیمات آسمانی ، عامل عقب ماندگی آنان و فراگیر شدن غفلت و بی خبری در میان آنها

لتندر قومًا ما أتیهم من نذیر من قبلک لعلهم یتدکرون

400- محرومیت اهل مکه از کتاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 3 - 10

10 - مردم مکه ، پیش از رسول الله (صلی الله علیه و آله) از پیامبر صاحب کتاب آسمانی محروم بوده اند .

ما أتىهم من نذیر من قبلک

به قرینه مکی بودن سوره، احتمال دارد مراد از «هم» در «ما أتاهم من نذیر...» مکیان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 44 - 4

4 - مشرکان مکه ، پیش از قرآن ، از هیچ کتاب آسمانی برخوردار نبودند .

و ما ءاتینهم من کتب یدرسونها

401- محرومیت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 5

5 - ابراهیم (ع) از خداوند خواست تا کافران مکه را از روزی های خویش بهره مند نسازد .

و ارزق .. من ءامن منهم باللّٰه و الیوم الآخر

«من ءامن» به عنوان بدل برای «أهله» بیانگر مقصود ابراهیم(ع) از کلمه «أهله» است. آن حضرت با آوردن «من ءامن» اشاره به این معنا دارد که: خواهان اعطای ثمرات به کافران مکه نیست.

ص: 215

402- محرومیت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 101 - 11

11 - مشرکان مکه ، گروهی بودند که زمینه ایمان به آیات الهی و هشدار های پیامبران را ، از دست داده بودند .

أفأنت تكره الناس حتى يكونوا مؤمنين . . . و ما تغنى الآيت و النذر عن قوم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 46 - 2

2- مشرکان مکه ، در اثر مستوری قلب و سنگینی گوشه‌هایشان ، از ادراک صحیح آیات خدا ، محروم بودند .

و جعلنا بینک و بین الذین لا يؤمنون بالآخره حجاباً مستوراً و جعلنا علی قلوبهم أكنّ

403- محمد (صلی الله علیه و آله) از اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 2 - 5

5 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) اهل مکه و بزرگ شده در میان مردم آن شهر بود .

أكان للناس عجباً أن أوحينا إلى رجل منهم

404- محمد (صلی الله علیه و آله) در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه ، مسلمانان را از درگیری مسلحانه با کافران بازمی داشت .

الم تر الى الذین قیل لهم کفوا ایدیکم

بنابر آنچه در شأن نزول آمده، نهی از مبارزه مسلحانه در مکه و قبل از هجرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه ، برای مشرکان غیر قابل تحمل بود .

وإن كادوا ليستفزونك من الأرض ليخرجوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 2 - 4

ص: 216

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، هنگام نازل شدن سوره « بلد » ، در شهر مکه سکونت داشت .

و أنت حلّ به_ذا البلد

این احتمال وجود دارد که «حِلّ» به معنای اقامت کننده باشد، آن گونه که در البحرالمحیط آمده است. بر این مبنا این کلمه یا مرادف «حالّ» و یا مصدر و به معنای «حلول» است و توصیف پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آن، برای مبالغه در استقرار آن حضرت در مکه خواهد بود.

405- محمد (صلی الله علیه و آله) و مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 112 - 21

21_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به مبارزه منفی با مشرکان مکه از راه بی اعتنایی به شبهات و دروغپدازیهای آنان است.

و لو شاء ربک ما فعلوه فذرهم و ما یفترون

رها کردن مشرکان و اعتنا نکردن به گفته های آنان نوعی مبارزه منفی است که خداوند پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به آن فرمان می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 1, 2

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به ابلاغ رهنمود خداوند به مشرکان ، در اثبات توحید و نفی شرک

قل لو کان معه ءالیه کما یقولون إذا لآبتغوا إلى ذی العرش سبیلاً

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف شد تا به مشرکان اعلام کند : اگر با خدای واحد ، خدایان دیگری وجود دارد ، باید آنان برای گرفتن عرش چاره اندیشی نموده و وسیله ای فراهم آورند .

قل لو کان معه ءالیه کما یقولون إذا لآبتغوا إلى ذی العرش سبیلاً

406- مخالفت اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 4 - 7

7 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به هنگام بعثت ، با مخالفت قدرت های سیاسی و اقتصادی عصر خویش _ مانند اشراف مکه _

روبه رو بود .

فلايغررك تقلّبهم في البِلْد

407- مخالفت قدرتمندان مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 217

6- صاحبان قدرت و شوکت ، مخالفان اصلی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه

فأهلکنا أشدّ منهم بطشاً

با توجه به واژه «أشد» _ که افعال التفضیل است _ استفاده می شود که مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه، به نوعی از قدرت ظاهری برخوردار بودند.

408- مدت مهلت به مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 2 - 15

15_ از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: «خطب علی (ع) الناس... فقال: ... من کانت له مده فهو إلی مدته و من لم یکن له مده فمدته أریعه أشهر و کان خطب یوم النحر...»؛

علی (ع) [هنگام اعلام براءت] برای مردم سخنرانی کرد. .. و فرمود: ... هر کس برای او مدت تعیین شده تا همان مدت، و کسی که برای او مدت تعیین نشده تا چهار ماه مهلت دارد و این سخنرانی روز عید قربان بود ...».

409- مردان مؤمن مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 8,9

8- وجود زنان و مردانی مؤمن _ اما ناشناخته _ در میان کافران مکه ، قبل از حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهم

9- بی اطلاعی مهاجران و انصار ، از وجود مردان و زنانی مؤمن در میان مکیان ؛ قبل از صلح حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهم

410- مرکزیت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 92 - 11

11_ شهر مکه، مرکز سرزمین حجاز در اوان ظهور اسلام

ولتندر أم القرى و من حولها

ص: 218

411- مسافرت محمد (صلی الله علیه و آله) به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 2

2 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول والمؤمنون إلى أهليهم

تعبیر «إلى أهليهم»، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

412- مسافرت مؤمنان به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 2

2 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول والمؤمنون إلى أهليهم

تعبیر «إلى أهليهم»، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

413- مسلمانان پس از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 11، 12، 16

11 - تفاوت وضع مسلمانان صدر اسلام از نظر عِدّه و عُدّه (نفرات و امکانات) ، در مقطع پیش از فتح مکه و مقطع بعد از آن

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح وقـتل . . . من الذين أنفقوا من بعد وقـتلوا

12 - شرایط مسلمانان صدر اسلام تا پیش از فتح مکه ، بسی سخت تر از شرایط آنان پس از آن بوده است .

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح وقـتل . . . من الذين أنفقوا من بعد وقـتلوا

16 - مسلمانانی که در دوران سخت پیش از فتح مکه ، از جهاد و انفاق در راه خدا کوتاهی نکردند ، دارای درجه و منزلتی بزرگ تر از

مسلمانانی اند که پس از آن اقدام به جهاد و انفاق می کردند .

لايستوى منكم من أنفق... أولئك أعظم درجة من الذين أنفقوا من بعد وقءِ تلوا

414- مسلمانان قبل از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - حديد - 57 - 10 - 11, 12, 16

11 - تفاوت وضع مسلمانان صدر اسلام از نظر عده و عده (نفرات و امکانات) ، در مقطع پيش از فتح مکه و مقطع بعد از آن

ص: 219

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح وقـتل . . . من الذين أنفقوا من بعد وقـتلوا

12 - شرایط مسلمانان صدر اسلام تا پیش از فتح مکه ، بسی سخت تر از شرایط آنان پس از آن بوده است .

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح وقـتل . . . من الذين أنفقوا من بعد وقـتلوا

16 - مسلمانانی که در دوران سخت پیش از فتح مکه ، از جهاد و انفاق در راه خدا کوتاهی نکردند ، دارای درجه و منزلتی بزرگ تر از مسلمانانی اند که پس از آن اقدام به جهاد و انفاق می کردند .

لايستوى منكم من أنفق . . . أولئك أعظم درجه من الذين أنفقوا من بعد وقـتلوا

415- مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 10

10 _ دعای مسلمانان مظلوم و مستضعف مکه به درگاه پروردگار برای رهایی از ستم حاکم بر آنان

والمستضعفين . . . الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها

416- مسلمانان ناشناخته مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 8، 9، 12

8- وجود زنان و مردانی مؤمن _ اما ناشناخته _ در میان کافران مکه ، قبل از حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهم

9- بی اطلاعی مهاجران و انصار ، از وجود مردان و زنانی مؤمن در میان مکیان ؛ قبل از صلح حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهم

12- پی بردن مسلمانان ، پس از حدیبیه به وجود عناصری مؤمن ؛ اما مخفی در قلب محیط شرک (مکه)

و لولا رجال مؤمنون . . . لم تعلموهم

تعبیر «لم تعلموهم» ، بیانگر عدم اطلاع قبلی مسلمانان از وجود مؤمنانی در مکه است و نفس همین تعبیر ، تذکری به مسلمانان نسبت به وجود مؤمنان ناشناخته در مکه است .

417- مسیحیان در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 46 - 3

3- وجود افرادی یهودی و یا مسیحی در مکه، در دوران بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

ص: 220

و لاتجـ دلوا اهل الكتـ ب إلا بالتی هی أحسن

سوره عنكبوت، طبق نظر مشهور، مکی است و برداشت بالا، براساس آن است.

418- مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 217 - 17,37

17_ مشرکان مکه ، مردمانی کفرپیشه و بازدارندگان از راه خداوند و مسجدالحرام

و صدّ عن سبیل اللّٰه و کفر به و المسجدالحرام و اخراج اهله

37_ تبعید و بیرون راندن اهل مسجدالحرام (پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان) ، از سوی مشرکان مکه

و المسجد الحرام و اخراج اهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 20 - 6

6_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور دعوت اهل کتاب و مشرکان مکه و درس نخوانندگان فاقد کتاب به تسلیم در برابر خدا

و قل للذین اوتوا الكتاب و الامّین ءاسلمتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 51 - 9,11

9_ برخی از اهل کتاب ، مشرکان مکه را هدایت یافته تر از مسلمانان قلمداد می کردند .

و یقولون للذین کفروا هؤلاء اهدی من الذین امنوا سبیلاً

11_ موضعگیری مشترک عالمان یهود و مشرکان مکه علیه اهل ایمان

الم تر الی الذین . . . و یقولون للذین کفروا هؤلاء اهدی من الذین امنوا سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 84 - 8

8_ وعده خداوند به مصونیت جامعه ایمانی از آسیب مشرکان مکه در صورت شرکت مسلمانان در جنگ بدر (بدر صغرا)

فقاتل . . . و حرّض المؤمنین عسى الله ان يكفّ بأس الذين كفروا

419- مشرکان مکه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 10 - 4

ص: 221

4- یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. «من فوقکم» اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و «من أسفل منکم» اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 4

4- یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، هم پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظ_هروهم من أهل الکت_ب

مراد از «الذین ظاهروا» یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر «هم»، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

420- مشرکان مکه در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 13 - 5، 1

1 _ مشرکان مکه به دلیل حضورشان در کارزار بدر ، از دشمنان و مخالفان خدا و رسول او بودند .

ذلک بأنهم شاقوا اللّٰه ورسوله

5_ سرکوبی و شکست مشرکان در جنگ بدر ، عقاب شدید الهی برای آنان

فاضربوا فوق الأعناق . . . فإن اللّٰه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 14 - 3، 1

1 _ سرکوبی و شکست مشرکان در بدر ، عقوبت دنیوی آنان

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

«کم» در «ذلکم» خطاب به مشرکان و «ذا» اشاره به شکست و سرکوبی آنان دارد. و «ذلکم» مبتدا و خبر آن به قرینه فراز بعد _ «وأن للكافرين ...» _ «عقابکم فی الدنيا» است.

3_ مشرکان حاضر در کارزار بدر ، مردمی کفرپیشه و مستحق عذاب با آتش دوزخ

وأن للكافرين عذاب النار

از مصادیق مورد نظر برای «للكافرين» مشرکان حاضر در کارزار بدر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 15 - 2

ص: 222

2- فرجام بهود بنی نصیر در موضع گیری علیه اسلام، منتهی به شکست آنان، همچون فرجام مشرکان مکه در بدر *

کمثل الذین من قبلهم قریباً

برخی برآند که مراد از «الذین من قبلهم قریباً»، مشرکان مکه در بدر است.

421- مشرکان مکه و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 101 - 11

11_ مشرکان مکه، گروهی بودند که زمینه ایمان به آیات الهی و هشدارهای پیامبران را، از دست داده بودند.

أفأنت تکره الناس حتی یكونوا مؤمنین . . و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 8

8- اتکای مشرکان مکه به ملاک های مادی و حسی، در شناخت معجزات و آیات الهی

حتی تفجر لنا . . حتی تنزل علینا کتبا نقرؤه

422- مشرکان مکه و احکام ذبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 121 - 7

7_ واکنش شدید مشرکان مکه در قبال احکام ذبیحه و شرایط حلیت آن در اسلام

فکلوا مما ذکر اسم الله . . و ما لکم ألا تأکلوا . . و ذروا ظهر الإثم . . و لا تأ

از تأکید خداوند بر این حکم استفاده می شود که مشرکان در قبال آن واکنش شدیدی نشان می دادند.

423- مشرکان مکه و پیروان انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 157 - 1

1_ اعتراف مشركان مكه به هدايت يافتگى پيروان تورات و انجيل

لوأنا أنزل علينا الكتب لكننا أهدى منهم

ص: 223

424- مشرکان مکہ و پیروان تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 157 - 1

1 _ اعتراف مشرکان مکہ به هدایت یافتگی پیروان تورات و انجیل

لو أنا أنزل علينا الكتب لکننا أهدی منهم

425- مشرکان مکہ و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 156 - 5

5_ مشرکان و گمراهان مکہ، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشتن را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الكتب علی طائفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 41 - 9, 5

5- بهره کفرپیشگان مکہ از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرفنا فی هـ ذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

9- برخورد کافران و مشرکان مکہ با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی _ روانی آنان بود .

و لقد صرفنا فی هـ ذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی _ نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 5

5- مشرکان مکہ ، قرآن را علی رغم بی مانندی اش ، معجزه نمی دانستند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . . . وقالوا لن نؤمن لك

از اینکه خداوند، پس از توصیف قرآن به معجزه و بی مانند بودن، درخواست معجزه حسی آنان را نقل می کند، می تواند به نکته فوق اشعار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 3

3- مشرکان مکه ، از مفاهیم عالی قرآن غافل بوده و به زخارف دنیا چشم دوخته بودند .

و لقد صرّفنا فی هـذا القراءان من کلّ مثل فأبی . . . وقالوا لن نؤمن لك حتی ... أو

ص: 224

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 47 - 12

12 - مشرکان مکه ، از سر لجاجت ، قرآن را نپذیرفتند و به آن ایمان نیاوردند .

و كذلك أنزلنا إليك الكتاب . . . و ما يجحد بأى تنا إلا الكفرون

«جحد» نفی کردن چیزی است که دل، اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل، نفی کرده است (مفردات راغب) بنابر معنای لغوی، «جحد»، منطبق بر لجاجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 5

5 - بهانه جویی های پیاپی و گوناگون مشرکان مکه ، در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن

قالوا هـذا سحر . . . وقالوا لولا نزل هـذا القرآن

از این که مشرکان مکه گاهی قرآن را به سحر متهم می کردند و گاهی فقر و تنگدستی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بهانه قرار می دادند، مطلب بالا استفاده می شود.

426- مشرکان مکه و قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 35 - 2

2_ مشرکان مکه ، سرگذشت نوح و قوم او را ، داستانی ساختگی و بافته پیامبر (صلی الله علیه و آله) می پنداشتند .

و لقد أرسلنا نوحًا . . . أم يقولون افتريه

برداشت فوق ، براین اساس است که ضمیر مفعولی در «إفتراه» به داستان نوح(ع) و قوم او که در آیات پیشین آمده ، باز گردد.

427- مشرکان مکه و محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 5 - 4, 3

3_ مشرکان مکه در عصر بعثت ، دارای جلسات مخفی برای توطئه چینی علیه اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

«إستغشى ثيابه» یعنی با جامه هایش خود را مخفی ساخت تا دیده نشود (لسان العرب) «حين» متعلق به «يعلم» است و لذا جمله «ألا حين يستغشون ثيابهم يعلم . . .» می رساند که مشرکان در همان هنگامی که خود را مخفی و مستور می کردند مسایلی را مطرح می کردند برخی از آنها را پنهان می داشتند (ما یسرون) و برخی را آشکار می نمودند (و ما یعلنون) این معنا گویای آن است که مراد از «یستغشون ثيابهم . . .» این است که مشرکان برای توطئه علیه پیامبر جلسات مخفی تشکیل می دادند نه مجرد

پنهان ساختن خویش.

4_ مشرکان مکه، دارای مواضع علنی و آشکار علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و توطئه های سرّی و محرمانه علیه آن حضرت

ألا حين يستغشون ثيابهم يعلم ما يسرون و ما يعلنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 5

5- سرسختی و لجاجت مشرکان مکه در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تعالیم بر حق او

لن نؤمن لك حتى . . . تسقط السماء كما زعمت علينا كسفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 50 - 11

11 - مشرکان، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تحقق معجزه، نقشی چشمگیر قائل بودند.

وقالوا لولا أنزل عليه آيات . . . قل إنما الآيات عند الله وإنما أنا نذير

مشرکان، اگرچه در معجزه خواهی خود، منشأ معجزه را ذکر کرده اند، اما پاسخی که خداوند می دهد (قل . . . إنما أنا نذير...) حاکی است که آنان، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقش اساسی قائل بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 2

2- مشرکان مکه، با نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پیام توحیدی آن حضرت در ستیز بودند، نه منکر وجود آفریدگار عزیز و دانای جهان.

ولئن سألتهم . . . ليقولنّ خلقهنّ العزيز العليم

با توجه به آیات پیشین - که نوعی خطاب و عتاب نسبت به منکران پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 5

5 - بهانه جویی های پیاپی و گوناگون مشرکان مکه ، در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن

قالوا هـ_ذا سحر . . . وقالوا لولا نزل هـ_ذا القرآن

از این که مشرکان مکه گاهی قرآن را به سحر متهم می کردند و گاهی فقر و تنگدستی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بهانه قرار می دادند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 36 - 1

1- مشرکان برای پذیرش درستی معاد ، زنده شدن نیاکانشان را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار شدند .

فأتوا بـ_ابائنا إن كنتم صـ_دقین

ص: 226

428- مشرکان مکّه و مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 191 - 4

4- مشرکان مکّه ، مسلمانان صدر اسلام را از مکّه اخراج و آنان را به هجرت وادار کردند .

و أخرجهم من حيث أخرجكم

429- مشرکان مکّه و مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 35 - 4،7

4- مشرکان مکّه ، باورمند به مشیت خداوند بودند و تفسیر نادرستی از آن داشتند .

وقال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء

7- مشرکان مکّه ، علی رغم عقیده به خدایان متعدد ، اظهار عقیده به خداوند کرده و قضای او را در عالم نافذ می دانستند .

وقال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء

430- مشرکان مکّه و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 1

1_ مشرکان مکّه سوگند اکید یاد کردند که در صورت مشاهده معجزه مورد نظر خود ایمان می آورند.

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن جاءتهم آية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 8

8- اتکای مشرکان مکّه به ملاک های مادی و حسی ، در شناخت معجزات و آیات الهی

حتى تفجر لنا .. حتى تنزل علينا كتبا نقرؤه

431- مشركان مكه و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - دخان - 44 - 36 - 2

2- مجادله مشركان مكه با مؤمنان ، در مسأله معاد

ص: 227

فأتوا بـ ابائنا إن كنتم صـ دقین

تعبیر «فأتوا» (با صیغه جمع) می رساند که مخاطب مشرکان، تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبوده؛ بلکه مؤمنان نیز مورد خطاب آنان بودند.

432- مشرکان مکه و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 7

7- مشرکان مکه ، مبعوث شدن انسان زوال پذیر را برای نبوت ، قبول نداشتند . *

و أقسموا بالله جهد أيمهم لا يبعث الله من يموت

به قرینه آیات قبل _ که درباره بعثت انبیا و مورد انکار قرار گرفتن آن از سوی مشرکان بود _ احتمال دارد مراد آیه نکته یاد شده باشد؛ یعنی، منظور از «یبعث» برانگیختن برای نبوت باشد نه حشر اخروی.

433- مشرکان مکه و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 43 - 5

5- مشرکان مکه ، نزول وحی به انسان را قبول نداشتند .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحى إليهم

آیه درصدد تعریض به مشرکان و جواب گویی به آنان است که طبق قرینه ها و آیات دیگر قرآن کریم (سوره یونس ، آیه 2) آنها مبعوث شدن انسان را از جانب خداوند برای پیامبری قبول نداشتند. فعل «نوحی» در آیه قرینه و نشانه ای است بر نکته فوق.

434- مشرکان مکه و نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 4

4 - اظهار شگفتی و ناباوری مشرکان مکه ، نسبت به نزول وحی بر فردی عادی و غیراشرافی

لولا نزل هـ ذا القرآن على رجل من القریتین عظیم

با توجه به اعتراض مشرکان مکه که چرا پیامبر، از میان اشراف و ثروتمندان برگزیده نشد، فقر و تنگدستی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دست می آید.

ص: 228

435- مشرکان مکه و هشدارهای انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 101 - 11

11 - مشرکان مکه ، گروهی بودند که زمینه ایمان به آیات الهی و هشدارهای پیامبران را ، از دست داده بودند .

أفأنت تکره الناس حتی یكونوا مؤمنین . . . و ما تغنی الآیت و النذر عن قوم لایؤمنون

436- مشکلات کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 4

4 - ابتلای کافران مکه به گرفتاری و سختی ، از رخداد های دوران پیش از هجرت

و لو رحمنا هم و کشفنا ما بهم من ضرّ

437- مشکلات محمد (صلی الله علیه و آله) در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 13 - 3

3- تسلیت و دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، در شرایط سخت و دشوار مکه

إِنَّ الذّین قالوا ربّنا الله ثمّ استقوا

438- مشکلات مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 96 - 3

3- مسلمانان صدراسلام (در مکه) از سوی کافران و مشرکان گرفتار فشارهای روحی و تنگناهای روانی بودند .

إِنَّ الذّین ءامنوا و عملوا الصّالحات سیجعل

با توجه به نزول این آیات در مکه، جمله «سیجعل . . .» باید وعده ای نزدیک به مسلمانان صدراسلام باشد. این نوید حکایت از آن دارد که

مسلمانان در زمان نزول آیات، در شرایط سختی از نظر روحی و روانی و مقبولیت اجتماعی قرار داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 13 - 3

3- تسلیت و دلدادگی خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، در شرایط سخت و دشوار مکه

ص: 229

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 10

10- مؤمنان مکه قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی دشوار و ناگزیر از تقیه شدید

رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهم

آگاهی نداشتن مؤمنان مدینه از مؤمنان مکه، از آن جهت بوده است که مؤمنان مکه در آن محیط، قادر به ابراز ایمان نبوده و شدیداً تقیه می کردند.

439- مصایب کافران اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 11

11_ کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبت‌هایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه او تحلّ قريباً من دارهم

«قرع» به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است و «قارعه» به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند «مصیبه» است. ضمیر در «تحلّ» نیز به «قارعه» باز می گردد و سیاق جمله «لا يزال...» حکایت از قضیه خارجیّه دارد. بنابراین «الذين كفروا» اشاره به کافرانی خاص دارد که بنا بر گفته مفسران، مقصود کافران مکه هستند و بر این اساس مراد از «دار» مکه و مقصود از «قرباً من دارهم» حوالی آن است.

440- مصایب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 11

11_ کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبت‌هایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه او تحلّ قريباً من دارهم

«قرع» به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است و «قارعه» به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند «مصیبه» است. ضمیر در «تحلّ» نیز به «قارعه» باز می گردد و سیاق جمله «لا يزال...» حکایت از قضیه خارجیّه دارد. بنابراین

«الذین کفروا» اشاره به کافرانی خاص دارد که بنا بر گفته مفسران، مقصود کافران مکه هستند و بر این اساس مراد از «دار» مکه و مقصود از «قرباً من دارهم» حوالی آن است.

ص: 230

441- مصونیت از مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 24 - 5

5- ورود مسلمانان به سرزمین مکه و آسیب ندیدن از ناحیه دشمن ، ظفری الهی برای ایشان

و هو الذی کفّ . . . من بعد أن أظفرکم علیهم

442- مصونیت مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 20

20- مصونیت مؤمنان مکه و بهره مندی آنان از رحمت الهی ، از اهداف برقراری صلح حدیبیه

لیدخل اللّٰه فی رحمته من یشاء

از ارتباط جمله «لیدخل . . .» با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا «لیدخل . . .» غایت برای جواب محذوف است؛ یعنی، ما بدین سبب اجازه جنگ ندادیم تا مؤمنان مکه آسیب نبینند و از رحمت الهی بهره مند گردند.

443- معاهده مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 4

4- یهود بنی قریظه ، در غزه احزاب ، هم پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظَـهروهم من أهل الکتب

مراد از «الذین ظاهروا» یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر «هم»، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

444- مکر اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 123 - 7

7_ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و کذلک جعلنا فی کل قریه

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر «مکه» است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

ص: 231

445- مکر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 31 - 1

1 _ تمسک کافران مکه به حيله برای مقابله با آنان

و یمکرون . . . و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله «إذا تتلی . . .» می تواند بیان مصداقی از «یمکرون» در آیه قبل باشد.

446- مکه در دوران ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 7

7- مکه در عصر حضرت ابراهیم (ع) دارای بافت شهری بود .

و إذ قال إبرهیم ربّ اجعلْه ذا البلد ءامناً

447- مکه مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 195 - 25, 27

25 _ شرایط دشوار محیط مکه برای مسلمانان صدر اسلام

فألذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی

چون معمولاً هجرت در صدر اسلام از مکه و اطراف آن صورت می گرفت، مراد از «دیارهم»، مکه و اطراف آن است.

27 _ حاکمیت و تسلط کافران بر سرزمین مکه و مسلمانان آن دیار، در صدر اسلام

فألذین . . . اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی ... و قتلوا

448- ممانعت از جنگ با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - رخداد صلح حدیبیه و باز نشدن دست مکیان و مؤمنان علیه یکدیگر ، تنها به تدبیر و اراده الهی

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن مکه

ص: 232

4- درگیر نشدن مؤمنان و مکیان با یکدیگر در « عمره القضا » ، نعمتی مهم برای اهل ایمان *

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن مکّه

برداشت بالا- بدان احتمال است که تعبیر «بیطن مکّه» اشاره به «عمره القضا» داشته باشد که مسلمانان پس از پیروزی حدیبیه براساس قرارداد، سال بعد به شهر مکه وارد شدند و با آرامش کامل، مناسک عمره را به جا آوردند.

449- ممانعت حاجیان از مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 8

8- ممانعت از ورود حاجیان به مکّه ، تجاوز به حقّی است که خدا برای آنان قرار داده است .

و یصدّون .. الذی جعلنّه للناس

450- منشأ امنیت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 20،21،12

12- بهره مندی ساکنان مکه از امنیت و آسایش کامل ، در سایه عنایت و توجه خداوند به آن سرزمین

أولم نمکنّ لهم حرماً امنّاً

20- بیشتر مردم مکه در عصر بعثت ، گرفتار جهل و ناآگاهی نسبت به تعلق اراده الهی بر تضمین امنیت آن مکان مقدس و تأمین روزی ساکنان آن بودند .

أولم نمکنّ لهم حرماً امنّاً .. ولکنّ اکثرهم لایعلمون

21- جهل بیشتر مشرکان مکه به خاستگاه الهی امنیت و رفاه اقتصادی آن شهر ، عامل روی گردانی آنان از پذیرش هدایت الهی (اسلام) بود .

وقالوا إن تبع الهدی .. ولکنّ اکثرهم لایعلمون

451- منشأ بت پرستی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- مشرکان مکہ ، بت پرستی خود و پدرانشان را برخاسته از مشیت خداوند می دانستند .

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء نحن و لاء اباؤنا

با توجه به مکی بودن سورهء نحل و نیز قرینه « کذلک فعل الذین من قبلهم » مراد از « الذین أشركوا » مشرکان مکہ است.

ص: 233

452- منشأ بهانه جویی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 58 - 5

5- غرور و سرمستی ، ریشه بهانه جویی های مشرکان عصر بعثت

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین _ که درباره بهانه جویی های مشرکان مکه است _ برداشت یاد شده استفاده می شود.

453- منشأ رشد اقتصادی مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 21

21 - جهل بیشتر مشرکان مکه به خاستگاه الهی امنیت و رفاه اقتصادی آن شهر ، عامل روی گردانی آنان از پذیرش هدایت الهی (اسلام) بود .

وقالوا إن تتبع الهدی . . . ولکن اکثرهم لایعلمون

454- منشأ روزی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 18,20

18 - مرکزیت یافتن مکه برای تجارت و اقتصاد ، نمودی از تدبیر الهی برای تأمین رزق ساکنان آن بود .

یجیبی إلیه ثمرت کلّ شیء رزقاً من لدنا

20 - بیشتر مردم مکه در عصر بعثت ، گرفتار جهل و ناآگاهی نسبت به تعلق اراده الهی بر تضمین امنیت آن مکان مقدس و تأمین روزی ساکنان آن بودند .

أولم نمکن لهم حرماً امنأ . . . ولکن اکثرهم لایعلمون

455- منشأ صلح اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- تن دادن مکیان به صلح ، با همه کفر و عناد خویش نسبت به مؤمنان ، نمودی از اراده و تدبیر نافذ خداوند

ص: 234

و هو الذی کفّ . . . هم الذین کفروا

علی رغم کفر و ستیز مشرکان با اسلام، به تدبیر الهی زمینه ای پدید آمد که آنان به صلح تن دادند و شرشان از سر مسلمانان دفع گردید.

456- منشأ فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 1 - 8

8- « قال الرضا (ع) . . . فلما فتح الله عز وجلّ علی نبیّه مکه قال له یا محمّد (صلی الله علیه و آله) « إنا فتحنا لک فتحاً مبیناً » . . . »

امام رضا(ع) فرمود: . . . آن هنگام که خداوند مکه را برای پیامبرش فتح نمود، به آن حضرت فرمود: ای محمّد! «إنا فتحنا لک فتحاً مبیناً» . . .».

457- منفعت طلبی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 3

3- مشرکان مکه، با درخواست معجزه، درصدد بهانه جویی و دستیابی به منافع خویش بودند نه کشف حقایق پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد صرفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل فأبى أكثر الناس إلاّ کفوراً . و قا

از اینکه مشرکان برای شناخت حقایق پیامبر (صلی الله علیه و آله) راههای گوناگون موجود را رها کرده و ایمان خود را منحصر به برآوردن پیشنهادهای محدودی، کردند که بیشتر منافع مادی اشان را تأمین می کرد، مطلب فوق قابل استفاده است.

458- موانع تجاوز به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 13

13 - حرمت و قداست کعبه در نزد مردم جزیره العرب مانع از تجاوز دیگران به مکه و برهم زدن امنیت و آرامش ساکنان آن

أولم نمکن لهم حرماً آمناً

459- موانع دوستی با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 1 - 12

ص: 235

12 - هجرت از مکه به مدینه برای جلب رضای الهی ، ناسازگار با مودت نسبت به مشرکان مکه

لَاتَّخَذُوا عِدْوِي وَعِدْوَكُمْ أَوْلِيَاءَ .. . إِن كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا

آیه شریفه در مرحله نخست، نظر به موضوعی دارد که در صدر اسلام رخ داده است. مخاطب اولیه آیه مهاجری به نام حاطب بن ابی بلتعنه است که برای خدا هجرت کرده؛ ولی گام در مسیر دوستی با مشرکان نهاده بود (غافل از این که آن هجرت و این حرکت با هم سازگار نیستند).

460- موانع عذاب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 30

30- وجود مؤمنانی در نسل و صلب کافران مکه ، مانع نزول عذاب الهی بر آنان *

لولا رجال مؤمنون .. . لم تعلموهم ... لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم عذابًا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از مردان و زنان مؤمن در آیه شریفه، فرزندان باشند که از کافران مکه تولد خواهند یافت و به ایمان خواهند گروید. آنچه مؤید این احتمال است، تعبیر «لم تعلموهم» و نیز «لو تزیلوا» می باشد؛ زیرا «لو»ی امتناعیه، تفکیک ناپذیری نسل مؤمن از کافران عصر بعثت را می رساند.

461- موضعگیری مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 5 - 4

4_ مشرکان مکه ، دارای مواضع علنی و آشکار علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و توطئه های سرّی و محرمانه علیه آن حضرت

ألا حین یستغشون ثیابهم یعلم ما یسرّون و ما یعلنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 11 - 16

16- موضع منفی مشرکان مکه در برابر تعالیم پیامبران پیشین

و إذ لم یهتدوا به فسیقولون هـ_ذا إفک قدیم

تعبیر به «إفک قدیم»، نمایانگر باور کافران مکه به دیرینه بودن پیام وحی و کذب بودن آن از ابتدای تاریخی آن است. به دیگر بیان قرآن در نظر ایشان، همچون تعالیم دیگر پیامبران تاریخ، افترا است.

ص: 236

462- موقعیت اجتماعی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 73 - 4

4- در آغاز بعثت ، کافران مکه از وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری نسبت به مسلمانان برخوردار بودند .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

«مقام» اسم مکان و مشتق شده از قیام است که در معنای مجازی موقعیت اجتماعی به کار رفته است و «خیر مقاماً» کنایه از بهتر بودن وضعیت اقتصادی می باشد. «ندی» به معنای جلیس و مجلس است (مفردات راغب). افتخار کافران به بهتر بودن مجلس و هم نشینان خویش، کنایه از بهتر بودن وضعیت سیاسی و نظام اجتماعی آنان است.

463- موقعیت اجتماعی مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 37 - 6

6- سرزمین مکه و محدوده اطراف خانه خدا ، محلی مناسب برای ابراز عقیده توحیدی و عبادت خدای یگانه

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) فرزندان را از محل سابق، که سرزمین بت پرستان بود، به سرزمین مکه برد و هدف از هجرت را عبادت و نماز اعلام کرد، برداشت فوق به دست می آید.

464- موقعیت اجتماعی مکه در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 41 - 5

5- شهر مکه ، قبل از هجرت برای مسلمانان ، شایسته و مناسب زندگی نبود

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنبُوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

465- موقعیت اقتصادی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- در آغاز بعثت ، کافران مکه از وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری نسبت به مسلمانان برخوردار بودند .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

«مقام» اسم مکان و مشتق شده از قیام است که در معنای مجازی موقعیت اجتماعی به کار رفته است و «خیر مقاماً» کنایه از

ص: 237

بهبتر بودن وضعیت اقتصادی می باشد. «ندی» به معنای جلیس و مجلس است (مفردات راغب). افتخار کافران به بهتر بودن مجلس و هم نشینان خویش، کنایه از بهتر بودن وضعیت سیاسی و نظام اجتماعی آنان است.

466- موقعیت اقتصادی مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 18، 17

17 - بازرگانان همه گونه محصولات را به مکه وارد می کردند .

یجیبی إلیه ثمرت کلّ شیء

18 - مرکزیت یافتن مکه برای تجارت و اقتصاد ، نمودی از تدبیر الهی برای تأمین رزق ساکنان آن بود .

یجیبی إلیه ثمرت کلّ شیء رزقًا من لدنّا

467- موقعیت جغرافیایی مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 27 - 12

12 - ارتفاع سطح زمین مکه ، بیشتر از مناطق پیرامون آن است .

یأتوک. .. من کلّ فجّ عمیق

«عمق» (مصدر «عمیق») به مسافت طولانی ای گفته می شود که امتداد آن به طرف پایین کشیده شده است. بنابراین به کارگیری کلمه «عمیق» به جای «بعید» یا بدان اعتبار است که سرزمین مکه چون از دیگر مناطق پیرامونش مرتفع تر است، مردمی که به سوی آن می آیند، از پایین به بالا در حرکت اند. و یا این که چون زمین، سطحی دایره ای دارد حرکت مردم از دور به صورت حرکت به بالا دیده می شود. برداشت یاد شده بر پایه فرض اول است.

468- موقعیت جوی مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 37 - 18، 2

2- محل سکونت ذریه حضرت ابراهیم (ع) در مکه در نزدیکی خانه خدا، غیر قابل کشت و زرع بود .

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ

18- « عن أبي عبد الله (ع) قال : إن إبراهيم (ع) كان نازلاً في بادية الشام فلما ولد له من هاجر اسماعيل . . . فأوحى الله إليه . . . ثم أمره أن يخرج اسماعيل وأمه عنها فقال : يا ربّ إلى أيّ مكان ؟ قال : إلى حرمي وأمني . . . وهي مكة فأنزل الله عليه جبرائيل بالبراق فحمل هاجر و اسماعيل . . . فوضعه في موضع البيت . . . فلما سرهم إبراهيم ووضعهم . . . ثمّ انصرف عنهم فلما بلغ كداء و

ص: 238

هو جبل بذي طوى إلتفت إليهم ابراهيم فقال: « ربنا إني أسكنت من ذريتى بواد غير ذى زرع عند بيتك المحرم ... » . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که ابراهیم(ع) در صحرای شام مسکن گزید و فرزندش اسماعیل از هاجر متولد شد . .. پس خداوند به او وحی کرد ... سپس به او امر کرد که اسماعیل و مادرش را از آن صحرا خارج کند. پس ابراهیم(ع) گفت: پروردگارا! به کدامین مکان ببرم؟ خداوند فرمود: به سوی حرم امن من ... و آن مکه است. پس خداوند، جبرئیل را با براق (مرکب آسمانی) بر او نازل کرد. پس هاجر و اسماعیل را سوار کرد ... پس او را در جایگاه بیت (کعبه) قرار داد ... پس آن گاه که ابراهیم(ع) آنان را جایگزین کرد ... سپس از آنان جدا گشته و برگشت ... پس آن گاه که به «کداء» _ که کوهی در منطقه ذی طوی است _ رسید، به سوی آنان توجه کرد و گفت: «ربنا إني أسكنت من ذريتى بواد غير ذى زرع عند بيتك المحرم ...»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 6

6- مکه در آغاز بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، سرزمینی کم آب بود و مکیان نیازمند به منابع دائمی آب بودند .

تفجر لنا من الأرض ينبوعاً

درخواست مشرکان مکه از پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای ایجاد چشمه ای جوشان، احتمال دارد به خاطر، نیاز شدید آنان به منابع آب باشد.

469- موقعیت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 59 - 11

11 - مکه ، محور و مرکز عمده شهر ها و قرای جزیره العرب در صدر اسلام

حتّی یبعث فی أمّها رسولاً

470- مؤمنان پس از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 21

21 - برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق گر قبل از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح وِق_تل

471- مؤمنان قبل از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 239

21 - برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق گر قبل از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لايستوی منکم من أنفق من قبل الفتح وقـتل

472- مهلت به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 6

6- فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلشان است .

ما تسبق من أمه أجلها .. ما ننزل الملئکه إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

473- مهلت به مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 61 - 6

6- مشرکان مکه ، علی رغم اسناد سخنان ناروا به خداوند ، مورد عقوبت دنیوی قرار نگرفتند و مهلت حیات پیدا کردند .

کنتم تقفرون . و يجعلون لله البنـت ... و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها

474- میوه در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 22

22 - از امام باقر (ع) درباره درخواست ابراهیم (ع) که فرمود : « و ارزق أهله من الثمرات » روایت شده که : « ان المراد بذلک ان الثمرات تحمل إلیهم من الآفاق ;

این میوه ها، از سرزمینهای دور به آن جا (مکه) برده می شود.

475- ناامنی در اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نامنی و آدم ربایی در پیرامون مکه ، در دوران آغاز اسلام ، رواج داشته است .

ص: 240

أولم يروا أننا جعلنا حرماً آمناً ويتخطف الناس من حولهم

476- نامگذاری مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 96 - 12

12_ ازدحام جمعیت در مکه، سبب نامگذاری آن به « بگه »

وضع للناس للذی بیگه

امام صادق (ع) در پاسخ از علت نامگذاری مکه به بگه فرمود: لَانَ النَّاسِ بِيَكِّ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فِيهَا بِالْأَيْدِي.

علل الشرايع، ج 2، ص 398، ح 5؛ تفسير عياشي، ج 1، ص 187، ح 95.

477- نامهای مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 96 - 8، 9

8_ بگه، نام سرزمینی که خانه خداوند (کعبه) در آن است.

انَّ أوَّلَ بَيْتٍ وَضَعَ لِلنَّاسِ لِلذِّی بِيَكِّه

9_ بگه، از نام های مکه

وضع للناس للذی بیگه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 9

9 - « أم القرى » از نام های شهر مکه

لتنذر أم القرى

478- نجات از توطنه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 10

10 _ اعتماد و اطمینان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نصرت الهی نسبت به او و فرد همراهش (ابوبکر) در خلاصی از توطئه کافران مکه

لا تحزن إن الله معنا

ص: 241

479- نزدیکی سرزمین قوم ثمود به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 38 - 5

5 - منطقه زیستی دو قوم عاد و ثمود، به مکه، نزدیک بود و اهل مکه، آن جا را می شناختند .

و عادًا و ثمودًا و قد تبین لکم من مسکنهم

480- نزدیکی سرزمین قوم عاد به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 38 - 5

5 - منطقه زیستی دو قوم عاد و ثمود، به مکه، نزدیک بود و اهل مکه، آن جا را می شناختند .

و عادًا و ثمودًا و قد تبین لکم من مسکنهم

481- نعمت امنیت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 67 - 9

9 - امنیت مکه، نعمت الهی و شایسته سپاسگزاری است .

أولم یروا أننا جعلنا حرمًا آمنًا.. أفالبطل یؤمنون و بنعمه الله یکفرون

482- نعمت صلح با اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 24 - 4

4 - درگیر نشدن مؤمنان و مکیان با یکدیگر در «عمره القضا»، نعمتی مهم برای اهل ایمان*

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن مکه

برداشت بالا- بدان احتمال است که تعبیر «بیطن مکه» اشاره به «عمره القضا» داشته باشد که مسلمانان پس از پیروزی حدیبیه براساس

قرارداد، سال بعد به شهر مکه وارد شدند و با آرامش کامل، مناسک عمره را به جا آوردند.

ص: 242

483- نعمتهای اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 126 - 13

13 - دعای ابراهیم (ع) برای امنیت مکه و برخوردار شدن مؤمنان آن سرزمین از مواهب الهی ، خاطره ای شایسته و بایسته به یادداشتن

و إذ قال إبرهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق أهله

برداشت فوق بر این اساس است که «إذ» مفعول برای فعل مقدر «اذکر» باشد.

484- نعمتهای دنیوی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 2

2- برخورداری از نعمت های دنیایی همراه با عمر طولانی ، موجب غرور و غفلت مردم مکه و پدران آنان گردیده بود .

بل هم عن ذکر ربهم معرضون . . . بل متّعنا هـ_وُلّاء و ءاباءهم حتّی طال علیهم العمر

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «ه_وُلّاء» اشاره به حاضرین در اذهان مخاطبان (مردم مکه) باشد؛ همان طور که مشارالیه در

بسیاری از آیات نازل شده در مکه، مردم آن سرزمین هستند.

485- نعمتهای مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 29 - 1

1 - بهره مندی مشرکان مکه از موهبت های الهی ، به رغم بی اعتنائی آنان به آیین توحیدی ابراهیم (ع)

و إذ قال إبرهیم . . . لعلهم یرجعون . بل متّع ه_وُلّاء و ءاباءهم

از آن جا که در آیات پیشین سخن از ابراهیم(ع) و نسل آن حضرت بود و با توجه به این که مشرکان مکه از نسل او به شمار می آمدند، می

توان گفت که «ه_وُلّاء» اشاره به مشرکان مکه دارد.

486- نقش رهبران مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً وأحلوا قومهم دار البوار

ص: 243

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه «الذین بدّلوا .. و أحلّوا قومهم» سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

487- نقش مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 24

24- حضور مؤمنان در محیط زندگی کافران مکه، باعث نجات موقت کفار از عذاب الهی

لو تزیّلوا لعذبنا الذین کفروا منهم

488- نقش مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 10

10 - مکه، مرکز جهان اسلام

لتنذر أمّ القرى و من حولها

از این که مکه به عنوان «أمّ القرى» یاد شده است، می توان استفاده کرد که خداوند مکه را به عنوان مرکز جهان اسلام قرار داده است.

489- نگرانی مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 60 - 5

5- مسلمانان مکه، در صورت هجرت از مکه، نگران معاش خود بودند.

إنّ أرضی وسعه .. و کأئن من دابّه لاتحمل رزقها اللّهُ یرزقها و یاکم

این که خداوند پس از توصیه به هجرت برای حفظ ارزش دینی، رازقیت خود را مطرح می کند و یادآوری می کند که خیلی از جنبندگان، قادر به تأمین روزی خود نیستند، احتمال دارد درصدد دفع توهم و پرسشی باشد که مسلمانان، آن را در ذهن خود داشته اند. برداشت بالا براساس احتمال یاد شده است.

490- نهی از اجاره خانه های مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 244

16 - « عن علي (ع) ان رسول الله صلى الله عليه وآله نهى اهل مكّه ان يؤاجروا دورهم ، و ان يعلّقوا عليها أبواباً ، و قال : « سواء العاكف فيه و الباد » ؛

از حضرت علی(ع) روایت شده است که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) اهل مکّه را از اجاره دادن خانه ها و گذاشتن درب برای آنها نهی کرد و فرمود: «سواء العاكف فيه و الباد».

491- نیازهای اهل مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 6

6- مکّه در آغاز بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، سرزمینی کم آب بود و مکیان نیازمند به منابع دائمی آب بودند .

تفجر لنا من الأرض ينبوعاً

درخواست مشرکان مکّه از پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای ایجاد چشمه ای جوشان، احتمال دارد به خاطر، نیاز شدید آنان به منابع آب باشد.

492- واردات مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 17

17 - بازرگانان همه گونه محصولات را به مکّه وارد می کردند .

يجبى إليه ثمرت كلّ شيء

493- ورود مسلمانان به مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 28 - 11

11- تحقق وعده خداوند ، به ورود پیروزمندانه مسلمانان به مکّه ، گواه تحقق پذیری وعده او در غلبه اسلام بر تمامی ادیان *

لتدخلن المسجد الحرام .. هو الذى أرسل رسوله ... ليظهره على الدين كله

خداوند در آیه قبل، به مؤمنان وعده داد که با ایمنی وارد مکه خواهند شد و این وعده تحقق یافت. حال در این آیه، نوید داده است که اسلام نه بر مشرکان مکه؛ بلکه بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد و این وعده، همانند وعده پیشین تحقق پذیر خواهد بود.

ص: 245

494- ورود مؤمنان به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 24 - 5

5- ورود مسلمانان به سرزمین مکه و آسیب ندیدن از ناحیه دشمن ، ظفری الهی برای ایشان

و هو الذی کفّ . . . من بعد أن أظفرکم علیهم

495- وعده شکست کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 38 - 1

1- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم ءای-تی . . . و یقولون متی ه-ذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از «وعد» دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

496- وعده فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 13 - 9

9- خداوند ، مسلمانان صدراسلام را از پیش ، به فتح مکه و امداد های خود وعده داد .

وَأخْرَى تَحَبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحَ قَرِيبٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 1 - 7

7- وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

مراد از «فتح»، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی «فتحننا» در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

497- وعده هلاکت کافران مکہ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

11 - انبیاء - 21 - 38 - 1

ص: 246

1- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم ءای_تی . . . و يقولون متی _ذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از «وعد» دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

498- ویژگیهای مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 13

13 - مکه (مسجد الحرام و محدوده آن) باید محیطی امن برای همگان باشد .

سواء الع_کف فیه و الباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 16،17،10

10 - سرزمین مکه ، حرم امن الهی

أولم نمکن لهم حرماً ءامناً

16 - بازار تجارت در مکه ، در تمام فصول سال رونق داشت .

يجبى إليه ثمرت كلّ شيء

با توجه به آمدن فعل مضارع (يجبى) _ که بیانگر استمرار است _ برداشت یاد شده به دست می آید.

17 - بازرگانان همه گونه محصولات را به مکه وارد می کردند .

يجبى إليه ثمرت كلّ شيء

499- هتک قداست مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 2 - 7

7 - « عن ابراهيم بن ابى يحيى قال : سئل أبو عبد الله (ع) عن قول الله تعالى « لا أقسم به_ذا البلد و أنت حلّ به_ذا البلد » قال إنّ قريشاً

كانوا يُحرّمون البلد . . . فاستحلّوا من نبيّ الله (صلى الله عليه وآله) الشتم والتكذيب فقال : لا أقسم به_ذا البلد وأنت حلّ به_ذا البلد »
إنّهم عظّموا البلد و استحلّوا ما حرّم الله تعالى ;

از ابراهیم بن ابی یحیی روایت شده که گفت: از امام صادق(ع) از سخن خدای تعالی «لا أقسم به_ذا البلد . و أنت حلّ به_ذا البلد» سؤال شد، امام فرمود: قریش احترام شهر [مکه] را نگه می داشتند ... ولی ناسزاگویی و تکذیب پیامبر خدا(صلى الله عليه وآله) را حلال شمردند[و حرمت مکه را درباره ایشان رعایت نکردند]. پس خدا فرمود: «لا أقسم به_ذا البلد. و أنت حلّ به_ذا البلد» آنان برای این شهر عظمت قائل شدند، ولی حرام خدای تعالی را حلال شمردند».

ص: 247

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 8

8_ گروهی از مسلمانان در صدر اسلام، از مکه هجرت نکردند و همچنان تحت ستم کافران باقی ماندند .

انّ الذّین توفّیهم الملئکه .. قالوا کنا مستضعفین فی الارض

ابن عباس گوید: گروهی از اهل مکه ایمان آوردند، ولی به علت ترس، از هجرت سر باز زدند و این آیه درباره آنان نازل شد. (روح المعانی، ذیل آیه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 8 - 6

6 - هجرت مسلمانان از مکه، تحت فشار دشمن بود؛ نه به اختیار و دلخواه آنان .

الذّین أُخرجوا من دینهم و أموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 1 - 14، 8

8 - نهی خداوند از دوستی اهل ایمان با کافران که باعث خروج ناخواسته پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان از سرزمینشان (مکه) شده بودند .

لا تتخذوا .. یخرجون الرسول و ایاکم ان تؤمنوا باللّٰه

14 - حرکت مسلمانان برای فتح مکه، حرکتی جهادی و در راستای خشنودی خداوند

ان کنتم خرجتم جهـدًا فی سبیلی و ابتغاء مرضاتی

از این که پس از برشمردن ستم مشرکان نسبت به مسلمانان، تعبیر «جهاداً فی سبیلی..» آمده، می توان نتیجه گرفت که آیه شریفه، انگیزه فتح مکه را مشخص ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 4

4- اقدام برخی از زنان مؤمن ، به هجرت از مکه به سوی مدینه ، پس از پیمان حدیبیه

یٰـأَیُّهَا الَّذِیْنَ ءَامَنُوا

آیه شریفه _ بر اساس شأن نزول _ پس از هجرت برخی از زنان مکه به مدینه، نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 41 - 2،4

2- عده ای از مسلمانان صدراسلام برای رهایی از ظلم و ستم مشرکان مکه ، از آن شهر هجرت کردند .

وَالَّذِیْنَ هَاجَرُوا فِی اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا

ص: 248

به دلیل اینکه سوره نحل در مکه نازل شده است، احتمال دارد مراد از «الذین هاجروا» مسلمانانی باشد که از مکه هجرت کرده و به حبشه یا مدینه رفتند.

4- محل هجرت مسلمانان مهاجر از مکه (به مدینه یا حبشه) جایگاهی شایسته و مناسب برای آنان

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوتنهم فی الدنيا حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 85 - 2

2- دفاع از حریم قرآن و پیروی از تعالیم آن، عامل هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مکه

إنّ الذی فرض علیک القرآن لرادک إلی معاد

این که خداوند پیش از وعده به بازگشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مکه، مسأله و جوب عمل به تعالیم قرآن را مطرح ساخته است؛ می تواند به علّت هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مکه به مدینه اشاره داشته باشد.

501- هجرت مسلمانان از مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 56 - 4

4- توصیه خداوند، به مسلمانان مکه برای هجرت از مکه جهت انجام شایسته عبادت خدا

یعبادی .. إنّ ارضی وسعه فایّی فاعبدون

502- هجرت مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 5

5- تشریح حکم جهاد، پس از آوارگی مسلمانان از مکه و هجرت به مدینه

أذن للذین یقتلون .. الذین أخرجوا من دیارهم بغیر حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 60 - 5

5- مسلمانان مکه ، در صورت هجرت از مکه ، نگران معاش خود بودند .

إِنَّ أَرْضِي وَسَعَةٌ .. وَكَأَيُّنَ مِنْ دَابَّةٍ لَاتَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ

این که خداوند پس از توصیه به هجرت برای حفظ ارزش دینی، رازقیت خود را مطرح می کند و یادآوری می کند که خیلی از جنبندگان، قادر به تأمین روزی خود نیستند، احتمال دارد درصدد دفع توهم و پرسشی باشد که مسلمانان، آن را در ذهن خود داشته اند. برداشت بالا براساس احتمال یاد شده است.

ص: 249

503- هجوم ابرهه به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 1 - 5

5- هجوم ابرهه به مکه با سپاهییانی فیل سوار و سرکوب شدید آنان از جانب خداوند

آلم تر کیف فعل ربک بأصحب الفیل

آیات این سوره، به داستان «ابرهه» نظر دارد که شهرت آن تا حد مبدأ تاریخ شدن، از تصریح به نام او، بی نیاز ساخته است.

504- هجوم اصحاب فیل به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 2 - 4

4- هجوم اصحاب فیل به مکه، کاروان های تجارتی قریش در تابستان و زمستان را با خطری جدی مواجه ساخته بود.

إیل_فهم رحله الشتاء و الصیف

505- هدایت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 6 - 5

5- عثمان بن عفان، از حاضران مجلس پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ماجرای ابن ام مکتوم و ارشاد کننده کافران مکه در عصر بعثت *

أما من استغنی . فأنت له تصدّی

در شأن نزول آیه شریفه از تفسیر قمی نقل شده که فرد مورد نظر از ضمیر خطاب در «أنت له تصدّی»، عثمان بوده است. او در صدد مسلمان ساختن حاضران مجلس _ که از چهره های برجسته قریش بودند _ برآمده بود.

506- هدایت ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 76 - 6

6 - عدم تنبه کافران مکه ، از بلا های هشدار دهنده الهی (مثل قحطی و خشکسالی)

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استكانوا لربهم و ما يتضرعون

ص: 250

507- هدایت ناپذیری مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 48 - 4

4- گمراهی مشرکان مخالف پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه ، به حدی بود که آنان زمینه هدایت را از دست داده بودند .

فضّلوا فلا یستطیعون سیبلاً

«فلا یستطیعون» تفریع بر «ضلّوا» است و مراد از آن، بسته شدن تمامی راههای هدایت برای آنان است.

508- هشدار به اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 56 - 2

2- بیان فرجام فرعونیان ، هشدار به مستکبران و اشراف مشرک مکه

فجعلنهم سلفاً و مثلاً للأخیرین

509- هشدار به حق ناپذیران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 27 - 3

3- تذکر به هلاکت اقوامی کافر در اطراف مکه ، هشدار به مکیان حق ناپذیر

و لقد اهلکنا ما حولکم من القرى

مخاطب «کم» مشرکان مکه اند.

510- هشدار به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 37 - 5

5- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند .

سأوريكم آىِ تى فلاتستعجلون

مقصود از «آياتى» به قرينه آيات بعد (.. بل تأتيهم بغته...) عذاب و هلاكت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 251

11 - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، درباره تلاش شان برای اغوای مسلمانان

وقال الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا.. ولقد أرسلنا نوحًا إلى قومه...

بیان قصه طوفان نوح(ع) پس از ذکر برخوردهای کافران مکه با مسلمانان، احتمال دارد برای هشدار به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 18 - 5

5 - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، به جهت تکذیب کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وإن تكذبوا فقد كذب أمم من قبلکم

برداشت بالا بنابرین احتمال است که جواب شرط «إن تكذبوا» محذوف بوده و چیزی از قبیل «فاستعدوا للعذاب» باشد؛ یعنی، اگر

تکذیب می کنید، آماده عذاب باشید!

511- هشدار به مستکبران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 56 - 2

2 - بیان فرجام فرعونیان ، هشدار به مستکبران و اشراف مشرک مکه

فجعلنهم سلفًا و مثلاً للأخیرین

512- هشدار به مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 71 - 1

1 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از سوی خداوند دستور یافت تا سرگذشت نوح (ع) و قومش را ، به عنوان هشدار برای مشرکان مکه

، بازگو کند .

واتل علیهم نبأ نوح إذ قال لقومه

«نبأ» خبری است که برای شنونده دارای فائده عظیم باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 42 - 3

3 - هشدار خداوند ، مشرکان مکه را به فرجامی مانند فرجام مشرکان پیشین

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف کان ع_قبه الذین من قبل

ص: 252

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 56 - 2

2- بیان فرجام فرعونیان ، هشدارى به مستکبران و اشراف مشرک مکة

فجعلنهم سلفاً و مثلاً للأخريين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 28 - 2

2- مکيان ستيزه گر ، به سرنوشت عبرت آموز فرعونيان هشدار داده شدند .

بل هم في شكّ يلعبون . . . كذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 37 - 1

1- سرنوشت قوم « تبع » و اقوام قبل از آن ، پیامدار عبرت و هشدار برای مشرکان مکة

أهم خير أم قوم تبع و الذين من قبلهم

513- هلاکت کافران اطراف مکة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 16

16_ شکست و نابودی کفرپيشگان مکة و حوالی آن ، از پيشگویی های قرآن

لايزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه . . . حتى يأتي وعد الله

514- هلاکت کافران مکة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 16

16_ شکست و نابودی کفرپيشگان مکة و حوالی آن ، از پيشگویی های قرآن

لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه . . . حتى يأتي وعد الله

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

11 - طہ - 20 - 135 - 1

1- کافران مکہ با انکار آیات الہی - پس از اتمام حجت بر ایشان - مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو انا اهلکنہم . . . فستعلمون من اصح - ب الصرط السوی و من اہتدی

ص: 253

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 37 - 5

5- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند .

سأوریکم ءای-تی فلاتستعجلون

مقصود از «آیاتی» به قرینه آیات بعد (..بل تأتیهم بغته...) عذاب و هلاکت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 31 - 2

2 - تهدید کافران مکه از سوی خداوند ، به وقوع حوادثی ناگوار و مرگ آفرین برای ایشان در آینده

قل تربصوا فإتی معکم من المتربصین

515- هلاکت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 53 - 12

12_ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر ، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود .

ذلک بأن اللّٰه لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

«ذلک» علاوه بر اینکه اشاره به فرجام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می تواند اشاره به قضایای جنگ بدر و نابودی مشرکان مکه نیز داشته باشد.

516- هماهنگی مشرکان مکه و فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 17 - 3

3- وجود نوعی مشابهت در عملکرد ، میان مشرکان مکه و فرعونیان در حق ستیزی و مقابله با رسول الهی

و لقد فتنا قبلهم قوم فرعون و جاءهم رسول کریم

تعبیر «قبلهم»، نوعی ارتباط و همگونی میان مشرکان مکه و فرعونیان را می‌رساند.

517- هواپرستی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 254

9- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی _ روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هـ ذا القراء لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی _ نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ؛ بلکه انگیزه نفسانی _ روانی داشت .

و إذا ذکرت ربّک فی القراء وحده ولّوا علی أدب_رهم نفورًا

«نفرت» از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

518- هواپرستی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی _ روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هـ ذا القراء لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی _ نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ؛ بلکه انگیزه نفسانی _ روانی داشت .

و إذا ذکرت ربّک فی القراء وحده ولّوا علی أدب_رهم نفورًا

«نفرت» از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

519- یأس از ایمان مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 88 - 2

ص: 255

2- یأس و ناامیدی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از ایمان آوردن مشرکان مکه

وقيله ی ربّ إنّ هؤلاء قوم لا یؤمنون

520- یهود در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 46 - 3

3- وجود افرادی یهودی و یا مسیحی در مکه، در دوران بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

و لاتجـدلوا أهل الکتـب إلاّ بالتی هی أحسن

سوره عنکبوت، طبق نظر مشهور، مکی است و برداشت بالا، براساس آن است.

ص: 256

3- ملاکها

1- تراحم ملاکها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 11، 8

8_ گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر . . اثمهما اکبر من نفعهما

11_ لزوم ترجیح اہم در تراحم ملاکها

و اثمهما اکبر من نفعهما

در صورتی که ملاک حرمت شراب و قمار، زیان آنها باشد؛ با وجود تصریح به منفعت در آنها، جانب ملاک اقوی (زیان) ترجیح داده شده و حرمت آنها، جعل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کھف - 18 - 79 - 13

13- عملکرد خضر (ع) در مورد کشتی ، مصداقی از تقدیم اہم ، به هنگام مزاحمت آن با امری مهم است .

و أما السفینہ فکانت لمسکین . . یاخذ کلّ سفینہ غصبًا

2- ملاکها در نظام جزایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 51 - 11

11 - کیفر و پاداش انسان ها در قیامت ، مستند به گواهی شاهدان است .

یوم یقوم الأشہ_د

ص: 257

3- {ملاکهای عرفی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 15

15_ بر خورداری زنان و شوهران از حقوقی متقابل و همانند، به صورت معروف و متعارف (بر اساس موازین عقلی و شرعی)

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 - 4,6,8

4_ لزوم تعهد شوهر به رعایت حقوق شناخته شده همسر خویش

فامساک بمعروف

مراد از «معروف» (شناخته شده) حقوقی است که بر اساس عقل، فطرت و شرع در بین مردم متدین و سلیم الفطره، مورد شناسایی قرار گرفته است. اگر چه آیه درباره زن مطلقه ای است که شوهرش به او رجوع کرده بود؛ ولی به طور کلی بیانگر حقوق تمامی زنان است.

6_ رفتار مرد با زن خود پس از رجوع در طلاق، باید بر اساس موازین شناخته شده عقل و شرع باشد.

الطلاق مرّتان فامساک بمعروف

8_ پس از طلاق دوّم و رجوع در آن، یا باید زندگی بر اساس «معروف» باشد و یا طلاق بدون حق رجوع.

فامساک بمعروف او تسریح باحسان

بنابراینکه مراد از «تسریح باحسان» طلاق سوّم باشد؛ چون تنها در دو طلاق حق رجوع می باشد: «الطلاق مرّتان». و طلاق سوّم بدون حق رجوع خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 231 - 2

2_ لزوم رعایت موازین شناخته شده شرعی و عرفی در طلاق و یا ادامه زندگی از سوی مردان

فامسکوهنّ بمعروف او سرّحوهن بمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 232 - 2،7

2_ جواز و صحت ازدواج زن با شوهر سابق پس از انقضای عده، در صورت توافق آنها بر اساس موازین عقل، شرع و عرف

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن ازواجهنّ اذا ترضوا بینهم بالمعروف

ظاهراً مراد از «ازواجهنّ»، شوهر سابق باشد.

7_ توافق و رضایت زن و مرد بر اساس آنچه عقلاً و شرعاً پسندیده است، شرط اساسی برای ازدواج

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن . . . اذا تراضوا بینهم بالمعروف

ص: 258

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 233 - 7,9,12

7_ تأمین نیازها و پوشاک مادران به مقدار متعارف، وظیفه شرعی پدر

و علی المولود له زرقهّن و کسوتهنّ بالمعروف

9_ تأمین مخارج متعارف زنان مُطلّقه در زمان شیردهی به نوزاد، بر عهده پدر است.

و علی المولود له زرقهّن

بنابراینکه مراد از «والدات» به قرینه آیات قبل و بعد، زنان مُطلّقه باشند.

12_ میزان متعارف نفقه و مخارج واجب بر شوهران، باید به اندازه توانایی مالی آنان باشد.

و علی المولود له زرقهّن و کسوتهنّ بالمعروف لا تُکلف نفس الا وسعها

به نظر می رسد جمله «لا تُکلف...» تبیین کلمه «معروف» باشد؛ یعنی نباید حدّ متعارف، بدون در نظر گرفتن توانایی مالی شوهر تعیین شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 236 - 6,7,10,11

6_ لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران، به زنان مُطلّقه ای که برای آنان مهریه تعیین نشده است.

و متّعوهنّ... متاعاً بالمعروف

ظاهر این است که ضمیر در «متّعوهنّ»، به طایفه دوّم از زنان مُطلّقه برگردد؛ یعنی زنانی که مهر برای آنان تعیین نشده است.

7_ لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران، به زنانی که قبل از آمیزش با آنان، طلاق داده شوند.

ان طلّقتن النساء... و متّعوهنّ... بالمعروف

بنابراین احتمال که ضمیر در «متّعوهنّ»، علاوه بر اینکه به طایفه دوّم ارجاع شود، شامل طایفه اوّل (یعنی زنانی که با آنان آمیزش نشده) نیز شود.

10_ لزوم تناسب کالای پرداختی به زنان مُطلّقه، با شؤونات اجتماعی زن و مرد

متَّعوهنَّ . . . متاعاً بالمعروف

در آیه مزبور توصیه شده که «متاع»، پسندیده باشد؛ و متاع آنگاه پسندیده است که نه خارج از شؤونات اجتماعی شوهر و نه خارج از شؤونات اجتماعی همسر باشد.

11_ عُرف، مرجع تشخیص برخی از موضوعات احکام الهی

متَّعوهنَّ . . . متاعاً بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 241 - 3، 1

1_ لزوم پرداخت کالای شایسته و مناسب به زنان مُطَلَّقه

و للمطلَّقات متاع بالمعروف

3_ عُرف، مرجع تشخیص برخی از موضوعات احکام الهی

متاع بالمعروف

ص: 259

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 19

19 - وصیت به اعطای بخشی از مال ، به کسی ، باید بر اساس متعارف باشد .

إلآن تفعلوا إلی أولیائکم معروفًا

4- ملاکهای عرفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 6

6 - نقش معیار های عرفی در احکام دین

الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف

ملاک عرفی

5- {ملاک عرفی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 9

9_ نوع متعارف غذای خانوادگی کفاره دهنده ، کمترین حد برای نوع غذا در کفاره قسم

فکفّرتہ اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم

برداشت فوق را فرمایش امام باقر(ع) تأیید می کند که در پاسخ سؤال از «اوسط ما تطعمون» در آیه فوق فرمود: ما تقوتون به عیالکم من اوسط ذلک . . .

کافی، ج 7، ص 454، ح 14؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 495، ح 4.

6- ملاک عرفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - از سرگیری زندگی با زن مطلقه و یا جدایی همیشگی از او، پس از گذشت زمان عدّه، باید به صورت پسندیده و براساس موازین عقل و شرع باشد.

فامسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ بمعروف

«معروف» اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

ص: 260

9 - توجه به مصالح و منافع نوزادان و نیز رعایت موازین شرعی و عقلی ، باید اساس و مبنای مشاوره و هم فکری مردان و زنان مطلقه باشد

وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ

«معروف» اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

ص: 261

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 - 1، 14

1_ مژده ملائکه به مریم (س) در برگزیدگی او از طرف خداوند

و اذ قالت الملائکه یا مریم انّ اللّٰه اصطفیک

14_ طهارت و پاکدامنی، ملاکی برای ارزیابی مقام زن

طهرک و اصطفیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 80 - 1، 3، 4، 5

1_ پیامبران، کسی را به برگزیدن فرشتگان و انبیا به عنوان ربّ، فرمان نداده اند.

ما کان لبشر... و لا یامرکم ان تتخذوا الملائکه و التّبیّن ارباباً

3_ اعتقاد برخی از اهل کتاب، به ربوبیت فرشتگان و انبیا

و لا یامرکم ان تتخذوا الملائکه و التّبیّن ارباباً

آیه، ناظر به اعتقاد برخی از اهل کتاب است.

4_ اعتقاد به ربوبیت انبیا و فرشتگان (غیر خدا)، کفر است.

و لا یامرکم... ایامرکم بالکفر

5_ فرشتگان و انبیا و هر آنچه غیر خداست، هیچ نقش مستقلی در ربوبیت عالم ندارد.

و لا یامرکم... ارباباً ایامرکم بالکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 83 - 16

16_ تسلیم فرشتگان ، در برابر خداوند

وله اسلم من فی السموات

ص: 262

رسول الله (صلى الله عليه وآله) درباره آیه فوق فرمود: اما من فى السموات فالملائكة.

الدر المنثور، ج 2، ص 254.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 87 - 1،6

1_ بازگشت به کفر (ارتداد) با وجود دلایل روشن، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. اولئك جزاؤهم انّ عليهم لعنة الله و الملائكة و النَّبَا

6_ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (صلى الله عليه وآله) را انکار نمودند، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند.

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. اولئك جزاؤهم انّ عليهم ... و النَّاس اجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 89 - 1

1_ مرتدانِ تائب، مورد پذیرش و توجه خداوند، ملائکه و مردم

كفروا بعد ايمانهم .. انّ عليهم لعنة الله و الملائكة و النَّاس ... الاّ الذين تاب

2- آثار استغفار ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 5 - 42 - 20

20 - استغفار فرشتگان برای زمینیان، موجب بقای نظام هستی

تکاد السموت يتفطرن ... و الملائكة ... و يستغفرون لمن فى الأرض

چنانچه آیات در مقام توحید و نفی شرک باشد، از ارتباط فرازهای آیه می توان استفاده کرد که پیامد گناه شرک، چنان بزرگ و سنگین است که اگر استغفار ملائکه برای زمینیان نبود، نظام هستی فرو می پاشید.

3- آثار تریس ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 10

10_ خوف فرشتگان از خداوند، آنان را به تسبیح و ستایش خداوند سوق می دهد.

و یسبح .. والمملئکه من خيفته

«من» در «من خيفته» برای تعلیل است.

ص: 263

4- آثار جهل ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 20

20_ نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أجعل فيها من يفسد فيها .. قال إني أعلم ما لاتعلمون

5- آثار درک صحیح ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 16

16 - تسبیح و ستایش مداوم فرشتگان ، ره آورد درک و تلقی آنان از عظمت الهی است .

و هو العلیّ العظیم .. و الملئکه یسبحون بحمد ربهم

برداشت بالا بر این اساس است که آیه درصدد بیان عظمت خدا باشد.

6- آثار دعای ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 9 - 2

2 - مؤمنان تائب و صالحان ، مشمول رحمت الهی در قیامت در سایه دعا و درخواست فرشتگان

وقهم السیئات و من تق السیئات یومئذ فقد رحمته

7- آثار ذکر ملائکه ثبت عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 11 - 5

5 - توجه به حضور محافظان الهی در همه حالات و ثبت رفتار و کردار در نامه عمل ، بازدارنده انسان از ارتکاب گناه

ما غرک . . . و إنَّ علیکم لحَـفَظین . کرامًا کـتـبـین

ص: 264

8- آثار سجده ملائکه بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 62 - 3

3- سجده ملائکه بر آدم (ع) ، پیام دار کرامت و فضیلت او بر آنان بود .

اسجدوا للأدم فسجدوا .. قال أراءيتك هـذا الذي كَرَّمت عليّ

9- آثار عبودیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 26 - 8

8- عبودیت فرشتگان ، مایه قرب و کرامت آنان به درگاه الهی است .

بل عباد مکرمون

از توصیف فرشتگان به «عباد» (بندگان) برداشت یاد شده به دست می آید.

10- آثار علم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 28 - 2،5

2- آگاهی ملائکه از علم مطلق خداوند به تمامی گفتار و رفتار و حالات ، موجب انقیاد آنان و بازدارنده ایشان از هرگونه نافرمانی

لایسبقونه .. بأمره یعملون . یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

جمله «یعلم ما ..» می تواند در حکم تعلیل برای آیه قبل (لایسبقونه... بأمره یعملون) باشد؛ یعنی، چون فرشتگان آگاه اند که خداوند به تمامی حرکات آنان دانا است، از این رو گوش به فرمان خدا و تسلیم محض او هستند.

5- اطلاع ملائکه از علم گسترده الهی ، مانع از شفاعت خودسرانه آنان است .

یعلم .. و لایشفعون إلا لمن ارتضی

11- آثار نزول ملائکه

9- تقدیر امور جهان در شب قدر، وابسته به نزول ملائکه و روح به زمین است.

تنزل... من کلّ امر

«أمر»، ممکن است مفرد «أمر» باشد. در این صورت مراد اموری خواهد بود که در شب قدر، تقدیر می شود و ملائکه و روح برای

ص: 265

تدبیر آن امور، به زمین نازل می شوند. حرف «من» در این احتمال، برای بیان علت غائی است؛ یعنی، «لأجل كل أمر أراد الله قضاؤه».

12- آثار نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 4

4 - نزول ملائکه و روح در شب قدر، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . تنزل الملئکة و الروح فیها

13- آدم (ع) و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 2، 4، 5

2 - آدم (ع)، نام های حقایق هستی را برای فرشتگان بیان کرد .

فلما أنبأهم بأسمائهم

4 - آدم (ع)، خلیفه خداوند، واسطه ای برای رسیدن فیض الهی به فرشتگان

یأدم أنبئهم بأسمائهم فلما أنبأهم بأسمائهم

5 - آدم (ع)، آموزگار فرشتگان

یأدم أنبئهم بأسمائهم فلما أنبأهم بأسمائهم

14- آمادگی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 38 - 1

1 - روح و فرشتگان الهی در قیامت، ایستاده و صف بسته در آماده باش کامل قرار می گیرند .

یوم یقوم الروح و الملئکة صفّاً

«صفّاً» مصدر است و چون حال قرار گرفته، به معنای «صافین» است. ایستادن و صف بستن، کنایه از مهیا بودن برای انجام فرمان های

الهي است.

ص: 266

15- ابراهیم (ع) و سلام ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 4

4_ ابراهیم (ع) ، سلام فرشتگان را پاسخ گفت و برای تدارک غذا از حضور آنان بیرون رفت .

قال سلّم فما لبث أن جاء بعجل حنيد

16- ابراهیم (ع) و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 4،8،16

4_ ابراهیم (ع) ، سلام فرشتگان را پاسخ گفت و برای تدارک غذا از حضور آنان بیرون رفت .

قال سلّم فما لبث أن جاء بعجل حنيد

8_ ابراهیم (ع) ، در فاصله ای کوتاه پس از آمدن فرشتگان بشارت ، گوساله ای بریان شده برای آنان آورد .

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

ضمير در «لبث» به ابراهیم(ع) برمی گردد و «أن جاء» به تقدیر «فی» متعلق به «لبث» است. «عجل» به گوساله نر که بیش از یک ماه نداشته باشد، گفته می شود و «حنيد» به معنای بریان شده است. بنابراین «فما لبث ...»؛ یعنی، ابراهیم(ع) در آوردن گوساله ای بریان شده درنگی نکرد.

16_ «عن أبي عبدالله (ع) قال : إن الله تعالى بعث أربعه أملاك في إهلاك قوم لوط : جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و كروبييل (ع) فمروا بابراهيم (ع) . . . و كان صاحب أضياف فشوى لهم عجلاً سميناً حتى أنضجه ثم قرّبه إليهم . . .» ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای تعالی برای هلاک کردن قوم لوط چهار فرشته فرستاد: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و کزوبیل. پس بر ابراهیم گذر کردند و ابراهیم مهمانپذیر و مهمان دوست بود. از این رو گوساله فربهی برایشان بر آتش نهاد تا آن را پخت و نزد آنان آورد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 70 - 2،8،12

2_ خودداری فرشتگان از خوردن غذای ابراهیم (ع) ، موجب ناراحتی و ناخوشایندی او شد .

فلما رء آأیدیهم لاتصل إلیه نکرهم

8_ حضرت ابراهیم (ع) به ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) تا پیش از معرفی خودشان، پی نبرده بود.

قالوا لاتخف إنا أرسلنا إلی قوم لوط

12_ «عن أبی عبدالله (ع) قال: إن الله تعالى بعث أربعة أملاك... فمروا بآبراهیم (ع) و هم معتمون فسلموا علیه فلم یعرفهم... فشوی لهم عجباً سمیناً حتی أنضجه ثم قرّبه إلیهم فلما وضعه بین آیدیهم رأی آیدیهم لاتصل إلیه نکرهم و أوجس منهم خیفه فلما رأی ذلک جبرئیل حسر العمامه عن وجهه و عن رأسه فعرفه آبراهیم (ع) فقال أنت هو؟ فقال: نعم...»

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: خدای تعالی چهار فرشته فرستاد آنان بر ابراهیم گذر کردند در حالی که دارای عمامه بودند [سر و صورت خود را با عمامه پوشانده بودند] پس بر او سلام کردند، او آنان را نشناخت... آن گاه برایشان گوساله فربه‌ی بر

ص: 267

آتش نهاد تا آن را پخت و نزد آنان آورد و هنگامی که ابراهیم(ع) دید دست فرشتگان به آن گوساله بریان نمی رسد، آنان را شناخت و در دل احساس ترس نمود، چون جبرئیل چنین دید، عمامه را از سر و صورت خود کنار زد. پس ابراهیم او را شناخت و گفت: تو همانی گفت: آری».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 74 - 5, 3

3_ ابراهیم (ع) ، پس از پی بردن به هدف فرشتگان (نابودسازی قوم لوط) ، با آنان به چون و چرا و جر و بحث پرداخت .

یج_دلنا فی قوم لوط

جمله «قد جاء أمر ربك» در آیه 76 می تواند قرینه ای بر این باشد که مراد از «یجادلنا»، «یجادل رسلنا» باشد.

5_ جدال و چون و چرای ابراهیم (ع) درباره قوم لوط ، پس از برطرف شدن ترس او و دریافت بشارت (فرزنددار شدن) بود .

فلما ذهب عن إبرهیم الروح و جاءته البشری یج_دلنا فی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 54 - 4

4- ابراهیم (ع) پس از دریافت خبر فرزنددار شدنش از فرشتگان ، خواستار توضیح و اطلاعات بیشتری از آنان شد .

فبم تبشرون

برداشت فوق بر این اساس است که «با» در «فبم» برای ملابست باشد و استفهام در جمله «فبم تبشرون» سؤال از چگونگی تحقق چنین بشارتی (فرزنددار شدن) باشد و نه تردید و سؤال از اصل فرزنددار شدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 57 - 1

1- ابراهیم (ع) پس از شناخت مهمانانش (فرشتگان) از مأموریت اصلی و مهم آنان جو یا شد .

قال فما خطبکم أیها المرسلون

«خطب» به معنای امر مهم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- در پی جویا شدن ابراهیم (ع) از مأموریت اصلی مأموران الهی (فرشتگان) آنان هلاکت قوم تبهکار (قوم لوط) را مأموریت اصلی خویش معرفی کردند .

قال فما خطبکم ایها المرسلون . قالوا إنا أرسلنا إلی قوم مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 31 - 1

1 - فرستادگان خداوند برای یاری لوط (ع) ، ابتدا ، نزد ابراهیم (ع) رفتند و مأموریت خود را به او اعلام کردند .

قال رب انصرنی . . . ولما جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری قالوا إنا مهلكوا أهل هـ_ذه

ص: 268

17- ابراهیم (ع) هنگام بشارت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 72 - 1

1- ابراهیم (ع) و همسرش ساره، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب، پیر و کهنسال بودند.

قالت یـویلتی ءألد و أنا عجوز و هـذا بعلى شیخاً

18- ابلیس از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 8

8 - ابلیس از زمره فرشتگان بود. *

و إذ قلنا للملائکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلا ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 31 - 2

2- ابلیس، به هنگام خلقت انسان، در میان فرشتگان بود و از زمره آنان به حساب می آمد.

و إذ قال ربّک للملئکة إنی خـلق بشرًا من ... فإذا سوّیته ... فقعوا له سـجدین .

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که استثنا متصل باشد و استثنا شدن ابلیس از فرشتگان، نه به خاطر این است که وی فرشته بود؛ بلکه از باب تغلیب، جزئی از آنها به شمار می آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 4

4- ابلیس، به هنگام صدور فرمان خداوند به ملائکه برای سجده بر آدم (ع)، در میان مجموعه فرشتگان بود.

قلنا للملئکة اسجدوا لأدم فسجدوا إلا ابلیس

استثنا شدن ابلیس از فرشتگان در تمرد از فرمان سجده، نشان دهنده این نکته است که ابلیس به هنگام فرمان خداوند بر سجده، در میان آنان بوده است. لازم به ذکر است که قول به منقطع بودن استثنا هم منافاتی با نکته یاد شده ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 74 - 3

3 - ابلیس ، به هنگام خلقت انسان ، در میان فرشتگان بود و از زمره آنان به حساب می آمد .

فقعوا له سـ جدین . فسجد الملـ نکه ... إلا ابلیس

ص: 269

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که استثنا، متصل باشد و مستثنا شدن ابلیس از فرشتگان، به خاطر این نیست که وی فرشته بود؛ بلکه از باب تغلیب بوده و ابلیس، جزء فرشتگان به شمار آمده است.

19- ابلیس و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 10

10- ابلیس، پیش از تمرد از فرمان خداوند، همپایه فرشتگان و در منزلت آنان بود.

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس

20- اتمام حجت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 6 - 1

1 - ابلاغ وحی از سوی فرشتگان، به منظور اتمام حجت بر خلق و انذار و اخطار به آنان است.

فالملقى ت ذكراً . عذراً أو نذراً

«عذر» و «نذر» مصدر و به معنای «اعذار و انذار» است و نصب این دو، به جهت مفعول له بودن آنها برای «ملقیات» است و یا به سبب بدل بودن آنها، برای «ذکرًا» است. برداشت یاد شده، مبتنی بر ترکیب نخست است.

21- احترام به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 20 - 1

1 - فرشتگان، مورد پرستش و احترام مشرکان عرب جاهلی

وقالوا... ما عبدنهم

22- احترام ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 24 - 5

5 - ملانکه ، موجوداتی گرامی و ارزشمند

ضیف ابرهیم المکرمین

ص: 270

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که «المکرمین» وصفی باشد که ملائکه آن را بالذات داشته اند.

23- احترام ملائکه ثبت عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 11 - 1،2

1 - فرشتگان ناظر و مراقب انسان ها ، شخصیت هایی ارجمند و دارای ارزش و احترام در پیشگاه خداوند

کرامًا

آنچه در مقوله خود دارای شرافت و برجستگی باشد، به کرم توصیف می شود. (مفردات راغب)

2 - لزوم گرمی داشتن و حرمت نهادن به فرشتگان مأمور ثبت و ضبط اعمال

کرامًا

شرافت موجودی نزد خداوند، کاشف از این است که احترام دیگران به آن موجود، محبوب خداوند و مطلوب او است.

24- اخلاص ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 12

12_ خلوص فرشتگان در تسبیح و ستایش خداوند

نحن نسبح بحمدک و تقدس لک

«لک» علاوه بر تعلقش به «تقدس»، متعلق به «نسبح» نیز می باشد. خلوص از لام «لک» استفاده شده است؛ یعنی: تقدسک لک لا لغیرک.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 38 - 5

5 - اخلاص کامل فرشتگان ، در تسبیح و عبادت خداوند

فالذین عند ربک یسبحون له باللیل و النهار

از این که به جای «یسبحونه»، عبارت «یسبحون له» آمده و «لام» برای اختصاص می باشد، مطلب بالا قابل برداشت است.

25- ادب ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 27 - 1

ص: 271

1- خصوع و ادب فرشتگان در برابر خداوند ، تا آن جا است که آنان در سخن گفتن از او پیشی نمی گیرند .

لایسبقونه بالقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 12

12- ترس فرشتگان از خداوند ، آمیخته با تعظیم ، احترام و توجه ویژه به خداوند است .

و هم من خشیته مشفقون

«خشیت» ترس توأم با تعظیم و احترام و «اشفاق» ترس آمیخته با عنایت است (مفردات راغب).

26- ادراک ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 11

11_ فرشتگان دارای ادراک و آگاهی و توانا بر اظهار نظر و تحلیل وقایع

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها و يسفك الدماء

27- ادعاهای ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 31 - 7

7_ فرشتگان ، مدعی برتری خویش بر آدم (ع) بودند .

أنبؤنی بأسماء هؤلاء إن كنتم صدقین

جمله «و نحن نسبح ..» - پس از سخن اعتراض گونه فرشتگان به خلقت و خلافت انسان - می نمایاند که متعلق «صادقین» برتری فرشتگان بر آدم می باشد؛ یعنی، اگر راست می گوید که از آدم (ع) برتر هستید و به مقام خلافت شایسته ترید ...

28- استحاله نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3_ آمدن فرشتگان به عنوان پیامبر و یا تصدیق کننده قرآن امری ناشدنی

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة

با توجه به اینکه آیه مورد بحث ناظر به آیه قبل است و در آن آیه سخن از قرآن و منکران آن بود، معلوم می شود انتظارات مطرح

ص: 272

شده در این آیه شرایطی است که برای ایمان به قرآن مطرح شده است. بیان نکردن پیامد نزول ملائکه، در مقابل تحلیل سومین پیشنهاد و بیان نتایج آن، اشاره به ناممکن بودن نزول ملائکه بر عموم مردم دارد.

29- استعاده ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 31

31_ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «إن الملائكة... قالوا نحن نقدرسك ونطيعك ولا نعصيك كغيرنا؛ قال: فلما اجبوا بما ذكر في القرآن علموا انهم تجاوزوا ما لهم فلا ذوا بالعرش استغفاراً...»؛

ملائکه گفتند: [خدایا!] ما تو را تقدیس و اطاعت می کنیم و تو را معصیت نخواهیم کرد، آن گونه که دیگران تو را نافرمانی کردند. امام فرمود: چون ملائکه جواب خداوند را آنگونه که در قرآن آمده، شنیدند، دانستند که از حد خود تجاوز کرده اند؛ پس برای طلب آمرزش به عرش الهی پناه بردند...».

30- استعدادهای ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 22

22_ انسان، توانا به فراگیری علوم و دریافت حقایق غیبی که حتی فرشتگان استعداد یادگیری و دریافت آنها را ندارند.

إني أعلم ما لا تعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «ما لا تعلمون» خصوص استعداد نهفته در آدم (ع) نباشد؛ بلکه مقصود علوم و حقایق باشد که در نزد خداوند است. بر این مبنا مراد از «إني أعلم ما لا تعلمون» - در رابطه با خلقت و خلافت آدم (ع) - این است که: در نزد خداوند حقایق است که باید موجودی به آنها آگاه شود و شما فرشتگان تحمل آن را نداشته و ندارید و تنها انسان است که استعداد دریافت آنها را دارد و می تواند مظهر آنها بشود. جمله «ألم أقل...» در آیه 33 مؤید این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 70 - 10

10_ فرشتگان، توانا بر سخن گفتن با آدمیان و درک سخنان و حالات ایشان

قالوا سل... قالوا لاتخف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 6

6 - ابلیس ، بر اطاعت از خداوند یا معصیت او ، مجبور نبود .

فسجدوا لأدم إلاّ إبليس أبى

ص: 273

31- استغفار ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 31

31_ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «إن الملائكة . . . قالوا نحن نقدرسک و نطیعک و لانعصیک کغیرنا ; قال : فلما اجیبوا بما ذکر فی القرآن علموا انهم تجاوزوا ما لهم فلا ذوا بالعرش استغفاراً . . . » ;

ملائکه گفتند: [خدایا!] ما تو را تقدیس و اطاعت می کنیم و تو را معصیت نخواهیم کرد، آن گونه که دیگران تو را نافرمانی کردند. امام فرمود: چون ملائکه جواب خداوند را آنگونه که در قرآن آمده، شنیدند، دانستند که از حد خود تجاوز کرده اند؛ پس برای طلب آمرزش به عرش الهی پناه بردند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 8

8 - استغفار و آمرزش خواهی همیشگی فرشتگان ، برای زمینیان

و يستغفرون لمن فی الأرض

32- استقبال ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 7

7- آنانی که در حال پاکی قبض روح می شوند ، مورد استقبال ملائکه قرار می گیرند .

الذین تتوفّهم الملئکه طیبین یقولون سلّم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 103 - 3

3- بهشتیان و مؤمنان راستین ، به هنگام برپایی قیامت مورد استقبال فرشتگان قرار خواهند گرفت .

و تتلقیهم الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - استقبال فرشتگان از بهشتیان ، با تحیت و سلام

ادخلوها بسلم

بنابراین که قائل «ادخلوها» فرشتگان باشند، برداشت بالا قابل استفاده است.

ص: 274

33- استهزاهای ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 13 - 10

10 - پاسخ استهزاآمیز فرشتگان به منافقان در قیامت ، در قبال مهلت خواهی آنان از مؤمنان برای کسب نور

یوم یقول المنفقون... نقتبس من نورکم قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

امر در «ارجعوا ورائکم» امر تهکمی و استهزایی است؛ زیرا در پشت سر منافقان نوری وجود ندارد تا آنان برگردند و از آن برگیرند. گفتنی است که در این که گوینده «ارجعوا ورائکم» کیست، چند دیدگاه وجود دارد. آنچه در برداشت بالا آمده، منطبق با یکی از آنها است.

34- اضرار به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 9

9_ آدمیان ، ناتوان از ضربه زدن به فرشتگان حتی در صورتی که آنان ، به شمایل انسان ها باشند .

ی_لوط إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک

35- اطاعت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 3

3- همه فرشتگان جز ابلیس ، از امر الهی به سجده بر آدم (ع) اطاعت کردند .

قلنا للملئکه اسجدوا لآدم فسجدوا إلا ابلیس

36- اطعام به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 4,8

4_ ابراهیم (ع) ، سلام فرشتگان را پاسخ گفت و برای تدارک غذا از حضور آنان بیرون رفت .

قال سلّم فما لبث أن جاء بعجل حنيد

8_ ابراهيم (ع)، در فاصله ای کوتاه پس از آمدن فرشتگان بشارت، گوساله ای بریان شده برای آنان آورد.

ص: 275

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

ضمير در «لبث» به ابراهیم(ع) برمی گردد و «أن جاء» به تقدیر «فی» متعلق به «لبث» است. «عجل» به گوساله نر که بیش از یک ماه نداشت به باشد، گفته می شود و «حنید» به معنای بریان شده است. بنابراین «فما لبث...»؛ یعنی، ابراهیم(ع) در آوردن گوساله ای بریان شده درنگی نکرد.

37- اطمینان بخشی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 30 - 1

1 - اطمینان بخشی فرشتگان به همسر ابراهیم (ع)، در مورد خدایی بودن پیام و بشارتشان (فرزنددار شدن او)

قالوا كذلك قال ربك

38- اقرار ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 10

10 _ اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او برای خلافت

إنك أنت العليم الحكيم

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت - اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

39- اقسام ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 9

9 - فرشتگان الهی سه دسته اند : دسته ای دارای دویال ، دسته ای دارای سه بال و دسته ای دارای چهاربال اند .

أولى أجنحة مثنى و ثلث و ربع

40- النجا به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 78 - 6

ص: 276

6- پذیرش پیام حق رسولان الهی، مایه سعادت انسان و رهایی از عذاب دوزخ است؛ نه التجا به فرشتگان در قیامت.

و نادوا یملک لیقض علینا ربک قال إنکم مکتون . لقد جننکم بالحق

این آیه شریفه در حقیقت مکمل آیه قبل و بیانگر فلسفه عدم پذیرش التجای مجرمان به فرشتگان خازن دوزخ است.

41- امانتداری ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 26 - 11

11- « عن أمير المؤمنين (ع) في خطبه تعرف بالأشباح قال : ثم خلق سبحانه لإسكان سماواته . . . خلقاً بديعاً من ملائكته . . . لا يدعون أنهم يخلقون شيئاً معه مّا انفرد به « بل عباد مكرمون . لا يسبقونه بالقول وهم بأمره يعملون » جعلهم الله فيما هنالك أهل الأمانة على وحيه ;

از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده است که آن حضرت در ضمن خطبه ای معروف به اشباح فرمودند: آن گاه خدای سبحان برای جای دادن در آسمان های خود . . . آفریده های بدیعی از فرشتگان خود را آفرید . . . آنان ادعا ندارند که در معیت خدا چیزی را آفریده باشند که آفرینش آن در انحصار او بوده است «بل عباد مکرمون...» خدا آنان را در آن جا اهل امانت بر وحی خود قرار داده است.»

42- امداد به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 12 - 4

4_ ملائکه در اجرای مأموریت های خویش نیازمند تقویت و پشتیبانی از جانب خدا

إذ يوحى ربك إلى الملكة أنى معكم فثبتوا الذين آمنوا

43- امیدواری به شفاعت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 26 - 3

3 - مشرکان، در امید واهی شفاعت فرشتگان از آنان *

و کم من ملک فی السموت لاتغنی شفعم شیئاً

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر این آیه _ پس از یادکرد عقاید مشرکان _ بدان جهت باشد که آنان، بت ها را تمثال فرشتگان دانسته و با پرستش بت ها، انتظار شفاعت را از فرشتگان داشته اند.

ص: 277

44- انبیا و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 98 - 5

5 - برتری رسولان الهی بر فرشتگان حتی بر جبرئیل و میکائیل *

من کان عدواً لله و ملائکته و رسله و جبریل و میکیل

چنانچه گذشت ذکر بخصوص جبرئیل و میکائیل از میان سایر فرشتگان حکایت از برتری این دو فرشته دارد و تقدیم ذکری «رساله» بر «جبریل و میکال» اشاره به به برتری بر جبرئیل و میکائیل دارد.

45- انذارهای ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 7 - 6 - 5

5_ نزول فرشته ای برای همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهت انذار مردمان ، انتظار بی جای کافران

وقالوا .. لولا أنزل إلیه ملک فیکون معه نذیراً

6_ نزول فرشته ای بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای همراهی با او در انذار مردمان ، شرط پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و درستی آن از نظر کافران بود .

لولا أنزل إلیه ملک فیکون معه نذیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 6 - 1

1 - ابلاغ وحی از سوی فرشتگان ، به منظور اتمام حجت بر خلق و انذار و اخطار به آنان است .

فالملقى ت ذکرًا . عذراً أو نذراً

«عذر» و «نذر» مصدر و به معنای «اعذار و انذار» است و نصب این دو، به جهت مفعول له بودن آنها برای «ملقیات» است و یا به سبب بدل بودن آنها، برای «ذکرًا» است. برداشت یاد شده، مبتنی بر ترکیب نخست است.

46- انسان و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 9

9_ آدمیان ، ناتوان از ضربه زدن به فرشتگان حتی در صورتی که آنان ، به شمایل انسان ها باشند .

ی_ لوط اِنَا رسل ربک لن یصلوا اِلیک

ص: 278

47- انقیاد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 97 - 4

4- فرشتگان ، بدون اذن و فرمان خدا ، امری را انجام نمی دهند .

فإنه نزله علی قلبک یاذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 13 - 7

7_ منزلت فرشتگان، منزلت انقیاد و تسلیم در برابر خدا، به دور از هرگونه تکبر و عصیان در برابر او

فما یکون لک أن تتکبر فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 30 - 1، 2

1- در پی فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) ، همه آنان بی استثنا در برابر او به سجده افتادند .

فقعوا له س_جدین . فسجد الملائکه کلهم أجمعون

2- فرشتگان در برابر فرمان الهی سجده بر آدم (ع) ، بی چون و چرا آن را اجرا کردند .

فقعوا له س_جدین . فسجد الملائکه کلهم أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 49 - 7

7- همه فرشتگان ، مطیع و منقاد خداوند بوده و در برابر اوامر او تمرد نمی کنند .

ولله یسجد . . . و الملئکة و هم لایستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 50 - 5

5- فرشتگان ، پیوسته از اوامر و دستورات خدا اطاعت کرده و از آن سرپیچی نمی کنند (عصمت از نافرمانی)

و الملئکه . . . و يفعلون ما يؤمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 7،12

7- همه فرشتگان ، بی چون و چرا و بی درنگ ، از فرمان الهی به سجده در برابر آدم ، اطاعت کردند .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لآدم فسجدوا

حرف فاء در «فسجدوا» بر تعقیب بدون مهلت دلالت دارد؛ یعنی، فرمان سجده به دون تأخیر انجام پذیرفت.

12- سرشت ملائکه ، سرشتی فرمان بردار در برابر خدا است .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا . . . فسجدوا إلا إبليس كان من الجنّ

ص: 279

تصریح به ماهیت شیطان، پس از طرح تخلف او و نیز اشاره به تفاوت ماهوی وی با فرشتگان، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 3

3- فرشتگان در نزول بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آوردن وحی، تنها از خداوند اطاعت می کنند.

و ما ننزّل إلاّ بأمر ربّک

گرچه در این آیه مطرح نشده است که فرشتگان بر چه کسی فرود می آیند و چه مطالبی را نازل می کنند؛ ولی به قرینه «ربک»، بارزترین مصداق برای گویندگان «ما ننزّل..»، مأموران ابلاغ قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 3

3 - تمامی فرشتگان، فرمان سجده برای آدم را گردن نهادند و بی درنگ در برابر او به سجده افتادند.

فسجدوا

حرف «فا» بر نبودن فاصله بین فرمان سجده و انجام آن دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 27 - 4,8

4- فرشتگان، در هر کاری تنها گوش به فرمان خدا هستند.

و هم بأمره یعملون

«بأمره» متعلق به «یعملون» است و تقدیم آن بر متعلق خود، افاده قصر می کند.

8- ملائکه در مقابل خداوند، انقیاد و اطاعت کامل دارند.

لایسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون

پیشی نگرفتن فرشتگان در سخن و عمل کردن بر طبق فرمان خدا، بیانگر روح تسلیم و انقیاد کامل آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اطلاع ملائکه از علم گسترده الهی ، مانع از شفاعت خودسرانه آنان است .

يعلم . . . ولايشفعون إلا لمن ارتضى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 165 - 1

1 - فرشتگان ، به صف ایستاده در خدمت اجرای فرمان های خداوند هستند .

وإنّا لنحن الصّافون

ص: 280

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 73 - 1

1 - با صدور فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) ، بی درنگ همه آنها ، در برابر او به سجده درافتادند .

فقعوا له سـجدین . فسجد الملـئکه کلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 74 - 10

10 - فرشتگان ، موجوداتی مطیع و خاضع در برابر فرمان های خداوند

فسجد الملـئکه کلهم أجمعون . إلا إبليس استکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 7

7 - فرشتگان و روح ، تسلیم خداونداند و کار های آنان به اذن او انجام می گیرد .

تنزل الملـئکه و الروح فیها یأذن ربهم

48- انقیاد ملائکه محافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 19

19_ « عن أبي جعفر (ع) فی قوله : « له معقبات من بین یدیه و من خلقه یحفظونه من أمر الله » یقول : بأمر الله من أن یقع فی رکی ، أو یقع علیه حائط ، أو یصیبه شیء حتی إذا جاء القدر . . . یدفعونه إلى المقادیر و هما ملکان یحفظانه باللیل و ملکان بالنهار یتعقبانه ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: «له معقبات . . .» روایت شده که می فرمود: به فرمان خدا [حفظ می کنند] او را از اینکه در چاه بیفتد یا دیوار بر او فرو ریزد یا آسیبی به او برسد تا زمانی که تقدیر بیاید . . . او را به تقدیر وامی گذارند و آن محافظان، دو فرشته در شب و دو فرشته در روز به نوبت از او حفاظت می کنند».

49- انگیزه ملائکه پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- تحصیل عزت و اعتبار، از انگیزه های مشرکان در پرستش معبود های خویش

واتخذوا... لیکونوا لهم عزا

«عزّاً» مصدر است و می تواند در توصیف مفرد و جمع به کار رود. کلمه یاد شده در این آیه، یا به معنای اسم فاعل «معزّین»

ص: 281

است (یعنی پرستش معبودها به انگیزه عزت بخش بودن آنها صورت می گیرد) و یا مراد مبالغه است (یعنی مشرکان معتقد بودند که معبودهایشان، عزت مجسم هستند و ارتباط با آنان زمینه ساز دریافت عزت است).

50- انوٹ ملائکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 3, 1

1- مشرکان بر این باور بودند که خداوند برای خود، دخترانی از ملائکه برگزیده است.

أفأصْفَ كَمْ رَبِّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنْتًا

3- مشرکان مکه، معتقد بودند که ملائکه از جنس زن هستند.

وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنْتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 39 - 2

2- فرشتگان، دختران خدا در نظر مشرکان، به رغم بیزاری خودشان از داشتن دختر و افتخارشان به پسران

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ

مشرکان، از داشتن دختر عار داشتند. خداوند براساس همین پندار غلط، با ایشان مواجه کرده است؛ که اگر به راستی دختران ننگ اند، چرا دختران را به خداوند نسبت داده و تنها خود را مالک پسران می دانید؟!

51- اهمیت نقش ملائکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 1 - 3

3- نقش و مسؤولیت فرشتگان در جهان، با اهمیت و بزرگ است.

وَالصَّفَاتِ صَفًّا

در این که مسؤولیت و کار فرشتگانِ صف در صف چیست؛ میان مفسران بحث و گفت و گوی بسیار وجود دارد. از ظاهر آیه شریفه نیز چیز روشنی به دست نمی آید؛ ولی می توان استفاده کرد که مسؤولیت و نقش فرشتگان هر چه هست، بسیار با اهمیت و بزرگ می باشد که

خداوند به آن سوگند یاد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 2 - 3

3 - نقش و مسئولیت فرشتگان در جهان ، با اهمیت و بزرگ است .

فَالزَّجْرُ جَزَاءُ

ص: 282

در این که مسؤولیت و کار فرشتگان بازدارنده و فریادگر چیست و از چه بازمی دارند و بر سر چه کسانی فریاد می زنند؛ میان مفسران بحث و گفتگوی بسیار درگرفته است. از ظاهر آیه نیز چیز روشنی به دست نمی آید؛ ولی می توان به این حقیقت پی برد که مسؤولیت و کار فرشتگان هر چه هست، بسیار با اهمیت و بزرگ می باشد که خداوند به آن سوگند یاد کرده است.

52- ایمان به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 177 - 17، 5، 7

5 - ایمان به خدا، قیامت، فرشتگان، کتاب های آسمانی و پیامبران و پرداخت مال (انفاق) برای رفع نیاز مستمندان و آزادی بردگان از مسائل اساسی دین است .

ليس البر أن تولوا وجوهكم . . . و لكن البر من آمن بالله ... و آتی المال علی حبه

7 - ضرورت ایمان به خدا، قیامت، فرشتگان، کتاب های آسمانی و تمامی پیامبران

و لكن البر من آمن بالله و اليوم الآخر و الملائكة و الكتب و النبیین

17 - ایمان به خدا، قیامت، فرشتگان، کتاب های آسمانی و پیامبران مشخصه نیکان

و لكن البر من آمن بالله . . . و النبیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 285 - 7

7 _ ایمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، به خدا، ملائکه، کتب آسمانی و پیامبران الهی

امن الرسول . . . و المؤمنون کلّ امن بالله و ملئکته و کتبه و رسله

کلمه «کلّ» علاوه بر مؤمنان، شامل پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز می شود. یعنی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، همگی ایمان به خدا و ... دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 136 - 9، 7

7 _ ضرورت ایمان به فرشتگان، پیامبران الهی و روز قیامت

و من يكفر بالله و ملئكته و كتبه و رسله و اليوم الآخر

9_ اعتقاد به خدا، پیامبران، روز قیامت، فرشتگان و کتب آسمانی، ارکان هدایت و شرط تحقق ایمان

یأیها الذین ءامنوا ءامنوا بالله و رسوله . . . فقد ضل ضللاً بعيداً

53- ایمان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 172 - 11

ص: 283

11_ علم و ایمان حضرت عیسی (ع) و فرشتگان مقرب الهی به قیامت و محشور شدن به پیشگاه خداوند ، مانع استکبار آنان از بندگی خدا

لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً لله و لا الملئکه . . . فسیحشرهم إلیه جمیعاً

جمله «و من . . .» جمله حالیه و بیان علت از جمله سابق است. یعنی امکان ندارد مسیح و فرشتگان از عبادت خدا امتناع کنند ؛ چون حشر انسان و ملائکه به سوی خدا حتمی است و مسیح و فرشتگان از آن آگاهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 6

6 - فرشتگان ، دارای ایمان راستین و کامل به خداوند

و یؤمنون به

54- برتری آدم(ع) بر ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 8,9

8 - آدم (ع) ، برتر از فرشتگان و عالمتر از ایشان بود .

و علم آدم الأسماء کلها . . . قالوا سبحنک لاعلم لنا إلا ما علمتنا

9 - هدف از فرمان خدا به فرشتگان (در بیان نام های حقایق) ، یادآوری عالمانه و حکیمانه بودن افعال الهی و آگاه ساختن آنان به برتری علمی آدم (ع) بود .

أنبئونی بأسماء هؤلاء . . . قالوا سبحنک ... إنک أنت العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 10,5

5 - آدم (ع) ، آموزگار فرشتگان

یأدم أنبئهم بأسمائهم فلما أنباهم بأسمائهم

10 - اثبات برتری آدم (ع) بر فرشتگان و تفهیم فضیلت او بر ایشان ، از هدف های فرمان خدا به آدم (ع) (تعلیم اسما به فرشتگان)

قال يٰٰدم انبئهم باسمائهم

به قرينه آيه بعد مي توان گفت: از اهداف فرمان خداوند به آدم(ع) - مبني بر تعليم اسما به فرشتگان - اثبات برتري او بر آنها بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 34 - 5,6

5 - آدم (ع)، داراي منزلت و مقامي فراتر از فرشتگان

ص: 284

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

از آن جایی که فرشتگان مأمور به سجده بر آدم(ع) شدند، فضیلت و برتری او معلوم می شود.

6- هدف از طرح خلافت آدم (ع) برای فرشتگان و اثبات فضیلت و برتری او، ایجاد رغبت در فرشتگان برای اجرای فرمان الهی (سجده بر آدم (ع)) بود.

و إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة .. و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 11 - 8

8_ آدم(ع) انسانی ارجمند و برتر از فرشتگان

ثم قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 4

4- آدم، موجودی ارجمند و برتر از فرشتگان

قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

سجده، به هر معنایی که باشد، حکایت از آن دارد که آدم، در قیاس با فرشتگان دارای مقامی رفیع است، به گونه ای که ملائکه، مأمور به سجده در برابر او می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 5

5- ابلیس، از اطاعت فرمان خداوند در مورد سجده در برابر آدم، رو برتافت.

فسجدوا لإبليس أبنی

55- برتری آدم(ع) به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9_ آگاهی بیشتر و فراتر آدم (ع)، راز برتری او بر فرشتگان بود.

و علم آدم الأسماء كلها... إن كنتم صدقین

56- برتری انسان بر ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 285

22_ انسان ، توانا به فراگیری علوم و دریافت حقایق غیبی که حتی فرشتگان استعداد یادگیری و دریافت آنها را ندارند .

إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «ما لا تعلمون» خصوص استعداد نهفته در آدم (ع) نباشد؛ بلکه مقصود علوم و حقایق باشد که در نزد خداوند است. بر این مبنا مراد از «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» - در رابطه با خلقت و خلافت آدم (ع) - این است که: در نزد خداوند حقایق است که باید موجودی به آنها آگاه شود و شما فرشتگان تحمل آن را نداشته و ندارید و تنها انسان است که استعداد دریافت آنها را دارد و می تواند مظهر آنها بشود. جمله «أَلَمْ أَقُلْ...» در آیه 33 مؤید این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 13

13- انسان ، دارای مقامی برتر از فرشتگان

إِذْ قَالَ رَبِّكَ لِلْمَلَأِكَةِ .. فَعَمُوا لَهُ سَـجِدِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 30 - 3

3- انسان ، دارای مقامی برتر از فرشتگان

فَعَمُوا لَهُ سَـجِدِينَ . فَسَجَدَ الْمَلَأِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 6

6- انسان ها دارای زمینه های دستیابی به منزلتی فراتر از فرشتگان و شایستگی برای سجده ملانکه بر ایشان هستند .

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَأِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 6

6- ابلیس ، بر اطاعت از خداوند یا معصیت او ، مجبور نبود .

فسجدوا لأدم إلا إبليس أبى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 11

11 - انسان ، دارای مقام و شرافتی فراتر و برتر از فرشتگان *

فإذا سويته .. فقعوا له سـجدین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در ضمن چهار آیه قبل فرشتگان را از «ملاً أعلی» (موجودات برین) معرفی کرده است؛ ولی در این آیه به آنان فرمان داد که باید در برابر آدم سجده کنند. ناگفته نماند مقصود از آدم و انسان همه انسان ها نیست؛ بلکه افرادی اند که در پرتو ایمان و عمل صالح، سیر کمال را پیموده و به خدا نزدیک شده اند.

ص: 286

57- برتری ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 14 - 11

11 - فرشتگان - در دید قوم عاد و ثمود - موجوداتی برتر از آدمیان و شایسته تر برای رسالت از جانب خداوند

قالوا لو شاء ربنا لأنزل من السماء

از این که قوم عاد و ثمود، پیامبران خویش را به واسطه بشر بودن انکار می کردند و نبوت را فقط لایق فرشتگان می دانستند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 4 - 2

2 - برخی از فرشتگان، از برخی دیگر برتراند .

فالس بق ت سبأ

سوگند خداوند بر «سابقات»، نشانه برتری آنان بر ملائکه دیگر است.

58- برتری ملائکه بر عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 4

4 - مشرکان مکه، معتقد به برتری فرشتگان بر عیسی (ع) *

و جعلوا الملائكة... وقالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم... ءأللهتنا خير أم هو

از آیه نوزده و بیست همین سوره استفاده می شود که مصداق مورد نظر مشرکان از «الله» ملائکه بوده است.

59- برگزیدگان خدا و رسالت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 9

9- مقام والای برگزیدگان خداوند ، مانع تعجب و کنجکاوی آنان درباره رسالت های الهی فرشتگان و کسب اطلاعات درباره افعال خداوند نیست .

قالت ائی یکون لی غلـم و لم یمسسنی بشر

ص: 287

60- بشارت‌های ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 3

3_ فرشتگان ، نوید دهنده سلامت به بهشتیان و دوری هرگزند از ایشان

سَلِّمَ عَلَیْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 53 - 2

2- بشارت پسری دانا و دانشمند به ابراهیم (ع) از سوی فرشتگان

إِنَّا نَبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 54 - 2

2- ابراهیم (ع) آن گاه خبر فرزندان شدنش را از فرشتگان دریافت کرد که کاملاً پیر و از فرزندان شدن مأیوس بود .

قَالَ أَبَشِّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمِ تَبَشِّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 55 - 1

1- تأکید فرشتگان بر تحقق و عینیت یافتن بشارت پسر دار شدن ابراهیم (ع) در دوران پیری

قَالُوا بَشِّرْنَا بِالْحَقِّ

مقصود از «بالحق» در آیه فوق یا خبر مطابق با واقع است و یا به معنای این است که بشارت ما حقیقت دار است (مجمع البیان). در هر صورت گویای این نکته است که: آنچه بشارت داده شد، تحقق یافتنی است و به وقوع خواهد پیوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 10

10- فرشتگان ، به هنگام قبض روح تقواییشان ، حامل پیام سلامتی و خوشحالی برای آنانند .

الْمُتَّقِينَ . الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 103 - 5

5- بشارت فرشتگان به مؤمنان راستین و بهشتیان در قیامت ، به فرارسیدن روز موعود (قیامت)

هـ_ذا یومکم الذی کنتم تعدون

ص: 288

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 30 - 11

11 - فرشتگان ، بشارت دهنده موحدان پایدار بر حق ، به بهشت موعود

و أبشروا بالجنّة الّتی کنتم توعدون

«الإبشار» (مصدر «أبشروا») به معنای مسرور بودن است. بنابراین «أبشروا بالجنّة»؛ یعنی، به بهشت مسرور و خوشنود باشید.

61- بی منطقی عقیده به الوهیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 21 - 1

1 - اعتقاد به دختر بودن و الوهیت فرشتگان ، سخنی گزاف و غیر مستند به کتاب های آسمانی

و جعلوا له من عباده جزءًا .. أم ءاتینهم کتبا من قبله فهم به مستمسکون

62- بی منطقی عقیده به انوشت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 150 - 5

5 - اعتقاد به از جنس زن بودن ملائکه ، اعتقادی بی پایه و بدون دلیل و شاهد

أم خلقنا الملئکة إنثاء و هم شهودون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 21 - 1

1 - اعتقاد به دختر بودن و الوهیت فرشتگان ، سخنی گزاف و غیر مستند به کتاب های آسمانی

و جعلوا له من عباده جزءًا .. أم ءاتینهم کتبا من قبله فهم به مستمسکون

63- بی نیازی مادی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- ملانکه، بی نیاز از خوردن غذا، حتی در صورت تجسم به شکل بشر

قال ألا تأکلون .. قالوا لاتخف

از آیه شریفه استفاده می شود که ملانکه سرانجام از غذای ابراهیم(ع) نخوردند، هر چند شکل بشری یافته بودند.

ص: 289

64- بینش ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 15

15_ فرشتگان با توجه به حضورشان در هستی و لیاقتشان برای خلافت ، فلسفه ای برای خلقت و خلافت انسان نمی دیدند .

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها . . . و نحن نسبح بحمدك

جمله حالیه «و نحن نسبح . . .» گویای این مطلب است که: فرشتگان علاوه بر اینکه انسان را به خاطر فسادگری اش شایسته خلافت نمی دانستند، وجود خویش را برای احراز این مقام لایق دانسته و زمین را از خلافت انسان بی نیاز می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 7

7 - نزول وحی ، مایه کمال آفرینش ، در نگاه فرشتگان

كذلك يوحى إليك . . . و الملئكة يسبحون بحمد ربهم

با توجه به این که «تسبیح» به معنای تنزیه و نفی نقیصه و کاستی است، تسبیح فرشتگان، حکایت از مشاهده کمال آفرینش پس از نزول وحی دارد.

65- پاسخ اخروی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 41 - 1

1 - جواب روشن ملائکه به خداوند ، درباره عدم رضایت آنان از پرستیده شدن از سوی مشرکان

و يوم يحشرهم . . . ثم يقول للملئكة أهؤلاء إيتاكم . . . يعبدون . قالوا سبحك أنت

66- پاکی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 79 - 3

3 - فرشتگان الهی ، موجوداتی پاک و مطهر

لا يمسّه إلا المطهرون

ص: 290

67- پرسش از رسالت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 58 - 1

1- در پی جویا شدن ابراهیم (ع) از مأموریت اصلی مأموران الهی (فرشتگان) آنان هلاکت قوم تبهکار (قوم لوط) را مأموریت اصلی خویش معرفی کردند .

قال فما خطبکم ایها المرسلون . قالوا انا أرسلنا إلى قوم مجرمین

68- پرسش از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 2

2_ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا ، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

انّ الذّین توفّیهم الملائکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 54 - 4

4- ابراهیم (ع) پس از دریافت خبر فرزندان شدنش از فرشتگان ، خواستار توضیح و اطلاعات بیشتری از آنان شد .

فبم تبشرون

برداشت فوق بر این اساس است که «با» در «فبم» برای ملابست باشد و استفهام در جمله «فبم تبشرون» سؤال از چگونگی تحقق چنین بشارتی (فرزندان شدن) باشد و نه تردید و سؤال از اصل فرزندان شدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 40 - 3,5

3 - خداوند در روز قیامت ، از ملائکه خواهد پرسید که آیا از عبادت مشرکان برای آنان ، رضایت داشته اند ؟

و یوم یحشرهم جمیعاً ثمّ یقول للملئکه أهـ ولاء إیّاکم کانوا یعبدون

جوابی که در آیه بعد از قول ملائکه نقل شده، حکایت از این دارد که سؤال از اصل عبادت نبوده است؛ زیرا عبادت مشرکان در اختیار

ملائکه نبوده تا آنان دستور به انجام آن داده باشند؛ بلکه سؤال از رضایت ملائکه از این کار است.

5- پرسش خداوند از ملائکه درباره پرستیده شدنشان از سوی مشرکان، با فاصله ای از بازآفرینی و گردآوری خواهد بود.

و یوم یحشرهم . . . ثم یقول للملئکه

«ثم» برای تراخی است و کاربرد آن در آیه، مفید نکته یاد شده است.

ص: 291

69- پرشی ملائکه قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 27 - 16,17

16- « قال أمير المؤمنين (ع) صلوات الله عليه : إن ابن آدم . . . فإذا أدخل قبره أتاه ملكا القبر . . . فيقولان : من ربك و ما دينك و من نبيك ؟ فيقول : الله ربّي و ديني الإسلام و نبيي محمد (صلى الله عليه و آله) فيقولان له : تثبتك الله فيما تحبّ و ترضى و هو قول الله عزّوجلّ : « يثبّت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا و في الآخرة » . . . » ;

از اميرالمؤمنين(ع) روایت شده است که فرمود: همانا آدمی زاده را . . . آن گاه که وارد قبرش می کنند، دو فرشته نزدش می آیند . . . و می گویند: پروردگارت کیست؟ و دینت چیست؟ و پیامبرت کیست؟ پس پاسخ می گوید: «خداوند» پروردگارم و «اسلام» دین من و پیامبرم حضرت محمد(صلى الله عليه و آله) است. پس به او می گویند: خداوند تو را در آنچه دوست می داری و به آن راضی هستی ثابت قدم و استوار کرده است و این همان سخن خداوند است که می فرماید: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ (...)...».

17- « عن أبي عبد الله (ع) قال : إن المؤمن إذا أُخرج من بيته شيعة الملائكة إلى قبره . . . و إن كان كافراً خرجت الملائكة تشيعة إلى قبره تلعنونه . . . ثم يدخل عليه ملكا القبر . . . فيقولان له : من ربك ؟ فيتلجلج و يقول : قد سمعت الناس يقولون فيقولان له : لادريت و يقولان له : ما دينك ؟ فيتلجلج فيقولان له : لادريت و يقولان له : من نبيك ؟ فيقول : قد سمعت الناس يقولون فيقولان له لادريت و يسأل عن إمام زمانه . . . و هو قول الله عزّوجلّ : « . . . و يضلّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء » ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که [جنازه] مؤمن را از منزلش بیرون می برند، ملائکه او را تا قبرش تشیع می کنند . . . و اگر کافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشیع و لعنت می کنند . . . سپس دو فرشته قبر، بر او وارد می شوند . . . پس به او می گویند: پروردگارت کیست؟ پس او [در پاسخ] مردد می شود و می گوید: شنیده ام مردم [این گونه] می گویند. پس به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ به او می گویند دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ پس به او می گویند: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا] ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: . . . و این سخن خداوند عزّوجلّ است: . . . يضلّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء».

70- پیشگوی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 8

8_ فرشتگان با پیش بینی فسادگری انسان ، او را شایسته خلافت نمی دیدند .

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها و يفسك الدماء

71- تأثیر پذیری ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 50 - 2

2- فرشتگان ، دارای تأثر و انعطاف نفسانی اند .

ص: 292

و الملئکه ... یخافون ربهم

72- تاریخ خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 3

3- فرشتگان پیش از خلقت و خلافت آدم (ع)، آفریده شده بودند .

و إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 28 - 5

5- فرشتگان، قبل از آفرینش انسان، موجود بودند .

و إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 10

10 - سجده در برابر موجودی دیگر، به فرمان خداوند و در جهت اطاعت او، مجاز است و نشانه پرستش مسجود نیست .

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

73- تاریخ ملائکه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 22 - 4

4- پرستش فرشتگان، سنتی دیرینه و آیینی سابقه دار در تاریخ عرب جاهلی

بل قالوا إنا وجدنا آباءنا على أمة

واژه «أمة»، بیانگر آیین و مذهب است.

74- تبدیل انسان به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 60 - 4

4 - تبدیل ماهیت انسانی به فرشته (مجرد) ، امری ممکن برای خداوند

ص: 293

و لو نشاء لجعلنا منكم ملئكة

گروهی از مفسران آیه شریفه را ناظر بدین معنا دانسته اند که اگر خداوند بخواهد، می تواند فرزندان انسان را فرشته قرار دهد که جانشین او در زمین گردند.

75- تبری ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 41 - 5

5- ملائکه، بین خود و مشرکان به موالاتی قائل نیستند.

قالوا .. أنت ولينا من دونهم

76- تبریک به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 8 - 3

3- تبریک خداوند به موسی و فرشتگان حاضر در اطراف آتش طور

نودی أن بورک من فی النار و من حولها

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «بورک من فی النار» انشای تبریک باشد.

77- تبریک ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 8

8_ فرشتگان از هر سو برای تهنیت گویی به بهشتیان بر آنان وارد می شوند.

والملائكة يدخلون عليهم من كل باب

78- تجسم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

37 - تجسم فرشتگان به گونه ای که برای مردم قابل مشاهده باشد ، امکان پذیر است .

و ما يعلمان من أحد حتی یقولاً إنما نحن فتنه

ص: 294

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 9

9_ امکان تجسم فرشتگان به صورت آدمی

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

آنچه در آیه نفی شده، پیامبر شدن فرشتگان است، نه تجسم آنان به صورت آدمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 7

7_ فرشتگان پیام آور بشارت، به سیمای آدمیان بر ابراهیم (ع) وارد شدند.

قالوا سل ما قال سل م فما لبث أن جاء بعجل حنيد

از اینکه ابراهیم(ع) غذایی که انسانها از آن تناول می کنند برای فرشتگان آورد، معلوم می شود: آن حضرت، فرشتگان را به صورت و سیمای انسان دید و به ماهیت آنان پی نبرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 2

2_ فرشتگان، به صورت و شکل انسان ها بر حضرت لوط (ع) وارد شدند.

ولما جاءت رسلنا لوطا سيء بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 10، 8

8- فرشتگان وارد شده بر حضرت ابراهیم (ع)، در قالب و شکل انسان بوده و به عنوان مهمان وارد شدند.

وتبئهم عن ضيف إبراهيم . إذ دخلوا عليه فقالوا سل ما قال إنا منكم وجلون

10- امکان ظاهر شدن فرشتگان در قالب جسمانی و قابل رؤیت

إذ دخلوا عليه فقالوا سل ما قال إنا منكم وجلون

1- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قیافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

«قوم» از نظر ریشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضمائر «إنکم» و «منکرون» به صورت جمع مذکر، مؤید برداشت فوق است.

5- امکان ظاهر شدن فرشتگان در قالب جسمانی و قابل رؤیت برای انسان

قال إنکم قوم منکرون

ص: 295

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 10، 9

9- چهره جلوه یافته فرشته الهی برای مریم (س)، چهره ای ناآشنا و بی شباهت به هم شهریان و خویشاوندان او بود.

بشراً سوياً

«بشراً» اسم نکره است و بر ناشناخته بودن شخص دلالت دارد.

10- تمثّل و جلوه گر شدن فرشتگان به صورت های مادی، امری ممکن و تحقق یافته است.

فأرسلنا إليها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 4

4 - امکان دارد که فرشتگان به صورت موجود مادی، ظاهر شوند.

ولمّا أن جاءت رسلنا لوطاً سىء بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 24 - 6

6 - تجسم ملائکه به صورت انسان، برای ابراهیم (ع)

ضیف ابرهیم المکرمین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که میهمانان ابراهیم(ع) از ملائکه بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 2

2 - تجسم ملائکه به صورت انسان برای حضرت ابراهیم (ع)

هل أتىك حدیث ضیف... فجاء بعجل سمین

اقدام حضرت ابراهیم(ع) برای تهیه غذا و آوردن گوساله بریان شده، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 28 - 6

6 - ملائکه، بی نیاز از خوردن غذا، حتی در صورت تجسم به شکل بشر

قال ألا تأكلون .. قالوا لا نخف

از آیه شریفه استفاده می شود که ملائکه سرانجام از غذای ابراهیم(ع) نخوردند، هر چند شکل بشری یافته بودند.

79- تجسم ملائکه عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 296

3 - فرشتگان عذاب قوم لوط، به صورت انسان، بر لوط (ع) وارد شدند.

وَلَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطاً سىء بهم

احتمال دارد دلیل «سىء بهم و ضاق بهم ذرعاً» این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط(ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط(ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

80- تحمید ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 2,7

2_ فرشتگان تسبیح گوی خداوند و ستایش کننده اویند .

و یسبح .. و الملئکه

«الملائکه» عطف بر «الرعد» است ; یعنی: «یسبح الملائکه بحمده من خیفته».

7_ فرشتگان و رعد های آسمانی به وسیله حمد و ستایش خدا او را تسبیح می کنند .

و یسبح الرعد بحمده

«باء» در «بحمده» می تواند برای مصاحبت باشد و ممکن است برای استعانت باشد. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

81- تحیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 43 - 4,5,6

4 - دعا و تحیت فرشتگان بر مؤمنان

هو الذی یصلی علیکم و ملئکتہ

5 - دعا و تحیت فرشتگان به مؤمنان، به سبب فراوانی ذکر و تسبیح خدا از سوی آنان است .

یٰٓأَیُّهَا الذِّیْنَ ءَامَنُوا اذْکُرُوا اللّٰهَ .. و سَبِّحُوْهُ ... هو الذی یصلی علیکم و ملئکت

6- دعا و تحیت ملائکہ بر مؤمنان ، زمینہ ساز بیرون بردن آنان از ظلمت ها به نور است .

هو الذی یصلی علیکم و ملئکتہ لیخرجکم من الظلمت الی النور

82- تداوم تسبیح ملائکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 20 - 2

ص: 297

2- سستی ناپذیری مقربان الهی (فرشتگان) در تسبیح مستمر خداوند

و من عنده .. یسبحون الیل والنهار لایفترون

«فتر» (مصدر «یفترون») به معنای ضعف و سستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 38 - 4،6

4 - فرشتگان و بندگان مخلص حق، در شب و روز همواره تسبیح گوی خداوند هستند.

فالذین عند ربک یسبحون له باللیل والنهار

تعبیر «باللیل والنهار» کنایه از استمرار و تداوم است.

6 - فرشتگان و بندگان مخلص خدا، در تسبیح و عبادت او خستگی ناپذیراند.

فالذین عند ربک یسبحون له .. و هم لایسئمون

«السامه» (مصدر «لایسئمون») به معنای خستگی و ملالت از ادامه کار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 5

5 - فرشتگان، همواره در حال ستایش، تسبیح و تنزیه پروردگار خویش

و الملئکه یسبحون بحمد ربهم

فعل مضارع «یسبحون» افاده استمرار می کند.

83- تداوم حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 5

5 - فرشتگان، همواره در حال ستایش، تسبیح و تنزیه پروردگار خویش

و الملئکه یسبحون بحمد ربهم

فعل مضارع «یَسْبِحُونَ» افاده استمرار می کند.

84- تداوم نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 3

3 - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزل

ص: 298

فعل «تنزل»، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 6

6 - در نزول فرشتگان و روح تا سپیده دم شب قدر، وقفه ای پدید نمی آید.

تنزل الملئکة و الروح فیها .. حتی مطلع الفجر

حرف «حتی»، می تواند بیانگر غایت تمام اموری باشد که درباره شب قدر، مطرح شده است.

85- تداوم نزول ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 1 - 2

2 - نزول فرشتگان وحی، به صورت مستمر و پیاپی

و المرسلات عرفاً

«عُرف»، مصدر است و در معانی «تتابع» (پی در پی) و معروف (نیک و ارزشمند) به کار می رود. برداشت یاد شده، مبتنی بر کاربرد نخست است.

86- تدبیر ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 5 - 6, 8, 5, 4, 2, 1

1 - فرشتگان، عهده دار مدیریت و تدبیر بخش هایی از امور جهان

فالمُدبِّرت أُمَرًا

«أمرًا» اسم جنس و قابل اطلاق بر کم و زیاد است و نکره بودن آن، دلالت بر ابهام یا تعظیم دارد.

2 - کاردانی و مهارت فرشتگان، در اداره و تدبیر جهان

فالمُدبِّرت أُمَرًا

4 - جهان دارای نظامی خاص و استوار ، بر پایه تدبیرهایی از سوی فرشتگان

فالمَدْبَرَاتُ أُمَرَاءُ

5 - سوگند خداوند به فرشتگان مدیر و مدبّر

فالمَدْبَرَاتُ أُمَرَاءُ

6 - فرشتگان تدبیرکننده امور جهان ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

فالمَدْبَرَاتُ أُمَرَاءُ

8 - « عن علی بن أبی طالب (ع) أنّ ابن کوّاء سأله عن « و المدبرات أمراً » قال : الملائكة يدبرون ذکر الرحمن و أمره ؛

ص: 299

از علی بن ابی طالب (ع) روایت شده که در پاسخ ابن کوّاء _ که از او درباره «فالمُدبّراتُ أمراً» سؤال کرده بود _ فرمود: مراد فرشتگانی اند که ذکر خدای رحمان و فرمان او را تدبیر می کنند».

87- ترس ابراهیم (ع) از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 70 - 3, 4

3_ ابراهیم (ع) ، از فرشتگان حاضر در خانه خویش ، احساس ترس و دلهره کرد .

وَأوجس منهم خيفة

ایجاس (مصدر أوجس) به معنای احساس کردن است.

4_ خودداری فرشتگان از تناول غذا ، عامل ترس ابراهیم (ع) از آنان شد .

فلما رءأ أیدیههم لاتصل إلیه نکرهم و أوجس منهم خيفة

88- ترس از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 6

6_ وحشت مجرمان از ملائکه به هنگام رو در رویی با آنها ، به هنگام مرگ و روز رستاخیز

یوم یرون الملئکه لابیشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً

89- ترس ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 4

4_ هراس و خوف فرشتگان از خداوند

و الملئکه من خیفته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- فرشتگان ، همواره ، از مقام ربوبیت و قهّاریت خداوند ، در خوف و هراسند .

والمملئکة ... یخافون ربّهم من فوقهم

«من فوقهم» حال برای «ربّ» است و دلالت بر علوّ و برتری خدا می کند که حاکی از قهّاریت اوست و فعل مضارع «یخافون»

ص: 300

دلالت بر تداوم می کند.

90- تسبیح گویی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 10، 12

10_ فرشتگان ، تسبیح کننده ، ستایشگر و تقدیس کننده خدا هستند .

و نحن نسبح بحمدك و نقدر لك

12_ خلوص فرشتگان در تسبیح و ستایش خداوند

نحن نسبح بحمدك و نقدر لك

«لك» علاوه بر تعلقش به «نقدس»، متعلق به «نسبح» نیز می باشد. خلوص از لام «لك» استفاده شده است؛ یعنی: تقدسك لك لا لغیرك.

91- تسبیح ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 2، 7

2_ فرشتگان تسبیح گوی خداوند و ستایش کننده اویند .

و یسبح .. و الملئكة

«الملائكة» عطف بر «الرعد» است ؛ یعنی: «یسبح الملائكة بحمده من خیفته».

7_ فرشتگان و رعد های آسمانی به وسیله حمد و ستایش خدا او را تسبیح می کنند .

و یسبح الرعد بحمده

«باء» در «بحمده» می تواند برای مصاحبت باشد و ممکن است برای استعانت باشد. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 20 - 3

3- « عن أبي عبد الله (ع) : والملائكة ينامون ، فقلت : يقول الله عز وجل : « يسبحون الليل والنهار لا يفترون » فقال : أنفاسهم تسبيح ؛

از امام صادق (ع) روایت شده: ملائکه نیز می خوابند [راوی می گوید عرض کردم: چگونه و حال آن که] خدا می فرماید: «یسبحون اللیل والنهار لا یفترون» فرمود: نفس های آنان تسبیح است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 166 - 1

ص: 301

1 - فرشتگان ، پیوسته به تسبیح و تنزیه خداوند مشغول اند .

وإِنَّا لَنَحْنُ الْمَسْبُوحُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 1

1 - فرشتگان به روز قیامت ، در اطراف عرش به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او خواهند پرداخت .

و تری الملئکة حاقین من حول العرش یسبّحون بحمد ربّهم

92- تشبیه ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 17 - 6

6 - مشرکان عصر بعثت ، فرشتگان را موجوداتی شبیه خداوند در رحمت می دانستند .

بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به کلمه «رحمان» و «مثلاً»، مطلب بالا قابل برداشت است.

93- تشبیه ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 3 - 5

5 - فرشتگان ، به هنگام قبض روح برخی از مردم ، بسان شناکنندگان ، وظیفه خود را به آرامی و با مدارا انجام می دهند .

والسبّحَاتِ سَبْحًا

در نظر برخی از اهل لغت، حرکت در اعماق آب را، «عَوْم» و حرکت روی آب و بدون فرورفتن را «سباحه» می گویند (تاج العروس). تعبیر «السباحات» - به قرینه «الناشطات» در آیه قبل - ناظر به حرکت آرام ملائکه، در قبض روح مؤمن است که به حرکت در آب تشبیه شده است.

94- تشبیه ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- فرشتگان وحی ، همچون طوفان با سرعت بسیار مأموریت خود را دنبال می کردند .

فالع_صف_ت عصفاً

ص: 302

«عاصفات» از نظر لغوی، به معنای تندبادها و طوفان‌ها است و اگر مقصود از آن، فرشتگان باشد، در این کلام تشبیه و استعاره به کار رفته است.

95- شکل ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 165 - 3

3- وجود تشکل و حرکت جمعی میان فرشتگان

وإنا لنحن الصّافون

برداشت یاد شده از به صف بودن فرشتگان به دست می آید.

96- تعداد بال ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 9

9- فرشتگان الهی سه دسته اند : دسته ای دارای دویال ، دسته ای دارای سه بال و دسته ای دارای چهاربال اند .

أُولَىٰ أجنحه مثنى و ثلث و ربّ ع

97- تعداد ملائکه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 31 - 7،8،10

7- بیان تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن ، موجب افزایش و تقویت ایمان اهل کتاب تا مرز یقین

لیستیقن الذین أوتوا الکتب

8- تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ ، از حقایق بازگو شده در کتاب های آسمانی پیشین

لیستیقن الذین أوتوا الکتب

مفسران درباره چگونگی یقین پیدا کردن اهل کتاب از تعداد ذکر شده در قرآن برای نگهبانان دوزخ، گفته اند: چون این عدد در کتاب های آسمانی اهل کتاب نیز ذکر شده است، آنان به حقانیت و درستی قرآن پی برده اند و بر ایمانشان افزوده شده است.

10 - ذکر تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن ، زداینده هرگونه شک و تردید ، از دل اهل کتاب و مؤمنان نسبت به حقانیت و درستی قرآن

و لا یرتاب الذین أُوتوا الکتب و المؤمنون

ص: 303

98- تعدد ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 27 - 8

8- ملائکه متعدد، دست اندرکار قبض روح انسان ها

إذا توفّتهم المَلَكَةُ

99- تعدد ملائکه محافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 2,20

2_ هر فردی از انسانها، بهره مند از مراقبت و محافظت چندین فرشته است.

له معقّبَت .. يحفظونه

برداشت فوق از جمع آوردن کلمه «معقّبات» استفاده می شود. قابل ذکر است که ضمیر در «له» و ضمیر مفعولی در «يحفظونه» به «من أسرّ القول...» باز می گردد و مراد از آن «انسان» است؛ زیرا خطاب در جمله «سواء منکم» متوجه انسانهاست.

20_ « دخل عثمان على رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقال: أخبرني عن العبد كم معه من ملك؟ قال: ... و ملكان بين يديك و من خلفك يقول الله سبحانه: « له معقبات من بين يديه و من خلفه ... »؛

عثمان بر رسول الله (صلى الله عليه وآله) وارد شد و گفت: به من خبر ده با هر بنده ای چند فرشته است؟ حضرت فرمود: ... و دو فرشته پیش رو و پشت سر تو هستند. خداوند سبحان می فرماید: له معقبات ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 10 - 4

4 - « دخل عثمان على رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقال: أخبرني عن العبد كم معه من ملك قال: ... عشرة أملاك على كل آدمي و ملائكة الليل سوى ملائكة النهار فهـؤلاء عشرون ملكاً على كل آدمي ... قال الله تعالى: « و إنّ عليكم لحافظين »؛

عثمان به حضور رسول خدا (صلى الله عليه وآله) رسید و گفت: مرا خبر ده با هر بنده ای چند فرشته هست؟ فرمود: ... بر هر آدمی همیشه ده فرشته [نگهبان] است، فرشته های شب، غیر از فرشتگان روز می باشند، بنابراین مجموعاً بر هر آدمی بیست فرشته [نگهبان] می باشد ... خدای تعالی فرمود: «و إنّ عليكم لحافظين».

100- تعداد ملائکہ مرگ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 304

8_ کارگزاران الهی در قبض روح انسانها، فرشتگانی متعدد هستند.

إذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 28 - 6

6- ملائکه قبض روح انسان ها ، متعددند .

تتوفّ هم الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 2

2- فرشتگان قبض روح کننده انسان ها ، متعددند .

الذین تتوفّ هم الملئکه

101- تعلم از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 38

38 - فرشتگان می توانند با حضور در میان مردم ، آنان را آموزش دهند .

و ما يعلمان من أحد حتى يقولوا ... فيتعلمون منهما ... و يتعلمون ما يضرهم

102- تعليم اسما به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 10

10 - اثبات برتری آدم (ع) بر فرشتگان و تفهیم فضیلت او بر ایشان ، از هدف های فرمان خدا به آدم (ع) (تعلیم اسما به فرشتگان)

قال يأدم أنبئهم بأسمائهم

به قرینه آیه بعد می توان گفت: از اهداف فرمان خداوند به آدم(ع) - مبنی بر تعلیم اسما به فرشتگان - اثبات برتری او بر آنها بوده است.

ص: 305

103- تعلیم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 38

38 - فرشتگان می توانند با حضور در میان مردم، آنان را آموزش دهند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولاً .. . فیتعلمون منهما ... و یتعلمون ما یضرمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 71 - 1

1 - خداوند، پیش از آفرینش انسان، فرشتگان را از آن باخبر ساخت .

إذ قال ربك للملائكة إني خالق بشرا

104- تفاوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 10

10 - توانایی و نقش آفرینی ملائکه در جهان متفاوت است .

أولى أجنحة مثنى وثلث وربع

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که پروبال فرشتگان، کنایه از توانایی و قدرت جولان آنان در جهان باشد. در مثل می گویند: فلانی پروبالش سوخته و یا شکسته شده؛ کنایه از این که نیروی حرکت و توانایی از او سلب گردیده است.

105- تقرب ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 26 - 7

7- فرشتگان، بندگان مقرب و مکرم خداوند هستند .

بل عباد مکرمون

10 - تفاوت مراتب و درجات فرشتگان الهی در قرب به خداوند *

و کم من ملک .. إلا من بعد أن يأذن الله لمن يشاء و يرضى

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر به دست می آید: الف) مراد از «من» در «لمن يشاء» شفاعت کنندگان (فرشتگان) باشد؛ ب) ذکر «لمن يشاء» ناظر بدان باشد که برخی از فرشتگان، از مقبولیت شفاعت برخوردارند.

106- تقرب ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 1 - 2

2- فرشتگان مأمور قبض روح ، دارای مقامی رفیع در پیشگاه خداوند

و النزعَاتِ غرقاً

قسم خوردن خداوند به فرشتگان مرگ، نشانه ارجمندی آنان در نزد او است.

107- تکبر ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 31 - 7

7_ فرشتگان ، مدعی برتری خویش بر آدم (ع) بودند .

أنبؤنی بأسماء هؤلاء إن كنتم صدقین

جمله «و نحن نسبح ..» - پس از سخن اعتراض گونه فرشتگان به خلقت و خلافت انسان - می نمایاند که متعلق «صادقین» برتری فرشتگان بر آدم می باشد؛ یعنی، اگر راست می گوید که از آدم (ع) برتر هستید و به مقام خلافت شایسته ترید ...

108- تکلم با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 72 - 5

5_ گفتگوی ساره (همسر ابراهیم) با فرشتگان

فبشّرناها بإسحق... قالت ی ویلتی ءألد و أنا عجوز و هـ ذابعلی شیخاً

109- تکلم خدا با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 28 - 1

1- خداوند، تصمیم خود را مبنی بر آفرینش انسان، به ملائکه اعلام کرد.

و إذ قال ربك للملئكة إني خـلق بشراً

ص: 307

110- تکلم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 - 2

2_ امکان سخن گفتن فرشتگان ، با غیر انبیای الهی

و اذ قالت الملائکه یا مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 2

2_ سخن فرشتگان با مریم و فرمان دادن به او ، درباره اطاعت خاضعانه

و اذ قالت الملائکه .. یا مریم اقتنی لربک و اسجدی

ظاهراً جمله «یا مریم اقتنی»، گفتار ملائکه با حضرت مریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 45 - 1

1_ سخن گفتن ملائکه با مریم و بشارت به او ، درباره عیسی (ع)

اذ قالت الملائکه یا مریم انّ الله یشرک بکلمه منه اسمه المسيح عیسی ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 70 - 10

10_ فرشتگان ، توانا بر سخن گفتن با آدمیان و درک سخنان و حالات ایشان

قالوا سلّ ما .. قالوا لاتخف

111- تکلم ملائکه با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 1

1_ دیدار فرشتگان با اهل بهشت و سخن گفتن آنان با ایشان

والمَلِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ... سَلِّمْ عَلَيْهِمْ

ص: 308

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 11

11- دستور خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرینش او

و إذ قال ربك للملائكة... فإذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له سجدتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 30 - 1

1- در پی فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) ، همه آنان بی استثنا در برابر او به سجده افتادند .

فقعوا له سجدتين . فسجد الملائكة كلهم أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 50 - 6

6- فرشتگان ، مکلف به انجام تکالیفی اند .

و الملائكة... و يفعلون ما يؤمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 2

2- خداوند ، به همه فرشتگان فرمان داد تا آدم را سجده کنند .

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

«ال» در «الملائكة» برای استغراق است؛ یعنی: «همه ملائکه».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 2،8

2- فرشتگان ، به فرمان خداوند ، موظف به سجده برای آدم و خضوع در برابر او شدند .

وإذ قلنا للملئكة اسجدوا لأدم

8- آدم (ع)، دارای مقام و جایگاهی برتر از ملائکه

وإذ قلنا للملئكة اسجدوا لأدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 27 - 6

6- ملائکه، موجوداتی مکلف و موظف در برابر خداوند

و هم بأمیره یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 309

7 - فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرینش او

فإذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له سـجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ابلیس چونان فرشتگان، مکلف و موظف به سجده برای آدم (ع)

فقعوا له سـجدین . فسجد الملـئکه ... إلاّ ابلیس

8 - تکلیف سجده کردن فرشتگان بر آدم، تکلیفی بس مهم و بزرگ در پیشگاه خداوند

فقعوا له سـجدین . فسجد الملـئکه ... إلاّ ابلیس استکبر و کان من الـکـفرین

از این که ابلیس، به خاطر سرپیچی از سجده بر آدم، از سوی خداوند کافر شمرده شد، برداشت یاد شده به دست می آید.

113- تنبه به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - هدف از فرمان خدا به فرشتگان (در بیان نام های حقایق)، یادآوری عالمانه و حکیمانه بودن افعال الهی و آگاه ساختن آنان به برتری علمی آدم (ع) بود.

أنبئونی بأسماء هؤلاء .. قالوا سبحنک ... إنک أنت العلیم الحکیم

114- تواضع ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - فرشتگان همواره با تواضع در برابر خدا وی را عبادت می کنند و او را منزّه می دانند و تنها بر درگاه او سجده می برند.

إن الذین عند ربک .. و له یسجدون

بسیاری از مفسران بر آنند که مراد از «الذین عند ربک» فرشتگان هستند.

115- توحید عبادی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 49 - 4

ص: 310

4- تمامی موجودات جنبنده و فرشتگان، تنها در برابر خداوند سجده می کنند .

و لله يسجد ما فى السموت و ما فى الأرض من دابة و الملئكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 41 - 2

2 - ملانکه ، پرستیده شدن غیر خداوند را شایسته نمی دانند .

قالوا سبح_نک

اعلام منزه بودن خداوند از سوی فرشتگان، در جواب این سؤال که «آیا شما مورد پرستش مشرکان بوده اید» می تواند ناظر به حقیقت یاد شده باشد.

116- توصیه های ملانکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 16

16_ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب، به همراه خویش کوچ ندهد .

فأسر بأهلك بقطع من الیل . . . إلا امرأتک

برداشت فوق، بر این اساس است که «امرأتک» استثنا از «أهلك» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 55 - 2

2- توصیه فرشتگان به ابراهیم (ع) بر مایوس نشدن از لطف و رحمت خداوند در زندگی

قالوا . . . فلا تکن من القنطین

«قنوط» به معنای ناامید شدن از خیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 65 - 9

9- عبادت و پایداری بر آن ، توصیه فرشتگان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ما ننزل إلا بأمر ربك .. فاعبده واصطبر لعب_دته

آیه مورد بحث بر حسب ظاهر، در ادامه سخنان فرشتگان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آیه پیش است.

117- نَهْمَتُ بِهِ مَلَائِكَةُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 311

12- عقیده به انوئیت فرشتگان و دختر خدا دانستن آنان ، سخن و اتهامی بس بزرگ و غیر قابل باور است .

و اتّخذ من المملئکه أنئ انکم لتقولون قولاً عظيماً

118- جایگاه ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 124 - 11

11_ فرشتگان ، موجوداتی از عالم بالا

ان یمدکم ربکم بثلثة الاف من الملكئته منزلين

کلمه «منزل» (فرو فرستاده شده)، بیانگر این است که فرشتگان در عالمی بالاتر از عالم دنیا هستند و به هنگام امداد فرو فرستاده می شوند و پایین می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 25 - 5

5_ آسمان ، جایگاه فرشتگان

يوم تشقق السماء بالغمم و نزل المملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 52 - 6

6 - جبرئیل ، موجودی از عالم امر *

أوحينا إلیک روحاً من أمرنا

قید «من أمرنا» می تواند برای بیان این نکته باشد که «روح»، آفریده ای از عالم بالا و فرشته ای از عالم امر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 26 - 2

2- آسمان ، مرکز و جایگاه بسیاری از فرشتگان

و کم من ملک فی السموت

119- جایگزینی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 60 - 1

ص: 312

1 - خداوند ، توانا بر جایگزین ساختن فرشتگان وحی پذیر ، به جای انسان های وحی ستیز

و لو نشاء لجعلنا منكم ملئكة فى الأرض يخلفون

با توجه به آیات پیشین که در مورد مخالفت مشرکان مکه با پیام وحی بود، استفاده می شود که آیه شریفه درصدد اثبات مطلب بالا است.

120- جنس ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 3

3- مشرکان مکه ، معتقد بودند که ملائکه از جنس زن هستند .

و اتخذ من الملئكة إنثاءً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 150 - 3

3 - ملائکه ، از جنس زنان نیستند .

أم خلقنا الملئكة إنثاءً

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که پس از «أم» _ که به معنای «بل» است _ همزه استفهامی انکاری مقدر بوده و تقدیر آن چنین است: «أم أخلقنا الملائكة إنثاءً».

121- جنسیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 21 - 3

3 - اعراب جاهلی ، معتقد به دختر بودن فرشتگان

أفریتم اللات والعزى... ألكم الذکر وله الأثنى

از ارتباط میان آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان، فرشتگان را دختران خدا و بت ها را مظهري برای آنها می پنداشتند. بدین جهت اسامی مؤنث برای بت ها، (لات و...) بر می گزیدند.

122- جواب سلام ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 4

ص: 313

4_ ابراهیم (ع) ، سلام فرشتگان را پاسخ گفت و برای تدارک غذا از حضور آنان بیرون رفت .

قال سلّم فما لبث أن جاء بعجل حنيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 7

7- تحیت و سلام ابراهیم (ع) ، بهتر و افزون تر از تحیت و سلام فرشتگان وارد بر آن حضرت

فقالوا سلّم ما قال سلّم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تحیت فرشتگان، جمله فعلیه و مفید حدوث است؛ زیرا «سلام» به تقدیر «نسلّم سلاماً» می باشد. اما تحیت حضرت ابراهیم (ع)، جمله اسمیه و مفید ثبوت است؛ زیرا به تقدیر «سلام علیکم» است.

123- جهل ملانکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 19

19_ فرشتگان ، ناآگاه به زمینه های کمال و ارزش های والای انسان

إني أعلم ما لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 1

1 - فرشتگان ، ناآگاه به حقایق عرضه شده بر آنان و ناتوان از بیان اسامی آنها

ثم عرضهم على الملائكة... قالوا سبحنك لا علم لنا إلا ما علمتنا

124- حاکم ملانکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 6

6- خداوند ، دارای احاطه کامل و همه جانبه بر ملانکه و امور آنان

این آیه حاوی مطالبی از زبان فرشتگان در گفتوگوی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. در باره مراد از «ما» در «ما بین...» و «ما خلفنا» چند دیدگاه وجود دارد: برخی آن را زمانی و برخی مکانی تفسیر کرده اند؛ ولی با توجه به این که «ما» افاده عموم می کند، می توان گفت: همه موارد را شامل می شود؛ یعنی، زمان های گذشته، حال و آینده و مکان های رویه رو، پشت سر و زیر پا. این تعبیر در باره فرشتگان، کنایه از آن است که خداوند بر همه حالات فرشتگان و تمامی حرکات و برنامه های آنان سیطره و نظارت کامل دارد؛ زیرا مالک حقیقی همه فرشتگان و حالات آنها، او است.

125- حسابرسی از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 23 - 5

5- خدایان پنداری مشرکان (مقربان و فرشتگان) خود مورد محاسبه و بازخواست قرار خواهند گرفت .

لايسَلْ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يَسْلُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر «هم» به «من عنده» بازگردد؛ که از آنان به مقربان درگاه الهی و مصداق بارز آن «فرشتگان» تعبیر می شود.

126- حقیقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 28 - 2

2 - حقیقت «ملائک»، غیر قابل دسترسی برای انسان با حدس و گمان

ليَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ... وَ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ

127- حمایت‌های اخروی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 9

9- «(فی المجمع) وقيل نحن أولياؤكم في الحياة الدنيا أي نحرصكم في الدنيا وعند الموت وفي الآخرة عن أبي جعفر (ع)؛

در مجمع البيان ذیل آیه «نحن أولياؤكم في الحياة الدنيا وفي الآخرة» آمده است: گفته شده (که فرشتگان می گویند) ما اولیای شما در زندگی دنیا هستیم؛ یعنی، در دنیا و هنگام مرگ و در آخرت از شما پاسداری می کنیم و این معنا از امام باقر(ع) روایت شده است».

128- حمایت‌های ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 4 - 14، 15

14 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مورد حمایت و پشتیبانی جبرائیل، صالح ترین مؤمنان (علی (ع)) و فرشتگان قرار داشت .

و جبريل و صـلح المؤمنين و الملكه بعد ذلك ظهير

ص: 315

مقصود از «صالح المؤمنین» _ برابر نظر بسیاری از مفسران و روایات وارده از عامّه و خاصّه _ امیرالمؤمنین علی (ع) است (مجمع البیان، ذیل آیه).

15 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در برابر ضدیت و خیانت برخی از همسرانش، مورد حمایت و پشتیبانی خداوند، جبرائیل، صالح مؤمنان (علی (ع)) و فرشتگان قرار داشت.

وإن تظـهرا علیه فإنّ الله هو مولیه . . . و الملـئکه بعد ذلك ظهیر

129- حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 1

1 - فرشتگان به روز قیامت، در اطراف عرش به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او خواهند پرداخت.

و ترى الملـئکه حاقّین من حول العرش یسبّحون بحمد ربّهم

130- حیا از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 11 - 6

6 - « قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) إنّ الله ینهاکم عن التعرّی فاستحیوا من ملائکه الله الذین معکم الکرّام الکتّابین الذین لا یفارقونکم إلاّ عند ثلاث حاجات الغائط و الجنابه و الغسل »؛

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند شما را از عریان بودن نهی فرموده است. پس حیا کنید از فرشتگان خدا که با شما هستند؛ همان «کرّام الکتّابین» که ارجمند و نویسنده اعمال اند. آنان که از شما جدا نمی شوند؛ مگر در سه مورد که رفع نیاز می کنید: هنگام تخلی، جنابت و غسل».

131- خدا و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 26 - 2

2- ملائکه، فرزندان خداوند در پندار مشرکان

و قالوا اتّخذ الرحمن ولداً

متعلق «اتخذوا» حذف شده و تقدیر آن به قرینه «بل عباد مکرمون» چنین است: «وقالوا اتخذوا الرحمن من الملائکه ولدأ؛ گفتند خداوند از میان فرشتگان فرزندی برگزید.»

ص: 316

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 7

7 - پرستش مخلوقات خدا (فرشتگان) و فرزند او انگاشتن آنان، اقدامی ناسپاسانه و کفرآمیز

و جعلوا له .. . إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مِّبِينٍ

با توجه به فضای آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان مکه فرشتگان را فرزند خدا می دانستند و آنان را مورد پرستش قرار می دادند. خداوند، پس از یاد کردن نعمت های خویش، این پندار را نمونه بارز ناسپاسی می شمارد.

132- خستگی ناپذیری ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 38 - 6

6 - فرشتگان و بندگان مخلص خدا، در تسبیح و عبادت او خستگی ناپذیراند .

فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ .. . وَ هُمْ لَا يَسْتَمُونَ

«السَّامَهُ» (مصدر «لایسْمون») به معنای خستگی و ملالت از ادامه کار است.

133- خشیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 11

11- فرشتگان، بر اثر ترس از خداوند، هراسان و نگران اند .

و هم من خشیته مشفقون

برداشت یاد شده بر این اساس است که «من» برای تعلیل و سببیت باشد.

134- خضوع ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 14

14- همه فرشتگان به جز ابلیس ، به فرمان الهی در برابر آدم (ع) خضوع کرده و او را مورد تکریم خویش قرار دادند .

و إذ قلنا للملئکة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس

برداشت فوق، با توجه به ریشه لغوی «سجده» است که به معنای «خضوع» و «تذلل» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 317

6- مقربان الهی (فرشتگان) ، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند .

و من عنده لایستکبرون

مقصود از «من عنده» _ طبق نظر مفسران _ فرشتگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 74 - 10

10 - فرشتگان ، موجوداتی مطیع و خاضع در برابر فرمان های خداوند

فسجد الملئکه کلهم أجمعون . إلا إلیس استکبر

135- خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 7

7- وجود ملائکه و مراحل مقدماتی پیدایش آنها و کارهایی که از آنان صادر می شود ، همه مملوک خداوند و در احاطه قدرت او است .

*

له ما بین ایدینا و ما خلفنا و ما بین ذلک

گفته شده است: «ما بین ایدینا» (آنچه پیش روی ما است) اشاره به آثار وجودی ملائکه و «ما خلفنا» (آنچه پشت سر نهاده و از آن گذشتیم) اشاره به عناصر اولیه و مقدمات پیدایش آنها و «ما بین ذلک» (آنچه هم اکنون وجود دارد) اشاره به هستی آنان دارد. این توجیه و تفسیر با نوع ملائکه _ که زمان و مکان درباره آنان بی معنا است _ تناسب دارد.

136- خواسته های ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 76 - 2

2_ فرشتگان از ابراهیم (ع) خواستند تا از شفاعت درباره قوم لوط صرف نظر کند و بر آن اصرار نورد .

ی_ ابرهیم أعرض عن ه_ ذا

«هـ ذَا» اشاره به «جدالی» است که از «یجادلنا» در آیه قبل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 53 - 1

1- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به او دل‌داری داده و از وی خواستند که از حضورشان مضطرب و هراسناک نشود.

قالوا لاتوجل إنا نبشرك بغلْمِ علیم

ص: 318

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 1

1- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ بِقَطْعِ مِنَ اللَّيْلِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 9

9 - فرشتگان ، خواهان نزول وحی بر اهل زمین *

وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب زیر است: الف) مغفرت بدون سبب تحقق پیدا نمی کند. ب) مراد از سبب مغفرت، نزول وحی و تشریح دین باشد که اهل زمین بدین وسیله مشمول مغفرت الهی شوند.

137- درجات ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 172 - 7

7_ فرشتگان ، دارای درجات و مراتب در پیشگاه خداوند

و لا الملائكة المقربون

بنابر اینکه وصف «المقربون» وصفی احترازی باشد.

138- درخواست حضور ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 6,7,8

6- مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أَوْ تَأْتِي بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ قَبِيلاً

«قبیلاً» به معنای «مقابله» (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

7- مشرکان مکه ، ایمان خود را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) منوط به آوردن خدا و فرشتگان ، به صورتی قابل مشاهده کردند .

قالوا لن نؤمن لك حتى . . . أو تأتي بالله و الملئكة قبيلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «قبیلاً» به معنای مشاهده رو در رو باشد.

8- آوردن خداوند و ملائکه به صورت دسته دسته در نزد مشرکان مکه ، معجزه درخواستی (اقتراحی) آنان از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لن نؤمن لك حتى . . . أو تأتي بالله و الملئكة قبيلاً

ص: 319

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «قبیلاً» جمع «قبیله» باشد.

139- درخواست رؤیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 8 - 1

1_ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لولا أنزل عليه ملك ولو أنزلنا ملكا لقضى الأمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 10 - 5

5_ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو أنزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه... و لقد استهزىء برسلك من قبلك

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پس از بیان بهانه جویها و توقعات بیجای کافران چنین می نماید که همین بهانه جویها، از مصادیق استهزای کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 7

7- مشرکان مکه، ایمان خود را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) منوط به آوردن خدا و فرشتگان، به صورتی قابل مشاهده کردند.

قالوا لن نؤمن لك حتى... أو تأتي بالله و الملك نكه قبيلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «قبیلاً» به معنای مشاهده رو در رو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 2، 1

1_ منکران ملاقات با خدا (معاد)، در صدر اسلام، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند.

و قال الذين لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا الملك نكه

«رجاء» در لغت به معنای امید است؛ ولی در جمله «لایرجون لقاءنا» کنایه از انکار قیامت و رویه رو شدن با جزای الهی است.

2_ مشرکان ، نزول فرشتگان وحی را بر خویش و رؤیت آنها را ، شرط ایمان به خدای یکتا و پذیرش نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار دادند .

وقال الذین لایرجون لقاءنا لولا أنزل علینا الملئکه

ص: 320

140- درخواست گواهی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 7 - 1

1- کافران مکه، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند.

قالوا.. لو ما تأتينا بالملئکه إن كنت من الصدقین

«لو ما» مانند «هلا» و «لولا» برای تحضیض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 6

6- مشرکان مکه، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو تأتي بالله و الملئکه قبیلاً

«قبیلاً» به معنای «مقابله» (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

141- درخواست معجزه نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 1

1_ نزول ملائکه بر مشرکان و سخن گفتن مردگان با ایشان، از معجزات درخواستی آنان بوده است.

لئن جاءتهم آیه.. لو أننا نزلنا... ما كانوا لیؤمنوا

ذکر نزول ملائکه و سخن گفتن با مردگان در آیه حکایت از آن دارد که این قبیل معجزات مورد درخواست مشرکان بوده است.

142- درخواست نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 2

2_ درخواست نزول فرشته به عنوان پیامبر، از بهانه های کفرپیشگان

و لو جعلناه ملکا

جمله «و لو جعلناه ملکا . . .»، می تواند منقطع از آیه قبل بوده و جواب از درخواست دیگر کفار، که فرستادن فرشته به عنوان پیامبر است، باشد.

ص: 321

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 8 - 4,6

4_ کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال . . . وقالوا لو لا أنزل علیه م

بر اساس این احتمال که «قالوا» بر جواب «لو» در آیه قبل عطف شده باشد.

6_ ناآگاهی کافران از عواقب هلاکتبار درخواست نزول آشکار ملائکه

و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر ثم لا ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 158 - 1,6

1_ آمدن فرشتگان و یا آشکار شدن خداوند، از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ینظرون إلا أن تأتيهم الملائکه أو یأتی ربک

«نظر»، مصدر «ینظرون»، در اینجا به معنای انتظار و توقع است. استفهام به دلیل «إلا» استفهام انکاری می باشد و بنابراین «هل ینظرون» یعنی «ما ینظرون». انتظارهایی که در آیه شریفه مطرح شده هم می تواند توقعاتی باشد که از سوی مشرکان مطرح شده و هم می تواند بیان حالت آنان باشد. یعنی اگر کسی قرآن را، که دلیلی روشن است، نپذیرد، تنها در صورتی که فرشتگان بر او حاضر شوند و یا ... ایمان می آورد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

6_ کسانی که با وجود قرآن ایمان نمی آورند، جز با آمدن فرشتگان به سوی آنان و یا ظهور خداوند و یا تحقق آیات ملجئه، ایمان نخواهند آورد.

هل ینظرون إلا أن تأتيهم الملائکه أو یأتی ربک بعض آیت ربک

برداشت فوق بر این اساس است که امور بیان شده (آمدن فرشتگان و ...) پیشنهاد مشرکان منکر قرآن نباشد، بلکه بیان حالتی باشد که انکار قرآن - که آیتی بزرگ است - آن را ایجاب می کند. یعنی اگر به قرآن ایمان نمی آورید، راهی برای ایمان شما جز تحقق این امور نیست که برخی از اینها ناشدنی و برخی از میان برنده فرصت ایمان کارساز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8_ نزول فرشته ای همراه و همگام با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از پیشنهاد های مشرکان برای اطمینان به حقانیت آن حضرت

آن یقولوا لولا .. . جاء معه ملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 7 - 2,3

2- کافران مکه ، دلیل صداقت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در ادعای نزول وحی ، آمدن ملائکه برای تصدیق او می دانستند .

لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

3- کافران مکه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند .

لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

ص: 322

آوردن ملائکه توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) _ که مورد درخواست کفار بود _ احتمال دارد برای تصدیق نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 3,4,5,8

3- درخواست کافران مکه، برای آوردن ملائکه توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله)، درخواستی نابه جا و باطل بود.

لو ما تأتینا بالملئکه .. ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ

جمله «ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ» حصری و احترازی است و کنایه از این است که درخواست کفار نابه جاست.

4- درخواست نزول ملائکه، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی کافران مکه، بهانه ای بیش نبود.

لو ما تأتینا بالملئکه .. ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ

قید «إلا بالحقّ» می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه «إذا منظرین» نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نمی پذیرفتند.

5- در صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت.

ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

انظار مصدر «منظر» به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

8- در صورت تحقق خواسته کافران مکه، مبنی بر نزول ملائکه، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند.

ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند، برایشان عذاب به ارمان خواهند آورد؛ عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد گذاشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 33 - 2,6

2- کافران حق ناپذیر مکه، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسـ طر الأولين . . هل ينظرون إلا أن تأتيهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت «تأتيهم الملائكة أو يأتي أمر ربك» (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود ـ بر آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

6- کافران عصر های پیش از اسلام، در انتظار آمدن فرشتگان و یا نزول امر ویژه ای از سوی خداوند جهت تأیید حقانیت کتاب آسمانی خود بودند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسـ طر الأولين . . قد مكر الذين من قبلهم ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 10، 11، 2، 1

ص: 323

1_ منکران ملاقات با خدا (معاد) ، در صدر اسلام ، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند .

وقال الذین لایرجون لقاءنا لولا أنزل علینا الملئکه

«رجاء» در لغت به معنای امید است؛ ولی در جمله «لایرجون لقاءنا» کنایه از انکار قیامت و رویه رو شدن با جزای الهی است.

2_ مشرکان ، نزول فرشتگان وحی را بر خویش و رؤیت آنها را ، شرط ایمان به خدای یکتا و پذیرش نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار دادند .

وقال الذین لایرجون لقاءنا لولا أنزل علینا الملئکه

10_ درخواست نزول ملائکه برای خویش و رؤیت خداوند از سوی منکران معاد ، برخاسته از روحیه استکباری و خود برتر بینی آنان

لولا أنزل علینا الملئکه أو نرى ربنا لقد استکبروا فی أنفسهم

11_ درخواست نزول ملائکه برای خویش و رؤیت خداوند از سوی منکران معاد ، برخاسته از روح طغیان و سرکشی در وجود آنان

وقال الذین لایرجون لقاءنا لولا أنزل علینا الملئکه أو نرى ربنا لقد استکبروا ف

144- دشمنان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 98 - 1

1 - خداوند ، دشمن کسانی است که با او و فرشتگان و رسولانش ، دشمنند .

من کان عدواً لله و ملتکته و رسله .. . فإن الله عدو للکفرین

145- دشمنی با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 99 - 9

9- دنیا پرستی ، دشمنی با فرشتگان ، ارتکاب گناہانی همچون کشتن انبیا و رهبران دینی و شکستن پیمان های الهی ، از مصداق های فسق است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

آیات گذشته (از آیه 74 - 98) موانعی را برای ایمان آوردن یهود به قرآن و پیامبر ذکر کرده و در آیه مورد بحث ریشه انکار قرآن و

پیامبر (صلی الله علیه و آله) را فسق پیشگی دانسته است. بنابراین آنچه در آن آیات از موانع ایمان آوردن شمرده شده، از نظر قرآن مصداق فسق و بیانگر معنای آن می باشد.

146- دعای ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 324

14 - احزاب - 33 - 43 - 6، 5، 4

4 - دعا و تحیت فرشتگان بر مؤمنان

هو الذی یصلی علیکم و ملئکتہ

5 - دعا و تحیت فرشتگان به مؤمنان ، به سبب فراوانی ذکر و تسبیح خدا از سوی آنان است .

یٰٓأَیُّهَا الذِّیْنَ ءَامَنُوا اذْکُرُوا اللّٰهَ . . . و سَبِّحُوهُ ... هو الذی یصلی علیکم و ملئکت

6 - دعا و تحیت ملائکه بر مؤمنان ، زمینه ساز بیرون بردن آنان از ظلمت ها به نور است .

هو الذی یصلی علیکم و ملئکتہ لیخرجکم من الظلمت الی النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 9 - 1

1 - نگه داشتن مؤمنان تائب و صالحان ، از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش الهی از خداوند

وقهم السیئات

الف و لام جنس در «السیئات» مفید استغراق و عموم است و مقصود از آن در آیه شریفه، بدی ها و ناراحتی هایی است که یا بر اثر گناهان و لغزش های خود انسان و یا به خاطر شرایط سخت روز قیامت برای آدمی پدید می آید.

147- دعوت های ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 13

13- دعوت فرشتگان از تقوای پیشگان به هنگام قبض روح آنان ، برای ورود به بهشت

المتّقین . الذّین تتوفّیهم الملائکة طیّبین یقولون ... ادخلوا الجنّة

148- دلداری ملائکه به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 33 - 9

9- فرشتگان ، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او ، دلداری دادند .

وقالوا لاتخف و لاتحزن

149- ذکر حمایت‌های ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 325

2- توجه به پشتیبانی مداوم فرشتگان ، مانع راه یابی هراس و اندوه در دل های موحدان

تَنْزِلَ عَلَيْهِمُ الْمَلٰئِكَةُ اَلَّا تَخَافُوۡا .. نحن اولياؤكم فى الحيوه الدنيا وفى الآخره

150- راز ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 12

12 - خداوند ، آگاه به آشکار و نهان فرشتگان

أعلم ما تبدون و ما كنتم تكتمون

151- رحمت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 17 - 6

6 - مشرکان عصر بعثت ، فرشتگان را موجوداتی شبیه خداوند در رحمت می دانستند .

بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به کلمه «رحمان» و «مثلاً»، مطلب بالا قابل برداشت است.

152- رد انوئث ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 12

12- عقیده به انوئث فرشتگان و دختر خدا دانستن آنان ، سخن و اتهامی بس بزرگ و غیر قابل باور است .

واتخذ من الملئکه انثا انکم لتقولن قولاً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 19 - 6

6- نسبت دادن جنسیتی خاص به فرشتگان ، ادعایی بی دلیل و غیرقابل اثبات

و جعلوا الملئکة .. إنَّأ شهدوا خلقهم

ص: 326

153- رد نزول ملائکه عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 28 - 2، 1

1 - خداوند ، هیچ لشکری از آسمان (فرشتگان) ، برای عذاب کردن و به هلاکت رساندن مردم انطاکیه نفرستاد .

و ما أنزلنا علی قومه من بعده من جند من السماء

مفسران برآند که مقصود از «جند من السماء» (لشکر آسمانی) فرشتگانند. جمله «و ما أنزلنا علی قومه...» استثناف بیانی است؛ یعنی، پاسخگوی این سؤال است که پس از شهادت حبیب نجار، مردم انطاکیه به چه سرنوشتی دچار شدند؟

2- نفرستادن لشکری از آسمان (فرشتگان) برای عذاب و نابودی مردمان گذشته ، از سنت های الهی است .

جند من السماء و ما کنا منزلین

154- رسالت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 210 - 5

5_ ملائکه ، کارگزاران نزول عذاب الهی

ان یأتیهم اللّٰه فی ظلل من الغمام و الملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 64 - 2

2- فرشتگان وارد شده بر حضرت لوط (ع) ، حامل پیام حق و دستوری تحقق یافتنی بودند .

وأتینک بالحقّ و إنا لصّـدقون

مراد از «بالحق» به قرینه ذیل آیه که تأکید بر راستگویی است می تواند خبر و پیام حق باشد.

155- رقیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4_ «رقیب» و «عتید»، دو فرشته ناظر بر اعمال هر انسان*

عن الیمین و عن الشمال قعید . . . لدیه رقیب عتید

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «رقیب» و «عتید»، اسم دو فرشته باشد که یکی از سمت راست و دیگری از سمت چپ، ناظر و نگارنده اعمال اند. در این صورت «واو» عطف محذوف است.

ص: 327

156- روش برخورد ملائکه ثبت عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 11 - 4

4 - مراقبان اعمال در ثبت و ضبط آن ، برخوردی کریمانه و اغماض گرانه دارند .

کرامًا ک_تبین

تقارن وصف کرامت و کتابت در یک آیه، گویای ارتباط آن دو است. بنابراین کرامت ناظران اعمال، به هنگام ثبت آن ظهور می یابد.

157- روش گفتگوی ملائکه با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 51 - 8

8 - « وحی » ، شیوه سخن گفتن فرشتگان با پیامبران ، برای رساندن پیام خداوند

أو یرسل رسولاً فیوحی

158- رؤیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 37

37 - تجسم فرشتگان به گونه ای که برای مردم قابل مشاهده باشد ، امکان پذیر است .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولوا إنما نحن فتنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 7

7 _ مردم عادی از تحمل مشاهده چهره واقعی فرشتگان در دنیا ناتوان هستند.

و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر... و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

در آیه قبل نزول فرشتگان را به صورت اصلی مشروط به قضای امر و هلاکت کافران دانست و در این آیه نزول فرضی فرشته را برای مردم به

شکل مردان اعلام می کند. از این دو نکته می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 48 - 13

13 _ مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان ، دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نکص علی عقبیه و قال إني بريء منكم إني أرى ما لاترون

ص: 328

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 7 - 6

6- کافران و مشرکان مکه ، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئکه

از تعبیر «لو ما تأتينا بالملئکه» (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 10

10- امکان ظاهر شدن فرشتگان در قالب جسمانی و قابل رؤیت

إذ دخلوا عليه فقالوا سلْ مَا قَالَ إنا منكم وجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 5

5- امکان ظاهر شدن فرشتگان در قالب جسمانی و قابل رؤیت برای انسان

قال إنكم قوم منكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 12، 11

11- دیدن فرشتگان و سخن گفتن با آنان ، در انحصار پیامبران نیست .

فأرسلنا إليها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً

ظاهراً حضرت مریم(س) از مقام نبوت برخوردار نبوده است، ولی در عین حال به مشاهده فرشته و سخن با او نائل می گردد. براین اساس، مشاهده فرشتگان در انحصار پیامبران نیست.

12- زن ، موجودی توان مند بر عروج به درجات بالای معنویت و ملاقات و گفتگو با فرشتگان

فأرسلنا إليها روحنا فتمثل لها بشرًا سوياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 23 - 4

4 - امکان رؤیت فرشتگان الهی برای انسان

و لقد رءاه

159- رؤیت ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 329

4- قابل رؤیت بودن فرشتگان و عرش در قیامت برای انسان ها

و تری المل_ئکه حافین من حول العرش

فاعل و مخاطب فعل «تری»، ممکن است همه انسان ها باشند و نیز ممکن است شخص پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله) باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

5- قابل رؤیت بودن فرشتگان و عرش در قیامت ، برای پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله)

و تری المل_ئکه حافین من حول العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 3,5

3_ منکران معاد ، در روز رستاخیز ملائکه را مشاهده خواهند کرد .

وقال الذین لایرجون لقاءنا .. یوم یرون المل_ئکه لابشری یومئذ للمجرمین

5_ منکران معاد ، با مشاهده ملائکه در قیامت ، از آنان درخواست خواهند کرد که متعرض ایشان نشده و اقدامی علیه آنان انجام ندهند .

یوم یرون المل_ئکه لابشری .. و یقولون حجراً محجوراً

«حجراً محجوراً» سخنی است که عرب به هنگام روبه رو شدن با دشمن و یا هجوم بلا و حوادث هولناک می گوید و مقصود اصلی در این کلام، امان خواستن و پناه بردن است.

160- رؤیت ملائکه مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 85 - 3

3- انسان ، ناتوان از مشاهده و درک حضور خداوند و فرشتگان در کنار محتضر

و نحن أقرب إلیه منکم ولکن لاتبصرون

161- زبان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- شیاطین، آشنا به زبان فرشتگان

لا یسمعون إلی الملائع

گوش فرا دادن شیاطین به سخنان فرشتگان و رانده شدن آنها از آسمان، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

ص: 330

162- زکریا و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 39 - 1، 2

1_ فرشتگان متعددی، رساننده پیام بشارت الهی به زکریا

فنادته الملائکه . . . یشرک

2_ پیام رسانی ملائکه به زکریا، از طریق ایجاد صوت *

فنادته الملائکه

ندا عبارت است از: بلند کردن صدا و ظاهر ساختن آن. (مفردات راغب).

163- زمان سجده ملائکه بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 30 - 4

4- «عن الصادق (ع) . . . قال . . . فأول من بادر بالسجود جبرائیل و میکائیل ثم عزرائیل ثم إسرائیل ثم الملائکه المقربون و کان السجود لأدم یوم الجمعة عند الزوال فبقیت الملائکه فی سجودها إلى العصر . . .»

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . . . اولین کسانی که در سجده پیشی گرفتند، جبرئیل و میکائیل بودند؛ سپس عزرائیل و بعد اسرافیل؛ سپس فرشتگان مقرب الهی و سجده برای آدم روز جمعه هنگام ظهر بود، پس ملائکه تا عصر در حال سجده بودند».

164- زمان نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 1

1 - شب قدر، زمان فرود آمدن فرشتگان و روح به زمین است .

تنزل الملئکه و الروح فیها

به قرینه سیاق آیات مراد از فعل «تنزل» - که در اصل تنزل بوده و به جهت تخفیف یکی از «تاء»های آن حذف شده است - فرود آمدن به زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 331

8 - رعد - 13 - 13 - 10

10_ خوف فرشتگان از خداوند ، آنان را به تسبیح و ستایش خداوند سوق می دهد .

و یَسْبِحُ . . . والمَلائِکَةُ من خیفته

«من» در «من خیفته» برای تعلیل است.

166- زمینه تسبیح ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 10

10_ خوف فرشتگان از خداوند ، آنان را به تسبیح و ستایش خداوند سوق می دهد .

و یَسْبِحُ . . . والمَلائِکَةُ من خیفته

«من» در «من خیفته» برای تعلیل است.

167- زمینه سبقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 5 - 3

3 - اتخاذ تدابیر لازم در اداره امور جهان ، برانگیزنده ملائکه به خروج از جایگاه ویژه خویش و سبقت بر یکدیگر

و النّشْطُتِ نَشْطًا . و السّـبْحُتِ سَبْحًا . فالسّـبْحُتِ سَبْحًا . فالمدبّرتِ امرًا

حرف «فاء» در «فالمدبّرات»، اوصاف پیشین را مقدمه تدبیر قلمداد کرده است.

168- زیبایی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 27

27_ مصریان عصر یوسف (ع) ، معتقد به وجود فرشتگان و زیبایی آنها

إن هـِـذا إلاّ ملک کریم

169- ساره در مجلس ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 1،2

ص: 332

1_ همسر ابراهیم (ساره) در مجلس فرشتگان پیام آورِ بشارت حضور داشت .

و لقد جاءت رسلنا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشْرَى . . . وامرأته قائمه فضحكت

2_ ابراهیم (ع) و فرشتگان حاضر در نزد او، همگی نشسته بودند و ساره ایستاده بود .

وامرأته قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 29 - 1

1 - حضور همسر ابراهیم (ع)، در جمع آن حضرت و میهمانان ایشان

و بشروه بغل - مِ عَلِيم . فَأَقْبَلت امرأته فی صرّه . . . و قالت عجوز عقیم

170- ساره و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 5،6،15

5_ احساس امنیت ساره پس از ترس و وحشت از فرشتگان، مایه شادی و خرسندی وی گردید .

قالوا لاتخف إنا أرسلنا إلی قوم لوط . وامرأته قائمه فضحكت

برداشت فوق، بر این اساس است که جمله «فضحکت» تفریح بر «لاتخف إنا أرسلنا إلی قوم لوط» باشد.

6_ ساره همسر ابراهیم (ع)، پس از آگاهی به ماهیت مهمانان ابراهیم (ع) و مأموریت ایشان (نابودسازی قوم لوط) حایض شد . *

وامرأته قائمه فضحكت

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که «ضحکت» از مصدر «ضَحَك» (حایض شدن) باشد. مفسرانی که این معنا را یادآور شده اند

تفریح «فبشرناها» را بر «ضحکت» مؤید آن دانسته اند.

15_ «عن أبي جعفر (ع) [فی قوله تعالى] : «وامرأته قائمه» قال : إنما عني ساره قائمه . . . «فضحكت» یعنی فعجبت من قولهم . . .

از امام باقر(ع) درباره قول خدای تعالی: «وامرأته قائمه» روایت شده است: مقصود ساره همسر ابراهیم(ع) است که ایستاده بود . . . و

درباره «فضحکت» [روایت شده است]: یعنی ساره از سخن فرشتگان شگفت زده شد . . .».

171- ساره هنگام بشارت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 72 - 1

1_ ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت یـ وبلتی ءألد و أنا عجوز و هـ ذابعلی شیخاً

ص: 333

172- سبقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 4 - 1

1 - فرشتگان ، در حرکت شتابان خود برای انجام دادن مأموریت های الهی ، بر یکدیگر سبقت می گیرند .

فالسبقت سبقتاً

«فاء» برای تعقیب بوده و بیانگر این است که فرشتگان، پس از خروج از جایگاه خویش و حرکت سریع به سوی مأموریتشان، درصدد آنند که از یکدیگر سبقت بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 9 - 3

3 - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات . . . قلوب یومئذ واجفه . أبصـرها خـشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

173- سجده ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 206 - 9

9_ فرشتگان همواره با تواضع در برابر خدا وی را عبادت می کنند و او را منزه می دانند و تنها بر درگاه او سجده می برند .

إن الذین عند ربک . . . و له یسجدون

بسیاری از مفسران بر آنند که مراد از «الذین عند ربک» فرشتگان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 9

9_ «عن أبی جعفر (ع) فی قوله : « و لله یسجد من فی السموات و الأرض طوعاً و کرهاً . . . » أما من یسجد من أهل السموات طوعاً

فالملائكة... و من يسجد من أهل الأرض طوعاً فمَن ولد في الإسلام... و أما من يسجد كرهاً فمَن أُجبر على الإسلام... ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: «و لله يسجد من في السموات و الأرض طوعاً و كرهاً ..» روایت شده: اما کسانی از اهل آسمانها که از روی رغبت سجده می کنند فرشتگان هستند... و اما کسانی که از اهل زمین با میل و رغبت سجده می کنند، آنانند که در اسلام (محیطو خانواده اسلامی) متولد شده اند... و اما آنان که از روی اجبار سجده می کنند، کسانی اند که به پذیرش اسلام مجبور شده اند...».

ص: 334

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 49 - 4

4- تمامی موجودات جنبنده و فرشتگان ، تنها در برابر خداوند سجده می کنند .

و لله يسجد ما فى السموت و ما فى الأرض من دابة و المملئكه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 3

3 - تمامی فرشتگان ، فرمان سجده برای آدم را گردن نهاده و بی درنگ در برابر او به سجده افتادند .

فسجدوا

حرف «فا» بر نبودن فاصله بین فرمان سجده و انجام آن دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 8

8 - دمیده شدن روح الهی در انسان ، موجب شایستگی وی برای مسجود فرشتگان بودن

خ لُق بَشْرًا مِّن طِينٍ . فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِّن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَـجِدِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرمان خداوند به سجده بر آدم (ع)، پس از دمیده شدن روح الهی در او صادر گردید و این می رساند که آنچه موجب شایستگی آدم برای سجده شد، روح الهی وی بود؛ نه جسم و کالبدش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 73 - 1,3

1 - با صدور فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) ، بی درنگ همه آنها ، در برابر او به سجده درافتادند .

فَقَعُوا لَهُ سَـجِدِينَ . فَسَجِدِ الْمَلَائِكَةَ كُلَّهُم

3 - تجلی بزرگداشت انسان ، در سجده فرشتگان بر آدم (ع)

فسجد الملئكة كلهم أجمعون

174- سجده ملائکه بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 12، 7، 4

4_ خداوند پس از خلقت آدم(ع)، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند.

ثم قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

7_ همه فرشتگان پس از فرمان خدا، بر آدم(ع) سجده کردند.

قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا

ص: 335

12 - سجده فرشتگان بر آدم (ع) به منزله سجده آنان بر همه انسانها نبود.

و لقد خلقنکم . . . ثم قلنا للملائکه اسجدوا لآدم

سیر طبیعی آیه اقتضا می کرد که پس از «ثم صورناکم» گفته شود «ثم أمرنا الملائکه بالسجود لکم» این تغییر سیاق یعنی تبدیل عام (کم) به خاص (آدم) می تواند اشاره به این داشته باشد که آفرینش مبدأ انسانها به منزله آفرینش همگان بود ولی سجده ملائکه به منشأ و مبدأ انسانها سجده به همگان نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 1

1 - داستان سجده فرشتگان بر آدم و امتناع ابلیس ، سرگذشتی درخور توجه و درس آموزی

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا

«إذ» مفعول فعل محذوف است و به قرینه آیات مشابه، آن فعل «اذکر» (فراگیر و به خاطر داشته باش) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 22, 21, 20, 16, 6, 2, 1

1 - خداوند پس از تعلیم حقایق هستی به آدم (ع) و اثبات لیاقت وی برای خلافت ، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند .

و علم آدم الأسماء کلها . . . و إذ قلنا للملائکه اسجدوا لآدم

2 - همه فرشتگان پس از فرمان خدا ، بر آدم (ع) سجده کردند .

و إذ قلنا للملائکه اسجدوا لآدم فسجدوا

6 - هدف از طرح خلافت آدم (ع) برای فرشتگان و اثبات فضیلت و برتری او ، ایجاد رغبت در فرشتگان برای اجرای فرمان الهی (سجده بر آدم (ع)) بود .

و إذ قال ربک للملائکه إني جاعل فی الأرض خلیفه . . . و إذ قلنا للملائکه اسجدوا لآدم

16 - داستان سجده فرشتگان بر آدم (ع) و امتناع ابلیس از آن کار ، داستانی آموزنده و شایسته و بایسته همیشه به خاطر داشتن

و إذ قلنا للملائکه . . . و کان من الکفرین

«اذ» مفعول برای «اذکر» (فراگیر و همواره به خاطر داشته باش) است.

20_ « عن علي بن الحسين (ع) في قوله: « اسجدوا لآدم فسجدوا » . . . إنها كانت عصابة من الملائكة وهم الذين كانوا حول العرش . . . وهم الذين أمروا بالسجود . . . »

از امام سجاد (ع) درباره سخن خداوند «اسجدوا لآدم فسجدوا» روایت شده که فرمود: آنان (مأموران به سجده) گروهی از ملائکه بودند که در اطراف عرش الهی بودند . . . و همانها بودند که مأمور به سجده شدند . . .».

21_ أمير المؤمنين (ع) فرموده اند: « أول بقعه عبد الله على ها ظهر الكوفة لما أمر الله أن يسجدوا لآدم ، سجدوا على ظهر الكوفة ;

اولین مکان مقدسی که در آن عبادت خداوند واقع شد سرزمین کوفه بود، آن هنگام که خداوند ملائکه را مأمور سجده بر آدم کرد آنها بر آدم (ع) در سرزمین کوفه سجده کردند».

22_ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: « . . . ان الله تبارک و تعالی خلق آدم فأودعنا صلبه ، و أمر الملائكة بالسجود له تعظيماً لنا و اکراماً ، و كان سجدوهم لله عز و جل عبودية و لآدم اکراماً و طاعه لكوننا في صلبه . . . » ;

خداوند تبارک و تعالی آدم را آفرید پس ما را در صلب او قرار داد و امر نمود به ملائکه که به خاطر بزرگداشت و کرامت ما به آدم

سجده کنند و سجود ملائکه عبادت بود برای خداوند و احترام و اطاعت بود نسبت به آدم(ع); زیرا، ما در صلب او بودیم . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 2

2- سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم . . . و قلنا يأدم اسكن أنت و زوجك الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 11

11- دستور خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرینش او

و إذ قال ربك للملائكة . . . فإذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له سجدتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 30 - 1، 2

1- در پی فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) ، همه آنان بی استثنا در برابر او به سجده افتادند .

فقعوا له سجدتين . فسجد الملائكة كلهم أجمعون

2- فرشتگان در برابر فرمان الهی سجده بر آدم (ع) ، بی چون و چرا آن را اجرا کردند .

فقعوا له سجدتين . فسجد الملائكة كلهم أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 14، 3، 2، 1

1- ماجرای سجده ملائکه در برابر آدم و نافرمانی ابلیس ، شایسته یاد و یادآوری است

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «إذ» متعلق به «اذکر» و یا «اذکروا» مقدر باشد.

2- فرمان خداوند به سجده همه فرشتگان بر آدم (ع)

قلنا للملئكة اسجدوا لأدم

3- همه فرشتگان جز ابلیس، از امر الهی به سجده بر آدم (ع) اطاعت کردند.

قلنا للملئكة اسجدوا لأدم فسجدوا إلا ابليس

14- همه فرشتگان به جز ابلیس، به فرمان الهی در برابر آدم (ع) خضوع کرده و او را مورد تکریم خویش قرار دادند.

و إذ قلنا للملئكة اسجدوا لأدم فسجدوا إلا ابليس

برداشت فوق، با توجه به ریشه لغوی «سجده» است که به معنای «خضوع» و «تذلل» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 7، 1

1- سرگذشت سجده ملائکه در برابر آدم و تمرّد ابلیس، عبرت آموز و شایان توجه است.

ص: 337

و إذ قلنا للملئكة اسجدوا لأدم

«إذ» ظرف برای فعل مقدر مانند «أذكر» است؛ یعنی: «یاد کن زمانی را که...». فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا آحاد مردم در مورد یاد کردن داستان سجده برای آدم، گویای سازنده بودن این یادآوری و عبرت آموزی آن است.

7- همه فرشتگان، بی چون و چرا و بی درنگ، از فرمان الهی به سجده در برابر آدم، اطاعت کردند.

و إذ قلنا للملئكة اسجدوا لأدم فسجدوا

حرف فاء در «فسجدوا» بر تعقیب بدون مهلت دلالت دارد؛ یعنی، فرمان سجده به دون تأخیر انجام پذیرفت.

175- سجده ملائکه بر انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 13

13 _ انسانها دارای زمینه های دستیابی به منزلتی فراتر از فرشتگان و شایسته شدن برای سجده ملائکه بر ایشان.

لقد مكنكم فى الأرض .. و لقد خلقنكم ... ثم قلنا للملائكة اسجدوا لأدم

آیه قبل دلالت می کند که مطالب عنوان شده در آیه مورد بحث _ که از جمله آنها سجده فرشتگان بر آدم (ع) است _ از نعمتهای الهی برای همه انسانهاست. در حالی که نه سجده بر آدم به منزله سجده بر همگان است و نه سجده بر او نعمت برای دیگران، بنابراین، می توان گفت جمله «قلنا للملائكة...» پس از «خلقناکم» اشاره به این دارد که خداوند در همه انسانها این زمینه را ایجاد کرده است که بتوانند مسجود ملائکه بشوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 12

12- دمیده شدن روحی الهی در انسان، موجب شایستگی او برای مسجود فرشتگان شدن

و نفخت فيه من روحى فقعوا له سجدین

دستور خداوند به سجده ملائکه در برابر آدم (ع)، پس از خلقت کامل با دمیده شدن روح در او، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 6

6- انسان ها دارای زمینه های دستیابی به منزلتی فراتر از فرشتگان و شایستگی برای سجده ملائکه بر ایشان هستند .

وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

176- سخن ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 338

11 - انبیاء - 21 - 27 - 2

2- ملائکه ، بهره مند از نطق و کلام

لایسبقونه بالقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 1

1- خداوند به تمامی گفتار و کردار ملائکه و گذشته و حال آنان آگاه است .

یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

177- سرعت تدبیر ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 9 - 3

3 - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات . . . قلوب یومئذ واجفه . أبصرها خـشعه

این آیه و آیه قبل ، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

178- سرعت عمل ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 3 - 1

1 - فرشتگان در انجام دادن وظایف خویش ، پرتحرک و شتابان اند .

و السـبحـت سبـحاً

«سبح»؛ یعنی، حرکت سریع در آب یا هوا. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - فرشتگان ، در حرکت شتابان خود برای انجام دادن مأموریت های الهی ، بر یکدیگر سبقت می گیرند .

فالسبقـت سبْقاً

«فاء» برای تعقیب بوده و بیانگر این است که فرشتگان، پس از خروج از جایگاه خویش و حرکت سریع به سوی مأموریتشان، درصدد آنند که از یکدیگر سبقت بگیرند.

ص: 339

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 3

3_ فرشتگان پیام آور بشارت ، به هنگام حضور در پیشگاه ابراهیم (ع) بر او سلام کردند .

قالوا سلِّمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 12

12_ « عن أبي جعفر (ع) قال : سألت علي (ع) رسول الله (صلى الله عليه وآله) : . . . فقال : لماذا بنيت هذه الغرف (في الجنة) يا رسول الله ؟ فقال : يا علي تلك غرف بناها الله لأوليائه . . . فإذا دخل المؤمن إلى منزله في الجنة . . . فإذا استقرت لولي الله منزله في الجنة . . . يبعث الله ألف ملك يهتونه بالجنة . . . فينتهون إلى أول باب من جنانه فيقولون للملك الموكل . . . إستان لنا على ولي الله . . . فيأذن لهم فيدخلون على ولي الله وهو في الغرفة ولها ألف باب . . . فيدخل كل ملك من باب من أبواب الغرفة فيبلغونه رساله الجبار وذلك قول الله : « والملائكة يدخلون عليهم من كل باب » ؛ يعنى : من أبواب الغرفة « سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار » . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: حضرت علی _ علیه السلام _ از رسول الله(صلى الله عليه وآله) پرسید: ای رسول خدا! چرا این غرفه ها [در بهشت] ساخته شده است؟ فرمود: ای علی! اینها غرفه هایی اند که خداوند آنها را برای دوستانش بنا کرده است، هنگامی که مؤمن وارد منزلهای خود در بهشت شود و برای ولیّ خدا منزلهای او در بهشت تثبیت گردد، خداوند هزار فرشته می فرستد که بهشت را به او تهنیت گویند. آنها به اولین درب از بهشتهای او می رسند و به فرشته ای که گماشته آن جاست می گویند: برای ما اذن ورود بر ولیّ خدا بگیر. آن گاه [او] به ایشان اذن می دهد و بر ولیّ خدا وارد می شوند، در حالی که او در غرفه خویش است و برای آن غرفه هزار درب است. آن گاه هر فرشته ای از یکی از دربهای غرفه وارد می شود و پیام خدای غالب را می رساند و این است گفته خداوند: و الملائكة يدخلون عليهم من كل باب مقصود این است که از دربهای غرفه وارد می شوند [و می گویند]: سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 2,7

2_ فرشتگان از هر سو بر بهشتیان وارد می شوند و بر آنان سلام می کنند .

والملائكة يدخلون عليهم من كل باب. سلِّم عليكم

7_ « قال [أبو عبد الله (ع)] : إن طائفه من الملائكة عابوا ولد آدم في اللذات والشهوات . . . فإذا كان يوم القيامة وصار أهل الجنة في الجنة ، إستان أولئك الملائكة على أهل الجنة فيؤذن لهم فيدخلون عليهم فيسلمون عليهم ويقولون لهم : « سلام عليكم بما صبرتم » في

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: همانا عده ای از فرشتگان، آدمیان را به خاطر گرایش به لذات و شهوات، عیب جویی می کردند . . . پس آن گاه که روز قیامت برپا شود و بهشتیان در بهشت قرار گیرند، آن فرشتگان برای ورود بر بهشتیان اجازه می خواهند، پس به آنان اذن داده می شود و آن گاه فرشتگان با سلام بر آنان وارد می شوند و به ایشان می گویند: سلام بر شما باد به

خاطر اینکه شکیبایی ورزیدید و از لذتها و شهوتهای حلال چشم پوشی کردید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 11، 1

1- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به هنگام ورود بر وی، به او سلام و درود گفتند.

و تَبْنَهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ . إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا

11- «... قال أبو جعفر (ع) : ... بعث الله رسلاً إلى إبراهيم . . . فدخلوا عليه ليلاً ففزع منهم و خاف أن يكونوا سُراقاً ، قال : فلَمَّا أن رأته
الرسول فزعاً و جلاً» قالوا سلاماً» . . . «قال إنا منكم و جلون قالوا لا توجل . . .» . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. خداوند فرستادگانی را به سوی ابراهیم(ع) گسیل داشت ... پس شبانه بر او وارد شدند و او
از آنان وحشت کرد و ترسید که دزد باشند. امام فرمود: پس چون فرستادگان آن حضرت را وحشت زده و هراسان دیدند، به او سلام کردند
... او [گفت]: قال إنا منكم و جلون...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 10، 8

8- ملائکه به هنگام قبض روح تقواییشان، بر آنان درود و سلام می فرستند.

الْمُتَّقِينَ . الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

10- فرشتگان، به هنگام قبض روح تقواییشان، حامل پیام سلامتی و خوشحالی برای آنانند.

الْمُتَّقِينَ . الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادخلوا الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 4

4 - استقبال فرشتگان از بهشتیان، با تحیت و سلام

ادخلوها بسلام

بنابراین که قائل «ادخلوها» فرشتگان باشند، برداشت بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ورود میهمانان گرامی ابراهیم (ع) (فرشتگان) بر آن حضرت، با تحیت و سلام

إذ دخلوا عليه فقالوا سلِّمًا

6 - پاسخ ابراهیم (ع) به سلام میهمانان خویش، قبل از هر سخن دیگر

فقالوا سلِّمًا قال سلِّم

ص: 341

180- سلام ملائکه بر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 8

8 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : كان علي بن الحسين « صلوات الله عليه » يقول . . . قال الله عز وجل « . . . سلام هي حتى مطلع الفجر » يقول : تُسَلِّمُ عليك يا محمد ملائكتي وروحي بسلامي من أول ما يهبطون إلى مطلع الفجر ;

از امام صادق (ع) روایت شده که امام سجاد (ع) می فرمود: . . . خداوند عزوجل فرموده است: «... سلام هي حتى مطلع الفجر» [یعنی] می فرماید: ای محمد! فرشتگانم و روحم، از اولین لحظات فرودشان تا سپیده صبح، با سلام من بر تو سلام می کنند».

181- سلطه اخروی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 25 - 3

3 - ظهور قدرت مطلق خداوند در قیامت و سیطره فرشتگان بر صحنه های آن ، دلیل بی نظیر بودن عذاب های او است .

فیومئذ لا یعذب عذابه أحد

حرف «فاء» در «فیومئذ»، آیه شریفه را بر مطالبی که در آیات پیشین بیان شد (از جمله آیه «و جاء ربک و الملك صفّاً صفّاً») تفریع کرده است.

182- سلطه ملائکه مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 11 - 6

6 - سلطه فرشته مرگ بر انسان ، گریزناپذیر است .

ملك الموت الذی وکل بکم

183- سوگند به پیشگامان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 4 - 4

4 - سوگند خداوند ، به فرشتگان پیشتاز

فالس بق ت سبأ

ص: 342

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان صف در صف و منظم

و الصَّفَاتِ صَفًّا

«واو» در «و الصافات..» برای قسم است و در این که مقصود و مصداق این آیه و دو آیه بعد چیست؛ میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد، از جمله: 1_ فرشتگان، 2_ مجاهدان راه خدا. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان نهی کننده و سخت بازدارنده

فَالزَّجْرُ زَجْرًا

«زجر» به معنای منع و بازداشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 4 - 1

1 - سوگند الهی ، به فرشتگان تقسیم کننده امور

فَالْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 2 - 2

2 - سوگند خداوند به فرشتگان پر نشاط و شاداب

و النِّشْطَاتِ نَشْطًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 3 - 2

2 - سوگند خداوند ، به فرشتگانی که در اجرای وظایف خویش شتابان اند .

وَالسَّيِّئَاتِ سَبْحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 4 - 4

4 - سوگند خداوند ، به فرشتگان پیشتاز

فَالسَّيِّئَاتِ سَبْقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 343

20 - نازعات - 79 - 5 - 5

5 - سوگند خداوند به فرشتگان مدیر و مدبّر

فالمدبّرت أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 9 - 3

3 - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند.

و النازعات .. قلوب یومئذ واجفه . أبصـرها خـشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

سوگند به ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 1 - 3

3 - سوگند خداوند به فرشتگان قبض کننده ارواح

و النزعـت غرقاً

185 - سوگند به ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند، به فرشتگان تلاوت گر وحی الهی و قرآن کریم بر انسان ها و پیامبران

فالتلیـت ذکرًا

مراد از «ذکر» وحی الهی و یا خصوص قرآن کریم است. طبق این دیدگاه مقصود از تلاوت، تلاوت بر پیامبران و یا بر انسان هایی است که خداوند به آنان با زبان وحی سخن گفته است و فرشتگان واسطه ابلاغ این وحی بوده اند.

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و المرسلات عرفاً

درباره سوگندهای پنجگانه در آغاز این سوره، سه تفسیر عمده وجود دارد: 1_ تمام این سوگندهای پنجگانه، اشاره به «بادها و طوفان ها» است؛ 2_ همه سوگندها، اشاره به «فرشتگان وحی» است؛ 3_ سوگند اول و دوم ناظر به مسأله «بادها و طوفان ها» و سوگند سوم، چهارم و پنجم ناظر به القا و نشر وحی و آیات حق بهوسیله فرشتگان است. شاهد و دلیل بر تفسیر سوم، جداسازی

ص: 344

این دو دسته از سوگندها در آیات به وسیله «واو» است؛ در حالی که بقیه به وسیله «فاء» به هم عطف شده اند که نشانه ارتباط و پیوند آنها است. گفتنی است تفسیر دوم و سوم، با سیاق آیات سازگارتر است؛ از این رو، مبنای برداشت ها قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 2 - 3

3 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فَالعَصَفَاتِ عَصَفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

وَالنَّشْرَتِ نَشْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 4 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فَالرَّقَاتِ فِرْقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 5 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فَالْمَلْقَاتِ ذَكْرًا

186 - سهولت نبوت ملانکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 60 - 2

2- انتخاب پیامبران از میان فرشتگان ، امری آسان برای خداوند

و لو نشاء لجعلنا منكم ملئكة فى الأرض

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیه شریفه پاسخی باشد به انتظار مشرکان مکه که توقع فرشته بودن پیامبر را داشتند.

ص: 345

187- شرایط شفاعت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 26 - 11

11 - تأثیر شفاعت فرشتگان ، منوط به مشیت و رضایت الهی ، در حق شفاعت شونندگان

إلا... لمن يشاء ويرضى

بنابراین که مراد از «من» در «لمن يشاء» شفاعت شونندگان باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

188- شرایط نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 1

1- خداوند ، فرشتگان را جز به حق و همراه با مصلحت ، اعزام نمی کند .

ما ننزل الملائكة إلا بالحق

«با» در «بالحق» برای مصاحبت است.

189- شفاعت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 6,7,10

6- ملائکه ، از حق شفاعت برخوردارند .

لايشفعون إلا لمن ارتضى

7- پندار مشرکان در مستقل بودن فرشتگان در شفاعت

لايشفعون إلا لمن ارتضى

از این که استقلال در شفاعت نفی شده، به دست می آید که مشرکان (مخاطبان این آیه) چنین پنداری داشته اند.

10- جلب رضایت خداوند ، شرط برخوردار شدن از شفاعت شافعان (فرشتگان و ...)

لايشفعون إلا لمن ارتضى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - نجم - 53 - 26 - 1,5

1 - فرشتگان ، فاقد قدرت مستقل در شفاعت

و کم من ملک . . . إلا من بعد أن يأذن الله

5 - فرشتگان ، با تمامی عظمت مقام در عالم ملکوت ، نیازمند اذن الهی در شفاعت

و کم من ملک فی السموت لاتغنی شفـ عتم شيئاً إلا من بعد أن يأذن الله

ص: 346

بنابراین که «فی السماوات» کنایه از علوّ مقام باشد برداشت یاد شده به دست می آید.

190- شگفتی عقیده به انوئت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 150 - 4

4 - عقیده مشرکان به این که ملائکه از جنس زن هستند ، امری شگفت آور است .

أم خلقنا الملئکه إنـئأ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که استفهام مقدر در جمله «أم خلقنا...»، از نوع استفهام انکاری و تعجبی است.

191- شگفتی نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 25 - 6

6 _ فرود ملائکه از آسمان به زمین در آستانه قیامت ، فرودی به دور از انتظار و شگفت آور

ونزل الملئکه تنزیلاً

«تنزیلاً» مفعول مطلق برای «نزل» و به منظور بیان نزولی خاص و شگفت آور می باشد.

192- شیطان و ملائکه امداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 48 - 14

14 _ شیطان در آستانه جنگ بدر ، فرشتگان امدادگر الهی را به روشنی مشاهده کرد .

ینی أری ما لاترون

به قرینه آیه 9 و 12 از همین سوره می توان گفت مراد از «ما لاترون» فرشتگانی بودند که برای امداد لشکر ایمان در کارزار بدر حاضر شدند.

193- صدای ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 39 - 2

2 - پیام رسانی ملائکه به زکریّا ، از طریق ایجاد صوت *

ص: 347

ندا عبارت است از: بلند کردن صدا و ظاهر ساختن آن. (مفردات راغب).

194- صعود ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 2

2- صعود و عروج ملائکه ، به دستور خداوند است .

ما نزل الملائكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 4 - 8

8 - « عن علي بن الحسين (ع) : . . . و إنَّ لله تبارك و تعالی بقاعاً فی سماواته فمن عُرِّجَ به إلیها فقد عُرِّجَ به إلیه ألا تسمع الله عزوجلّ يقول : « تعرج الملائكة و الروح إلیه » . . . » ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . برای خدای تبارک و تعالی در آسمان ها، بقعه هایی هست، پس هر کس به یکی از آنها عروج داده شود، به سوی خدا عروج داده شده است. آیا کلام خدای عزوجلّ را نشنیده ای که می فرماید: (تعرج الملائکه و الروح إلیه) . . .».

195- صفات ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 17 - 4

4 - در دیدگاه مشرکان مکه فرشتگان ، دختران خدا و همانند او در صفات

و إذا بشر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به این که «مَثَل» در آیه به معنای شبیه است، می توان گفت که مشرکان مکه معتقد به همسانی فرشتگان با خدا بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 60 - 6

6 - خداوند ، قادر به آفرینش انسان هایی فرشته صفت هم چون عیسی (ع) *

و لو نشاء لجعلنا منكم ملئكة

گروهی از مفسران منظور از این آیه را، ایجاد انسان هایی فرشته صفت دانسته اند که در صدد رفع استبعاد مشرکان نسبت به قدرت ویژه انسان هایی هم چون عیسی (ع) که می توانست مردگان را زنده کند و بیماران را شفا بخشد.

ص: 348

196- صفوف ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان صف در صف و منظم

و الصفّت صفّاً

«واو» در «و الصافات. ..» برای قسم است و در این که مقصود و مصداق این آیه و دو آیه بعد چیست؛ میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد، از جمله: 1_ فرشتگان، 2_ مجاهدان راه خدا. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 165 - 1

1 - فرشتگان ، به صف ایستاده در خدمت اجرای فرمان های خداوند هستند .

و إنّنا لنحن الصّافون

197- صفوف ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 22 - 9، 4

4- فرشتگان در قیامت ، در صف هایی منظم ، حضور یافته ، به اجرای رسالت خویش خواهند پرداخت .

و الملک صفّاً صفّاً

کلمه های «صَفّاً صَفّاً» _ به تأویل «مصطفّین» (در صفوف منظم قرار گرفته) _ حال برای «الملک» است. «مَلِک» اسم جنس بوده و حرف «ال» در آن، برای استغراق است. برخی آن را مفرد «ملائکه» دانسته اند (مصباح) و برخی آن را از ریشه «مَلِک» و به معنای سیاست گذار دانسته و گفته اند: شخص سیاست گذار، اگر انسان باشد «مَلِک» و اگر فرشته باشد، «مَلِک» نامیده می شود. این کلمه در اصل «مَأَلِک» و به معنای «رسالت» بوده است. (مفردات راغب)

9- «علی بن الحسن بن علی بن فضال عن أبيه قال : سألت الرضا (ع) . . . عن قول الله عزّوجلّ « و جاء ربّک و الملک صفّاً صفّاً » فقال : إنّ الله تعالی لایوصف بالمجیء و الذهاب تعالی عن الإنتقال إنّما یعنی بذلک و جاء امر ربّک و الملک صفّاً صفّاً ;

علی بن الحسن از پدرش روایت کرده که گفت: از امام رضا(ع)، درباره سخن خداوند («و جاء ربّک و الملک صفّاً صفّاً» پرسیدم، فرمود:

خداوند متعال به آمدن و رفتن توصیف نمی شود. او والاتر از انتقال یافتن است. مقصود این است که امر پروردگارت، فرارسد و فرشتگان صف اندر صف حاضر شوند».

ص: 349

198- صلوات ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 56 - 12، 1

1 - خداوند و فرشتگان، همواره، بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) درود و صلوات می فرستند.

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

«صلاه» مصدر ثلاثی «یصلُّون» به معنای «دعا و تبریک و به عظمت یاد کردن» است (مفردات راغب).

12 - «عن ابن أبي حمزه عن أبيه قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» فقال: الصلاة من الله عزَّوجلَّ رحمه و من الملائكة تزكیه و من الناس دعاء...» ;

علی بن ابوحمزه، از پدرش، روایت کرده که: از امام صادق (ع) از این سخن خداوند عزَّوجلَّ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ...» پرسیدم، فرمود: صلوات خداوند، همان رحمت و صلوات ملائکه به پاکی یاد کردن و صلوات مردم دعا است...».

199- طبع ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 12

12- سرشت ملائکه، سرشتی فرمان بردار در برابر خدا است.

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا... فسجدوا إلا إبليس كان من الجنِّ

تصريح به ماهیت شیطان، پس از طرح تخلف او و نیز اشاره به تفاوت ماهوی وی با فرشتگان، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

200- عالم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 71 - 5

5 - ارتباط داشتن آفرینش انسان با ملائکه (عالم فرشتگان)

بالملا الأعلى إذ يختصمون... إذ قال ربك للملائكة إني خَلَقْتُكُمْ

گفتگوی خداوند با فرشتگان در ملائکه (عالم فرشتگان)، درباره آفرینش انسان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - انبياء - 21 - 19 - 6

ص: 350

6- مقربان الهی (فرشتگان) ، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند .

و من عنده لا یتکبرون

مقصود از «من عنده» _ طبق نظر مفسران _ فرشتگان است.

202- عبادت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 206 - 9

9_ فرشتگان همواره با تواضع در برابر خدا وی را عبادت می کنند و او را منزه می دانند و تنها بر درگاه او سجده می برند .

إن الذین عند ربک . . . و له یسجدون

بسیاری از مفسران بر آنند که مراد از «الذین عند ربک» فرشتگان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 7

7- پرستش مخلوقات خدا (فرشتگان) و فرزند او انگاشتن آنان ، اقدامی ناسپاسانه و کفرآمیز

و جعلوا له . . . إنَّ الإنسانَ لکفور مبین

با توجه به فضای آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان مکه فرشتگان را فرزند خدا می دانستند و آنان را مورد پرستش قرار می دادند. خداوند، پس از یاد کردن نعمت های خویش، این پندار را نمونه بارز ناسپاسی می شمارد.

203- عبودیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 172 - 4,5,8

4_ هیچیک از فرشتگان الهی حتی مقربان آنها از بندگی خدا ابایی ندارند .

لن یتنکف المسیح ان یکون عبداً لله و لا الملائکه المقربون

کلمه «مقربون» در برداشت فوق صفت احترازی گرفته شده است، و چون فرشتگان مقرب از عبادت خدا ابایی ندارند فرشتگان دیگر نیز بی تردید چنان هستند.

5_ شخصیت والای مسیح (ع) و مقام بلند فرشتگان ، مانع آنها از بندگی خداوند نیست .

لن يستنكف المسيح ان يكون عبداً لله و لا الملائكة المقربون

8_ اشتراک فرشتگان و انسان ها در عبودیت و بندگی خداوند

لن يستنكف المسيح ان يكون عبداً لله و لا الملائكة المقربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 351

7- فرشتگان ، بندگان مقرب و مکرم خداوند هستند .

بل عباد مکرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 4

4 - فرشتگان ، بندگان خدا هستند ؛ نه فرزندان او .

و جعلوا له من عباده جزءاً

مراد از «عباد» _ به قرینه فراهای بعد _ فرشتگان هستند که شرک پیشه گان عصر بعثت، آنان را فرزندان خدا می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 19 - 2

2 - بندگی خداوند ، ویژگی اصلی فرشتگان

الذین هم عبـد الرحمن

از این که خداوند در مقام معرفی فرشتگان، صفت عبودیت را به آنان نسبت داده است، مطلب بالا استفاده می شود.

204- عتید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 18 - 4

4_ « رقیب » و « عتید » ، دو فرشته ناظر بر اعمال هر انسان *

عن الیمین و عن الشمال قعید . . . لدیه رقیب عتید

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «رقیب» و «عتید»، اسم دو فرشته باشد که یکی از سمت راست و دیگری از سمت چپ، ناظر و نگارنده اعمال اند. در این صورت «واو» عطف محذوف است.

205- عجز ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 1

1 - فرشتگان ، ناآگاه به حقایق عرضه شده بر آنان و ناتوان از بیان اسامی آنها

ثم عرضهم على الملكة . . . قالوا سبحنك لا علم لنا إلا ما علمتنا

ص: 352

206- عرضه موجودات بر ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 31 - 6

6_ خداوند ، موجودات هستی را بر فرشتگان عرضه کرد و از آنان خواست تا اسامی آنها را بیان کند .

ثم عرضهم على الملائكة فقال أنبئوني بأسماء هؤلاء

«أنبئوا» فعل امر از مصدر «انباء» است و انباء به معنای خبر دادن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 9، 1

1 - فرشتگان ، ناآگاه به حقایق عرضه شده بر آنان و ناتوان از بیان اسامی آنها

ثم عرضهم على الملائكة... قالوا سبحنك لاعلم لنا إلا ما علمتنا

9 - هدف از فرمان خدا به فرشتگان (در بیان نام های حقایق) ، یادآوری عالمانه و حکیمانه بودن افعال الهی و آگاه ساختن آنان به برتری علمی آدم (ع) بود .

أنبئوني بأسماء هؤلاء... قالوا سبحنك... إنك أنت العليم الحكيم

207- عصمت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 50 - 5

5- فرشتگان ، پیوسته از اوامر و دستورات خدا اطاعت کرده و از آن سرپیچی نمی کنند (عصمت از نافرمانی)

و الملئكة... و يفعلون ما يؤمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 27 - 7

7- عصمت ملائکه از خطا و نافرمانی

لايسبقونه بالقول و هم بأمره يعملون

تسليم و منقاد بودن فرشتگان در برابر خداوند و نیز تنها به فرمان خدا عمل کردن، حاکی از عصمت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحريم - 66 - 6 - 14

14 - فرشتگان ، مصون از خطا و معصوم از گناه و نافرمانی اند .

لايعصون الله ما أمرهم و يفعلون ما يؤمرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «لايعصون الله...» عصمت فرشتگان و «يفعلون ما يؤمرون» اشاره به مصونیت آنان از خطا در انجام وظایف داشته باشد.

ص: 353

208- عظمت خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 11 - 3

3 - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشد خلقاً أم من خلقنا

209- عقیده به انوٲت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 150 - 2

2 - مشرکان ، معتقد بودند که ملائکه از جنس زن هستند .

أم خلقنا الملئکه إنئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 16 - 5، 1

1 - مشرکان عصر جاهلی ، فرشتگان را دختران خدا می پنداشتند .

و جعلوا له من عباده جزءاً .. أم اتخذ ممآ یخلق بنات

مراد از «ما یخلق» _ به قرینه فرازهای بعد _ فرشتگان هستند.

5 - مشرکان جاهلی ، با وجود اعتقاد به مخلوق بودن فرشتگان ، آنان را دختر خدا می پنداشتند .

أم اتخذ ممآ یخلق بنات

لحن آیه شریفه نشان می دهد که مشرکان مکه، مخلوق بودن فرشتگان را پذیرفته بودند و خداوند آنان را مورد سرزنش قرار می دهد که چگونه در میان مخلوقات، آنچه را که خود نمی پسندند، به او نسبت می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 19 - 1

1 - مشركان عصر جاهليت ، معتقد به مؤنث بودن فرشتگان

و جعلوا الملائكة .. إنثاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 21 - 3

3 - اعراب جاهلی ، معتقد به دختر بودن فرشتگان

ص: 354

أفريتم اللَّاتِ وَالْعُزَّى . . ألكم الذَّكر وله الأُنثى

از ارتباط میان آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان، فرشتگان را دختران خدا و بت ها را مظهری برای آنها می پنداشتند. بدین جهت اسامی مؤنث برای بت ها، (لات و...) برمی گزیدند.

210- عقیده به خویشاوندی خدا با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 158 - 4

4- مشرکان ، معتقد به وجود پیوند خویشاوندی (پدر و فرزندی) میان خدا و فرشتگان

و جعلوا بينه وبين الجنَّة نسباً

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «و جعلوا بينه وبين الجنَّة نسباً» تأکید دختر نبودن ملائکه برای خدا و نفی فرزنددار بودن او است که در آیات پیشین از آن یاد شده است (أم خلقنا الملائكة إناثاً. . ليقولن . ولد الله...).

211- عقیده به مخلوقیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 16 - 5

5- مشرکان جاهلی ، با وجود اعتقاد به مخلوق بودن فرشتگان ، آنان را دختر خدا می پنداشتند .

أم اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ

لحن آیه شریفه نشان می دهد که مشرکان مکه، مخلوق بودن فرشتگان را پذیرفته بودند و خداوند آنان را مورد سرزنش قرار می دهد که چگونه در میان مخلوقات، آنچه را که خود نمی پسندند، به او نسبت می دهند.

212- عقیده به مقامات ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 50 - 10

10- مشرکان برای ملائکه ، مقامات و رتبه عالی معتقد بودند .

و الملئكة و هم لا يستكبرون . يخافون ربهم

احتمال دارد اختصاص به ذکر ملائکه از میان موجودات، برای بیان انقیاد آنان در برابر خداوند به خاطر عقیده مشرکان به مقامات عالیه ملائکه باشد و خداوند با تأکید بر منقاد بودن آنان، مشرکان را به کسب چنین روحیه ای دعوت می کند.

ص: 355

213- عقیده به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 27، 28

27_ مصریان عصر یوسف (ع) ، معتقد به وجود فرشتگان و زیبایی آنها

إن هـِذا إلاّ ملك كريم

28_ اعتقاد به وجود فرشتگان ، باوری ریشه دار در تاریخ بشر

إن هـِذا إلاّ ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 10

10 - اعتقاد مردم عصر نوح به وجود فرشتگان

و لو شاء الله لآنزل ملئكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 40 - 6

6 - اعتقاد مشرکان به موجوداتی به نام ملائکه در عالم

و يوم يحشرهم ... ثم يقول للملئكة أهـِؤلاء إياكم كانوا يعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 14 - 10

10 - اعتقاد قوم عاد و ثمود ، به وجود پروردگار و فرشتگان

قالوا لو شاء ربنا لآنزل ملئكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 53 - 8

8- وجود فرشتگان ، مورد اعتقاد و پذیرش فرعونیان

أوجاء معه الملائكة

برداشت یاد شده بر این اساس است که سخن فرعون، از روی اعتقاد و باور باشد، و نه از باب مماشات با موسی (ع).

214- عقیده ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 28 - 18

18- علم و عقیده ملائکه به آگاهی خداوند از کردار انسانها

ص: 356

بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

برداشت فوق بر این اساس است که «بلی إن الله . . .» کلام ملائکه در برابر ادعای کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 41 - 3

3 - ملائکه ، خداوند را از داشتن شریک در عبادت منزّه می دانند .

أهـ ولاء إیّاکم کانوا یعبدون . قالوا سبحـ نک

215- علم به عالم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 69 - 1

1 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، از ملاّ اعلی (عالم فرشتگان) جز از راه وحی آگاهی نداشت .

ما کان لی من علم بالملاّ الأعلی

طبق نظر مفسّران، مقصود از «ملاّ الأعلی» فرشتگان است. با توجه به آیه بعد، استفاده می شود که آگاه نبودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ملاّ اعلی (مضمون آیه مورد بحث) مربوط به طرق عادی است و آن حضرت از راه وحی به آن عالم آگاه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 70 - 1،7

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور به ابلاغ چگونگی آگاه شدنش از ملاّ اعلی (عالم فرشتگان) و منشأ اطلاعات و اخبارش درباره آدم (ع) ، فرشتگان و . . .

ما کان لی من علم بالملاّ الأعلی . . . إن یوحی إلیّ

7 - ممکن نبودن آگاهی از ملاّ اعلی (عالم فرشتگان) جز از راه وحی

ما کان لی من علم بالملاّ الأعلی . . . إن یوحی إلیّ إلاّ أنّما أنا نذیر

216- علم خدا به صعود ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- آگاهی خداوند، به هر آنچه از آسمان به زمین نازل می شود (باران، فرشتگان، تابش خورشید، ماه، ستارگان و...) و هر آنچه از زمین به آسمان بالا می رود (بخار آب، فرشتگان، اعمال مردمان و...)

يعلم... و ما ينزل من السماء و ما يعرج فيها

ص: 357

217- علم خدا به نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 9

9- آگاهی خداوند، به هر آنچه از آسمان به زمین نازل می شود (باران، فرشتگان، تابش خورشید، ماه، ستارگان و...) و هر آنچه از زمین به آسمان بالا می رود (بخار آب، فرشتگان، اعمال مردمان و...)

يعلم... و ما ينزل من السماء و ما يعرج فيها

218- علم غیب ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 7

7_ فرشتگان مطمئن به فسادگری و خونریزی انسان، پیش از آفرینش وی

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها و يسفك الدماء

«سفک» (مصدر یسفک) به معنای ریختن است و «من... یسفک الدماء» (کسی که... خونها خواهد ریخت) کنایه از کشتارهای فراوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 8 - 6

6- اطلاعات و اخبار غیبی مربوط به اهل زمین، در اختیار فرشتگان آسمان قرار دارد.

لايسمعون إلى الملائع الأعلى

219- علم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 11

11_ فرشتگان دارای ادراک و آگاهی و توانا بر اظهار نظر و تحلیل وقایع

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها و يسفك الدماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 3

3 - فرشتگان در پی با خبر شدن از نام های حقایق هستی ، دانستند که آسمان ها و زمین دارای غیب و نهان است .

ص: 358

فلما أنبأهم .. قال ألم أقل لكم إني أعلم غيب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 172 - 11

11 - علم و ایمان حضرت عیسی (ع) و فرشتگان مقرب الهی به قیامت و محشور شدن به پیشگاه خداوند ، مانع استکبار آنان از بندگی خدا

لن يستنكف المسيح ان يكون عبداً لله و لا الملائكة .. فسبحشهم إليه جميعاً

جمله «و من ..» جمله حالیه و بیان علت از جمله سابق است. یعنی امکان ندارد مسیح و فرشتگان از عبادت خدا امتناع کنند ; چون حشر انسان و ملائکه به سوی خدا حتمی است و مسیح و فرشتگان از آن آگاهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 2 - 14

14 - عن أبي عبد الله (ع) في قوله: «قضى أجلا و أجل مسمى عنده» قال: الأجل الأول هو ما نبذه إلى الملائكة و الرسل و الأنبياء و الأجل المسمى عنده هو الذي ستره الله عن الخلائق.

امام صادق (ع) درباره سخن خداوند «قضى أجلا ..» فرمود: اجل اول، اجلی است که خداوند فرشتگان و رسولان و انبیا را از آن آگاه نموده و اجل معین را که نزد اوست، از تمام خلائق پنهان داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 28 - 18

18 - علم و عقیده ملائکه به آگاهی خداوند از کردار انسانها

بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

برداشت فوق بر این اساس است که «بلی إن الله ..» کلام ملائکه در برابر ادعای کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 7

7 - اطلاع فرشتگان از بهشت برین و خصوصیات آن

تَنْزَلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ... وَأَبشُرُوا بِالْجَنَّةِ... وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 79 - 2

2- دانش و آگاهی فرشتگان، نسبت به حقایق ثبت شده در لوح محفوظ

فی کتاب مکنون . لا یمسّه إلاّ المطهّرون

در صورتی که ضمیر «لا یمسّه» به «کتاب مکنون» بازگردد، مراد از «مسّ» (لمس کردن)، آگاهی و اطلاع یافتن و مراد از «المطهّرون» فرشتگان الهی خواهد بود.

ص: 359

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 85 - 2

2 - خداوند و فرشتگان مرگ ، از افراد حاضر در کنار محتضر ، به وی نزدیک تر و به وضع و حال او آگاه تراند .

و نحن أقرب إليه منكم

220- علم ملائکه ثبت عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انقطاع - 82 - 12 - 1

1 - کاتبان نامه عمل ، به تمامی کارها و نیت های انسان آگاه اند .

یعلمون ما تفعلون

دانستن تمام ویژگی های «عمل»، بدون دانستن انگیزه انجام دادن آن، امکان پذیر نیست. بنابراین علم به «ما تفعلون»، علم به هدف از انجام دادن آن نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انقطاع - 82 - 13 - 3

3 - کاتبان نامه عمل از انجام دادن کارهای خیر ابرار آگاه شده ، آن را ثبت می کنند .

ک_تیین . یعلمون ما تفعلون . إنَّ الأبرار لفي نعيم

221- علم ملائکه عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 32 - 3,7

3 - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به حضور کسانی از قوم لوط که شایسته نجات اند ، آگاه بودند .

قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجيَّه

7 - ملائکه عذاب قوم لوط ، پیشاپیش از عذاب شدن همسر لوط خبر داشتند و او را از نجات یافتگان نمی دانستند .

لننجيَنَّهُ و أهله إلاَّ امرأته كانت من الغـبرين

«غابر» ماندنِ پس از سپری شدن چیزی است که با او بوده است (مفردات راغب)

222- عمل به تکلیف ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 360

7- همه فرشتگان، بی چون و چرا و بی درنگ، از فرمان الهی به سجده در برابر آدم، اطاعت کردند.

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لآدم فسجدوا

حرف فاء در «فسجدوا» بر تعقیب بدون مهلت دلالت دارد؛ یعنی، فرمان سجده به دون تأخیر انجام پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 165 - 1

1 - فرشتگان، به صف ایستاده در خدمت اجرای فرمان های خداوند هستند.

وإنا لنحن الصّافون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 2 - 4

4 - فرشتگان وحی، همچون طوفان با سرعت بسیار مأموریت خود را دنبال می کردند.

فالعصفّات عصفًا

«عاصفات» از نظر لغوی، به معنای تندبادها و طوفان ها است و اگر مقصود از آن، فرشتگان باشد، در این کلام تشبیه و استعاره به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 2 - 1

1 - فرشتگان در انجام مأموریت های خویش، سرشار از نشاط و به دور از هرگونه کسالت اند.

والنّشاط نشطًا

نشاط، نقطه مقابل کسالت است و به کسی که برای انجام کاری طیب نفس داشته باشد، «ناشط» می گویند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 3 - 1,2

1 - فرشتگان در انجام دادن وظایف خویش ، پرتحرک و شتابان اند .

و السَّيِّحَاتِ سَبْحًا

«سیح»؛ یعنی، حرکت سریع در آب یا هوا. (مفردات راغب)

2 - سوگند خداوند ، به فرشتگانی که در اجرای وظایف خویش شتابان اند .

و السَّيِّحَاتِ سَبْحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 4 - 1

1 - فرشتگان ، در حرکت شتابان خود برای انجام دادن مأموریت های الهی ، بر یکدیگر سبقت می گیرند .

فالسَّيِّقَاتِ سَبْقًا

ص: 361

«فاء» برای تعقیب بوده و بیانگر این است که فرشتگان، پس از خروج از جایگاه خویش و حرکت سریع به سوی مأموریتشان، درصدد آنند که از یکدیگر سبقت بگیرند.

223- عمل ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 1

1- خداوند به تمامی گفتار و کردار ملائکه و گذشته و حال آنان آگاه است .

یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

224- عوامل استغفار ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 18

18 - استغفار فرشتگان برای آدمیان ، در پی مشاهده غفلت زمینیان از عظمت خداوندی

و هو العلیّ العظیم . . . و یتغفرون لمن فی الأرض

بنابراین که آیه درصدد بیان عظمت خداوند باشد و قهراً استغفار فرشتگان برای اهل زمین می تواند از این جهت باشد که مردم غافل از عظمت خداوند.

225- عوامل انقیاد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 2

2- آگاهی ملائکه از علم مطلق خداوند به تمامی گفتار و رفتار و حالات ، موجب انقیاد آنان و بازدارنده ایشان از هرگونه نافرمانی

لایسبقونه . . . بأمره یعملون . یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

جمله «یعلم ما . . .» می تواند در حکم تعلیل برای آیه قبل (لایسبقونه . . . بأمره یعملون) باشد؛ یعنی، چون فرشتگان آگاه اند که خداوند به تمامی حرکات آنان دانا است، از این رو گوش به فرمان خدا و تسلیم محض او هستند.

226- عوامل تسبیح ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 6

ص: 362

6- عظمت وحی ، موجب تسبیح و ستایش فرشتگان

كذلك يوحى إليك . . . و الملئكة يسبحون بحمد ربهم

جمله «و الملائكة . . .» عطف بر جمله «تكاد السماوات . . .» است. بنابراین عظمت وحی به هنگام نزول به زمین، همان گونه که آسمان ها را در آستانه فروپاشی قرار می دهد، فرشتگان را نیز به تسبیح و تقدیس خدا وا می دارد.

227- عوامل تقرب ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 26 - 8

8- عبودیت فرشتگان ، مایه قرب و کرامت آنان به درگاه الهی است .

بل عباد مکرمون

از توصیف فرشتگان به «عباد» (بندگان) برداشت یاد شده به دست می آید.

228- عوامل تکریم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 26 - 8

8- عبودیت فرشتگان ، مایه قرب و کرامت آنان به درگاه الهی است .

بل عباد مکرمون

از توصیف فرشتگان به «عباد» (بندگان) برداشت یاد شده به دست می آید.

229- عوامل حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 6

6- عظمت وحی ، موجب تسبیح و ستایش فرشتگان

كذلك يوحى إليك . . . و الملئكة يسبحون بحمد ربهم

جمله «والملائكة...» عطف بر جمله «تكاد السماوات...» است. بنابراین عظمت وحی به هنگام نزول به زمین، همان گونه که آسمان ها را در آستانه فروپاشی قرار می دهد، فرشتگان را نیز به تسبیح و تقدیس خدا وا می دارد.

ص: 363

230- عوامل عبودیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 19 - 3

3 - توجه فرشتگان به رحمت گسترده الهی ، عامل عبادت همیشگی آنان به درگاه حق *

الملئکه الذین هم عبود الرحمن

ذکر «عباد الرحمان» به جای «عباد الله» و امثال آن، می تواند نشانگر این نکته باشد که ملائکه با توجه به رحمت گسترده خداوند، به عبادت او روی آورده اند.

231- غفلت از نقش ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 95 - 7

7_ استبعاد مشرکان از بشر بودن رسول ، ناشی از دم توجه آنان به وساطت ملائکه میان خدا و پیامبران است . *

قل لو كان فى الأرض ملئکه يمشون مطمئنين لنزلنا عليهم من السماء ملكاً رسولاً

آیه فوق، می تواند در مقام پاسخ به مشرکان باشد. با این بیان که مشرکان، بعید می شمردند که فردی از بشر با خدای جهان ارتباط داشته باشد. آیه جواب می دهد که: پیامبران، بیواسطه وحی تلقی نمی کنند؛ بلکه اصولاً بین خدا و زمینیان، ملکی واسطه وحی است.

232- فضایل ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 49 - 5

5- فرشتگان ، دارای جایگاهی برتر در میان موجودات زنده عالم

و لله يسجد ما فى السموت و ما فى الأرض من دابة و الملئکه

تخصیص به ذکر ملائکه از میان سایر موجودات، می تواند حاکی از جایگاه برتر آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 6

6- ابلیس ، بر اطاعت از خداوند یا معصیت او ، مجبور نبود .

فسجدوا لأدم إلا إبليس أبى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 26 - 7

ص: 364

7- فرشتگان ، بندگان مقرب و مکرم خداوند هستند .

بل عباد مکرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 27 - 1،2

1- خضوع و ادب فرشتگان در برابر خداوند ، تا آن جا است که آنان در سخن گفتن از او پیشی نمی گیرند .

لایسبقونه بالقول

2- ملائکه ، بهره مند از نطق و کلام

لایسبقونه بالقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 56 - 6

6 - ملائکه ، موجوداتی با فضیلت در پیش گاه خداوندند .

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ

آوردن ضمیر مضاف الیه برای ملائکه، با این که امکان ذکر آن بدون ضمیر یاد شده بود، برای بیان شرافت و عظمت آنان است. به عبارت دیگر، اضافه «ملائکه» به ضمیر «ه» _ که مرجع آن خدا است _ اضافه تشریفی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 8 - 6،2

2- فرشتگان ، موجوداتی والا مرتبه و بس شریف اند .

لایسمعون إلى الملائع الأعلی

«ملائ» به معنای جماعت دارای شأن و منزلت است و صفت «الأعلی» برای آن، صفت تشریفی است؛ یعنی، بسیار شریف و والا مقام. گفتنی است که بیش تر مفسران برآنند که مقصود از «ملائ الأعلی» فرشتگان هستند.

6 - اطلاعات و اخبار غیبی مربوط به اهل زمین ، در اختیار فرشتگان آسمان قرار دارد .

لا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 69 - 3

3 - فرشتگان ، موجوداتی والا مرتبه و بس شریف

بالمأ الأعلى

«مأ» به معنای جماعت دارای شأن و منزلت است و صفت «الأعلى» برای آن صفت تشریفی است؛ یعنی، بسیار شریف و والا مقام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 11

ص: 365

فإذا سويته .. فقعو له سـجدین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در ضمن چهار آیه قبل فرشتگان را از «ملاً أعلی» (موجودات برین) معرفی کرده است؛ ولی در این آیه به آنان فرمان داد که باید در برابر آدم سجده کنند. ناگفته نماند مقصود از آدم و انسان همه انسان ها نیست؛ بلکه افرادی اند که در پرتو ایمان و عمل صالح، سیر کمال را پیموده و به خدا نزدیک شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 6

6 - فرشتگان ، دارای ایمان راستین و کامل به خداوند

و يؤمنون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 24 - 5

5 - ملائکه ، موجوداتی گرامی و ارزشمند

ضیف إبرهیم المکرمین

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که «المکرمین» وصفی باشد که ملائکه آن را بالذات داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 2 - 4

4 - فرشتگان عازم به اجرای فرمان های الهی و ترک کننده مقر خود برای تدبیر امور جهان ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

و النـشطـت نشطاً

«ناشط»، ممکن است به معنای چیزی باشد که از مکانی خارج و به مکان دیگر انتقال پیدا می کند (قاموس). سوگند خداوند به فرشتگان «ناشط»، نشانه تحسین خروج و انتقال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 3 - 1,3

1 - فرشتگان در انجام دادن وظایف خویش ، پرتحرک و شتابان اند .

و السَّيِّحَاتِ سَبْحًا

«سبح»؛ یعنی، حرکت سریع در آب یا هوا. (مفردات راغب)

3 - فرشتگان پی گیر فرمان های الهی ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

و السَّيِّحَاتِ سَبْحًا

ص: 366

233- فضایل ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 1 - 2

2- فرشتگان مأمور قبض روح، دارای مقامی رفیع در پیشگاه خداوند

و النزعَتِ غرقاً

قسم خوردن خداوند به فرشتگان مرگ، نشانه ارجمندی آنان در نزد او است.

234- فضایل ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 16 - 3

3- سفیران الهی و واسطه های ابلاغ قرآن، فرشتگانی ارجمند و درست کاراند.

بأیدی سفره . کرام برره

برداشت یاد شده، براساس معنای سفارت (رسالت) در «سفره» است و به احتمالی که در توضیح 4 در آیه قبل مطرح شد، نظر دارد.

235- فلسفه صعود ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 4 - 1

1- عروج و صعود ملائکه و جبرئیل به سوی خدا (به صعودگاه ها و جایگاه های بلند مرتبه) در قیامت برای دریافت فرامین الهی و اجرای آن

تعرج الملائکه و الروح إلیه

مقصود از «روح» روح الامین و جبرئیل است. ضمیر در «إلیه» به «الله» بازمی گردد؛ به این اعتبار که خداوند که صاحب معارج است. بر این اساس مقصود آیه شریفه، این حقیقت است که فرشتگان برای دریافت فرمان های الهی، به صعودگاه و جایگاه دریافت آنها عروج می کنند و چون خداوند صاحب این جایگاه ها و صعودگاه ها است، فرشتگان در حقیقت به سوی او عروج خواهند کرد.

236- فلسفه ملائکه پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 22 - 1

1 - پیروی از سنت نیاکان ، تنها دلیل مشرکان بر پرستش فرشتگان

ص: 367

و جعلوا من عباده جزءاً .. بل قالوا إنا وجدنا آباءنا على أمة و إنا على آث

237- فلسفه نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 2 - 12

12- هدف از نزول فرشتگان بر بندگان منتخب ، رساندن پیام الهی به آنان است .

ينزّل الملئکة .. أن أنذروا أنه لا إله إلا أنا

238- قبول استغفار ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 13

13 - استغفار ملائکه برای زمینیان ، مورد پذیرش خداوند است .

ويستغفرون لمن في الأرض إلا إن الله هو الغفور الرحيم

239- قدرت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 13

13 - فرشتگان ، توانا بر اخفای امور خویش بر دیگران فرشتگان

أعلم ما تبذون و ما كنتم تكتمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 82 - 4

4_ خداوند ، به دست فرشتگان مهمان لوط ، دیار قوم لوط را تخریب کرد و آنان را هلاک ساخت .

إنا أرسلنا إلى قوم لوط ... إنا رسل ربك ... فلما جاء أمرنا جعلنا عـليها سافلها

از اینکه خداوند، فرشتگان را برای تخریب دیار قوم لوط می فرستد (إنا أرسلنا إلى قوم لوط) و در عین حال تخریب آن دیار و نزول عذاب را

به خودش نسبت می دهد (جعلنا عالیها سافلها) چنین استفاده می شود که: فرشتگان به منزله وسیله ای برای نزول عذاب بوده و کار آنها جلوه ای از فعل خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 368

10 - توانایی و نقش آفرینی ملائکه در جهان متفاوت است .

أولى أجنحة منى وثلث وربع

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که پروبال فرشتگان، کنایه از توانایی و قدرت جولان آنان در جهان باشد. در مثل می گویند: فلانی پروبالش سوخته و یا شکسته شده؛ کنایه از این که نیروی حرکت و توانایی از او سلب گردیده است.

240- قوم لوط و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 67 - 1

1- قوم لوط ، پس از اطلاع از ورود مهمانان به خانه لوط (ع) شادی کنان به سراغ آنان شتافتند .

و جاء أهل المدينة يستبشرون

241- کاردانی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 5 - 2

2- کاردانی و مهارت فرشتگان ، در اداره و تدبیر جهان

فالمدبرت أمراً

242- کافران مکه و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 7 - 6, 5

5- ملائکه ، به عنوان موجودات آسمانی شناخته شده برای کافران مکه

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصدقين

6- کافران و مشرکان مکه ، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة

از تعبیر «لو ما تأتينا بالملئكة» (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

ص: 369

243- کافران و رؤیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 10

10 _ « عن أبي جعفر (ع) إذا أراد الله قبض روح الكافر، قال: يا ملك الموت انطلق أنت و أعوانك إلى عدوّي . . . فاقبض روحه حتى تكبه في النار . . . فإذا بلغت الحلقوم ضربت الملائكة وجهه و دبره . . . و ذلك قوله « يوم يرون الملائكة لا بشرى يومئذ للمجرمين و يقولون حجراً محجوراً » . . . »

از امام باقر(ع) روایت شده است: زمانی که خداوند اراده قبض روح کافر را کند، به ملک الموت امر می نماید که همراه یارانت به سوی دشمن من بروید. . . پس بگیر روحش را تا آنکه او را به روی در آتش افکنی . . . آن هنگام که جان او به گلو می رسد، ملائکه بر صورت و پشت او می زنند . . . و این سخن خداوند است: «یوم یرون الملائکه لا بشری یومئذ للمجرمین...».

244- کافران و نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 4

4 _ کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

245- کثرت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 26 - 6

6 - کثرت شمار فرشتگان، در عالم ملکوت

و کم من ملک فی السموت

با توجه به این که «کم» خبریه و برای کثرت است، مطلب بالا استفاده می شود.

246- کرامت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- فرشتگان ، بندگان مقرب و مکرم خداوند هستند .

بل عباد مکرمون

ص: 370

247- کفر به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 136 - 8

8_ کافران به خدا، ملائکه، کتب آسمانی، پیامبران الهی و روز قیامت، در گمراهی ژرف

و من یکفر باللّه و ملئکتہ و کتبه و رسله و الیوم الآخر فقد ضلّ ضللاً بعيداً

248- کفر دشمنان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 98 - 6

6 - دشمنان خدا و پیامبران و فرشتگان، کافرند .

من کان عدواً لله .. فان الله عدو للکفرین

مقتضای کلام آن بود که به جای «الکافرین» ضمیر «هم» آورده شود. این جا به جایی حاوی دونگته است: 1_ تصریح به اینکه توصیف شدگان کافرند. 2_ علت دشمنی خدا با آنان، کفر ایشان است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: کسانی که با خدا و ... دشمنند خدا دشمن آنهاست؛ زیرا آنان کافرند.

249- کمینگاه ملائکه عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 21 - 1

1 - جهنم، جای کمین مأموران عذاب است .

إنّ جهنّم کانت مرصداً

«مرصاد»، به معنای مکان نگاهبانان و کمین گاه مراقبان است (لسان العرب). برخی از مفسران، آن را مبالغه در «راصد» می دانند. در این صورت مفاد آیه شریفه این است که جهنم خود در کمین مردم است.

250- کیفیت سجده ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- هم زمان و دسته جمعی بودن سجده ملائکه در برابر آدم (ع)

فسجد الملئکه کلهم أجمعون

ص: 371

مقصود از «أجمعون» _ به خاطر آمدن «كلهم» _ دفعی و دسته جمعی بودن عمل سجده است؛ یعنی، «كلهم» ناظر به سجده همگانی و بدون استثنای فرشتگان و «أجمعون» اشاره به دسته جمعی و دفعی بودن آن سجده است.

251- کیفیت ورود ملائکه بر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 1

1- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قیافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

«قوم» از نظر ریشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضمائر «إنکم» و «منکرون» به صورت جمع مذکر، مؤید برداشت فوق است.

252- گروههای ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 6,7

6_ گروهی از فرشتگان عهده دار رسالتها و مأموریهایی از جانب خداوند هستند.

إذا جاءتهم رسلنا یتوفونهم

7_ فرشتگانی از جانب خداوند مأمور گرفتن جان آدمیان هستند.

حتى إذا جاءتهم رسلنا یتوفونهم

253- گروههای ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 22 - 7

7- فرشتگان در قیامت، در رده های مختلف دسته بندی شده و هر دسته مأموریتی ویژه دارند .

صفاً صفاً

254- گسترش قدرت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 13

ص: 372

13 - قدرت و نقش آفرینی ملائکه در جهان ، با مشیت الهی در حال گسترش و توسعه است .

جاعل الملئکه رسلاً أولى أجنحه .. یزید فی الخلق ما یشاء

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مقصود از «الخلق» فرشتگان و مراد از «ازدیاد» زیاد کردن بال های آنان باشد (بال ها کنایه از قدرت است).

255- گفتگو با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 12، 11

11- دیدن فرشتگان و سخن گفتن با آنان ، در انحصار پیامبران نیست .

فأرسلنا إليها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً

ظاهراً حضرت مریم(س) از مقام نبوت برخوردار نبوده است، ولی در عین حال به مشاهده فرشته و سخن با او نائل می گردد. براین اساس، مشاهده فرشتگان در انحصار پیامبران نیست.

12- زن ، موجودی توان مند بر عروج به درجات بالای معنویت و ملاقات و گفتگو با فرشتگان

فأرسلنا إليها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً

256- گفتگوی ابراهیم(ع) با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 32 - 2

2- حضرت ابراهیم(ع) با ملائکه درباره عذاب قوم لوط ، با وجود حضرت لوط(ع) در میان آنان به گفت وگو پرداخت .

قالوا إنا مهلكوا أهل هذه القرية .. قال إن فيها لوطاً قالوا نحن أعلم بمن فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 33 - 1

1 - ملائکه عذاب قوم لوط ، پس از گفتگو با ابراهیم(ع) ، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط(ع) وارد شدند .

ولما جاءت رسلنا إبرهیم .. ولما أن جاءت رسلنا لوطاً

257- گفتگوی خدا با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 4,5,26

ص: 373

4- گفتگوی خدا و فرشتگان درباره خلقت و خلافت انسان

و إذ قال ربك للملائكة... قالوا أتجعل فيها من يفسد... قال إني أعلم ما لاتعلمون

5- خداوند تقدیر خویش را بر خلقت و خلافت انسان در زمین، به فرشتگان اعلام کرد.

و إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة

26_ داستان خلقت و خلافت آدم (ع) و محاوره خدا و فرشتگان درباره او، داستانی آموزنده و شایان دقت

و إذ قال ربك للملائكة... إني أعلم ما لاتعلمون

کلمه «إذ» مفعول برای فعل مقدر «اذکر» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 41 - 4

4- گفت وگویی خداوند با فرشتگان در قیامت، درباره اعتقادات مشرکان

ثم يقول للملئكة... قالوا سبحك

258- گفتگوی ساره با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 72 - 5

5_ گفتگوی ساره (همسر ابراهیم) با فرشتگان

فبشرنَهَا بِاسْحَاقَ... قالت إني وِئلتی ءألد و أنا عجوز و هَذَا بعلی شیخاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 30 - 2

2- هم سخن شدن همسر ابراهیم (ع) با فرشتگان بشارت دهنده

قالت عجوز عقیم. قالوا كذلك قال ربك

259- گفتگوی لوط (ع) با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 13

13 - پس از حضور فرشتگانِ مأمور عذاب ، حضرت لوط (ع) و فرشتگان ، به گفتوگو پرداختند .

و لَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوْطًا . . . وَقَالُوا لَا تَخَفْ

ص: 374

260- گفتگوی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 212 - 2، 1

1 - شیاطین، ممنوع شده و عزل گشته از شنود پیام های آسمانی و گفتار فرشتگان

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَزُولُونَ

2 - قدرت شیاطین بر استماع و استراق سمع گفتار فرشتگان، در برهه ای از زمان (قبل از ممنوع شدن و عزل گشتن)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَزُولُونَ

«معزولون» می تواند به معنای حال باشد؛ یعنی، گر چه شیاطین در گذشته گفتار فرشتگان را می شنیدند؛ اما اکنون (از زمان نزول قرآن) از آن عزل گشته و ممنوع شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 8 - 8

8 - گفت و شنود فرشتگان و الامقام، در نزدیک ترین آسمان ها درباره اهل زمین و امور غیبی

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

261- گفتگوی ملائکه با ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 9

9- گفت و گوی مستقیم فرشتگان با حضرت ابراهیم (ع)

فَقَالُوا سَلِّمْ مَا قَالَ إِنْهَا مِنْكُمْ وَجَلُونَ . قَالُوا لَا تَوَجَّلْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 4

4 - گفتگوی مستقیم و رودرروی فرشتگان با حضرت ابراهیم (ع)

262- گفتگوی ملائکه با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 69 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مجادله و گفت و گوی فرشتگان با خدا درباره آفرینش آدم، تنها از راه وحی آگاه بود.

ما كان لى من علم بالملأ الأعلى إذ يختصمون

ص: 375

مقصود از مجادله و خصومت در آیه شریفه _ به قرینه دو آیه بعد (إذ قال ربك للملائكة.. ..) _ گفت وگوی فرشتگان با خدا درباره خلقت انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 71 - 3

3 - داستان آفرینش انسان و مجادله و گفتوگوی فرشتگان با خداوند در این باره ، شایان یاد و یادآوری است .

إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که «إذ» متعلق به فعل مقدر همچون «أذكر» باشد.

263- گفتگوی ملائکه با لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 4

4- گفت و گوی مستقیم فرشتگان با حضرت لوط (ع)

قال إنكم قوم منكرون. قالوا

264- گواهی اخروی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 41 - 6

6 - گواهی ملائکه در قیامت ، به این که مشرکان جن پرست بوده اند .

و يوم يحشرهم . . . يقول للملائكة . . . قالوا . . . بل كانوا يعبدون الجنّ

265- گواهی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 18 - 3،8

3 _ خدا ، ملائکه و عالمان ، گواهان توحید

شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا العلم

8_ حاکمیت قسط و عدل بر نظام تکوین ، دلیل دانشمندان و ملائکه برای گواهی بر وحدانیت خدا *

شهد . . . الملائکه و اولوا العلم قائماً بالقسط

به نظر می رسد «قائماً بالقسط» که حال برای «الله» است، اشاره به عدت گواهی ملائکه و اولوا العلم باشد. و بدین جهت، مؤخر

ص: 376

آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 166 - 11، 1

1 _ خداوند و فرشتگان او گواه بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لكن الله يشهد بما أنزل إليك .. و الملائكة يشهدون

در برداشت فوق جمله «و الملائكة يشهدون» عطف بر «الله يشهد» گرفته شده است و در نتیجه متعلق «یشهدون» نیز «بما انزل اليك» خواهد بود.

11 _ فرشتگان الهی ، شاهد و ناظر نزول قرآن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و الملائكة يشهدون

کلمه «واو» در جمله «و الملائكة يشهدون» حاليه و «یشهدون» به معنای نظارت می کنند، گرفته شده است.

266- لعن شدگان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 87 - 6، 1

1 _ بازگشت به کفر (ارتداد) با وجود دلایل روشن ، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. اولئك جزاؤهم انّ عليهم لعنة الله و الملائكة و النّاس

6 _ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. اولئك جزاؤهم انّ عليهم ... و النّاس اجمعين

267- لعن ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 3، 7، 1

1 - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا وهم كفار أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

3- فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

7- تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

ص: 377

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 3،4

3_ لوط (ع)، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم . . . وقال هـ ذاً یوم عصیب

4_ لوط (ع) با ورود فرشتگان، عرصه را بر خویشان تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت .

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً

«ذرعاً» - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمیزی مبدل از فاعل می باشد. بنابر این «ضاق بهم ذرعاً»؛ یعنی، ضاق ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مَثَل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. «سیء» فعل مجهول «ساء» (ناراحتش کرد) است و «باء» در «بهم» سببیه است. بنابراین «سیء بهم» یعنی به سبب (آمدن آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 25،28

25_ لوط (ع) از فرشتگان خواست تا در عذاب قومش تعجیل کنند . *

إن موعدهم الصبح ألیس الصبح بقرب

استفهام در «ألیس . . .» تقریری است و هدف از آن، اقرار و اعتراف مخاطب به مضمون جمله ای است که پس از آن واقع می شود. اقرار و اعتراف گرفتن از لوط (ع) بر اینکه هنگام فرارسیدن عذاب قومش نزدیک است، می رساند که وی خواهان تعجیل در عذاب آن قوم بوده است.

28_ «عن أبی بصیر و غیره عن أحدهما علیهما السلام: . . . لما قال جبرئیل: «إنا رسل ربک» قال له لوط: یا جبرئیل عَجَل، قال: نعم، قال: یا جبرئیل عَجَل، قال: «إن موعدهم الصبح ألیس الصبح بقرب» . . . فأدخل جناحه تحتها حتّی إذا استعلت قلبها علیهم و رمی جدران المدینه بحجار من سجّیل و سمعت إمرأه لوط الهدهه فهلکت منها؛

ابو بصیر و غیر او از امام باقر یا امام صادق_علیهما السلام_ روایت کرده اند که فرمود: هنگامی که جبرئیل به لوط گفت: ما فرشتگان، فرستادگان پروردگار تو هستیم، لوط به او گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: باشد. لوط گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: «موعد هلاکت آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟» . . . پس بال خود را به زیر زمین آن دیار فرو برد، آن گاه که آن آبادی بالا رفت آن را به روی آنان واژگون کرد و دیوارهای شهر را با سجیل (سنگ گِل) سنگباران کرد. همسر لوط صدای شدید فرو ریختن دیوارها را شنید و از آن صدا به هلاکت

رسید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 2

2- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان ، از آنان خواستار معرفی خود گردید .

قال إنکم قوم منکرون

ص: 378

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه _ که در آیه بعد آمده است _ مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 9

9- ناشناخته بودن فرشتگان برای حضرت لوط (ع) تا لحظه قصد تعرض قومش به آنان

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هؤلاء ضیفی فلا تقضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) با مشاهده قصد تعرض قومش به مهمانان با نگرانی فرشتگان را مهمان خود معرفی کرد، نشان می دهد که آن حضرت تا این لحظه فرشتگان را نمی شناخت.

269- مالک ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 7

7- وجود ملائکه و مراحل مقدماتی پیدایش آنها و کارهایی که از آنان صادر می شود ، همه مملوک خداوند و در احاطه قدرت او است . *

له ما بین ایدینا و ما خلفنا و ما بین ذلک

گفته شده است: «ما بین ایدینا» (آنچه پیش روی ما است) اشاره به آثار وجودی ملائکه و «ما خلفنا» (آنچه پشت سر نهاده و از آن گذشتیم) اشاره به عناصر اولیه و مقدمات پیدایش آنها و «ما بین ذلک» (آنچه هم اکنون وجود دارد) اشاره به هستی آنان دارد. این توجیه و تفسیر با نوع ملائکه _ که زمان و مکان درباره آنان بی معنا است _ تناسب دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 6

6 - خداوند ، مالک و مدبّر امور فرشتگان و روح است .

رَبِّهِمْ

«رَبِّ» در لغت عرب، بر «مالک»، «مولی»، «مدبّر» و «مرتبّی» اطلاق می شود.

270- مجادله با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 74 - 3

3_ ابراهیم (ع)، پس از پی بردن به هدف فرشتگان (نابودسازی قوم لوط)، با آنان به چگونگی و جر و بحث پرداخت.

یج_ دلنا فی قوم لوط

ص: 379

جمله «قد جاء أمر ربك» در آیه 76 می تواند قرینه ای بر این باشد که مراد از «یجادلنا»، «یجادل رسلنا» باشد.

271- مجادله ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 69 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مجادله و گفت و گوی فرشتگان با خدا درباره آفرینش آدم، تنها از راه وحی آگاه بود.

ما كان لي من علم بالملائكة إذ يختصمون

مقصود از مجادله و خصومت در آیه شریفه _ به قرینه دو آیه بعد (إذ قال ربك للملائكة..)_ گفت و گوی فرشتگان با خدا درباره خلقت انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 71 - 2,3

2- مجادله و گفتوگوی فرشتگان با خدا، در ملا اعلی درباره آفرینش انسان

بالملائكة اذ يختصمون... إذ قال ربك للملائكة إني خَلَقْتُ بَشَرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «إذ» ظرف زمان ماضی بوده و متعلق به «إذ يختصمون» باشد.

3- داستان آفرینش انسان و مجادله و گفتوگوی فرشتگان با خداوند در این باره، شایان یاد و یادآوری است.

إذ قال ربك للملائكة إني خَلَقْتُ بَشَرًا

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که «إذ» متعلق به فعل مقدر همچون «أذكر» باشد.

272- محتضر در محضر ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 85 - 1

1- قرار داشتن شخص محتضر، در محضر خداوند و فرشتگان

و نحن أقرب إليه منكم

ضمير «نحن» (متكلم مع الغير) بيانگر حضور فرشتگان نيز هست.

273- محدوده اختيارات ملائكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - نبأ - 78 - 38 - 4

ص: 380

4- روح و ملائکه در قیامت از گفتن هر سخنی ، جز با رخصت داشتن از خداوند ناتوان اند .

لايتكلمون إلا من أذن له الرحمن

274- محدوده علم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 18

18_ محدودیت علم و آگاهی فرشتگان

إني أعلم ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 7

7- آسمان ها و زمین (هستی) ، دارای غیب و نهانی که حتی بر فرشتگان هم مخفی بود .

إني أعلم ما لاتعلمون ... ألم أقل لكم إني أعلم غيب السموت والأرض

275- محدوده عمل ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 97 - 4

4- فرشتگان ، بدون اذن و فرمان خدا ، امری را انجام نمی دهند .

فإنه نزله على قلبك بإذن الله

276- محدوده قدرت ملائکه محافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 15

15_ هیچ کس و هیچ چیز حتی فرشتگان محافظ نمی تواند گمراهان و گنه کاران را در برابر گزندگی که خداوند برای آنان تقدیر کرده ، یاری رساند و آنان را مصون دارد .

و ما لهم من دونه من وال

جمله «فلامرّد له» می رساند که تقدیر الهی بر گزندرسانی بازگشتی نیست و جمله «و ما لهم ..» بیانگر آن است که پس از آمدن ، هیچ کس نمی تواند مضمولان آن را یاری دهد و ایشان را نجات بخشد.

ص: 381

277- محدوده مسؤولیت ملائکه محافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 19

19_ « عن أبي جعفر (ع) في قوله: « له معقبات من بين يديه و من خلقه يحفظونه من أمر الله » يقول: بأمر الله من أن يقع في ركي، أو يقع عليه حائط، أو يصيبه شيء حتى إذا جاء القدر... يدفعونه إلى المقادير و هما ملكان يحفظانه بالليل و ملكان بالنهار يتعاقبان؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: «له معقبات...» روایت شده که می فرمود: به فرمان خدا [حفظ می کنند] او را از اینکه در چاه بیفتد یا دیوار بر او فروریزد یا آسیبی به او برسد تا زمانی که تقدیر بیاید... او را به تقدیر وامی گذارند و آن محافظان، دو فرشته در شب و دو فرشته در روز به نوبت از او حفاظت می کنند».

278- محمد(صلی الله علیه و آله) و رؤیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 5

5- قابل رؤیت بودن فرشتگان و عرش در قیامت، برای پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله)

و ترى الملئكة حافين من حول العرش

279- محمد(صلی الله علیه و آله) و ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 19 - 6

6- ارتباط پیامبر (صلی الله علیه و آله) با فرشته وحی

إنه لقول رسول كريم

280- مخلوقیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 16 - 3

3- فرشتگان، مخلوق و آفریده های خدایند؛ و نه فرزندان و اجزای وجود او.

أم اتّخذ ممّا يخلق بنات

ص: 382

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 19 - 9

9 - فرشتگان ، آفریده و مخلوق خدا

أشهدوا خلقهم

281- مدارای ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 3 - 5,6

5 - فرشتگان ، به هنگام قبض روح برخی از مردم ، بسان شناکنندگان ، وظیفه خود را به آرامی و با مدارا انجام می دهند .

و السَّابِحَاتِ سَبْحًا

در نظر برخی از اهل لغت، حرکت در اعماق آب را، «عَوْم» و حرکت روی آب و بدون فرورفتن را «سباحه» می گویند (تاج العروس).
تعبیر «السَّابِحَاتِ» _ به قرینه «الناشاطات» در آیه قبل _ ناظر به حرکت آرام ملائکه، در قبض روح مؤمن است که به حرکت در آب تشبیه شده است.

6 - [فی المجمع] فی قوله تعالى « و السابحات سبحاً » انّها الملائكة يقبضون أرواح المؤمنين يسألونها سألًا رفيقاً . . . عن علي (ع) ;

در مجمع البیان از امام علی (ع) روایت شده که درباره قول خدای تعالی «و السابحات سبحاً» فرمود: آنان فرشتگانی اند که روح مؤمنان را قبض می کنند و آن را به آرامی و مدارا از بدن هایشان بیرون می آورند.

282- مدبر ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 6

6 - خداوند ، مالک و مدبر امور فرشتگان و روح است .

رَبِّهِمْ

«رَبِّ» در لغت عرب، بر «مالک»، «مولی»، «مدبر» و «مرتب» اطلاق می شود.

283- مدت سجده ملائکه بر آدم (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

9 - حجر - 15 - 30 - 4

4- «عن الصادق (ع) . . . قال . . . : فأول من بادر بالسجود جبرائيل و ميكائيل ثم عزرائيل ثم إسرئيل ثم الملائكة المقربون و

ص: 383

كان السجود لأدم يوم الجمعة عند الزوال فبقيت الملائكة في سجودها إلى العصر . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. اولین کسانی که در سجده پیشی گرفتند، جبرئیل و میکائیل بودند؛ سپس عزرائیل و بعد اسرافیل؛ سپس فرشتگان مقرب الهی و سجده برای آدم روز جمعه هنگام ظهر بود، پس ملائکه تا عصر در حال سجده بودند».

284- مدت سفر ملائکه حامل تدبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 5 - 11

11 - مدت سفر فرشته حامل فرمان تدبیر خداوند برای آوردن پیام، مدتی در حدود هزار سال به حساب دنیوی است .

يدبّر الأمر . . . ثم يعرج إليه في يوم كان مقداره ألف سنة مما تعدّون

285- مدیریت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 5 - 5

5 - سوگند خداوند به فرشتگان مدیر و مدبّر

فالمديّرت أمراً

286- مراتب ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 75 - 3

3 - تفاوت درجات و لیاقت فرشتگان در احراز مناصب الهی

اللّٰه يصطفى من الملائكة رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 164 - 2

2- فرشتگان، دارای مراتب و درجات گوناگون

و ما منّا إلاّ له مقام معلوم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 384

10 - تفاوت مراتب و درجات فرشتگان الهی در قرب به خداوند *

و کم من ملک . . . إلا من بعد أن يأذن الله لمن يشاء و یرضی

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر به دست می آید: الف) مراد از «من» در «لمن یشاء» شفاعت کنندگان (فرشتگان) باشد؛ ب) ذکر «لمن یشاء» ناظر بدان باشد که برخی از فرشتگان، از مقبولیت شفاعت برخوردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 4 - 2

2 - برخی از فرشتگان، از برخی دیگر برتراند .

فالس بق ت سبًا

سوگند خداوند بر «سابقات»، نشانه برتری آنان بر ملائکه دیگر است.

287- مربی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 50 - 9

9- ملائکه، تحت ربوبیت خاص خداوندند .

و الملائكة . . . يخافون ربهم

با توجه به اینکه خداوند «رب» همه موجودات است و اضافه «رب» به ضمیر «هم» _ که مرجع آن ملائکه است _ می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

288- مربی ملائکه مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 11 - 7

7- فرشته مرگ، خود تحت تدبیر خداوند است .

الذی وکل بکم

مجهول آمدن فعل «وگُل» دلالت می کند که خود وی، دارای اراده مستقلی نیست و دیگری او را گمارده است و او، همانا خداوند است.

ص: 385

289- مرگ ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 22

22_ مردن هر صاحب روحی ، حتی ملائکه مقربین و حاملان عرش

کَلَّ نَفْسٌ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: اِنَّهُ يَمُوتُ اهل الارض حَتَّى لَا يَبْقَى احدٌ ثُمَّ يَمُوتُ اهل السَّمَاءِ حَتَّى لَا يَبْقَى احدٌ اِلَّا ملك الموت و حمله العرش و جبرئیل و میکائیل . . . فیجئى ملك الموت حَتَّى یقوم بین یدى اللّٰه عزّ و جلّ . . . فیقول (اللّٰه): اِنِّیْ قد قضیت علّ کَلَّ نَفْسٌ فیها الرّوح الموت . . .

کافی، ج 3، ص 256، ح 25؛ نورالثقلین، ج 1، ص 419، ح 470.

290- مستضعفان و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 4

4_ ناتوانی از انجام تکالیف الهی ، پاسخ ماندگاران در سیطره کفر و شرک به فرشتگان مأمور گرفتار جان

قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین

291- مسؤولیت اخروی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 22 - 7، 8، 4، 5

4- فرشتگان در قیامت ، در صف های منظم ، حضور یافته ، به اجرای رسالت خویش خواهند پرداخت .

و الملك صفاً صفاً

کلمه های «صفاً صفاً» _ به تأویل «مصطفین» (در صفوف منظم قرار گرفته) _ حال برای «الملک» است. «ملک» اسم جنس بوده و حرف «ال» در آن، برای استغراق است. برخی آن را مفرد «ملائکه» دانسته اند (مصباح) و برخی آن را از ریشه «ملک» و به معنای سیاست گذار

دانسته و گفته اند: شخص سیاست گذار، اگر انسان باشد «مَلِک» و اگر فرشته باشد، «مَلِک» نامیده می شود. این کلمه در اصل «مَالِک» و به معنای «رسالت» بوده است. (مفردات راغب)

5- فرشتگان ، مأمور رسیدگی به امور انسان ها در قیامت

و الْمَلِكُ صَفًّا صَفًّا

از جمله «یومئذ یتذکر الإنسان» در آیه بعد، معلوم می شود که حضور فرشتگان در قیامت در رابطه با کار انسان ها است.

7- فرشتگان در قیامت ، در رده های مختلف دسته بندی شده و هر دسته مأموریتی ویژه دارند .

صَفًّا صَفًّا

ص: 386

8- فرشتگان در قیامت، به فرمان خداوند و با نظارت کامل او، انجام وظیفه می کنند.

و جاء ربك و الملك

آمدن خداوند، کنایه از حضور کامل او است و عطف «ملک» بر «ربک»، بیانگر آن است که حضور فرشتگان، مستقل از حضور خداوند نیست؛ بلکه در راستای آن و بخشی از یک برنامه منسجم است.

292- مسؤولیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 45 - 2

2_ فرشتگان، پیام آوران الهی

اذ قالت الملائكة يا مريم ان الله يبشرك بكلمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 97 - 1

1_ فرشتگان الهی، مأمور گرفتن جان انسانها

ان الذين توفيه الملائكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 37 - 6

6_ گروهی از فرشتگان عهده دار رسالتها و مأموریتهایی از جانب خداوند هستند.

إذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- انفال - 8 - 50 - 1

1_ میراندن انسان ها و گرفتن جان ایشان، از مأموریت های فرشتگان

ولو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة

11_ از میان بردن قوم لوط ، مأموریت فرشتگان حاضر در پیشگاه ابراهیم (ع)

إنا أرسلنا إلى قوم لوط

از آیه 76 و نیز آیات مربوط به داستان لوط(ع) معلوم می شود هدف از فرستادن فرشتگان به سوی قوم لوط، به هلاکت رساندن آنان بود.

ص: 387

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 57 - 2,3

2- بشارت به فرزنددار شدن ابراهیم (ع) کار فرعی و عذاب قوم لوط مأموریت اصلی و مهم فرشتگان بود .

إنا نبشرك بغلْم .. قال فما خطبكم أيها المرسلون

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) پس از شناخت فرشتگان و دریافت بشارت فرزنددار شدن از مأموریت اصلی و مهم آنان سؤال کرد (فما خطبکم ..) و این مأموریت طبق آیه بعد عذاب قوم لوط بود.

3- ابراهیم (ع) پیش از اظهار فرشتگان از مأموریت خودشان برای عذاب قوم لوط ، از آن آگاه نبود .

قال فما خطبكم أيها المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 58 - 2

2- اجرای فرمان های خداوند از وظایف و مسؤولیت های فرشتگان

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 63 - 6

6- فرشتگان ، مجریان عذاب الهی بر قوم لوط بودند .

قالوا بل جننك بما كانوا فيه يمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 10 - 3

3 - فرشتگانی متعدد ، مأمور نظارت بر کردار انسان ها و محفوظ نگه داشتن آن هستند .

وإنّ عليكم لحفظين

تعدد حافظان، ممکن است به اعتبار هر انسان و یا به لحاظ تمام انسان ها باشد.

293- مسؤولیت ملائکہ عذاب

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 34 - 4

4- فرستادگان خدا بر لوط (ع) ، خود ، مأمور عذاب قوم لوط بودند .

ولمّا أن جاءت رسلنا لوطاً .. إنا منزلون على أهل هذه القرية رجلاً من السماء

ص: 388

294- مسؤولیت ملائکه محافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 5, 3, 1

1_ فرشتگانی عهده دار مراقبت و محافظت از انسان ها در برابر خطر ها و حوادث نابود کننده

له معقب_ت . . . يحفظونه من أمر الله

«تعقیب» (مصدر معقبات)؛ یعنی، به منظور انجام کاری در پی کسی رفتن. بنابراین مراد از «معقبات» به قرینه «یحفظونه» نیروهایی است که به منظور حفاظت آدمی در پی اویند و وی را دنبال می کنند. مفسران برآنند که آن نیروها (معقبات) فرشتگان الهی می باشند.

3_ فرشتگان محافظ و پاسدار انسانها، از همه اطراف و جوانب، آنان را مراقبت می کنند .

له معقب_ت من بین یدیه و من خلفه يحفظونه

«من بین یدیه» یعنی از پیش رو و «من خلفه» یعنی از پشت سر و این دو کنایه از جمیع اطراف است.

5_ فرشتگان به فرمان خداوند آدمیان را از حوادث و خطر ها محافظت می کنند .

يحفظونه من أمر الله

برداشت فوق بر این اساس است که «من» سببیه باشد.

295- مشرکان و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 30 - 5

5 - اندیشه خرافی مشرکان در مورد فرشتگان، برخاسته از افق محدود دانش و بینش آنان

ليستمون الملئِكة تسميه الأئتي . . . ذلك مبلغهم من العلم

با توجه به این که موضوع اصلی آیات پیشین، طرد و نقد اندیشه خرافی مشرکان درباره دختر انگاشتن فرشتگان برای خداوند بود؛ می توان استفاده کرد که عبارت «ذلك مبلغهم . . .»، فلسفه رواج این عقیده خرافی را در میان آنان تبیین می کند.

296- مشرکان و نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ روزی که خواسته مشرکان مجرم و منکران معاد مبنی بر نزول فرشتگان بر ایشان، تحقق یابد، روزی تلخ و ناخوشایند برای آنان خواهد بود.

وقال الذين لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا الملئكة .. يوم يرون الملئكة لا يش

ص: 389

297- مضمولان حمايتہای ملائکہ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - فصلت - 41 - 31 - 9, 1

1 - يكتا پرستان پايدار بر توحيد ، بهره مند از حمايت و ياري فرشتگان در دنيا و آخرت

نحن أولياؤكم في الحيوه الدنياه وفي الآخره

9- « (في المجمع) وقيل نحن أولياؤكم في الحياه الدنياه أي نحرصكم في الدينه و عند الموت وفي الآخره عن أبي جعفر (ع) ;

در مجمع البيان ذيل آيه «نحن أولياؤكم في الحياه الدنياه وفي الآخره» آمده است: گفته شده (که فرشتگان می گویند) ما اولیای شما در زندگی دنيا هستیم؛ یعنی، در دنيا و هنگام مرگ و در آخرت از شما پاسداری می کنیم و این معنا از امام باقر(ع) روایت شده است».

298- مصريان باستان و ملائکہ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 31 - 27

27_ مصريان عصر يوسف (ع) ، معتقد به وجود فرشتگان و زیبایی آنها

إن هـذا إلاّ ملك كريم

299- معجزه نزول ملائکہ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 8 - 3

3_ هلاکت فوری کافران و پایان مهلت آنان، در صورت نزول محسوس فرشتگان به عنوان معجزه بر پیامبر(صلی الله علیه و آله)

ولو أنزلنا ملکا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

300- معلم ملائکہ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 33 - 5

5- آدم (ع)، آموزگار فرشتگان

يٰۤاٰدَمُ اَنْبِئْهُمْ بِاسْمَائِهِمْ فَلَمَّا اَنْۢبَاَهُمْ بِاسْمَائِهِمْ

ص: 390

301- مقام ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 18 - 12

12_ ارجمندی فرشتگان و دانشمندان ، در پیشگاه خداوند

شهدالله .. و الملئکه و اولوا العلم

از ذکر نام آنان به عنوان شاهدان و حدانیت خویش در کنار نام خود، استفاده شده است.

302- مقامات ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 98 - 3،4

3 - فرشتگان و پیامبران ، دارای منزلتی والا در پیشگاه خداوند

من کان عدواً لله و ملئکته و رسله

از آن جا که قرآن، فرشتگان و پیامبران را قرین کلمه «الله» ذکر کرده و دشمنان آنان را مبغوض درگاه خدا شمرده، منزلت والای آنان در پیشگاه خدا به دست می آید.

4 - جبرئیل و میکائیل دارای مقامی برتر از سایر فرشتگان در پیشگاه خدا

من کان عدواً لله و ملئکته و رسله جبریل و میکیل

کلمه «ملائکته» شامل جبرئیل و میکائیل می شود. بنابراین ذکر بخصوص آنها از میان سایر فرشتگان، می تواند اشاره به برتری مقام آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 172 - 5

5_ شخصیت والای مسیح (ع) و مقام بلند فرشتگان ، مانع آنها از بندگی خداوند نیست .

لن یستکف المسیح ان یکون عبداً لله و لالملئکه المقربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 50 - 6

6_ از دیدگاه برخی مردم در اختیار داشتن خزاین الهی و آگاهی به غیب و فرشته بودن، نشانه پیامبری است.

قل لا أقول لكم عندی خزائن الله ولا أعلم الغیب ولا أقول لكم إنی ملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 13 - 7

7_ منزلت فرشتگان، منزلت انقیاد و تسلیم در برابر خدا، به دور از هرگونه تکبر و عصیان در برابر او

فما یکون لک أن تتکبر فیها

ص: 391

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 5

5 - ابلیس ، از اطاعت فرمان خداوند در مورد سجده در برابر آدم ، رو برتافت .

فسجدوا إلاّ ابلیس أبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 1 - 2

2 - فرشتگان ، برخوردار از جایگاه و مقامی رفیع در پیشگاه خداوند

و الصّٰفّٰتِ صَفًّا

سوگند خداوند به فرشتگان، گویای عظمت و مقام رفیع آنان در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 2 - 2

2 - فرشتگان ، برخوردار از مقامی رفیع در پیشگاه خداوند

فَالزَّجْرٰتِ زَجْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 3 - 2

2 - فرشتگان ، برخوردار از مقامی رفیع در پیشگاه خداوند

فالتّٰلِیٰتِ ذِكْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 164 - 1

1 - هر یک از فرشتگان ، دارای مقام و منزلتی معلوم و معین در پیشگاه خداوند

و ما منّا إلاّ له مقام معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 5 - 6

6 - فرشتگان تدبیرکننده امور جهان ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

فالمُدبِّرَاتُ أَمْرًا

ص: 392

303- مقامات ملائکه ثبت عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 11 - 1

1 - فرشتگان ناظر و مراقب انسان ها ، شخصیت هایی ارجمند و دارای ارزش و احترام در پیشگاه خداوند

کراماً

آنچه در مقوله خود دارای شرافت و برجستگی باشد، به گرم توصیف می شود. (مفردات راغب)

304- مقامات ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 5 - 5

5 - فرشتگان وحی ، موجوداتی بس بلند مرتبه و ارجمند در پیشگاه خداوند

و المرسلات عرفاً . . . فالملقیات ذکرًا

برداشت یاد شده، به این سبب است که فرشتگان، مورد سوگند الهی قرار گرفتند.

305- مکان ظهور ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 4

4 - هر ناحیه ای از آسمان می توانست و احتمال داشت که محل ظهور و پیدایش فرشته وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد .

قد نرى تقلب وجهك في السماء

از اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای مشاهده نزول فرشته وحی به نقطه ای خاص و معین چشم نمی دوخت و صورتش را به هر سویی می چرخانید، به برداشت فوق می توان دست یافت.

306- مکذبان معاد و رویت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ منکران معاد ، هنگام مرگ ملائکه را مشاهده خواهند کرد .

قال الذین لایرجون لقاءنا . . . یوم یرون الملائکه لابیشری یومئذ للمجرمین

مراد از «یوم» در آیه شریفه، هم می تواند هنگام مرگ باشد و هم می تواند روز قیامت. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

ص: 393

5_ منکران معاد، با مشاهده ملائکه در قیامت، از آنان درخواست خواهند کرد که متعرض ایشان نشده و اقدامی علیه آنان انجام ندهند.

یوم یرون المل_ئکه لابیشری . . . و یقولون حجراً محجوراً

«حجراً محجوراً» سخنی است که عرب به هنگام رویه رو شدن با دشمن و یا هجوم بلا و حوادث هولناک می گوید و مقصود اصلی در این کلام، امان خواستن و پناه بردن است.

307- مکذبان معاد و نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 1

1_ روزی که خواسته مشرکان مجرم و منکران معاد مبنی بر نزول فرشتگان بر ایشان، تحقق یابد، روزی تلخ و ناخوشایند برای آنان خواهد بود.

وقال الذین لایرجون لقاءنا لولاً أنزل علینا المل_ئکه . . . یوم یرون المل_ئکه لابیشر

308- مکذبان نزول ملائکه بر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 4

4_ مشرکان صدر اسلام، منکر نزول ملائکه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند.

وقال الذین لایرجون لقاءنا لولاً أنزل علینا المل_ئکه

از این که مشرکان، اعتراض می کردند که چرا فرشتگان وحی به طور مستقیم بر خود آنان فرود نمی آید؟ می توان به دست آورد که آنان، در صدد این بودند که اصل نزول فرشیه وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را زیر سؤال ببرند و آن را انکار کنند. گفتنی است: آیه 7 سوره «حجر» مؤید همین برداشت است (لو ما تأتینا بالملائکه إن كنت من الصادقین).

309- ملاقات ملائکه با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 1

1_ دیدار فرشتگان با اهل بهشت و سخن گفتن آنان با ایشان

والمملـئكه يدخلون عليهم . . . سلـم عليكم

ص: 394

310- ملائکه اطراف عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 12، 9، 8، 1

1 - فرشتگان حامل عرش و پیرامون آن ، به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او می پردازند .

الذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم

8 - استغفار و آمرزش خواهی فرشتگان عرش الهی ، برای مؤمنان

و یستغفرون للذین ءامنوا

9 - اعتراف فرشتگان حامل عرش الهی ، به ربوبیت خداوند و رحمت و علم گسترده او درباره همه پدیده های عالم

ربنا وسعت کل شیء رحمه و علما

12 - جمله « ربنا وسعت کل شیء رحمه . . . و قهم عذاب الجحیم » متن مناجات فرشتگان با خداوند به هنگام آمرزش خواهی از او

برای مؤمنان

و یستغفرون للذین ءامنوا ربنا وسعت کل شیء رحمه و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 1

1 - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست

فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربنا و ادخلهم جنات . . و من صلح من ءابائهم و ازوجهم و ذریتهم

«من» در «و من صلح . .» می تواند عطف بر ضمیر «هم» در «ادخلهم . .» و یا عطف بر ضمیر «هم» در «وعدتهم» باشد. برداشت یاد

شده مبتنی بر احتمال نخست است.

311- ملائکه امداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 124 - 7، 3، 1

1_ وعده پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مؤمنان پیکارگر بدر و یا رزمندگان احد ، به امداد الهی با فرستادن سه هزار فرشته

اذ تقول للمؤمنین ان یمدکم ربکم بثلثة الاف من الملائکه منزلین

برخی مفسران «اذ تقول» را بدل از «اذ همّت» گرفته اند و عقیده دارند که وعده امداد با ملائکه، درباره جنگ احد است. برخی دیگر «اذ تقول» را متعلق به «ولقد نصرکم الله ببدر» گرفته اند و این وعده را، در جنگ بدر دانسته اند.

3_ خداوند ، سه هزار فرشته را برای یاری رزمندگان بدر فرستاد .

الن یکفیکم ان یمدکم ربکم بثلثة الاف من الملائکه منزلین

«اذ تقول . . .» یعنی یادآور زمانی را که به مؤمنین وعده امداد الهی را می دادی؛ اگر این وعده تحقق پیدا نکرده بود یادآوری آن لغو بود.

7_ فرشتگان ، از جمله ابزار های امداد های خداوند

ص: 395

ان یمدکم ربکم بثلثه الاف من الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 125 - 1,3,7,8,9,11,14

1_ کفایت فرشتگان امدادگر ، برای پیروزی رزمندگان در برابر دشمنان

الن یکفیکم .. بلی ان تصبروا

3_ در هنگام ضرورت (همانند یورش شتابان دشمنان دین) ، صبر و تقوا ، تضمین کننده نزول فرشتگان برای امداد مؤمنان

ان تصبروا و تتقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمدکم ربکم بخسمه الاف

7_ نزول پنجهزار فرشته امدادگر ، مژده ای به مؤمنان پیکارگر صابر و تقواییشه در جنگ بدر

ان تصبروا و تتقوا .. یمدکم ربکم بخسمه الاف من الملئکه

8_ وعده الهی به نزول پنجهزار فرشته برای یاری رزمندگان بدر و یا احد و یا حمراءالاسد ، در صورت صابر بودن و تقوا داشتن

ان تصبروا و تتقوا .. یمدکم ربکم بخسمه الاف من الملئکه

برخی مفسران به قرینه جمله «یأتوکم من فورهم هذا»، آیه مورد بحث را درباره قضیه حمراءالاسد دانسته اند که مشرکان پس از غلبه در احد و انصراف از معرکه، پشیمان شدند و تصمیم بر یورش به مدینه را داشتند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) پس از دریافت این خبر، مسلمانان را برای رویارویی با آنان فراخواند.

9_ فرشتگان ، از جمله ابزار های امداد های خداوند

یمدکم ربکم بخسمه الاف من الملئکه

11_ فرشتگان نازل شده برای امداد مؤمنان ، دارای علائمی ویژه

یمدکم ربکم بخسمه الاف من الملئکه مسومین

«مسومین»، یعنی «معلمین انفسهم» (بر خویشتن علامت و نشانه گذاشته اند). گفته شده که آنها دارای پرچمهایی بودند که نشان مخصوص سپاه اسلام بر آن حک شده بود.

14_ علامت فرشتگان یاری دهنده در جنگ بدر عمامه های آنان بود .

یمدکم ربکم بخسمه الاف من الملئکه مسومین

کافی، ج 6، ص 460، ح 2؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 313، ح 1 و 4.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 126 - 10، 6، 1

1_ نزول فرشتگان و یاری آنان ، تنها مژده ای است برای مؤمنان پیکارگر و آرامش دهنده دل های آنان ، نه تعیین کننده پیروزیها

و ما جعله الله الا بشری لکم و لتطمئن قلوبکم به

ضمیر در «ما جعله الله»، به امداد، که از «یمددکم» استفاده می شود، برمی گردد.

6_ خداوند ، تعیین کننده اصلی و نهایی پیروزی مؤمنان است ؛ نه فرشتگان و یا توانایی های شخصی رزمندگان

و ما جعله الله الا بشری لکم . . . و ما النصر الا من عند الله

بیان انحصار پیروزی آفرینی به خدا و نقش امداد ملائکه تنها به عنوان بشارت و اطمینان قلب، در حقیقت نفی هر گونه عاملی

ص: 396

(توانایی نیروها از نظر عِدّه و عُدّه، امداد ملائکه و ..)، غیر از خواست الهی در پیروزیهاست.

10 _ تحقق اطمینان قلب ، با امداد های الهی

و لتطمئن قلوبکم به و ما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 9 - 3،9

3_ خداوند استغاثه مجاهدان بدر را با فرستادن هزاران فرشته اجابت کرد .

فاستجاب لکم انی ممدکم بألف من الملائکه مردفین

«مردف» به کسی گفته می شود که دیگری را در پی خویش قرار داده باشد. بنابراین «ألف من الملائکه مردفین»، یعنی هزار فرشته که هر کدام فرشته و یا فرشته هایی را به دنبال خویش داشتند. گفتنی است معنای مذکور مبتنی بر این است که مفعول محذوف از «مردفین»، «طائفه اخری من الملائکه» باشد.

9_ فرشتگان از اسباب و وسائط امداد های خداوند و تحقق یافتن اراده او

یرید الله أن یحق الحق بکلمته .. انی ممدکم بألف من الملائکه مردفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 10 - 6

6_ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به واسطه آنان ، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و ما النصر إلا من عند الله إن الله عزیز حکیم

جمله «إن الله عزیز حکیم» تعلیلی است برای تمامی مسائلی که در این آیه و آیه قبل مطرح شده بود. یعنی سرچشمه آنچه بیان شد، عزت و حکمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 12 - 3،8

3_ تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) شاهد وحی الهی به فرشتگان مبتنی بر مأموریت آنان برای پشتیبانی مجاهدان بدر بود .

چنانچه «إذ»، متعلق به «اذکر» باشد با توجه به اینکه مخاطب در آیه مورد بحث، به خلاف آیات گذشته، شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

8 _ ملانکه مأمور در هم کوبیدن سرهای کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

«ال» در «الأعناق» جانشین مضاف إليه (الکافرین) است و مراد از «فوق الأعناق» سرهای کافران است. بنابراین جمله «فاضربوا ...» یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 397

12 - نصرت خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به وسیله آرامش بخشیدن به آن حضرت (در غار) و نیز تأیید او با سپاه غیبی (فرشتگان)

فقد نصره الله .. فأنزل الله سكينته عليه و آئده بجنود لم تروها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 31 - 3، 1

1 - فرستادگان خداوند برای یاری لوط (ع)، ابتدا، نزد ابراهیم (ع) رفتند و مأموریت خود را به او اعلام کردند.

قال رب انصرني ... و لما جاءت رسلنا ابرهيم بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل هـ_ذه

3 - دعای لوط (ع) برای یاری اش، از سوی خدا اجابت شد و فرشتگانی از جانب خداوند، برای در هم کوبیدن قوم لوط، گسیل شدند.

قال رب انصرني ... و لما جاءت رسلنا ابرهيم بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل هـ_ذه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 9 - 7

7 - نزول ملائکه امداد در غزوه احزاب، به منظور کمک به مسلمانان

و جنودًا لم تروها

احتمال قوی این است که سپاهی که قابل رؤیت نبود همان ملائکه باشد.

312- ملائکه امداد در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 48 - 13، 14، 16

13 - مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان، دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نكص على عقبية و قال اني برىء منكم اني ارى ما لاترون

14 - شیطان در آستانه جنگ بدر، فرشتگان امدادگر الهی را به روشنی مشاهده کرد.

ینی اری ما لاترون

به قرینه آیه 9 و 12 از همین سوره می توان گفت مراد از «ما لاترون» فرشتگانی بودند که برای امداد لشکر ایمان در کارزار بدر حاضر شدند.

16 _ شیطان به دلیل ترس از گرفتار شدن به عذاب الهی با ضربه های سهمگین فرشتگان جنگ بدر از آن معرکه فرار کرد .

ینی اری ما لاترون ینی أخاف الله

مراد از خوف خدا (ینی أخاف الله) به دلیل «ینی اری ما لاترون» گرفتار شدن به چنگ فرشتگان حاضر در کارزار بدر است.

ص: 398

313- ملائکه بابل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 14

14 - هاروت و ماروت فرشتگانی ساکن سرزمین بابل

و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

«ببابل» متعلق به محذوف و حال برای «الملکین» می باشد؛ یعنی: الملکین کائین بابل. مقصود از «بابل» بنا بر آنچه بسیاری از مفسران گفته اند، بابل عراق - که شهری بر ساحل رود فرات و نزدیک حله است - می باشد.

314- ملائکه پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 40 - 3,4,5

3 - خداوند در روز قیامت ، از ملائکه خواهد پرسید که آیا از عبادت مشرکان برای آنان ، رضایت داشته اند ؟

و یوم یحشرهم جمیعاً ثمّ یقول للملئکه أهـؤلاء ایّاکم کانوا یعبدون

جوابی که در آیه بعد از قول ملائکه نقل شده، حکایت از این دارد که سؤال از اصل عبادت نبوده است؛ زیرا عبادت مشرکان در اختیار ملائکه نبوده تا آنان دستور به انجام آن داده باشند؛ بلکه سؤال از رضایت ملائکه از این کار است.

4 - پرستیده شدن ملائکه از سوی مشرکان در دنیا

و نجعل له أنداداً .. و یوم یحشرهم جمیعاً ثمّ یقول للملئکه أهـؤلاء ایّاکم کانو

5 - پرسش خداوند از ملائکه درباره پرستیده شدنشان از سوی مشرکان ، با فاصله ای از بازآفرینی و گردآوری خواهد بود .

و یوم یحشرهم .. ثمّ یقول للملئکه

«ثم» برای تراخی است و کاربرد آن در آیه، مفید نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 41 - 1

1 - جواب روشن ملائکه به خداوند ، درباره عدم رضایت آنان از پرستیده شدن از سوی مشرکان

و یوم یحشرهم . . . ثم یقول للملئکه أهؤلاء إیاکم... یعبدون . قالوا سبحنک أنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 20 - 2

2 - مشرکان با دستاویز قرار دادن مشیت الهی ، پرستش و کرنش نسبت به ملائکه را توجیه می کردند .

وقالوا لو شاء الرحمن ما عبدنهم

ص: 399

315- ملائکه پرستی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 20 - 1

1 - فرشتگان ، مورد پرستش و احترام مشرکان عرب جاهلی

وقالوا... ما عبدنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 22 - 4

4 - پرستش فرشتگان ، سنتی دیرینه و آیینی سابقه دار در تاریخ عرب جاهلی

بل قالوا إنا وجدنا آباءنا على أمة

واژه «أمة»، بیانگر آیین و مذهب است.

316- ملائکه ثبت عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 152 - 12

12 - از امام باقر (ع) روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ان الملك ينزل الصحيفة اول النهار و اول الليل يكتب فيها عمل ابن آدم فاملوا في اولها خيراً و في آخرها خيراً فان الله يغفر لكم ما بين ذلك انشاء الله ، فان الله يقول : اذكروني اذكروكم ;

ملک کارنامه عمل [انسان] را در اول روز و اول شب می آورد و اعمال بنی آدم را ثبت می کند، پس سعی کنید در اول روز و اول شب خوبی را املا نمایید که خداوند ان شاء الله ما بین آن را می بخشد؛ زیرا خداوند می فرماید: «اذکرونی اذکرکم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 104 - 11

11 - «عن أبي جعفر (ع) : إن في الهواء ملكاً يقال له إسماعيل على ثلاثمأة ألف ملك كل واحد منهم على مائه ألف يحصون أعمال العباد فإذا كان رأس السنه بعث الله إليهم ملكاً يقال له : السجل فانتسخ ذلك منهم و هو قول الله تبارك و تعالی : « يوم نظوى السماء كطي السجل للكتب » ;

از امام باقر(ع) روایت شده که در فضا فرشته ای است به نام اسماعیل که سیصد هزار فرشته تحت فرمان دارد و هر کدام از فرشتگان صد هزار فرشته را فرماندهی می کند و آنان کارهای بندگان را احصا می کنند و با شروع هر سالی خداوند فرشته ای را به نام «سجل» می فرستد تا از [نامه اعمال] بندگان [که در اختیار فرشتگان فضا است] نسخه برداری کند و این است سخن خداوند _ تبارک و تعالی _ که: «یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 29 - 9

9 - نقش کارگزاران الهی ، در ثبت و ضبط اعمال آدمیان *

ص: 400

کتبنا... إنا كنا نستنسخ

ضمایر متکلم مع الغیر در این آیه، ممکن است از آن جهت به کار رفته باشد که خداوند، برنامه های خویش را در نظام تکوین، از طریق عوامل و کارگزارانش عملی می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 17 - 1,4,6

1_ دو فرشته از چپ و راست ، همواره در کمین دریافت و ضبط کردار آدمی

إذ يتلقى المتلقيان عن اليمين وعن الشمال قعيد

4_ ثبت اعمال نیک انسان ، به وسیله یک فرشته و ثبت اعمال بد وی ، به وسیله فرشته ای دیگر

إذ يتلقى المتلقيان عن اليمين وعن الشمال قعيد

برداشت بالا بدان احتمال است که تعیین دو دریافت گر و حضور هر یک در طرفی خاص اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

6_ « عن أبي عبد الله (ع) في قول الله تبارك تعالی « إذ يتلقى المتلقىان عن اليمين وعن الشمال قعيد » قال هما الملكان . . . »

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند تبارک و تعالی (إذ يتلقى المتلقىان) روایت شده که فرمود: آنان همان دو فرشته اند. . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 18 - 4,5

4_ « رقیب » و « عتید » ، دو فرشته ناظر بر اعمال هر انسان *

عن اليمين وعن الشمال قعيد... لديه رقيب عتيد

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «رقیب» و «عتید»، اسم دو فرشته باشد که یکی از سمت راست و دیگری از سمت چپ، ناظر و نگارنده اعمال اند. در این صورت «واو» عطف محذوف است.

5_ « عن أبي عبد الله (ع) قال : إنَّ المؤمنین إذا اعتنقا غمرتهما الرحمة . . . فإذا أقبلت علی المسائله قالت الملائكة بعضها لبعض تنحوا عنهما فإنَّ لهما سرّاً وقد ستر الله عليهما . قال اسحاق : فقلت : جعلت فداك فلا يكتب عليهما لفظهما وقد قال الله عزّ وجلّ : « ما يلفظ من قول إلاّ لديه رقيب عتيد . . . » ؟ قال يا اسحاق إنَّ الله تبارك و تعالی إنّما أمر الملائكة أن تعتزل عن المؤمنین إذا التقيا إجلالاً لهما . . . و يحفظه عليهما عالم السرّ و أخفى . . . »

از امام صادق(ع) روایت شده است: هر گاه دو نفر مؤمن معانقه کردند، رحمت خدا آنان را فرا می گیرد و هر گاه برای گفتگو روبه رو

شدند، فرشتگان بعضی به بعضی دیگر می گویند: از نزد آن دو کنار بروید؛ زیرا آن دو سرّی دارند که خداوند آن را مستور داشته است. اسحاق بن عمار می گوید: به امام (ع) گفتم: فدایت شوم پس لفظ آنان نوشته نمی شود با این که خداوند فرموده است: «ما یلفظ من قول إلاّ لدیه رقیب عتید...»؟ امام فرمود: خداوند _ تبارک و تعالی _ فرشتگان را امر فرموده که از مؤمنان هنگام ملاقات با یکدیگر (که جز رضای خدا منظور نبوده)، از نزد آنان کنار روند و این امر برای تجلیل از مؤمنان است... ولی الفاظ آنان را [خود خداوند] که عالم نهان و نهان تر [از اسرار] است، محفوظ می دارد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 27 - 7

7 - « روی أنّ بعض أصحاب أبی جعفر (ع) محمدبن علیّ الباقر (ع) سأله عن قول الله تعالی « إلاّ من ارتضی من رسول فإیّته

ص: 401

يسلك من بين يديه و من خلفه رسداً» فقال يوكل الله بأنبيائه ملائكة يُحصون أعمالهم ;

روایت شده که بعضی از اصحاب امام باقر(ع) از ایشان درباره سخن خداوند متعال: «إلا من ارتضى من رسول فإنه يسلك من بين يديه و من خلفه رسداً» سؤال کرد، فرمود: خداوند فرشتگانی را بر پیامبران خود گمارده است تا اعمال آنان را شمارش و ضبط کنند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 10 - 3

3 - فرشتگانی متعدد، مأمور نظارت بر کردار انسان ها و محفوظ نگه داشتن آن هستند .

و إنَّ عليكم لحفظين

تعدد حافظان، ممکن است به اعتبار هر انسان و یا به لحاظ تمام انسان ها باشد.

317- ملائکه ثبت عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 21 - 5

5_ دو فرشته ثبت کننده اعمال آدمی در دنیا، همراهان وی در قیامت *

إذ يتلقى المتلقين . . . و جاءت كل نفس معها سائق وشهيد

در آیات پیشین، سخن از فرشتگانی بود که مأمور ضبط کردار آدمیان بودند؛ اکنون در این آیه ممکن است تعبیر «سائق»، نظر به یکی از آن دو و تعبیر «شهید» ناظر به دیگری باشد.

318- ملائکه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 55 - 3

3 - ملائکه موکل، با تهکم تحقیرآمیز، به کافران، برای ورود به جهنم، فرمان می دهند .

يغشىهم العذاب . . . و يقول ذوقوا ما كنتم تعملون

ضمیر فاعلی «يقول» احتمال دارد به خداوند برگردد و احتمال دارد، منظور ملائکه باشد. برداشت بالا بنا بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 10

10 - دوزخ ، دارای نگهبانان و گماشتگانی از فرشتگان است .

علیها ملئکه

ص: 402

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 31 - 1,5

1 - نگهبانان دوزخ ، از فرشتگان اند .

علیها تسعه عشر . و ما جعلنا أصحاب النار إلا ملئکة

5 - عذاب کردن دوزخیان ، تنها وظیفه فرشتگان گماشته شده بر دوزخ

علیها تسعه عشر . . . و ما جعلنا عدّتهم إلا فتنة للذین کفروا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که «عدّه» به معنای جماعت (قاموس المحيط) و «فتنه» به معنای عذاب باشد؛ یعنی، «و ما جعلنا جماعتهم إلا عذاباً للذین کفروا».

319- ملائکه حاملان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 23 - 13

13 - « [عن رسول الله فی قوله تعالى « و جیء یومئذ بجهنم » انّه] قال : یجىء بها سبعون ألف ملك یقودونها بسبعین ألف زمام ;

[از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) درباره قول خدای تعالی «و جیء یومئذ بجهنم» روایت شده که [فرمود: هفتاد هزار فرشته، جهنم را با هفتاد هزار بند می کشند و می آورند].».

320- ملائکه حسابگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 113 - 3

3 - دوزخیان تعیین دقیق مدت درنگ در دنیا را ، به فرشتگان حسابگر ارجاع خواهند داد .

قالوا لبثنا . . فسئل العادین

321- ملائکه حسابگر در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 113 - 6

6- وجود فرشتگان حسابگر برای شمارش مدت زندگی انسان در دنیا و یا در عالم برزخ

فصل العادین

ص: 403

322- ملائکه حسابگر در عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 113 - 6

6 - وجود فرشتگان حسابگر برای شمارش مدت زندگی انسان در دنیا و یا در عالم برزخ

فَسئل العادّین

323- ملائکه در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 17 - 7

7 - امور جهان آخرت ، به تدبیر و کارگزاری فرشتگان انجام می پذیرد .

و الملك علی أرجائها و یحمل عرش ربّک فوقهم یومئذ ثمّ نیه

324- ملائکه در آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 17 - 1

1 - فرشتگان هنگام برپا شدن قیامت ، در اطراف آسمان استقرار خواهند یافت .

و الملك علی أرجائها

«أرجاء» به معنای نواحی و اطراف است.

325- ملائکه در آسمان اول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 8 - 8

8 - گفت و شنود فرشتگان والامقام ، در نزدیک ترین آسمان ها درباره اهل زمین و امور غیبی

لایسّمعون إلى الملائّ الأعلى

326- ملائکه در بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 125 - 7،14

7_ نزول پنجهزار فرشته امدادگر ، مژده ای به مؤمنان پیکارگر صابر و تقوایبشه در جنگ بدر

ان تصبروا و تتقوا . . . یمددکم ربکم بخسمه الاف من الملائکه

14_ علامت فرشتگان یاری دهنده در جنگ بدر عمامه های آنان بود .

یمددکم ربکم بخسمه الاف من الملائکه مسومین

امام رضا(ع) درباره «مسومین» در آیه فوق فرمود: العمام . . .

کافی، ج 6، ص 460، ح 2؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 313، ح 1 و 4.

327- ملائکه در سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 1

1_ فرشتگان پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطًا

328- ملائکه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 9 - 7

7 - نزول ملائکه امداد در غزوه احزاب ، به منظور کمک به مسلمانان

و جنودًا لم تروها

احتمال قوی این است که سپاهی که قابل رؤیت نبود همان ملائکه باشد.

329- ملائکه در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 124 - 3

3_ خداوند ، سه هزار فرشته را برای یاری رزمندگان بدر فرستاد .

الن یکفیکم ان یمدکم ربکم بثلثة الاف من الملائکه منزلین

ص: 405

«اذ تقول . . .» یعنی یادآور زمانی را که به مؤمنین وعده امداد الهی را می دادی؛ اگر این وعده تحقق پیدا نکرده بود یادآوری آن لغو بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 9 - 8، 2،

2_ مجاهدان بدر پیش از نبرد با نیایش به درگاه خدا از وی استمداد کردند .

إذ تستغيثون ربكم

«غوث» به معنای یاری کردن است و استغاثه طلب یاری و امداد است.

8_ حضور هزار فرشته در جنگ بدر ، که هر یک فرشته و یا فرشتگانی به دنبال خویش داشتند .

بألف من الملكة مردفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 10 - 1

1_ نقش ملائکه در جنگ بدر ، تنها بشارت به پیروزی و اطمینان دادن به مؤمنان بود ، و نه اقدامی عملی در قتل مشرکان .

و ما جعله الله إلا بشرى و لتطمئن به قلوبكم

ضمیر در «جعله» و «به» به امداد که از «أنى ممدكم» استفاده می شود، بر می گردد و کلمه «بشرى» مفعولٌ له برای «جعل» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 12 - 3، 5، 8، 1، 2،

1_ خداوند با وحی به فرشتگان حاضر در کارزار بدر ، آنان را از پشتیبانی خویش در ثبات بخشیدن به مجاهدان آگاه ساخت .

إذ يوحى ربك إلى الملكة أنى معكم فثبتوا الذين

2_ ایجاد پایداری در مجاهدان ، فرمان خداوند به فرشتگان گسیل شده به جنگ بدر

إذ يوحى ربك إلى الملكة أنى معكم فثبتوا الذين

3_ تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) شاهد وحی الهی به فرشتگان مبتنی بر مأموریت آنان برای پشتیبانی مجاهدان بدر بود .

إذ يوحى ربك إلى الملكة

چنانچه «إذ»، متعلق به «اذکر» باشد با توجه به اینکه مخاطب در آیه مورد بحث، به خلاف آیات گذشته، شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

5_ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقي في قلوب الذين كفروا الرعب

8_ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سر های کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم كل بنان

«ال» در «الأعناق» جانشین مضاف إليه (الكافرين) است و مراد از «فوق الأعناق» سرهای کافران است. بنابراین جمله «فاضربوا ...» یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

ص: 406

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 1

1 - فرشتگان به روز قیامت ، در اطراف عرش به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او خواهند پرداخت .

و ترى الملئکه حافین من حول العرش یسبحون بحمد ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 17 - 2،4 - 1

1 - فرشتگان هنگام برپا شدن قیامت ، در اطراف آسمان استقرار خواهند یافت .

و الملك على أرجائها

«أرجاء» به معنای نواحی و اطراف است.

2 - هشت فرشته در روز قیامت ، عرش الهی را حمل خواهند کرد .

و یحمل عرش ربك فوقهم یومئذ ثم ینیه

در این که مقصود از «ثمانیه» هشت تن از فرشتگان است یا هشت گروه از آنان، میان مفسران اختلاف هست. برای انتخاب و تعیین هر یک از آنها، دلیل روشن و قاطعی وجود ندارد.

4 - فرشتگان هشتگانه ، حاملان تخت داوری خداوند در قیامت

و الملك على أرجائها و یحمل عرش ربك فوقهم

در صورتی که مقصود از «عرش» در این آیه، تخت قضاوت و داوری باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 4 - 2،1

1 - عروج و صعود ملائکه و جبرئیل به سوی خدا (به صعودگاه ها و جایگاه های بلند مرتبه) در قیامت برای دریافت فرامین الهی و اجرای آن

تعرج الممل_نکه و الروح إليه

مقصود از «روح» روح الامین و جبرئیل است. ضمیر در «إليه» به «الله» بازمی‌گردد؛ به این اعتبار که خداوند که صاحب معارج است. بر این اساس مقصود آیه شریفه، این حقیقت است که فرشتگان برای دریافت فرمان‌های الهی، به صعودگاه و جایگاه دریافت آنها عروج می‌کنند و چون خداوند صاحب این جایگاه‌ها و صعودگاه‌ها است، فرشتگان در حقیقت به سوی او عروج خواهند کرد.

2 - فرشتگان و جبرئیل، کارگزاران الهی در عرصه قیامت

تعرج الممل_نکه و الروح إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 38 - 4، 1

ص: 407

1 - روح و فرشتگان الهی در قیامت ، ایستاده و صف بسته در آماده باش کامل قرار می گیرند .

یوم یقوم الروح و الملئکه صفاً

«صفاً» مصدر است و چون حال قرار گرفته، به معنای «صاقین» است. ایستادن و صف بستن، کنایه از مهیا بودن برای انجام فرمان های الهی است.

4 - روح و ملائکه در قیامت از گفتن هر سخنی ، جز با رخصت داشتن از خداوند ناتوان اند .

لا یتکلمون إلا من أذن له الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 22 - 8

8 - فرشتگان در قیامت ، به فرمان خداوند و با نظارت کامل او ، انجام وظیفه می کنند .

و جاء ربک و الملک

آمدن خداوند، کنایه از حضور کامل او است و عطف «ملک» بر «ربک»، بیانگر آن است که حضور فرشتگان، مستقل از حضور خداوند نیست؛ بلکه در راستای آن و بخشی از یک برنامه منسجم است.

331- ملائکه روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 4 - 5

5 - « عن الصادق (ع) فی قول الله عزوجلّ : « فالمقسّمات أمراً » قال : الملائکه تقسّم أرزاق بنی آدم ;

از امام صادق (ع) درباره «فالمقسّمات أمراً» روایت شده که فرمود: ملائکه روزی انسان ها را تقسیم می کنند».

332- ملائکه عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 5

5 - مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ یتوفی الذین کفروا الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای «الذین کفروا»، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 16

16_ «عن أبي عبد الله (ع) قال: إن الله تعالى بعث أربعة أملاك في إهلاك قوم لوط: جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و كزوبيل (ع

ص: 408

(فمروا بآبراهیم (ع) . . . و کان صاحب أضياف فشوی لهم عجباً سميناً حتی أنضجه ثم قرّبه إليهم . . .)

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: خدای تعالی برای هلاک کردن قوم لوط چهار فرشته فرستاد: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و کزوبیل. پس بر ابراهیم گذر کردند و ابراهیم مهمانپذیر و مهمان دوست بود. از این رو گوساله فربه‌ی برایشان بر آتش نهاد تا آن را پخت و نزد آنان آورد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 70 - 11

11_ از میان بردن قوم لوط ، مأموریت فرشتگان حاضر در پیشگاه ابراهیم (ع)

إنا أرسلنا إلى قوم لوط

از آیه 76 و نیز آیات مربوط به داستان لوط (ع) معلوم می شود هدف از فرستادن فرشتگان به سوی قوم لوط، به هلاکت رساندن آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 74 - 3

3_ ابراهیم (ع) ، پس از پی بردن به هدف فرشتگان (نابودسازی قوم لوط) ، با آنان به چون و چرا و جر و بحث پرداخت .

يجد لنا في قوم لوط

جمله «قد جاء امر ربك» در آیه 76 می تواند قرینه ای بر این باشد که مراد از «يجادلنا»، «يجادل رسلنا» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 9

9_ « عن أبي عبدالله (ع) قال : إن الله تعالى بعث اربعة أملاك في إهلاك قوم لوط . . . فأتوا لوطاً وهو في زراعه له قرب المدینه . . . »

از امام صادق (ع) روایت شده است: خداوند متعال چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . . . پس نزد لوط رفتند در حالی که او در کشتزار خود در نزدیکی شهر بود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 82 - 4

4_ خداوند ، به دست فرشتگان مهمان لوط ، دیار قوم لوط را تخریب کرد و آنان را هلاک ساخت .

إنا أرسلنا إلى قوم لوط .. إنا رسل ربك ... فلما جاء أمرنا جعلنا عـليها سافلها

از اینکه خداوند، فرشتگان را برای تخریب دیار قوم لوط می فرستد (إنا أرسلنا إلى قوم لوط) و در عین حال تخریب آن دیار و نزول عذاب را به خودش نسبت می دهد (جعلنا عالیها سافلها) چنین استفاده می شود که: فرشتگان به منزله وسیله ای برای نزول عذاب بوده و کار آنها جلوه ای از فعل خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 57 - 2

ص: 409

2- بشارت به فرزنددار شدن ابراهیم (ع) کار فرعی و عذاب قوم لوط مأموریت اصلی و مهم فرشتگان بود .

إنا نبشرك بغلام... قال فما خطبكم أيها المرسلون

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) پس از شناخت فرشتگان و دریافت بشارت فرزنددار شدن از مأموریت اصلی و مهم آنان سؤال کرد (فما خطبکم...) و این مأموریت طبق آیه بعد عذاب قوم لوط بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 58 - 1

1- در پی جويا شدن ابراهیم (ع) از مأموریت اصلی مأموران الهی (فرشتگان) آنان هلاکت قوم تبهکار (قوم لوط) را مأموریت اصلی خویش معرفی کردند .

قال فما خطبكم أيها المرسلون . قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 61 - 1

1- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و تبئهم عن ضيف إبراهيم... فما خطبكم أيها المرسلون... فلما جاء آل لوط المرسلون

الف و لام در «المرسلون» برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم أيها المرسلون، آیه 57) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه 68 نیز مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 63 - 9, 6, 2, 1

1- قطعی شدن نزول عذاب الهی (استیصال) و فرا رسیدن موعد آن بر قوم لوط ، توسط فرشتگان به حضرت لوط (ع) ابلاغ گردید .

قالوا بل جئنك بما كانوا فيه يمترون

2- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان ، خود را مأموران الهی معرفی کردند .

قال إنكم قوم منكرون . قالوا بل جئنك بما كانوا

6- فرشتگان ، مجریان عذاب الہی بر قوم لوط بودند .

قالوا بل جنن ک بما کانوا فیہ یمتروں

9- « قال أبو جعفر (ع) [فی قوله : « قالوا بل جنناک بما کانوا فیہ یمتروں »] : « قالوا بل جنناک بما کانوا فیہ » قومک من عذاب اللہ » یمتروں « . . . » ؛

از امام باقر (ع) روایت شدہ است کہ فرمود: [فرستادگان خدا] گفتند: [ما قوم ناشناس نیستیم] ؛ بلکہ نزد تو آمدیم تا عذاب الہی را _ کہ قوم تو در آن تردید می کردند _ بیاوریم . . . » .

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

9 - حجر - 15 - 64 - 2، 1

ص: 410

1- تأکید فرشتگان در محضر حضرت لوط (ع) مبنی بر تحقق قطعی نزول عذاب (استیصال) بر قوم لوط

وَأْتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصِدْقُونَ

مقصود از «بالحق» خبر حق و راست است و مراد از این خبر حق، عذاب الهی بود.

2- فرشتگان وارد شده بر حضرت لوط (ع)، حامل پیام حق و دستوری تحقق یافتنی بودند.

وَأْتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصِدْقُونَ

مراد از «بالحق» به قرینه ذیل آیه که تأکید بر راستگویی است می تواند خبر و پیام حق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 1

1- فرشتگان، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب، جهت نجات از عذاب الهی شدند.

فَأَسْرَبْنَا بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 31 - 3، 4، 5، 7

3 - دعای لوط (ع) برای یاری اش، از سوی خدا اجابت شد و فرشتگانی از جانب خداوند، برای در هم کوبیدن قوم لوط، گسیل شدند.

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي... وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشْرِى قَالُوا إِنَّا مَهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ

4 - فرستادگان خداوند برای عذاب قوم لوط، مژده و بشارتی را (تولد اسحاق (ع))، نیز به ابراهیم (ع) دادند.

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشْرِى

این آیه، با آیات پنجاه و یک تا شصت و دو سوره حجر یک سیاق دارند، که در آن آیات به ابراهیم (ع) بشارت فرزنددار شدن داده شده است. آن آیات، قرینه است که «البشری» در این آیه نیز همان بشارت را همراه دارد.

5 - فرشتگان عذاب، فرشته خبر خوش و بشارت نیز هستند.

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشْرِى قَالُوا إِنَّا مَهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ

7 - فرستادگان خدا، برای هلاکت قوم لوط خود، مباشر در آن بودند.

وَلَمَّا جَاءَتْ رَسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ . . . قَالُوا إِنَّا مَهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 32 - 5، 1

1 - حضرت ابراهیم (ع) از عذاب قوم لوط، با وجود لوط (ع) در میان آنان، نگران بود.

وَلَمَّا جَاءَتْ رَسُلَنَا . . . قَالُوا إِنَّا مَهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ... قَالَ إِنَّ فِيهَا لَوْطًا

2 - حضرت ابراهیم (ع) با ملائکه درباره عذاب قوم لوط، با وجود حضرت لوط (ع) در میان آنان به گفت و گو پرداخت.

قَالُوا إِنَّا مَهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ . . . قَالَ إِنَّ فِيهَا لَوْطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهِ

5 - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و اهل اش را، حتماً از عذاب نجات خواهند داد.

قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهٗ وَأَهْلَهٗ

ص: 411

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 12، 14، 1

1 - ملائکه عذاب قوم لوط ، پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا ابرهيم . . . و لما ان جاءت رسلنا لوطا

12 - فرشتگان مأمور به عذاب قوم لوط ، مأموریت شان را به اطلاع لوط (ع) رساندند .

قالوا . . . انا منجوك واهلك الا امراتك

14 - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش ، به جز همسرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

انا منجوك واهلك الا امراتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 34 - 1

1 - اعلام فرشتگان به لوط (ع) مبنی بر فرود آوردن عذابی از آسمان ، بر قوم لوط

انا منزلون على اهل هـ ذه القرية رجزا من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 35 - 1

1 - مأموران عذاب قوم لوط ، شهر آن قوم را ، با عذابی آسمانی ، درهم کوبیدند .

انا منزلون على اهل هـ ذه القرية رجزا من السماء . . . و لقد تركنا منها ايه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 28 - 3

3 - نابود کردن جوامع محکوم به فنا ، امری آسان برای خدا و او بی نیاز از لشکر آسمانی است .

جند من السماء و ما كنا منزلين

تأکید خداوند بر نفرستادن هیچ لشکر آسمانی و نیز عذاب و نابود کردن انسان های محکوم به فنا تنها با یک صیحه _ که در آیه بعد آمده

است _ می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 32 - 2

2 - حضور فرشتگان به محضر ابراهیم (ع) ، قبل از ایفای مأموریت خود در نابودی قوم لوط

قال فما خطبکم أیها المرسلون . قالوا إنا أرسلنا إلی قوم مجرمین

مفسران این مأموریت را _ به قرینه «لترسل» _ بعد از حضور یافتن ملائکه در منزل ابراهیم(ع) دانسته اند. البته آیات مربوط به قوم لوط در سوره هود مؤید همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 412

1 - مأموریت فرشتگان، فرو ریختن سنگپاره ها بر سر قوم جرم پیشه لوط

لنرسل علیهم حجاره

333- ملائکه عذاب در سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 33 - 1

1 - ملائکه عذاب قوم لوط، پس از گفتگو با ابراهیم (ع)، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط (ع) وارد شدند.

و لَمَّا جَاءت رَسَلْنَا إِبْرَاهِيمَ . . . و لَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوطًا

334- ملائکه عذاب و گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 41 - 6

6 - ظهور علامت های جرم در چهره مجرمان، زمینه شناسایی آنان از سوی مأموران عذاب

يعرف المجرمون . . . فيؤخذ بالنوصى و الأقدام

335- ملائکه عذاب و لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 23

23_ « عن أبي عبدالله (ع) قال : إن الله تعالى بعث أربعه أملاك في إهلاك قوم لوط . . . فأتوا لوطاً . . . فسلموا عليه . . . فقال لهم : المنزل ؟ فقالوا : نعم . . . ثم مشى فلما بلغ باب المدينة . . . دخل و دخلوا معه حتى دخل منزله فلما رأتهم إمرأته . . . صعدت فوق السطح و صفتت فلم يسمعوا فدخنت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلى الباب يهرعون . . . »

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . . . آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند . . . لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند؛ سپس رفت تا به دروازه شهر رسید . . . او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید . . . بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشیندند. پس دود به پا کرد؛ همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 1 - 6 - 79

1 - گروهی از فرشتگان ، عهده دار قبض روح انسان هایند .

و النزعَاتِ غرقاً

«نزع» به معنای کندن و نیز بیرون کشیدن است. مصداق مورد نظر از «النازعات» به قرینه «فالمدبرَاتِ أمراً» _ در آیات بعد _ فرشتگانی هستند که مأمور نزع و قبض روح زندگان اند. آیاتی که میراندن انسان ها را به ملائکه نسبت داده است، این ذهنیت را ایجاد می کند که مراد از «نزع» در این آیه، «نزع روح انسان ها» است.

6 - « فی المجمع بعد قوله تعالی « و النازعات غرقاً » قال : اختلف فی معناها علی وجوه أحدها : انه یعنی الملائکه الذین ینزعون أرواح الکفار عن أبدانهم بالشده . . . روی ذلک عن علیّ (ع) وقیل هو الموت ینزع النفوس . . . و روی ذلک عن الصادق (ع) ;

در مجمع البیان بعد از نقل قول خدای تعالی «والنازعات غرقاً» گفته است: در معنای «النازعات غرقاً» اختلاف به وجود آمده و جوهری بیان شده است؛ یکی از آنها این است که مقصود فرشتگانی اند که ارواح کافران را از بدن هاشان بیرون می کشند . . این معنا از امام علی(ع) روایت شده است. [و نیز] گفته شده مقصود مرگ است که جان ها را بیرون می کشد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 2 - 6 - 79

6 - [فی المجمع] فی قوله تعالی « و الناشطات نشطاً » إنّها الملائکه تنشط أرواح الکفار بین الجلد و الأظفار حتّی تخرجها من أجوافهم بالكرب و الغمّ عن علی (علیه السلام) ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی «الناشطات نشطاً» از امام علی(ع) نقل شده است: «ناشطات» فرشتگانی اند که جان های کافران را (از سایر اعضا) در میان پوست و ناخن هایشان جمع می کنند تا همراه با سختی و غصّه از درون شان بیرون آوردند.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 3 - 9 - 79

3 - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات .. قلوب یومئذ واجفه . أبصـرها خـشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

337- ملائکه مبشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 17، 8، 7، 4، 3، 1

1_ خداوند، فرشتگانی چند برای بشارت دادن به حضرت ابراهیم (ع) به سوی او گسیل داشت .

ص: 414

و لقد جاءت رسلنا إبراهيم بالبشرى

آیه 70 و نظایر آن، حاکی است که فرستادگان الهی فرشته بودند و بشارت مورد نظر به قرینه آیه 71، بشارت میلاد اسحاق و یعقوب بوده است.

3_ فرشتگان پیام آور بشارت، به هنگام حضور در پیشگاه ابراهیم (ع) بر او سلام کردند.

قالوا سلِّمًا

4_ ابراهیم (ع)، سلام فرشتگان را پاسخ گفت و برای تدارک غذا از حضور آنان بیرون رفت.

قال سلِّم فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعَجَلٍ حَنِيذٍ

7_ فرشتگان پیام آور بشارت، به سیمای آدمیان بر ابراهیم (ع) وارد شدند.

قالوا سلِّمًا قَالَ سلِّم فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعَجَلٍ حَنِيذٍ

از اینکه ابراهیم(ع) غذایی که انسانها از آن تناول می کنند برای فرشتگان آورد، معلوم می شود: آن حضرت، فرشتگان را به صورت و سیمای انسان دید و به ماهیت آنان پی نبرد.

8_ ابراهیم (ع)، در فاصله ای کوتاه پس از آمدن فرشتگان بشارت، گوساله ای بریان شده برای آنان آورد.

فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعَجَلٍ حَنِيذٍ

ضمیر در «لبث» به ابراهیم(ع) برمی گردد و «آن جاء» به تقدیر «فی» متعلق به «لبث» است. «عجل» به گوساله نر که بیش از یک ماه نداشته باشد، گفته می شود و «حنیز» به معنای بریان شده است. بنابراین «فَمَا لَبِثَ ...»؛ یعنی، ابراهیم(ع) در آوردن گوساله ای بریان شده درنگی نکرد.

17_ «عن أبي جعفر (ع) قال: ... قدم الله تعالى رسلاً إلى ابراهيم ييشرونه باسحاق... و ذلك قوله: «و لقد جاءت رسلنا ابراهيم بالبشرى»؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند به سوی ابراهیم مأمورانی فرستاد که او را به [تولد] اسحاق مژده دهند و این است سخن خداوند که فرمود: و لقد جاءت...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 70 - 12، 7

7_ فرشتگان مهمان بر ابراهیم (ع)، با معرفی خود و مأموریشان، ترس و دلهره را از ابراهیم (ع) زدودند.

12_ « عن أبي عبد الله (ع) قال : إن الله تعالى بعث أربعه أملاك . . . فمروا بآبراهيم (ع) و هم معتمون فسلموا عليه فلم يعرفهم . . . فشوى لهم عجباً سميناً حتى أنضجه ثم قرّبه إليهم فلما وضعه بين أيديهم رأى أيديهم لا تصل إليه نكرهم وأوجس منهم خيفة فلما رأى ذلك جبرئيل حسر العمامه عن وجهه و عن رأسه فعرفه إبراهيم (ع) فقال أنت هو؟ فقال : نعم . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای تعالی چهار فرشته فرستاد آنان بر ابراهیم گذر کردند در حالی که دارای عمامه بودند [سر و صورت خود را با عمامه پوشانده بودند] پس بر او سلام کردند، او آنان را نشناخت. .. آن گاه برایشان گوساله فربه‌ی بر آتش نهاد تا آن را پخت و نزد آنان آورد و هنگامی که ابراهیم(ع) دید دست فرشتگان به آن گوساله بریان نمی رسد، آنان را نشناخت و در دل احساس ترس نمود، چون جبرئیل چنین دید، عمامه را از سر و صورت خود کنار زد. پس ابراهیم او را شناخت و گفت: تو همانی گفت: آری».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ فرشتگان مهمان بر ابراهیم (ع) ، او را به دارا شدن فرزندی پسر ، بشارت دادند .

و جاءته البشری

«ال» در «البشری» عهد ذکری است و اشاره به بشارتی دارد که آیه 71 (فبشرناها) متضمن آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 53 - 9

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 54 - 4

4- ابراهیم (ع) پس از دریافت خبر فرزندان شدنش از فرشتگان ، خواستار توضیح و اطلاعات بیشتری از آنان شد .

فبم تبشرون

برداشت فوق بر این اساس است که «با» در «فبم» برای ملابست باشد و استفهام در جمله «فبم تبشرون» سؤال از چگونگی تحقق چنین بشارتی (فرزنددار شدن) باشد و نه تردید و سؤال از اصل فرزندان شدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 55 - 1,2

1- تأکید فرشتگان بر تحقق و عینیت یافتن بشارت پسر دار شدن ابراهیم (ع) در دوران پیری

قالوا بشرنك بالحق

مقصود از «بالحق» در آیه فوق یا خبر مطابق با واقع است و یا به معنای این است که بشارت ما حقیقت دار است (مجمع البیان). در هر صورت گویای این نکته است که: آنچه بشارت داده شد، تحقق یافتنی است و به وقوع خواهد پیوست.

2- توصیه فرشتگان به ابراهیم (ع) بر مایوس نشدن از لطف و رحمت خداوند در زندگی

قالوا... فلا تکن من القنطین

«قنوط» به معنای ناامید شدن از خیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 57 - 2

2- بشارت به فرزندان شدن ابراهیم (ع) کار فرعی و عذاب قوم لوط مأموریت اصلی و مهم فرشتگان بود .

إنا نبشرك بغلام.. . قال فما خطبكم أيها المرسلون

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) پس از شناخت فرشتگان و دریافت بشارت فرزندان شدن از مأموریت اصلی و مهم آنان سؤال کرد (فما خطبکم ..) و این مأموریت طبق آیه بعد عذاب قوم لوط بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 31 - 4,5

4 - فرستادگان خداوند برای عذاب قوم لوط ، مژده و بشارتی را (تولد اسحاق (ع)) ، نیز به ابراهیم (ع) دادند .

ص: 416

و لَمَّا جَاءَتْ رَسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشْرَى

این آیه، با آیات پنجاه و یک تا شصت و دو سوره حجر یک سیاق دارند، که در آن آیات به ابراهیم(ع) بشارت فرزنددار شدن داده شده است. آن آیات، قرینه است که «البشری» در این آیه نیز همان بشارت را همراه دارد.

5- فرشتگان عذاب، فرشته خبر خوش و بشارت نیز هستند.

و لَمَّا جَاءَتْ رَسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشْرَى قَالُوا إِنَّا مَهْلُكُوا أَهْلَهُ ذَه الْقَرْيَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 28 - 7

7- بشارت میهمانان ابراهیم(ع)، به آن حضرت در مورد اعطای پسری دانا به ایشان

و بَشْرُوهُ بَغْلًا مِ عَلِيمٍ

338- ملائکه محافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 61 - 7، 4، 3

3_ خداوند فرشتگانی را پیوسته برای حفاظت و مراقبت آدمیان گسیل می دارد.

و یُرْسِلُ عَلَیْكُمْ حَفَظَهُ

فعل مضارع «یرسل» بر تجدید و تکرار ارسال فرشتگان تا زمان مرگ دلالت دارد. «حفظه»، جمع «حافظ»، به معنی نگهبان و مراقب است.

4_ با فرارسیدن زمان مرگ آدمی، گسیل فرشتگان محافظ و مراقب وی پایان می پذیرد.

و یُرْسِلُ عَلَیْكُمْ حَفَظَهُ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ

7_ فرشتگانی غیر از مأموران حفاظت آدمی، وظیفه قبض روح وی را بر عهده دارند.*

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رَسُلَنَا

در صورتی که فرشتگان محافظ همان قابضان روح باشند، مناسبتر آن بود که با ضمیر به آنان اشاره می شد. گزینش «رسلنا» به جای ضمیر قرینه تفاوت ملائکه محافظ با ملائکه قابض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 4

4_ ناتوانی از انجام تکالیف الهی ، پاسخ ماندگاران در سیطره کفر و شرک به فرشتگان مأمور گرفتن جان

قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین

ص: 417

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 61 - 6,7,8,9

6_ با فرارسیدن زمان مرگ هر کس، سفیران خداوند جان آدمیان را می گیرند.

حتى إذا جاء أحدكم الموت توفته رسلنا

7_ فرشتگانی غیر از مأموران حفاظت آدمی، وظیفه قبض روح وی را بر عهده دارند.*

حتى إذا جاء أحدكم الموت توفته رسلنا

در صورتی که فرشتگان محافظ همان قابضان روح باشند، مناسبتر آن بود که با ضمیر به آنان اشاره می شد. گزینش «رسلنا» به جای ضمیر قرینه تفاوت ملائکه حافظ با ملائکه قابض است.

8_ فرشتگانی متعدد وظیفه قبض روح هر یک از آدمیان را به عهده دارند.*

حتى إذا جاء أحدكم الموت توفته رسلنا

«رسل» جمع رسول، و بر بیشتر از دو نفر دلالت دارد. از سوی دیگر مضمون آیه این است که برای هر شخصی که مرگش فرامی رسد، «رسل» حضور پیدا می کنند. بنابراین قابضان روح آدمی بیش از دو نفرند.

9_ هیچ کوتاهی و تأخیری از جانب فرشتگان مأمور قبض روح صورت نمی گیرد.

توفته رسلنا و هم لا یفرطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 14,16,18

14_ گروهی از فرشتگان، کارگزاران خداوند در گرفتن جان آدمیان هستند.

و لو ترى إذ الظالمون فی غمرت الموت و الملائکه باسطوا أیدیهم

16_ ملائکه قابض ارواح دارای دستانی هستند که به هنگام گرفتن جان ظالمان آنها را می گشایند.

إذ الظالمون فی غمرت الموت و الملائکه باسطوا أیدیهم

18_ جان کندن ستمگران، همراه با تمسخر ملائکه قبض روح نسبت به آنان و بیان عجز آنان برای رهایی از مرگ است.

أخرجوا أنفسكم اليوم تجزون عذاب الهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 7

7_ فرشتگانی از جانب خداوند مأمور گرفتن جان آدمیان هستند.

حتی إذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 5

5_ مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای «الذین کفروا»، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

ص: 418

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 28 - 5

5- انسان ها ، به وسیله ملائکه قبض روح می شوند .

تتوفّ هم الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 1

1- قبض روح انسان ها با فرشتگان است .

الذین تتوفّ هم الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 11 - 13، 5، 1

1 - به هنگام مرگ ، روح انسان ، به طور کامل ، به دست فرشته مرگ (عزرائیل) گرفته می شود .

قل يتوفّیکم ملک الموت

5 - برای قبض روح انسان ، فرشته ای ویژه وجود دارد .

ملک الموت الذی وکلّ بکم

مراد از «وکلّ بکم» گمارده شدن برای قبض روح است.

13 - « و سنل الصادق (ع) . . . عن قول الله عزّوجلّ « قل يتوفّاکم ملک الموت الذی وکلّ بکم » . . . وقد تموت فی الساعه الواحده فی

جميع الآفاق ما لا یحصیه إلاّ الله عزّوجلّ فکیف هـذا ؟ فقال : « إنّ الله تبارک و تعالی ، جعل لملک الموت أعواناً من الملائکه یقبضون

الأرواح . . . ویتوفّاهم ملک الموت من الملائکه . . . »

از امام صادق (ع) . . . درباره این سخن خدای عزّوجلّ «قل يتوفّاکم ملک الموت الذی وکلّ بکم» پرسش شد . . . در آن واحد در اطراف عالم

تعداد زیادی که فقط خدا عدد آنها را می داند می میرند، این چگونه [ممکن] است؟ حضرت فرمود: «خداوند تبارک و تعالی برای ملک

الموت دستیارانی را از ملائکه قرار داده که قبض ارواح می کنند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - تنها خداوند جان ستان حقیقی انسان ها است و عوامل دیگر (چون عزرائیل) واسطه و مأمور او هستند .

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا

تقدم اسم جلاله (اللّٰه) بر خبر فعلی مقید، تخصیص مضمون خبر است. بنابراین اختصاص جان ستاندن به خداوند _ در حالی که در آیات دیگر این عمل به فرشته مخصوص (ملک الموت) نسبت داده شده _ گویای حقیقت بالا است.

19- « سئل الصادق (ع) عن قول الله عزّوجلّ « اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا » . . . فقال إنّ الله تبارك و تعالی جعل لملك الموت أعوناً من الملائكة يقبضون الأرواح . . . فتتوفاهم الملائكة و يتوفاهم ملك الموت من الملائكة مع ما يقبض هو و يتوفاه الله عزّوجلّ من ملك الموت ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ: «اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» سؤال شد، حضرت فرمود: خداوند _ تبارک و تعالی

ص: 419

_ برای ملک الموت دستیارانی از ملائکه قرار داده که ارواح را قبض می کنند. .. پس آنها را ملائکه دریافت می کنند و ملک الموت ارواح را از ملائکه دریافت می کند و به همراه ارواحی که خودش قبض نموده، ضمیمه می نماید و خداوند از ملک الموت تمامی ارواح را دریافت می کند».

340- ملائکه مقرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 172 - 11

11_ علم و ایمان حضرت عیسی (ع) و فرشتگان مقرب الهی به قیامت و محسور شدن به پیشگاه خداوند، مانع استکبار آنان از بندگی خدا

لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً لله و لا الملائکه . . . فسیحشرهم إلیه جمعاً

جمله «و من . . .» جمله حالیه و بیان علت از جمله سابق است. یعنی امکان ندارد مسیح و فرشتگان از عبادت خدا امتناع کنند؛ چون حشر انسان و ملائکه به سوی خدا حتمی است و مسیح و فرشتگان از آن آگاهند.

341- ملائکه موکل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 18

18_ قال رسول الله(صلی الله علیه و آله): مع کل انسان ملک إذا نام يأخذ نفسه، فإن إذن الله فی قبض روحه قبضه و إلا رد إلیه فذلک قوله: «یتوفاکم باللیل».

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: همراه هر انسانی فرشته ای است که هنگام خواب، روح او را می گیرد؛ پس اگر خداوند اذن در قبض روح آن شخص بدهد، او را قبض روح می کند و گر نه به او برمی گرداند و این است، معنای سخن خداوند: «یتوفاکم باللیل».

342- ملائکه و آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 80 - 5

5_ فرشتگان و انبیاء و هر آنچه غیر خداست، هیچ نقش مستقلی در ربوبیت عالم ندارد.

و لا یأمرکم . . . ارباباً ایأمرکم بالکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 17، 7، 13

1_ خداوند، فرشتگانی چند برای بشارت دادن به حضرت ابراهیم (ع) به سوی او گسیل داشت.

و لقد جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری

آیه 70 و نظایر آن، حاکی است که فرستادگان الهی فرشته بودند و بشارت مورد نظر به قرینه آیه 71، بشارت میلاد اسحاق و یعقوب بوده است.

3_ فرشتگان پیام آور بشارت، به هنگام حضور در پیشگاه ابراهیم (ع) بر او سلام کردند.

قالوا سلِّمًا

7_ فرشتگان پیام آور بشارت، به سیمای آدمیان بر ابراهیم (ع) وارد شدند.

قالوا سلِّمًا قال سلِّم فما لبث أن جاء بعجل حنید

از اینکه ابراهیم (ع) غذایی که انسانها از آن تناول می کنند برای فرشتگان آورد، معلوم می شود: آن حضرت، فرشتگان را به صورت و سیمای انسان دید و به ماهیت آنان پی نبرد.

17_ « عن أبي جعفر (ع) قال: . . . قدم الله تعالى رسلاً إلى ابراهیم ییشرونه باسحاق . . . و ذلك قوله: « و لقد جاءت رسلنا ابراهیم بالبشری »؛

از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: خداوند به سوی ابراهیم مأمورانی فرستاد که او را به [تولد] اسحاق مژده دهند و این است سخن خداوند که فرمود: و لقد جاءت . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 70 - 7

7_ فرشتگان مهمان بر ابراهیم (ع)، با معرفی خود و مأموریتشان، ترس و دلهره را از ابراهیم (ع) زدودند.

قالوا لا تخف إنا أرسلنا إلى قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ فرشتگان مهمان بر ابراهیم (ع) ، او را به دارا شدن فرزندى پسر ، بشارت دادند .

و جاءته البشری

«ال» در «البشرى» عهد ذکرى است و اشاره به بشارتى دارد که آیه 71 (فبشرناها) متضمن آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ فرشتگان از ابراهیم (ع) خواستند تا از شفاعت درباره قوم لوط صرف نظر کند و بر آن اصرار نرزد .

ی_ ابرهیم أعرض عن ه_ذا

«ه_ذا» اشاره به «جدالى» است که از «يجادلنا» در آیه قبل استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 1

1_ فرشتگان پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 53 - 1

1- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به او دلداری داده و از وی خواستند که از حضورشان مضطرب و هراسناک نشود .

قالوا لا توجل إنا نبشرك بغلْمِ عَلِيمِ

344- ملائکه و ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 16

16_ عن أبي عبد الله(ع): إن الملائكة كانوا يحسبون أن إبليس منهم و كان في علم الله أنه ليس منهم فاستخرج الله ما في نفسه بالحمية فقال: «خلقته من نار و خلقته من طين».

از امام صادق(ع) روایت شده است: فرشتگان گمان می کردند ابلیس از آنهاست، ولی خداوند می دانست که او جزء ایشان نیست و خود برترینی درونی او را (به وسیله امر به سجده) آشکار نمود . . .

345- ملائکه و الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 29 - 1

1- اگر فرشتگان ادعای الوهیت کنند ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یقل منهم إتی إلَه من دونه فذلک نجزیه جهنم

346- ملائکه و انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ فرشتگان ، از رسولان الهی و از وسایط ارتباط خدا با پیامبران خویش

و لقد جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری

ص: 422

347- ملائکه و انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 6

6 - فرشتگان دارای ارتباطی تنگاتنگ با انسان ها و اعمال ایشان

أولئك عليهم لعنة الله والملائكة

348- ملائکه و اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 80 - 3

3 - اعتقاد برخی از اهل کتاب ، به ربوبیت فرشتگان و انبیا

و لا یامرکم ان تتخذوا الملائکه و النبیین ارباباً

آیه، ناظر به اعتقاد برخی از اهل کتاب است.

349- ملائکه و پاسداری از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 17

17 - قرآن کریم در حصار حفاظت و مراقبت فرشتگان الهی

إذا لهم مکر فیءایاتنا قل الله أسرع مکرأ إن رسلنا یکتبون ما تمکرون

به قرینه مقام می توان گفت که: خداوند برای جاودان ماندن قرآن و مصونیت آن از هر گونه اقدامهای شیطانیِ انسانهای کفرپیشه و ضد دین، فرشتگانی را مأمور حفاظت و مراقبت از آن کرده است و مراد از «رسل» در «إن رسلنا یکتبون ما تمکرون» همین دسته از فرشتگان می باشد.

350- ملائکه و تکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 13 - 7

7_ منزلت فرشتگان، منزلت انقیاد و تسلیم در برابر خدا، به دور از هرگونه تکبر و عصیان در برابر او

فما یكون لک أن تتکبر فیها

ص: 423

351- ملائکه و توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 18 - 5

5_ عدل الهی در نظام تکوین و تشریح ، مورد مشاهده فرشتگان و دانشمندان *

شهد الله . . . و الملائکه و اولوا العلم قائماً بالقسط

«قائماً بالقسط» می تواند متعلق شهادت باشد یعنی: عالمان و ملائکه علاوه بر شهادت به یگانگی خداوند، شهادت به عدالت او نیز می دهند، گفتنی است تعمیم قسط به نظام تشریح از آیه بعد استفاده شده است.

352- ملائکه و حالات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 70 - 10

10_ فرشتگان ، توانا بر سخن گفتن با آدمیان و درک سخنان و حالات ایشان

قالوا سلّ ما . . . قالوا لا تخف

353- ملائکه و خانواده لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 15

15_ فرشتگان ، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان ، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

و لایلتفت منکم أحد

354- ملائکه و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 27 - 7

7- عصمت ملائکه از خطا و نافرمانی

لايسبقونه بالقول و هم بأمره يعملون

تسليم و منقاد بودن فرشتگان در برابر خداوند و نيز تنها به فرمان خدا عمل کردن، حاکی از عصمت آنان است.

ص: 424

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 15، 8، 6

6 - خلافت انسان در زمین دارای نوعی ارتباط با فرشتگان

و إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة

از آن جایی که مسأله خلقت و خلافت انسان در زمین با فرشتگان در میان گذاشته شد، معلوم می شود وجود انسان در روی زمین ارتباط تنگاتنگی با فرشتگان دارد.

8_ فرشتگان با پیش بینی فسادگری انسان ، او را شایسته خلافت نمی دیدند .

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها ويسفك الدماء

15_ فرشتگان با توجه به حضورشان در هستی و لیاقتشان برای خلافت ، فلسفه ای برای خلقت و خلافت انسان نمی دیدند .

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها .. ونحن نسيح بحمدك

جمله حالیه «و نحن نسيح ..» گویای این مطلب است که: فرشتگان علاوه بر اینکه انسان را به خاطر فسادگری اش شایسته خلافت نمی دانستند، وجود خویش را برای احراز این مقام لایق دانسته و زمین را از خلافت انسان بی نیاز می شمردند.

20_ نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فيها من يفسد فيها .. قال إني أعلم ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 10

10_ اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او برای خلافت

إني أنت العليم الحكيم

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت - اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 15,20

15_ فرشتگان با توجه به حضورشان در هستی و لیاقتشان برای خلافت ، فلسفه ای برای خلقت و خلافت انسان نمی دیدند .

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها . . . و نحن نسبح بحمدك

جمله حالیه «و نحن نسبح . . .» گویای این مطلب است که: فرشتگان علاوه بر اینکه انسان را به خاطر فسادگری اش شایسته

ص: 425

خلافت نمی دانستند، وجود خویش را برای احراز این مقام لایق دانسته و زمین را از خلافت انسان بی نیاز می شمردند.

20_ نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا .. قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 10

10_ اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او برای خلافت

إِنك أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت - اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

357- ملائکه و ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 73 - 3, 1

1_ فرشتگان ، به همسر ابراهیم گوشزد کردند که فرزندان شدنش ، خواسته خداوند است .

ءَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ .. قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ

«أمر الله»؛ یعنی، کاری که خداوند به تحقق آن فرمان داده است و مراد از آن، فرزندان شدن ساره و ابراهیم(ع) در سن پیری است.

3_ فرشتگان ، همسر ابراهیم را از اینکه در تحقق خواست خداوند تردید کند و از آن شگفت زده باشد ، نهی کردند .

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ

358- ملائکه و طعام ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 70 - 1

1_ فرشتگان وارد بر ابراهیم (ع) ، دست به غذا نبردند و از آن تناول نکردند .

فلما رأ أیدیهم لاتصل إلیه

«لاتصل إلیه» (دستشان به سوی گوساله بریان شده نمی رسید) کنایه از آن است که از غذا تناول نمی کردند.

ص: 426

359- ملائکه و عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 29 - 2

2- ملائکه، در صورت گناه و لغزش، از عذاب الهی در امان نخواهند بود.

و من یقل منهم ائی الـه من دونه فذلک نجزیه جهنم

360- ملائکه و عذاب قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 3

3_ فرشتگان، فرارسیدن زمان عذاب و کیفر قوم لوط را به حضرت لوط (ع) ابلاغ کردند.

إنارسل ربک لن یصلوا الیک فأسر.. ألیس الصبح بقرب

361- ملائکه و عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 13 - 7

7_ منزلت فرشتگان، منزلت انقیاد و تسلیم در برابر خدا، به دور از هرگونه تکبر و عصیان در برابر او

فما یکون لک أن تتکبر فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 49 - 7

7- همه فرشتگان، مطیع و منقاد خداوند بوده و در برابر اوامر او تمرد نمی کنند.

و لله یسجد... و الملئکه و هم لایستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 27 - 7

7- عصمت ملائکه از خطا و نافرمانی

لا یسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون

تسلیم و منقاد بودن فرشتگان در برابر خداوند و نیز تنها به فرمان خدا عمل کردن، حاکی از عصمت آنان است.

ص: 427

362- ملائکه و عمل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 6

6 - فرشتگان دارای ارتباطی تنگاتنگ با انسان ها و اعمال ایشان

أولئك عليهم لعنة الله والملائكة

363- ملائکه و غذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 70 - 6

6_ فرشتگان ، از غذا های مادی تناول نمی کنند .

فلما رءأ أیدیبهم لاتصل إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 28 - 6

6 - ملائکه ، بی نیاز از خوردن غذا ، حتی در صورت تجسم به شکل بشر

قال ألا تأکلون . . . قالوا لاتخف

از آیه شریفه استفاده می شود که ملائکه سرانجام از غذای ابراهیم(ع) نخوردند، هر چند شکل بشری یافته بودند.

364- ملائکه و غذای ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 28 - 1,2

1 - میهمانان ابراهیم (ع) ، از خوردن غذا خودداری کردند .

فأوجس منهم خیفه

(فاء) در «فأوجس» فصیحه و نشانگر این است که جمله ای پیش از آن حذف شده است. تقدیر آن چنین می باشد: «فلم يأكلوا فأوجس

منهم خیفه».

2 - خودداری میهمانان از خوردن غذا، مایه بیم و نگرانی حضرت ابراهیم (ع)

قال ألا تأکلون . فأوجس منهم خیفه

«أوجس» معادل دو فعل «أحسّ و أضمر» می باشد و تنوین «خیفه» برای تنويع است؛ یعنی، ابراهیم(ع) در درون خویش از آنان احساس نوعی ترس کرد.

ص: 428

365- ملائکه و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 10

10_ فرشتگان ، از دست یافتن تبه کاران به خانه لوط (ع) جلوگیری کردند .

إنارسل ربك لن يصلوا إليك فأسر بأهلك

366- ملائکه و کتمان حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 11، 13

11 - فرشتگان در جریان خلقت و خلافت آدم (ع) ، امری را در ضمیر خویش پنهان می داشتند و از ابراز آن خودداری می کردند .

و أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتُمون

13 - فرشتگان ، توانا بر اخفای امور خویش بر دیگران فرشتگان

أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتُمون

367- ملائکه و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 29 - 2

2- ملائکه ، در صورت گناه و لغزش ، از عذاب الهی در امان نخواهند بود .

و من یقل منهم إتی الـه من دونه فذلک نجزیه جهنم

368- ملائکه و گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 3

3_ بازخواست گناهکاران ، پس از لحظه مرگ از سوی فرشتگان

انّ الذين توفّاهم الملكة ظالمى انفسهم قالوا فيم كنتم

ص: 429

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 2، 1

1_ فرشتگان پس از گفتگو با ابراهیم (ع)، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند.

و لما جاءت رسلنا لوطاً

2_ فرشتگان، به صورت و شکل انسان ها بر حضرت لوط (ع) وارد شدند.

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 2، 8، 11، 15، 16، 24، 26، 27

2_ فرشتگان میهمان بر لوط (ع)، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند.

قالوا یـ لوط إنا رسل ربک

برداشت فوق، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربک) معرفی کردند، استفاده می شود.

8_ فرشتگان مأمور عذاب، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندی متوجه وی نخواهد شد.

قالوا یـ لوط إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک

11_ فرشتگان، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد.

فأسر بأهلک بقطع من الیل

«اسراء» (مصدر أسر) به معنای کوچ کردن شبانه است و «باء» در «بأهلک» برای تعدیه می باشد و «ال» در «اللیل» عهد حضوری است.

بنابراین معنای جمله «فأسر...» چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

15_ فرشتگان، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز

نگردند.

و لایلتفت منکم أحد

16_ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب، به همراه خویش کوچ ندهد.

فأسر بأهلك بقطع من الليل... إلا امرأتك

برداشت فوق، بر این اساس است که «امرأتک» استثنا از «أهلك» باشد.

24_ فرشتگان، با بیان نزدیک بودن زمان عذاب، از لوط (ع) خواستند تا خروج خویش را به تأخیر نیندازد.

فأسر بأهلك... إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب

جمله «إن موعدهم الصبح...» به منزله تعلیل برای «فأسر بأهلك...» می باشد.

26_ «عن أبي جعفر (ع):... «فلما جاء آل لوط المرسلون... قالوا:... «فأسر بأهلك» یا لوط إذا مضى لك من يومك هـ_ذا سبعة

أيام و لياليها « بقطع من الليل » إذا مضى نصف الليل...» ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: ... هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند... گفتند: ... ای لوط! از این تاریخ پس از

گذشت هفت شبانه روز نیمه شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر...».

27_ «عن أبي جعفر (ع):... إن الله تعالى لما أراد عذابهم (قوم لوط)... بعث إليهم ملائكة... وقالوا للوط: أسر بأهلك من هـ_ذه

القرية الليلة... فلما إنتصف الليل سار لوط ببنااته...» ;

از امام باقر روایت شده است: .. هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط گفتند: امشب خانواده خود را از این آبادی برون ببر ... چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 63 - 2, 1

1- قطعی شدن نزول عذاب الهی (استیصال) و فرا رسیدن موعد آن بر قوم لوط، توسط فرشتگان به حضرت لوط (ع) ابلاغ گردید.

قالوا بل جننك بما كانوا فيه يمترون

2- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان، خود را مأموران الهی معرفی کردند.

قال إنكم قوم منكرون . قالوا بل جننك بما كانوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 64 - 1

1- تأکید فرشتگان در محضر حضرت لوط (ع) مبنی بر تحقق قطعی نزول عذاب (استیصال) بر قوم لوط

و أتینك بالحق و إنا لصلدقون

مقصود از «بالحق» خبر حق و راست است و مراد از این خبر حق، عذاب الهی بود.

370- ملائکه و متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 9

9- متقین، مورد تکریم و بزرگداشت فرشتگان

المتقین . الذین تتوفهم الملئکه طیبین یقولون سلیم علیکم ادخلوا الجنة

371- ملائکه و محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 56 - 4

4 - رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ، شخصیتی شناخته شده و دارای منزلتی والا نزد ملائکه

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

ص: 431

372- ملائکه و مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 89 - 1

1_ مرتدانِ تائب، مورد پذیرش و توجه خداوند، ملائکه و مردم

كفروا بعد ايمانهم... انّ عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس... الاّ الذين تاب

373- ملائکه و مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 6

6_ فرشتگان مرگ انسان های مؤمن و کافر را از یکدیگر تمییز می دهند و به کفر و ایمانشان آگاهند . *

و لو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم و أدبرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 2

374- ملائکه و مرگ و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 6

6_ فرشتگان مرگ انسان های مؤمن و کافر را از یکدیگر تمییز می دهند و به کفر و ایمانشان آگاهند . *

و لو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم و أدبرهم

375- ملائکه و مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 7

7_ توییح و سرزنش مستضعفان سر باز زده از هجرت، از سوی ملائکه به هنگام مرگ

قالوا كُنَّا مستضعفين في الارض قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها

ص: 432

376- ملائکه و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 4

4_ فرشته بودن ، از شرایط احراز مقام نبوت و پیامبری نیست .

و لا أقول إني ملك

377- ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 102 - 3

3- روح القدس (جبرئیل) ، واسطه ابلاغ وحی و نازل کننده قرآن از جانب پروردگار

قل نزله روح القدس من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 3

3- فرشتگان در نزول بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آوردن وحی ، تنها از خداوند اطاعت می کنند .

و ما ننزل إلا بأمر ربك

گرچه در این آیه مطرح نشده است که فرشتگان بر چه کسی فرود می آیند و چه مطالبی را نازل می کنند؛ ولی به قرینه «ربك»، بارزترین مصداق برای گویندگان «ما ننزل..»، مأموران ابلاغ قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 52 - 5

5- روح القدس (جبرئیل) ، واسطه وحی الهی برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بود .

كذلك أوحينا إليك روحاً من أمرنا

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مراد از «روحاً» فرشته وحی (جبرئیل) باشد. در این صورت نصب «روحاً» مبتنی به اعتبار نزع خافض و به تقدیر «أوحينا إليك بروح من أمرنا» است و یا به لحاظ عامل محذوف و به تقدیر «أوحينا إليك بإرسالنا روحاً من أمرنا» می

باشد.

378- مملوکیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 7

7- وجود ملائکه و مراحل مقدماتی پیدایش آنها و کارهایی که از آنان صادر می شود ، همه مملوک خداوند و در احاطه قدرت او

ص: 433

است . *

له ما بین ایدینا و ما خلفنا و ما بین ذلک

گفته شده است: «ما بین ایدینا» (آنچه پیش روی ما است) اشاره به آثار وجودی ملائکه و «ما خلفنا» (آنچه پشت سر نهاده و از آن گذشتیم) اشاره به عناصر اولیه و مقدمات پیدایش آنها و «ما بین ذلک» (آنچه هم اکنون وجود دارد) اشاره به هستی آنان دارد. این توجیه و تفسیر با نوع ملائکه _ که زمان و مکان درباره آنان بی معنا است _ تناسب دارد.

379- منشأ افعال ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 82 - 5

5_ دخل و تصرف فرشتگان در جهان ، به امر خدا و پرتوی از فعل اوست .

إنا أرسلنا إلى قوم لوط ... فلما جاء أمرنا جعلنا عـليها سافلها

380- منشأ بشارت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 30 - 1

1 - اطمینان بخشی فرشتگان به همسر ابراهیم (ع) ، در مورد خدایی بودن پیام و بشارتشان (فرزنددار شدن او)

قالوا كذلك قال ربك

381- منشأ تسبیح ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 16

16 - تسبیح و ستایش مداوم فرشتگان ، ره آورد درک و تلقی آنان از عظمت الهی است .

و هو العلیّ العظیم . . . و الملئکه یسبحون بحمد ربهم

برداشت بالا بر این اساس است که آیه درصدد بیان عظمت خدا باشد.

382- منشأ تفاوت ملائکه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

16 - فصلت - 41 - 38 - 7

ص: 434

7- درجات متفاوت فرشتگان ، به مقدار عبادت آنان برای پروردگار است .

فَالذِّينَ عِنْدَ رَبِّكَ يَسْبَحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

برداشت یاد شده بر این مبنا است که «عند ربّک» اشاره به برخی از فرشتگان داشته باشد که از مقام قرب و حضور برخوردارند.

383- منشأ حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 16

16 - تسبیح و ستایش مداوم فرشتگان ، ره آورد درک و تلقی آنان از عظمت الهی است .

و هو العلیّ العظیم . . . و الملئکه یسبحون بحمد ربهم

برداشت بالا بر این اساس است که آیه درصدد بیان عظمت خدا باشد.

384- منشأ خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 19 - 4

4- آفرینش فرشتگان ، براساس رحمت الهی است .

هم عبَد الرحمن

385- منشأ سخن ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 27 - 3

3- فرشتگان ، هرگز از خود سخنی نگفته و هرچه می گویند از ناحیه خداوند است .

لایسبقونه بالقول

جمله «لایسبقونه بالقول» (در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند) ممکن است کنایه از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- روح و ملائکه در قیامت از گفتن هر سخنی ، جز با رخصت داشتن از خداوند ناتوان اند .

لا يتكلمون إلا من أذن له الرحمن

ص: 435

386- منشأ شفاعت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 4

4- ملائکه، بدون رضایت خداوند هیچ کس را شفاعت نمی کنند.

لا یشفعون إلا لمن ارتضى

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مفعول «ارتضى» شفاعت باشد؛ یعنی، فرشتگان شفاعت نمی کنند، مگر برای کسی که خداوند به شفاعت آنان رضایت دهد.

387- منشأ علم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 4

4 - دانش فرشتگان از جانب خداوند است .

لا علم لنا إلا ما علمتنا

388- منشأ عمل ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 7

7- وجود ملائکه و مراحل مقدماتی پیدایش آنها و کارهایی که از آنان صادر می شود، همه مملوک خداوند و در احاطه قدرت او است .

*

له ما بین ایدینا و ما خلفنا و ما بین ذلک

گفته شده است: «ما بین ایدینا» (آنچه پیش روی ما است) اشاره به آثار وجودی ملائکه و «ما خلفنا» (آنچه پشت سر نهاده و از آن گذشتیم) اشاره به عناصر اولیه و مقدمات پیدایش آنها و «ما بین ذلک» (آنچه هم اکنون وجود دارد) اشاره به هستی آنان دارد. این توجیه و تفسیر با نوع ملائکه _ که زمان و مکان درباره آنان بی معنا است _ تناسب دارد.

389- منشأ نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 2,5

2- نزول فرشتگان ، تنها به امر پروردگار است .

ص: 436

و ما نتنزل إلا بأمر ربك

5- نزول ملائکه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آوردن وحی ، جلوه ای از ربوبیت خداوند بر آن حضرت بود .

و ما نتنزل إلا بأمر ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 10

10 - فرمان های خداوند ، برانگیزاننده ملائکه و روح برای نزول به زمین در شب قدر

تنزل . . . من کلّ أمر

حرف «من» _ که در برداشت یاد شده برای ابتدای غایت دانسته شده است _ بیانگر آن است که سبب را بیان می کند و دلالت دارد نزول ملائکه، برخاسته از فرمان های خداوند است؛ به گونه ای که هر یک از آن فرمان ها، انگیزه ای مستقل برای نزول آنها است. مراد از «أمر» _ که در این برداشت، مفرد «أوامر» گرفته شده است _ فرمانی است که آیه «إنما أمره إذا أراد شيئاً أن يقول له کن فيكون» (یس، آیه 82)، ناظر به آن است.

390- موانع عصیان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 2

2- آگاهی ملائکه از علم مطلق خداوند به تمامی گفتار و رفتار و حالات ، موجب انقیاد آنان و بازدارنده ایشان از هرگونه نافرمانی

لایسبقونه . . . بأمره یعملون . یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

جمله «یعلم ما . . .» می تواند در حکم تعلیل برای آیه قبل (لایسبقونه . . . بأمره یعملون) باشد؛ یعنی، چون فرشتگان آگاه اند که خداوند به تمامی حرکات آنان دانا است، از این رو گوش به فرمان خدا و تسلیم محض او هستند.

391- مولای ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 41 - 5

5 - ملائکه ، بین خود و مشرکان به مولاتی قائل نیستند .

قالوا .. أنت ولينا من دونهم

392- ناخشودی ملانکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 437

1 - جواب روشن ملائکه به خداوند ، درباره عدم رضایت آنان از پرستیده شدن از سوی مشرکان

و یوم یحشرهم . . . ثم یقول للملئکه أهؤلاء إیتاکم... یعبدون . قالوا سیح نک أنت

393- ناظر اخروی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 22 - 8

8 - فرشتگان در قیامت ، به فرمان خداوند و با نظارت کامل او ، انجام وظیفه می کنند .

و جاء ربک و الملک

آمدن خداوند، کنایه از حضور کامل او است و عطف «ملک» بر «ربک»، بیانگر آن است که حضور فرشتگان، مستقل از حضور خداوند نیست؛ بلکه در راستای آن و بخشی از یک برنامه منسجم است.

394- نامگذاری ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 27 - 1

1 - برگزیدن نام های زنانه برای فرشتگان ، نمودی از باور مشرکان ، به دختر بودن فرشتگان برای خداوند

الکم الذکر و له الأُنثی . . . إنّ الذین لایؤمنون... لیسمّون الملئکه تسمیه الأُنثی

از ارتباط بین آیات، استفاده می شود از آن جایی که مشرکان فرشتگان را دختران خدا می انگاشتند، نام های زنانه را برای آنان برمی گزیدند.

395- نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 8، 1

1 - خداوند بر فرض انتخاب فرشتگان برای پیامبری، آنان را به صورت بشر قرار می داد.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

8_ خداوند، فرشتگان را برای آدمیان به پیامبری برنمی‌گزیند.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

حرف «لو» در مواردی به کار می‌رود که شرط، امری ممتنع و غیرعملی باشد.

ص: 438

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 95 - 4

4- در نظر مشرکان تنها ملائکه ، شایسته رسالت و پیامبری بودند .

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً. قل لو كان في الأرض ملئكة ... لنزلنا عليهم من الس

از پاسخ خداوند در قبال اعجاب مشرکان و از گفته آنان (أبعث الله بشراً رسولاً) استفاده می شود که آنان، توقع داشتند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) از جنس ملائکه باشد نه از جنس بشر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 9

9 - تنها فرشتگان ، شایسته رسالت الهی در بینش اشراف کافر قوم نوح

و لو شاء الله لأنزل ملئكة

«مشیه» (مصدر «شاء») به معنای خواستن و اراده کردن و «إنزال» (مصدر «أنزل») به معنای فرو فرستادن است. «ملائکه»، جمع «ملک» (فرشتگان) می باشد؛ یعنی: «اگر خدا می خواست، قطعاً فرشتگانی فرو می فرستاد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 14 - 11، 9

9 - پندار باطل قوم عاد و ثمود ، مبنی بر لزوم فرشته بودن رسولان الهی

قالوا لو شاء ربنا لأنزل ملئكة

11 - فرشتگان _ در دید قوم عاد و ثمود _ موجوداتی برتر از آدمیان و شایسته تر برای رسالت از جانب خداوند

قالوا لو شاء ربنا لأنزل ملئكة

از این که قوم عاد و ثمود، پیامبران خویش را به واسطه بشر بودن انکار می کردند و نبوت را فقط لایق فرشتگان می دانستند، مطلب بالا استفاده می شود.

396- نزدیکی ملائکه مرگ به محتضر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - خداوند و فرشتگان مرگ ، از افراد حاضر در کنار محتضر ، به وی نزدیک تر و به وضع و حال او آگاه تراند .

و نحن أقرب إليه منكم

397- نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 439

6 - برخی از مردم برای تسلیم شدن در برابر خداوند، منتظر آمدن خداوند و ملائکه هستند.

هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام والملئكة وقضى الامر

بنابراینکه جمله «هل ينظرون»، تهدید به عذاب نباشد؛ بلکه بیان یک واقعیت - که همان توقع نابجای مردم است - باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 125 - 11، 2

2 - صبر و تقوای مؤمنان، دو عامل اساسی فرود آمدن فرشتگان امدادگر، به هنگام یورش شتابان دشمن

ان تصبروا و تتقوا و ياتوكم من فورهم هذا يمددكم ربكم

11 - فرشتگان نازل شده برای امداد مؤمنان، دارای علائمی ویژه

يمددكم ربكم بخسمة الاف من الملائكة مسومين

«مسومین»، یعنی «معلمین انفسهم» (بر خویشتن علامت و نشانه گذاشته اند). گفته شده که آنها دارای پرچمهایی بودند که نشان مخصوص سپاه اسلام بر آن حک شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 8 - 5

5 - پایان یافتن مهلت کافران در صورت نزول محسوس فرشتگان به عنوان معجزه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ولو انزلنا ملكا لقضى الامر ثم لا ينظرون

قطع مهلت کافران با نزول محسوس فرشته که مفاد جمله «لقضى الامر» و «ثم لا ينظرون» است، بر این نکته دلالت دارد که تا قبل از نزول چنین آیاتی، کفار از مهلت الهی برخوردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 2

2 - صعود و عروج ملائکه، به دستور خداوند است.

398- نزول ملائكه بر انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوري - 42 - 51 - 6

6 - نزول فرشته بر پيامبران ، يكي از راه هاي گفتوگوي خداوند با انسان است .

أو يرسل رسولا فيوحى بإذنه ما يشاء

ص: 440

399- نزول ملائکه بر برگزیدگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 2 - 10، 12، 6، 3، 1

1- خداوند، فرشتگان را همراه روح (وحی الهی) بر بندگان منتخب خود نازل می کند.

ینزل الملئکه بالروح من أمره علی من یشاء من عباده

مفسران در مورد مراد از «روح» در آیه شریفه احتمالاتی را ذکر کرده اند، مانند: «جبرئیل»، وحی و چیزی که حیات با آن تحقق می یابد. در برداشت فوق «روح» کنایه از وحی منظور شده است.

3- فرود آمدن ملائکه بر بندگان منتخب خداوند، به فرمان اوست.

ینزل الملئکه بالروح من أمره

از معانی «أمر» فرمان و دستور است و «من» می تواند به معنای «با» باشد. در این صورت معنای «من أمره»؛ یعنی، به امر و فرمان خداوند.

6- خداوند، ملائکه را به همراهی جبرئیل بر بندگان منتخب خود فرود می آورد.

ینزل الملئکه بالروح من أمره

به قرینه برخی از آیات قرآن - که از جبرئیل امین به عنوان «روح القدس» و «روح الامین» یاد شده - ممکن است مراد از «روح» در این آیه حضرت جبرئیل باشد. لازم به ذکر است در این صورت «باء» در «بالروح» به معنای «مع» می باشد.

10- نزول فرشتگان برای ابلاغ وحی بر بندگان برگزیده، نمودی از حتمی و قطعی بودن امر الهی است.

اتی أمر الله .. ینزل الملئکه بالروح من أمره

12- هدف از نزول فرشتگان بر بندگان منتخب، رساندن پیام الهی به آنان است.

ینزل الملئکه .. أن أنذروا أنه لا إله إلا أنا

400- نزول ملائکه بر صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 30 - 14، 7

7- نزول فرشتگان الهی ، بر غیر پیامبران (اهل ایمان و پایداری)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ . . . تَنْزَّلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ

14 - « فی المجمع فی قوله تعالى « تَنْزَّلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ » یعنی عند الموت . . . وروی ذالک عن أبي عبد الله (ع) ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی «تَنْزَّلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ» آمده است: مقصود نزول ملائکه هنگام مرگ است . . . و این مطلب از امام صادق(ع) روایت شده است».

401- نزول ملائکه بر محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 441

5_ نزول فرشته ای برای همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهت انذار مردمان ، انتظار بی جای کافران

وقالوا .. لولا أنزل إليه ملك فيكون معه نذيراً

6_ نزول فرشته ای بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای همراهی با او در انذار مردمان ، شرط پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و درستی آن از نظر کافران بود .

لولا أنزل إليه ملك فيكون معه نذيراً

402- نزول ملائکه بر موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 30 - 1، 14

1 - نزول فرشتگان الهی ، بر یکتاپرستان پایدار بر توحید

إن الذين قالوا ربنا الله ثم استغوا تتنزل عليهم الملائكة

14 - « في المجمع في قوله تعالى « تتنزل عليهم الملائكة » يعني عند الموت . . . وروی ذالك عن أبي عبدالله (ع) ؛

در مجمع البيان درباره قول خدای تعالی «تتنزل عليهم الملائكة» آمده است: مقصود نزول ملائکه هنگام مرگ است . . . و این مطلب از امام صادق(ع) روایت شده است.»

403- نزول ملائکه بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 30 - 7

7- نزول فرشتگان الهی ، بر غیر پیامبران (اهل ایمان و پایداری)

إن الذين قالوا ربنا الله .. تتنزل عليهم الملائكة

404- نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 5، 8، 10، 12، 13

5- فرود آمدن فرشتگان و روح در شب قدر، با اذن خداوند و رخصت او است .

تنزل الملائكة و الروح فيها بإذن ربهم

8- فرود فرشتگان و روح به زمین در شب قدر، تدبیری الهی برخاسته از ربوبیت خداوند است .

بإذن ربهم

ص: 442

واژه «ربّ»، بیانگر برداشت یاد شده است.

10 - فرمان های خداوند ، برانگیزاننده ملائکه و روح برای نزول به زمین در شب قدر

تنزّل . . . من کلّ امر

حرف «من» _ که در برداشت یاد شده برای ابتدای غایت دانسته شده است _ بیانگر آن است که سبب را بیان می کند و دلالت دارد نزول ملائکه، برخاسته از فرمان های خداوند است؛ به گونه ای که هر یک از آن فرمان ها، انگیزه ای مستقل برای نزول آنها است. مراد از «امر» _ که در این برداشت، مفرد (أوامر) گرفته شده است _ فرمانی است که آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، آیه 82)، ناظر به آن است.

12 - « عن محمد بن عليّ (ع) أنّه قال في قول الله تعالى « تنزّل الملائكة و الروح فيها » قال : تنزّل في ها الملائكة و الكتبه إلى السماء الدنيا فيكتبون ما يكون في السنه من امور ما يصيب العباد . . . »

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره سخن خدای تعالی «تنزّل الملائکه و الروح فيها» فرمود: فرشتگان و نویسندگان [اعمال] به نزدیک ترین آسمان نازل می شوند و آنچه را در طول سال [آینده] به وجود خواهد آمد، از اموری که به بندگان می رسد، می نویسند.

13 - « عن النبيّ (صلى الله عليه و آله) أنّه قال : إذا كان ليلة القدر تنزّل الملائكة الذين هم سكان سدره المنتهى و منهم جبرئيل فينزل جبرئيل (ع) و معه ألوية ينصب لواء منها على قبرى و لواء على بيت المقدس و لواء فى المسجد الحرام و لواء على طور سيناء و لا يدع فيها مؤمناً و لا مؤمنة إلاّ سلم عليه ;

از پیامبر(صلى الله عليه و آله) روایت شده که فرمود: زمانی که شب قدر فرا رسد، فرشتگان ساکن «سدره المنتهى» _ که از جمله آنان جبرئیل است _ نازل می شوند. پس جبرئیل [بر زمین] فرود می آید در حالی که پرچم هایی همراه او است. پرچمی را بر سر قبر من و پرچمی را در بیت المقدس و پرچمی را در مسجدالحرام و پرچمی را بر طور سینا برپا می کند و در آن شب، هیچ مرد و زن مؤمنی را فروگذار نمی کند؛ مگر این که بر او سلام می کند».

405- نزول ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 25 - 6، 4، 1

1 _ شکافته شدن آسمان ، در آستانه برپایی قیامت و نزول فرشتگان از آن ، حادثه ای در خور تأمل و یاد و یادآوری

و يوم تشقق السماء بالغم م و نزل الملئکه تنزیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «یوم» متعلق به فعلی محذوف (همچون «اذکر») باشد.

4 _ با شکافته شدن آسمان در آستانه برپایی قیامت ، فرشتگان بر اهل زمین فرود خواهند آمد .

و یوم تشقّق السماء بالغمِ م و نزل المَلِئِکة تنزیلاً

6_ فرود ملائکه از آسمان به زمین در آستانه قیامت ، فرودی به دور از انتظار و شگفت آور

و نزل المَلِئِکة تنزیلاً

«تنزیلاً» مفعول مطلق برای «نزل» و به منظور بیان نزولی خاص و شگفت آور می باشد.

ص: 443

406- نشاط ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 2 - 1,2

1 - فرشتگان در انجام مأموریت های خویش ، سرشار از نشاط و به دور از هرگونه کسالت اند .

و النشطات نشطاً

نشاط، نقطه مقابل کسالت است و به کسی که برای انجام کاری طیب نفس داشته باشد، «ناشط» می گویند. (لسان العرب)

2 - سوگند خداوند به فرشتگان پر نشاط و شاداب

و النشطات نشطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 9 - 3

3 - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات .. قلوب یومئذ واجفه . أبصرها خـشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

407- نظم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 165 - 2

2 - وجود نظم و انضباط در میان فرشتگان

وإنا لنحن الصافون

به صف بودن فرشتگان، بیانگر وجود نظم و انضباط میان آنان است.

408- نظم ملائکه در قیامت

4- فرشتگان در قیامت، در صف‌هایی منظم، حضور یافته، به اجرای رسالت خویش خواهند پرداخت.

والمَلِكِ صَفًّا صَفًّا

کلمه‌های «صَفًّا صَفًّا» _ به تأویل «مِصْطَفَيْنَ» (در صفوف منظم قرار گرفته) _ حال برای «المَلِكِ» است. «مَلِكِ» اسم جنس بوده و حرف «ال» در آن، برای استغراق است. برخی آن را مفرد «ملائکه» دانسته‌اند (مصباح) و برخی آن را از ریشه «مَلِكِ» و به معنای سیاست‌گذار دانسته و گفته‌اند: شخص سیاست‌گذار، اگر انسان باشد «مَلِكِ» و اگر فرشته باشد، «مَلِكِ» نامیده می‌شود.

ص: 444

شود. این کلمه در اصل «مَلَك» و به معنای «رسالت» بوده است. (مفردات راغب)

409- نقش اخروی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 42 - 3

3 - در روز قیامت ، از ملائکه هیچ کاری برای عبادت کنندگان ادعایی شان ساخته نیست .

فالیوم لایملک بعضکم لبعض نفعاً ولا ضرراً

به قرینه این که مخاطبان در آیات پیشین، ملائکه بودند و خداوند با آنان درباره عبادت مشرکان گفتگو می کرد؛ مخاطب «کم» در «بعضکم» می تواند ملائکه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 22 - 2

2 - گرد آمدن انسان های مشرک و کافر در قیامت ، به وسیله مأموران الهی (فرشتگان) انجام می گیرد .

احشروا الذین ظلموا

بنابر نظر مفسران، فرشتگان، ظالمان را در قیامت احضار و جمع خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 38 - 3

3 - روح و فرشتگان ، کارگزاران رسیدگی به کیفر و پاداش بندگان در قیامت

یوم یقوم الروح و الملئکه صفءا

صفء بستن «روح» و «ملائکه»، حاکی از آمادگی آنان برای اجرای دستورات است. به قرینه آیات پیشین _ که سخن از کیفر و پاداش بندگان بود _ محدوده مأموریت آنان، رسیدگی به امور بهشتیان و دوزخیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 22 - 8

8 - فرشتگان در قیامت، به فرمان خداوند و با نظارت کامل او، انجام وظیفه می کنند.

و جاء ربك و الملك

آمدن خداوند، کنایه از حضور کامل او است و عطف «ملک» بر «ربک»، بیانگر آن است که حضور فرشتگان، مستقل از حضور خداوند نیست؛ بلکه در راستای آن و بخشی از یک برنامه منسجم است.

ص: 445

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 152 - 12

12 - از امام باقر (ع) روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ان الملك ينزل الصحيفة اول النهار و اول الليل يكتب فيها عمل ابن آدم فاملوا في اولها خيراً و في آخرها خيراً فان الله يغفر لكم ما بين ذلك انشاء الله، فان الله يقول: اذكروني اذكروكم؛

ملك کارنامه عمل [انسان] را در اول روز و اول شب می آورد و اعمال بنی آدم را ثبت می کند، پس سعی کنید در اول روز و اول شب خوبی را املا نمایید که خداوند ان شاء الله ما بین آن را می بخشد؛ زیرا خداوند می فرماید: «اذکرونی اذکرکم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 248 - 6

6_ فرشتگان، حاملان صندوق عهد به سوی بنی اسرائیل

ان یأتیکم التابوت... تحمله الملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 61 - 10، 3، 8

3_ خداوند فرشتگانی را پیوسته برای حفاظت و مراقبت آدمیان گسیل می دارد.

و یرسل علیکم حفظه

فعل مضارع «یرسل» بر تجدید و تکرار ارسال فرشتگان تا زمان مرگ دلالت دارد. «حفظه»، جمع «حافظ»، به معنی نگهبان و مراقب است.

8_ فرشتگانی متعدد وظیفه قبض روح هر یک از آدمیان را به عهده دارند.*

حتى إذا جاء أحدکم الموت توفته رسلنا

«رسل»، جمع رسول، و بر بیشتر از دو نفر دلالت دارد. از سوی دیگر مضمون آیه این است که برای هر شخصی که مرگش فرامی رسد، «رسل» حضور پیدا می کنند. بنابراین قابضان روح آدمی بیش از دو نفرند.

10_ ملائکه، مجریان دقیق اراده قاهر خداوند هستند.

ویرسل علیکم حفظه . . . توفته رسلنا و هم لا یفرطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 14، 15، 16

14 - گروهی از فرشتگان، کارگزاران خداوند در گرفتن جان آدمیان هستند.

و لو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت و الملائکه باسطوا أیدیهم

15 - ملائکه، جان ستمکاران را با قدرت و شدتی تمام می گیرند.

و لو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت و الملائکه باسطوا أیدیهم

جمله «باسطوا أیدیهم» ممکن است کنایه از قدرت و شدتی باشد که ملائکه به هنگام قبض روح ستمکاران به کار می گیرند.

16 - ملائکه قابض ارواح دارای دستانی هستند که به هنگام گرفتن جان ظالمان آنها را می گشایند.

إذ الظلمون فی غمرت الموت و الملائکه باسطوا أیدیهم

ص: 446

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 12 - 4

4_ ملائکه در اجرای مأموریت های خویش نیازمند تقویت و پشتیبانی از جانب خدا

إذ يوحى ربك إلى الملائكة أنى معكم فثبتوا الذين آمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 2

2_ فرشتگان ، از رسولان الهی و از وسایط ارتباط خدا با پیامبران خویش

و لقد جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 14

14_ فرشتگان ، از عوامل و وسایط خداوند در تحقق خواست ها و مشیت های او در عالم طبیعتند .

و لقد جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری .. فبشّرناها

ظاهر آن است که فرشتگان به همسر ابراهیم خبر دادند که: وی دارای فرزند خواهد شد؛ ولی خداوند با جمله «فبشّرناها» (ما به وی بشارت دادیم) آن را به خود نسبت می دهد تا به این نکته اشاره کند که: اولاً، کار فرشتگان در حقیقت کار خداست و ثانیاً، خداوند از طریق عوامل و وسایط، مشیتهای خویش را در جهان عملی می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 12 - 7

7_ «سأل أبو بصیر أباعبدالله (ع) : . . . ما حال البرق فقال : تلك مخاريق الملائكة تضرب السحاب فتسوقه إلى الموضع الذي قضى الله عزوجل فيه المطر ;

ابو بصیر از امام صادق (ع) از چگونگی برق سؤال کرد، حضرت فرمود: آن تازیانه های فرشتگان است که بر ابرها می زنند و آنها را به مکانی که خدای عزوجل در آن باران مقدر فرموده است، می رانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 57 - 5

5- برخی از ملائکه ، پیام آوران و مجریان فرمان خداوندند .

فما خطبکم ایها المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 59 - 2

2- مأموران الهی ، خاندان لوط (ع) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند .

إننا أرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاء لوط إنا لمنجّوهم

ص: 447

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 60 - 6

6- فرشتگان ، مجریان و کارگزاران اوامر و مقدرات الهی اند .

إلا امرأته قدرنا إنها لمن الغبرين

با آنکه بی تردید مقدرات امور به دست خداست، در عین حال خداوند آن را به فرشتگان نسبت داد (قالوا .. قدرنا) و این می رساند که فرشتگان کارگزاران و مجریان اوامر و مقدرات الهی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 2 - 13، 5

5- فرشتگان ، واسطه ابلاغ وحی بر بندگان منتخب خداوند

ينزل الملئكة بالروح من أمره على من يشاء من عباده

مراد از «روح» در آیه، به قرینه فراهی بعد (أن أنذروا ..) _ که درباره ابلاغ وحی و رسالت است _ می تواند وحی باشد.

13- فرشتگان ، از وسایط اجرای فرمان های خدا

ينزل الملئكة .. أن أنذروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 28 - 5

5- انسان ها ، به وسیله ملائکه قبض روح می شوند .

تتوفهم الملئكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 1

1- قبض روح انسان ها با فرشتگان است .

الذين تتوفهم الملئكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 95 - 6

6- ملائکه ، تنها واسطه نزول وحی و پیام الهی به ساکنان زمین

لنزلنا علیهم ملکاً رسولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مراد از «ملکاً رسولاً» فرشته وحی باشد نه پیامبر (صلی الله علیه و آله).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 3

3- ملائکه ، به فرمان الهی در خدمت تنظیم حیات بشرنند . *

ص: 448

قلنا للملئكه اسجدوا لأدم فسجدوا

اصل معنای سجود، تسلیم و فروتنی است. ممکن است فرمان سجده در برابر آدم، به معنای گذاردن پیشانی به زمین نباشد، بلکه معنای آن، انقیاد و تسلیم آنان در برابر آدم و تأمین نیازها و دیگر امور لازم او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 1

1- تاریخ پیامبران و دعوت های توحیدی آنان ، معارفی الهی است که فرشتگان آن را به امر خداوند و با برنامه ای زمان بندی شده به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ابلاغ کرده اند .

و ما ننزّل إلاّ بأمر ربّك

این آیه و آیه بعد _ به قرینه «فاعبده و اصطر لعبادته» در آیه بعد _ تزییلی بر آیات پیشین و گویای این نکته است که: آنچه گفته شد، به امر خداوند بر تو نازل شده است و واسطه وحی در این زمینه از خود هیچ نقشی ندارد. بنابراین همچون پیامبرانی که سرگذشت آنان بر تو خوانده شد، به عبادت خداوند پرداز و بر آن پایدار بمان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 26 - 11

11- « عن أمير المؤمنين (ع) في خطبه تعرف بالأشباح قال : ثم خلق سبحانه لإسكان سماواته . . . خلقاً بديعاً من ملائكة . . . لا يدعون أنهم يخلقون شيئاً معه ممّا إنفرد به « بل عباد مكرمون . لا يسبقونه بالقول وهم بأمره يعملون » جعلهم الله فيما هنالك أهل الأمانة على وحيه ؛

از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده است که آن حضرت در ضمن خطبه ای معروف به اشباح فرمودند: آن گاه خدای سبحان برای جای دادن در آسمان های خود . . . آفریده های بدیعی از فرشتگان خود را آفرید . . . آنان ادعا ندارند که در معیت خدا چیزی را آفریده باشند که آفرینش آن در انحصار او بوده است «بل عباد مكرمون...» خدا آنان را در آن جا اهل امانت بر وحی خود قرار داده است.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 27 - 5

5- فرشتگان ، کارگزاران خداوند هستند .

و هم بأمره يعملون

نظر به این که بسیاری از کارهای خداوند به وسیله فرشتگان انجام می گیرد (مانند قبض روح، عذاب، ابلاغ وحی به پیامبران و ..) می توان

گفت که مراد از «أمره» در رابطه با چنین کارهایی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 104 - 11

11- «عن أبي جعفر (ع): إنَّ في الهواء ملكاً يقال له إسماعيل على ثلاثمائة ألف ملك كل واحد منهم على مائة ألف يحصون أعمال العباد فإذا كان رأس السنه بعث الله إليهم ملكاً يقال له: السجّل فانتسخ ذلك منهم وهو قول الله تبارك وتعالى: «يوم نطوى السماء كطيّ السجّل للكتب»؛

از امام باقر(ع) روایت شده که در فضا فرشته ای است به نام اسماعیل که سیصد هزار فرشته تحت فرمان دارد و هر کدام از فرشتگان

ص: 449

صد هزار فرشته را فرماندهی می کند و آنان کارهای بندگان را احصا می کنند و با شروع هر سالی خداوند فرشته ای را به نام «سجّل» می فرستد تا از [نامه اعمال] بندگان [که در اختیار فرشتگان فضا است] نسخه برداری کند و این است سخن خداوند _ تبارک و تعالی _ که: «یوم نطوی السماء کطیّ السجّل للکتب».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 99 - 7

7 - پی بردن انسان در هنگام مرگ، به دست اندرکاری عوامل و کارگزاران الهی (ملائکه) در مرگ و حیات او

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

کلمه «ارجعون» می تواند خطاب به خداوند بوده و جمع آمدن آن از باب تعظیم باشد. هم چنین می تواند بدان جهت باشد که انسان، در آن لحظه حضور ملائکه و کارآیی آنان را مشاهده می کند و با التجا به خدا، از آنان می خواهد که او را به دنیا بازگردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 7 - 9

7 - مشرکان صدر اسلام، معتقد بودند که تنها فرشتگان می توانند واسطه میان خدا و بشر باشند و نه انسان.

قالوا... لولا أنزل إلیه ملک فیکون معه نذیراً

9 - انجام رسالت الهی (انذار مردمان) در دیدگاه مشرکان، تنها در خور شأن فرشتگان بود، نه در توان انسان.

وقالوا مالِ هذا الرسول... لولا أنزل إلیه ملک

برداشت فوق، از آن جا است که مشرکان به خاطر غذا خوردن و رفت و آمد پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بازار، او را شایسته پیامبری نمی دانستند و خواستار نزول فرشته ای برای همیاری با آن حضرت بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 5 - 11، 8

8 - ملائکه، آورنده فرمان های تدبیر عالم از آسمان اند.

یدبّر الأمر... ثمّ یرجع إلیه

احتمال دارد مرجع ضمیر فاعلی «یرجع» ملکی باشد که حامل فرمان های تدبیری خداوند است و مرجع ضمیر «إلیه» مکانی باشد که فرشته، پیش از نزول، در آن جا قرار دارد.

11 - مدت سفر فرشته حامل فرمان تدبیر خداوند برای آوردن پیام، مدتی در حدود هزار سال به حساب دنیوی است.

يُدْبِرُ الْأَمْرَ . . . ثُمَّ يَعْرَجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 10، 8

8 - ملانکه، رسولان و کارگزاران خداوند در امور تکوین و تشریح جهان اند.

جاعل الملئکه رسلاً

اطلاق کلمه «رُسلًا» می رساند که قلمرو رسالت فرشتگان، شامل تمامی امور تکوین و تشریح می شود و اختصاص به امور تشریحی (همچون ابلاغ وحی و دین به پیامبران) ندارد.

ص: 450

10 - توانایی و نقش آفرینی ملائکه در جهان متفاوت است .

أولى أجنحة مثنى وثلث وربع

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که پروبال فرشتگان، کنایه از توانایی و قدرت جولان آنان در جهان باشد. در مثل می گویند: فلانی پروبالش سوخته و یا شکسته شده؛ کنایه از این که نیروی حرکت و توانایی از او سلب گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 164 - 3

3 - هر یک از فرشتگان، دارای کار و نقشی معین و معلوم در جهان

و ما منّا إلاّ له مقام معلوم

«مقام» در اصل به معنای مکان قیام است؛ ولی چون قیام غالباً برای انجام عمل صورت می گیرد، از این رو این واژه بر عملی اطلاق می شود که فرد برای آن قیام می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 5

5 - برخی از فرشتگان، کارگزاران الهی در جهان اند .

الذین يحملون العرش

عرش در آیه شریفه، به معنای مرکز اداره و فرمان رویی خدا بر جهان هستی است. بنابراین حمل این مرکز از سوی فرشتگان، می تواند به معنای کارگزاری آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 30 - 8

8 - فرشتگان الهی، پیامدار امن و سرور برای یکتاپرستان پایدار بر حق

تنزّل علیهم الملئکه ألا تخافوا و لاتحزنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 51 - 6,8

6- نزول فرشته بر پیامبران ، یکی از راه های گفتوگوی خداوند با انسان است .

أویرسل رسولاً فیوحی یاذنه ما یشاء

8- « وحی » ، شیوه سخن گفتن فرشتگان با پیامبران ، برای رساندن پیام خداوند

أویرسل رسولاً فیوحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 18 - 1

1_ دریافت و ثبت حتمی هر سخن آدمی به وسیله توسط مراقبی آماده و گوش بزنگ

ما یلفظ من قول إلا لدیه رقیب عتید

ص: 451

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 21 - 2

2_ حرکت انسان در صحنه قیامت ، با راهنمایی و فرمان ملائکه

معها سائق

بنابراین که «سائق» فرشته ای از فرشتگان باشد_ و نه اعمال آدمی_ برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 24 - 2

2_ فرشتگان ، مأمور اجرای احکام الهی در قیامت نسبت به مجرمان

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 4 - 2

2 - سامان یافتن نظام جهان ، در پرتو تقسیم و دسته بندی امور ، به دست کارگزاران الهی (فرشتگان)

فَالْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 33 - 3

3 - فرشتگان ، مجریان اراده الهی در تحولات تاریخ

لنرسل عليهم حجاره من طين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 32

32 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : ما من مؤمن إلا و لقلبه أذنان في جوفه أذن ينفث فيها الوسواس الخناس و أذن ينفث فيها الملك ، فيؤيد الله المؤمن بالملك فذلك قوله : « و أيدهم بروح منه » ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هیچ مؤمنی نیست، مگر آن که در درون قلب او دو گوش قرار دارد: گوشی که [شیطان] وسوسه گر و پنهانکار در آن می دمدمد و گوشی که فرشته در آن می دمدمد. خداوند، [شخص] مؤمن را با فرشته تأیید می کند و این سخن او است که فرمود: و آیدهم بروح منه».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 16 - 3

3 - فرشتگان ، کارگزاران الهی در آسمان برای اجرای فرمان های الهی نسبت به انسان ها

ءأمنتهم من فی السماء أن یخسف بکم الأرض

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که مقصود از «من فی السماء»، فرشتگان است که در آسمان ها قرار دارند.

ص: 452

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 17 - 3

3 - فرشتگان ، کارگزاران الهی در آسمان ، آماده برای اجرای فرمان های الهی نسبت به انسان ها

أم أمنتُم من فی السماء أن یرسل علیکم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 17 - 6,7,8

6 - فرشتگان ، کارگزاران الهی در جهان هستی

و الملك علی أرجائها و یحمل عرش ربّک فوقهم یومئذ ثمّ ینیه

7 - امور جهان آخرت ، به تدبیر و کارگزاری فرشتگان انجام می پذیرد .

و الملك علی أرجائها و یحمل عرش ربّک فوقهم یومئذ ثمّ ینیه

8 - « فقال علیّ (ع) : إنّ الملائکة تحمل العرش و لیس العرش کما نظنّ کهیئہ السریر و لکنّ شئیء محدود مخلوق مدبّر ، و ربّک عزّوجلّ مالکّه . . . و أمر الملائکة بحمله فهم یحملون العرش بما أقدروهم علیه . . . » ;

علی(ع) فرمود: ملائکه حامل عرش اند و عرش آن طور که تو تصور نموده ای _ که مثل یک تخت باشد _ نیست; بلکه عرش موجود محدودی است که خداوند، آن را خلق نموده و تحت تدبیر او است و پروردگارت عزّوجلّ مالک آن است . . . و ملائکه را مأمور حمل آن نموده و آنان با قدرتی که خدا به آنها داده حامل عرش اند» .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 4 - 2,1

1 - عروج و صعود ملائکه و جبرئیل به سوی خدا (به صعودگاه ها و جایگاه های بلند مرتبه) در قیامت برای دریافت فرامین الهی و اجرای آن

تعرج الملئکة و الروح إلیه

مقصود از «روح» روح الامین و جبرئیل است. ضمیر در «إلیه» به «الله» بازمی گردد; به این اعتبار که خداوند که صاحب معارج است. بر این اساس مقصود آیه شریفه، این حقیقت است که فرشتگان برای دریافت فرمان های الهی، به صعودگاه و جایگاه دریافت آنها عروج می کنند و چون خداوند صاحب این جایگاه ها و صعودگاه ها است، فرشتگان در حقیقت به سوی او عروج خواهند کرد.

تعرج الملئکه و الروح إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 27 - 7

7 - « روى أنّ بعضَ أصحابِ أبي جعفر (ع) محمد بن عليّ الباقر (ع) سأله عن قول الله تعالى « إلاّ من ارتضى من رسول فإنّه يسلك من بين يديه و من خلفه رسداً » فقال يوكل الله بأنبيائه ملائكة يحصون أعمالهم ;

روایت شده که بعضی از اصحاب امام باقر(ع) از ایشان درباره سخن خداوند متعال: «إلاّ من ارتضى من رسول فإنّه يسلك من بين يديه و من خلفه رسداً» سؤال کرد، فرمود: خداوند فرشتگانی را بر پیامبران خود گمارده است تا اعمال آنان را شمارش و ضبط

ص: 453

کنند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 5 - 2

2- فرشتگان ، ابلاغ کننده وحی و کتاب های آسمانی به رسولان

فالملقى ت ذكراً

مقصود از «ذکر»، وحی و کتاب های آسمانی است و اطلاق ذکر بر این معنا، در قرآن بسیار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 6 - 3

3- ارائه وحی و کتاب های آسمانی از سوی فرشتگان ، مایه عذرخواهی و اثبات بی گناهی مؤمنان در پیشگاه خداوند

فالملقى ت ذكراً . عذراً أو نذراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از «عذراً»، اعدار (عذر خواستن) مؤمنان در پیشگاه خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 1 - 1

1- گروهی از فرشتگان ، عهده دار قبض روح انسان هایند .

و النزع ت غرقاً

«نزع» به معنای کندن و نیز بیرون کشیدن است. مصداق مورد نظر از «النازعات» به قرینه «فالمدبرات أمراً» _ در آیات بعد _ فرشتگانی هستند که مأمور نزع و قبض روح زندگان اند. آیاتی که میراندن انسان ها را به ملائکه نسبت داده است، این ذهنیت را ایجاد می کند که مراد از «نزع» در این آیه، «نزع روح انسان ها» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 2 - 4

4- فرشتگان عازم به اجرای فرمان های الهی و ترک کننده مقر خود برای تدبیر امور جهان ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

«ناشط»، ممکن است به معنای چیزی باشد که از مکانی خارج و به مکان دیگر انتقال پیدا می کند (قاموس). سوگند خداوند به فرشتگان «ناشط»، نشانه تحسین خروج و انتقال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 5 - 4, 3, 2, 1

1 - فرشتگان، عهده دار مدیریت و تدبیر بخش هایی از امور جهان

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا

«أمرًا» اسم جنس و قابل اطلاق بر کم و زیاد است و نکره بودن آن، دلالت بر ابهام یا تعظیم دارد.

ص: 454

2- کاردانی و مهارت فرشتگان ، در اداره و تدبیر جهان

فالمَدْبَرَاتُ أَمْرًا

3- اتخاذ تدابیر لازم در اداره امور جهان ، برانگیزنده ملائکه به خروج از جایگاه ویژه خویش و سبقت بر یکدیگر

وَالنَّشْطَاتِ نَشْطًا . وَالسَّيْحَاتِ سَبْحًا . فَالْمَدْبَرَاتِ سَبْقًا . فَاَلْمَدْبَرَاتُ أَمْرًا

حرف «فاء» در «فالمَدْبَرَاتُ»، اوصاف پیشین را مقدمه تدبیر قلمداد کرده است.

4- جهان دارای نظامی خاص و استوار ، بر پایه تدبیرهایی از سوی فرشتگان

فالمَدْبَرَاتُ أَمْرًا

8- «عن علی بن ابی طالب (ع) انّ ابن الکوّاء سألہ عن «والمَدْبَرَاتُ أَمْرًا» قال : الملائکه یدبّرون ذکر الرحمن و أمره ;

از علی بن ابی طالب (ع) روایت شده که در پاسخ ابن کوّاء _ که از او درباره «فالمَدْبَرَاتُ أَمْرًا» سؤال کرده بود _ فرمود: مراد فرشتگانی اند که ذکر خدای رحمان و فرمان او را تدبیر می کنند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 6 - 2

2- ملائکه ، عهده دار تدبیر مراحل پایانی و برپایی جهان آخرت

فالمَدْبَرَاتُ أَمْرًا . یوم ترجف الراجفه

برداشت یاد شده، براساس ظرف بودن «یوم» برای «المَدْبَرَاتُ» است. در این ترکیب، آیات پیشین گویای حرکت فرشتگان و شتاب و مسابقه آنان برای مدیریت و تدبیر مراحل پایانی دنیا و آغاز آخرت است.

411- نقش ملائکه امداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 10 - 4

4_ خداوند سرچشمه همه پیروزی ها و امداد ها نه فرشتگان و دیگر عوامل و اسباب

و ما جعله الله إلا بشری . . . و ما النصر إلا من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 12 - 1

1_ خداوند با وحی به فرشتگان حاضر در کارزار بدر، آنان را از پشتیبانی خویش در ثبات بخشیدن به مجاهدان آگاه ساخت.

إذ يوحى ربك إلى الملائكة أنى معكم فثبتوا الذين

412- نقش ملائکه ثبت عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 455

2_ گزارش اعمال انسان در قیامت ، از سوی قرین وی به دادگاه عدل الهی

وقال قرینه هـ_ذا ما لدیّ عتید

برداشت بالا بنابراین نکته است که قرین انسان، همان ملکی باشد که شاهد اعمال او است و «ما» اشاره باشد به اعمال آدمی که در نزد وی ثبت و ضبط گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ دو فرشته موکل بر کافران معاند ، مأمور افکندن آنان به دوزخ

أَلْقِیَا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِید

دو فرشته ای که مخاطب «أَلْقِیَا» قرار می گیرند؛ یا «رقیب» و «عتید»ند که در دنیا همراه انسان بودند و یا «سائق» و «شهید»اند که در صحنه قیامت آدمی را همراهی خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- فرشتگان ناظر بر انسان ، برای محافظت دقیق از کردار او ، آن را ثبت کرده و از آن سندی مکتوب برمی دارند .

ک_تبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- کردار بدکاران ، از نظر مأموران الهی مخفی نمانده و در نامه عمل آنان ثبت خواهد شد .

ک_تبین . یعلمون ما تفعلون ... و إِنَّ الْفَجَّارَ لَفِی جَحِیم

413- نقش ملائکه سائق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4_ فرشته «سائق» ، مسؤول تحویل دادن انسان به محکمه روز جزا *

كلّ نفس معها سائق وشهيد . . . وقال قرينه هـ_ذا ما لدیّ عتيد

مراد از «قرین» همان فرشته «سائق»؛ یعنی، فرشته ای است که انسان را در صحنه قیامت همراهی کرده و به پیش می راند تا وی را به محکمه حساب رسی اعمال برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ دو فرشته موکل بر کافران معاند ، مأمور افکندن آنان به دوزخ

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

دو فرشته ای که مخاطب «أَلْقِيَا» قرار می گیرند؛ یا «رَقِيب» و «عَتِيد»ند که در دنیا همراه انسان بودند و یا «سَائِق» و «شَهِيد»اند که در صحنه قیامت آدمی را همراهی خواهند کرد.

414- نقش ملائکه عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 2

2- با آمدن فرشتگان نزد لوط (ع) وی ، ناراحت شد و عرصه را بر خود تنگ دید .

و لَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لوطًا سَيءَ بِهِم وَ ضَاقَ بِهِم ذَرعًا

«سَيء» متعدی به بای سببی است. «سَيء بِهِم» یعنی، به سبب حضور آنان، ناراحت شد. «ضَاقَ بِهِم ذَرعًا» به معنای تنگ شدن ذراع دست و کنایه از ناتوانی است.

415- نقش ملائکه کاتب عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 16، 15

15_ اعمال انسان ها توسط فرشتگان مراقب ، ثبت می شود .

إِن رَسَلْنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمَكُرُونَ

16_ فرشتگان مراقب اعمالِ مردمان ، از نوشتن هیچ عملی _ هر چند که کوچک و اندک باشد _ فروگذاری نمی کنند .

إِن رَسَلْنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمَكُرُونَ

کلمه «ما» در «ما تمكرون» افاده عموم می کند.

416- نقش ملائکه گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 23 - 7

7_ « فی المجمع » قال قرینه « یعنی الملک الشہید علیہ . . . و هو المروی عن أبی جعفر و أبی عبداللہ (ع) ;

در مجمع البیان در تفسیر «قال قرینه» آمده است: مقصود فرشته ای است که گواه بر آن [فرد] است . . . و این معنایی است که از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است».

ص: 457

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 24 - 1

1_ دو فرشته موکل بر کافران معاند ، مأمور افکندن آنان به دوزخ

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

دو فرشته ای که مخاطب «أَلْقِيَا» قرار می گیرند؛ یا «رَقِيب» و «عَتِيد»ند که در دنیا همراه انسان بودند و یا «سَائِق» و «شَهِيد»اند که در صحنه قیامت آدمی را همراهی خواهند کرد.

417- نقش ملائکه محافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 61 - 5

5_ حضور همواره فرشتگان محافظ در کنار آدمی برای حفظ حیات اوست.

و يرسل عليكم حفظة حتى إذا جاء أحدكم الموت

چون غایت گسیل ملائکه محافظ، مرگ آدمی است (حتی إذا جاء أحدكم الموت)، به قرینه تناسب حکم و موضوع باید حضور فرشتگان برای حفظ و بقای حیات آدمی باشد.

418- نقش ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 75 - 5

5- دریافت وحی توسط فرشتگان از خداوند و ابلاغ آن به پیامبران

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 1 - 3

3- فرشتگان وحی ، پیام آوران نیکی ها و ارزش ها از سوی خداوند

و المرسلات عرفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 3 - 2

2 - فرشتگان وحی ، صحیفه های آسمانی و حقایق و حیانی را برای پیامبران می گستراندند .

والن شرت نشرًا

از آیات مشابه دیگر، استفاده می شود که مقصود از نشر در این آیه، انتشار صحیفه های آسمانی و حقایق و حیانی به وسیله

ص: 458

فرشتگان برای پیامبران است؛ مانند «کلاًّ إنّها تذکره . فمن شاء ذکره . فی صحف مکرّمه . مرفوعه مطّهّره . بأیدی سفره . کرام برره» (عبس، آیات 11_16).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 4 - 2

2 - فرشتگان وحی ، جداکنندگان حق از باطل اند .

فالفرق ت فرقا

«فرق» به معنای تمیزدادن میان اشیا است و مقصود از فارق بودن فرشتگان، به این است که آنان اهل بهشت را از اهل دوزخ و اقوام محکوم به عذاب را (مانند قوم نوح و عاد و ..) با غیر اینها جدا کرده، تمیز می دهند و یا این که آنان چیزهایی می آورند که جداکننده حق از باطل است (وحی و کتاب های آسمانی). گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 15 - 4

4 - فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

بأیدی سفره

در این که مراد از «سفره» چه کسانی اند؛ نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به «کرام» در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند؛ زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، 11) نیز برای ملائکه، وصف «کرام» ذکر شده است. استنساخ قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

419- نقش همراهی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 53 - 6

6 - همراه نبودن فرشتگان با موسی (ع) ، دستاویزی برای فرعون در انکار رسالت او

فلولا .. أو جاء معه الملائکه مقتنین

«مقتنین» حال برای ملائکه و تأکیدکننده معنای «معه» است.

420- نگرانی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 11

11- فرشتگان، بر اثر ترس از خداوند، هراسان و نگران اند.

و هم من خشیته مشفقون

ص: 459

برداشت یاد شده بر این اساس است که «مِنْ» برای تعلیل و سببیت باشد.

421- نواهی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 73 - 3

3_ فرشتگان ، همسر ابراهیم را از اینکه در تحقق خواست خداوند تردید کند و از آن شگفت زده باشد ، نهی کردند .

قالوا أتعجبين من أمر الله

422- نیاز ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 12 - 4

4_ ملائکه در اجرای مأموریت های خویش نیازمند تقویت و پشتیبانی از جانب خدا

إذ يوحى ربك إلى الملكة أنى معكم فثبتوا الذين ءامنوا

423- وابستگی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 26 - 1

1 - فرشتگان ، فاقد قدرت مستقل در شفاعت

و کم من ملک . . . إلا من بعد أن يأذن الله

424- واسطه فیض بر ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 4

4- آدم (ع) ، خلیفه خداوند ، واسطه ای برای رسیدن فیض الهی به فرشتگان

يأدم أنبئهم بأسمائهم فلما أنبأهم بأسمائهم

425- وحی به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 12 - 3, 1

1_ خداوند با وحی به فرشتگان حاضر در کارزار بدر، آنان را از پشتیبانی خویش در ثبات بخشیدن به مجاهدان آگاه ساخت.

إذ یوحی ربک إلی الملائکة أنى معکم فثبتوا الذین

3_ تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) شاهد وحی الهی به فرشتگان مبتنی بر مأموریت آنان برای پشتیبانی مجاهدان بدر بود.

إذ یوحی ربک إلی الملائکة

چنانچه «إذ»، متعلق به «اذکر» باشد با توجه به اینکه مخاطب در آیه مورد بحث، به خلاف آیات گذشته، شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

426- ورود ملائکه بر ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 8

8- فرشتگان وارد شده بر حضرت ابراهیم (ع)، در قالب و شکل انسان بوده و به عنوان مهمان وارد شدند.

و تَبَّهَمَ عَنْ ضَیْفِ إِبْرَهِیمَ . إِذْ دَخَلُوا عَلَیْهِ فَقَالُوا سَلِّمْ عَلَیْنَا إِنَّا مِنْكُمْ وَجَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 53 - 1

1- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به او دلداری داده و از وی خواستند که از حضورشان مضطرب و هراسناک نشود.

قالوا لا توجل إنا نبشرك بغلْمِ عَلِیم

427- ورود ملائکه بر خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 61 - 1

1- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و تَبَّهَم عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ . . . فَمَا خَطْبِكُمْ أَیُّهَا الْمُرْسَلُونَ . . . فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطَ الْمُرْسَلُونَ

الف و لام در «المرسلون» برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم ایُّها المرسلون، آیه 57) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه 68 نیز مؤید این نکته است.

ص: 461

428- ورود ملائکه بر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 62 - 2

2- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان، از آنان خواستار معرفی خود گردید.

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه که در آیه بعد آمده است _ مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 63 - 2

2- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان، خود را مأموران الهی معرفی کردند.

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جنن ک بما کانوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 64 - 2

2- فرشتگان وارد شده بر حضرت لوط (ع)، حامل پیام حق و دستوری تحقق یافتنی بودند.

وأتینک بالحقّ و إنا لصّـدقون

مراد از «بالحق» به قرینه ذیل آیه که تأکید بر راستگویی است می تواند خبر و پیام حق باشد.

429- ورود ملائکه عذاب بر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 33 - 10، 7، 3

3- فرشتگان عذاب قوم لوط، به صورت انسان، بر لوط (ع) وارد شدند.

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطاً سیء بهم

احتمال دارد دلیل «سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً» این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط(ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط(ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

7- نگرانی لوط (ع) با ورود فرشتگان به نزد وی، در چهره اش نمایان شد.

و لَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لوطًا سِئءَ بِهِم .. . قَالُوا لَا تَخَفْ

10- لوط (ع)، با ورود ملائکه به محضرش، نگران شد و ترسید.

و قَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ

ص: 462

430- ویژگیهای خشیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 12

12- ترس فرشتگان از خداوند ، آمیخته با تعظیم ، احترام و توجه ویژه به خداوند است .

و هم من خشیته مشفقون

«خشیت» ترس توأم با تعظیم و احترام و «اشفاق» ترس آمیخته با عنایت است (مفردات راغب).

431- ویژگیهای ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 49 - 7

7- همه فرشتگان ، مطیع و منقاد خداوند بوده و در برابر اوامر او تمرد نمی کنند .

و لله یسجد . . . و الملئکة و هم لایستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 50 - 5

5- فرشتگان ، پیوسته از اوامر و دستورات خدا اطاعت کرده و از آن سرپیچی نمی کنند (عصمت از نافرمانی)

و الملئکة . . . و یفعلون ما یؤمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 19 - 2

2- بندگی خداوند ، ویژگی اصلی فرشتگان

الذین هم عبد الرحمن

از این که خداوند در مقام معرفی فرشتگان، صفت عبودیت را به آنان نسبت داده است، مطلب بالا استفاده می شود.

432- همراهی ملائکه ثبت عمل

6 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) إن الله ينهاكم عن التعرّي فاستحيوا من ملائكة الله الذين معكم الكرام الكاتبين الذين لا يفارقونكم إلا عند ثلاث حاجات الغائط و الجنابه و الغسل ;

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: خداوند شما را از عریان بودن نهی فرموده است. پس حیا کنید از فرشتگان خدا که با شما هستند; همان «کرام الکاتبین» که ارجمند و نویسنده اعمال اند. آنان که از شما جدا نمی شوند; مگر در سه مورد که رفع نیاز می کنید: هنگام

تخلی، جنابت و غسل».

433- یوسف (ع) و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 23

23_ زنان اشراف، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند.

إن هـِـذا إلیٰ ملک کریم

ملائکه پرستی

434- انگیزه ملائکه پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 3

3- تحصیل عزت و اعتبار، از انگیزه های مشرکان در پرستش معبود های خویش

واتخذوا... لیکونوا لهم عزًّا

«عزًّا» مصدر است و می تواند در توصیف مفرد و جمع به کار رود. کلمه یاد شده در این آیه، یا به معنای اسم فاعل «معزّین» است (یعنی پرستش معبودها به انگیزه عزت بخش بودن آنها صورت می گیرد) و یا مراد مبالغه است (یعنی مشرکان معتقد بودند که معبودهایشان، عزّت مجسم هستند و ارتباط با آنان زمینه ساز دریافت عزت است).

435- تاریخ ملائکه پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 22 - 4

4- پرستش فرشتگان، سنتی دیرینه و آیینی سابقه دار در تاریخ عرب جاهلی

بل قالوا إنا وجدنا ءاباءنا علیٰ أُمَّه

واژه «أُمَّه»، بیانگر آیین و مذهب است.

436- فلسفه ملائکه پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 22 - 1

ص: 464

1 - پیروی از سنت نیاکان ، تنها دلیل مشرکان بر پرستش فرشتگان

و جعلوا من عباده جزءاً . . . بل قالوا إنا وجدنا آباءنا على أمة و إنا على آث

437- ملائکه پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 40 - 3,4,5

3 - خداوند در روز قیامت ، از ملائکه خواهد پرسید که آیا از عبادت مشرکان برای آنان ، رضایت داشته اند ؟

و یوم یحشرهم جميعاً ثم یقول للملئکة أهـؤلاء إیآکم کانوا یعبدون

جوابی که در آیه بعد از قول ملائکه نقل شده، حکایت از این دارد که سؤال از اصل عبادت نبوده است؛ زیرا عبادت مشرکان در اختیار ملائکه نبوده تا آنان دستور به انجام آن داده باشند؛ بلکه سؤال از رضایت ملائکه از این کار است.

4 - پرستیده شدن ملائکه از سوی مشرکان در دنیا

و نجعل له أنداداً . . . و یوم یحشرهم جميعاً ثم یقول للملئکة أهـؤلاء إیآکم کانو

5 - پرسش خداوند از ملائکه درباره پرستیده شدنشان از سوی مشرکان ، با فاصله ای از بازآفرینی و گردآوری خواهد بود .

و یوم یحشرهم . . . ثم یقول للملئکة

«ثم» برای تراخی است و کاربرد آن در آیه، مفید نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 41 - 1

1 - جواب روشن ملائکه به خداوند ، درباره عدم رضایت آنان از پرستیده شدن از سوی مشرکان

و یوم یحشرهم . . . ثم یقول للملئکة أهـؤلاء إیآکم . . . یعبدون . قالوا سبحـنک أنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 20 - 2

2 - مشرکان با دستاویز قرار دادن مشیت الهی ، پرستش و کرنش نسبت به ملائکه را توجیه می کردند .

وقالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم

438- ملائکه پرستی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 20 - 1

1 - فرشتگان ، مورد پرستش و احترام مشرکان عرب جاهلی

وقالوا... ما عبدناهم

ص: 465

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 22 - 4

4 - پرستش فرشتگان ، سنتی دیرینه و آیینی سابقه دار در تاریخ عرب جاهلی

بل قالوا إنا وجدنا آباءنا على أمة

واژه «أمة»، بیانگر آیین و مذهب است.

ص: 466

5- ملت ها

1- دین ملت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 48 - 22

22_ هر امتی برخوردار از شریعت و آیینی خاص از جانب خداوند

لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجاً

«شرعه» به معنای طریقی است که به آب منتهی می شود و مراد از آن دین و آیین است، چون آدمی را به کمال و حیات واقعی راهنمایی می کند قابل ذکر است که در برداشت فوق مخاطب «منکم»، همه انسانها دانسته شده است.

2- زمینه انقراض ملت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 133 - 5

5_ کفر و بی تقوایی، زمینه هلاکت و انقراض ملتها

و إن تکفروا .. ان یشأ یدهبکم ایها الناس

3- فرجام ملت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 92 - 5

5_ فرجام هر قوم و ملتی تعیین کننده زیانکاری و یارستگاری آنان است .

كأن لم یغنوا فیها الذین کذبوا شعیباً كانوا هم لخصرین

خداوند، زیانکار بودن کفرپیشگان قوم شعیب را پس از تبیین فرجام شومشان بیان داشت تا به این نکته اشاره کند که فرجام هر

قوم و ملتی تعیین کننده زیانکاری و یارستگاری آن است.

ص: 468

1- آثار رؤیت ملکوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 75 - 3

3_ ابراهیم(ع) به دلیل مشاهده ملکوت آسمانها و زمین بت پرستی را گمراهی آشکاری می دید.

ینی أریک و قومک فی ضلل مبین. و کذلک نری إبرهیم

جمله «و کذلک نری» احتمالا در صدد بیان سبب و زمینه گفته های ابراهیم(ع) در آیه قبل است.

2- ارائه ملکوت به ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 75 - 8,9,4,3,1

1_ خداوند سلطنت و مالکیت خویش (ملکوت) بر آسمانها و زمین را به ابراهیم(ع) نمایاند.

و کذلک نری إبرهیم ملکوت السموت و الأرض

«ملکوت» به معنای «ملک» است؛ اگر چه تأکید بیشتری در معنا دارد. مراد از ملکوت در آیه شریفه وجود اشیا از جهت انتسابشان به خداوند و مشاهده ملکوت، رؤیت موجودات با این کیفیت است. برای توضیح بیشتر به تفسیر المیزان مراجعه شود.

3_ ابراهیم(ع) به دلیل مشاهده ملکوت آسمانها و زمین بت پرستی را گمراهی آشکاری می دید.

ینی أریک و قومک فی ضلل مبین. و کذلک نری إبرهیم

جمله «و کذلک نری» احتمالا در صدد بیان سبب و زمینه گفته های ابراهیم(ع) در آیه قبل است.

4_ ورود ابراهیم(ع) در زمره اهل یقین، برجسته ترین هدف نمایاندن ملکوت (سلطنت و مالکیت خداوند) آسمانها و زمین به او بوده است.

و کذلک نری إبرهیم ملکوت السموت و الأرض و لیکون من الموقنین

جمله «و لیکون...» عطف بر محذوف است. یعنی ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) برای مقاصدی بوده و از آن جمله اینکه وی از اهل یقین باشد. بیان این هدف از میان اهداف دیگر، نشانه برجسته بودن و اهمیت آن است.

8 _ عن أبي جعفر(ع): «و كذلك نرى إبراهيم ملكوت السماوات و الأرض» قال: اعطى بصره من القوه ما نفذ السموات فرأى ما فيها و رأى العرش و ما فوقه و رأى ما فى الأرض و ما تحتها.

امام باقر(ع) درباره «و كذلك نرى . . .» فرمود: خداوند چنان قوتی به بینایی و بصیرت ابراهیم(ع) داد که آسمانها و آنچه در آنها بود، مشاهده کرد و عرش و مافوق آن و زمین و آنچه را زیر آن بود دید.

9 _ عن أبي عبدالله(ع): . . . نظر (إبراهيم) إلى الزهره فى السماء فقال: «هذا ربي» فلما افلت . . . قال: «لا احب الآفلين» فلما نظر إلى المشرق رأى و قدر طلع القمر قال: «هذا ربي» . . . فلما تحرك و زال قال: «لئن لم يهدنى ربي لأكونن من القوم الضالين» فلما اصبح و طلعت الشمس . . . قال: «هذا ربي» . . . فلما تحركت و زالت كشف الله له عن السموات حتى رأى العرش و من عليه و اراه الله ملكوت السماوات و الأرض . . .

از امام صادق(ع) روایت شده است: . . . ابراهیم(ع) به ستاره زهره در آسمان نظر افکند و گفت: «این پروردگار من است» و هنگامی که غروب کرد . . . گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم» و هنگامی که به مشرق نگرست ماه را در حال بر آمدن دید گفت: «این پروردگار من است» . . . چون به حرکت درآمد و محو شد، گفت: «اگر پروردگارم مرا هدایت نکند حتماً از گمراهان خواهم بود.» چون صبح شد و خورشید بر آمد . . . گفت: «این پروردگار من است» . . . وقتی که به حرکت در آمد و محو شد، خداوند برای او آسمانها را نمایان کرد تا اینکه عرش و ساکنان آن را مشاهده نمود و خدا ملکوت آسمانها و زمین را به او نمایاند . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 14

14 _ عن أبي عبدالله(ع): . . . كشف الله له (إبراهيم) عن السموات حتى رأى العرش و من عليه و اراه الله ملكوت السموات و الأرض فعند ذلك «قال يا قوم إني برىء مما تشركون» . . .

از امام صادق(ع) روایت شده است: . . . خداوند برای ابراهیم(ع) آسمانها را نمایان کرد تا اینکه عرش و ساکنان آن را مشاهده نمود و خدا ملکوت آسمانها و زمین را به او نمایاند، در این هنگام گفت: «ای قوم من، از آنچه شریک خدا می دانید، بیزارم» . . .

3- ارائه ملکوت به محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 22

22- «عن ثابت بن دينار قال : سألت زين العابدين (ع) : . . . عن الله . . . فلم أسرى بنبيّه محمد (صلی الله علیه و آله) إلى السماء؟ قال : ليريه ملكوت السماوات و ما فيها من عجائب صنعه و بدايع خلقه . . .» ;

ثابت بن دينار گوید: از امام سجاده(ع) پرسیدم: . . . چرا خداوند پیامبرش محمد(صلی الله علیه و آله) را به آسمانها برد؟ حضرت فرمود: برای اینکه ملکوت آسمانها و عجایب و پدیده های خلقت خود را _ که در آسمانهاست _ به او نشان دهد...».

4- تفکر در ملکوت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 470

13 _ دقت و تفکر در ملکوت آسمان ها و زمین و دیگر آفریده ها ، بهترین وسیله برای ایمان به خدای یگانه و روز قیامت

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «بعده» به استدلالی که از «أولم ینظروا» فهمیده می شود، برگردانده شود. بر این مبنا «باء» در «بأی» سببیه است. یعنی اگر جهان آفرینش از آن جهت که نیازمند آفریننده است نتواند آدمی را به خدای یگانه مؤمن کند، کدامین دلیل توان اثبات آن را دارد؟

14 _ آنان که از طریق اندیشه در ملکوت آسمان ها و زمین (نیاز جهان هستی به مالک و هستی بخش) هدایت نشوند ، هیچ دلیلی دیگر نمی تواند آنان را هدایت کند .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

توضیح برداشت پیش راهنمای این برداشت است.

5- تفکر در ملکوت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 _ دقت و تفکر در ملکوت آسمان ها و زمین و دیگر آفریده ها ، بهترین وسیله برای ایمان به خدای یگانه و روز قیامت

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «بعده» به استدلالی که از «أولم ینظروا» فهمیده می شود، برگردانده شود. بر این مبنا «باء» در «بأی» سببیه است. یعنی اگر جهان آفرینش از آن جهت که نیازمند آفریننده است نتواند آدمی را به خدای یگانه مؤمن کند، کدامین دلیل توان اثبات آن را دارد؟

14 _ آنان که از طریق اندیشه در ملکوت آسمان ها و زمین (نیاز جهان هستی به مالک و هستی بخش) هدایت نشوند ، هیچ دلیلی دیگر نمی تواند آنان را هدایت کند .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

توضیح برداشت پیش راهنمای این برداشت است.

6- تفکر در ملکوت موجودات

13_ دقت و تفکر در ملکوت آسمان ها و زمین و دیگر آفریده ها ، بهترین وسیله برای ایمان به خدای یگانه و روز قیامت

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «بعده» به استدلالی که از «أولم یظروا» فهمیده می شود، برگردانده شود. بر این مبنا «باء» در «بأی» سببیه است. یعنی اگر جهان آفرینش از آن جهت که نیازمند آفریننده است نتواند آدمی را به خدای یگانه مؤمن

ص: 471

کند، کدامین دلیل توان اثبات آن را دارد؟

7- رؤیت ملکوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 75 - 2

2_ مشاهده ملکوت، عیان دیدن بطلان و ضلالت شرک و لمس توحید در جهان هستی است.

ینی اریک و قومک فی ضلل مبین. و کذلک نری ابرهیم ملکوت السموت

8- رؤیت ملکوت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 79 - 9

9_ تفکر در پدیده ها و گذر از افول و زوال پذیری آنان به سوی یگانه زوال ناپذیر، رؤیت ملکوت جهان است.

و کذلک نری ابرهیم... لا أحب الأفلین... ینی وجهت وجهی للذی

آیات 76 تا 79 تفصیل «کذلک نری» می تواند باشد. یعنی این سیر_ که سیری عقلانی و فکری است_ همان رؤیت ملکوت است.

9- فلسفه رؤیت ملکوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 75 - 4

4_ ورود ابراهیم(ع) در زمره اهل یقین، برجسته ترین هدف نمایاندن ملکوت (سلطنت و مالکیت خداوند) آسمانها و زمین به او بوده است.

و کذلک نری ابرهیم ملکوت السموت و الأرض و لیکون من الموقنین

جمله «و لیکون...» عطف بر محذوف است. یعنی ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) برای مقاصدی بوده و از آن جمله اینکه وی از اهل یقین باشد. بیان این هدف از میان اهداف دیگر، نشانه برجسته بودن و اهمیت آن است.

10- ملکوت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - ابراهيم (ع) به دليل مشاهده ملكوت آسمانها و زمين بت پرستی را گمراهی آشکاری می دید.

ص: 472

ینی اُرَیک و قومک فی ضلل مبین. و کذلک نری ابرهیم

جمله «و کذلک نری» احتمالاً در صدد بیان سبب و زمینه گفته های ابراهیم(ع) در آیه قبل است.

4_ ورود ابراهیم(ع) در زمره اهل یقین، برجسته ترین هدف نمایانیدن ملکوت (سلطنت و مالکیت خداوند) آسمانها و زمین به او بوده است.

و کذلک نری ابرهیم ملکوت السموت و الأرض و لیکون من الموقنین

جمله «و لیکون . . .» عطف بر محذوف است. یعنی ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) برای مقاصدی بوده و از آن جمله اینکه وی از اهل یقین باشد. بیان این هدف از میان اهداف دیگر، نشانه برجسته بودن و اهمیت آن است.

11- ملکوت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 75 - 3,4

3_ ابراهیم(ع) به دلیل مشاهده ملکوت آسمانها و زمین بت پرستی را گمراهی آشکاری می دید.

ینی اُرَیک و قومک فی ضلل مبین. و کذلک نری ابرهیم

جمله «و کذلک نری» احتمالاً در صدد بیان سبب و زمینه گفته های ابراهیم(ع) در آیه قبل است.

4_ ورود ابراهیم(ع) در زمره اهل یقین، برجسته ترین هدف نمایانیدن ملکوت (سلطنت و مالکیت خداوند) آسمانها و زمین به او بوده است.

و کذلک نری ابرهیم ملکوت السموت و الأرض و لیکون من الموقنین

جمله «و لیکون . . .» عطف بر محذوف است. یعنی ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) برای مقاصدی بوده و از آن جمله اینکه وی از اهل یقین باشد. بیان این هدف از میان اهداف دیگر، نشانه برجسته بودن و اهمیت آن است.

12- ملکوت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 6

6_ کفرپیشگان به خاطر تفکر نکردن در جنبه ملکوتی موجودات برای پی بردن به معارف الهی (ت_وحید، قیامت و . . .) سزاوار سرزنش هستند .

أولم ينظروا في ملكوت السموت و الأرض و ما خلق الله من شيء

استفهام در جمله «أولم ينظروا . . . » انكار توييخي است.

ص: 473

1- آثار هوشیاری ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 41 - 3

3 - نقش تیزهوشی ملکه سبا، در نحوه موضع گیری و تصمیم سلیمان (ع) در قبال وی

ننظر أتهتدی أم تكون من الذین لایهتدون

اهمیت پی بردن به میزان هوش بلقیس، می تواند از آن جهت باشد که نحوه موضع گیری سلیمان(ع) را در قبال وی مشخص سازد.

2- آصف بن برخیا و تخت ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 1

1 - اعلام آمادگی فردی از درباریان سلیمان برای آوردن تخت بلقیس در کمتر از یک طرفه العین

قال الذی . . . أناءاتیک به قبل أن یرتد إلیک طرفک

3- آورنده تخت ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 8

8 - اقدام آصف بن برخیا به حاضر ساختن تخت بلقیس در برابر سلیمان (ع)

فلما رءاه مستقرأ عنده

از تعبیر «فلما رآه..» استفاده می شود که سلیمان(ع) به آصف بن برخیا اجازه اعمال قدرت داد و او تخت را همان گونه که ادعا

کرده بود، حاضر ساخت.

4- احساس خطر ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 5

5- احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أفتونی فی امری ما کنت قاطعه أمراً حتّی تشهدون

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

5- احضار تخت ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 39 - 1

1 - اعلام آمادگی عفريتی از جنیان ، برای حاضر ساختن تخت بلقیس ، پیش از برخاستن سلیمان از مسند خویش

قال عفريت من الجنّ أنا اتيك به قبل أن تقوم من مقامك

«مقام» اسم مکان از «قام بالأمر» است؛ یعنی، «قبل أن تقوم من مجلسك الذی تجلس فيه لأمر الحکومه». گفته شده که سلیمان هر روز صبح تا ظهر برای انجام کارها و اداره امور مملکت بر مسند می نشست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 27، 9، 2، 1

1 - اعلام آمادگی فردی از درباریان سلیمان برای آوردن تخت بلقیس در کمتر از یک طرفه العین

قال الذی . . . أنا اتيك به قبل أن یرتدّ إلیک طرفک

2 - آصف بن برخیا (آورنده تخت بلقیس) دارای بخشی از علم به کتاب (لوح محفوظ)

قال الذی عنده علم من الکتب أنا اتيك به قبل أن یرتدّ إلیک طرفک

عبارت «علم من الكتاب» _ با توجه به نکره بودن «علم» _ به معنای آگاهی داشتن به گوشه ای از دانش کتاب می باشد. گفتنی است که بر طبق روایات، آورنده تخت بلقیس آصف بن برخیا، وصی و وزیر سلیمان(ع) بوده است و مراد از «کتاب» _ بنابر گفته برخی از مفسران _ لوح محفوظ است.

9- سپاس سلیمان (ع) به درگاه خدا، پس از مشاهده تخت بلقیس در برابر خود

فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي

کلمه «ه_ذا» می تواند اشاره به حضور تخت داشته باشد. بر این مبنا عبارت «ه_ذا من فضل ربّی»؛ یعنی، این حضور تخت در

ص: 475

کمتر از طرفه العین در نزد من، فضلی از جانب پروردگار است. هم چنین می تواند اشاره به قدرتی باشد که توانست آن را در کمتر از طرفه العینی حاضر سازد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال اول است.

27 - « عن أبي جعفر (ع) قال : إنَّ اسمَ اللهِ الأعظمِ علی ثلاثه و سبعین حرفاً و إنّما کان عند آصف منها حرف واحد فتكلّم به فحسّف بالأرض ما بینه و بین سریر بلقیس حتّی تناول السریر بیده ثمّ عادت الأرض كما كانت أسرع من طرفه عین ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که اسم اعظم الهی دارای 73 حرف است و آنچه آصف بن برخیا داشت تنها یک حرف از آن بود که با به زبان آوردن آن حرف، زمین در فاصله بین او و تخت بلقیس فرو رفت تا آن که آصف دست برد و تخت بلقیس را گرفت. سپس زمین به حالت اولیه اش که داشت برگشت و این کار سریع تر از یک چشم برهم زدن انجام گرفت».

6- اطاعت از ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 33 - 4

4 - اظهار آمادگی درباریان سبا برای پذیرش هرگونه تصمیم ملکه ، در عین آمادگی برای نبرد

قالوا نحن أولوا قوه . . و الأمر إليك

درباریان سبا با این که آمادگی خود را برای نبرد یادآور شدند، در عین حال کار تصمیم گیری را به خود ملکه واگذار کردند.

7- اطمینان به ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 33 - 1

1 - اطمینان بخشی درباریان سبا به فرمانروای خود (بلقیس) نسبت به آمادگی کامل نظامی برای دفاع از کشور

قالوا نحن أولوا قوه و أولوا بأس شدید

8- اقرار ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 43 - 2

2 - تعلق بلقیس به جامعه شرک و کفر ، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

وَأوتينا العلم من قبلها وكنّا مسلمين . وصدّها... إنّها كانت من قوم كـفرين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضیح این نکته باشد که چرا بلقیس علی رغم علم و اذعان قلبی خود، پیش از این رسماً تسلیم سلیمان(ع) نشده و به یکتاپرستی نگروده بود.

ص: 476

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 15، 14، 9

9 - پی بردن و اعتراف بلقیس به گذشته نادرست و کفرآمیز خویش پس از مشاهده یکی دیگر از جلوه های قدرت خارق العاده سلیمان (ع)
(

فلما رآته .. قالت ربّ ائنی ظلمت نفسی

مطلب یاد شده از آن جا است که ملکه سبا بی آنکه توضیحی اضافی برای او داده شود صرفاً با مشاهده امور شگفتی چون تخت و صحن شیشه ای، بی تأمل اظهار ایمان کرد.

14 - توحید ناب و بی شائبه سلیمان (ع) و تسلیم بودن او در برابر خدای یگانه ، مورد اذعان و اعتراف بلقیس

و أسلمت مع سلیمِنَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

15 - اعتراف بلقیس به ربوبیت یگانه خدا بر جهانیان

و أسلمت مع سلیمِنَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

9- التجای ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 12

12 - التجای بلقیس به ربوبیت خدا برای جبران گذشته شرک آلود خویش

قالت ربّ ائنی ظلمت نفسی

10- امتحان ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 41 - 1

1 - فرمان سلیمان به دگرگون ساختن آرایش تخت بلقیس برای آزمودن هوش وی

قال نكروا لها عرشها ننظر أتهتدي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آزموده شدن بلقیس در آغاز ورود به دربار سلیمان به وسیله تخت تغییر یافته اش

فلما جاءت قیل أه_ کذا عرشک

ظاهر آیه دلالت بر این دارد که پرسش از بلقیس، در آغاز و قبل از هر چیز دیگر صورت گرفته است.

ص: 477

11- امکانات مادی ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 23 - 2

2 - ملکه سبا ، برخوردار از همه گونه امکانات و توانایی ها در حکومت و دارای تختی عظیم و مسندی چشمگیر

وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ

12- اوامر ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 33 - 4

4 - اظهار آمادگی درباریان سبا برای پذیرش هرگونه تصمیم ملکه ، در عین آمادگی برای نبرد

قَالُوا نَحْنُ أَوْلَىٰ قُوَّةً . . . وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ

درباریان سبا با این که آمادگی خود را برای نبرد یادآور شدند، در عین حال کار تصمیم گیری را به خود ملکه واگذار کردند.

13- ایمان ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 5،7

5 - اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او ، قبل از رسیدن به دربار وی

وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ

ضمیر «من قبلها» به آیه و بینه برمی گردد که از عمل خارق العاده دربار سلیمان به دست می آید.

7 - اطلاع قبلی ملکه سبا از حقانیت و مقام سلیمان (ع) با گزارش سفیران خویش

وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ

«من قبلها» ظاهراً اشاره به زمانی دارد که سفیران ملکه سبا هدایا را بازگرداندند و ویژگی های سلیمان(ع) و دربار او را باز گفتند.

14- بی اعتنایی به هدیه ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 4

4 - بی اعتنائی سلیمان (ع) نسبت به هدایای ملکه سبا و اظهار بی نیازی از آن

قال أتمدونن بمال

ص: 478

15- بینش ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 2

2 - جلوه عظمت و گران سنگی نامه سلیمان و پیام آن در نظر ملکه سبا (بلقیس)

قالت يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكَ كِتَابٌ كَرِيمٌ

«کریم»، صفت «کتاب» و به معنای گران مایه است. «کتاب کریم»؛ یعنی، نامه ای عظیم و گران سنگ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 4،7

4 - تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إِنَّ الْمَلُوكَ ... وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

7 - برداشت ملکه سبا از شخصیت سلیمان (ع) ، به عنوان پادشاهی از پادشاهان

قالت إِنَّ الْمَلُوكَ ... وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 10

10 - توجه بلقیس به هدف الهی و توحیدی سلیمان (ع) ، از نمایاندن امور شگفت به وی

قيل لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ ... قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ ... قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي

16- پشیمانی ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 12

12 - التجای بلقیس به ربوبیت خدا برای جبران گذشته شرک آلود خویش

قالت رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي

17- تخت ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 23 - 2

2 - ملکه سبا ، برخوردار از همه گونه امکانات و توانایی ها در حکومت و دارای تختی عظیم و مسندی چشمگیر

ص: 479

وَأوتيت من كل شيء ولها عرش عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 41 - 4

4 - استفاده سلیمان (ع) از امکانات خود بلقیس ، برای ارائه معجزه به وی و هدایت او

قال نكروا لها عرشها. .. من الذين لايهتدون

برخی برآند که «أتهتدى. ..» به تقدیر «أتهتدى إلى الإيمان بالله ورسوله» می باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

18- تدبیر ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 33 - 5

5 - نفوذ عمیق ملکه سبا در درباریان و پذیرش تدبیر و قدرت فکری وی از سوی آنان

و الأمر إليك فانظري ماذا تأمرين

از نحوه برخورد بلقیس با عناصر اصلی نظام خود و نیز تصمیم های بعدی وی و وانهادن شدن رأی نهایی به او از سوی درباریان، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 2

2 - پی آمد های شوم جنگ برای مردم و حکومت ، دلیل تمایل بلقیس به روش های مسالمت آمیز

قالت إن الملوک إذا دخلوا قرية أفسدوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 1

1 - تدبیر ملکه سبا در فرستادن هدیه ای بزرگ برای سلیمان (ع)

وإني مرسله إليهم بهديّة

بزرگی هدیه از نکره آمدن آن استفاده می شود.

19- تسلیم ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 38 - 3

3 - عزم ملکه سبا بر تسلیم شدن در برابر سلیمان (ع)، پس از رد هدایای وی

ص: 480

قبل أن يأتوني مسلمين

از سخنان سلیمان و تعبیر «قبل أن یأتونی مسلمین» استفاده می شود که بلقیس مصمم بر تسلیم شده بود و سلیمان از قبل آن را می دانست.

20- تغییر تخت ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 3, 2

2- آزموده شدن بلقیس در آغاز ورود به دربار سلیمان به وسیله تخت تغییر یافته اش

فلما جاءت قیل أه_ کذا عرشک

ظاهر آیه دلالت بر این دارد که پرسش از بلقیس، در آغاز و قبل از هر چیز دیگر صورت گرفته است.

3- فراست بلقیس در بازشناسی تخت تغییر یافته خویش

قالت کأئه هو

نحوه پاسخ بلقیس، نشان دهنده فراست او است؛ زیرا نه تصریح کرد که آن اریکه، تخت او است و نه شباهت زیاد آن را با تخت خویش مخفی داشت.

21- تلاش برای تسلیم ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 37 - 5

5- سلیمان در تلاش مدام، برای به تسلیم واداشتن دربار سبا، قبل از وقوع جنگ

فلنأتیئهم بجنود... و هم ص_ غرون

لحن شدید و تهدیدآمیز سلیمان(ع)، نشانگر آن است که وی تلاش می کرده تا کار به جنگ و خونریزی نینجامد؛ چه این که اگر او صرفاً مصمم بر جنگ بود، هشدارهای قبلی خلاف منطق جنگ به شمار می آمد.

22- توصیه به ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - راه ندادن اندیشه سرکشی به خود و آمدن و تسلیم شدن ، فرمان سلیمان (ع) به ملکه سبا و درباریان وی

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ

«علو» (مصدر «تعلوا») به معنای استکبار و برتری جویی است. «اتیان» (مصدر «اتتونی») نیز به معنای حاضر شدن و «اسلام»

ص: 481

(مصدر «مسلمین») معادل «تسلیم» و «انقیاد» است. آیه یاد شده حاوی سه فرمان است: الف) بر من برتری نجوید. ب) نزد من بیایید. ج) تسلیم دستورات من باشید.

23- تهدید ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 37 - 1,3

1 - رد هدیه ملکه سبا از سوی سلیمان (ع) و فرمان وی مبنی بر بازگشت سفیر به سوی بلقیس با پیام جنگ

ارجع إلیهم فلنأتینهم بجنود

سیاق آیات نشانگر این نکته است که سلیمان(ع) هدیه را نپذیرفت و به آنان برگرداند.

3 - هشدار سلیمان (ع) به دربار سبا درباره پی آمد های ناگوار جنگ (تبعید، آوارگی، ذلت و خواری)

و لنخرجنهم منها أذله و هم صـ غرون

«أذله» جمع «ذلیل» و حال برای ضمیر «هم» است؛ یعنی، آنان را از آن سرزمین همراه با ذلت و خواری اخراج خواهیم کرد. عبارت «هم صاغرون» به تقدیر «هم صاغرون فیها» است؛ یعنی، و در آن سرزمین، بیگانه، حقیر و آواره خواهند بود.

24- حاکمیت ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 3

3 - ملکه سبا، تصمیم گیرنده نهایی درباره امور مملکت خویش

أفتونی فی امری

ملکه تصمیم گیری را «امر» خود دانسته است، نه درباریان.

25- حکومت ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 23 - 1

1 - اخبار هدهد از فرمانروایی یک زن بر مردم سرزمین سبا

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ

«مُلْكٌ» (مصدر «تَمْلِكُهُمْ») به معنای حکومت و فرمانروایی است؛ یعنی، زنی را یافتم که بر آنان حکمرانی می کند.

ص: 482

26- خطای بینایی ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 5, 4, 2

2 - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبیگری ژرف در نظر بلقیس

فلما رآته حسبته لجه

«لجه» معادل برکه، آبیگر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبیگری است پر از آب.

4 - بلقیس ، برای عبور از آبیگینه های آب نما ، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد .

فلما رآته حسبته لجه و كشفت عن ساقیها

5 - سلیمان (ع) ، ناظر عكس العمل بلقیس ، در مواجهه با آبیگینه های آب نما

و كشفت عن ساقیها قال إنه صرح

مراد از ضمیر فاعل در «قال» سلیمان(ع) می باشد.

27- خورشیدپرستی ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 24 - 1

1 - ملکه سبا و قوم وی ، مردمی مشرک و خورشیدپرست

وجدتها و قومها یسجدون للشمس من دون الله

28- درخواست احضار تخت ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 38 - 2

2 - پرسش سلیمان از قدرت دربارانش برای آوردن تخت بلقیس

قال یٰـ اَیُّهَا الْمَلَأُوا اَیُّکُمْ یَاتِیْنِی بَعْرِشِہَا

29- دعوت از ملکہ سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 5

5- فراخوانی دربار سبا از سوی سلیمان برای تسلیم شدن در برابر خدای یگانه

ص: 483

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . . . وَاَتُوْنِیْ مُسْلِمِیْنَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مراد از «مسلمین» (به قرینه «بِسْمِ اللّٰهِ . . .») و نیز آیه 44 (أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلّٰهِ) تسلیم شدن در برابر خدا باشد؛ یعنی، «وَأَتُوْنِیْ مُسْلِمِیْنَ لِلّٰهِ».

30- دلداری به ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 33 - 1

1 - اطمینان بخشی درباریان سبا به فرمانروای خود (بلقیس) نسبت به آمادگی کامل نظامی برای دفاع از کشور

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأَوْلُوا بِأَسِّ شَدِيدٍ

31- رد هدیه ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 37 - 1

1 - رد هدیه ملکه سبا از سوی سلیمان (ع) و فرمان وی مبنی بر بازگشت سفیر به سوی بلقیس با پیام جنگ

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ

سیاق آیات نشانگر این نکته است که سلیمان(ع) هدیه را نپذیرفت و به آنان برگرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 38 - 3

3 - عزم ملکه سبا بر تسلیم شدن در برابر سلیمان (ع)، پس از رد هدایای وی

قَبْلِ أَنْ يَأْتُوْنِیْ مُسْلِمِیْنَ

از سخنان سلیمان و تعبیر «قبل أن یأتونی مسلمین» استفاده می شود که بلقیس مصمم بر تسلیم شده بود و سلیمان از قبل آن را می دانست.

32- رفع خطای بینایی ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجه . . . قال إنه صرح ممرّد من قواریر

ص: 484

33- روش برخورد ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 4, 5, 1

1 - نظرخواهی بلقیس از درباریان خود، درباره چگونگی پاسخ به سلیمان (ع)

قالت يَأَيُّهَا الْمَلَأُوا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي

«إفتاء» (مصدر «أفتوني») به معنای اظهار نظر است. «أفتوني في أمری»; یعنی، نظرتان را در این که باید چه کار انجام دهم، بیان کنید.

2 - برخورد جدی ملکه سبا با نامه سلیمان و عدم تردید وی در صحت آن

قالت يَأَيُّهَا الْمَلَأُوا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي

در عبارات بلقیس، کلامی که حاکی از تردید باشد مشاهده نمی شود؛ بلکه اقدام وی به مشاوره درباره محتوای نامه، نشانگر اطمینان او است.

4 - مشورت با بزرگان دربار، قبل از تصمیم گیری نهایی در امور کشور، شیوه همیشگی ملکه سبا

أفتوني في أمری ما كنت قاطعه أمراً حتى تشهدون

«قطع» (مصدر «قاطع») در اصل به معنای بریدن و در این جا کنایه از عزم و تصمیم است. «أمراً» نکره در سیاق نفی و مفید عموم می باشد. «شهاده» (مصدر «تشهدون») معادل حضور است؛ یعنی، من تاکنون جز با حضور شما در هیچ کاری تصمیم نگرفتم.

5 - احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أفتوني في أمری ما كنت قاطعه أمراً حتى تشهدون

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

34- روش هدایت ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 41 - 4

4- استفاده سلیمان (ع) از امکانات خود بلقیس ، برای ارائه معجزه به وی و هدایت او

قال نكروا لها عرشها .. من الذين لا يهتدون

برخی برآند که «أتهتدى..» به تقدیر «أتهتدى إلى الإيمان بالله ورسوله» می باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

ص: 485

35- سلطه ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 33 - 5

5 - نفوذ عمیق ملکه سبا در درباریان و پذیرش تدبیر و قدرت فکری وی از سوی آنان

و الأمر إليك فانظري ماذا تأمرين

از نحوه برخورد بلقیس با عناصر اصلی نظام خود و نیز تصمیم های بعدی وی و وانهادن شدن رأی نهایی به او از سوی درباریان، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

36- سلیمان (ع) و ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 2

2 - برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا، قاطع، آمرانه و از موضع قدرت بود.

ألا تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 5,6

5 - سلیمان (ع)، ناظر عکس العمل بلقیس، در مواجهه با آگینه های آب نما

و کشفتم عن ساقیها قال إنه صرح

مراد از ضمیر فاعل در «قال» سلیمان(ع) می باشد.

6 - اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجه . . . قال إنه صرح ممرد من قواریر

37- شرک ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ملکہ سبا و قوم وی ، مردمی مشرک و خورشیدپرست

وجدتها و قومها یسجدون للشمس من دون اللّٰه

ص: 486

38- صلح طلبی ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 2

2- پی آمد های شوم جنگ برای مردم و حکومت ، دلیل تمایل بلقیس به روش های مسالمت آمیز

قالت إنّ الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها

39- عزت طلبی ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 5

5- دلپستگی بلقیس به آبادی سرزمین و عزت و سربلندی مردم خویش

قالت إنّ الملوک .. و جعلوا أعزّه أهلها أدلّه

علت آوردن بلقیس برای پرهیز از جنگ، نشانگر اهتمام او در حفظ آبادی سرزمین و عزت جامعه خویش است.

40- عظمت هدیه ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 5

5- هدیه ملکه سبا ، هدیه ای چشمگیر و پرب ها بود .

قال أتمدّونن بمال

از تعبیر «أتمدّونن بمال» استفاده می شود که هدیه، فی نفسه دارای جاذبه کافی برای هر پادشاه مقتدری بوده است؛ اما در چشم سلیمان پیامبر(ع) جایی نداشته است.

41- علایق ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 5

5 - دلپستگى بلقيس به آبادى سرزمين و عزت و سربلندى مردم خویش

قالت إنّ الملوک . . . و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

علت آوردن بلقيس برای پرهیز از جنگ، نشانگر اهتمام او در حفظ آبادی سرزمین و عزت جامعه خویش است.

ص: 487

42- علم سلیمان (ع) به تسلیم ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 38 - 4

4- آگاهی یافتن سلیمان (ع) از تصمیم بلقیس مبنی بر تسلیم شدنش در برابر وی

قال یٰـایّها الملؤا . . . قبل أن یأتونی مسلمین

43- علم ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 5

5- اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او، قبل از رسیدن به دربار وی

وَأوتینا العلم من قبلها و کنا مسلمین

ضمیر «من قبلها» به آیه و بینه برمی گردد که از عمل خارق العاده دربار سلیمان به دست می آید.

44- عوامل تعجب ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 8

8- صحن شیشه ای آب نما، یکی دیگر از نشانه های شگفت سلیمان (ع) برای بلقیس

قیل لها ادخلی الصرح . . . و کشف عن ساقیها قال إنه صرح ممرد من قواریر

45- عوامل مؤثر در ایمان ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 43 - 5

5- تأثیر عمیق تدبیر سلیمان (ع) در فاصله گرفتن بلقیس از آیین شرک آلود خویش

فلما جاءت . . . و کنا مسلمین . و صدّها . . . إنها کانت من قوم کفرین

از ارتباط آیه یاد شده با آیات پیش استفاده می شود که تدبیر سلیمان(ع) باعث شد که بلقیس از شر رفتار شرک آلود خود رهایی یابد و به دامن توحید و یکتاپرستی بازگردد؛ و گرنه بر اثر خو گرفتن به عادات قوم خود، همچنان در گمراهی می ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 13

ص: 488

13 - راه یافتن بلقیس به توحید و تسلیم در برابر خدای یگانه با راهنمایی و مدد سلیمان (ع)

وَأَسْلَمَتْ مَعَ سَلِيمٍ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

تصریح بلقیس به «مع سلیمان» از یک سو به توحید خالص و بی شائبه همانند توحید سلیمان اشاره دارد و از سوی دیگر افاده می کند که سلیمان(ع) در راهیابی او به حق نقش داشته است.

46- فرستادگان ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 4

4 - همراهی هیأتی از فرستادگان بلقیس با هدیه او به سوی سلیمان (ع)

فَنَظَرَهُ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ

تعبیر «مرسلون» با صیغه جمع، نشان دهنده رفتن هیأتی از نمایندگان همراه هدیه او به سوی سلیمان(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 1

1 - حضور سفیر ملکه سبا همراه با هدایا در نزد سلیمان (ع)

فَلَمَّا جَاءَ سَلِيمٌ

از تعبیر «جاء» به صورت مفرد، استفاده می شود که تنها یکی از نمایندگان بلقیس (با این که آنان متعدد بودند) برای تقدیم هدایا به دربار سلیمان(ع) باریافت. گفتمی است که جمله «ارجع إليهم» _ که خطاب به یک فرد است _ مطلب فوق را تأیید می کند. بنابراین احتمال این که مراد از ضمیر «جاء» مال باشد _ چنان که برخی از مفسران گفته اند _ تضعیف می شود.

47- فلسفه احضار تخت ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 38 - 5

5 - سلیمان (ع) ، مصمم بر نمایاندن قدرت فوق العاده خود به ملکه سبا ، با احضار تخت او

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بَعْرُشَهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 4

4- درک سریع بلقیس نسبت به هدف سلیمان (ع) در احضار اعجازگونه تخت وی

قالت کأنه هو و أوتینا العلم من قبلها

بلقیس پس از شناخت اریکه خویش، بدون تأمل گفت: آنچه را که سلیمان(ع) با این کار می خواهد به ما بفهماند، ما خود از قبل

ص: 489

فهمیده ایم.

48- فلسفه تغییر تخت ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 41 - 1

1 - فرمان سلیمان به دگرگون ساختن آرایش تخت بلقیس برای آزمودن هوش وی

قال نكروا لها عرشها ننظر أتهتدى

49- فلسفه هدیه ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 2

2 - هدف بلقیس از ارسال هدیه برای سلیمان (ع)، آزمون وی و مشاهده بازتاب آن بود.

وإني مرسله إليهم بهديّة فناظرة بم يرجع المرسلون

50- فهم ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 4

4 - درک سریع بلقیس نسبت به هدف سلیمان (ع) در احضار اعجازگونه تخت وی

قالت كآئه هو و أوتينا العلم من قبلها

بلقیس پس از شناخت اریکه خویش، بدون تأمل گفت: آنچه را که سلیمان(ع) با این کار می خواهد به ما بفهماند، ما خود از قبل فهمیده ایم.

51- گزارش فرستادگان ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 5

5 - هیأت نمایندگان سبأ ، مأمور گزارش کردن نقطه نظر های جدید سلیمان (ع) به دربار

فناظره بِمَ يرجع المرسلون

ص: 490

52- محدودہ علم ملکہ سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 3

3 - عدم اطلاع بلقیس از مشخصات آورنده نامه سلیمان

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ

مجهول آمدن فعل «ألقى» نشانگر آن است که هدهد، نامه سلیمان را طوری به سوی ملکه انداخت که کسی متوجه او نشد.

53- مسؤلیت فرستادگان ملکہ سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 5

5 - هیأت نمایندگان سبا، مأمور گزارش کردن نقطه نظر های جدید سلیمان (ع) به دربار

فناظره بِمَ يَرْجِع الْمُرْسَلُونَ

54- مشاوران ملکہ سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 5

5 - مشاوران دربار بلقیس، عناصری برجسته و صاحب مقام

قالت يَأْتِيهَا الْمَلَأُوا

واژه «ملأ» به عناصر چشم پرکن و شخصیت های برجسته گفته می شود.

55- مشاوره در حکومت ملکہ سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 4

4 - مشورت با بزرگان دربار، قبل از تصمیم گیری نهایی در امور کشور، شیوه همیشگی ملکه سبا

أفتونى فى أمرى ما كنت قاطعه أمراً حتى تشهدون

«قطع» (مصدر «قاطع») در اصل به معنای بریدن و در این جا کنایه از عزم و تصمیم است. «أمراً» نکره در سیاق نفی و مفید عموم می باشد. «شهاده» (مصدر «تشهدون») معادل حضور است؛ یعنی، من تاکنون جز با حضور شما در هیچ کاری تصمیم نگرفتم.

ص: 491

56- مشاوره ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 4

4 - اقدام بلقیس به در میان گذاشتن خبر نامه سلیمان با درباریان خود

قالت یاأیها الملأا ائی ألقى إلیّ کت ب کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 1

1 - نظرخواهی بلقیس از درباریان خود، درباره چگونگی پاسخ به سلیمان (ع)

قالت یاأیها الملأا أفتونی فی امری

«إفتاء» (مصدر «أفتونی») به معنای اظهار نظر است. «أفتونی فی امری»؛ یعنی، نظرتان را در این که باید چه کار انجام دهم، بیان کنید.

57- ملکه سبا در کاخ سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 1

1 - ورود ملکه سبا به بارگاه سلیمان

فلما جاءت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 4, 5, 1, 2

1 - اذن یافتن ملکه سبا برای ورود به صحن و سرای قصر سلیمان

قیل لها ادخلی الصرح

«صرح» به معنای قصر و نیز به معنای صحن و ساحت می آید. در آیه یاد شده به قرینه جمله بعد (حسبته لجه) معنای دوم (صحن) مراد است؛ زیرا اطلاق «لجه» بر قصر درست نمی نماید.

2 - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبگیری ژرف در نظر بلقیس

فلما رآته حسبه لجه

«لجه» معادل برکه، آبگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

4 - بلقیس ، برای عبور از آبگینه های آب نما ، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد .

ص: 492

فلما رآته حسبته لجه و كشفت عن ساقبها

5- سلیمان (ع) ، ناظر عكس العمل بلقیس ، در مواجهه با ابگینه های آب نما

و كشفت عن ساقبها قال إنه صرح

مراد از ضمیر فاعل در «قال» سلیمان(ع) می باشد.

58- ملکه سبا و پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 3

3 - اطلاع ملکه سبا از خصلت شاهان و فریفتگی آنان در برابر هدایا

و اتي مرسله اليهم بهديّة فناظره بم يرجع المرسلون

59- ملکه سبا و سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 1،2

1 - اقدام بلقیس به معرفی نویسنده نامه برای درباریان ، پیش از خواندن محتوای آن

إنه من سلیمـن

2 - آشنایی بلقیس و درباریان وی با شخصیت و موقعیت ممتاز سلیمان (ع)

إني ألقى إلیّ كتـب کریم . إنه من سلیمـن

جمله «إنه من سلیمان» ظاهراً تعلیل برای «کتاب کریم» است؛ یعنی، این که می گویم «مکتوبی گران مایه» این بدان سبب است که آن را شخصیتی چون سلیمان برای ما فرستاده است.

60- ملکه سبا و نامه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 2،5

2- برخورد جدی ملکه سبا با نامه سلیمان و عدم تردید وی در صحت آن

قالت يَأْتِيهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي

در عبارات بلقیس، کلامی که حاکی از تردید باشد مشاهده نمی شود؛ بلکه اقدام وی به مشاوره درباره محتوای نامه، نشانگر اطمینان او است.

5- احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

ص: 493

أفتونى فى أمرى ما كنت قاطعه أمراً حتى تشهدون

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

61- موانع ایمان ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 43 - 2

2- تعلق بلقیس به جامعه شرک و کفر ، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

وَأوتینا العلم من قبلها و کتا مسلمین . و صدّها... إنها کانت من قوم ک_فرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضیح این نکته باشد که چرا بلقیس علی رغم علم و اذعان قلبی خود، پیش از این رسماً تسلیم سلیمان(ع) نشده و به یکتاپرستی نگریده بود.

62- موانع هدایت ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 43 - 1

1 - محیط و عادت های شرک آلود ، مانع هدایت بلقیس به راه راست و یکتاپرستی در گذشته عمر وی

و صدّها ما کانت . . . إنها کانت من قوم ک_فرین

«صَدَّ» (مصدر «صَدَّ») به معنای منع و بازداشتن است. متعلق «صَدَّ» محذوف و به تقدیر «صَدَّها عن السبیل» می باشد. برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه یاد شده ناظر به پاسخ این پرسش باشد که بلقیس چرا پیش از این ماجرا (ماجرای میان او و سلیمان(ع)) با فراستی که داشت، از راه راست منحرف شده بود.

63- نامه به ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 1,2

1 - مأموریت هدهد از سوی سلیمان ، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکت بی هـ ذأ فآلقه إلیهم

«کتاب» معادل «مکتوب» و به معنای نامه است؛ یعنی، این نامه مرا ببر، آن گاه. ...

2- افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا، مأموریت هدهد از جانب سلیمان (ع)

ص: 494

اذهب بکت بی وذا فالقه إلیهم

«ها» ساکن در «ألقه» ها سکت و «إلقاء» (مصدر «ألقى») به معنای افکندن است؛ یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 1

1 - قرار گرفتن نامه سلیمان در اختیار ملکه سبا (بلقیس)

قالت یاأیها الملؤا إنی ألقى إلی کت ب کریم

64- نظام حکومتی ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 4

4 - مشورت با بزرگان دربار، قبل از تصمیم گیری نهایی در امور کشور، شیوه همیشگی ملکه سبا

أفتونی فی امری ما کنت قاطعه أمراً حتی تشهدون

«قطع» (مصدر «قاطعه») در اصل به معنای بریدن و در این جا کنایه از عزم و تصمیم است. «أمراً» نکره در سیاق نفی و مفید عموم می باشد. «شهاده» (مصدر «تشهدون») معادل حضور است؛ یعنی، من تاکنون جز با حضور شما در هیچ کاری تصمیم نگرفتم.

65- نقش فرستادگان ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 7

7 - اطلاع قبلی ملکه سبا از حقانیت و مقام سلیمان (ع) با گزارش سفیران خویش

وأتینا العلم من قبلها و کنا مسلمین

«من قبلها» ظاهراً اشاره به زمانی دارد که سفیران ملکه سبا هدایا را بازگرداندند و ویژگی های سلیمان (ع) و دربار او را باز گفتند.

66- نقش ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نقش زیربنایی ملکه سبا، در گرایش های عقیدتی مردم جامعه خویش

وجدتها و قومها یسجدون للشمس

ص: 495

جدا آمدن «وجدتها» از «قومها» و تقدّم نام ملکه بر قومش، اشاره به تأثیر رهبری آن سامان بر توده مردم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 3

3 - ملکه سبا ، تصمیم گیرنده نهایی درباره امور مملکت خویش

أفتونی فی امری

ملکه تصمیم گیری را «امر» خود دانسته است، نه درباریان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 33 - 6

6 - ملکه سبا ، تصمیم گیرنده نهایی درباره جنگ و صلح

و الأمر إلیک فانظری ماذا تأمرین

67- نگرانی ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 6

6 - نگرانی بلقیس از قدرت و غلبه سلیمان (ع) ، علی رغم اظهار آمادگی فرماندهان وی برای هر نبرد

قالوا نحن أولوا قوه . . . قالت إن الملوك إذا دخلوا قرية أفسدوها

طرح مسأله تباهی جامعه در صورت بروز جنگ، بیانگر مطلب یاد شده است.

68- ویژگیهای تخت ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 39 - 7

7 - بزرگی و ارزشمندی تخت ملکه سبا

وإني عليه لقوي أمين

از تعبیر «لقویّ آمین» استفاده می شود که تخت بلقیس بزرگ و نیز گران بها و ارزشمند بوده است.

69- ویژگیهای ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 496

1 - کیاست ملکه سبا و عدم تمایل وی به تسریع و پیشقدمی در جنگ

قالت إن الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها

5 - دل‌بستگی بلقیس به آبادی سرزمین و عزت و سربلندی مردم خویش

قالت إن الملوک .. و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

علت آوردن بلقیس برای پرهیز از جنگ، نشانگر اهتمام او در حفظ آبادی سرزمین و عزت جامعه خویش است.

70- هدایت ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 13

13 - راه یافتن بلقیس به توحید و تسلیم در برابر خدای یگانه با راهنمایی و مدد سلیمان (ع)

و أسلمت مع سلیمن لله ربّ العـلمین

تصریح بلقیس به «مع سلیمان» از یک سو به توحید خالص و بی شائبه همانند توحید سلیمان اشاره دارد و از سوی دیگر افاده می کند که سلیمان(ع) در راهیابی او به حق نقش داشته است.

71- هدیه ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 4، 1

1 - تدبیر ملکه سبا در فرستادن هدیه ای بزرگ برای سلیمان (ع)

وإتی مرسله إلیهم بهدیّه

بزرگی هدیه از نکره آمدن آن استفاده می شود.

4 - همراهی هیأتی از فرستادگان بلقیس با هدیه او به سوی سلیمان (ع)

فناظره بم یرجع المرسلون

تعبیر «مرسلون» با صیغه جمع، نشان دهنده رفتن هیأتی از نمایندگان همراه هدیه او به سوی سلیمان(ع) است.

72- هوشیاری ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 1

1 - کیاست ملکه سبا و عدم تمایل وی به تسریع و پیشقدمی در جنگ

ص: 497

قالت إِنَّ الملوک إذا دخلوا قرية أفسدوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 41 - 2

2- اهمیت پی بردن به میزان هوش و فراست ملکه سبا برای سلیمان (ع)

قال نكروا لها عرشها ننظر أتهتدی

ظاهراً اقدام سلیمان(ع) به آزمودن بلقیس، دانستن هوش وی بوده است. بنابراین تقدیر «ننظر أتهتدی...» چنین است: «ننظر أتهتدی إلی معرفه عرشها...؛ بنگریم آیا می تواند به شناختن تختش پی ببرد یا از کسانی است که نمی توانند راه یابند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 3,4

3- فراست بلقیس در بازشناسی تخت تغییر یافته خویش

قالت كآئه هو

نحوه پاسخ بلقیس، نشان دهنده فراست او است؛ زیرا نه تصریح کرد که آن اریکه، تخت او است و نه شباهت زیاد آن را با تخت خویش مخفی داشت.

4- درک سریع بلقیس نسبت به هدف سلیمان (ع) در احضار اعجازگونه تخت وی

قالت كآئه هو و أوتینا العلم من قبلها

بلقیس پس از شناخت اریکه خویش، بدون تأمل گفت: آنچه را که سلیمان(ع) با این کار می خواهد به ما بفهماند، ما خود از قبل فهمیده ایم.

ص: 498

1- استفاده از نعمت منّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 22

22_ بهره گیری از « منّ » و « سلوی » و روزی های پاکیزه ، توصیه خداوند به بنی اسرائیل

كلوا من طيبات ما رزقنكم

برداشت فوق با توجه به فعل امر (كلوا)، استفاده شده است.

2- بنی اسرائیل و خوردنی منّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 12

12 - قوم موسی با بهره گیری حرام از « منّ » و « سلوی » مرتکب گناه شده ، بر خود ستم کردند . *

كلوا من طيبات ما رزقنكم و ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جمله «و لكن كانوا ..» دلالت بر آن دارد که قوم موسی مرتکب حرام خواری شدند. به نظر می رسد از مصداقهای حرام خواری آنان - به قرینه وقوع جمله مذکور پس از بیان نزول منّ و سلوی - بهره گیری حرام از منّ و سلوی، همانند تجاوز به سهم دیگران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 18، 19

1 - بنی اسرائیل ، از بسنده کردن به « منّ » و « سلوی » ناخشنود بوده ، و از اکتفا کردن به آن اظهار ناشکیبایی می کردند .

لن نصبر علی طعام وحد

مراد از «طعام واحد» به قرینه آیه 57 «من» و «سلوی» می باشد.

18 - بنی اسرائیل ، در صورت دستیابی به خوراکی های دلخواه (سبزیجات و . . .) از « منّ » و « سلوی » محروم می شدند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

با وجود اینکه در سخنان بنی اسرائیل این معنا نبود که «مَنْ» و «سلوی» نمی خواهیم، ولی خداوند یا موسی(ع) در پاسخ آنان، جمله «أتستبدلون» (چرا معاوضه می کنید) را به کار برد تا به این نکته اشاره کند که: دستیابی به خوراکیهای یاد شده، موجب محرومیت شما از «مَنْ» و «سلوی» خواهد شد.

19 - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی (مَنْ و سلوی)

لن نصیر علی طعام وحد .. قال أتستبدلون الذی هو أدنی

3- زمینه نعمت مَنْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 20

20 - پدیدار شدن ابر بر فراز قوم موسی ، زمینه فرود آمدن مَنْ و سلوی برای آنان *

و ظللنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

عطف شدن «أنزلنا ..» بر جمله «ظللنا ...» می تواند حاکی از ارتباط میان آمدن ابر با نزول مَنْ و سلوی باشد.

4- نزول مَنْ بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 22, 6, 5, 3

3 - خداوند ، برای تغذیه قوم موسی - به هنگام عبورشان از صحرا - برای آنان «مَنْ» (ترنجبین) و «سلوی» (بلدرچین) فرستاد .

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

کلمه «مَنْ» در لغت به ترنجبین و نیز به شربتی شیرین، همانند عسل معنا شده است و در معنای «سلوی» گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند «سلوی» همان بلدرچین است.

5 - نزول «مَنْ» و «سلوی» بر بنی اسرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنکم .. و ظللنا علیکم الغمام

عطف جمله «ظللنا . . .» بر «بعثناکم . . .» اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول «منّ» و «سلوی» پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

6- قرار دادن ابر های سایه گستر و نازل کردن « منّ » و « سلوی » از معجزات ارائه شده به قوم موسی

و ظللنا علیکم الغمام و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

22- از امام صادق (ع) روایت شده که: « کان ینزل المنّ علی بنی اسرائیل من بعد الفجر إلى طلوع الشمس . . . » ;

«منّ» بر بنی اسرائیل بعد از سپیده صبح تا طلوع خورشید نازل می شد . . .».

ص: 500

6 - خداوند ، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع) ، خوردنی های « منّ » (ترنجبین) و « سلوی » (بلدرچین) نازل کرد .

و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

«منّ» قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. «سلوی»، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

7 - نزول « منّ و سلوی » بر بنی اسرائیل ، پس از نجات آنان از چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قد أنجینکم .. وعدنکم ... و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

نزول «منّ و سلوی»، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و بیابانی بودن محیط استقرار آنها است.

8 - نزول « منّ و سلوی » ، از معجزات ارائه شده به قوم موسی (ع)

و نزلنا

اختصاص یافتن «منّ و سلوی» از بین خوراکی ها و یادآوری نزول آن بر بنی اسرائیل، نشان از غیر عادی بودن نزول آن دو دارد.

5- نعمت منّ

18 - خداوند برای تغذیه قوم موسی به هنگام عبورشان از صحرای سوزان ، بر آنان منّ و سلوا فرو فرستاد .

و أنزلنا علیهم المنّ و السلوی

کلمه «منّ» در لغت به ترنجبین و نیز شربتی شیرین همانند عسل معنا شده است و در معنای «سلوی» گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی گفته اند «سلوی» همان بلدرچین است.

19 - « منّ » و « سلوی » خوراکی پاکیزه و از روزی های عطا شده به بنی اسرائیل

و أنزلنا علیهم المنّ و السلوی کلوا من طیب ما رزقنکم

26_ ظهور معجزاتی متعدد (پدید آمدن آب ، سایه ، نزول منّ و سلوی) برای قوم موسی در پی عبورشان از دریا

فانجست . . . ظللنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

ص: 501

1- آثار اجتناب از منابزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 16، 3

3- صلح و صفای اجتماعی، در گرو پرهیز اعضای جامعه از استهزا، عیب جویی و نسبت دادن عناوین زشت به یکدیگر

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ... لايسخر قوم من قوم... ولا تلمزوا أن

16- صلح، برادری و صفای اجتماعی، در گرو پرهیز اعضای جامعه از استهزاگری، عیب جویی و نسبت دادن عناوین زشت به یکدیگر

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ... لايسخر قوم من قوم... ولا تلمزوا أن

2- آثار منابزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 17

17 - نسبت دادن القاب زشت به مؤمنان، موجب فسق است.

بئس الاسم الفسوق بعد الإيمـن

برداشت بالا- بنا براین نکته است که تعبیر «بئس الاسم» نظر به شخصی داشته باشد که دیگران را با القاب زشت یاد می کند؛ یعنی، این خصلت (تناوب به القاب)، سبب می شود که انسان بد نام گردد و با نام «فاسق» از او یاد شود.

3- اهمیت اجتناب از منابزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 15

ص: 502

15 - لزوم پرهیز اهل ایمان ، از بر چسب زدن و نسبت دادن القاب زشت به یکدیگر

و لا تتابزوا بالألقاب

«تابز» ، در لغت به معنای لقب دادن به یکدیگر است و معمولاً در مورد القاب زشت به کار می رود.

4- توبه از منابزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 21، 20

20 - استهزا ، طعن و نسبت دادن القاب زشت به مؤمنان ، گناه و نیازمند توبه است .

لایسخر قوم . . . و لا تلمزوا . . . و لا تتابزوا . . . و من لم یتب

بنابراین که «و من لم یتب» نظر داشته باشد به تمام محتوای آیه و نه صرف کسانی که لقب بد بر مؤمنان می نهند، برداشت بالا استفاده می شود.

21 - توبه نکردن از استهزا ، طعن و نسبت دادن القاب زشت به مؤمنان ، باعث ورود حتمی فرد در زمره ظالمان

لایسخر قوم من قوم . . . و من لم یتب فأولئك هم الظالمون

5- سرزنش منابزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 18

18 - نسبت دادن اهل ایمان به فسق و نهادن القاب فاسقانه بر ایشان ، عملی زشت و ناروا

و لا تتابزوا بالألقاب بسئاسم الفسوق بعد الإیمان

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که «بسئاسم . . .» در مقام بیان مراد از «الألقاب» باشد؛ یعنی، القاب زشت عبارت است از نسبت دادن عناوین فاسقانه به کسانی که مؤمن اند.

6- گناه منابزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 20

20 - استهزا، طعن و نسبت دادن القاب زشت به مؤمنان، گناه و نیازمند توبه است .

لا یسخر قوم . . . ولا تلمزوا . . . ولا تنازروا . . . و من لم یتب

بنابراین که «و من لم یتب» نظر داشته باشد به تمام محتوای آیه و نه صرف کسانی که لقب بد بر مؤمنان می نهند، برداشت بالا استفاده می شود.

ص: 503

10- مناجات

1- مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 41 - 5

5_ گفتگوی حضرت زکریا با خداوند متعال

قال ربّ . . . قال ایتک

2- آثار مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 75 - 16

16_ نیایش به درگاه خداوند ، زمینه ساز رهایی از مشکلات

و اجعل لنا من لدنک ولیّاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 52 - 11

11_ دعا راهی برای رسیدن به قرب خدا و جلب رضایت اوست.

یدعون ربهم . . . یریدون وجهه

«وجه» به معنای صورت است و چون لحاظ معنای حقیقی این کلمه درباره خداوند معقول نیست بنابراین می تواند مراد از «یریدون وجهه» «یریدون مرضاته» باشد، چنانکه اغلب مفسران این احتمال را گفته اند.

ص: 505

3- آثار مناجات زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 3 - 2

2- دعا و راز و نیاز پنهانی زکریا به درگاه خدا، زمینه ساز برخورداری وی از رحمت خاص الهی بود.

رحمت ربّک ... زکریّا . إذ نادى ربّه نداءً خفياً

«إذ نادى» ظرف برای «رحمت ربّک» است. مفاد این ترکیب آن است که شمول رحمت خداوند بر زکریا، زمانی بوده که به مناجات پنهانی با خداوند پرداخته بود.

4- آثار مناجات شبانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 142 - 5

5_ عبادت و مناجات چهل شبه، عبادت و مناجاتی کامل و دارای اثری خاص است.

و أتممنها بعشر فتم میقت ربه أربعین ليله

به کارگیری واژه «اتمام» در جمله «اتمناها» و نیز استفاده از «تمّ» (به جای _ مثلا _ «صار») در جمله «فتم میقات ربه»، بیانگر این است که عبادت سی شبه عبادتی کامل و تمام نبوده و با سپری شدن چهل شب، کامل و تمام شده است. تصریح به اینکه پس از اضافه شدن ده به سی مجموع آن چهل شد (فتم ... اربعین) می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

5- آداب مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 2

2_ رعایت ادب با ابراز خضوع و کاربرد تعابیر شایسته از آداب نیایش به درگاه خداوند

قال عيسى ابن مريم اللهم ربنا .. و ارزقنا و انت خير الرزقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 10

10_ از آداب دعا توجه به ربوبیت خداوند در حال دعاست.

یدعون ربهم بالغدوة والعشیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 180 - 4

4_ ضرورت نیایش به درگاه خدا با توصیف وی به کمالات مطلق و تنزیه او از هر نقص و عیب

ص: 506

و لله الأسماء الحسنى فادعوه بها

6- ارزش مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 12

12_ نیایش کنندگان به درگاه خداوند، نزد او ارزشمندند؛ هر چند تهیدست باشند.

و لا تطرد الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي يريدون وجهه

7- امیدواری در مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 16 - 5

5 - توأم بودن بیم و امید در دعا و نیایش، امری بایسته و لازم است.

يدعون ربهم خوفاً وطمعاً

8- اهمیت مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 6

6_ انسانها موظف به دعا و نیایش به درگاه خداوند

و ادعوه مخلصين له الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 180 - 4

4_ ضرورت نیایش به درگاه خدا با توصیف وی به کمالات مطلق و تنزیه او از هر نقص و عیب

و لله الأسماء الحسنى فادعوه بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - انفاق ، دارای اهمیتی در رتبه نیایش و دعا به درگاه خداوند است .

یدعون ربهم . . . و ممّا رزقنهم ینفقون

ص: 507

ذکر انفاق در ردیف، تهجد و دعا و تسبیح، نشان دهنده اهمیت آن و هم رتبه بودنش با آنها است.

9- اهمیت مناجات در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 16 - 8

8 - دعا و نیایش در تاریکی شب ، امری بایسته و پسندیده است .

تتجافی جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفاً وطمعاً

10- اهمیت مناجات رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 5 - 5

5 - لزوم خلوت با خدا و راز و نیاز به درگاه او و انس بیشتر با قرآن ، برای رهبران و مبلغان دینی

قم الیل . . . ورتل القرآن ترتیلاً . إنا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً

11- اهمیت مناجات مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 5 - 5

5 - لزوم خلوت با خدا و راز و نیاز به درگاه او و انس بیشتر با قرآن ، برای رهبران و مبلغان دینی

قم الیل . . . ورتل القرآن ترتیلاً . إنا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً

12- ترس در مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 16 - 5

5 - توأم بودن بیم و امید در دعا و نیایش ، امری بایسته و لازم است .

يدعون ربهم خوفاً وطمعاً

13- خضوع در مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 2

2_ رعایت ادب با ابراز خضوع و کاربرد تعابیر شایسته از آداب نیایش به درگاه خداوند

قال عیسی ابن مریم اللّهم ربنا . . . و ارزقنا و انت خیر الرزقین

14- ذکر خدا در مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 10

10_ از آداب دعا توجه به ربوبیت خداوند در حال دعاست.

یدعون ربهم بالغدوه والعشیّ

15- زمان مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 17 - 4

4_ سحرگاهان ، مناسبترین زمان برای استغفار و طلب آمرزش از درگاه خداوند

و المستغفرین بالاسحار

16- زمینه مناجات موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 35

35- موسی (ع) زمانی توفیق مناجات با خداوند در کوه طور و دریافت حکم رسالت را یافت که از مرحله آزمون الهی و چشیدن سختی ها ، عبور کرد و شایستگی لازم را به دست آورده بود .

وفتنک فتوناً. . . ثمّ جئت علی قدری_موسی

17- شرايط مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 509

8_ پایبندی خالصانه به دین و پرهیز از شرک و التقاط، از شرایط دعا و نیایش به درگاه خداوند

و ادعوه مخلصین له الدین

18- مدت مناجات موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 51 - 3

3 - مدت زمان عبادت و مناجات ویژه موسی (ع)، چهل شب تعیین شد .

و إذ وعدنا موسی أربعین ليله

19- مقامات مناجات کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 12

12_ نیایش کنندگان به درگاه خداوند، نزد او ارزشمندند؛ هر چند تهیدست باشند.

و لا تطرد الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي يريدون وجهه

20- مناجات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 142 - 6

6_ خلوت و انزوای انبیا برای مناجات با خدا و عبادت او

و وعدنا موسی ثلاثین ليله

21- مناجات با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 40 - 4، 5، 7

4_ ادب زکریا در مقام تکلم با خداوند

وقد بلغنی الکبر

جمله «وقد بلغنی الکبر»، کنایه از ناتوانی بر آمیزش جنسی است.

ص: 510

5_ لزوم رعایت ادب در گفتار با خداوند

وقد بلغنی الکبر

7_ سخن گفتن با خداوند ، نیاز به واسطه ندارد .

فنادته الملائکه .. قال ربّ

با اینکه ملائکه برای زکریا (ع) پیام آوردند؛ ولی آن حضرت، خود با خداوند صحبت کرد و به ملائکه فرمود که از جانب من به خداوند بگویید.

22- مناجات خالصانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 53 - 13

13_ ایمان و نیایش خالصانه به درگاه خداوند، سپاسگزاری است.

ولا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوه و العشیّ یریدون وجهه .. ألیس الله بأعلم با

23- مناجات در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 9، 5

5_ حضور مؤمنانی در اطراف پیامبر (صلی الله علیه و آله) که هر بامداد و شامگاه به درگاه خداوند نیایش خالصانه داشتند.

ولا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوه و العشیّ یریدون وجهه

9_ بامدادان و شامگاهان، فرصتهایی مناسب برای نیایش و دعاست.

یدعون ربهم بالغدوه و العشیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 16 - 3، 1

1 - برکندن تن از بستر آسایش در دل شب ، برای نیایش خدا ، نشان مؤمنان راستین است .

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِأَيِّ تَنَاجَىٰ جَنُوبِهِمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ

«تتجافی» از ریشه «جفی» به معنای «ملازم نبودن با مکان و جا» است (المنجد) لازم به ذکر است که «تتجافی» حال برای «الذین» در آیه پیش است.

3 - نیایش مؤمنان راستین به درگاه خدا در دل شب ، همراه با بیم و امید است .

يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا

ص: 511

24- مناجات در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 5,9

5_ حضور مؤمنانی در اطراف پیامبر (صلی الله علیه و آله) که هر بامداد و شامگاه به درگاه خداوند نیایش خالصانه داشتند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوه و العشیّ یریدون وجهه

9_ بامدادان و شامگاهان، فرصتهایی مناسب برای نیایش و دعاست.

یدعون ربهم بالغدوه و العشیّ

25- مناجات در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 9

9- نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

ی- بنی اسرائیل قد أنجینکم... و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

26- مناجات زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 41 - 5

5_ گفتگوی حضرت زکریا با خداوند متعال

قال ربّ... قال ایتک

27- مناجات شبانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 144 - 11

11_ تصفیه موسی (ع) با مناجات چهل شبهه ، مقدمه ای برای دریافت تورات بود .

یموسیٰ اینی اصطفیتک .. فخذ ماء اتیتک

چون خداوند در پایان داستان مواعده خویش با موسی(ع) و مناجات چهل شبهه وی، اعطای پیامهای خویش را، که همان تورات باشد، مطرح ساخته، معلوم می شود آن مواعده و مناجات به سبب اعطای تورات بوده است.

ص: 512

28- مناجات شبانه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 142 - 4

4_ مناجات خاص موسی با خداوند با گذشتن چهل شب، در دو مرحله سی شبه و ده شبه، کامل شد و به حد مطلوب رسید.

فتم میقت ربه أربعین ليله

فعل «تَمَّ» متضمن معنای «بلغ» می باشد و بدین لحاظ «اربعین» مفعولٌ به برای آن است؛ یعنی: «فتم میقات ربه بالغاً أربعین ليله».

29- مناجات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 5

5_ حضور مؤمنانی در اطراف پیامبر (صلی الله علیه و آله) که هر بامداد و شامگاه به درگاه خداوند نیایش خالصانه داشتند.

ولا تطرد الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي يريدون وجهه

30- مناجات کامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 142 - 5

5_ عبادت و مناجات چهل شبه، عبادت و مناجاتی کامل و دارای اثری خاص است.

و أتممنها بعشر فتم میقت ربه أربعین ليله

به کارگیری واژه «اتمام» در جمله «اتمناها» و نیز استفاده از «تَمَّ» (به جای _ مثلا _ «صار») در جمله «فتم میقات ربه»، بیانگر این است که عبادت سی شبه عبادتی کامل و تمام نبوده و با سپری شدن چهل شب، کامل و تمام شده است. تصریح به اینکه پس از اضافه شدن ده به سی مجموع آن چهل شد (فتم ... اربعین) می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

31- مناجات موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 51 - 1

1 - خداوند ، پس از نجات بنی اسرائیل از سیطره فرعونیان ، موسی (ع) را برای عبادت و مناجاتی خاص فرا خواند .

و إذ وعدنا موسی أربعین ليله

ص: 513

به کارگیری کلمه «لیلَه» (شب) - با وجود اینکه معمولاً در بیان شبانه روز و مانند آن، از کلمه «یوم» (روز) استفاده می شود - اشاره به این معنا دارد که: وعده خدا با موسی (ع) برای عبادت و مناجات بوده است. از آن جا که موسی (ع) در میان بنی اسرائیل نیز اعمال عبادی داشته، معلوم می شود آن دعوت برای عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 142 - 1

1 - خداوند ، موسی (ع) را پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، برای عبادت و مناجاتی خاص فراخواند .

و وعدنا موسی ثلاثین ليله

به کارگیری کلمه «لیلَه» (شب)، با وجود اینکه معمولاً در بیان شبانه روز و مانند آن از کلمه «یوم» استفاده می شود، اشاره به این دارد که مواعده خدا با موسی برای عبادت بوده است. و چون موسی در میان قومش نیز عبادت و مناجات داشته، معلوم می شود که این، عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 151 - 1,2

1 - موسی (ع) پس از مشاجره خویش با هارون و پی بردن به ناتوانی او در برابر منحرفان ، رو به درگاه خدا آورد و به مناجات با او پرداخت .

قال رب اغفر لی و لأخی

2 - موسی (ع) در مناجاتش با خدا آمرزش خویش و برادرش هارون را از خداوند درخواست کرد .

قال رب اغفر لی و لأخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 45 - 2

2 - موسی و هارون (ع) با مناجات به درگاه خداوند و برشمردن موانع احتمالی اقدام خود ، از خداوند راه چاره خواستند .

قالا ربنا إنا نخاف أن یفرط علینا

32- مناجات موسی (ع) در میقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ مدت مناجات و عبادت ویژه موسی (ع) در مرحله نخست سی شب تعیین گردید .

و وعدنا موسی ثلاثین ليله

3_ موسی (ع) علاوه بر گذراندن سی شب برای عبادت و مناجات ، موظف به ادامه آن تا ده شب دیگر شد .

و أتممنها بعشرفتم میقت ربه أربعین ليله

«میقات» به معنای زمانی است که برای انجام کاری تعیین گردد. «میقات ربه» یعنی زمانی را که خدا برای انجام عبادت و

ص: 514

مناجات موسی تعیین کرد.

4_ مناجات خاص موسی با خداوند با گذشتن چهل شب، در دو مرحله سی شبه و ده شبه، کامل شد و به حد مطلوب رسید.

فتم میقت ربه أربعین ليله

فعل «تَمَّ» متضمن معنای «بلغ» می باشد و بدین لحاظ «اربعین» مفعولٌ به برای آن است؛ یعنی: «فتم میقات ربه بالغاً أربعین ليله».

7_ بروز بدا برای خدا در مقدار زمان تعیین شده جهت عبادت و مناجات موسی (ع)

و أتممنها بعشر

9_ موسی (ع)، برادرش هارون را به رهبری بنی اسرائیل تا پایان مناجاتش با خدا منصوب کرد.

وقال موسی لأخیه هرون اخلفنی فی قومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 144 - 11

11_ تصفیه موسی (ع) با مناجات چهل شبه، مقدمه ای برای دریافت تورات بود.

یوموسی انی اصطفیتک .. فخذ ماء اتیتک

چون خداوند در پایان داستان مواعده خویش با موسی (ع) و مناجات چهل شبه وی، اعطای پیامهای خویش را، که همان تورات باشد، مطرح ساخته، معلوم می شود آن مواعده و مناجات به سبب اعطای تورات بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 155 - 21

21_ موسی (ع) در مناجات خویش با خداوند، در پی هلاکت همراهانش در میعادگاه مناجات، از خداوند خواست تا وی و همراهانش را ببخشاید و بر آنان ترحم کند.

فاغفرلنا و ارحمنا و أنت خیر الغفرین

33- مناجات هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - موسی و هارون (ع) با مناجات به درگاه خداوند و برشمردن موانع احتمالی اقدام خود، از خداوند راه چاره خواستند .

قالا ربنا ائنا نخاف أن يفرط علينا

مناجات کنندگان

ص: 515

34- مقامات مناجات کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 12

12_ نیایش کنندگان به درگاه خداوند، نزد او ارزشمندند؛ هر چند تهیدست باشند.

ولا تطرد الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشيّ يريدون وجهه

ص: 516

11- مناظره

1- آداب مناظره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 25 - 5,6

5 - سفارش خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، برای رعایت ادب در مناظره با مشرکان

لاتسئلون عمّا أجرنا ولا نسئل عمّا تعملون

آوردن تعبیر «أجرنا» برای خود و «تعملون» برای مشرکان، ناظر به رعایت ادب از جانب پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد.

6 - رعایت ادب در گفتار دینی با دشمنان ، امری مطلوب و پسندیده است .

قل لاتسئلون عمّا أجرنا ولا نسئل عمّا تعملون

از سفارش خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر رعایت ادب مناظره با مشرکان، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 18 - 12

12 - لزوم سعه صدر در گفت وگو های علمی و در عرصه تضارب افکار و بیان اندیشه های گوناگون

الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه

2- ترک مناظره با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 8 - 13

13- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور به ترک مناظره و محاجه با کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان *

قل إن افتريتة فلا تملكون . . . کفی به شهیداً بینی و بینکم

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که تعبیر «کفی به شهیداً» به معنای ترک محاجه باشد؛ یعنی، پس از اتمام حجت، کار داوری درباره کافران را به خدا واگذار.

3- جواز مناظره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 111 - 16

16 - مشروعیت بحث و مناظره در اعتقادات و مبانی دینی

قل هاتوا برهنکم

4- روش مناظره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 25 - 8

8 - نادیده گرفتن خطاهای طرف مقابل در گفتار دینی با او و خود را هم سنگ او دانستن به منظور جلب نظر وی ، امری پسندیده است .

قل لاتسئلون عمّا أجرمنا و لاتسئل عمّا تعملون

مفسران برآنند که آوردن فعل ماضی «أجرمنا» آن هم از ماده جرم _ که دلالت بر تحقق جرم می کند _ و ذکر «تعملون» برای مشرکان _ که خطای محرزی دارند _ به دستور خداوند و برای جلب نظر آنان بوده است.

5- روش مناظره با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 25 - 5

5 - سفارش خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، برای رعایت ادب در مناظره با مشرکان

لاتسئلون عمّا أجرمنا و لاتسئل عمّا تعملون

آوردن تعبیر «أجرمنا» برای خود و «تعملون» برای مشرکان، ناظر به رعایت ادب از جانب پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد.

6- شرح صدر در مناظره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 18 - 12

12 - لزوم سعه صدر در گفت وگوهای علمی و در عرصه تضارب افکار و بیان اندیشه های گوناگون

الذین یستمعون القول فیتبّعون أحسنه

ص: 518

7- مناظره با جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 61 - 4

4- ترساندن فرعونیان از عذاب _ به خاطر افترای بر خداوند _ سرلوحه سخنان موسی (ع) در صحنه مقابله با ساحران فرعون

قال لهم موسى ويلكم لا تفتروا على الله كذباً فيسحتكم بعذاب

«ویل»؛ یعنی، «اندوه» و «هلاکت» و «هر سختی که از ناحیه عذاب پدید آید» (لسان العرب). «ویلکم» نفرین است؛ یعنی، عذاب باد بر شما. برخی آن را مفعول برای فعل محذوف دانسته اند؛ یعنی، أَلْزَمُوا وَيَلِكُمْ (با هلاکت و عذابتان همدم باشید). جمله «فیسحتکم بعذاب» روشنگر مفاد «ویلکم» است.

8- مناظره داود(ع) با سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 8

8- «عن أبي جعفر (ع) في قول الله تبارك و تعالی : « داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . » قال لم یحکما إثمًا کانا یتناظران ففهمها سلیمان . . . »

از امام باقر(ع) در باره قول خدای _ تبارک و تعالی _ «و داوود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث. . .» روایت شده که فرمود: داوود و سلیمان(ع) داوری نکردند، تنها مشغول مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد».

9- مناظره در عقیده دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 111 - 16

16 - مشروعیت بحث و مناظره در اعتقادات و مبانی دینی

قل هاتوا برهنکم

10- مناظره فرعون با موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - فرعون با پذیرفتن زمان و مکان پیشنهادی موسی (ع) برای مبارزه ، از ادامه بحث و گفت وگو با اولب فرو بست و مجلس

ص: 519

مناظره را ترک کرد .

فتوئی فرعون

11- مناظره موسی (ع) با فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 25 - 1

1 - مناظره موسی و فرعون در منظر جمعی از فرعونیان

قال لمن حوله

«حَوْلٌ» به چیزی که شیء را احاطه کرده باشد، گفته می شود. استفهام در «أَلَا تَسْتَمْعُونَ» برای اظهار تعجب است. یعنی «[فرعون] به کسانی که پیرامونش بودند [با تعجب] گفت آیا نمی شنوید».

مناظره نکوهیده

12- {مناظره نکوهیده}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 66 - 4

4_ نکوهش احتجاج و مناظره در مسائلی که بدان آگاهی نیست .

فلم تحاجّون فیما لیس لکم به علم

ص: 520

1- استفاده از منافع دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 12 - 15

15 - امتنان الهی بر آدمیان ، به خاطر بهره مند ساختن ایشان از منافع دریا

الله الذی سخیر لکم البحر .. و لعلکم تشکرون

برشمردن نعمت ها و شایسته شکر معرفی کردن آنها، دربردارنده منت گذاردن خداوند بر خلق است.

2- اعراض از منافع مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 28 - 8

8_ باور به پاداش های عظیم الهی ، زمینه پابندی به ارزش ها و گذشت از منافع مادی برای دین و دینداری

لاتخونوا الله .. و اعلموا ... و أن الله عنده أجر عظیم

هدف از بیان پاداش دهی خداوند پس از تکالیف یاد شده، ایجاد زمینه پابندی به آن تکالیف است.

3- اعلان منافع دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 66 - 5

5- آگاه کردن مردم به سودمندی دین داری و یازیان بی دینی ، روشی پسندیده و مفید در تبلیغ دین و هدایت انسان ها

قال أفتعبدون من دون الله ما لا ینفعکم شیئاً و لا یضرکم

ص: 521

4- اهمیت حفظ منافع اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 8

8- حفظ منافع و خیر و صلاح مردم، اصلی اساسی و معیاری تعیین کننده در نوع و مقدار تولید و گسترش سلاح و سیاست کلی جامعه دینی در صنعت اسلحه سازی است.

و علمنَه صنعَه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

برداشت یاد شده از «لام» انتفاع در «لکم» استفاده گردید، بدین معنا که آموزش صنعت اسلحه سازی به داوود(ع) در جهت حفظ منافع و خیر و صلاح مردم بود و همین مسأله، تعیین کننده سیاست کلی جامعه دینی در تولید و گسترش سلاح است.

5- اهمیت منافع معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 67 - 11، 10، 9

9_ خداوند خواهان تلاش مردم برای دستیابی به منافع معنوی و مواهب اخروی است.

و الله یرید الآخره

10_ دستیابی مجاهدان به مواهب اخروی و منافع معنوی، هدفی اساسی در تشریح جهاد

و الله یرید الآخره

11_ سرکوب دشمنان دین در میدان نبرد، آخرت جویی و موجب رسیدن به منافع معنوی و مواهب اخروی است.

ما کان لنبی أن یکون له أسری . . . و الله یرید الآخره

6- اهمیت منافع مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 39 - 4

4_ فرمان جهاد و شرکت همگان در آن، در جهت منافع مؤمنان و زیان تخلف از جهاد، تنها متوجه خود آنان است؛ نه خداوند.

إلا تنفروا یعذبکم عذاباً ألیماً . . . و لا تضروه شیئاً

7- بی ارزشی منافع بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 117 - 1

ص: 522

1- سود به دست آمده از راه بدعت گذاری در دین ، در مقایسه با زیان های آن ، بسیار ناچیز است .

و لا تقولوا ... هـذا حلـل و هـذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ... لا یفلحون . متـع

آیه شریفه ممکن است پاسخ به سؤالی مقدر باشد بدین صورت که: چرا کافران و بدعت گذاران در دین، از متاعهای دنیوی برخوردارند و چرا دنیا از آنان ستانده نمی شود.

8- بی ارزشی منافع دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 117 - 2

2- ناچیزی هر بهره دنیوی ، در قبال عذاب دردناک اخروی

متـع قلیل و لهم عذاب الیم

9- بی ارزشی منافع مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 4 - 6

6 - ارزش جهاد به این است که در راه خدا و جلب رضای او باشد و نه دستیابی به منافع مادی .

الذین یقـتلون فی سبیله

قید «فی سبیله» می رساند که انگیزه کسی که در جهاد شرکت می کند، تنها باید برای اعتلا بخشیدن به دین خدا بوده و از انگیزه های مادی (مانند غنیمت و ..) مبرا باشد.

10- تأمین منافع انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 21 - 10

10- فرمان های خدا و دستور او به جهاد ، در جهت منافع خود انسان ها است .

فإذا عزم الأمر فلو صدقوا الله لکان خیراً لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- تشریح انفاق از سوی خداوند ، صرفاً در جهت منافع خود انسان ها است .

تدعون لتنفقوا .. و من يبخل فإتّما يبخل عن نفسه و اللّٰه الغنيّ و أنتم الفقراء

ص: 523

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 6 - 5

5- آفرینش زمین ، نعمتی الهی برای انسان ها و در جهت منافع حیاتی آنان است .

ألم نجعل الأرض مهـدًا

«مهـد» و «مهـاد»، به معنای مکانی است که ممهـد و مهیـا باشد (مفردات راغب). بنابراین جمله «ألم نجعل...»، حاکی از این است که خداوند زمین را به گونه ای قرار داده است که برای ادامه حیات بشر آماده باشد.

11- تأمین منافع انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 3 - 9

9- بیان های تمثیلی و توصیفی قرآن ، برای توده های بشر و در جهت منافع آنان

كذلك يضرب الله للناس أمثـلـهم

لام در «للناس» بیانگر منفعت است.

12- تأمین منافع ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 23 - 5

5- آیین شرک ، حافظ منافع صاحبان زر و زور بوده و آیین توحیدی ناسازگار با آن است .

وقالوا لاتذرنا الهتكـم و لاتذرنا ودا . . و نسرًا

13- تأمین منافع جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 38 - 12

12- منافع همه طبقات جامعه ، حتی ثروتمندان ، در گرو انفاق و نوعی تعدیل ثروت *

تدعون لتتفقوا .. و الله الغني و أنتم الفقراء

تعبیر «و أنتم الفقراء» ممکن است هم شامل نیاز انسان به پاداش الهی و هم شامل نوعی نیاز طبیعی و اجتماعی انسان ها باشد؛ یعنی، اصولاً جامعه بدون انفاق، دوام نمی یابد و تشریح انفاق از سوی خداوند، در واقع تضمینی بر ثبات و پایداری جوامع بشری است.

ص: 524

14- تأمین منافع فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 25 - 5

5 - تعدیل اقتصادی به نفع سائلان و محرومان جامعه و مخالفت با زراندوزی، سیاست اقتصادی اسلام

و جمع فأوعی... إلا المصلین... والذین فی أموالهم حقّ معلوم. للسائل والمحرو

دو آیه مورد بحث - که در توصیف مؤمنان است - در مقابل جمله «و جمع فأوعی» - که در وصف کافران توانگر بود - قرار دارد. از مجموع این توصیف ها، می توان به مطلب یاد شده پی برد.

15- تأمین منافع قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 23 - 5

5 - آیین شرک، حافظ منافع صاحبان زر و زور بوده و آیین توحیدی ناسازگار با آن است.

وقالوا لاتدرنّ ءالہتکم و لاتدرنّ ودا... و نسرًا

16- تأمین منافع متکدیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 25 - 5

5 - تعدیل اقتصادی به نفع سائلان و محرومان جامعه و مخالفت با زراندوزی، سیاست اقتصادی اسلام

و جمع فأوعی... إلا المصلین... والذین فی أموالهم حقّ معلوم. للسائل والمحرو

دو آیه مورد بحث - که در توصیف مؤمنان است - در مقابل جمله «و جمع فأوعی» - که در وصف کافران توانگر بود - قرار دارد. از مجموع این توصیف ها، می توان به مطلب یاد شده پی برد.

17- تأمین منافع مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 10 - 7

7- تأمین و حفظ منافع یکایک مؤمنان ، در پرتو حاکمیت روح برادری بر تمامی اعضای جامعه *

فأصلحوأبين أخويكم

ص: 525

از تعبیر «أخویکم»، این نکته استفاده می شود که مؤمنان در یک جامعه، چونان برادران واقعی خود شما هستند که دوستی و صلح آنان مفید به حال شما و نزاع ایشان برهم زننده آرامش خود شما است.

18- تناول از منافع دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 174 - 4

4- تناول از منافع به دست آمده از دین فروشی و کتمان معارف کتاب های آسمانی ، در حقیقت خوردن آتش و پرکردن شکم از آن است

و یشترون به ثمناً قليلاً أولئك ما يأكلون فی بطونهم إلا النار

19- تهدید منافع فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 55 - 4

4- گریز بنی اسرائیل از مصر ، تهدیدی علیه منافع فرعونیان

و إنهم لنا لغانظون

چنانچه خشم فرعونیان به خاطر این باشد که با گریز بنی اسرائیل از مصر، نیروی کار عظیمی از دستشان خارج می شد و زیان بسیاری بر آنان وارد می گشت، برداشت یاد شده به دست می آید.

20- حفظ منافع اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 178 - 5

5- تأکید شعیب (ع) بر خیرخواهی خود، مبنی بر تضمین منافع مردم «ایکه» در پرتو رسالت وی

إتی لکم رسول آمین

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» (با لام انتفاع) استفاده می شود.

21- حفظ منافع خائنان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

4 - نساء - 4 - 105 - 19

ص: 526

19_ قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت ، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ .. بِمَا أَرَىكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا

22- حفظ منافع خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 14

14_ حفظ منافع خویشان و یا دفع ضرر از آنان نباید آدمی را به ناحق گویی وادارد.

و إذا قلتُم فاعدلوا و لو كان ذاقربی

اسم «کان» ضمیری است که به «المقول له» و مانند آن، که از «إذا قلتُم» به دست می آید، برمی گردد؛ یعنی هر چند آن کسی که سخن درباره او گفته می شود، خویشاوند گوینده باشد.

23- حفظ منافع قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 143 - 5

5- تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده، با توجه به قید «لکم» (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

24- حفظ منافع قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 125 - 5

5- تصریح هود (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع عادیان در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» _ با لام انتفاع _ استفاده می شود.

25- حفظ منافع قوم لوط

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

13 - شعراء - 26 - 162 - 5

ص: 527

5- تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

اِنِّی لَکُم رَسُوْلٌ اَمِیْن

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» (برای شما) به دست می آید.

26- حفظ منافع قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 107 - 5

5- تلاش نوح (ع) برای نمایاندن خیرخواهی خود و تضمین منافع قومش در پرتو رسالت خویش

اِنِّی لَکُم رَسُوْلٌ اَمِیْن

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» به دست می آید.

27- حلیت منافع تجارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 86 - 1

1_ منافع به دست آمده از کسب و تجارت عادلانه و بدون اجحاف، منافی حلال و نیکوست.

بَقِیَّتِ اللّٰهِ خَیْرٌ لَّکُمْ

سخن از مبادله و رعایت قسط در معاملات، می تواند قرینه بر این باشد که مراد از «بقیت» (باقی مانده) سودهایی باشد که از معاملات و مبادلات عادلانه برای فروشندگان باقی می ماند.

28- خیریت منافع حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 86 - 3,4

3_ تنها اهل ایمان، نیکویی منافع حلال و عادلانه و نادرست بودن منافع حرام و ظالمانه را باور خواهند کرد.

بَقِیَّتِ اللّٰهِ خَیْرٌ لَّکُمْ اِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِیْنَ

چون خیر بودن منافع حلال و عادلانه مشروط به ایمان نیست؛ یعنی، چه جامعه مؤمن باشد و چه نباشد، قسط و عدالت برای آنان خیر است، گفته شده «إن كنتم مؤمنین» شرطِ باور کردن و فهمیدن است؛ یعنی، اگر مؤمن شوید، می فهمید که منافع حلال خیر است و گرنه باور نخواهید کرد.

4_ خیر بودن منافع حلال و تجارت های عادلانه و سعادت آفرینی معارف و احکام الهی، از تعالیم شعیب (ع) به مردم خویش

ی_ قوم ... بقیت الله خیر لکم

ص: 528

29- رد منافع ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 23 - 5

5- آیین شرک ، حافظ منافع صاحبان زر و زور بوده و آیین توحیدی ناسازگار با آن است .

وقالوا لاتذرنا الهتكُم ولا تذرنا ودا . . . و نسرًا

30- رد منافع قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 23 - 5

5- آیین شرک ، حافظ منافع صاحبان زر و زور بوده و آیین توحیدی ناسازگار با آن است .

وقالوا لاتذرنا الهتكُم ولا تذرنا ودا . . . و نسرًا

31- رعایت منافع مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 93 - 8

8_ خیرخواهی شعیب تنها در جهت منافع مردم بود ، نه آمیخته به منفعت های شخصی خویش

و نصحت لکم

«لام» در «لکم» اشاره به خلوص شعیب در خیرخواهیش دارد.

32- زمینه تأمین منافع مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 5 - 6

6- رعایت حرمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، دارای خیر و منفعت برای خود مؤمنان

ولو ائتهم صبروا . . . لکان خیرًا لهم

33- شعيب (ع) و منافع مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 93 - 8

8_ خیرخواهی شعيب تنها در جهت منافع مردم بود، نه آمیخته به منفعت های شخصی خویش

و نصحت لکم

«لام» در «لکم» اشاره به خلوص شعيب در خیرخواهیش دارد.

34- عبادت برای منافع دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 66 - 6

6- جواز عبادت خدا، برای دستیابی به منافع آن و دفع ضرر ترک عبادت

أفتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئاً ولا يضرکم

ابراهیم(ع) برای اثبات بطلان شرک، بی حاصل بودن عبادت غیر خدا را دلیل آورد. از بیان این حقیقت می توان استفاده کرد که عبادت هر معبودی، باید ثمره ای برای آدمی در بر داشته باشد و انسان می تواند به انگیزه همین ثمره خدا را عبادت کند.

35- عظمت منافع ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 10

10- پیدایش حضرت عیسی (ع) بدون پدر و اسباب متعارف، کاری هدف مند و دارای منافع گسترده و بسیار بود.

هو علیّ هین و لنجعله آیه للناس

متحمل است عبارت «لنجعله...» عطف بر علتی محذوف باشد؛ یعنی «خلقناه من غیر آب لأغراض لا مجال لذكرها و لنجعله» فایده این حذف «ایهام» است؛ یعنی به قدری اغراض این کار بزرگ و گسترده است که گویا در کلام نمی گنجد.

36- عوامل محافظت از منافع صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- عوامل غیبی الهی، در حفظ منافع صالحان و فرزندان آنان، دخالت دارد.

فأراد ربك أن يبلغا أشدهما ويستخرجا كنزهما رحمة من ربك

داستان تعمیر دیوار و حفظ منافع یتیمان، گرچه در موردی خاص بوده، ولی پیام آیه، کلی است و آن این که به مناسبت عمل

ص: 530

صالح پدران، منافع فرزندان نیز محفوظ می ماند.

37- عوامل محافظت از منافع فرزندان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 82 - 10

10- عوامل غیبی الهی، در حفظ منافع صالحان و فرزندان آنان، دخالت دارد.

فأراد ربك أن يبلغا أشدهما ويستخرجا كنزهما رحمة من ربك

داستان تعمیر دیوار و حفظ منافع یتیمان، گرچه در موردی خاص بوده، ولی پیام آیه، کلی است و آن این که به مناسبت عمل صالح پدران، منافع فرزندان نیز محفوظ می ماند.

38- محمد (صلی الله علیه و آله) و منافع انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 61 - 8

8 _ گوش فرادادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سخن همه مردم، در جهت منافع آنان و به خطر و صلاح جامعه

و يقولون هو أذن قل أذن خير لكم

برداشت فوق بدین احتمال است که اضافه «أذن» به «خیر»، از باب اضافه موصوف به صفت باشد؛ یعنی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنوای خوبی است برای شما و این صفت در جهت صلاح جامعه ایمانی است.

39- محمد (صلی الله علیه و آله) و منافع جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 61 - 8

8 _ گوش فرادادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سخن همه مردم، در جهت منافع آنان و به خطر و صلاح جامعه

و يقولون هو أذن قل أذن خير لكم

برداشت فوق بدین احتمال است که اضافه «أذن» به «خیر»، از باب اضافه موصوف به صفت باشد؛ یعنی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنوای خوبی است برای شما و این صفت در جهت صلاح جامعه ایمانی است.

40- محمد (صلى الله عليه و آله) و منافع مؤمنان

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

ص: 531

11 - ترتیب اثر دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، تنها به سخنانی بود که در جهت منافع مؤمنان باشد .

و يقولون هو أذن قل أذن خير لكم . . . و يؤمن للمؤمنين

برداشت فوق با توجه به «لام» در «للمؤمنين»، که برای افاده منفعت است، استفاده می شود.

41- منافع اخروی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 20

20 - « عن الربيع بن خثيم قال : شهدت أبا عبد الله (ع) . . . قال : إني سمعت الله عز وجل يقول : « ليشهدوا منافع لهم » فقلت منافع الدنيا أو منافع الآخرة فقال : الكلّ ;

ربيع بن خثيم می گوید: امام صادق(ع) را دیدم که فرمود: شنیدم که خدای عزوجل می فرماید: «ليشهدوا منافع لهم» پس به امام(ع) عرض کردم: منظور از منافع، منافع دنیایی است یا اخروی؟ فرمود: تمام منافع».

42- منافع استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 20 - 3

3 - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافی درخور توجه برای انسان ها است .

أفلا ينظرون إلی . . . و إلی الأرض کیف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن آنها به حال آنان است.

43- منافع انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 121 - 11

11 - منفعت و سود واقعی انسان ها ، در گرو ایمان به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

و من يكفر به فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

1 - بقرہ - 2 - 132 - 9

ص: 532

9 - پیروی از ادیان الهی، به سود خود آدمی است.

اصطفی لکم الدین

برداشت فوق از «لام» در «لکم» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 6

6 - حرکت کشتی ها در دریا در جهت منافع انسان، از نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است.

إن فی .. الفلک تجری فی البحر بما ینفع الناس ... لأیت

کلمه «ما» در «بما ینفع» می تواند موصوله باشد که در این صورت «باء» به معنای مصاحبت است. بر این مبنا «التي تجری...»؛ یعنی، آن کشتیهایی که در دریا حرکت می کنند و چیزهایی (از قبیل مال التجاره ها و ...) به همراه دارند که برای مردم سودبخش است ... و نیز «ما» می تواند مصدریه باشد که در این صورت «باء» به معنای سبب است؛ یعنی، کشتیهایی که در دریا به خاطر نفع رسانی به مردم در حرکت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 104 - 7,8

7 - بینش و آگاهیهای ارائه شده از سوی خداوند، در جهت کمال و منافع انسان است.

فمن أبصر فلنفسه

8 - نفع و ضرر انسان در گرو پذیرش و یا عدم پذیرش بینشهای ارائه شده از جانب خداوند است.

فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 14

14 - مظاهر مادی طبیعت، در خدمت آدمیان و آفریده شده در جهت منافع آنان

والله جعل لکم من بیوتکم .. لعلکم تسلمون

لام در «لکم» که برای انتفاع است و در هر دو آیه به صورت تکرار آمده است، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 12 - 6

6- روزی ها ، منافع و ذخایر الهی برای انسان ، جلوه ربوبیت خداوند برای اوست .

لتبتغوا فضلاً من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 66 - 1

1- حرکت پیوسته کشتی ها و قوانین حاکم بر آن ، در جهت منافع انسان و جلوه ای از ربوبیت خداوند است .

ربکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

ص: 533

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 166 - 3,4

3 - نکاح و ارضای غریزه جنسی از طریق طبیعی و خداپسند ، در جهت منافع و مصالح انسان ها است .

و تذرون ما خلق لکم ربکم

برداشت یاد شده با توجه به قید «لکم» (برای شما) استفاده شده است.

4 - هم جنس گرایی و ارضای غریزه جنسی ، بیرون از چارچوب ازدواج مردان با زنان ، راهی غیرطبیعی و بر ضد منافع و مصالح انسان ها است .

أتأتون الذکران . . . و تذرون ما خلق لکم ربکم من أزوجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 46 - 15

15 - هشدار پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مردم از عذاب الهی ، در راستای نفع رسانی به آنان است .

إن هو إلا نذیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 14

14 - پاکي و دوري از گناه و آلودگي ها ، به سود بشر

و من تزکی فإتما یتزکی لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 42 - 3

3 - آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و . . .) از سوی خداوند ، به سود بشر و از نعمت های او است .

و ءایه لهم . . . و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

گفتنی است که لام در «لهم» برای انتفاع است؛ یعنی، مرکب های مانند کشتی را به نفع انسان ها آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 13 - 6

6 - نزول باران ، در جهت منافع انسان ها است .

و ينزل لكم من السماء رزقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 4

4 - خداوند ، آسمان را در جهت منافع انسان ها برافراشته ساخت .

اللّٰه الذی جعل لكم .. و السماء بناء

ص: 534

«بناء»، در لغت معنایی دارد که شامل: ساختمان، خیمه، چادر و مانند این ها می شود: اطلاق «بناء» بر آسمان از باب تشبیه است؛ یعنی، «جعل لكم السماء كالبناء».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 1

1 - خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ

لام در «لکم» برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، «أنعام» (جمع «نَعَم») در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع «شتر، گاو و گوسفند» به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 9، 7

7 - زوجیت و همسری ، امری الهی و در راستای منافع انسان

جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

9 - آفرینش چهارپایان و جفت قرار دادن آنها ، در خدمت منافع آدمی

جعل لكم ... و من الأنعام أزواجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 13 - 3

3 - تشریح دین از سوی خداوند ، در جهت منافع و مصالح انسان است .

شرع لكم من الدین

با توجه به لام «لکم» - که برای انتفاع است - و نیز از این که آیه در مقام امتنان است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 12 - 2، 1

1 - خداوند ، مسخر کننده دریا ها در جهت منافع آدمیان

اللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ

«لام» در «لکم» معنای منفعت را در بر دارد.

2- لزوم توجه به تدبیر خداوند در تسخیر دریا ها ، در جهت بهره‌وری و منافع انسان ها

اللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ

با توجه به این که انسان ها به هر حال از منافع دریا بهره مند هستند؛ این آیه درصدد بیان اصل بهره‌وری آنان نیست؛ بلکه پیام آن، این است که آنان این نعمت را بی حساب نپنداشته و اراده و تدبیر الهی را در آن نادیده نگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 13 - 7، 1

ص: 535

1 - مسخر بودن تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، به اراده الهی و در جهت منافع آدمیان

و سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ

«لام» در «لکم» برای منفعت است.

7 - مسخر بودن طبیعت در جهت منافع انسان ، در بردارنده درس های توحیدی برای اهل تفکر

اللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ ... وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَوَاتِ وَ ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 4

4_ مظاهر طبیعت با گستردگی و تنوع ، در خدمت منافع انسان

و نَزَّلْنَا ... فَأَنْبَتْنَا ... وَ النَّخْلَ ... رِزْقًا لِلْعِبَادِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 57 - 3

3 - عبادت خلق به درگاه خداوند ، سودمند به حال خود آنان

وَ مَا خَلَقْتُ ... إِلَّا لِيَعْبُدُونِ . وَ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 40 - 7

7 - تکالیف مالی مورد درخواست دین ، در جهت منافع خود مردم است ; و نه پاداشی به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) . *

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ

با توجه به این که در شریعت تکالیف مالی هست، از «أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا» استفاده می شود که آن تکالیف به عنوان مزد پیامبر(صلی الله علیه و آله) نمی باشد؛ چه این که آنها در نیازها و منافع خود جامعه اسلامی مصرف می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 2

2- خداوند، زمین را به گونه ای آفرید که در جهت مصالح و منافع انسان ها باشد .

جعل لكم الأرض ذلولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 19 - 3

3- گستردگی و پهنآوری زمین، برای انسان و در جهت مصالح و منافع او است .

والله جعل لكم الأرض بساطاً

مطلب یاد شده، از تعبیر «لکم» (برای شما) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 536

2 - خداوند، زمین را به گونه ای آفرید که انسان بتواند در آن راه های وسیع برای خود بسازد.

لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

برخی از مفسران، بر آنند که چون فعل «سلک» با «من» متعدی شده است، متضمن معنای اتخاذ است؛ یعنی، «لتتخذوا لأنفسکم منها سبلاً...».

3 - آفرینش زمین به صورت گسترده و پهناور، به منظور میسر شدن راه های گشاده و روشن برای بشر است.

و اللّٰه جعل لکم الأرض بساطاً . لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

برداشت یاد شده، از لام «لتسلکوا» _ که برای غایت و یا تعلیل است _ استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب، زمین، دانه ها، انگور، سبزیجات، زیتون، نخل، بوستان، میوه و چراگاه، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است.

متَّعَا لکم ولأنعَ مکم

«متعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

44- منافع انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 47 - 5

5_ گردش شب و روز و آرامش در شب و تلاش روزانه، در راستای تأمین نیازها و منافع انسان ها و هماهنگی با آنها است.

وهو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً و جعل النهار نشوراً

برداشت فوق، از لام «لکم» _ که برای انتفاع است _ به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - احكام و توصيه هاى الهى ، برخوردار از حكمت و فلسفه و در جهت منافع و مصالح انسان ها است .

ألم أعهد إليكم يـبنىءادم أن لاتعبدوا الشيطان إنّه لكم عدوّ مبين

توصيه خداوند به اطاعت نكردن از شيطان و بيان فلسفه و چرایی آن (إنّه لكم عدوّ مبين)، حاکی از حقيقت ياد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - احقاف - 46 - 12 - 6

6- كتاب هاى آسمانى ، پيامدار رحمت براى خلق و دربردارنده منافع حقيقي آنان

ص: 537

و من قبله كت_ب موسى إمامًا ورحمه

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که قرآن نیز مانند تورات، امام و رحمت است و این دو بعد، مخصوص به کتاب موسی نیست؛ بلکه ویژگی تمامی کتاب های آسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 51 - 5

5- هشدار های پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، روشن و در جهت منافع آدمیان

إِنِّي لَكُمْ مَنذِرٌ مَّبِينٌ

لام در «لکم» بیانگر انتفاع است.

45- منافع انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 7

7- ثمره و منفعت انفاق به خود انفاقگران بر می گردد .

و من يتولّ فإنّ الله هو الغنيّ الحميد

46- منافع تجارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 86 - 2

2_ منافع حلال و به دست آمده از تجارت های عادلانه و خالی از ظلم و اجحاف ، عطای الهی است .

بَقِيَّتِ اللّٰهِ خَيْرٌ لِّكُمْ

برداشت فوق ، از اضافه شدن «بقیّت» به «الله» استفاده می شود.

47- منافع ترفیع آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافعى درخور توجه برای انسان ها است .

أفلا ينظرون إلی . . . و إلی الأرض کیف سطح

آیه شریفه، گرچه توجه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه

ص: 538

سودمند بودن آنها به حال آنان است.

48- منافع تسطیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 20 - 3

3 - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافع درخور توجه برای انسان ها است .

أفلا ينظرون إلی . . . و إلی الأرض کیف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجّه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن آنها به حال آنان است.

49- منافع تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 3 - 6

6 - قرائت قرآن ، دارای منافع بسیار و تضمین شده از سوی خداوند

اقرأ وربك الأكرم

توصیف خداوند به «کریم ترین» - پس از امر به قرائت - بیانگر تأثیر آن در فراهم آمدن زمینه کرامت و احسان خداوند است.

50- منافع حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 1

1 - حج ، سرشار از سود ، منفعت ، خیر و برکت برای مردم

و أذن فی الناس بالحجّ. . . ليشهدوا من-فع لهم

«منافع» جمع «منفعه» است. منفعت؛ یعنی، سود، خیر و برکت. به کارگیری «منافع» به صورت جمع، بیانگر فراوانی برکت های حج است و آمدن آن به صورت نکره، حاکی از عظمت و بزرگی هر یک از این برکت ها می باشد.

51- منافع حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 86 - 1,2

ص: 539

1_ منافع به دست آمده از کسب و تجارت عادلانه و بدون اجحاف ، منافی حلال و نیکوست .

بَقِيَّتِ اللّٰهِ خَيْرٌ لِّكُمْ

سخن از مبادله و رعایت قسط در معاملات ، می تواند قرینه بر این باشد که مراد از «بقیت» (باقی مانده) سودهایی باشد که از معاملات و مبادلات عادلانه برای فروشندگان باقی می ماند.

2_ منافع حلال و به دست آمده از تجارت های عادلانه و خالی از ظلم و اجحاف ، عطای الهی است .

بَقِيَّتِ اللّٰهِ خَيْرٌ لِّكُمْ

برداشت فوق ، از اضافه شدن «بقیت» به «الله» استفاده می شود.

52- منافع حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

مَتَّعَا لَكُمْ وَلَئِنَّمَكُم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

53- منافع خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 20 - 3

3 - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافی درخور توجه برای انسان ها است .

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَىٰ ... وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سَطَحَتْ

آیه شریفه، گرچه توجه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن آنها به حال آنان است.

54- منافع دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 12 - 8

8 - نعمت ها و منافع دریا، نمود لطف و فضل الهی برای آدمیان

ص: 540

سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ . . . وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

از این که بر منافع نهفته در دریا «فضل الهی» اطلاق شده است، مطلب بالا به دست می آید.

55- منافع دنیا طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 18 - 6

6- همه دنیا طلبان ، به منافع و امکانات دنیوی ، دست نمی یابند .

من كان يريد العاجله عجلنا له . . . لمن نريد

56- منافع دنیوی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 20

20 - « عن الربيع بن خثيم قال : شهدت أبا عبد الله (ع) . . . قال : إني سمعت الله عز وجل يقول : « ليشهدوا منافع لهم » فقلت منافع الدنيا أو منافع الآخرة فقال : الكلّ ;

ربيع بن خثيم می گوید: امام صادق(ع) را دیدم که فرمود: شنیدم که خدای عزوجل می فرماید: «لایشهدوا منافع لهم» پس به امام(ع) عرض کردم: منظور از منافع، منافع دنیایی است یا اخروی؟ فرمود: تمام منافع».

57- منافع شخصی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 58 - 8

8_ منافع شخصی منافقان ، ملاک داوری آنان درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و عامل طعن و خرده گیری از آن حضرت

و منهم من يلمزك في الصدقت فإن أعطوا منها رضوا

58- منافع شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 11، 16

11 - شکرگزاری به درگاه خدا، دارای منافع حتمی است که عاید خود شکرگزار می شود.

و من یشکر فإتّما یشکر لنفسه

ص: 541

16 - بازگشتِ شکر به درگاه خداوند ، به خود انسان ، برخاسته از بی نیازی خداوند است .

و من یشکر فإتما یشکر لنفسه . . . فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ

59- منافع فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 52 - 7

7- وجود بنی اسرائیل در مصر ، در بردارنده منافی مهم برای فرعونیان

أَنْ أُسْرَ بَعَادَى إِنْكُمْ مَتَّبِعُونَ

اصرار فرعونیان بر نگه داشتن بنی اسرائیل در مصر، نشانگر مطلب یاد شده است.

60- منافع قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 23

23_ آزادی ناقه صالح برای چریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فَذُرُّوهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ

نهی از آزار رساندن به ناقه پس از فرمان به رها ساختن آن در علفزارها، گویای این است که تحمل ناقه آزاد برای قوم ثمود آسان نبوده و با منافع آنان در تضاد بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 9

9_ آزادی ناقه صالح برای چریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فَذُرُّوهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ

تهدید شدن قوم ثمود به عذاب در صورت بازداري ناقه از چریدن، نشان می دهد که سلامتی ناقه از سوی آنان، در خطر بود و آنها آزادی ناقه را برای چرا، به سودخویش نمی دیدند.

61- منافع مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 14,26

14_ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به

ص: 542

خویشان خود قرار نداده اند .

فیقسمان بالله ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قریبی

ضمیر در «به» به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در «کان» به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

26_ دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشاوندان ، نمی تواند مجوز پایمال سازی حقوق دیگران باشد .

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قریبی

62- منافع موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 20 - 12

12 - همه موجودات زمین و آسمان ، دارای منفعت و هدف غایی هستند .

ألم تروا أنّ الله سخر لكم ما فی السموت و ما فی الأرض

از شمول «ما» ی موصول، چنین استفاده می شود که هیچ موجود آسمانی یا زمینی، عبث و بیهوده نیست، بلکه به منظور هدف و منظوری آفریده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 10 - 1

1 - زمین ، سامان یافته از سوی خدای رحمان ، در جهت منافع انسان

و الأرض وضعها للأنام

واژه «أنام» در یکی از این معانی استعمال شده است: انسان یا جن و انس و یا همه موجودات روی زمین. در برداشت یاد شده معنای اول انتخاب شده است.

63- منافع یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 6

6_ حضور بنیامین نزد یوسف (ع)، به سود و منفعت یوسف (ع) بود.

کذلک کدنا لیوسف

لام در «لیوسف» لام منفعت است. بنابراین نقشه طرح شده و هدف از آن (نگه داشتن بنیامین) در جهت منافع یوسف(ع) بوده است.

ص: 543

64- موانع تشخیص منافع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 11 - 6

6- شتابزدگی انسان ، عامل اشتباه وی در شناخت سود و زیان واقعی خود

و يدع الإنسان بالشرّ دعاء بالخير و كان الإنسان عجولاً

جمله «و كان الإنسان عجولاً» در مقام تعلیل برای «و يدع الإنسان...» است؛ یعنی، چون انسان عجول است، شر و خیر و سود و زیان خویش را یکسان می بیند و به دنبال هر دو می شتابد.

65- نادرستی منافع حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 86 - 3

3_ تنها اهل ایمان ، نیکویی منافع حلال و عادلانه و نادرست بودن منافع حرام و ظالمانه را باور خواهند کرد .

بقیت الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین

چون خیر بودن منافع حلال و عادلانه مشروط به ایمان نیست؛ یعنی، چه جامعه مؤمن باشد و چه نباشد، قسط و عدالت برای آنان خیر است، گفته شده «إن کنتم مؤمنین» شرط باور کردن و فهمیدن است؛ یعنی، اگر مؤمن شوید، می فهمید که منافع حلال خیر است و گرنه باور نخواهید کرد.

66- یهود و حفظ منافع قومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 76 - 11، 12

11 - حفظ منافع قوم و جامعه یهود ، برتر از اعتراف به باور ها و عقاید دینی در دیدگاه عالمان و پیشوایان آنان

أتحدثونهم بما فتح الله علیکم . . . أفلا تعقلون

12 - پیشوایان و عالمان یهود ، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را ، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد ، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أُتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ . . . أَفَلَا تَعْقِلُونَ

منافع شخصی

67- {منافع شخصی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 544

10 _ مبلغان دین باید خیرخواه مردم بوده و نصایح خویش را آمیخته به منافع شخصی نسازند .

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم

68- منافع شخصی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 58 - 8

8 _ منافع شخصی منافقان ، ملاک داوری آنان درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و عامل طعن و خرده گیری از آن حضرت

و منهم من یلمزک فی الصدقت فإن أعطوا منها رضوا

منافع مادی

69- اعراض از منافع مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 28 - 8

8 _ باور به پاداش های عظیم الهی ، زمینه پابندی به ارزش ها و گذشت از منافع مادی برای دین و دینداری

لاتخونوا الله . . . و اعلموا ... و أن الله عنده أجر عظیم

هدف از بیان پاداش دهی خداوند پس از تکالیف یاد شده، ایجاد زمینه پابندی به آن تکالیف است.

70- بی ارزشی منافع مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 4 - 6

6 - ارزش جهاد به این است که در راه خدا و جلب رضای او باشد و نه دستیابی به منافع مادی .

الذین یقونون فی سبیله

قید «فی سبیله» می رساند که انگیزه کسی که در جهاد شرکت می کند، تنها باید برای اعتلا بخشیدن به دین خدا بوده و از انگیزه های مادی

(مانند غنیمت و.. مبرّا باشد).

71- منافع مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 545

14 _ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فیقسمان بالله ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قریبی

ضمیر در «به» به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در «کان» به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

26 _ دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشاوندان ، نمی تواند مجوز پایمال سازی حقوق دیگران باشد .

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قریبی

منافع معنوی

72- اهمیت منافع معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 67 - 10، 11، 9

9 _ خداوند خواهان تلاش مردم برای دستیابی به منافع معنوی و مواهب اخروی است .

و الله یرید الآخره

10 _ دستیابی مجاهدان به مواهب اخروی و منافع معنوی ، هدفی اساسی در تشریح جهاد

و الله یرید الآخره

11 _ سرکوب دشمنان دین در میدان نبرد ، آخرت جویی و موجب رسیدن به منافع معنوی و مواهب اخروی است .

ما كان لنبی أن یكون له أسرى . . . و الله یرید الآخره

ص: 546

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

